

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چند مصاحبه با هواداران ایرانی
گروه بی تی اس
درباره هواداری از این گروه
ج ۲

فهرست کامل این مجموعه

مقدمه

مصاحبه‌های انجام شده

مصاحبه با گلاره، ۱۴ ساله

من قبلاً این جور بودم که آه، آه رمان! آه، آه پسر که موهاش رو رنگ می‌کنه! آه، آه لباس صورتی برای پسر! آه، آه چشمای اینا فلانه! و از این جور فکرها، ولی خب بی‌تی‌اس ذهنم رو آپدیت کرد.

مصاحبه با سارینا، ۱۳ ساله

نگاه به چهره پاک و معصوم کی‌پاپ نکنین، پشت صحنه‌اش خیلی ترسناک‌تر از اون چیزی هست که نشون می‌ده.

مصاحبه با دیبا، ۱۵ ساله

از یه زمانی به بعد که تکامل عقلی‌ام بیشتر شد، دیگه دوست دارم بیشتر تر به زندگی خودم بپردازم و به فکر آیدول شدن نباشم، چون خیلی راه سختیه تا به اون مرحله برسی.

مصاحبه با فرشته، ۱۹ ساله

ولی یه سری آدم هم هستن که تو جریان کی‌رول از بچه‌های کوچیک‌تر سوءاستفاده می‌کنن، چون اولش تو رول نمی‌پرسی تو واقعاً چند سالته، اما بعد یهو می‌بینی بعد یه ماه حرفای ناجور زدن، می‌فهمی یکی‌شون ۱۴ سالشه یکی‌شون ۳۰ سال.

مصاحبه با نگین، ۱۳ ساله

بیش‌تر دوست‌هام که آرمی هستن یا کلاً جزو فن‌ها هستن، کلاً این جور ی ان که نمی‌تونن زجر کشیدن آیدول‌شون را تحمل بکنن و براشون به شدت گریه می‌کنن، به قول مامانم یک حالت دیوانگی این شکلی هست.

مصاحبه با رخساره، ۱۶ ساله

یکی از آرمیای دختر به جونگ‌کوک گفت، طرفدار بودن خیلی سخته، چون که می‌دونیم قراره یه روزی ازدواج کنی و ما رو تنها بذاری. بعد جونگ‌کوک هم در جوابش گفت، می‌دونی آیدول بودن هم خیلی سخته. چون می‌دونم اون روز قلب میلیون‌ها پروانه رو می‌شکنم.

مصاحبه با محسن، ۲۲ ساله

- یعنی دوستانت به صراحت اعلام کردند که آیدول‌های بی‌تی‌اس براشون جذابیت جنسی دارند؟
بله، دقیقاً وقتی من با سه، چهارتا از دوستانم دور هم بودیم، اینا رو گفتن.

مصاحبه با ثناء، ۱۶ ساله

اون که به جیمین فحش داد، منم به مادرش فحش دادم، بلاکم کرد و دیگه به پیام‌های من جواب نداد. بعد من بهش زنگ زدم، حتی التماسش کردم، فایده‌ای نداشت.

مصاحبه با فریبا، ۴۶ ساله

- ... شما بین دستورات دین و الگوبرداری از بی‌تی‌اس کدام را انتخاب می‌کنید؟

دستورات دینی مهم هستن، ولی وقتی می‌بینم که بی‌تی‌اس که خلاف دستورات دین ما کلاً حرکت کرده و موفق و محبوب هست، به نظر شما باید از کدوم الگو بگیرم؟ دین یا بی‌تی‌اس؟ من بی‌تی‌اس رو انتخاب می‌کنم.

مصاحبه با شبنم، ۲۵ ساله

دوستانم هستن که باباشون رو مجبور می‌کنن از جایی قرض کنه و هزینه عمل‌شون رو بده یا مثلاً دوست پسرشون هزینه عمل‌شون رو می‌دن که اون شکلی بشن که بیش‌تر مورد پسندشونه.

مصاحبه با شیدا، ۲۰ ساله

کلی مرد سن بالا به عنوان مشتری اونجا بودن و اون راهنما یا رئیس‌شون بهشون گفته که می‌رید از این مردها پذیرایی می‌کنید و هر چیزی ازتون خواستن نه نمیارید. بعد می‌گفت، من فقط گریه می‌کردم و اون رئیس‌سه هم می‌گفت، اگه بخوای قبول نکنی، قراردادت رو لغو می‌کنیم.

مصاحبه با ریحانه، ۱۵ ساله

من همیشه آهنگای بی‌تی‌اس و گاهی بلک‌پینک رو تو اتاقم می‌ذارم و باهاشون می‌رقصم، انقدر می‌رقصم که لاغر بشم، مثل گروه بلک‌پینک. بعد از ظهرا تا آهنگاشون رو گوش ندم و یه کم نرقصم، نمی‌تونم کار دیگه‌ای بکنم، این جوری انرژی می‌گیرم.

مصاحبه با احسان، ۱۷ ساله

پدر و مادرم خیلی سعی کردن خواهرم رو از رفتن به کره منصرف کنن، ولی اون گفت، اگر مانع رفتنم بشین، خودکشی می‌کنم. این طور بود که پدرم ترسید و حتی کمکش کرد برای رفتن ویزا بگیره.

مصاحبه با شیرین، ۲۲ ساله

به نظر من هر کی هوادار بی‌تی‌اس هست، نباید ازدواج کنه. چون ازدواج با خودش وابستگی میاره و گذشتن از بعضی چیزها به خاطر حفظ زندگی ضرورت پیدا می‌کنه و این با آزادی آدم قبل از ازدواج، کلی فاصله داره.

مصاحبه با مسعود، ۲۰ ساله

از اصل برابری انسان‌ها صحبت می‌کنن، ولی خودشون چه قدر مجلل و مرفه زندگی می‌کنند و چه جشن تولدهای میلیاردری رو در سراسر جهان می‌گیرند. این کجاش برابری انسان‌ها هست. نوجوان ما با دیدن زندگی مرفه آیدول‌ها و جشن تولدهای میلیاردری آن‌ها جز حسرت خوردن، نتیجه دیگری نمی‌گیرند.

مصاحبه با مهتاب، ۱۸ ساله

بیس فن‌دوم‌ها میان کشورها رو بر اساس ساعت‌هاشون طبقه‌بندی می‌کنند که چه زمانی بهتره که استریم زدن انجام بشه. در ضمن ربات تشخیص داده نشیم یا این طوری تشخیص داده نشه که عه همه مثلاً از فلان کشور دارند این ویدیو رو بازدید می‌کنن.

مصاحبه با الناز، ۱۲ ساله

– یعنی تو به خاطر کنسرتی که معلوم نیست بتونی بری یا نه، داری زبان کره‌ای به این سختی رو یاد می‌گیری؟
آره.

مصاحبه با پونه، ۱۸ ساله

...حتی من تو خیلی از فیکشن‌ها دیدم که رابطه با اعضای خانواده رو دارن نرمالایز می‌کنن.

مصاحبه با نرگس، ۲۱ ساله

من در واقع خانواده نداشتم، اعضای بی‌تی‌اس خانواده‌ی من شدن. من هر روز از زندگیم که سخت بود، به اونا پناه می‌بردم و اونا تمام فکر و ذهنم رو پر می‌کردن. انگار که از همه چیز فاصله گرفتم و خودم رو پرت کردم تو بغل شون.

مصاحبه با مریم، ۱۸ ساله

ولی آرمی‌های تازه وارد فکر می‌کنند، هر کی گفت بالا چشم بی‌تی‌اس ابرو هست، باید برن تو شکم یارو و بزندن پاره‌اش کنن.

مصاحبه با مرضیه، ۱۹ ساله

جیهوپ برای موزیک ویدیوهاش حاضر نشد از پرده سبز استفاده کنه و گفت، واقعاً اون ۱۳ تا ماشین رو آتیش بزنین تا همه چی واقعی به نظر برسه.

مصاحبه با پریناز، ۱۸ ساله

توی عکس‌هاشون نگاه کنی، شوگا دامن پوشیده، نامجون کت با دامن پوشیده و می‌خوان این مفهوم رو برسونن که لباس‌ها جنسیت ندارن و مخالف این تفکیک جنسیت هستن و معتقدن که لباس‌ها رو نباید طبق جنسیت، جدا کرد.

مصاحبه با شقایق، ۱۹ ساله

تو مدرسه می‌دیدم که بچه‌ها قبل از این که معلم بیاد، رو تخته کلاس، به زبون کره‌ای آهنگای بی‌تی‌اس رو می‌نوشتن، یعنی در واقع بلد بودن زبون شون رو، ولی من نه.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱- اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

۲- اثرهای اجتماعی هواداری از گروه پسران بی‌تی‌اس

۳- اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

۴- اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

۵- اثرهای آموزشی هواداری از گروه پسران بی‌تی‌اس

- ۶- اثرهای اقتصادی- سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس
- ۷- اثرهای هنری هواداری از گروه پسران بی‌تی‌اس
- ۸- اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس
- ۹- اثرهای خانوادگی هواداری از گروه پسران بی‌تی‌اس

فهرست مطالب کتاب حاضر

۹	مقدمه
۱۱	مصاحبه با ریحانه، ۱۵ ساله
۳۰	تأملی دوباره
۳۲	مصاحبه با احسان، ۱۷ ساله
۴۸	تأملی دوباره
۵۰	مصاحبه با شیرین، ۲۲ ساله
۷۰	تأملی دوباره
۷۲	مصاحبه با مسعود، ۲۰ ساله
۹۳	تأملی دوباره
۹۵	مصاحبه با مهتاب، ۱۸ ساله
۱۰۶	تأملی دوباره
۱۰۸	مصاحبه با الناز، ۱۲ ساله
۱۴۵	تأملی دوباره
۱۴۷	مصاحبه با پونه، ۱۸ ساله
۱۷۰	تأملی دوباره
۱۷۳	مصاحبه با نرگس، ۲۱ ساله
۱۸۹	تأملی دوباره
۱۹۲	مصاحبه با مریم، ۱۸ ساله
۲۰۹	تأملی دوباره
۲۱۱	مصاحبه با مرضیه، ۱۹ ساله
۲۴۳	تأملی دوباره
۲۴۶	مصاحبه با پریناز، ۱۸ ساله
۲۶۹	تأملی دوباره
۲۷۰	مصاحبه با شقایق، ۱۹ ساله
۲۸۲	تأملی دوباره

مقدمه

اثر حاضر در سه جلد، شامل مقدمه، ارایه ۲۳ مصاحبه انجام شده با محوریت فراز و فرودهای هواداری گروه بی‌تی‌اس و جمع‌بندی مباحث ارایه شده، در مصاحبه‌های درج شده در کتاب است.

عناوین مصاحبه‌های درج شده در جلد نخست با موضوع هواداری گروه بی‌تی‌اس، به قرار زیر بودند:

«من قبلاً این جور بودم که آه، آه رمان! آه، آه پسر که موهاش رو رنگ می‌کنه! آه، آه لباس صورتی برای پسر! آه، آه چشمای اینا فلانه! و از این جور فکرها، ولی خب بی‌تی‌اس ذهنم رو آپدیت کرد» (مصاحبه با گلاره ۱۴ ساله)،
 «نگاه به چهره پاک و معصوم کی‌پاپ نکنین، پشت صحنه‌اش خیلی ترسناک‌تر از اون چیزی هست که نشون می‌ده» (مصاحبه با سارینای ۱۳ ساله)،

«از یه زمانی به بعد که تکامل عقلی‌ام بیش‌تر شد، دیگه دوست دارم بیش‌تر به زندگی خودم بپردازم و به فکر آیدول شدن نباشم، چون خیلی راه سختیه تا به اون مرحله برسی» (مصاحبه با دیبای ۱۵ ساله)،

«ولی یه سری آدم هم هستن که تو جریان کی‌رول از بچه‌های کوچیک‌تر سوءاستفاده می‌کنن، چون اولش تو رول نمی‌پرسی تو واقعاً چند سالته، اما بعد یهو می‌بینی بعد یه ماه حرفای ناجور زدن، می‌فهمن یکی‌شون ۱۴ سالشه یکی‌شون ۳۰ سال» (مصاحبه با فرشته ۱۹ ساله)،

«بیش‌تر دوست‌هام که آرمی هستن یا کلاً جزو فن‌ها هستن، کلاً این جور ی ان که نمی‌تونن زجر کشیدن آیدول‌شون را تحمل بکنن و براشون به شدت گریه می‌کنن، به قول مامانم یک حالت دیوانگی این شکلی هست» (مصاحبه با نگین ۱۳ ساله)،
 «یکی از آرمیای دختر به جونگ‌کوک گفت، طرفدار بودن خیلی سخته، چون که می‌دونیم قراره یه روزی ازدواج کنی و ما رو تنها بذاری. بعد جونگ‌کوک هم در جوابش گفت، می‌دونی آیدول بودن هم خیلی سخته. چون می‌دونم اون روز قلب میلیون‌ها پروانه رو می‌شکنم» (مصاحبه با رخساره ۱۶ ساله)،

«- یعنی دوستانت به صراحت اعلام کردند که آیدول‌های بی‌تی‌اس براشون جذابیت جنسی دارن؟»

بله، دقیقاً، وقتی من با سه، چهارتا از دوستانم دور هم بودیم، اینا رو گفتن» (مصاحبه با محسن ۲۲ ساله)،

«اون که به جیمین فحش داد، منم به مادرش فحش دادم، بلاکم کرد و دیگه به پیام‌های من جواب نداد. بعد من بهش زنگ زدم، حتی التماسش کردم، فایده‌ای نداشت» (مصاحبه با ثنای ۱۶ ساله)،

«- ... شما بین دستورات دین و الگوبرداری از بی‌تی‌اس کدام را انتخاب می‌کنید؟»

دستورات دینی مهم هستن، ولی وقتی می‌بینم که بی‌تی‌اس که خلاف دستورات دین ما کلاً حرکت کرده و موفق و محبوب هست، به نظر شما باید از کدوم الگو بگیرم؟ دین یا بی‌تی‌اس؟ من بی‌تی‌اس رو انتخاب می‌کنم» (مصاحبه با فریبای ۴۶ ساله)،
 «دوستانم هستن که باباشون رو مجبور می‌کنن از جایی قرض کنه و هزینه عمل‌شون رو بده یا مثلاً دوست پسرشون هزینه عمل‌شون رو می‌دن که اون شکلی بشن که بیش‌تر مورد پسندشونه» (مصاحبه با شبنم ۲۵ ساله)،

«کلی مرد سن بالا به عنوان مشتری اونجا بودن و اون راهنما یا رئیس‌شون بهشون گفته که می‌رید از این مردها پذیرایی می‌کنید و هر چیزی ازتون خواستن نه نمی‌ارید. بعد می‌گفت، من فقط گریه می‌کردم و اون رئیس‌ه هم می‌گفت، اگه بخوای قبول نکنی، قراردادت رو لغو می‌کنیم» (مصاحبه با شیدای ۲۰ ساله).

در جلد حاضر ادامه مصاحبه‌های تهیه شده با هواداران گروه بی‌تی‌اس در مورد فراز و فرودهای هواداری از این گروه درج شده است. عناوین این مصاحبه‌ها به قرار زیر است:

«من همیشه آهنگای بی‌تی‌اس و گاهی بلک‌پینک رو تو اتاقم می‌ذارم و باهاشون می‌رقصم، انقدر می‌رقصم که لاغر بشم، مثل گروه بلک‌پینک. بعد از ظهرها تا آهنگاشون رو گوش ندم و یه کم نرقصم، نمی‌تونم کار دیگه‌ای بکنم، این جور انرژی می‌گیرم» (مصاحبه با ریحانه ۱۵ ساله)،

«پدر و مادرم خیلی سعی کردن خواهرم رو از رفتن به کره منصرف کنن، ولی اون گفت، اگر مانع رفتنم بشین، خودکشی می‌کنم. این طور بود که پدرم ترسید و حتی کمکش کرد برای رفتن ویزا بگیره» (مصاحبه با احسان ۱۷ ساله)،

«به نظر من هر کی هوادار بی‌تی‌اس هست، نباید ازدواج کنه. چون ازدواج با خودش وابستگی میاره و گذشتن از بعضی چیزها به خاطر حفظ زندگی ضرورت پیدا می‌کنه و این با آزادی آدم قبل از ازدواج، کلی فاصله داره» (مصاحبه با شیرین ۲۲ ساله)،

«از اصل برابری انسان‌ها صحبت می‌کنم، ولی خودشون چه قدر مجلل و مرفه زندگی می‌کنند و چه جشن تولدهای میلیاردی رو در سراسر جهان می‌گیرند. این کجاش برابری انسان‌ها هست. نوجوان ما با دیدن زندگی مرفه آیدول‌ها و جشن تولدهای میلیاردی آن‌ها جز حسرت خوردن، نتیجه دیگری نمی‌گیرند» (مصاحبه با مسعود ۲۰ ساله)،

«بیس فندوم‌ها میان کشورها رو بر اساس ساعت‌هاشون طبقه‌بندی می‌کنند که چه زمانی بهتره که استریم زدن انجام بشه. در ضمن ربات تشخیص داده نشیم یا این طوری تشخیص داده نشه که عه همه مثلاً از فلان کشور دارند این ویدیو رو بازدید می‌کنن» (مصاحبه با مهتاب ۱۸ ساله)،

«- یعنی تو به خاطر کنسرتی که معلوم نیست بتونی بری یا نه، داری زبان کره‌ای به این سختی رو یاد می‌گیری؟
آره» (مصاحبه با الناز ۱۲ ساله)،

«... حتی من تو خیلی از فیکشن‌ها دیدم که رابطه با اعضای خانواده رو دارن نرمالایز می‌کنن» (مصاحبه با پونه ۱۸ ساله)،

«من در واقع خانواده نداشتم، اعضای بی‌تی‌اس خانواده‌ی من شدن. من هر روز از زندگیم که سخت بود، به اونا پناه می‌بردم و اونا تمام فکر و ذهنم رو پر می‌کردن. انگار که از همه چیز فاصله گرفتم و خودم رو پرت کردم تو بغل شون» (مصاحبه با نرگس ۲۱ ساله)،
«ولی آرمی‌های تازه وارد فکر می‌کنند، هر کی گفت بالا چشم بی‌تی‌اس ابرو هست، باید برن تو شکم یارو و بزندن پاره‌اش کنن» (مصاحبه با مریم ۱۸ ساله)،

«جیهوپ برای موزیک ویدیوهاش حاضر نشد از پرده سبز استفاده کنه و گفت، واقعاً اون ۱۳ تا ماشین رو آتیش بزنی تا همه چی واقعی به نظر برسه» (مصاحبه با مرضیه ۱۹ ساله)،

«توی عکس‌هاشون نگاه کنی، شوگا دامن پوشیده، نامجون کت با دامن پوشیده و می‌خوان این مفهوم رو برسونن که لباس‌ها جنسیت ندارن و مخالف این تفکیک جنسیت هستن و معتقدن که لباس‌ها رو نباید طبق جنسیت، جدا کرد» (مصاحبه با پریناز ۱۸ ساله)،
«تو مدرسه می‌دیدم که بچه‌ها قبل از این که معلم بیاد، رو تخته کلاس، به زیون کره‌ای آهنگای بی‌تی‌اس رو می‌نوشتن، یعنی در واقع بلد بودن زیون شون رو، ولی من نه» (مصاحبه با شقایق ۱۹ ساله)،

در جلد سوم این مجموعه، عناوین کلان حاصل از مصاحبه‌های انجام شده که در جمع‌بندی پژوهش درباره هواداران گروه بی‌تی‌اس آمده اند، جمع‌بندی شده و مورد بحث قرار گرفته اند.

مصاحبه با ریحانه، ۱۵ ساله

من همیشه آهنگای بی‌تی‌اس و گاهی بلک‌پینک رو تو اتاقم می‌ذارم و باهاشون می‌رقصم، انقدر می‌رقصم که لاغر بشم، مثل گروه بلک‌پینک. بعد از ظهرا تا آهنگاشون رو گوش ندم و یه کم نرقصم، نمی‌تونم کار دیگه‌ای بکنم، این جوری انرژی می‌گیرم.

- سلام ریحانه جان امیدوارم خوب باشی.

سلام، ممنونم همچین شما.

- ممنونم از این که وقتت رو در اختیار من گذاشتی، مرسی از کمکت.

خواهش می‌کنم، خوشحالم که می‌تونم کمکتون کنم.

- ریحانه تو آهنگ‌های کره‌ای گوش می‌دی؟

آره زیاد، کی‌پاپ^۱ رو دوست دارم.

- گروه بی‌تی‌اس رو هم می‌شناسی؟

اووه، اصلاً بیش‌ترین آهنگ‌هایی که گوش می‌دم و فیلم‌هایی که می‌بینم مال بی‌تی‌اسه.

- منظورت فیلم‌های کره‌ایه؟

نه همون کلیپ‌های گروه بی‌تی‌اس منظورمه.

- ران‌هاشون رو هم می‌بینی؟

گاهی وقتا، چند باری دیدم باحال ان.

- می‌شه بیش‌تر در موردشون توضیح بدی؟

ببین مثلاً بازی‌های مختلفی رو تو هر قسمت اجرا می‌کنن، در حینش مسخره بازی درمیارن و اینا، مثلاً من یکی از ران‌ها که دروغ سنج بود رو خیلی دوست داشتم. یه دستگاه دروغ سنج گذاشته بودن و از اعضاء سوال می‌پرسیدن اگه دروغ می‌گفت، دستگاه نشون می‌داد. خیلی جالب بود.

- از کجا ران‌های بی‌تی‌اس رو دانلودشون می‌کنی؟

بیش‌تر با دوستانم برای همدیگه می‌فرستیم می‌بینم. گاهی‌ام چالش‌هاشون رو تو مدرسه اجرا می‌کنیم.

- پس دوستان هم ران‌ها رو دنبال می‌کنن.

آره اکثرشون می‌بینن فیلم‌هاش رو هم برای هم شیر می‌کنن. مثلاً یکی دانلود می‌کنه، واسه بقیه می‌فرسته یا مثلاً نوبتی هر بار یکی دانلود می‌کنه و می‌فرسته.



^۱ - k-pop

^۲ - Run. یک مجموعه تلویزیونی که در آن اعضای بی‌تی‌اس به چالش کشیده می‌شوند و به صورت هفتگی منتشر می‌شود.

- می‌شه بگی از چه نظر برات جذاب هستن؟

واقعیتش رو بگم بیش‌تر از خود اون بازی، مسخره بازی‌ها و کاراشون رو دوست دارم. خیلی کیوت و بانمک ان، از این که شوخ هستن خوشم میاد یا این که مثلاً از این که خود واقعی‌شون رو تو ران‌ها می‌بینی و این که چه جوری با دوستاشون حرف می‌زنن و ارتباط دارن، جالبه، انگار بیش‌تر بهشون نزدیکی. لهجه‌شون رو هم دوست دارم که باهم حرف می‌زنن، لحن‌شون باحاله، گاهی تو خونه راه می‌رم، الکی اداشون رو درمیارم و اون جوری حرف می‌زنم. یه سری چیز بی‌معنی تند تند می‌گم، اما با لحن خودشون، مثلاً کلمات رو می‌کشم و اینا، داداشم بهم می‌خنده بعدش اونم اداشون رو درمیاره (خنده).

- دوستان هم برای همین ران‌ها رو دوست دارن؟

آره فک کنم اکثراً به خاطر همین چیزا می‌بینن، وگرنه مسابقات‌شون رو که همه می‌تونن انجام بدن. مهم حاشیه‌های بازی‌هاشونه و کارای دیگه‌ای که کنارش می‌کنن. مثلاً وقتی یه ران می‌بینیم، دُرسا میاد می‌گه، دیدید مثلاً نامجون چه کار کرد، چه جذاب بود، آخ بمیرم براش! یا مثلاً جیمین یا هر کدوم‌شون.

- پس بیش‌تر از خود بازی، خود اعضای گروه براتون جذابیت دارن.

اوهوم لامصبا خیلی کراشن!

- کی‌دراما^۱ رو هم دنبال می‌کنی؟

نه بیش‌تر همون آهنگ‌ها و موزیک ویدیوهاشون رو می‌بینم.

- چرا؟ فیلم‌هاشون رو دوست نداری؟

نه نمی‌گم دوست ندارم، کلاً حوصله فیلم دیدن ندارم، یعنی چیزی که طولانی باشه حوصله ندارم، بیش‌تر همون موزیک ویدیو و اینا می‌بینم، فقط قبلنا یه فیلم دیدم اسمش پسران برتر از گل بود، خیلی معروف بود، دوستانم راجع بهش خیلی حرف می‌زدن، واسه منم تو فلش ریختن که ببینم، یکی از بازیگراش رو خیلی دوست دارم، تو فیلم اسمش گوجونپو بود، اما اسم واقعی‌ش لی مین هو هست.



- چه چیز فیلم برات جذابه که دوستش داری؟

کلاً خوش تیپ و جذابه و مغروره، تو فیلم هم همین طور بود همه دخترای مدرسه‌شون دوستش داشتن.

یعنی چون فقط خوش تیپ و مغرور بود دوستش داشتن؟

- خوب آره به نظر منم خیلی خوش استایل و خوش تیپه. کلاً پسرای کره‌ای کاریزما و استایل جذابی دارن، چه بازیگراشون چه آیدول‌های بی‌تی‌اس. یه جورایی آدم جذب‌شون می‌شه.

- خوب لی مین هو خصوصیت اخلاقی خاصی ام‌داره؟

نمی‌دونم دقیقاً، بیش‌تر همه واسه ظاهرش دوشش دارن، منم در همین حد فقط می‌شناسمش.

- دوستان تو هم می‌شناسنش؟

۱- کراش crush علاقه بسیار شدید به کسی که هنوز دسترسی خاصی به او ندارید یا اصلاً او متوجه علاقه شما به خودش نشده است.

آره اونای بیش‌تر از من فیلم می‌بینن، همه‌اش راجع به فیلم‌ها حرف می‌زنن و برای هم تعریف می‌کنن. ولی همون بی‌تی‌اس رو بیش‌تر دوست داریم.

- به نظرت این که به قول تو بازیگرها یا آیدول‌های کره‌ای خیلی جذاب ان و کاریزما دارن، هدف خاصی رو دنبال می‌کنه؟ منظورم اینه که از طرف کمپانی‌هاشون با هدف خاصی باید جذاب به نظر برسن.

خب واسه جذب مخاطب باید جذاب باشن دیگه، مثل بازیگرای ایرانی که لباسای مارک می‌پوشن و کلی به خودشون می‌رسن و آرایش می‌کنن. بعدم ببین به نظرم خب کلاً کره‌ای‌ها این جور هستن، چه دخترشون چه پسرشون چون از نظر هیکل و زیبایی پوستشون خاص ان، با بقیه کشورها فرق دارن و ما مخصوصاً ایرانی‌ها خوشمون میاد ازشون.

- ولی همه کره‌ای‌ها این شکلی نیستن‌ها! خیلی‌هاشون با بازیگرا و آیدول‌ها خیلی تفاوت دارن.

خیلی‌هاشون ولی شبیه به هم هستن. اکثرشونم که لاغر ان و پوست خوبی دارن!

- ولی کم هستن کسانی که ظاهرشون مثل آیدول‌ها و سلبریتی‌های کره باشه. اگه بری سرچ کنی و مردم معمولی کره رو ببینی، واقعاً بین این دو دسته خیلی تفاوت وجود داره.

خب شاید، بالاخره یه فرقی بین آیدول‌ها و مردم باید وجود داشته باشه دیگه.

- به نظرت خود آیدول‌ها هم دوست دارن برای زیبایی هر کاری رو انجام بدن؟

همه زیبایی رو دوست دارن اما آیدول‌ها برای این که تو گروه بمونن، باید قواعد کمپانی‌ها رو هم اجرا کنن. موقعی که واسه آودیشن میان و بعد جذب می‌شن، باید قواعد رو رعایت کنن. اگه هنجارهای زیبایی کی‌پاپ رو هم نداشته باشن، باید بهش برسن، حالا یا با عمل زیبایی یا هر جور دیگه.

- پس قبول داری که آیدول‌ها هم ممکنه ظاهر معمولی داشته باشن و با یه سری کارها قیافه‌شون رو تغییر می‌دن. یا باز هم حتی تو عکس‌هاشون از فتوشاپ و برنامه‌های ادیت چهره استفاده می‌کنن.

- اگه اون استاندارد زیبایی کمپانی رو نداشته باشن آره. اگر نتونن بهش برسن، نمی‌تونن عضو گروه بشن.

- آهنگ‌های ایرانی رو هم گوش می‌دی؟

اوایل آره، ولی از وقتی با بی‌تی‌اس آشنا شدم، آهنگای ایرانی اصلاً برام جذاب نیست، بدتر آدم دلش می‌گیره گوش می‌ده، بعضیاشونم چرت و پرت می‌گن یا غمگین ان.

- مثلاً چه آهنگی؟

آهنگای مهدی احمدوند، همه‌اش غمگینه یا محسن ابراهیم زاده، اصن بعضی چیزاش رو متوجه نمی‌شی که چی می‌گه کلاً خیلی سطح پایین و مسخره ان. اکثرشون غم و غصه هس یا عاشقانه‌ی بی‌محتوا. مثلاً یه نوجوون چرا باید این همه آهنگ غم و غصه‌دار گوش بده. بعضیاشونم که ریتماش تکراریه و شبیه به هم ان. یعنی از وقتی که کاربر کی‌پاپ شدم از بس جذاب و متنوع ان، آهنگ‌های ایرانی اصلاً به چشم نمیان و از چشمم افتادن. ولی خب شادمهر رو فقط دوست دارم و گوش می‌دم.

- خوب شادمهر هم که خیلی آهنگ غمگین داره.

آره، ولی صداس خیلی محشره، بعدشم آهنگاش خاصه و همه هم دوستش دارن. کلی آدم به خاطر کنسرتش می‌رن خارج.

- چرا همه دوستش دارن؟

خب خواننده خیلی خوب و حرفه‌ایه، مردم داره و مهربونه. همین که تونسته اون‌ور آب پیشرفت کنه، خودش یه امتیازه.



- یعنی اینجا نمی‌تونست پیشرفت کنه؟

شاید به این اندازه نه.

- در مورد بی‌تی‌اس می‌شه بیش‌تر واسم توضیح بدی؟

خب بی‌تی‌اس یه گروه آهنگه که هفت تا عضو داره و عضوهاش هم پسران و آهنگ می‌خونن، هم‌زمان باهاش می‌رقصن و حرکات هماهنگ انجام می‌دن.

- آهنگ‌هاشون به زبان کره‌ایه؟

هم کره‌ای می‌خونن، هم انگلیسی.

- بعد تو متوجه می‌شی که معنی شون چیه؟

خیلی نه! ولی گااهی می‌رم تو گوگل مثلاً اسم آهنگ‌شون رو سرچ می‌کنم و معنی متنش رو می‌بینم، ولی زیاد نه، خیلی کم.

- یعنی بدون این که معنی شون رو بدونی از آهنگ‌هاش خوشت میاد؟

بیش‌تر ریتم آهنگ‌هاشون یا همخوانی که باهم دارن رو دوست دارم من، حالا معنیش رو هم متوجه نشم، خیلی مهم نیست.

- مگه ریتمش چه طوریه؟

خب مختلفه، چه جوری بگم یه جور خاصیه. هم احساسی و لطیف داره، هم تند و شاد. یه جورایی وقتی می‌شنوی، احساساتی می‌شی، تو هر حالی باشی می‌تونی هر کدوم از آهنگاش که مناسب حالت بود رو بشنوی. مخصوصاً یه آهنگ دارن اسمش میک ایت رایته که انگار ترکیب همه‌هس، یه جاهاییش لطیف و احساسیه یه جاهاییش رپ و تنده، خیلی دوسش دارم، همه‌اش گوش می‌دم. موزیکش قشنگه، گذاشتمش آهنگ زنگم. می‌تونم الان بذارمش. از نت هم می‌تونم دانلود کنی همه‌شون رو.

- برام بفرستش که بعداً گوش کنم.

حتماً.



- ریچانه چند وقته که بی‌تی‌اس رو می‌شناسی؟

حدوداً سه سال.

- قبل از بی‌تی‌اس هم گروه یا خواننده دیگه‌ای رو می‌شناختی؟

آره یه گروه اسمش بلک‌پینکه. اولاً اینا رو می‌دیدم، اصن بی‌تی‌اس رو هنوز ندیده بودم. اما وقتی بی‌تی‌اس رو دیدم، دیگه بلک‌پینک برام خیلی جذابیت نداشت.

- یه کم از بلک‌پینک برام بگو؟

بلک‌پینک هم یه گروه آهنگه که چهارتا دخترن. اسماشونم اینه: جنی، رزی، لیسو و جیسو. هم می‌خونن هم می‌رقصن.

- هنوز هم اونا رو دنبال می‌کنی؟

آره اما بیش‌تر بی‌تی‌اس رو می‌بینم و دوست دارم.



- دلیل این که بی‌تی‌اس رو بیش‌تر دوست داری چیه؟

خب هم به جورایی بلک‌پینک تکراری شده بود، هم اعضای بی‌تی‌اس خیلی جذاب‌تر و کیوت‌ترن، الانم که همه بیش‌تر طرفدار بی‌تی‌اس ان و بلک‌پینک کم رنگ‌تر شده. الانم خب بلک‌پینک رو کامل کنار گذاشتم، در کنار بی‌تی‌اس رقص‌های بلک‌پینک رو هم می‌بینم، اما سبک آهنگ‌ها و اعضای بی‌تی‌اس رو بیش‌تر دوست دارم. بلک‌پینک رو رقص‌هاشون رو بیش‌تر از اعضای دوست دارم، قبلاً اعضاهاشون رو هم دوست داشتم‌ها، اما از وقتی بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کنم، دیگه اونا رو زیاد دوست ندارم.

- می‌شه در مورد جذابیت اعضای بی‌تی‌اس بیش‌تر توضیح بدی؟

ببین خب به جوری ان که همه دخترا عاشق‌شون می‌شن، قیافه‌هاشون، مدل موهاشون، هیکل‌هاشون، همه چیزشون کامل و درجه یک یا شیطنت‌هایی که دارن، کلاً با نمک و خاص ان. کلاً پسرای کره‌ای خیلی کراش ان. بعدم به نظر خود من دخترا بی‌تی‌اس رو بیش‌تر دوست دارن، پسرا بلک‌پینک رو. هر کدوم جنس مخالف براشون جذاب‌تره.

- یعنی در مورد تو هم چون بی‌تی‌اس پسر هستن، بیش‌تر دوست‌شون داری؟

خب به دلایلم می‌تونه این باشه. شایدم اصلاً دلیل اصلیش.

- آیدول‌ها رو به عنوان همسر هم دوست داری، مثلاً آرزو داشته باشی باهاشون ازدواج کنی؟
کیه که دوست نداشته باشه ولی فکر کردن بهش مسخره هس (باخنده).

- چرا مسخره هست؟

اولاً که اونا ازدواج نمی‌کنن، بعدشم حتی اگه ازدواجم بکنن، با یکی مثل خودشون که معروف باشه، ازدواج می‌کنن.

- دوستان تو هم دوست دارن باهاشون ازدواج کنن؟

آره، خیلی از دخترا دوست دارن، دوستامم همین طور.

- با همدیگه بر سر این که کدومشون با آیدول‌ها ازدواج می‌کنه، رقابت هم دارن؟

گاهی باهم کل می‌اندازن و دعوا می‌کنن. بایس‌هاش تو کامنت‌های اینستاگرام خیلی باهم بحث می‌کنن و حتی فحش می‌دن. اگه به هیت‌ر هم اون وسط باشه که همه بهش حمله می‌کنن. یه بار یکی از بچه‌ها یه کلیپ تو اینستا دیده بود که آنجلینا جولی گفته بود، دخترش عاشق جونگ‌کوکو و اونا زوج خوبی برای هم می‌شن، از اون روز کینه دخترش و خود آنجلینا جولی رو داره.



- یعنی نسبت به این که دختر آنجلینا جولی احیاناً با چونگ کوک ازدواج کنه، حسادت می‌کنه؟
آره، اون روز خیلی عصبانی بود، ما هم هی سر به سرش می‌داشتیم، بیش‌تر عصبانی می‌شد. انگار چونگ کوک الان حاضره که بره اون رو بگیره!
- در مورد بی‌تی‌اس و بلک‌پینک دوستان تو هم همین نظر رو دارن؟
فکر می‌کنم آره، همون طور که گفتم کلاً دخترا. بعضی دخترا حتی به بلک‌پینک حسادت می‌کنن و ازشون بدشون میاد. مثل دوستم مهسا.
- منظورت چیه حسادت می‌کنند؟
چون خوشگل ان، پولدار ان، مانکن ان. مهسا هم دوست داره مثلشون باشه، ولی نمی‌تونه، به خاطر همین انگار حسادت می‌کنه. مثلاً بلک‌پینک خیلی پولدار هستن و تفریحات لاکچری ای دارن، خریداشون رو نشون می‌دن و کلاً لاکچری زندگی می‌کنن، دخترا هم بهشون حسودی می‌کنن. حتی یه بار مهسا یه دامن خریده بود، شبیه دامن لیسا. تپل هم هست و اصلاً دامن بهش نمیاد و مثل اونا نمی‌شه، واسه همین ناراحت می‌شه اگه بهش بگیریم.
- یعنی چون دوستت مثل بلک‌پینک امکانات و پول نداره، بهشون حسادت می‌کنه؟
آره، چون نمی‌تونه مثل اونا بپوشه و بگرده.
- خوب به نظرت این برخورد و روش درسته؟
حسادت که در کل خوب نیست، مامانم می‌گه آدم باید خودش رو با خودش همیشه مقایسه کنه، اما خب به نظرم خیلی از دخترا این حسادت رو تجربه می‌کنن و دست خودشون نیست. مهسا هم همین طور.
- خوب مهسا با وجود این که بهشون حسادت می‌کنه، لباس شبیه اونا رو هم خریده بود؟
دوست داره شبیه‌شون بشه و وقتی می‌بینه هر کار می‌کنه نمی‌تونه، ناامید می‌شه و بیش‌تر حسادت می‌کنه.
- تو چی تو هم دوست داری مثلشون باشی؟
آره همه دخترا دوست دارن، اما من مثل مهسا حسادت نمی‌کنم، حتی گفتم که بلک‌پینک رو هم دنبال می‌کنم گاهی، اما مهسا از حسادت زیادش الکی می‌گه ازشون بدش میاد. نمی‌تونه مثلشون باشه، این جور می‌گه.
- با بی‌تی‌اس از کجا آشنا شدی؟
بیش‌تر اینستا و یوتیوب. البته تو مدرسه دوستام گاهی در موردش حرف می‌زدن تا این که خودمم فیلماشون رو تو اینستا و یوتیوب دیدم. اولین ویدیوشون رو اونجا دیدم، خوشم اومد. بعد رفتم بیش‌تر ازشون سرچ کردم و کم‌کم باهاش آشنا شدم. تازه یه نماد داره گروه‌شون.
- منظورت همون نماد بنفش رنگه که انگار دوتا دوزنقه کنار هم ان؟
آره دقیقاً، وایسا نشونت بدم اینهاش (نماد بی‌تی‌اس روی صفحه قفل گوشیش بود).
- عکسش رو روی صفحه قفلت گذاشتی؟!
آررره خیلییی دوستش دارم آخه.



- دقیقاً از چی شون خوشت میاد ریحانه؟

خب کلاً به سبک خاصی ان، هم آدمای گروهش، ظاهر و قیافه‌هاشون، هم حرکات هماهنگ با آهنگ‌شون، کلاً به رنگ و لعاب خاصی داره می‌دونی. فیلم‌هاشون خیلییی باکیفیتته، همه چی شون درجه یکه کلاً. هیچی رو کم نداشتن. از تیپ و قیافه‌شون بگیر تا صحنه و همه چی.

- می‌تونی مثال بزنی؟

مثلاً رنگ موهاشون یا مدل موهاشون، لباس‌های خاصی که می‌پوشن و ست می‌کنن، خیلی اسپرت و خاص ان، مثلاً به موزیک ویدیو دارن اسم آهنگش آیدوله، خیلییی دوستش دارم. فقط کافیه حرکات‌شون رو ببینی یا پشت صحنه‌های فیلمش رو. مثلاً به جای فیلم جیمین دهنش رو باز می‌کنه با کامپیوتر درست کردن به دفعه از تو دهنش می‌ره تو به صحنه‌ی دیگه. می‌خوای نشونت بدم؟ ببینی عاشقش می‌شی. دفعه اولی که دیدم، اون روز بیش‌تر از ۲۰ بار دیدمش. بعد خیلی طرح‌های این جوری تو فیلمش داره. تو آهنگش می‌گه، عاشق طرفدارام یا این که همیشه تناسب اندام دارن و لاغرن، پوست‌شون سفید و خوشگله، فک کن با این که پسر ان، اما از به دختر پوست‌شون بهتره، کلاً خیلی به خودشون می‌رسن و اهمیت می‌دن، در کل خیلی خوش‌تیپ هستن.

- به نظرت برای این که پوست‌شون سفید باشه، کار خاصی می‌کنن یا از برنامه خاصی مثل وایت واشینگ استفاده می‌کنن؟

کره‌ای‌ها کلاً سفید ان (!) و پوست خوبی دارن، فکر نکنم! این کار رو دوستای خودم بیش‌تر می‌کنن (باخنده). اما بی‌تی‌اس مثل بقیه کره‌ای‌ها ذاتاً پوست‌شون خوبه. لوسیون و اینا به پوست‌شون می‌زنن، ولی فکر نمی‌کنم از فیلتر و اینا استفاده کنن. این برنامه‌ای رو هم که گفتی، نشنیدم تا حالا.

- اما نژاد کره‌ای‌ها زرده‌ها.

ولی خب پوست‌شون سفیده و خیلی صافه.



- شاید از برنامه‌ها یا فتوشاپ برای سفید به نظر رسیدن پوست‌شون استفاده می‌کنن.

خب شایدم! ولی خب اونا به پوست صاف و خوب معروف ان، خیلی جاها دیدم مثلاً نوشته راز پوست صاف کره‌ای‌ها یا این جور چیزا.

- اما من عکس‌هایی از بی‌تی‌اس دیدم که بدون میکاپ و ادیت بوده و به بی‌نقصی عکسای ادیت شده‌شون نیست.

خب شایدم همین طوره که می‌گی، ولی خب در کل پیش بقیه کشورا پوست‌شون بهتره.

- دوستان تو از چه برنامه‌ای استفاده می‌کنن می‌دونی؟

یه سری برنامه‌هایی دارن مثل فتوشاپ، پوست‌شون رو صاف می‌کنه و آرایش‌شون می‌کنه. فک کنم اسم یکیش یوکم میکاپ بود.



- تو هم این برنامه رو داری؟

نه من فقط یه برنامه دارم چندتا عکس رو ترکیب می‌کنه کنار هم دیگه قرار می‌ده.

- ریحانه پس تو بیش‌تر جلوه‌ها و گرافیک موزیک ویدیوهاشون رو دوست داری، درسته؟

آره خیلی، اما رقصا و حرکات هماهنگشون رو بیش‌تر دوست دارم.

- خودت هم حرکات رقص بی‌تی‌اس رو اجرا می‌کنی؟

آره. واسه لاغری‌ام خوبه رقص.

- یعنی تو هم دوست داری مثل اونا لاغر باشی؟

خب چون دخترم، خیلی دوست دارم مثل اعضای بلک‌پینک ظریف و لاغر باشم، خودت که می‌بینی، من یه کم تپلم.

من همیشه آهنگای بی‌تی‌اس و گاهی بلک‌پینک رو تو اتاقم می‌ذارم و باهاشون می‌رقصم، اون قدر می‌رقصم که لاغر بشم، مثل گروه

بلک‌پینک. بعد از ظهرها تا آهنگاشون رو گوش ندم و یه کم نرقصم، نمی‌تونم کار دیگه‌ای بکنم، این جورى انرژی می‌گیرم.

- این جورى از درس‌هات عقب نمی‌افتی؟

اونا رو هم بعدش می‌نویسم، ولی گاهی وقتا اون قدر درگیرش می‌شم که می‌بینم شب شده و من تو اینستا هی تو اکسپلورم از بی‌تی‌اس

پست و فیلم می‌بینم. یه دفعه به خودم میام می‌بینم درسام مونده. مامانم هم غر می‌زنه.

- می‌تونى بگى تقریباً چند ساعت وقتت رو با بی‌تی‌اس می‌گذرونى؟

از مدرسه که میام تا شب حدوداً چهار، پنج ساعت، شب هم قبل خواب تا وقتی خوابم بیره می‌بینم، شاید دو ساعت.

- توی این مدت تونستی وزن هم کم کنی؟

آره، البته هم می‌رقصم هم کم‌تر هله و هوله و غذا می‌خورم، مامانم همه‌اش غر می‌زنه. ولی این جورى حس بهتری نسبت به خودم دارم،

همه‌اش دوست دارم بیش‌تر لاغر بشم، انقدر که مثل بلک‌پینک بشم، ولی مامانم می‌گه اونا ژن‌شون این جوریه و کلاً ریزه میزه ان، ولی

اونا هم ورزش می‌کنن و رژیمای خاصی دارن. پس ما هم می‌تونیم.

- به نظرت خودشون می‌خوان انقدر لاغر باشن یا برای لاغری از جای خاصی تحت فشار قرار می‌گیرن؟

خب کلاً که کراهی‌ها لاغر هستن، اما چون سلبریتی‌ام هستن، باید زیبا و لاغر به نظر برسن تا مخاطبشون بیش‌تر بشه، تهیه کننده و

کارگردان‌های برنامه‌هاشون ممکنه برای لاغری بهشون فشار بیان و برنامه‌های سختی بهشون بدن، وگرنه از کارشون اخراجشون می‌کنن.

حتی یه جا خوندم که تو کمپانی حتی اگه استعداد داشته باشی، اما زیبایی نداشته باشی، جای نداری! کلاً نباید چارچوب‌های گروه رو زیر

پا بگذارن.

- تاحالا پیش اومده که از آیدول‌ها کسی اخراج بشه؟

تو بی‌تی‌اس تا جایی که من می‌دونم نه، اما هستن آیدول‌هایی که توسط کمپانی‌ها اخراج شدن، مثلاً سوچین تو گروه جی آیدول که اخراج

شد یا هیونا که خواننده کراهی هست به خاطر رابطه‌اش با دان از کمپانی کیوب اخراج شد.

- دلیل اخراج سوچین چی بود؟

تا جایی که من شنیدم و دیدم بیش‌تر ناعادلانه بوده. چون خودم گروهشون رو فالو نمی‌کنم و اطلاع خاصی ازش ندارم، فقط می‌دونم جزء

گروه‌های کی‌پاپه و به خاطر یه سری تهمت‌هایی که بهش زده شده، از کمپانی کیوب اخراج شده.

- چه تهمت‌هایی؟

این که سوچین یکی از هم‌کلاسی‌های خودش رو مورد آزار قرار داده و اون هم ازش شکایت کرده و بهش تهمت قلدری زدن. کمپانی

کیوب هم قراردادش رو با سوچین فسخ کرده و از گروه بیرونش کرده. سوچین رو خیلی طرفدارهاش دوستش دارن و اتهامات وارد بهش

رو قبول ندارن، یکی از سولویست‌هایی که انقدر تو دل مخاطبش جا باز کرده و می‌گن حقش نبوده که باهاش این جورى رفتار بشه. ولی

خب هر آیدولی که چارچوب کمپانی خودش رو زیر پا بذاره، به همین سرنوشت دچار می‌شه.

- آیدول‌ها به جز اندامشون، در موارد دیگه هم تحت فشار قرار می‌گیرن؟

خب اگه لازم باشه، عمل جراحی می‌کنن یا لباس‌های خاصی می‌پوشن یا این که حتی با کی رابطه داشته باشن یا نداشته باشن، ازدواج

بکنن یا نکنن و خیلی چیزا.

- حتی اگه خودشون دوست نداشته باشن؟

آره، اونا این مسیر رو انتخاب کردن و نباید از قوانین کمپانی سرپیچی کنن. اونا واسه این که گروهشون دیس‌بند نشه، مجبور هستن.

- به نظرت کسی که به اجبار کاری رو انجام می‌ده و از خودش استقلال نداره، می‌تونه شخصیت سالمی داشته باشه؟
در بی‌تی‌اس که مشکلی ندارن، خیلی هم خوشحال و شنگول ان. به نظرم باهش کنار اومدن.

- ولی شاید تو ظاهر و چشم طرفداراشون این طوری هستن.

خب اگه ناراضی بودن گروه رو ترک می‌کردن. ولی الان چندین ساله باهم کار می‌کنن.

- اما تو خودت در اوج جوانی هستی و علاقه زیادی به استقلال و اختیار از خودت داری، دوست داری به اجبار کسی کاری انجام بدی؟

نه دوست ندارم، بین به نظرم خب آیدول‌ها هم دوست ندارن، اما برای جذب مخاطب‌شون و معروفیت‌شون مجبور ان.

- یعنی معروف شدن به هر قیمتی؟

.... (سکوت).

- تو هم رژیم خاصی رو داری؟

رژیم خاصی که از دکتر گرفته باشم نه، ولی خودم برا خودم یه محدودیتایی می‌ذارم که چاق نشم.

- مثلاً چه محدودیت‌هایی؟

هله هوله زیاد نمی‌خورم. غذا خیلی کم‌تر می‌خورم، ته دیگ نمی‌خورم اصن. بخورم کللی عذاب وجدان می‌گیرم و همه‌اش فک می‌کنم، الان شکمم بیش‌تر دراومده یا صورتم تپل شده و این خیلی حس بدیه. با مامانم همه‌اش سر سفره بحث داریم سر غذا. بعد که دیگه گاهی عصبانی می‌شه، می‌گه باشه، این قدر چیزی نخور تا مثل اسکلت متحرک بشی! همه‌اش هم بهم می‌گه از بس چیزی نمی‌خوری، پای چشمت سیاه شده و کلی نصیحتم می‌کنه.

- خوب به نظرت رژیم غیراصولی و این که چیزی نخوری، بهت آسیب نمی‌زنه؟

تا الان که چیزی نشده، بعدش هم انقدر حسم به خودم بهتره، خیلی خوبه که.

- خوب مگه نمی‌گی مامانت می‌گه پای چشمت سیاه شده؟

خب چون وقتی لاغر می‌شی، صورتت هم لاغر می‌شه، این طبیعیه.

- فکر می‌کنی به این همه رژیم و محدودیت نیاز داری؟

حداقل الان که آره. یه کم وزنم زیاده، تازه قبلنا تپل‌تر بودم.

- خوب وقتی به وزن مناسب رسیدی باز هم رژیم رو ادامه می‌دی؟

خب برای این که باز چاق نشم، باید ادامه بدم. فکر کنم تا آخر عمرم خنخخخ. همه کسانی که خوش هیکل ان یا مثلاً اعضای بی‌تی‌اس و بلک‌پینک همه‌شون رژیم دارن. بی‌خود نیست که انقدر لاغر ان.

- برای این که خوش تیپ و خوش قیافه به نظر بیان، به نظرت کار خاصی انجام می‌دن؟

بین مثلاً آرایش یه کم می‌کنن‌ها یا بعضیاشون گوشواره‌ام می‌اندازن، اما انگار ذاتیه این خوش قیافه بودن‌شون. با یه آرایش ساده هر کسی نمی‌تونه این طوری بشه. آرایششون هم بیش‌تر مثلاً برق لب و سفیدکننده و اینا می‌زنن و جذاب‌تر دیده می‌شن. ولی مثلاً به پوست‌شون خیلی می‌رسن، همه‌شون لوسیون می‌زنن به پوستشون! درسا دوستم می‌گه اون لوسیون‌ها خیلی گرون ان. شاید آدم‌های عادی نتونن بخرن، بعد می‌گه هر کی پولدار باشه قشنگ می‌شه، ولی به نظر من جذابیت باید تو وجود آدم هم باشه.



- خوب پسر هستن و آرایش می‌کنن؟

آره، چه اشکال داره.

- خوب آخه آرایش بیش‌تر مربوط به خانوم‌ها هست.

دیگه الانا مرد و زن اون قدر باهم تفاوت ندارن، وگرنه می‌شه نابرابری بین زنا و مردا. بی‌تی‌اس حتی لباس‌هایی که ممکنه زنونه باشه رو هم می‌پوشن یا همون طور که گفتم، زیورآلات مثل گوشواره هم می‌اندازن. بی‌تی‌اس می‌تونه مروج کم کردن اختلاف بین زن و مردا باشه که دیگه تفاوت جنسیتی بین شون نباشه. بعدم پسرای معمولی‌ام حالا دیگه آرایش می‌کنن، بی‌تی‌اس که دیگه معروف ان باید بالاخره خوب و جذاب به نظر برسن.



- یعنی فقط با آرایش می‌شه جذاب بود؟

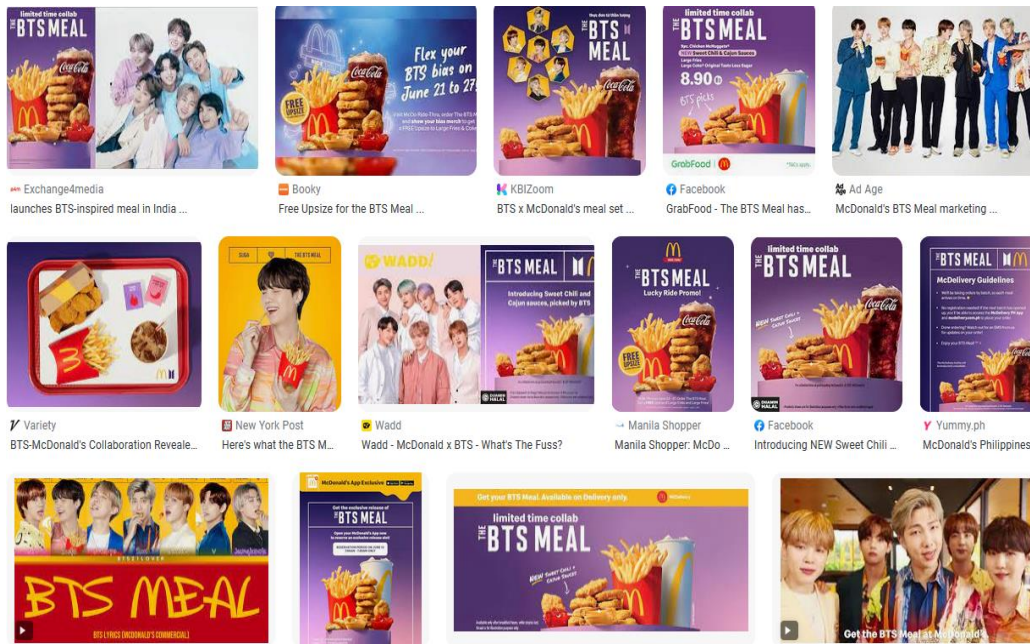
خب آدم جذاب‌ترتر! می‌شه دیگه.

- بی‌تی‌اس محصولات شون رو معرفی هم می‌کنن؟

ببین بیش‌تر مثلاً توی تبلیغات از شون استفاده می‌کنن یا مثلاً مدلینگ ان، مثلاً تبلیغ گوشی سامسونگ، تبلیغ خوراکیا، تبلیغ حتی صندلی! خب چون ظاهر و اندام شونم خوبه، مدلینگم هستن دیگه، یه نوع نوشیدنی‌هایی هست که عکس اعضای بی‌تی‌اس روشه باهاشون موبانگ^۱ درست می‌کنن، یا کوکی و خوراکی‌های دیگه‌ای که عکس بی‌تی‌اس روشون خورده و خوردن شون صدا می‌ده و باهاش موبانگ می‌سازن.

^۱ - Mukbang

موبانگ به عنوان برنامه خوردن شناخته می‌شود، یک پنخس آنلاین سمعی و بصری است که در آن یک میزبان هنگام تعامل با مخاطب، مقدار زیادی غذا مصرف می‌کند. در سال ۲۰۱۰ در کره جنوبی محبوب شد و از آن زمان به یک روند جهانی تبدیل شد (ویکی پدیا).



- خوب بی‌تی‌اس که لاغر هستن و رژیم‌های افراطی رو دنبال می‌کنن، پس چه طور اعضاهاش با خوردن غذا و نوشیدنی زیاد موکبانگ می‌سازن؟ این واسه من تناقض ایجاد کرده.

خب بیش‌تر جنبه تبلیغی داره، بعدم همیشه که این همه غذا نمی‌خورن، برای گرفتن کلیپ و یا مثلاً تبلیغ این کار رو می‌کنن، اون جوری که باید چاق می‌بودن، ولی خیلی‌هاشون لاغر ان حتی. بیش‌تر جنبه تبلیغش منظورشونه به نظرم.

- خوب بی‌تی‌اس خودش مروج لاغری و رعایت رژیم و این‌هاست، ولی طرفدارهاش با این کار به نظرت نسبت بهشون خیانت نمی‌شه؟ نه. واسشون تبلیغ می‌کنن!

- یعنی تبلیغ به قیمت کنار گذاشتن اصول گروه؟

خب اصول گروه بیش‌تر برای خود آیدول‌ها هست، طرفدارهاش که مجبور نیستن این همه افراطی رعایت کنن.

- ولی خب طرفدار واقعی اصول آیدول مورد علاقه‌اش براش مهمه نه؟ سعی می‌کنه هر چه بیش‌تر شبیهش بشه.

بین خب اونا به خاطر کارشون مجبورن یه سری اصول رو رعایت کنن و اگر کارشون نباشه، خودشون شاید این جوری نباشن. پس یه آدم معمولی که تحت فشار خاصی از جایی نیست، مجبور نیست که.



- به نظرت چرا عکساشون رو روی خوراکی‌ها یا محصولات دیگه می‌زنن؟

خب چون معروف ان و همه دوستشون دارن، وقتی عکسشون رو روی یه محصولی می‌بینن ترغیب می‌شن که بخرنش.



- تو هم دوست داری اون محصولات رو امتحان کنی؟

آره ولی خب همه چیزاشون تو ایران نیست، ولی بعضی وسایل و محصولاتی هستن که عکس اعضای بی‌تی‌اس یا نمادشون روشه.

- مثل چی؟

مثلاً یه سری پوستر و آویزای تزئینی که تو اتاق می‌تونی بزنی یا جامدادی، لباس، لیوان، جوراب. بعد یه سری مجسمه‌هایی هستن مثلاً شکل اعضای بی‌تی‌اس درست‌شون کردن.

- تو هم تاحالا این محصولات رو خریدی؟

آره، جامدادیش رو دارم نماد بی‌تی‌اس روشه. یه جورابم دارم، همین طوره.

- از کجا خریدیشون؟

جامدادی رو از دیجی کالا، اما جوراب رو از یه مغازه. یه سری پیچ‌ها هم هستن، وسایلی که روش عکس بی‌تی‌اس هست رو می‌فروشن.



جامدادی طرح بی تی اس مدل jm20899

۴.۴ (۴۸) دیدگاه کاربران = پرسش و پاسخ

۷۷% (۲۵ نفر) از خریداران این کالا را پیشنهاد کرده‌اند

- تو اون پیچ‌ها رو داری؟

آره، یه دونه دارم.

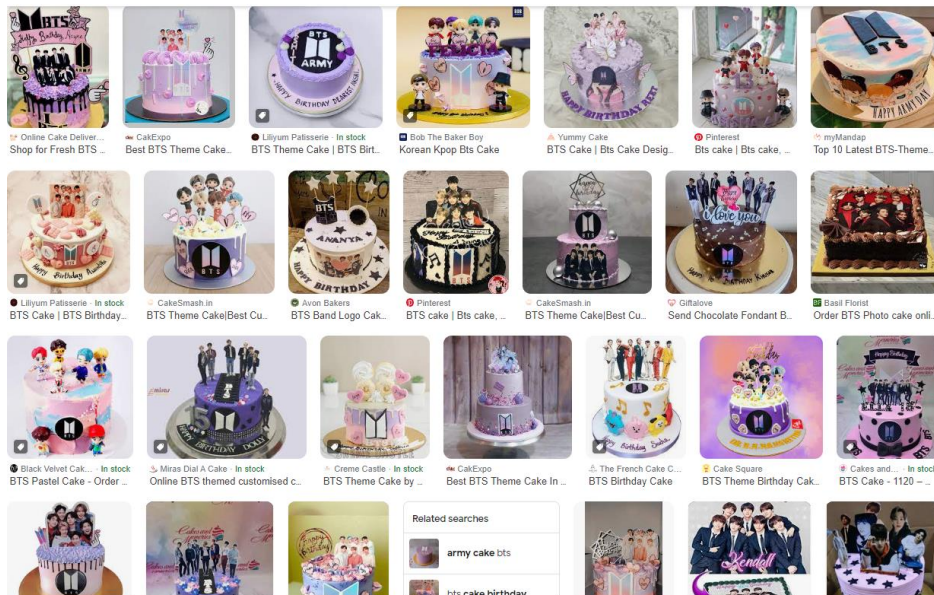
- می‌تونی بهم نشون بدی؟

آره الان. البته تازه فالوش کردم، هنوز ازش چیزی سفارش ندادم، اما یه سری فتوکارت‌هایی دیدم، عکس هر کدوم از اعضای بی‌تی‌اس رو که بخوای برات روش می‌زنن و می‌تونن سفارش بدی و باهاشون قاب گوشی درست کنی. می‌خوام با عکس جیمین سفارش بدم. بعد یه چیز جالب این که هر کدوم از آیدول‌ها برا خودشون یه بالم لب مخصوص خودشون رو دارن، مثلاً یه نوعش مال جیمینه، یکی مال جونگ‌کوک و می‌تونن سفارش بدی، برات بفرستن. آلمانیه. یه سری گردنبندهایی هم هست اسم آیدول‌ها روشه، به هر کدوم علاقه داشته باشی می‌اندازی گردنت، دوستام خریدن، می‌گن هر کی طرفدار بی‌تی‌اسه باید تو گروه‌مون بخره، وگرنه، نشون می‌ده که الکی می‌گه طرفداره.





- یعنی گردنبد رو نشونه طرفدار واقعی بی تی اس بودن می دونن؟
آره، منم باید بخرم. می خوام مال جیمین رو بخرم. دوستام حتی کیف بی تی اس و استیکرش رو هم خریدن. فاطمه می گه اگه کسی اینا رو نداشته باشه، از گروه باید بره بیرون. منم یه بار به مامانم گفتم من هم باید بخرم، مامانم گفت، کیف دارم و جدید خریدم، سر همون کیف با دوستام دعوا کردیم. منم قول دادم، سال دیگه می خرم.
- خوب اگه نخری تو رو هم بیرون می کنن؟
آره، ممکنه.
- یعنی فقط به خاطر این که کیف بی تی اس رو نخیدی؟
خب می گن نشونه یه آرمی هستش. کسی رو هم که آرمی واقعی نباشه، از گروهشون بیرون می کنن. حتی اگه تولد یکی شون باشه، می رن بیرون باهم جشن می گیرن و کیک اینا می گیرن. اکثر وسایل شون رو هم دارن.



- از همون پیچی که گفتی می خرن؟
آره، اینم عکسشه.



- به نظرت چی باعث می‌شه که فن‌ها این قدر به خریدن این وسایل اصرار داشته باشن؟
به نظرم خب یه جورایی یه تعصب و عرق خاصی نسبت به آیدول‌ها هست دیگه.

- یعنی می‌گی خود فن‌ها دوست دارن، به دلایل شخصی این وسایل رو داشته باشن یا از جای خاصی تحت فشار قرار می‌گیرن؟
بین، به نظرم وقتی یکی طرفدار کسی هست، هر کسی، چه بی‌تی‌اس چه یه گروه یا آدم دیگه ناخودآگاه شبیهش می‌شه، مثلش لباس می‌پوشه یا لباس‌ها و چیزایی می‌خره که نشون بده طرفدار اون آدم هست و این جور ی حس خوبی داره.

- یعنی اگه طرفدار یکی باشی، اما توی ظاهر نشون ندی، یعنی طرفداریت واقعی نیست؟
نه خب، صد در صد که دل آدم مهمه، اما خب وقتی فن هستی، یه جورایی کشیده می‌شی به سمت این که هر چه بیش‌تر خودت رو شبیهش کنی یا حتی دلت رو خوش می‌کنی به یه سری وسایلی که نماد یا تصویر اون آیدول رو داره. بعد همیشه دوست داری اون رو از نزدیک ببینی. باورت می‌شه، من حتی گاهی خواب دیدم که رفتم کره و دارم بی‌تی‌اس رو از نزدیک می‌بینم!

- دوست داری که به خاطر بی‌تی‌اس به کره سفر کنی یا اونجا زندگی کنی؟
بین من کلاً کره‌ای‌ها رو دوست دارم، هم غذاهاشون رو، هم قیافه آدماش، هم کلاشون، البته چشم‌شون یه کم درشت‌تر بود، بهتر بود! همیشه به بابام می‌گم دوست دارم برم کره درس بخونم. حتی قصد دارم زبان کره‌ای هم یاد بگیرم. بعد وقتی اونجا باشم راحت می‌تونم بی‌تی‌اس رو ببینم کنسرتشون رو برم. نه که همه‌اش فقط با گوشه ببینم‌شون. حتی دلم می‌خواست امسال جام جهانی برم قطر که بی‌تی‌اس رو ببینم، آخه می‌دونم که امسال تو افتتاحیه جام جهانی قراره بی‌تی‌اس اجرا داشته باشه.

- خوب تو ایران مگه نمی‌شه درس خوند؟
چرا، ولی خارج بهتره. کره هم که برم، هم درس می‌خونم هم به بقیه آرزو هام می‌رسم. دیگه هی حسرت نمی‌خورم که بی‌تی‌اس رو نمی‌بینم. حداقل اگه تو ایران می‌اومدن، این قدر حسرت نمی‌خوردم.

- چرا ایران نمیان؟

خب معلومه اجازه ندارن. فکر کن بیان تو ایران و برقصن!

- خوب آدم وطنش رو دوست داره سخته ازش دور باشه.

با داشتن یه سری امکانات و اینا می‌ارزه. موندن توی غربت رو هم آدم عادت می‌کنه.

- ریحانه منظورت از حسرت‌هایی که تو ایران داری چیه؟

فکر نکنی یه موقع به خاطر فقط بی‌تی‌اس می‌گم دوست دارم برم کره‌ها، این که خیلی احمقانه هس، ولی خب در کل خارج آزادی آدم بیش‌تره. هم از نظر حجاب، هم کنسرت‌هایی که می‌دارن مثل بی‌تی‌اس، هم می‌تونن آزادانه خیلی کارای دیگه بکنن.

- مثلاً چه کارهایی؟

خیلی چیزایی که تو ایران ممنوعه، مثل موتورسواری یا دوچرخه که سوار می‌شی، کلی آدم یه جور ی نگاهت می‌کنن، مخصوصاً تو شهر کوچیک، یا این که حتماً باید حجاب داشته باشی و آزادی پوشش نداریم.

- تو حجاب رو دوست نداری؟

نه، واقعاً نه.

- مادر و پدرت هم می‌دونن این قدر علاقه داری بری کره؟

بیش ترش اینا تو ذهن خودمه و مال آینده هس، ولی خب دست و پا شکسته به جاهایی کنارشون اشاره کردم.

- مخالفتی نکردن؟

بیش تر به بازی گرفتن و فکر می‌کنن شوخی می‌گم.

- ولی تو جدی می‌گی، درسته؟

اوهوم.

- گفتی اعضای گروه آرایش هم می‌کنن. تو هم دوست داری مثل اون‌ها آرایش کنی؟

آره، ولی مامانم به جز کرم ضدآفتاب چیز دیگه‌ای برام نمی‌خره، می‌گه خودت قشنگ‌تری، الان وقتش نیست و این حرفا.

- راست می‌گه به نظرت؟

یه جورهایی آره. نمی‌دونم. آخه دوستانم تو مدرسه آرایش می‌کنن، مدیرمون هم هیچی بهشون نمی‌گه.

- خوب به نظرت آرایش چیز خوبیه یا نه؟

اگه بد بود، بی‌تی‌اس این کار رو نمی‌کردن.

- مگه بی‌تی‌اس هر کار انجام می‌دن درسته؟

بی‌تی‌اس حامی آدم‌ها هس، مگه می‌شه یه همچین گروهی برای آدم‌ها چیز بد بخواد؟

- منظورت چیه که حامیه آدم‌ها هست؟

خب بی‌تی‌اس معروفه به این که همه‌اش می‌گه به خودت اهمیت بده، به نظرات بقیه اصلاً اهمیت نده و این جور چیزا. یعنی که چه جوری

بگم، می‌خواد آدم‌ها رو ذهن‌شون رو سالم‌تر کنه که خودشون رو دوست داشته باشن و این حرفا.

- خودشون هم به این شعارها عمل می‌کنن؟

آره، مثل این که این همه به خودشون می‌رسن، بهترین لباسا رو می‌پوشن، بهترین وسایل آرایشی رو استفاده می‌کنن، یا اصلاً کار به این

ندارن، بقیه چی فکر می‌کنن. هر لباسی دوست داشته باشن می‌پوشن، حتی اگه عجیب و غریب باشه، واسه همین نوجوونا هم دوست‌شون

دارن، چون اونا هم می‌خوان هر چی خودشون دوست دارن، انجام بدن.

- به نظرت از جای خاصی شیوه لباس پوشیدن و ظاهرشون یا این که چه رفتار و شخصیتی داشته باشن تعیین نمی‌شه؟

خب اون که آره، مثلاً تهیه کننده و کارگردان‌هاشون توی اجراها و برنامه‌هاشون بهشون می‌گن که چه جوری باشن و چی بپوشن یا آرایش

کنن یا اگه لازم باشه عمل زیبایی انجام بدن و رژیم‌ها خاصی بگیرن، اما اینم یه قسمتی از کارشونه مثل بازیگرا جلوی دوربین.

- خوب اگه واقعاً به جملاتی که گفتی عمل کنن، نباید هر کاری که تهیه کننده‌هاشون هم می‌گن، گوش کنن.

اون جوری که از گروه بیرون‌شون می‌کنن خب!

- خوب حداقل به حرفی که می‌گن واقعاً عمل کردن.

ولی این یه قسمت از کارشونه، از اول توافق کردن و گرنه می‌تونستن وارد بی‌تی‌اس نشن.

- ولی کمپانی‌ها و کارگردان‌هاشون تو همه‌ی مسایل زندگی‌شون تصمیم می‌گیرن که چه طور باشن و چه طور رفتار کنن. با چه کسانی

رابطه داشته باشن و نداشته باشن. این بد نیست؟

- خوب اونا خودشون پذیرفتن می‌تونستن هیچ وقت وارد بی‌تی‌اس نشن و نپذیرن اون قواعد رو. به نظر من هر کاری اصول و قانونی داره،

اونا هم قوانین کار خودشون رو دارن. کارمند یه اداره هم یه سری قوانینی رو باید رعایت کنه و گرنه اخراج می‌شه. بی‌تی‌اس هم مثل اونا.

- اما کارمندا از قوانین مشخصی تبعیت می‌کنند و مربوط به مسایل شخصی و ریز زندگی‌شون نمی‌شه، اما اعضای بی‌تی‌اس در مورد

همه چیز تحت نظارت هستن و از خودشون اراده‌ای ندارن.

خب بی‌تی‌اس رو خیلیا می‌شناسن و معروف ان، باید روی کوچک‌ترین رفتارشون هم دقت کنند تا مخاطب‌شون رو از دست ندن، واسه

همین باید تحت نظر باشن. کارمند یه آدم معمولیه که زندگی شخصیش رو کسی نمی‌بینه و قابل مقایسه با بی‌تی‌اس نیست! بعدش هم

همیشه هم این طور نیست کمپانی بیگ هیت حامی آیدول‌ها هم هست و نسبت به هیترهاشون واکنش تندی نشون می‌ده که نشون می‌ده

حامی و طرفدار اون هاست و بدشون رو نمی‌خواد.



- خوب این جواری هویت و شخصیت واقعی خود آیدول‌ها چی می‌شه. احساسات و عواطف‌شون؟
- خب وقتی وارد این کار شدن، شرایط رو می‌دونستن و خودشون رو باهانش سازگار کردن. اگه خیلی واس‌شون سخت بود، می‌تونستن وارد نشن.
- ببین خوب این جواری هر کس هر طور دلش می‌خواد رفتار می‌کنه و این باعث از دست رفتن اخلاق می‌شه و دیگه سنگ رو سنگ بند نمی‌شه، هر کی هر جور می‌خواد و فکر می‌کنه درسته، رفتار می‌کنه.
- من که نگفتم همه آدم‌ها، اگه همه این طوری باشن آره. من می‌گم، کسانی مثل آیدول‌ها که باید برای حفظ جایگاه‌شون یه سری کارها بکنن.
- خوب به نظرت وقتی برخلاف شعارهاشون عمل می‌کنن، این باعث بدبینی فن‌هاشون نمی‌شه؟
- امممم... نمی‌دونم چی بگم واقعاً! (به فکر فرو می‌رود).
- ریحانه تو توی فضای مجازی در موردشون فعالیت هم داری؟
- گاهی وقتا استوری می‌کنم آهنگاشون رو، پیجشون رو هم دارم، هم پیج اصلی هم اعضااشون رو. ولی فالورهام فعلاً کمه، فقط دوستانم و اعضای خونواده‌ام و فامیل اینا هستن، دوست دارم یه پیج پابلیک بزنم که کلاً در مورد بی‌تی‌اس باشه و بیش‌تر نزدیک بشم به طرفدار پر و پاقرص‌شون. حتی بعداً می‌تونم وقتی فالورهام خیلی زیاد شد، تو پیجم تبلیغ هم بکنم و پول دربیارم.
- تو پیج‌شون معمولاً چه چیزهایی می‌گذارن؟
- بیش‌تر عکساشون رو.
- وقتی صفحه عمومی زدی، قصد داری چه چیزهایی داخلش بگذاری؟
- خب مثلاً آهنگاشون و کلیپ‌هاشون رو یا ترکیب عکسا و فیلماشون با یه سری آهنگ‌های ایرانی و این جور چیزا. وقتی فالورام زیاد شد، می‌تونم تو پیجم تبلیغ هم بکنم و پولم دربیارم. مثل بقیه پیج‌ها.
- گفتم قصد داری زبان کره‌ای یاد بگیری، تاحالا براش تلاشی هم کردی؟
- فعلاً فقط یه برنامه رو گوشیم نصب کردم که زبان کره‌ای یاد می‌ده. خیلی دوست دارم کلاسش رو هم برم، ولی مامانم هی گیر می‌ده نه‌هه، انگلیسی بهتره بیش‌تر به درد می‌خوره.
- خوب به نظرت انگلیسی بیش‌تر به درد می‌خوره یا کره‌ای؟
- اگه من بخوام برم کره، معلومه که کره‌ای. می‌تونم تازه این جواری با بی‌تی‌اس هم صحبت کنم.
- اسم برنامه‌اش چیه؟
- اسمش رو یادم نیس دقیق، ولی از فروشگاه دانلود کردم.
- تاحالا چی از برنامه‌اش یاد گرفتی؟
- هنوز خیلی یاد نگرفتم، در حد سلام و اینا فقط. مثلاً سلام تو جمع دوستانه می‌شه آنیاسه و...
- ریحانه من شنیدم که تو کره پسرها تا ۳۰ سالگی باید برن سربازی، این جواری تکلیف گروه بی‌تی‌اس چی می‌شه؟
- خب بعد از این که برگشتن، ادامه می‌دن باز.

- خوب این وقفه باعث از دست دادن طرفدارهاشون نمی‌شه؟
طرفدارای بی‌تی‌اس انقدر دوس شون دارن که با یه مدت نبودشون از دستشون نمی‌دن و بی‌صبرانه منتظر برگشتشون می‌مونن.
- تو هم این طوری هستی؟
آره، من عاشقشون هستم. این جور وقتا طرفدار واقعی نشون داده می‌شه.
- تاحالا سعی کردی که شبیه به بی‌تی‌اس بشی؟
مثلاً از چه نظر؟
- از هر لحاظ، ظاهر، رفتار، اخلاق.

خب واقعیتش آره، مثلاً بعضیاش رو دوست دارم. مثلاً چند بار به مامانم گفتم موهام رو اجازه بده رنگ کنم، مثل جونگ کوک یا مثلاً وی که موهاشون رو رنگ آبی و بنفش اینا می‌کنن. تازه اش هم یه رنگایی هست موقته رنگ فانتزیه وقتی بشوری می‌ره و دایمی نیست، ولی مامانم می‌گه، بابام دعوا می‌کنه، اما خودشم خوشش نیامد یا مثلاً لباس‌هایی خریدم که مثلاً روش نوشته بی‌تی‌اس یا نمادشون روشه.



- سعی کردی که ویژگی‌های اخلاقی مثل اون‌ها رو هم داشته باشی؟
تو این دو، سه سال که دنبالشون می‌کنم، یه سری چیزا ازشون یاد گرفتم، مثلاً این که با آدم‌ها مهربون‌تر باشم یا مثلاً به نظر کسی خیلی اهمیت ندم و کاری که خودم دوست دارم، انجام بدم.
- یعنی دوست نداری تو کارهات نظر بقیه رو بدونی؟
بیش‌تر دوست دارم خودم برای خودم تصمیم بگیرم، از این که یکی هی بهم دستور بده، بدم میاد. دوست ندارم چیزی تو دلم بمونه و برام عقده بشه.
- ریحانه دوستان تو هم بی‌تی‌اس رو می‌شناسن؟

دوستام! همه مدرسه و همه دخترا عاشقش هستن، همه می‌شناسنشون این قدر معروف ان. این قدر که با دوستام تو مدرسه در موردشون کل می‌اندازیم. حتی داداش کوچیکم شیش سالشه، از بس من بی‌تی‌اس رو می‌بینم، اونم دیگه یه کم می‌شناستشون و یه تیکه‌هایی از بعضی آهنگاشون رو حفظه، یه بارم که با بابام رفته آرایشگاه، به آرایشگر گفته موهاشو مثل جیمین بزنه (باخنده) بعد اومده بود خونه ادای اون رو درمی‌آورد.

- گفتم با دوستات باهم کل می‌اندازین. می‌شه بیش‌تر راجع بهش بگی که در مورد چه چیزی کل می‌اندازین؟
مثلاً دُرسا عاشق نامجونه، ولی من جیمین رو خیلی دوست دارم و سرشون با همدیگه رقابت داریم. یکی، دوبار هم بین فاطمه و دُرسا سرشون در مدرسه گیس و گیس کشی شده. مدیر مدرسه‌مون هم خبردار شده و بهشون تذکر داده. ما هم دیگه بیش‌تر تو گروه مدرسه‌مون باهم در موردشون حرف می‌زنیم. یه دختره هم تو کلاس‌مون کلاً تو این فازا نیست، همه‌اش می‌گه دیوونه‌اید، ما هم رابطه‌مون رو باهاش قطع کردیم. دُرسا دیگه حتی عکس پروفایلاش رو هم نامجون و بی‌تی‌اس می‌ذاره یا رفته موهاش رو مِت اونا کوتاه کرده، در کل از دُرسا خوشم نیامد، همه‌اش با فاطمه دنبال یه راهی هستم که حرصش رو دربیاریم، خیلی حال می‌ده، یه دوست دیگه‌ام هلم‌ها که انگار تو توهم سیر می‌کنه، می‌گه آرزوشه با جیمین ازدواج کنه و باهاش بره تو کنسرتش، (باخنده) ولی نمی‌دونه که اونا ازدواج نمی‌کنن.
- ازدواج نمی‌کنن؟

نه دیگه، یه چیزی می‌گم به مامانم نگی‌ها، بین خودمونم بمونه، ولی یه جا خوندم که اونا ازدواج نمی‌کنن، چون هم‌جنس‌گران، یعنی نمی‌دونم دقیق چه جوریه، ولی مثلاً با اعضای خودشونم رابطه عاشقانه دارن، تو بعضی کلیپاشون یا فن‌فیکیشن‌هاشون هست. انگار بعضی‌هاشون باهم رابطه عشقی دارن، مث زوجه‌ها باهم صمیمی هستن، شاید با همونا هم ازدواج می‌کنن، نمی‌دونم. یا فن‌فیکیشن‌هایی که براشون می‌سازن نشون دهنده این رابطه‌ها هست پس حتماً یه چیزی هست دیگه. ولی در کل نباید ازدواج کنن، چون خلاف قوانین بی‌تی‌اسه.

- خوب این جواری احساس و عشق‌شون نسبت به جنس مخالف چی می‌شه؟
اون احساس رو نسبت به بقیه اعضا و آیدول‌ها دارن. این جواری می‌تونن عشق و محبت رو هم انتقال بدن و دریافت کنن. می‌شه گفت جایگزینی برای این که ازدواج نکنن.

- یعنی به نظرت این می‌تونه احساس یه آدم نسبت به جنس مخالف رو جبران کنه؟
خب شاید نه صد درصد، ولی این جز قوانین بی‌تی‌اسه. همون طور که گفتیم اون‌ها همه قوانین رو پذیرفتن و باهانش کنار اومدن.
- یعنی آیدول‌ها خودشون هم هموسکشوالیتی رو دوست دارن؟
شاید بشه گفت نه همه‌شون، مخصوصاً کشور کره که هم‌جنس‌گرایی و اس‌شون مثل کشورهای غربی جا افتاده نیست، یا مثلاً هیونا که با دان که جنس مخالفش بود، رابطه داشت، پس نشون می‌ده همه‌شون این جواری نیستن، اما به خاطر کمپانی و قواعدش باید تو صحنه این جواری نشون بدن که از بغل کردن و بوس کردن هم‌دیگه لذت می‌برن که شاید واقعاً تو دل‌شون راضی نباشه!
- یعنی می‌گی تو ظاهر باید خودشون رو راضی نشون بدن.

آره. ببین یه جا خوندم، حتی گاهی به خودکشی فکر می‌کنن، انگار یه جواری دیگه عاصی می‌شن.



- با این توصیفات به نظرت چرا دخترها این قدر بی‌تی‌اس رو دوست دارن؟
ببین خب تو نگاه اول شاید ظاهرشون باشه، اما به نظر من چیزای دیگه هم هست.
- مثلاً چه چیزهایی؟

دخترایی مثل من دغدغه‌شون اینه که خودشون برا خودشون تصمیم بگیرن، انقدر وابسته به بقیه نباشن و... می‌دونی به نظرم بی‌تی‌اس بهمون جرأت می‌ده که قوی باشیم و دخترا بتونن مستقل باشن. بعدم این که همه آدمای مهربون و دلسوز رو دوست دارن، بی‌تی‌اس هم خیلی مهربون هستن و دلسوز و هوای جوون‌ها رو دارن.

- ولی با وجود چیزهایی که قبلاً در موردش صحبت کردیم و اختیار و اراده‌ای که بی‌تی‌اس از خودشون ندارن شعارهاشون حداقل برای خودشون به واقعیت تبدیل نشده، درسته؟
خب آره... اونا بیش‌تر تابع قوانین کمپانی‌هاشون هستن تا چیزهایی که شخصیت خودشون هست، یه جواری شخصیت واقعی و روی صحنه‌شون باهم شاید فرق داشته باشه.

- پس چرا یک همچین گروهی که خودش حتی نمی‌تونه به شعارهاش عمل کنه، این همه طرفدار داره؟
من فکر می‌کنم حتی اگه خودش نتونه که به خاطر شرایط کمپانی و کارشون هست، حداقلش به نوجوونا این کمک رو کرده، یا جدای از شعارها، هیجان و تنوع آهنگ‌ها و موزیک ویدیوهاشون مخاطب رو جذب کنه. یه صنعتیه که تازگی داره و جدیدتر از آهنگ‌ها و کلیپ‌های معمولیه که می‌بینیم.

- ریحانه در کل فکر می‌کنی نقاط مثبت و منفی که بی‌تی‌اس برات داشته چیه؟
خب همون طور که گفتم بی‌تی‌اس به من یاد داده که نظر بقیه برام مهم نباشه و خودم برای خودم تصمیم بگیرم. از روزی که این کار رو کردم خیلی حالم بهتره و راضی‌ترم. یا وقتی که ناراحت می‌شم یا وقتی که ناخوش می‌شم یا آهنگشون رو گوش می‌دم، می‌رقصم و بهتر می‌شم.

- وقتی ناراحتی دیگه چه کارهایی می‌کنی که بهتر بشی؟
با دوستانم چت می‌کنم یا تماس تصویری باهاشون می‌گیرم، تو اینستا می‌چرخم و اینا.
- می‌تونی برام یه مثال بزنی از این که به نظر بقیه اهمیت نمی‌دی یا خودت برای خودت تصمیم می‌گیری؟
مثلاً من صورتم زیاد جوش می‌زنه، قبلنا هر کی بهم می‌گفت، چه قدر صورتت جوش داره یا تپلی، خیلی ناراحت می‌شدم و می‌رفتم تو اتاق گریه می‌کردم، بعد از این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم دیگه هر کی راجع به این چیزها بهم چیزی بگه، برام مهم نیست و اون قدر دیگه ناراحت نمی‌شم.



- اگه یه روز بفهمی که دیگه بی‌تی‌اس منحل شده و فعالیتی نداره، چه کار می‌کنی؟
نهه، تصورشم نمی‌کنم، من بهشون عادت کردم خیلی. تازه الانش هم ناراحت می‌شم که برن سر بازی، یه مدت نیستن.
- ریحانه جان ممنونم از این که وقت گذاشتی و بهم کمک کردی.
خواهش می‌کنم. فکر می‌کنم خودم هم از حرف زدن باهاشون بیشتر تر تو فکر رفتم خنک.
- امیدوارم که تو مسیر زندگیت موفق باشی و پیشرفت کنی.
خیلی ممنونم. شما هم همین طور.

تأملی دوباره

ریحانه ۱۵ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

ریحانه در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: جذابیت‌های ظاهری صنعت کی‌پاپ، پردازش جذابیت‌های بصری، در نظر گرفتن جلوه‌های ویژه جذاب، ارایه‌ی یک مجموعه کامل بصری و شنیداری باکیفیت برای مخاطب، تبلیغ برای مهاجرت به کره جنوبی، بازماندن هواداران در تفکر عینی، سوءاستفاده‌های کمپانی‌ها از ستاره‌ها و سوءاستفاده‌های اقتصادی کمپانی از هواداران، اشاره داشته است.

ریحانه ۱۵ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: ارایه ترانه‌های متنوع و متناسب با خلق فرد در موقعیت‌های مختلف، جذابیت‌های ظاهری صنعت کی‌پاپ، پردازش جذابیت‌های بصری، در نظر گرفتن جلوه‌های ویژه جذاب، ارایه‌ی یک مجموعه کامل بصری و شنیداری باکیفیت برای مخاطب، تحقیر شدن افراد به علت عدم تطابق با استانداردهای زیبایی مخصوص کی‌پاپ و سوءاستفاده کمپانی‌ها از ستاره‌ها، اشاره داشته است.

ریحانه در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: ضعف داخلی عاملی در جهت جذابیت بیش از پیش اعضای گروه بی‌تی‌اس، شیوع کی‌پاپ و طرفداری از آن در جامعه، گسترش کی‌پاپ از سنین پایین، فراهم کردن اسباب سرگرمی هواداران، معیار قرار گرفتن رفتارهای گروه برای رفتارهای فرد، الگوبرداری از ستاره‌ها (سوق یافتن هواداران به سمت فردگرایی مفرط)، الگوبرداری از رفتارها و بیانات ستاره‌ها، تحول‌آفرینی فرهنگی هواداران (سوق دادن افراد به سمت فردگرایی

مفرط)، الگوبرداری از ستاره‌ها در انتخاب سبک آرایش و پوشش، تعمیق رابطه ستاره‌ها و طرفداران، گذاشتن آزمون عملی توسط برخی از هواداران برای پذیرش یکدیگر، شیوع گسترده طرفداری متعصبانه، نفرت پراکنی و درگیری هیجانی بین طرفداران، دعوا، توهین و مشاجره هواداران بر سر ستاره‌ها، محدود شدن روابط اجتماعی هواداران، شیوع گسترده طرفداری متعصبانه، ترویج غیرمستقیم روش‌های هیجان‌مدار در سطح هواداران، افزایش اعتماد به نفس، حاکمیت یافتن برخوردهای هیجان‌مدار در سطح هواداران، سیطره یافتن اندیشه عاطفی در تحلیل‌های شناختی فرد، گرفتار آمدن برخی از هواداران به نوسان‌های عاطفی، ایجاد اختلاف‌های خانوادگی بر سر هواداری از گروه بی‌تی‌اس، ایجاد برخی از درگیری‌های خانوادگی، خیال‌پردازی‌های عاشقانه برخی از هواداران در ارتباط با اعضای گروه بی‌تی‌اس، عشق تخیلی هواداران نسبت به اعضای گروه بی‌تی‌اس، بازماندن در رؤیاپردازی، تلاش برای ارتباط با ستاره‌ها، نگاه‌داشتن افراد هوادار در دید عینی و مادی و ملموس، یادگیری زبان کره‌ای، همکاری هواداران با یکدیگر برای تهیه محتوا، الهام گرفتن از گروه بی‌تی‌اس جهت چگونگی صرف اوقات فراغت، هزینه کردن هواداران برای ستاره‌ها به مناسبت‌های مختلف، اتلاف وقت گسترده برخی از هواداران، کم توجهی برخی از هواداران به درس، افزایش جرأت و جسارت، وقوع پدیده اشباع و دل‌زدگی در هواداران و تحقیر افراد به علت عدم تطابق با استانداردهای زیبایی مخصوص کی‌پاپ، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه ریحانه ۱۵ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، ریحانه در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی- عقیدتی، اقتصادی- سیاسی، هنری، زیباشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

ریحانه در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: افزایش اعتماد به نفس، حاکمیت یافتن برخوردهای هیجان‌مدار در سطح هواداران، سیطره یافتن اندیشه عاطفی در تحلیل‌های شناختی فرد، گرفتار آمدن برخی از هواداران به نوسان‌های عاطفی، ترویج غیرمستقیم روش‌های هیجان‌مدار در سطح هواداران خیال‌پردازی‌های عاشقانه برخی از هواداران در ارتباط با اعضای گروه بی‌تی‌اس، عشق تخیلی هواداران نسبت به اعضای گروه بی‌تی‌اس، بازماندن در رؤیاپردازی، اتلاف وقت گسترده برخی از هواداران، نگاه‌داشتن افراد هوادار در دید عینی و مادی و ملموس، وقوع پدیده اشباع و دل‌زدگی در هواداران و افزایش جرأت و جسارت هواداران، یاد کرده است.

ریحانه در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: معیار قرار گرفتن رفتارهای گروه برای رفتارهای فرد، الگوبرداری از ستاره‌ها (سوق یافتن هواداران به سمت فردگرایی مفراطی)، الگوبرداری از رفتارها و بیانات ستاره‌ها، الگوبرداری از ستاره‌ها در انتخاب سبک آرایش و پوشش، تعمیق رابطه ستاره‌ها و طرفداران، گذاشتن آزمون عملی توسط برخی از هواداران برای پذیرش یکدیگر، آرزوی مهاجرت به کره، شیوع گسترده طرفداری متعصبانه، آسیب خوردن روابط اجتماعی هواداران در جریان هواداری و عشق تخیلی‌شان، نفرت پراکنی و درگیری هیجانی بین طرفداران، دعوا، توهین و مشاجره هواداران بر سر ستاره‌ها، محدود شدن روابط اجتماعی هواداران، شیوع گسترده طرفداری متعصبانه و همکاری هواداران با یکدیگر برای تهیه محتوا، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: ضعف داخل عاملی در جهت جذابیت بیش از پیش اعضای گروه بی‌تی‌اس، گسترش کی‌پاپ از سنین پایین، شیوع کی‌پاپ و طرفداری از آن در جامعه، فراهم کردن اسباب سرگرمی هواداران، تحول آفرینی فرهنگی هواداران (سوق دادن افراد به سمت فردگرایی مفراطی)، یادگیری زبان کره‌ای و الهام گرفتن از گروه بی‌تی‌اس جهت چگونگی صرف اوقات فراغت، سخن گفته است.

ریحانه در توصیف «اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: کم توجهی برخی از هواداران به درس، سخن گفته است. مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای اقتصادی- سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: هزینه کردن هواداران برای ستاره‌ها به مناسبت‌های مختلف، سخن گفته است.

ریحانه در توصیف «اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: ایجاد اختلاف‌های خانوادگی بر سر هواداری از گروه بی‌تی‌اس و ایجاد برخی از درگیری‌های خانوادگی، سخن گفته است.

از بیانات اخیر ریحانه ۱۵ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با احسان، ۱۷ ساله

پدر و مادرم خیلی سعی کردن خواهرم رو از رفتن به کره منصرف کنن، ولی اون گفت، اگر مانع رفتنم بشین، خودکشی می‌کنم. این طور بود که پدرم ترسید و حتی کمکش کرد برای رفتن ویزا بگیره.

تذکر پژوهشگر:

احسان ۱۷ ساله و فرزند کوچک یک خانواده چهار نفره است. احسان سال سوم دبیرستان بوده و دارای یک خواهر بزرگ‌تر از خودش است. او از طریق خواهرش حدود پنج سال پیش با بی‌تی‌اس آشنا شده است. خواهر احسان دو سال است که به کره جنوبی مهاجرت کرده است.

- سلام احسان برات امکان داره که قدری از وقتت رو برای یه مصاحبه به من بدی.

سلام. خواهش می‌کنم.

- در ابتدا چند سالتَه؟

من هفده سالمه.

- چه رشته تحصیلی درس می‌خوانی؟

ریاضی سوم دبیرستان هستم.

- تحصیلات پدرتون در چه حدی است؟

پدرم فوق لیسانس هست.

- تحصیلات مادرتون در چه حدی است؟

مادرم دیپلم دارند و خانه‌دار هستن.

- چند خواهر و برادر هستید؟

تنها یک خواهر بزرگ‌تر از خودم دارم.

- خواهرت چند سالشه و تحصیلاتش چیست؟

خواهرم ۲۲ سالشه و الآن هم کار می‌کنه، هم دانشجوی در کشور کره جنوبی است.

- چه طور با گروه بی‌تی‌اس آشنا شدی؟

خواهرم از طرفداران بی‌تی‌اس بود و من را هم با بی‌تی‌اس آشنا کرد.

- خواهرت چگونه با بی‌تی‌اس آشنا شد؟

خواهرم در دوران دبیرستانش از طریق هم کلاسی‌هاش با بی‌تی‌اس آشنا شد.

- چند سالی هست که از بی‌تی‌اس طرفداری می‌کنی؟

حدود پنج سالی می‌شه، یعنی از دوازده سالگی تا الآن.

- احسان پدرت نیز بی‌تی‌اس رو می‌شناسه؟

بله. کاملاً می‌شناسه. پدرم شخص تحصیل کرده‌ای است و اطلاعات کامل‌تری از ما شاید داشته باشه.

- مادرت چه طور؟

مادرم نیز تحت تأثیر من و خواهرم قرار گرفته و خیلی با بی‌تی‌اس آشنایی داره.

- آیا والدینت نیز از بی‌تی‌اس طرفداری می‌کنن؟

نه، ولی کاملاً بی‌تی‌اس رو می‌شناسن.

- چون موضوع بحث ما راجع به بی‌تی‌اس هست و خواهرت نیز طرفدار بی‌تی‌اس هست، می‌تونم سوال‌هایی راجع به خواهرت هم بپرسم؟

اوه، بله. خواهش می‌کنم.

- احسان والدینت با هواداری تو و خواهرت مخالفت نکردن؟

خوشبختانه مخالفت نکردن و همیشه ما رو آزاد گذاشتن و هیچ وقت نظر خودشون رو به ما تحمیل نکردن.

- کنجکاو نشدن که چه طور با بی‌تی‌اس آشنا شدین؟

چرا کنجکاو شدن و خواهرم گفت، از طریق هم کلاسی‌هاش آشنا شده و خیلی این گروه رو دوست داره. بعداً من هم از طریق خواهرم با بی‌تی‌اس آشنا شدم.

- واکنش پدرت چگونه بود؟

پدرم خیلی عادی برخورد کرد و گفت: اگر این گروه باعث خوشحالی شما می‌شه، من هم با شادی شما شادم.

- احسان به نظرت چرا پدرت با هواداری شما مخالفت نکرد؟

پدرم همیشه ماها رو آزاد گذاشته تا خودمون رشته تحصیلی خودمون و نوع ورزش و کارهای هنری را که دوست داریم رو انتخاب کنیم. در مورد هواداری خودمون از بی‌تی‌اس هم هیچ مخالفتی نکرد. شاید می‌دونسته گروه بی‌خطری هستن و اطلاعاتش راجع به اون‌ها کامل بوده.

- احسان دلیل علاقه‌مندیت به گروه بی‌تی‌اس رو مختصر می‌تونی برامون شرح بدی؟

حتماً. خواهرم اون زمان یه گوشی لمسی داشت و گوشی من خیلی معمولی بود و هیچ امکاناتی نداشت. ایشون سال اول دبیرستان بودن و والدینم برای هدیه تولدش گوشی مناسب به سن و سالش رو براش خریدن. خواهرم هر وقت از مدرسه برمی‌گشت آهنگ‌هایی رو از گوشیش پخش می‌کرد و با لذت خودش رو هم پیچ و تاب می‌داد و همراهی می‌کرد. منم کنجکاو شدم و می‌خواستم اون آهنگ‌ها رو ببینم و بشنوم. خواهرم هم به من اجازه می‌داد از گوشیش آهنگ‌ها رو بشنوم و ببینم. از خواهرم پرسیدم این خواننده‌ها چه کسانی هستن و اسم این آهنگ چیه. ایشون به طور کامل و واضح گروه بی‌تی‌اس و آهنگ‌هاش رو برای من توضیح داد و من نسبت به این گروه مشتاق‌تر شدم و از خواهرم خواستم، هر وقت یه آهنگ جدید از گروه بی‌تی‌اس به دستش می‌رسه، به من هم نشون بده. و ایشون هم این کار رو می‌کرد. و من روز به روز علاقه‌مندتر شدم و تا این که یه کامپیوتر مشترک همه‌ی اعضای خانواده داشتیم و طریقه استفاده ازش را هم بلد بودم. رفتم کامپیوتر رو روشن کردم و از توی گوگل اسم گروه بی‌تی‌اس رو سرچ کردم و کلی اطلاعات راجع به این گروه رو از گوگل پیدا کردم و اسم آلبوم‌هاشون و آهنگ‌هاشون و اعضاء هفت نفره‌شون رو فهمیدم و این طور شد که علاقه‌مندتر شدم و با این که حدود دوازده سال پیش‌تر نداشتم، اطلاعات کاملی از بی‌تی‌اس رو می‌دونستم.



- گوشی‌های همراه چه نقشی در اشاعه گروه بی‌تی‌اس در بین دانش‌آموزان رو دارند؟

خیلی، خیلی نقش داره. اگر یه دانش‌آموزی خودش هوادار گروه بی‌تی‌اس باشه و یه گوشی همراه رو هم داشته باشه، با کلی عکس و فیلم از گروه بی‌تی‌اس تمام تلاشش رو می‌کنه، بقیه دوستاشم با این گروه آشنا بشن. گروه بی‌تی‌اس هم یه گروه جذاب و دوست‌داشتنی است با آهنگ‌های قشنگ و دلنشین‌شون و طبیعیه نوجوان در سنین کم جذب این گروه می‌شن و آهنگ‌ها و فیلم‌های بی‌تی‌اس رو از دوستانشون به گوشی همراهشون منتقل می‌کنن و یا عضو کانال‌های گروه بی‌تی‌اس در تلگرام و یا اینستاگرام می‌شن و همین طوری به خیل هوادارها اضافه می‌شه. و هر دانش‌آموز طرفدار بی‌تی‌اس در یه خانواده چند نفری زندگی می‌کنه و دیگر اعضای خانواده رو با بی‌تی‌اس آشنا می‌کنه و این چرخه همین طور ادامه داره و این چنین به تعداد هواداران گروه بی‌تی‌اس اضافه می‌شه.

- گروه بی‌تی‌اس چه جذاییتی برای تو داشت که خوشش اومد؟

چهره‌های بانمک و دوست‌داشتنی داشتند، خیلی خوش اندام و زیبا بودن. مدل موی سر همه‌شون به سبک خیلی قشنگی درست شده بود و از همه مهم‌تر خیلی توی خوندن آهنگ‌هاشون مهارت داشتن و من از سبک موسیقی‌شون خوشم آمد.

- احسان در میان هواداران گروه بی‌تی‌اس علاقه به چه موردی نقشش پر رنگ‌تر از بقیه‌ی چیزها هست؟

علاقه به موسیقی‌شون از همه بیش‌تر است و در مرحله دوم اعضای گروه بی‌تی‌اس دوست داشتنی و جذاب‌ان.
- چرا علاقه به موسیقی در میان هواداران بیش‌تر از موارد دیگه هست؟
چون نحوه اجرای قشنگ‌شون روی صحنه و متن ترانه‌هاشون بسیار دلنشینه.



- چه طور آهنگ‌هاشون دلنشینه؟

بین گروه بی‌تی‌اس بر تمام فرایند موسیقی از اول تا آخر نظارت دارند. اون‌ها نه تنها متن آهنگ‌ها رو خودشون از بین مشکلات و دغدغه‌های عمومی کل مردم دنیا و یا شادی‌های عمومی همه جوانان و مردم می‌نویسند، بلکه اون‌ها رو خودشون تولید و اجرا می‌کنند. در نتیجه چون خودشون خالق آهنگ‌هاشون هستند، به راحتی با آهنگ‌ها خیلی عمیق و احساسی ارتباط برقرار می‌کنن و این حس و حال‌شون از دید تماشاچی‌ان و هواداران پنهان نمی‌مونه و به اون‌ها نیز منتقل می‌شه.

- مهم‌ترین دلایل محبوبیت گروه بی‌تی‌اس به نظرت چه مواردی هست؟

یکی از مهم‌ترین دلایل محبوبیت بی‌تی‌اس اینه که آهنگ‌هاشون براساس موضوعات سلامت روان، فردیت افراد، مسایل مربوط به سنین نوجوانی و دوست داشتن خود هست. همه‌ی اعضای بی‌تی‌اس به دنبال آن هستند که طرف داران خود را قوی کنن. خوشبختانه آهنگ‌های بی‌تی‌اس در ظاهر مثل آب نبات شیرین و در معنا مفاهیم عشق و شادی زندگی روبه‌ارمغان می‌آوره.

- این خلاقیت در آهنگ‌هاشون چه تأثیری روی هواداران داره؟

هواداران رو مصمم می‌کنه در کاری که انجام می‌دن، به تقلید از گروه بی‌تی‌اس خلاقیت داشته باشن. نوآوری داشته باشن و یه ابتکار جدید از خلق هر چیزی رو داشته باشن.

- می‌شه مثالی بیاری؟

بله، مثلاً من می‌خوام یه رمان رو بنویسم. در نحوه نگارش و به کاربردن واژه‌ها یه نوآوری داشته باشم و برای داشتن یه رمان پرترفدار، گاهی به نقطه اوج قصه، بدون این که اشاره کنم نزدیک بشم و تا آنجا که می‌تونم خلاقیت به خرج بدم.

- اگر همه‌ی هواداران این اصل خلاقیت در کارهاشون رو انجام بدن چه اتفاقی می‌افته؟

خلاقیت و نوآوری در ابعاد اجتماعی به شکل وسیع‌تری گسترش پیدا می‌کنه و جامعه پر می‌شه از افرادی خلاق با نبوغ فکری مبتکر و نوآور.

- احسان بی‌تی‌اس چه تأثیری بر قشر نوجوان داره؟

به نظر من تأثیر مثبت داشته روی قشر نوجوان. از طریق آهنگ‌هاشون پیام‌های مثبتی برای نوجوانان آورده شده.



- می‌شه چند نمونه از این پیام‌ها رو بگی؟

البته، مثلاً انجام کارهای نیک و تلاش‌های بشر دوستانه و کمپین خودت را دوست بدار و پیام‌هایی شبیه به این‌ها و کمک‌های گروهی
اعضاء به خیریه‌های مختلف و همکاری با یونیسف در جهت جلوگیری از خشونت علیه کودکان و نوجوانان، همه‌شون نمونه‌هایی هستند از
فعالیت‌های گروهی بی‌تی‌اس. اگر هواداران این پیام‌ها رو در زندگی به کار ببرند، بی‌شک همه‌شون افرادی مثبت و لایق در جامعه می‌شن.



- احسان می‌شه چند تأثیر منفی گروه بی‌تی‌اس رو بر قشر نوجوان هم بگی؟

یکی از تأثیرات منفیش اینه که به خاطر شهرت زیاد و معروفیت گروه در سطح جهانی و با گسترده‌تر شدن فضای مجازی و به اشتراک
گذاشتن جزییات زندگی آیدول‌ها، بسیاری از نوجوانان وقت و افکار خود را با زندگی این افراد و اخبار مربوط به آن‌ها درگیر کرده و از
بسیاری از اهداف خود دور می‌مانند و یا حتی به دلیل نداشتن موقعیت آیدول‌ها، دچار افسردگی و ناامیدی می‌شوند.

- احسان راه کار برای جلوگیری از این تأثیر منفی چیه؟

به نظرم والدین باید مواظب باشن که نحوه درگیر شدن فرزندان‌شان با این گروه و یا هر فرد مشهور دیگری را کنترل کنند. اگر دیدن
جوان‌هاشون پیام‌های مثبت رو می‌گیرند و به کار می‌برند، تحسین‌شون کنند و دیگه نگران نباشن که نوجوانان‌شون از گروه بی‌تی‌اس
طرفداری می‌کنن. ولی اگر نوجوان با طرفداری از این گروه‌ها دچار افسردگی یا ناامیدی و یا انحراف اخلاقی شده بود، باید والدین اقدامات
اساسی و به موقع رو انجام بدن.

- مثلاً چه اقدام‌هایی؟

مثلاً سریع با یه روان‌شناس مشورت بکنن و مشکل فرزندشون و طرفداریش از گروه بی‌تی‌اس رو بیان کنند و از روان‌شناس کمک و راه
کار درست بخوانن.

- احسان نقش نظام آموزشی در این میان چی هست؟

راستش نظام آموزشی هم می‌تونه خیلی تأثیرگذار باشه و توی مدارس مشاورهای تربیتی و روان‌شناس در پیدا کردن دانش‌آموزان هوادار
افراطی با دید منفی از این گروه و کمک و راهنمایی آن‌ها و تماس و ارتباط با والدین‌شون برای اصلاح این افراد و سامان بخشیدن به
سلامت روحی و روانی این دانش‌آموزان کمک کنند.

- احسان راجع به رشد آهنگ‌های بی‌تی‌اس چه اطلاعاتی داری؟

بیش‌ترین رشدشون از سال ۲۰۱۸ شروع شد، آلبوم خودت رو دوست داشته باش، اولین آلبوم کره‌ای بود گواهی پلاتین گرفت آن‌ها در سال ۲۰۲۰ با آهنگ دینامیت نامزد جایزه گرمی و همچنین تبدیل به اولین هنرمندانی شدن که در چارت ۱۰۰ و ۲۰۰ بیلبورد به جایگاه اول می‌رسید و آهنگ‌های بعدی‌شون باعث شد تا آن‌ها اولین هنرمندی باشند که پس از مایکل جکسون به ۵ جایگاه شماره یک ایالات متحده دست یابند و همچنین گروه بی‌تی‌اس با بیش از ۲۰ میلیون فروش، پرفروش‌ترین هنرمندان تاریخ کره جنوبی محسوب می‌شوند.



- می‌تونن چند آهنگ دیگرشون رو نام ببری؟
- البته، آلبوم نقشه روح که پرفروش‌ترین آلبوم این کشور است و آهنگ‌های عاشق خودت باش، دینامیت، ریمیکس، عشق وحشی و... .
- شده با خودت آهنگ‌هاشون رو بخونی؟
- خیلی این کار رو می‌کنم و قبلاً که خواهرم ایران بود باهم آهنگ‌ها رو به کره‌ای می‌خوندیم و اطاقمون پر بود از شادی و خنده و با هم ادای آیدول‌ها رو در می‌آوردیم.
- احسان تو از آیدول به خصوصی طرفداری می‌کنی؟
- بله، من جی‌هوپ رو دوست دارم و خواهرم عاشق آرام (یکی از آیدول‌ها) بود.
- احسان این جذابیت در فیلم‌های کره‌ای هم دیده می‌شه؟
- البته که دیده می‌شه. فیلم‌هاشون نیز مانند آهنگ‌هاشون پر محتوا و جذاب هستن و خیلی سرگرم‌کننده هستن.
- می‌شه چند نمونه نام ببری؟
- مثل جواهری در قصر، ملکه آهنین، جومونگ.



- چه چیزی در فیلم‌های کره‌ای برات جذاب‌تره؟
- ایجاد هیجانی که برای مخاطب به وجود میارن و حرفه‌ای بودن بازیگران‌شون و شکل و قیافه‌های متفاوت‌شون. اکثراً مردهاشون چهره و سیمایی شبیه به زن‌ها دارند.
- احسان، والدینت هم فیلم‌های کره‌ای می‌بینن؟
- البته که می‌بینن و خیلی هم دوست دارند. همه‌ی سریال‌های کره‌ای که از صدا و سیمای کشور خودمون پخش می‌شه رو می‌بینن.
- فیلم‌های کره‌ای چه تأثیری روی مخاطبان ایجاد می‌کنه؟
- هر فیلمی به نوع تأثیر می‌تونه ایجاد کنه. فیلم‌های جنگی‌شون مثل جومونگ چاشنیش خشونت و دلیری است و در هواداران هیجانانگیزی آمیخته با خشونت رو ایجاد می‌کند و فیلم‌هایی مثل جواهری در قصر که کم‌تر خشونت‌آمیز هستن، آرامش و صبر و استقامت رو به مخاطبینش می‌آموزد.
- فیلم‌های کره‌ای چه تأثیر فرهنگی رو می‌تونن روی مخاطبان ایجاد کنند؟
- تأثیرات زیادی می‌تونن روی بیننده‌ها بذارن. فرهنگ برخورد با دیگران آداب احترام گذاشتن و آداب غذا خوردن و مهمانی گرفتن و جشن گرفتن و خیلی آداب دیگه رو می‌تونن به بیننده‌ها منتقل بکنن.
- احسان می‌تونم بی‌رسم چرا خواهرت کره رو برای مهاجرت انتخاب کردی؟
- خواهرم هوادار پر و پاقرص بی‌تی‌اس بود. شب و روز فیلم و آهنگ‌های کره جنوبی رو می‌دید و الگوی اون تو زندگی آرام بود. وقتی دو سال پی در پی تونست تو کنکور سراسری قبول بشه، تصمیم گرفت هم برای تحصیل و هم برای زندگی به کره مهاجرت کنه. چون گروه بی‌تی‌اس تونسته بود روی او تأثیر بذاره که کره جای خوبی برای تحصیل و زندگی هستش. البته قبلاً یکی از هم‌کلاسی‌هاش به کره رفته بود و جا و مکان داشت و آشنایی زیادی با مردم کره و فرهنگ‌شون پیدا کرده بود. این طور شد که خواهرم هم تصمیم گرفت بره پیش دوستش تو کره که می‌تونست اون رو راهنمایی کنه.
- خانواده‌ات با رفتن خواهرت به کره مخالفت نکردن؟
- خیلی مخالفت کردن. مادرم شب و روز گریه کرد و دو، سه‌ماه تلاش کرد تا اون رو منصرف کنه، ولی فایده نداشت. او تصمیم خودش رو گرفته بود. پدرم وقتی دید که خواهرم به هیچ نحوی منصرف نمی‌شه، مقداری پس‌انداز داشتیم، می‌خواستیم خونه‌مون رو عوض کنیم و یه خونه بزرگ‌تر با امکانات بهتر بخریم. پس‌اندازمون رو بهش دادیم و اون ویزای تحصیلی گرفت و رفت. خواهرم حدود دو سالی می‌شه که رفته و هنوز بر نگشته.
- چرا سعی نکردن منصرفش کنن؟
- پدر و مادرم خیلی سعی کردن خواهرم رو از رفتن به کره منصرف کنن، ولی اون گفت، اگر مانع رفتنم بشین، خودکشی می‌کنم. این طور بود که پدرم ترسید و حتی کمکش کرد برای رفتن ویزا بگیره.
- خواهرت الآن اون جا چه کار می‌کنه؟
- درشش رو در رشته طراحی لباس ادامه می‌ده و هم تو یه مرکز فشن‌شو کار می‌کنه. پدرم هم ماهیانه برای کمک خرج براش پول می‌فرسته.
- از رفتن خواهرت ناراحتی؟
- خیلی (اشک در چشم‌هایش حلقه می‌زنه).
- اگر شرایط برای تو هم مهیا بشه به کره مهاجرت می‌کنی؟
- نه، امکان نداره، پدر و مادرم رو تنها نمی‌ذارم و مرتب از خواهرم هم خواهش می‌کنم، بعد از اتمام درشش برگرده.
- یعنی کلاً با مهاجرت مخالفی؟
- آره، من که شاهد درهم شکسته شدن پدر و مادرم بعد از مهاجرت خواهرم بودم، کلاً با مهاجرت مخالفم. هر رشته تحصیلی رو که بخوایم تو کشور خودمون هست و می‌تونیم ادامه تحصیل بدیم. فقط باید خیلی سعی و تلاش کنیم توی کنکور قبول بشیم.
- چرا خواهرت رو از مهاجرت به کره منصرف نکردی؟
- حقیقتش خواهرم به صورت خیلی افراطی کره رو دوست داشت و خیلی غیرمنطقی شده بود. اصلاً نمی‌شد باهاش حرف زد. فقط به رفتن فکر می‌کرد. و در غیر این صورت ممکن بود اگر بهش فشار بیاوریم برای این که نره، ممکن بود دست به خودکشی بزنه. برای همین پدرم حتی کمک مالیش هم کرد و فرستادش کره. بیچاره پدرم بعد از رفتن خواهرم سریع پیر شد و مادرم هم افسرده شده و مدام گریه می‌کنه.

- خود خواهرت الان از رفتن به کره خوشحاله؟
راستش نمی‌دونم. چون ممکنه حقیقت رو کتمان بکنه، به ظاهر که خوشحاله و به آرزوش رسیده.



- احسان برنامه عصر جدید رو از تلویزیون دیده‌ای؟
بله دیده‌ام و خیلی طرفدار هم هست.

- توی یکی از برنامه‌هاش از چند جوان ایرانی و یک جوان ایرانی کره‌ای تبار دعوت کرده بود برای اجرا. این صحنه شبیه گروه بی‌تی‌اس شده بود. نظر تو راجع به این موضوع چی هست؟

بله، من این برنامه رو دیدم و این چند جوان موسیقی به ظاهر شاد و پر از واژه گان مثبت و صحنه‌های پرتحرک عین آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس شده بود و هم داوران و هم تماشاچیان از شون استقبال کردند که اتفاقاً یکی از این جوان‌ها به اسم کامدین دو رگه بود، از مادر اهل کره و پدر ایرانی بود. تو ایران متولد شده بود و بزرگ شده ایران بود. و نمایش اجراشون روی صحنه عین گروه بی‌تی‌اس بود و تبلیغی برای این گروه محسوب می‌شد.

- به نظرت این کار شبکه سه تبلیغی برای گروه بی‌تی‌اس بود؟

نمایش این آهنگ توسط چند جوان شاید به ظاهر هیچ اشکالی نداشته باشه، ولی حضور یک نفرشون که کره‌ای دورگه بود و ظاهرش عین آیدول‌های گروه بی‌تی‌اس در یک قالب دیگر بود و تمام حرکات و کاراشون تقلیدی از گروه بی‌تی‌اس بود، یک تبلیغ مضاعفی بود برای بی‌تی‌اس و حکم تأیید و مشروعیت بخشیدن به این گروه بود.

- به نظرت این کار شبکه سه چه تأثیری روی هواداران داره؟

هواداران چون می‌بینن پر بیننده‌ترین برنامه کشور برای گروه بی‌تی‌اس تبلیغ می‌کنه در ادامه دادن به طرف داری شون مصر ترند و مصمم‌تر به تبلیغات بیشتر برای جلب هوادار بیشتر ادامه می‌دن.

- به نظرت این کار عصر جدید در شبکه سه چه تأثیری روی خانواده‌ها می‌گذارد؟

بیش‌تر خانواده‌ها دیگر بی‌تی‌اس رو یک مسأله حل شده تلقی می‌کنن چرا که می‌بینن یک شبکه پر بیننده تلویزیونی که خودش حافظ حریم فرهنگی اجتماعی هم میهنان بوده کمر به حمایت این گروه بسته و خانواده‌ها دیگر نگرانی از بابت آسیب احتمالی که این گروه ممکن است به فرزندان‌شان وارد کند رو ندارند.



- احساس می‌کنی چه حس مشترکی با گروه بی‌تی‌اس داری؟

بعد از رفتن خواهرم احساس تنهایی می‌کنم، این حس تنهایی من با تنهایی آیدول‌ها مشترک هست. اون‌ها هم از سنین کم عضو گروه شدند و از خانواده‌هاشون دور شدن.

- این خلاء تنهایی رو چگونه پر می‌کنی؟

با دوستان صمیمیم وقت می‌گذرانم و بیش‌تر از قبل مادرم رو درک می‌کنم و سعی می‌کنم کمی از دلتنگیش برای خواهرم رو از بین ببرم و بیش‌تر سعی می‌کنم اون رو شاد کنم.

- دوستان تو هم طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستن؟

بعضی‌هاشون طرفدار سرسخت گروه بی‌تی‌اس هستند و بقیه دوستانم مخالف بی‌تی‌اس هستن.

- دوستان خودت طرفداری شون رو چگونه ثابت می‌کنی؟

همیشه از تیپ و قیافه‌های آیدول‌ها تقلید می‌کنند و توی گوشی‌های خودشون آهنگ‌هایی از گروه بی‌تی‌اس رو دارند و همیشه به کره‌ای روخوانی می‌کنند و برای تبلیغ بیش‌تر گروه بی‌تی‌اس فن پیچ‌هایی توی اینستا دارند.

- احسان تو فن پیچ تو اینستا داری؟

بله دارم، ولی زیاد فالور ندارم.

توی فن پیچت چه چیزهایی می‌گذاری؟

عکس‌هایی از آیدول‌ها مخصوصاً جیهوپ گذاشتم و زندگی نامه بعضی از آیدول‌ها رو گذاشتم و آهنگ‌ها و موسیقی‌هاشون رو که دوست دارم گذاشتم.

- عکس‌العمل فالورهای بعد از دیدن عکس آیدول‌ها و آهنگ‌های بی‌تی‌اس چگونه بوده؟

همه‌شون با لایک کارام رو تأیید کردن. بعضی‌هاشون هم نظر خودشون رو نوشتن.

- رابطه تو با بقیه دوستانت که مخالف بی‌تی‌اس هستند، چگونه هست؟

هر روز با من کلنجار می‌رن و سعی می‌کنن من رو از هواداری بی‌تی‌اس منصرف کنن. اون‌ها تلاش‌شون رو می‌کنن و بی‌نتیجه می‌مونه. برای همین کم‌تر همدیگر رو می‌بینیم جز توی مدرسه.

- چه طور سعی می‌کنن تو رو منصرف کنن؟

از بدی‌ها و معایب گروه بی‌تی‌اس می‌گن. از انحراف جنسی و هم‌جنس‌گرایی گروه می‌گن. از زن‌سان بودن و مخنث بودن بی‌تی‌اس می‌گن.



- عکس‌العمل تو چگونه هست؟

من این تهمت‌هایی که به بی‌تی‌اس می‌زنن رو باور نمی‌کنم. اکثر مردم کره کوسه هستند و ریش ندارند و چهره‌هاشون شبیه دخترها می‌مونه، دلیلی نداره که مذکر نباشن و انگ هم‌جنس‌گرایی رو بهشون بزنن. برای همین سعی می‌کنم کم‌تر باهاشون در ارتباط باشم. ولی دوستان ارزشمندم و باسوادی هستند از دست نمی‌دم‌شون.

- یکی از مثبت‌ترین کارهایی که بی‌تی‌اس بهت یاد داده، چی بوده؟

اراده و پشتکار در درس خواندن و صبر و استقامت در مقابل مشکلات در من قوی‌تر شده.

- بی‌تی‌اس چه تأثیر مثبتی در زندگی تو داشته؟
زندگی من از یک زندگی معمولی و بی‌هدف به یک زندگی سرشار از شادی و هیجان و هدف‌دار تبدیل شده.
- می‌تونم بپرسم چه هدفی رو دنبال می‌کنی؟
بله، در حال حاضر بزرگ‌ترین هدفم قبولیم در کنکور سال بعد در بهترین رشته‌های مهندسی هست، اونم در دانشگاه شریف تهران.
- امیدوارم همین طور بشه.
- هواداری تو از بی‌تی‌اس چه شادی و هیجانی رو برات به ارمغان آورده؟

با گوش دادن و تماشای آهنگ‌های بی‌تی‌اس چنان شادی و شعفی به من دست می‌دهد که هر چه غم دنیا هست رو فراموش می‌کنم. بعد هیجان برای دیدن آهنگ‌های جدید این گروه باز هم شیرین و لذت بخش هست و از همه مهم‌تر پیدا کردن دوستان جدیدی که همه هوادار بی‌تی‌اس هستن، انرژی من رو مضاعف‌تر می‌کنه.



- آیا هواداری تو از بی‌تی‌اس روی اخلاق تو نیز تأثیر گذاشته؟
بله، تأثیر گذاشته، قبلاً کم حوصله و عجول بودم، ولی بی‌تی‌اس صبر و حوصله رو به من آموخت. احترام به والدین و بزرگ‌ترها و اساتید و کمک به نیازمندان و بیماران رو به من یاد داد.
- می‌شه یه مثالی بزنی؟
مثلاً قبلاً هر روز با هم کلاسی‌هام سر کوچک‌ترین اختلافی دعوا می‌شد، ولی حالا اصلاً این طور نیستم، حتی اگر توهینی بشنوم کوتاه میام و سعی در ادامه جرو بحث رو ندارم و آن‌ها رو هم دعوت به آرامش می‌کنم.
- آیا هواداری از بی‌تی‌اس روی اعتقادات تو نیز تأثیر داشته؟
نه، هیچ تأثیری نداشته، من مسلمانم و دارای اعتقادات مذهبی به صورت نرمال و غیرافراطی هستم. بی‌تی‌اس به همه ادیان و آیین‌ها احترام می‌گذارد و هیچ وقت نمیاد تلاش کنه که کسی رو از دین و آیینش دور کنه.
- چرا گروه بی‌تی‌اس راجع به دین و آیین خودشون هیچی نمی‌گن؟
از آنجا که این گروه از هفت نفر تشکیل شده، ممکنه یکی از اعضاء مسیحی و یکی دیگه ارمنی و بقیه هر کدام آیین متفاوتی داشته باشن. پس برای جلوگیری از اختلاف در میان هواداران از هیچ مذهبی پشتیبانی نمی‌کنن و راجع به دین و مذهب خودشون هیچی نمی‌گن.
- قبلاً گفتم از آیدول جیهوپ الگوبرداری می‌کنی، چه شناختی از اون داری؟
جیهوپ رپر، رقصنده اصلی و پشتیبان خواننده هست. از نظر اخلاقی خیلی بامزه و شوخ طبع هست. قدش ۱۷۷ و وزنش ۶۵ کیلوگرم هست. تو یه خانواده چهار نفره به دنیا آمده و یه خواهر بزرگ‌تر از خودش داره و بهترین سرگرمیش گوش دادن به موسیقیه. خیلی اجتماعیه و به خاطر همین می‌تونه خودش رو خیلی راحت قاطی بقیه و اعضای دیگه گروه بکنه. پدرش معلم ادبیات دبیرستان هست. اون از ورزش و کارکردن بیزار هست. جیهوپ فکر می‌کنه موهای قرمز خیلی بهش میاد.
- این اطلاعات رو از کجا به دست آوردی؟
از طریق اینترنت و سرچ کردن توی گوگل.
- احسان این درسته که گروه بی‌تی‌اس اعتقاد داره بین زن و مرد هیچ تفاوتی نیست؟

بله، کاملاً معتقد به اصل برابری زن و مرد هستن. بعد خودشون هویت جنسی مشخصی ندارند. از نظر چهره و آرایش صورت مثل خانم‌ها هستند، ولی از نظر فیزیک بدنی مثل آقایان هستند و معتقد هستن همون طوری که دخترها آرایش می‌کنند و طلاجات به خودشون آویزان می‌کنند، پسرها هم می‌تونن و این تفکرشون باعث شده هواداران دختر و پسر زیادی داشته باشن.

- این عدم تفکیک جنسیتی چه تأثیری روی هواداران گذاشته؟
باعث شده که اکثر پسران هوادار به تقلید از آیدول‌ها آرایش کنند و مثل دخترها به خودشون زنجیر و طلاجات آویزان کنند و موهاشون رو رنگ کنند و در این میان هواداران دختر هم از آرایش‌شون تقلید می‌کنن، هم از پوشش و مد لباس‌هاشون.



- احسان چه چیزی در گروه بی‌تی‌اس باعث شده که همه فکر می‌کنن هم‌جنس‌گرایی رو رواج می‌دن؟
این که شکل و شمایل دخترانه دارند، ولی مذکرند و دوم این که مثل دخترها آرایش می‌کنن و ظرافت دخترانه را در رقص‌هاشون دارند.
- واکنش هواداران در این باره چه طور هست؟

بیش‌تر هواداران تا دلت بخواد با داستان‌سرایی‌هایی که درباره آیدول‌ها در فن پیچ‌هاشون می‌کنن، به شایعه هم‌جنس‌گرایی گروه بیش‌تر دامن می‌زنند. برخی از هواداران هم خواسته یا ناخواسته با این داستان‌های خیالی و پخش تصاویری از آیدول‌ها، مهر تأییدی بر این شایعه‌ها می‌زنند.

- چرا هواداران این کار رو می‌کنند؟

فکر نکنم هواداران اصلی این کار رو بکنن. بعضی از هواداران فیک و تقلبی و خودخواه برای پیشرفت فن پیچ‌هاشون و گرفتن تبلیغ برای درآمدزایی این کار رو می‌کنند. با این عکس و داستان‌های دنباله‌دار بر تعداد فالورهای خود می‌افزایند.

- چندتا از شعارهای گروه بی‌تی‌اس رو که تأثیرپذیری بیش‌تری روی هواداران داره رو می‌شه نام ببری؟
حتماً، شعارهایی درباره سلامت روان، مشکلات زمان تحصیل و جوانی، از دست دادن کسی، سفر کردن، عاشق خود بودن، استقلال فردی و توانمندسازی خود است.

- اعضای گروه بی‌تی‌اس چه فعالیت‌های دیگه‌ای دارند؟

فعالیت‌های خیرخواهانه مثل کمک به پناهندگان و نیازمندان و بیماری‌های خاص، مبارزه با تبعیض نژادی، دفاع از حقوق کودکان، راه‌کارهایی برای جلوگیری از گرم شدن زمین و واکسیناسیون برای مبارزه با همه‌گیری کرونا.



- چرا کمپانی سازنده بی‌تی‌اس به آیدول‌ها می‌گه آرایش بکنن و طلاجات به خودشون آویزان کنن؟
- کمپانی از این کارش سه هدف داره، یکی می‌خواد تبعیض جنسیتی رو از بین بیره و برابری بین زن و مرد رو به نمایش بگذاره و دوم این که هم‌جنس‌گرایی رو بین هواداران ترویج کنه و به عادی‌سازی مسأله هم‌جنس‌گرایی بپردازه و سوم با این کارش به کشورهای غربی که هم‌جنس‌گرایی در آن‌ها رایجه، برای پیشرفت اقتصادی کره نزدیک بشه.
- آرایش و استفاده از طلاجات توسط آیدول‌ها، چه تأثیری روی هواداران دارد؟
- خیلی تأثیر داره اکثر هواداران پسر به تقلید از آیدول‌ها زنجیر به گردن آویزان می‌کنن ویا میچ بند و انگشتر به دست‌شون می‌اندازن و مدل‌های موی سرشون رو شبیه آیدول‌ها درست می‌کنن و آرایش هم می‌کنند.
- این کار هواداران چه انعکاسی در بین جامعه داره؟
- از بس جوان‌ها این کارها رو تکرار کردن تقریباً عادی شده و کم‌تر پشت سرشون مثل قبل حرف می‌زنن.
- قبلاً چی پشت سرشون می‌گفتن؟
- مثلاً قبلاً بهشون می‌گفت یارو پسره دختر صفت رو می‌گی که مثل دخترها رزلب می‌زنه و یا بهشون می‌گفتن هم‌جنس‌گرا.
- چرا کمپانی می‌خواد تفکیک جنسیتی رو از بین بیره؟
- کمپانی می‌خواد گروهش خیلی متفاوت‌تر از گروه‌های دیگه کره باشه. برای همین اولین حرکت متفاوتش برای جلب بیش‌تر هوادار و جلب توجه مردم جهان از بین بردن تفاوت مرد و زن هست و در قالب شعار برابری انسان‌ها با نمایش هفت پسر دخترنما و زن‌سان که هیبتی مردانه دارند، اما چهره‌هایی زیبا و دخترانه دارند، همه رو شگفت زده کرده.



- این تفاوت چه سودی برای کمپانی داره؟

همیشه هر چه متفاوت‌تر باشه بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیره. با این کار کمپانی نظر همه‌ی مردم جهان به این گروه جلب شده و روز به روز به هوادارانش افزوده می‌شه. اضافه شدن هواداران مساوی است با سود بیش‌تر کمپانی و جهانی شدن بی‌تی‌اس.

- احسان این از بین بردن تفکیک جنسیتی چه انعکاسی روی هواداران داره؟

این از بین بردن تفکیک جنسیتی بیش‌تر باعث خوشحالی دخترها و خانم‌ها شده. چون قبلاً و در سال‌های گذشته، همیشه مردها جنس برتر بودن و به خودشون اجازه می‌دادن در مسایل دخترها و زنان و خواهرهای خود اظهار نظر کنند و تصمیم گیرنده نهایی مردها بودن و تبعیض جنسیتی در سال‌های دورتر خیلی آشکار بوده، طوری که اگر قتلی اتفاق می‌افتاد یه دختر رو به عنوان خون‌بس به خانواده مقتول می‌دادن. بدون این که نظر دختر رو بخوان. هواداران مؤنث خیلی از این بابت خوشحالند و استقبال بیش‌تری از بی‌تی‌اس می‌کنند.

- عدم تفکیک جنسیتی چه تأثیری روی هواداران داره؟

دیگه با این شعار برابری زن و مرد، پسران هم مانند دخترها به خودشون اجازه می‌دن که آرایش کنند و گوشواره به گوش‌هاشون آویزون کنند و عمل‌های زیبایی صورت انجام بدن. برعکس، دخترها هم دوست دارند، لباس‌های پسرانه بپوشن و موهاشون رو کوتاه کنند و در اجتماع و ورزشگاه‌ها در کنار مردان بیش‌تر حضور داشته باشن.

- این که پسران به گوش‌هاشون گوشواره بندازن، در همه‌ی کشورها بین هواداران مد شده؟

بیش‌تر در کشورهای غربی مردها به یه گوش‌شون گوشواره آویزان می‌کنند و در کشور کره و بعضی کشورهایی که طرفدار بی‌تی‌اس زیاد دارند، علاوه بر گوشواره انواع طلاجات رو به خودشون آویزان می‌کنند، مثل زن‌ها آرایش می‌کنند. ولی در کشور ما هوادارهای پسر گوشواره به گوش نمی‌کنند. مردم کشور ما گوشواره در گوش مردها رو نشانه هم‌جنس‌گرایی می‌دانند. فقط هواداران پسر در کشور ما زنجیر طلا و یا دست بند و یا انگشتر استفاده می‌کنند و آرایش خیلی کم رنگ و محوی می‌کنند.

- چرا کمپانی سازنده بی‌تی‌اس با سوءاستفاده از اعضای بی‌تی‌اس اندیشه هم‌جنس‌گرایی رو رواج می‌ده؟

کمپانی سازنده بی‌تی‌اس از این کارش هم اهداف اقتصادی داره، هم اهداف سیاسی.

- اهداف اقتصادی‌ش رو با ذکر مثال لطفاً توضیح بدید؟

مثلاً کمپانی به آیدول‌ها می‌گه وقتی فلان آهنگ رو روی صحنه اجرا می‌کنین. دست‌های آیدول کنارتون رو بگیرین و یا نوازش کنین و یا احساسی بشین آیدول کناری تون رو ببوسین. آیدول‌ها هم با این که مذکرند، از نظر چهره به زیبایی دختران می‌مانند و این کارشون باعث می‌شه به مزاج خیلی خوش بیاد و باعث شده بر تعداد هواداران‌شون در دنیا بیش‌تر بشه و این اضافه‌تر شدن هواداران یعنی کسب درآمدزایی بیش‌تر برای کمپانی. مثلاً بخواد بره یه کشوری برای کنسرت، اول باید تعداد هوادارانش در اون کشور زیاد باشه تا بتونه با پشتیبانی آن‌ها خبر کنسرتش رو در سطح اون کشور پخش کنه و بعد بتونه بلیط‌های کنسرتش رو گران‌تر بفروشه.

- به نظرت کمپانی با این کارش جنسیت‌زدایی در عشق رو ترویج نمی‌کنه؟

دقیقاً هدفش همینه. کمپانی وقتی به چند پسر جوان می‌گه که زمان اجرا روی صحنه باهم جنس خودتون حرکات عاشقانه داشته باشین، این می‌تونه روی دختران جوان هم صدق داشته باشه. مثلاً دو یا چند دختر باهم معاشقه داشته باشن و یا دوتا دختر باهم هم‌خونه بشن و یا دوتا پسر که هم جنس هم هستن، از هم خوش‌شون بیاد و هم‌خونه بشن.

- جنسیت‌زدایی در عشق و هم‌جنس‌گرایی چه عواقبی در میان هواداران ایجاد کرده؟

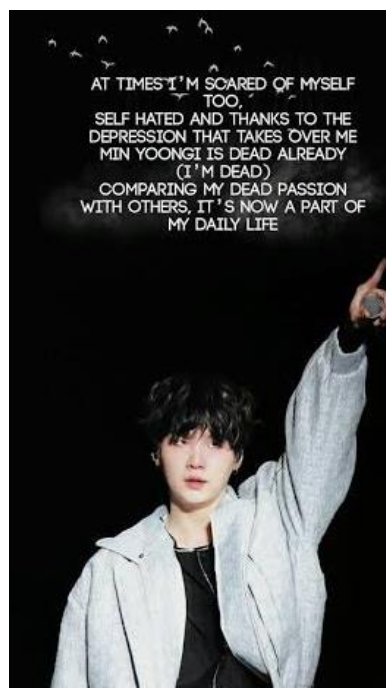
باعث شده تا جوان امروزی میل به ازدواج با جنس مخالف خودش رو از دست بده و دیگه خیلی کم‌تر ازدواج‌های سالم رو بینیم.

- احسان این کار کمپانی چه تأثیری روی ستاره‌ها داره؟

آیدول‌ها با شنیدن شایعات هم‌جنس‌گرایی در مورد خودشون از نظر روحی و روانی داغون می‌شن. بعضی‌هاشون افسردگی می‌گیرن و به خوردن قرص‌های اعصاب روی میارن و همه‌ی این شایعات رو از چشم کمپانی می‌بینن.

- به نظرت چاره کار در چیست؟

خوردن قرص‌های اعصاب موقتی اثر می‌کنه و برای یه مدتی فراموش می‌کنند، چه بلایی سرشان آمده و اثر مخرب این شایعه تا زنده ان همراه اون‌ها هست. تنها چاره کار اینه از این گروه استعفاء بدن و بیان بیرون و یه زندگی جدیدی رو شروع کنند.



- چه چیزی باعث شد تا سریال‌های کره‌ای بیش‌تر مورد توجه مردم کشورمان قرار بگیرد؟
- یکی موج کره‌ای باعث مطرح شدن آیدول‌ها و سوپر استارهای کره‌ای و توجه بیش‌تر به فیلم و سریال‌های کره‌ای شد و دلیل دیگرش رو شاید قرابت فرهنگی میان ما و کشور کره باشد، از این لحاظ می‌گم قرابت فرهنگی که حتی کهن‌ترین و کم‌سوادترین فرد جامعه ما از دیدن سریال‌های کره‌ای لذت می‌برد، بدون این که حتی از قبل آشنایی با این کشور و فرهنگش رو داشته باشند.
- این موج کره‌ای که گسترش پیدا کرده چه آسیب‌هایی رو می‌تونه روی هواداران ایجادکنه؟
- باعث می‌شه بعضی از هواداران واقعی زندگی نکنن و همه‌اش از آیدول مورد علاقه‌شون تقلید کنن و این تقلید به قیمت از دست دادن زمان و انرژی برای کسب تجربه‌های ناب و عمیق در زندگی می‌تونه باشه و حتی زندگی آن‌ها از حالت نرمال خارج شود.
- این موج کره‌ای و تقلید از آیدول‌ها از نظر فرهنگی روی هواداران چه تأثیری داره؟
- باعث شده هواداران در زمینه‌های مختلف از فرهنگ کره مانند یادگیری زبان کره‌ای، آشپزی به سبک کره و آداب و فرهنگ این کشور الگوبرداری و تقلید کنن.
- احسان راجع به جشن تولدهای پر هزینه آیدول‌ها توسط کمپانی و هواداران اطلاعاتی داری؟
- بله، هر بار که سالگرد تولد یکی از اعضای گروه بی‌تی‌اس باشه، کمپانی سازنده گروه از هفته‌ها قبل از روز تولد، دست به تبلیغ وسیع در خبرگزاری‌های کره و رسانه‌های ملی این کشور می‌زند و این خبر تولد توسط هواداران در فن پیج‌هاشون دست به دست می‌شه. بعد کمپانی به مناسبت تولد هر کدام از آیدول‌ها، در بسیاری از کشورهای پرطرفدار بی‌تی‌اس شروع به نصب بنرهای تبریک تولد و نصب پوسترهایی از عکس آیدول مورد نظر می‌کند و برای هر کدام از آیدول‌ها از یک رنگ برای نور افشانی استفاده می‌کند.
- هدف کمپانی از جشن تولدهای پرهزینه چیه؟
- اولین هدفش بهانه‌ای برای تبلیغات گسترده برای گروه و درآمدزایی بیش‌تر و دومین هدفش از این جشن‌ها زنده نگه داشتن نام و اسم گروه در اذهان مردم.



- این جشن‌های تولد برای آیدول‌ها چه تبعات اخلاقی بر روی هواداران دارد؟
معمولاً جشن‌های تولد هیجان‌های خاصی رو برای هواداران ایجاد می‌کنه، اون‌ها هم در قبال بی‌تی‌اس احساس وظیفه می‌کنند و در بین جمع دوستانه خودشون جشن‌ها و گردهمی‌هایی می‌گیرند و به تقلید از آیدول‌ها به مناسبت تولد آیدول مورد نظر، کمک‌هایی خیرخواهانه به نیازمندان و یا بیماران خاص انجام می‌دن. این جشن‌ها باعث نزدیکی بیش‌تر هواداران به هم و جمع‌آوری کمک‌های انسان دوستانه به نیازمندان می‌شه.

- این جشن تولدها چه بار روانی برای هواداران داره؟
هواداران با شادی در این جشن‌ها و هیجان برای برگزاری این جشن‌ها هم برای تولد آیدول‌ها خوشحالند و شادی می‌کنند، هم احساس خوبی که از کمک به فقرا و نیازمندان بهشون دست می‌ده، خیلی با ارزشه.

- این جشن تولدها چه تبعات فرهنگی برای هواداران داره؟
فرهنگ زیبای کمک به نیازمندان در جشن‌های تولد رو یاد می‌ده و هواداران با تقلید از گروه بی‌تی‌اس در جشن تولدهای خانوادگی خودشون نیز این کار خیر رو انجام می‌دن. به امید این که این کار به جای گرفتن جشن تولدهای میلیونی و مجلل فرهنگ سازی بشه.

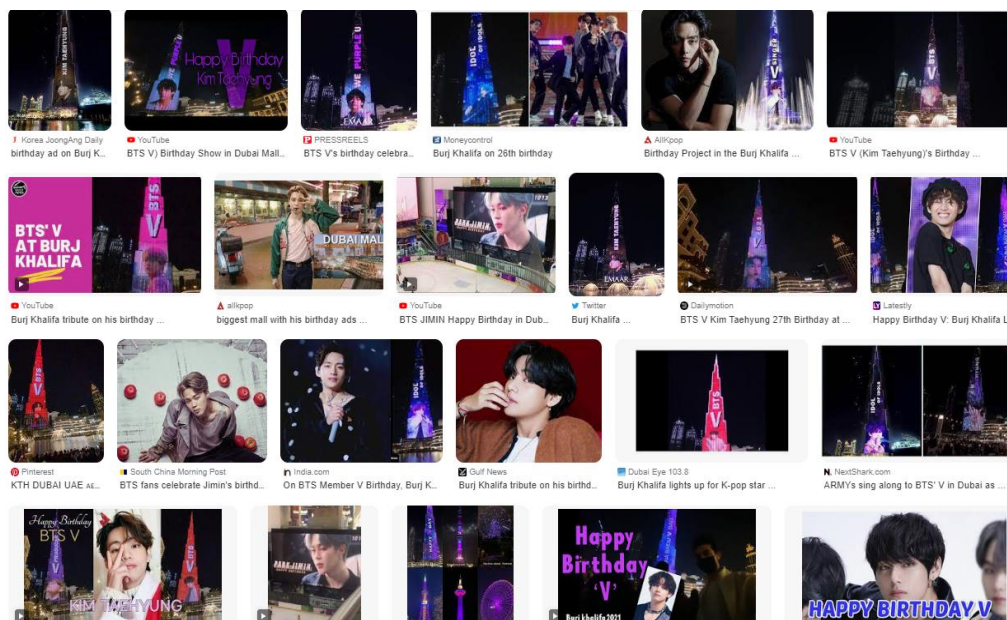
- احسان می‌شه یه نمونه از جشن تولدهای بی‌تی‌اس رو مثال بزنی؟
بله جشن تولد آیدول مورد علاقه خودم رو مثال می‌زنم. مثلاً برای جشن تولد جیهوپ هواداران بیلبوردهای تصویر جیهوپ رو در سرتاسر دنیا چاپ کردند و علاوه بر این کارهای خیریه زیادی انجام دادن. طرفداران بی‌تی‌اس به افتخار تولد جیهوپ به بازسازی بیمارستانی در چین کمک کردند. طرفداران چندین مؤسسه خیریه نیز در طرح بازسازی بیمارستان به آن‌ها کمک کردند. برای استفاده خانواده‌های کم‌درآمد از بیمارستان‌ها کمک مالی در نظر گرفته شد و یک بیمارستان در استان آنهویی در چین به نام جیهوپ نام‌گذاری و افتتاح شد. این بیمارستان پروژه‌ای بود که توسط هواداران بی‌تی‌اس مستقر در چین برای تولد جیهوپ در ۲۰۲۱ آغاز شد. این بیمارستان به ساکنان روستاها و خانواده‌های کم‌درآمد که دسترسی آسانی به امکانات پزشکی ندارند، کمک خواهد کرد.

- احسان نقش فن پیچ‌ها در اجرای این جشن تولدها چگونه است؟
هوادارانی که فن پیچ‌هایی برای تبلیغ گروه بی‌تی‌اس دارند، روز دقیق جشن تولدها رو به هواداران اطلاع‌رسانی می‌کنند و از هر جشن و مراسمی در هر کشوری، ویدیوها و فیلم‌هایی در پیچ‌هاشون برای هواداران می‌ذارند. بعد کمک‌های مالی خیرخواهانه هواداران رو جمع‌آوری می‌کنند و به دست نیازمندان می‌رسانند.

- هواداران از این فن پیچ‌ها دیگه چه اطلاعاتی به دست میارن؟
اخبار لحظه به لحظه گروه بی‌تی‌اس رو منتشر می‌کنند. زندگی نامه‌های هر کدام از اعضای گروه رو می‌نویسن و عکس‌ها و پوسترهای تبلیغاتی آیدول‌ها رو می‌ذارن. کمک‌های خیرخواهانه آیدول‌ها رو می‌نویسند و فعالیت‌هایی که گروه انجام می‌ده رو در فن پیچ‌هاشون می‌ذارن. به همین ترتیب، ترجمه شعارها و پیام‌های آیدول‌ها رو برای هواداران می‌نویسن و جدیدترین آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو در پیچ‌هاشون می‌ذارن.

- کمپانی سازنده گروه بی‌تی‌اس از برگزاری جشن‌های باشکوه تولد چه اهدافی دارد؟

کمپانی برای این جشن تولدها میلیاردها پول خرج می‌کنه و با این کارش گروه پسران جوان بی‌تی‌اس رو به دنیا معرفی می‌کنه و با کمک‌های خیرخواهانه ثابت می‌کنه که گروه هدفی جز خیر و کمک به مردم ندارند. این تبلیغ‌ها و این همه خرج‌ها براش بدون نتیجه نمی‌مونه. بر تعداد هوادارانش اضافه می‌شه و کافیه بره هر کشوری کنسرت گروه بی‌تی‌اس رو اجرا کنه. همه برای تماشای کنسرت بلیط می‌خرند و صندلی خالی در تالارها نمی‌مانه. پس هر چه هزینه کنه، چندین برابرش رو به جیب می‌زنه.



- احسان شده لباسی که آیدول‌ها مدش کرده باشند رو بخوای از کره مستقیم بخری؟
 بله، من این کار رو کردم و چون خواهرم تو کره زندگی می‌کنه، تهیه‌ی لباس‌های ترند شده برای من ساده‌تر است. چون راجع به اون لباس به خواهرم می‌گم و ایشون به هر صورتی شده آن لباس رو برام تهیه می‌کنه و می‌فرسته.
 - بقیه دوستانت چگونه لباس‌های مد بی‌تی‌اس رو تهیه می‌کنند؟
 چندتا بوتیک لباس تو تهران هست که فقط کارشون آوردن لباس‌های مارک‌دار و ترند هستش، دوستام می‌رن و با قیمت‌های خیلی بالایی این لباس‌ها رو تهیه می‌کنند.



- اکثر پسران بی‌تی‌اس در چه سنی وارد گروه شدن؟
 بیشتر در دوران دبیرستان و یا سال‌های آخر دبیرستان. تقریباً در سن پانزده یا شانزده سالگی به عضویت گروه درآمدند.
 - به نظرت برای این انتخاب مهم در زندگی‌شون از نظر سنی خیلی کم سن و سال نبودن؟
 حقیقتاً بیش‌ترشون خیلی کم سن و سال بودند و به آن بلوغ فکری لازم نرسیده بودن برای این که بخوان برای سال‌های آینده خودشون تصمیم‌های مهمی مثل این که نباید ازدواج کنند رو بگیرند.
 - این کار کمپانی رو چگونه توجیه می‌کنی؟

این کار کمپانی ناعادلانه و ظلم در حق پسران گروه بی‌تی‌اس هست. چون در سنی یه قرار دارد رو امضا کردن که به بلوغ فکری نرسیده بودن. نه تنها آن‌ها، بلکه هر کس دیگری خبر نداره که در سنین بالاتر تا چه حد می‌تونه نیاز جنسی خود رو سرکوب کنه.

- واکنش هواداران در این باره چگونه است؟

به خاطر این ظلم کمپانی که از شخصی‌ترین حق آیدول‌ها جلوگیری می‌کنه خیلی ناراحت هستن. بیش‌تر به طرفداری‌شون از آیدول‌ها ادامه می‌دن.

- به نظرت پسران بی‌تی‌اس در بستن قرارداد با کمپانی مجبور بودن؟

نه، به هیچ وجه، هر کسی در دوران کودکی و نوجوانی رؤیای آرتیست بودن رو دارد. و پسران گروه بی‌تی‌اس به خاطر معروف و آرتیست شدن در آینده، در سنین کم با اختیار خودشون عضو گروه شدن.

- هر کسی می‌تونست عضو گروه بشه یا کمپانی خودش انتخاب می‌کرد؟

نه هر کسی نمی‌تونست عضو گروه بشه، این هفت نفر رو کمپانی خودش انتخاب کرده. خیلی گشته پسرانی با خصوصیت‌های مشترک و چهره‌هایی شبیه دختران پیدا کرده، بعد اقدام به بستن قرارداد با آن‌ها کرده. قد و وزن و زیبایی خدادادی بچه‌ها، جزء اولین معیارها بوده.

- آیدول‌ها حق ازدواج ندارند و حتی حق ارتباط با جنس مخالف، به نظرت غریزه‌های جنسی خود رو چگونه کنترل می‌کنند؟

این مسأله کاملاً شخصی و یک ابهام بزرگ در مورد آیدول‌ها هست و همین ابهام با چهره‌های زنانه و قامت مردانه آن‌ها این شک رو به وجود میاره که ممکنه اون‌ها هم‌جنس‌گرا باشن، یعنی تمایل به برقراری رابطه با هم جنس خود رو داشته باشند. همه‌ی ظرافت‌های زنانه رو دارند، ولی مذکرند. ممکنه دچار دوگانگی جنسیتی شده باشند و البته همه‌ی این‌ها نظر شخصی منه و در هاله‌ای از ابهامه.

- چرا کمپانی در مورد جنسیت گروه بی‌تی‌اس هواداران رو به شک می‌اندازه؟

اصلاً یکی از اهداف کمپانی همینه. تبلیغ می‌کنه برای عدم تفکیک جنسیتی در لباس، در آرایش، در شغل. کمپانی می‌خواد ثابت کنه انسان‌ها باهم برابرن و جنسیت مهم نیست و از طریق گروه بی‌تی‌اس این اهداف رو به سراسر دنیا پخش می‌کنه تا موج برابری انسان‌ها به دور از جنسیت در سراسر دنیا شناخته بشه.

- کاری را که گروه بی‌تی‌اس الآن می‌کنه، تاحالا گروه‌های دیگر کره انجام داده‌اند؟

نه. اگر هم بوده، من نشنیدم.

- به نظرت چرا این قدر گروه بی‌تی‌اس روی این شعار مانور می‌دن؟

به خاطر این که گروه بی‌تی‌اس یه کشور کره‌ای است و مردم کره و بیش‌تر کشورهای آسیایی دارای تفکرات تبعیض جنسیتی هستن. این افکار از داخل خانواده‌ها شکل می‌گیره و سپس در اجتماع خودش رو نشون می‌ده. بیش‌تر خانواده‌ها فرزندان پسر خود رو بیش‌تر دوست دارند و در بین اقوام و فامیل با داشتن پسران بیش‌تر خود، احساس افتخار می‌کرده‌اند. همیشه والدین پسران خود رو تشویق می‌کردند و کم‌تر خانواده‌ای بوده که به داشتن دخترش افتخار کند و یا او رو تشویق کنه. برای همین بی‌تی‌اس این اختلاف‌ها رو در میان جوامع آسیایی دید و با تفکر برابری انسان‌ها به مبارزه با آن پرداخت.

- استقبال هواداران از این شعار چگونه است؟

هواداران اصلی بی‌تی‌اس که از نیت خیرخواهانه گروه آگاه شده‌اند، خیلی از این شعار استقبال می‌کنند و با الگوبرداری از آیدول‌ها عدم تفکیک جنسیتی در پوشش و آرایش رو سرلوحه خودشون قرار داده‌اند.

- این استقبال هواداران چه تأثیر اجتماعی بر روی جوامع گذاشته؟

در بیش‌تر جوامع عدم تفکیک جنسیتی پوشش و آرایش دیگه عادی‌سازی شده و کم‌تر با این گونه افراد مخالفت می‌شه.

- چه تأثیری روی هواداران گذاشته؟

هواداران از این هویت جدیدشون با این طرز پوشش و آرایش رضایت دارند و خیلی خوشحالن.

- عدم تفکیک جنسیتی در پوشش و لباس چه تأثیر اخلاقی روی هواداران گذاشته؟

چه بسا هواداران پسر قبلاً رفتارهای خشن داشتن، ولی با آرایش و پوشش‌های مشترک زنانه و مردانه انعطاف بیش‌تری به خرج می‌دهند و یا این طور به نظر می‌رسه. آرایش در پسران خواه ناخواه اون ابهت و هیبت مردانه‌شون رو کم رنگ‌تر می‌کنه و در ظاهر ملایم‌تر و مهربان‌تر به نظر می‌رسند.

- ممکنه اعضای بی‌تی‌اس بعد از متوقف شدن فعالیت‌شون هر کدام تنهایی کنسرت اجرا کنند؟

بله، امکانش هست وحتى قراره جیهوپ آلبوم انفرادی در تاریخ ۱۵ جولای (۲۴ تیر) در نهمین سالگرد تشکیل بی‌تی‌اس اجرا کنه.



- اگر انفرادی کنسرت اجرا کنن، چه تأثیری روی هواداران داره؟
- به نظرم دیگه این اتحاد و انسجام کنونی گروه از بین می‌ره و هر طرف داری از یه آیدول طرف داری می‌کنه و بین هواداران اختلاف پیش میاد. و دیگه کشور کره قدرت مانوری که الان با گروه بی‌تی‌اس داره، نخواهد داشت.
- ممکنه بدهی ستاره‌ها به کمپانی تمام شده باشه و دیگه نخوان با کمپانی کار کنند؟
- بله، احتمالش هست. چون سالانه میلیاردها دلار از کنسرت‌های گروه پول به جیب زده و احتمال این که آیدول‌ها بدهی‌شان به کمپانی صاف شده باشه، خیلی زیاد هست و حق طبیعی شون هست که بخوان تنهایی و برای خودشون کنسرت اجرا کنن.
- اگر گروه منحل بشه چه تأثیری روی ستاره‌ها دارد؟
- آیدول‌ها از هم جدا می‌شن و ممکنه هر کدام دور از هم و در شهر زادگاه خود زندگی کنند و الان مثل اعضای یک خانواده به هم وابسته هستند و ممکنه جدایی باعث افسردگی هر کدام از آن‌ها بشه.
- اگر بدهی آیدول‌ها به کمپانی تمام شده باشه، می‌تونن دیگه از دستوره‌های کمپانی سر پیچی کنند؟
- کمپانی کاری کرده که تا سالیان سال آیدول‌ها زیر بدهی باشن و اگر یه زمانی بدهی آیدول‌ها با کمپانی صاف بشه، می‌تونن دیگه از دستوره‌های غیرمنصفانه کمپانی اطاعت نکنن.
- اگر ستاره‌ها از دستورات کمپانی اطاعت نکنن چه اتفاقی ممکنه بیفته؟
- گروه بی‌تی‌اس اون انسجام همیشگی رو نخواهد داشت و ممکنه آیدول‌ها اتحادی که الان باهم رو دارند از دست بدن و این مساوی هست با آغاز تزلزل و فروپاشی گروه.
- گروه بی‌تی‌اس چه تأثیری روی جوانان کشورمون داشته؟
- گروه بی‌تی‌اس یه گروه سرزنده و شاده که باعث شادی و تفریح هوادارانش بوده و به هواداران و جوانان با شعارها و پیام‌هاشون راه و رسم درست زندگی کردن رو یاد داده و و هدف مند بودن در زندگی و تلاش و مداوم برای آن رو به هوادارانش نشون می‌ده.
- نقش موسیقی‌هاشون روی هواداران رو چگونه توصیف می‌کنی؟
- بی‌تی‌اس با موسیقی‌های شاد و جذابش به هواداران روحیه و انرژی می‌ده. افسردگی و یاس و ناامیدی رو از بین می‌بره.
- ممنون از این که وقت گذاشتی.
- خواهش می‌کنم.

تأملی دوباره

احسان ۱۷ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

احسان در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: تلاش کمپانی برای جهانی شدن گروه بی‌تی‌اس، پیگیری اهداف اقتصادی درازمدت کمپانی با گرفتن جشن تولدهای میلیاردی برای ستاره‌ها، اهمیت اهداف اقتصادی برای کمپانی، تلاش کمپانی در زدودن تفکیک جنسیتی و تأکید بر برابری زن و مرد، تخریب روانی ستاره‌ها (برخلاف جشن

تولدهای پرشکوه)، استقبال (فمینیست‌ها و دختران) از کم رنگ شدن مسأله هویت جنسی افراد توسط گروه بی‌تی‌اس و تبلیغ بی‌هویتی جنسی، اشاره داشته است.

احسان ۱۷ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: تأکید بر ظواهر نوعدوستانه گروه، پیش‌بینی افسردگی ستاره‌ها با انحلال گروه بی‌تی‌اس و دوگانگی جنسیتی ستاره‌ها، اشاره داشته است.

احسان در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: طرح دغدغه‌های جوانان توسط گروه بی‌تی‌اس، الگوبرداری‌های ظاهری از ستاره‌ها، اعطای کمک‌های نوعدوستانه به تبعیت از اعضای گروه از سوی هواداران، محدود شدن ارتباط‌های اجتماعی افراد با هواداری از گروه بی‌تی‌اس، تعطیل شدن منطق در تلاطم عواطف، استقبال (فمینیست‌ها و) دختران از کم رنگ شدن مسأله هویت جنسی افراد، تزلزل هویت جنسیتی، سوق یافتن هواداران به سمت بی‌هویتی جنسی، ناامید شدن افراد هوادار با دیدن فاصله خود با ستاره‌ها، بروز اختلاف‌های خانوادگی (نگرانی خانواده‌ها از تمایل مهاجرت فرزندشان به کره)، مهاجرت هواداران افراطی بی‌تی‌اس به کره و نادیده گرفتن نارضایتی والدین‌شان، ترس والدین از خودکشی فرزندان هوادار بی‌تی‌اس، افسردگی والدین بعد از مهاجرت فرزندان به کره، وجود طرفدارانی که با نشر اخبار نادرست دنبال درآمدزایی خودشان هستند، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه احسان ۱۷ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحثی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، احسان در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی، اقتصادی - سیاسی، هنری، زیباشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

احسان در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: تعطیل شدن منطق در تلاطم عواطف، تزلزل هویت جنسیتی، سوق یافتن هواداران به سمت بی‌هویتی جنسی، ناامید شدن افراد هوادار با دیدن فاصله خود با ستاره‌ها و تشویق به داشتن نگاه مثبت به حال و آینده، یاد کرده است.

احسان در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: طرح دغدغه‌های جوانان توسط گروه بی‌تی‌اس، الگوبرداری‌های ظاهری از ستاره‌ها، اعطای کمک‌های نوعدوستانه به تبعیت از اعضای گروه از سوی هواداران و محدود شدن ارتباط‌های اجتماعی افراد با هواداری از گروه بی‌تی‌اس، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: تلاش برخی از هواداران در جهت تبلیغ گروه بی‌تی‌اس، سخن گفته است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: وجود طرفدارانی که با نشر اخبار نادرست درباره گروه، دنبال درآمدزایی خودشان هستند؛ سخن گفته است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: الگوبرداری از جنسیت‌زدایی در آرایش و پوشش و استفاده از مدهای بی‌تی‌اسی، سخن گفته است.

احسان در توصیف «اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: بروز اختلاف‌های خانوادگی (نگرانی خانواده‌ها از تمایل مهاجرت فرزندشان به کره)، مهاجرت هواداران افراطی بی‌تی‌اس به کره و نادیده گرفتن نارضایتی والدین‌شان، ترس والدین از خودکشی فرزندان هوادار بی‌تی‌اس و افسردگی والدین بعد از مهاجرت فرزندان به کره، سخن گفته است.

از بیانات اخیر احسان ۱۷ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با شیرین، ۲۲ ساله

به نظر من هر کی هوادار بی‌تی‌اس هست، نباید ازدواج کنه. چون ازدواج با خودش وابستگی میاره و گذشتن از بعضی چیزها به خاطر حفظ زندگی ضرورت پیدا می‌کنه و این با آزادی آدم قبل از ازدواج، کلی فاصله داره.

تذکر پژوهشگر:

شیرین ۲۲ ساله، تک فرزند و فارغ التحصیل دانشگاه در رشته علوم انسانی است. وی حدود شش سال طرفدار بی‌تی‌اس بوده، آیدول محبوبش آرام است. شیرین دو فن پیچ درباره بی‌تی‌اس داشته و عاشق موسیقی کره‌ای هست. مصاحبه شونده متأهل بوده و شغل همسرش آزاد است.

- سلام شیرین، برای یک مصاحبه راجع به گروه بی‌تی‌اس وقت داری؟

بله، حتماً.

- چند سالتونه؟

حدود ۲۲ سالمه.

- چند ساله با بی‌تی‌اس آشنایی داری؟

حدود شش سالی می‌شه، یعنی از سال ۲۰۱۶ تاکنون.

- چه طور با بی‌تی‌اس آشنا شدی؟

از طریق دختر همسایه‌مان آشنا شدم. زمانی که ما باهم به دبیرستان می‌رفتیم و یا زمانی که او به خانه ما می‌آمد، راجع به گروه بی‌تی‌اس و شعارها و موسیقی‌شون باهم حرف می‌زد و همیشه آهنگ‌هاشون رو برام می‌فرستاد.

- چند خواهر و برادر داری؟

من تک فرزندم و هیچ خواهر و برادری ندارم.

- پدر و مادرت شاغل اند؟

نه پدرم بازنشسته ... و مادرم خانه داره.

- وضعیت زندگی تون در چه حدیه؟

نه خوبه، نه بد، در حد اقشار متوسط جامعه هستیم.

- چه چیزی در گروه بی‌تی‌اس تو رو علاقه‌مند به این گروه کرد؟

راستش در ابتدای آشنایی، شخصیت جذاب اعضای گروه بی‌تی‌اس خیلی برای من جالب بود و حس کنجکاوی زیادی بهم دست داد تا بیش‌تر این گروه رو بشناسم.

- برای شناخت بیش‌تر گروه چه کار کردی؟

از دوستم که همسایه‌مان بود، مرتب درباره‌شون می‌پرسیدم و ایشان اطلاعات خوبی به من دادن. کانال‌ها و پیج‌های گروه بی‌تی‌اس رو به من معرفی کرد و خودم هم از طریق گوگل پلی کلی درباره‌شون تحقیق کردم.

- پدر و مادرت اطلاعاتی درباره گروه بی‌تی‌اس دارند؟

زیاد نه، در حد عکس و پوسترهایی که از گروه هفت نفره بی‌تی‌اس و عکس‌های تکی از آرام که یکی از اعضای بی‌تی‌اس هستش و من به دیوار اتاقم چسباندم و یا آهنگ‌هایی که می‌ذارم، اطلاع دارند.



- کنجکاو نمی‌شن ازت بپرسن این‌ها تصاویر کیه که به در و دیوار اتاقت کوبیدی؟
 چرا می‌پرسن و من می‌گم تصاویر خواننده‌های کره‌ای هست و من از شون خوشم اومده. بعد دیگه پیگیر نشدن و من رو آزاد گذاشتن.
 - به نظرت چرا والدینت زیاد پیگیر نشدن؟
 از این که می‌دیدند من خوشحالم و بیش‌تر وقتم رو تو خونه با گوش دادن به آهنگ و فیلم می‌گذرانم و مثل قبل با دوستانم کم‌تر بیرون می‌رم، اون‌ها راضی بودن و این تغییر رفتار من برای آن‌ها خوشحال‌کننده بود و دیگه در مورد این آهنگ‌ها و گروه موسیقی کم‌تر می‌پرسیدند.
 - قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس چرا همه‌اش با دوستان بیرون می‌رفتی؟
 خوب هیچ سرگرمی نداشتیم و هروقت از درس خوندن خسته می‌شدم با دوستانم به پارک یا خیابان گردی می‌رفتم. تو خونه نه خواهر و نه برادری نداشتیم و حوصله‌ام زود به زود سر می‌رفت.
 - آیا هم‌زمان با گروه‌های دیگر کره آشنا شدی؟
 نه، کمی درباره موسیقی‌های گروه‌های دیگر کره‌ای تحقیق کردم و هیچ خوشم نیامد.



- چرا از موسیقی گروه بی‌تی‌اس خوشت آمد؟
 به خاطر صدای خیلی قشنگ خواننده‌های بی‌تی‌اس و کار گروهی قشنگ‌شون همراه با رقص و جذاب بودن خود خواننده‌ها و متفاوت بودن شون با دیگر خواننده‌ها، خیلی از موسیقی آن‌ها خوشم اومد.
 - خواننده‌های بی‌تی‌اس چه تفاوتی داشتند که شما آن‌ها را متفاوت دیدی؟
 تفاوت در ظاهر همه‌شون و جذاب بودن همه‌ی اعضای بی‌تی‌اس برای من جالب بود. همه‌شون ظاهری آراسته و آرایش کرده داشتند. هفت پسری که در ظاهر چهره‌هاشون شبیه دختران قشنگ و آرایش کرده بودند و با کلی استعداد رقص و خوانندگی باهم.
 - از کدام آهنگ‌شون بیش‌تر خوشت اومد؟
 آهنگ دینامیت به زبان انگلیسی و آهنگ اشک بیش‌تر از همه خوشم میاد.
 - تو هم سعی کردی گروه بی‌تی‌اس رو به دوستانت معرفی کنی؟

بعد از آشنایی کامل با گروه بی‌تی‌اس تا جایی که خودم قانع شوم که این گروه رو کاملاً می‌شناسم و دوست‌شون دارم، این گروه رو به هم کلاسی‌هایم و بچه‌های فامیل معرفی کردم و تاحدی هم در این جهت موفق بودم.

- واکنش دوستان و هم کلاسی‌ها در این رابطه چگونه بود؟

وقتی برای اولین بار اعضای بی‌تی‌اس رو دیدند و خیلی خوش‌شون اومد. وقتی باهم آهنگ‌هاشون رو گذاشتیم، کلی لذت بردیم و از یه کلاس ۲۵ نفره، حدود ده نفر از بی‌تی‌اس خوش‌شون اومد و مرتب پیگیر آهنگ‌ها و ویدیوهای جدید بی‌تی‌اس می‌شدند.

- اگر گروه بی‌تی‌اس وجود نداشت، امکان داشت طرفدار گروه‌های دیگر کره بشید؟

نه امکان نداشت. چون از بقیه گروه‌ها خوشم نیامد.

- اگر بی‌تی‌اس نبود امکان داشت طرفدار یکی از خواننده‌های کشور خودمون می‌شدی؟

بله، با علاقه‌ای که به موسیقی دارم حتماً طرفدار خواننده‌های ایرانی می‌شدم.

- می‌شه مثال بزنی مثلاً کدام یکی شون؟

مثلاً طرفدار آهنگ‌های حمید هیراد و یا بهنام بانی می‌شدم. نه این که الان طرفدار بی‌تی‌اس هستم به این آهنگ‌ها گوش نمی‌دم. این چنین نیست.



- آهنگ‌های بی‌تی‌اس چه حسی به تو منتقل می‌کنه؟

حس شادی و نشاط و حال خوب به من دست می‌ده. دیدن آهنگ‌ها با رقص اعضای کلی هیجان‌های قشنگ و حس خوب ایجاد می‌کنه.



- آهنگ‌های بی‌تی‌اس چه تأثیری روی تو دارد؟

با گوش دادن به این آهنگ‌ها تمام غم‌های دنیا رو اگر داشته باشی، فراموششان می‌کنی. عین یه مسکن برای من عمل می‌کنه. مخصوصاً وقتی که همراه آهنگ و موزیک‌شون رقص‌هایی از اعضای بی‌تی‌اس باشه. دیگه خیلی محشر می‌شه.

- خوب آهنگ‌های شاد کردی و یا گیلکی زیای داریم، نظرت درباره این‌ها چیست؟

خوب این آهنگ‌ها هم به آدم شادی و نشاط رو منتقل می‌کنه، ولی از بس دیدیم تکراری شدند و تازه مثل گروه بی‌تی‌اس هفت نفر پسر جوان و جذاب شادکه نیستند.

- بیش‌تر چه نوع آهنگ‌هایی از گروه رو گوش می‌دی؟

من یه آدم پر انرژی هستم بیش‌تر آهنگ‌های شاد و هیجانی‌شون رو گوش می‌کنم. فرقی نمی‌کنه کجا باشیم. آهنگ‌هایی که بزن بزن و رقص توش باشه.

- به معنی متن آهنگ‌های بی‌تی‌اس دقت کردی؟

اوه، بله، خیلی دقت کردم و ترجمه‌هاشون رو از دیکشنری پیدا می‌کنم.

- آهنگ‌ها راجع به چیه؟

بیش ترشون راجع به مشکلات جوان‌ها و مشکلات مدرسه و مشکلات بقیه اقشار جامعه هس و راه کارهایی برای این مشکلات و بعضی شون عاشقانه و قرارهای دیدار عاشق و معشوق و وصف وصال و به هم رسیدن آن‌ها هست و کلاً توی آهنگ‌های بی‌تی‌اس هیچ چیزی از قلم نیفتاده.

- این آهنگ‌ها چه پیامی برای هوادارانش داره؟

این پیام‌ها رو با یه ضرب‌المثل ایرانی معنی می‌کنم. که پایان شب سیه سفید است. در بیش‌تر آهنگ‌هاشون از پایان مشکلات و فرا رسیدن روزهای خوب خبر می‌دهند.

- فیلم‌های کره‌ای هم می‌بینی؟

اوه، بله، من عاشق فیلم‌های کره‌ای هستم و اونا رو خیلی دوست دارم، به صورت میانگین در هفته چندتا می‌بینم. بیش‌تر فیلم‌های طولانی‌شون که به صورت قسمت قسمت و سریالی هست رو دوست دارم.

- دوبله شده فیلم‌ها رو می‌بینی؟

هم دوبله شده می‌بینم و هم ترجمه زیر نویس شده به فارسی تا زبان کره‌ای من تقویت بشه.

- هدف از این که زبان کره‌ای خودت تقویت بشه چیه؟

آرزوم اینه یه بار به کره مسافرت کنم. اگر زبان کره‌ای بلد باشم، خیلی خوبه و راحت‌تر با مردم کره ارتباط برقرار می‌کنم.

- تاحالا به مهاجرت به کره فکر نکردی؟

چرا خیلی فکر کردم و دوست دارم اونجا زندگی کنم، ولی به دلایلی نمی‌تونم.

- اگر براتون امکان‌پذیر هست، دلیلش رو بگین؟

اوه، بله، من متأهل هستم و شوهرم به هیچ وجه با مهاجرت و حتی سفر به کره راضی نمی‌شود.

- شوهرت قبل از ازدواج تو با بی‌تی‌اس آشنایی داشت؟

نه، هیچ آشنایی نداشت و من هم قبل از ازدواج راجع به این که هوادار بی‌تی‌اس هستم چیزی به ایشون نگفتم و این بی‌اطلاعی ایشون از هواداری من از بی‌تی‌اس باعث دل‌رنجی ایشون شد.

- چرا به همسرت نگفتی که هوادار بی‌تی‌اس هستی؟

خیلی همسرم رو دوست داشتم و ترس از این که بفهمد هوادار بی‌تی‌اس هستم و از پیشنهاد ازدواجش صرف نظر کند. این من رو ترساند.

- شوهر شما بعد از ازدواج چه طور فهمید که شما هوادار بی‌تی‌اس هستی؟

من دوتا فن پیچ دارم که شب و روز رویشان کار می‌کنم تا تعداد فالورهام زیاد بشه. فن پیچ دومم راجع به گروه بی‌تی‌اس هست و قتی فن پیچ من رو درباره بی‌تی‌اس دید، فهمید که هوادار بی‌تی‌اس هستم. در ابتدا کاری نداشت، ولی بعدها حساس شد.

- سعی کردی ایشون رو با بی‌تی‌اس آشنا کنی؟

بله، خیلی سعی کردم، ولی موفق نشدم. ایشون از گروه بی‌تی‌اس خوشش نیامد.

- چرا خوشش نمیاد؟

می‌گه چندتا پسر لوس و دختر صفت هستند. در ضمن با شعار تفکیک جنسیتی در پوشش و آرایش نیز مخالفه و می‌گه، چه معنی داره یه مرد آرایش کنه، با آرایش مردان مخالفه.



- به نظرت علت مخفی کردن طرفداریت از بی‌تی‌اس بدنامی نسبی این گروه در میان مردم نبود؟ راستش تنها دلیلش همینیه. با تهمت‌ها و شایعه‌هایی که پشت سر بی‌تی‌اس می‌گن، آدم می‌ترسه از این گروه به شکل آشکار هواداری بکنه. البته من می‌دانم این یه اتهام دروغ از طرف دشمنان بی‌تی‌اس هست و گروه بی‌تی‌اس ارزشمند هست وگرنه این همه طرفدار در دنیا نداشت. این افراد تا به اینجا رسیدن خیلی زحمت کشیدن و از خیلی از خواسته‌های اولیه خودشون به خاطر گروه گذشتند و همه‌اش به فکر هواداران و خوشحالی و شادی آن‌ها هستند. خودشون سختی می‌کشند، ولی دوست ندارند هواداران شون سختی بکشند واقعاً این گروه ارزش هواداری و حمایت ما رو داره.

- رسیدگی به دوتا فن پیچ به زندگی خانوادگیت لطمه‌ای نمی‌زنه؟

راستش زمان کم میارم و از خوابم می‌زنم تا بیش‌تر به فن پیچ‌هام رسیدگی و نظارت داشته باشم، چون اولویت اولم بی‌تی‌اس هست و این کار من، شوهرم رو نگران می‌کنه که لطمه‌ای به سلامتی من وارد بشه. برای همین بیش‌تر از بی‌تی‌اس متنفر شده.

- شیرین گروه بی‌تی‌اس چه تأثیری روی پوشش و آرایش تو داشته است؟

بیش‌تر تیپ اسپورت می‌پوشم و مدل لباس‌های اسپرت‌م شبیه به آیدول‌های بی‌تی‌اس هست و نحوه آرایشم هم شبیه به گروه بی‌تی‌اس هست و میکاپی مات و ملایم دارم. موهام رو هم همیشه عسلی رنگ می‌زنم و از طلاجات فقط به سبک بی‌تی‌اس استفاده می‌کنم. به نظر خودم این آرایش‌ها برای یه خانم هیچ زنده نیست.

- این آرایش به نظرت برای آقایان مناسبه؟

به نظر من در کشور ما آرایش برای مردان در هر نوعش زنده هست و هنوز زیاد جا نیفتاده، ولی بعضی‌ها که هوادار بی‌تی‌اس هستند، من دیدم موهاشون رو رنگ کردن و آرایش دارند. خوب ممکنه مورد تمسخر هم قرار بگیرند. ولی چون عاشق بی‌تی‌اس هستند، از شون تقلید می‌کنند و به سبک اون‌ها خودآرایی می‌کنند.

- آیا مانند آیدول‌ها خودت رو لاغر می‌کنی؟

اوه، بله، یه خانم باید اندامی مانکنی و لاغر داشته باشه. خیلی رژیم می‌گیرم و در خوردن غذاها خیلی مواظبم که چاق کننده نباشه. بیش‌تر هم رژیم گیاه‌خواری دارم.

- آیا تاحالا عمل زیبایی هم مثل آیدول‌ها انجام دادی؟

اوه، بله، هم دماغم رو عمل کردم، هم لب‌هام رو پروتز کردم و هم دندان‌هام رو ارتودنسی کردم.

- شوهرت با این عمل‌های زیبایی مشکل نداشت؟

چرا، خیلی مشکل داشت، می‌دانست که خودم رو شبیه آیدول‌ها تغییر می‌دم، برای همین از دستم همیشه شاکی بود. من هر کاری می‌کردم، او از چشم بی‌تی‌اس می‌دید.



- دوستان هم مثل تو عمل‌های زیبایی به تقلید از آیدول‌های مورد علاقه‌شون انجام داده‌اند؟
 اوه، بله، بیش‌ترشون عمل چانه و یا عمل پلک بالا و عمل بینی داشته‌اند و خدایی همه‌ی ما با این تغییرات به شخصیت‌هایی دیگه تبدیل شدیم و این هویت جدیدمون رو دوست داریم و همه‌اش رو مدیون بی‌تی‌اس هستیم و تا پای جان دست از طرفداری بی‌تی‌اس نمی‌کشیم.
 - از نظر اقتصادی هزینه این عمل‌ها خیلی بالا هست؟
 اوه، بله، هزینه عمل‌های جراحی پلاستیک و زیبایی خیلی بالا هست، ولی خدا رو شکر من مشکل مالی نداشتم و از نظر زیبایی همین دو، سه‌تا عمل رو داشتم، ولی بقیه دوستام خیلی خانواده‌هاشون به خاطر این عمل‌های زیبایی تحت فشار مالی بودن.
 - وقتی خانواده از نظر مالی تحت فشار این عمل‌های زیبایی قرار می‌گرفت، دوستان شما از هوادار بی‌تی‌اس صرف نظر نمی‌کردن؟
 بعضی‌هاشون وقتی می‌دیدند که خانواده هزینه این عمل‌ها رو نداره، خودشون شروع به کار کردن تو شرکت‌ها یا فروشندگی در فروشگاه‌های بزرگ می‌کردند و هزینه عمل زیبایی خودشون رو با پس‌انداز جمع می‌کردند. مثلاً دوتا از دوستام این کار رو کردند تا تونستند بعد از دو سال پول جمع کنند و عمل‌های زیبایی بینی خودشون رو در بیارند و بقیه دوستانم خانواده‌هاشون هزینه عمل اون‌ها رو تقبل کردند.



- شیرین یکی از شعارها و پیام‌های آیدول‌ها اینه که خودت رو دوست داشته باش، به نظرت این شعار با این عمل‌های زیبایی و تحمل سختی‌های بعد از آن منافات نداره؟
 کاملاً درسته، یکی از شعارهای اون‌ها اینه که خودت رو همون طوری که هستی دوست داشته باش و برای خودت ارزش قایل باش، ولی هواداران خودشون دوست دارن شبیه آیدول‌ها باشن و این تقصیر آیدول‌ها نیست. از بس شیفته جذابیت آیدول‌ها شدن که می‌خوان خودشون رو شبیه اون‌ها در بیارن. مسلمنه بعد از هر عمل زیبایی کلی درد و استرس رو تحمل می‌کنند و این با شعار آیدول‌ها منافات داره.
 - آیدول‌ها خودشون هم دست به عمل‌های زیبایی می‌زنند. به نظرت خودشون چرا خلاف شعارهایی مثل این که خودت رو دوست داشته باش، عمل می‌کنند؟
 آیدول‌ها خودشون از نظر زیبایی و جذابیت هیچ کم ندارند، این کمپانی سازنده گروه هست که به آن‌ها دستور می‌ده که فلان عمل زیبایی رو برای جذابیت بیش‌تر انجام بدهند و هزینه عمل نیز به عهده کمپانی است. کمپانی با این کارش کاری می‌کنه که آیدول‌ها برخلاف شعارهاشون عمل کنند و علامت سوالی باشه برای همه.
 - لباس‌های مارک بی‌تی‌اس رو از کجا تهیه می‌کردی؟
 گاهی یه هفته کل پاساژهای تهران و کرج رو با دوستانم می‌گشتم تا لباس مورد نظرمان رو تهیه کنیم. لباس خیلی برای ما مهم بود و اگر موفق نمی‌شدیم، ناچار مشابه اون لباس رو تهیه می‌کردیم تا بعداً خودم چندتا بوتیک معتبر پیدا کردم که همه‌اش لباس‌های مارک‌دار و برند اصل می‌آورد و تونستم با همکاری اون مرکز خرید واسطه فروش لباس‌های مارک‌دار به هواداران بی‌تی‌اس از طریق فن پیچم در اینستا بشم و به درآمد برسم.



- گفتی آیدول محبوبیت با نام مستعار آرام و نام واقعی کیم نامجون بوده، می‌شه اطلاعاتی راجع به شخصیت این عضو بی‌تی‌اس رو بگی؟ از نظر موقعیت آرام یه مدتی لیدر رپر و ترانه‌سرا و تهیه کننده موسیقی هست. بلندی قدش ۱۸۱ سانتی‌گراد و وزنش ۶۴ کیلوگرم و رشته تحصیلیش موسیقی و زادگاهش ایلسان هست. خودش زبان انگلیسی رو با فیلمی به اسم فرندز تو هشت سالگی یاد گرفت و شعار مورد علاقه‌ی اون «این نیز بگذرد» هست. اون اعتقاد داره، مهم نیست که شما یه دوره رو بد سپری کنید. چون بالاخره می‌گذرد و زمان خیلی طولانیه و همین طور من اگر بخوام کاری رو انجام بدم، پس می‌تونم، ولی خیلی کارها هست که می‌تونیم انجام بدیم، ولی همیشه قادر به انجامشون نیستیم. وقتی آرام مشکلی براش پیش بیاد، با هیونگ‌هاش^۱ حرف می‌زنه و اگر آرام بخواد با یه کوچک‌تر از خودش حرف بزنه و درد دل کنه، با جیمین حرف می‌زنه.

- منبع این اطلاعاتت در مورد آرام از کجاست؟

بیش‌تر از تو گوگل سرچ می‌کنم. زندگی نامه تک تک آیدول‌ها هست و توی اینستا و فن پیج‌های بعضی از هواداران هم هست.

- بقیه ستاره‌ها رو هم دوست داری؟

هر هفت آیدول دوست داشتنی هستند و من همه‌شون رو دوست دارم، ولی بیش‌تر از همه‌شون از شخصیت آرام خوشم میاد.

- به نظرت چرا بعضی‌ها از گروه بی‌تی‌اس متنفرند؟

به خاطر این که نمی‌خوان ببینن که چه انسان‌های معروف و چه شخصیت‌های خیرخواهی در این کره زمین از خودشون برتر و بالاتر وجود دارد. اعضاء هر چه جذاب‌تر و معروف‌تر باشند، دشمنان بیش‌تری خواهند داشت و دشمنان به دنبال تخریب اون‌ها، دست به هر تهمتی می‌زنند.

- می‌شه چندتا از این تهمت‌هایی که به بی‌تی‌اس می‌زنن رو با مثال بگی؟

مثلاً اگر دوتا از اعضاء باهم برای وقت گذراندن به کافه شاپی برند، عکاسانی در کمین اون‌ها منتظرند تا شاید عکس‌های جنجالی بگیرن و ممکنه این دوتا دوست که عین برادر سال‌ها هست باهم زندگی می‌کنند، هیجانی بشن و دست همدیگر رو بگیرن و یا جوکی تعریف کنن و از خنده بر روی شونه‌های هم بززن و یا همدیگر رو برادرانه درآغوش بکشند و یا همدیگر رو ببوسند. در اینجاست که عکاسان کمین کرده و یک عکس‌های جنجالی و عاشقانه با فتوشاپ براشون تهیه می‌کنند و به روزنامه‌ها و مجلات کره می‌فروشند و به این ترتیب، آبرویی برای آیدول‌ها نمی‌ذارند و انگ هم‌جنس‌گرایی بهشون می‌زنند.

^۱ - هیونگ در زبان کره‌ای به معنی برادر بزرگ‌تر و یا هر کسی که از خود فرد بزرگ‌تر بوده و با او دوست باشد، است.



– اثر گذاری این تهمت‌ها روی هواداران رو چگونه ارزیابی می‌کنی؟
 هوادارانی که چند سالی می‌شه بی‌تی‌اس رو می‌شناسند، باور نمی‌کنند که این گروه با این همه که دست‌شون تو کار خیر هست و برای نیازمندان پیام‌های خیرخواهانه بر سر زبون‌شونه، این تهمت‌ها درباره‌شون درست هست. ولی هستند هواداران تازه وارد و یا هوادارانی که هنوز اطلاعات کاملی از گروه رو ندارند که این تهمت‌ها رو باور می‌کنند و در نتیجه یا از ادامه هواداری منصرف می‌شن و یا با تردید به هواداری خودشون ادامه می‌دن.

– واکنش هواداران در مورد شایعه هم‌جنس‌گرایی بی‌تی‌اس چگونه هست؟
 هواداران بی‌تی‌اس دو دسته‌اند. دسته اصلی که این تهمت‌ها رو باور نمی‌کنن و می‌دانند که این موارد کار دشمنان هست و دسته‌ی دوم گروهی هستند که هواداری‌شون به خاطر منافی است که این گروه برای آن‌ها دارد.
 – مثلاً چه منافی برای آن‌ها دارد؟

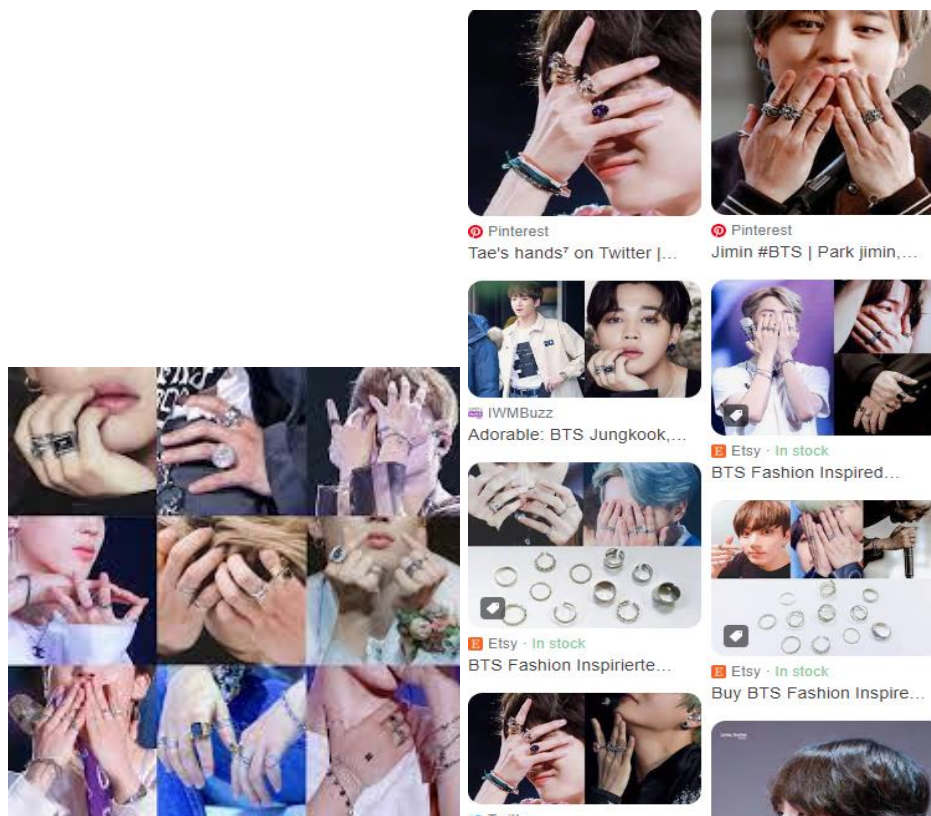
مثلاً کسی که لباس‌های مارک‌دار بی‌تی‌اس رو می‌فروشه، هواداریش اصلی نیست و فقط برای درآمدزایی هست، یعنی تا سود هست، هواداریش رو ادامه می‌ده و یا هوادار نمایی که یه فن پیچ در مورد گروه بی‌تی‌اس داره، اگر بدانه با گذاشتن این عکس‌های جنجالی بر تعداد فالورهایش اضافه می‌شه، تا دلت بخواد عکس‌های مثبت هیجده از آیدول‌ها فتوشاپ می‌کنن و در فن پیچ‌شون می‌ذارن. این‌ها طرفدار واقعی بی‌تی‌اس نیستن و فقط طرفداری‌شون به خاطر مقدار درآمدی هست که از معروفیت این گروه به دست میارن و یا ممکنه اصلاً دشمن بی‌تی‌اس باشند و بخوان گروه رو خدشه‌دار کنند.

– هواداران اصلی برای رفع اتهام از آیدول‌ها چه کار می‌کنند؟
 بعضی‌هاشون مثل خود من فن پیچ‌هایی دارن که با شناساندن چهره واقعی آیدول‌ها به مردم و هواداران از آن‌ها رفع اتهام می‌کنند و از کارهای خیری که گروه بی‌تی‌اس انجام می‌ده، مثل مدرسه ساختن، بیمارستان ساختن و کمک به پناهندگان و نیازمندان و بی‌سرپرستان و بیماران خاص، شخصیت مهربان آن‌ها رو به همه معرفی می‌کنند و از شعارها و پیام‌هاشون در فن پیچ‌ها استوری می‌گذارن.

– شایعه هم‌جنس‌گرایی بی‌تی‌اس چه تأثیری روی هواداران دارد؟
 تأثیر خیلی بدی روی هواداران دارد. هواداران اصلی که به این شایعه باور ندارند و محکومش می‌کنن، ولی بقیه هواداران و ورودی‌های تازه باور می‌کنن و خیلی داغون می‌شن و خانواده‌هاشون باهاشون درگیر می‌شن و سخت‌گیری می‌کنن و یه عده هم ممکنه دچار انواع انحراف‌های اخلاقی بشن و یه عده ممکنه که از هواداری منصرف بشن.

– آیا کمپانی سازنده بی‌تی‌اس نقشی در اتهامات هم‌جنس‌گرایی گروه بی‌تی‌اس داره؟
 اوه، کمپانی خیلی مقصره، اصلاً همه تهمت‌ها از کارهای مستبدانه کمپانی شروع شده.
 – چگونه، می‌شه مثال بزنیند؟

کمپانی پسران گروه بی‌تی‌اس رو وادار کرده هنگام خواندن ترانه‌هاشون، مثل دختران برقسن. رقصی که با ظرافت زنانه آمیخته هست. نقش چهره و زیبایی صورت‌شون هم مثل دختران و ظرافت رقص دخترانه هست و در این میان کلی طلا و حلقه و انگو و زنجیر به مانند زنان به خودشون آویزان می‌کردند که همه بینندگان رو حیرت زده می‌کرد و در میان گروه‌شون هیچ دختری حق ورود نداره و گروه بی‌تی‌اس هم حق ارتباط با هیچ دختری رو ندارند. هر هفت نفر اعضای بی‌تی‌اس حتی حق ازدواج هم ندارند. همه‌ی این کارهای کمپانی باعث شد تا دشمنان بی‌تی‌اس و رقیبان گروه تهمت هم‌جنس‌گرایی رو به آن‌ها بزنند.



- این که گروه بی‌تی‌اس ازدواج نمی‌کنن، چه تأثیری روی هوادارها دارد؟
بیش تر هوادارها هم به تبعیت از بی‌تی‌اس ازدواج نمی‌کنن و یا اگر ازدواج بکنن به خاطر شایعات پشت سر گروه ممکنه به شکست منجر بشه.

- ممانعت کمپانی از ازدواج ستاره‌ها رو چگونه توجیه می‌کنی؟
این کارهای کمپانی از نظر همه مردود است. ازدواج حق طبیعی و شخصی هر کسی است و این کار کمپانی ظالمانه و مستبدانه است و دخالت در شخصی‌ترین مسأله آیدول‌ها هست.

- این کار کمپانی چه تأثیری روی ستاره‌ها گذاشته؟
کارهای مستبدانه کمپانی و سلب آزادی‌های شخصی اعضای گروه رو افسرده کرده. تا جایی که به خوردن قرص‌های اعصاب و روان روی آورده‌اند.

- یکی از شعارهای گروه اینه که خودت رو دوست داشته باش. آیا این که حق ازدواج و رابطه با جنس مخالف رو ندارند، با این شعار منافات ندارد؟

راستش کاملاً منافات داره. هم خودت رو دوست داشته باشی، هم به خودت سختی بدی هر دو ضد هم هستند. پس غریزه جنسی شون رو تا کی و تا چه مدت باید سرکوب کنند. کجای این قضیه دوست داشتن خود است. این تنها ایرادیه که به گروه وارده و مقصرش کمپانی هست.

- یه شعار دیگرشون اینه که قوی باش. خوب به نظرت الان گروه با این همه تنش، قوی هست؟
نه، باز این شعارشون با رفتارهای کمپانی و افسردگی آیدول‌ها منافات داره. با رفتار مستبدانه کمپانی گروه حق تحقق شخصی‌ترین مسأله زندگی شون رو ندارند و با تهمت‌هایی که بهشون زده می‌شه، دچار افسردگی شدن و به خوردن قرص‌های اعصاب روی آورده‌اند و چه بسا ممکنه دست به خودکشی بزنن. یعنی به ظاهر قوی به نظر می‌رسن، ولی از درون متلاشی شدن.

- به نظرت این تناقض شعارها با عملکرد آیدول‌ها چه تأثیری روی هواداران دارد؟
باعث تردید و شک هواداران نسبت به صداقت آیدول‌ها می‌شه و باعث دل‌سرد شدن در ادامه هواداری و بی‌تفاوتی نسبت به بی‌تی‌اس می‌شه.

- افسردگی آیدول‌ها ممکنه باعث خودکشی اون‌ها بشه؟

اوه، بله، تاحالا خیلی از خوانندگان و سلبریتی‌های کره‌ای خودکشی کردن و علت خودکشی‌شون پخش عکس‌ها و فیلم‌های مستهجن از آن‌ها بوده. افسردگی آیدول‌ها و فشارهای کمپانی بر روی آن‌ها و تهمت‌های هم‌جنس‌گرایی به آن‌ها ممکنه باعث خودکشی بعضی از آن‌ها باشه.

- گروه بی‌تی‌اس برای مقابله با این همه فشار روانی چه کار می‌کنه؟

آن‌ها تنها راه را در دوستی و رفاقت هر چه بیش‌تر اعضای گروه باهم می‌دانند و مثل یک خانواده در کنار هم سختی‌ها رو پشت سر می‌گذارن و به همه هواداران روحیه می‌دن. اتحاد آن‌ها رمز پیروزی آن‌ها هست. همه‌شون سعی در شاد کردن همدیگه دارن و این طوری افسردگی رو شکست می‌دن. برای همینه که همه‌ی هوادارها آن‌ها رو دوست دارن و دل‌شون نمیداد از هواداری‌شون کناره‌گیری کنند.

- شیرین متفاوت بودن حالات ستاره‌ها با شعارها و پیام‌هاشون چه پیامدهای روانی روی هواداران داره؟

باعث سردرگمی هواداران شده. شعارهاشون همه خوب و پر از روحیه و امید، اما فشاری که آیدول‌ها به خاطر استبداد کمپانی و تهمت‌هایی که از طرف دشمنان بهشون زده می‌شه رو تحمل می‌کنند، افسردگی و ناامیدی از سر و رویشان می‌باره و یه جورایی این افسردگی به هواداران هم منتقل می‌شه.

- این افسردگی چه پیامدهای اخلاقی رو برای هواداران می‌تونه داشته باشه؟

هواداران به خاطر علاقه‌ای که به آیدول‌ها دارن، درک‌شون می‌کنند و می‌دانند آیدول‌ها تحت فشارهای زیادی هستن و دارن فقط به خاطر هواداران تحمل می‌کنند. برای همین هواداران از بار سنگین فشاری که روی آیدول‌های محبوب‌شون هست، خلق و خوشون تنگ می‌شه و ممکنه به خاطر این ناراحتی پرخاشگر و بدخلق بشن و یا حتی ممکنه افسرده بشن، چون کاری از دست‌شون برای آیدول‌ها برنمیداد.



- می‌شه چند نمونه از فشارهایی که بر روی آیدول‌ها هست رو مثال بزنیند؟

یکی تحمل دوری از خانواده‌هاشون، هر کدام‌شون شاید ماه‌ها باشه که خواهر یا برادر و پدر و مادر خود رو ندیدن و دیگری فشارهای روحی و روانی و تهمت هم‌جنس‌گرایی که به آن‌ها زده می‌شه و ترس از پیامدهای بعدی این تهمت آن‌ها رو مایوس و افسرده کرده و دیگری فشارها و دخالت‌های مستبدانه کمپانی است که به آن‌ها اجازه هیچ‌گونه رفت و آمد با دوستان و مردم عادی رو نمیده و در شخصی‌ترین مسایل زندگی آیدول‌ها دخالت می‌کنه و حق ازدواج و رابطه با جنس مخالف رو نمیده. این همه فشارها روی هم تلنبار شده و آیدول‌ها رو افسرده و مایوس کرده و از ادامه دادن به کارشان واهمه دارن.

- تهمت هم‌جنس‌گرایی به ستاره‌ها چه پیامدهایی برای اون‌ها داره؟

در کشور کره، هم‌جنس‌گرایی یک ناهنجاری اجتماعی است و مورد نفرت مردم این کشور است، اگر شایعه هم‌جنس‌گرایی آیدول‌ها ادامه داشته باشه، ابتدا از خانواده طرد می‌شن و سپس از جامعه رانده می‌شن و مورد نفرت و بدبینی مردم قرار می‌گیرند و اگر یه زمانی قراردادشون با کمپانی تمام بشه به خاطر این تهمت‌ها ترس از ادامه زندگی در کره رو دارن.

- می‌تونن بعد پایان کار گروه برای ادامه زندگی به کشورهای دیگه برنند؟

بله می‌تونن، ولی این هفت نفر چهره‌های شناخته شده‌ای دارن و به هر کجای جهان که برنند، شناسایی می‌شن و به مشکل برمی‌خورند.

- شیرین قبلاً گفتمی دوتا فن پیچ درباره بی‌تی‌اس داری. تو فن پیچ‌هاست چه مسایلی رو مطرح می‌کنی؟

اطلاعاتی رو که باید در فن پیچ‌هام بذارم رو دسته‌بندی کرده‌ام. در یکی شون بیش‌تر جنبه شخصی داره و نظرات خودم رو می‌ذارم و بیش‌تر از آیدول محبوب خودم عکس و فیلم می‌ذارم و در فن پیچ دیگرم که اختصاص به گروه بی‌تی‌اس داره، از همه‌ی آیدول‌ها عکس و فیلم می‌ذارم. آهنگ‌ها و موسیقی‌هاشون رو با ترجمه فارسی برای هواداران می‌ذارم و از جدیدترین برندها و مارک‌هایی که آیدول‌ها استفاده می‌کنن یاد می‌کنم و با تبلیغ واسطه تهیه و فروش و پست این وسایل به هوادارها می‌شم و این کار کلی وقت و انرژی من رو می‌گیره و البته سود خوبی هم می‌کنم. جواب دادن به کامنت‌ها و رسیدگی به دوتا فن پیچ خیلی زمان بره، من این کار رو با علاقه و عشق به بی‌تی‌اس انجام می‌دم. زمان و مکان اجرای کنسرت‌ها رو اعلام می‌کنم و خیلی کارهای دیگه.

- شیرین گفتی ترجمه آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو در فن پیچ‌ها می‌ذاری، آیا زبان کره‌ای رو یاد گرفتی؟ نه، زیاد بلد نیستیم، ولی از بس فیلم کره‌ای زیرنویس دیده‌ام و آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو ترجمه کرده‌ام. زبان کره‌ای رو خوب می‌فهمم و اگر بعضی واژه‌ها رو نتونم ترجمه کنم از دیکشنری زبان کره‌ای استفاده می‌کنم.

- شیرین با این همه وقتی که برای فن پیچ‌ها می‌ذاری در زندگی خانوادگی خللی ایجاد نمی‌شه؟ حقیقت رسیدگی به دوتا فن پیچ خیلی از تایم من رو می‌گیره و در زندگی شخصی و خانوادگی، خیلی زمان کم میارم. حتی شوهرم بارها اعتراض کرده و گفته مدام سرت تو گوشیه. رسیدگی به فن پیچ‌ها و جمع‌بندی نظرسنجی‌ها و جواب دادن به فالورها و تهیه فیلم و عکس آیدول‌ها و کلی کارهای دیگه نیاز به زمان و یه نفر بی‌کار داره که من به سختی می‌تونم هم به زندگی شخصیم برسم و هم به دوتا فن پیچ برسم.



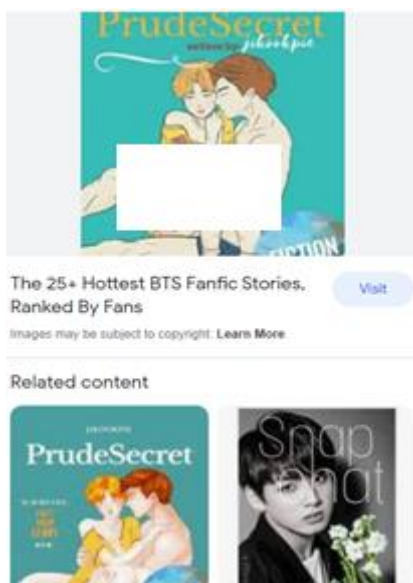
- خوب چرا سعی نمی‌کنی حجم برنامه‌ها رو کم‌تر کنی؟ اگر زیاد به فن پیچم نرسم و یا حجم کارهام رو کم‌تر کنم، فالورهام کم‌تر می‌شن، من کلی سختی کشیدم تا تونستم این همه فالور جمع کنم.

- شیرین تو فن پیچ‌ها داستان‌های خیالی هم راجع به ستاره‌ها می‌نویسی؟ اوه، بله، داستان‌های خیالی می‌نویسم که لطمه به آیدول‌ها نزنه.

- می‌شه یه نمونه رو مثال بزنی؟ بله، مثلاً دیشب خواب دیدم که برای مسافرت به کره رفته بودم یه تی‌شرت سفید با یه شلوار کتان سفید به پا داشتم و موهای چتری و کوتاهم رو به یه سمت شونه زده بودم. وسایل سفرم داخل یه کوله پشتی بود و وقتی از هواپیما پیاده شدم، داخل فرودگاه منتظر بودم که آرام به استقبالم بیاد. هر چه منتظر شدم، بی‌فایده بود و خبری از آرام نبود و من اینجا غریب و تنها، جایی رو بلد نبودم. یهو کسی من رو صدا زد. وقتی به سمت صدا برگشتم، جیمین رو دیدم. اون گفت: برای آرام کاری پیش آمده و نتونسته بیاد فرودگاه دنبالت، من رو فرستاده. از دیدن جیمین خوشحال شدم و باهم روبوسی کردیم و من همراهش به هتل محل اقامتم آمدم. ازش تشکر کردم و به رسم ایرانی بودنم، بهش سوغاتی دادم و در اطاق هتل اون شب رو به استراحت گذراندم و صبح با صدای در زدن از خواب بیدار شدم و وقتی در رو باز کردم آرام در آستانه در ظاهر شد. من سراسیمه خود رو در آغوشش انداختم که ناگهان یهو از خواب پریدم.

- نظر فالورها درباره داستان‌های تخیلیت چی هست؟

خیلی خوش شون میاد و باز ازم درخواست ادامه داستان را می کنند و یا می گن باز هم داستان می خوایم و من روزهایی از هفته رو اختصاص به داستان های خیالی داده ام.



- شیرین این همه هواداران به خاطر گروه بی تی اس سختی می بینن، در عوض آیدول ها برای آن ها چه کار می کنند؟ آیدول ها به همه اقشار جامعه احترام می دارند. به همه ادیان احترام می دارند. از نظر اون ها همه انسان ها برابرند و رنگ و نژاد و جنسیت برتری نیاره و برای هواداران شون لایو می دارند و از شون تشکر می کنند و می گن ما عاشق تک تک شما هستیم.

- شیرین راجع به جشن تولدهای ستاره ها چه اطلاعاتی داری؟

جشن های تولد آیدول ها بسیار رؤیایی و افسانه ای برگزار می شه، جشن هاشون رو حتی شاهزاده ها هم در خواب نمی بینند. جشن ها فقط در کره برگزار نمی شه، بلکه در بیش تر کشورهای جهان برگزار می شه، جشن تولد هر آیدولی با یه رنگ برگزار می شه، مثلاً برای تولد تهیونگ تمام دنیا به رنگ بنفش در آمد برای تولد جین تمام دنیا به رنگ صورتی در آمد و برای مجلل و با شکوه بودن جشن تولدها کمپانی میلیاردی خرج می کنه و به خاطر تولد هر کدام از آیدول ها کمپانی مقداری از در آمدش رو صرف کارهای خیریه می کنه.



- این جشن تولدها چه تأثیری روی هواداران می‌گذارد؟

هواداران هم به تبعیت از کمپانی هر کدام در هر کجای جهان باشند پر از هیجان و انرژی می‌شن برای برگزاری این جشن‌ها لحظه شماری می‌کنند و در دنیای مجازی و رسانه‌ها پیگیر لحظه به لحظه این جشن‌ها در سراسر جهان هستند و به تقلید از آیدول‌ها و گروه بی‌تی‌اس در کارهای خیر و کمک به بیماران سرطانی پیش‌قدم می‌شن و در فن پیچ‌هاشون هواداران رو به چالش دعوت می‌کنند.



- از هواداران در این چالش‌ها چی می‌خوان؟

مثلاً می‌گن بیایید این بار این جشن تولد متفاوت‌تر از جشن تولدهای دیگر برگزار بشه، علاوه بر حمایت معنوی خودمان از آیدول‌مان با حمایت مالی و کمک به نیازمندان سفیران خیر و سلامتی باشیم، مثلاً این بار بیاییم انجمن حمایت از اوتیسم رو کمک کنیم و بدین صورت هواداران نیز کمک‌های مالی خود رو با کمک مدیران فن پیچ‌ها به دست نیازمندان می‌رسانند.

- این جشن‌ها چه تأثیر فرهنگی روی هواداران دارد؟

فرهنگ زیبای کمک به نیازمندان و بیماران خاص رو فرهنگ سازی می‌کنه. هم از برگزاری جشن‌ها هواداران لذت می‌برند وهم به کار انسانی و بشر دوستانه انجام می‌دن.

- این جشن تولدها چه تأثیر منفی روی هواداران می‌تونه داشته باشه؟

این جشن تولدهای میلیاردی آیدول‌ها حس حسادت جوان‌ها رو شعله ور می‌کند. این جشن‌ها تفاوت‌ها رو بیش‌تر نشان می‌ده و تناقض داره با شعار برابری انسان‌ها که توسط خود بی‌تی‌اس داده می‌شه. اگر انسان‌ها برابرند، چرا جشن تولد آیدول‌ها میلیاردی هست و بعضی‌ها حتی نمی‌تونند جشن خانوادگی رو تدارک ببینند.

- این همه تناقض شعارها و پیام‌های ستاره‌ها با رفتار و عمل واقعی آن‌ها زنگ هشدار برای آگاه شدن هواداران نیست؟

(خیلی مکث می‌کند و متفکرانه جواب می‌دهد) حقیقت من بارها هست پی به تفاوت شعارهاشون با عملکرد و رفتارهای آیدول‌ها برده‌ام و اگر همه رو از چشم کمپانی ببینیم، نابخردانه است. مثلاً این که شعار برابری انسان‌ها رو می‌زنند ولی جشن تولدهای میلیاردی می‌گیرند. بعید می‌دانم که خود آیدول‌ها هم از این جشن تولدها خوش‌شون نیاد و ته دل‌شون راضی نباشن.

- اعضای بی‌تی‌اس هفت نفرند یعنی هفت بار جشن تولد مجلل در یک سال برای کمپانی کمرشکن نیست؟

اوه، خیلی هزینه بر هست. کمپانی برای هر کدام از آیدول‌ها هزینه تولد حساب کنه، به مقدار بدهکاری اون آیدول اضافه می‌شود و همین‌طور خرج و هزینه‌های اضافی رو به مقدار بدهی آیدول‌ها اضافه می‌کند تا سال‌ها بتواند اون‌ها رو نگه دارد و به بهانه تصفیه حساب از آن‌ها سوءاستفاده بکند. آیدول‌ها معروفیت رو به بهای سال‌ها بدهکاربودن به کمپانی خریده‌اند.

- شیرین به عنوان یه هوادار بی‌تی‌اس این همه سرو صدا و نور افشانی و هزینه بزرگ و تابلو عکس آیدول‌ها رو برای تولدهاشون چه طور می‌بینی؟

من این همه ولخرجی و سروصدا رو با ذکر یه مثال توضیح می‌دم. قبلاً اگر پادشاهی از شهری می‌خواست دیدن کنه، از یه هفته قبل ترش با بوق و کرنا در شهر جار می‌زدند که در فلان روز پادشاه از اینجا دیدن می‌کند و همه مردم برای استقبال آماده باشند. کمپانی نیز دقیقاً داره همان کار پادشاهان قدیم رو انجام می‌ده. در کشورهای مختلف که تصمیم داره در آینده کنسرت اجرا کنه، کلی سر و صدا و نورافشانی و بزرگ تابلو به در و دیوار شهر می‌چسبانه تا در هفته‌های آینده، وقتی گروهش برای اجرای کنسرت به اون کشور رفتند، همه از پیر و جوان برای دیدن کنسرت بیان و این یعنی سرازیر شدن میلیون‌ها دلار پول به جیب کمپانی.

- این کار کمپانی بازی با احساسات هواداران نیست؟

دقیقاً همین طوره. برای همین همه‌ی هواداران از نیت کمپانی آگاهند و می‌دانند کمپانی دارد از استعداد ناب گروه بی‌تی‌اس نهایت استفاده اقتصادی رو می‌بره، ولی از اون طرف با خرج تراشی‌های الکی آیدول‌ها رو بدهکار خودش می‌کنه.

- شیرین این رو شنیدی که چندتا نوجوان شیرازی با لباس‌های بی‌تی‌اس تو خیابان تجمع کرده بودند و شادی می‌کردند؟ آره، تو اینستا شنیدم، گویا جشن تولد یکی از آیدول‌ها بوده. این‌ها همه نتیجه تبلیغات برای بی‌تی‌اس توی دنیای مجازیه، برای جشن تولدهای آیدول‌ها است. از بس تبلیغات گسترده و عالم گیر شده که نوجوان‌های دهه‌ی هشتاد جوگیر می‌شن و نمی‌تونن هیجان‌ات خودشون رو کنترل کنند.



- به نظرت چرا هواداران این طوری می‌کنن؟

قبلاً این دنیای مجازی نبود و نوجوان بیش‌تر وقتش رو توی کوچه و خیابان و یا باشگاه و بازی و تفریح می‌گذراند ولی الان در تمام دنیا برعکس شده، نوجوان بیش‌تر وقتش تو فضای مجازی و گوش دادن به آهنگ و بازی‌های کامپیوتری می‌گذرونه و گروه بی‌تی‌اس هم توی این دوره پا به عرصه گذاشته و از تبلیغات رسانه‌ها و دنیای مجازی به نفع خودش نهایت استفاده رو می‌کنه و با ایجاد هیجان‌هایی مثل جشن تولدها و به چالش کشیدن و نظرسنجی‌ها، احساسات هواداران رو برمی‌انگیزد که مثل هواداران بی‌تی‌اس توی شیراز به خیابان‌ها میان.



- به نظرت چه راهکاری در این میان باید پیش گرفته بشه؟

به نظرم بهترین راه کار مدارا کردن با این قشر از نوجوانان است وقتی می‌بینی شادان و سرگرمی‌شان گروه بی‌تی‌اس است که آسیبی بهشون نمی‌زنه و گروهیه که با شعارها و پیام‌های مثبتی مثل این که خودت رو هر جوری که هستی دوست داشته باش و عاشق خودت باش و در هر شرایطی قوی باش، اون‌ها رو تحمل کرد.

- شیرین با این روال سلامت روانی هواداران به خطر نمی‌افته؟

نه، هواداران با بی‌تی‌اس در صحت و سلامت روانی به سر می‌برند و لحظات شادی رو تجربه می‌کنند، از افسردگی نجات پیدا می‌کنند. شور و اشتیاق و نشاط رو بی‌تی‌اس بهشون هدیه می‌ده. راه درست زندگی کردن رو بهشون نشون می‌ده. هدفمند بودن رو بهشون یاد می‌ده.

- شیرین خانواده تو با هواداری تو با بی‌تی‌اس مدارا کردن؟

بله، والدینم هیچ دخالت و یا مخالفتی نداشتند و من یه جوان سرزنده و شاد بودم و از هواداریم لذت می‌بردم تا این که ازدواج کردم و شوهرم با هواداری من از بی‌تی‌اس مخالفه و برای من احساس نگرانی بهش دست می‌ده.

- چه پیشنهادی داری به هوادارانی که می‌خوان ازدواج کنند؟
پیشنهادم اینه که قبل از هر گونه اقدامی برای ازدواج، شریک آینده‌شان بدانند که شما هوادار بی‌تی‌اس هستید و برایش روشنگری کنید. یک تذکر دیگه به دخترهایی که می‌خوان ازدواج کنند. ملاک‌شون شباهت شکل و قیافه همسرشون به آیدول‌ها نباشه. ملاک تفکر و تفاهم دو طرف باهم باشه.



- چرا این قدر هواداران در ادامه هواداری خودشون سماجت به خرج می‌دن؟
چون می‌دانن که هیچ اشتباهی نکردن و هیچ کار خلافی انجام ندادن و به دلیل دیگه این که هیچ جایگزینی برای بی‌تی‌اس وجود ندارد. جایگزینی که امتیازهای بیشتری از بی‌تی‌اس داشته باشه هنوز پیدا نشده.
- به نظرت اگر بی‌تی‌اس وجود نداشت، تو با شوهرت باز به مشکل برمی‌خوردین؟
حقیقتش نه، ما همدیگه رو خیلی دوست داریم، فقط مشکل شوهر من در هواداری من از بی‌تی‌اس و اداره فن پیچ‌هایم تو اینستا گرامه که خیلی تایم زیادی از زندگی من صرف برنامه‌های این فن پیچ‌ها می‌شه و نگرانی ایشون به خاطر کم خوابی من و لطمه به سلامت من به خاطر درگیری ذهنی من برای اداره کردن فن پیچ‌هایم هست و ترسش از این بابت باعث مخالفتش با هواداری من از بی‌تی‌اس شده.
- امکانش هست شما از طرفداریت به بی‌تی‌اس دست بکشی؟
اصلاً دلم نمی‌خواد به زمانی این کار رو بکنم و بین دوراهی قرار بگیرم. از به طرف بی‌تی‌اس که تمام عشق و زندگی من هست و به من همه چیز داد. من تک فرزند و تنها بودم، من رو از تنهایی نجات داد، به من هدف داد، ادامه تحصیل دادم، به من احترام به بزرگ‌تر را یاد داد، به من عشق به خویشتن رو آموخت. هیچ دلم نمی‌خواد از هواداریم دست بکشم. می‌تونم فن پیچ‌هام رو حذف کنم تا زمان رو از دست ندم، ولی جای بی‌تی‌اس در قلب و ذهن من هست و از اون جا نمی‌تونم حذفش کنم. بی‌تی‌اس هست برای همیشه.
- شیرین گروه بی‌تی‌اس به غیر از خوانندگی، چه فعالیت‌های دیگری انجام داده؟
خیلی فعالیت‌های مثبت دیگه انجام داده. در کارهای خیرخواهانه شرکت می‌کنند و از نظر مالی به نیازمندان و پناه جویان و بیماران خاص کمک می‌کنند. در ساختن مدرسه و بیمارستان کمک می‌کنند. به سالمندان کمک می‌کنند و در سازمان یونسف برای دفاع از کودکان شرکت کرده‌اند و در سازمان ملل نیز به عنوان سفیران کره شرکت کرده‌اند و برای از بین بردن تبعیض نژادی پیش قدم شده‌اند و به آمریکا رفته‌اند.



- مگر کمپانی به آن‌ها درآمدی می‌ده که در کارهای خیریه شرکت می‌کنند؟
درآمد آن چنانی بهشون نمی‌ده، در حد به کمک خرجی و پول تو جیبی. چون پسران گروه بی‌تی‌اس خیلی بدهکار کمپانی هستن. کمپانی هزینه‌های آموزش خوانندگی و رقص و هزینه‌های تحصیل و خوابگاه و عمل‌های زیبایی و جشن تولدهای میلیاردی آیدول‌ها و کلی هزینه‌های اضافی دیگه رو به حساب بدهکاری آیدول‌ها گذاشته و هر بار که کنسرتی اجرا می‌کنن، با درآمد آن مقدار کمی از بدهکاری آیدول‌ها تصفیه می‌شه و این که در کارهای خیرخواهانه شرکت می‌کنند. کمپانی از طرف گروه مدیریت می‌کنه و به نیازمندان یک پنجم از درآمد کنسرت‌ها رو اهدا می‌کنه.

- گروه بی‌تی‌اس در مجمع عمومی سازمان ملل راجع به چی حرف زدند؟
در سازمان ملل هم به خاطر شیوع ویروس کرونا در سراسر جهان به عنوان نمایندگان جوان کره جنوبی در مورد واکسیناسیون و کرونا و رفاه زمین صحبت کردند.

- کدام یکی از اعضای بی‌تی‌اس در سازمان ملل حرف زد؟
آ.ام. به عنوان رهبر گروه بی‌تی‌اس حرف زد و گفت: هر انتخابی از سوی ما آغاز است نه پایان. تغییرات آب و هوایی دشوار است اما ما به آینده خوشبین هستیم و من به عنوان نماینده کره جنوبی در اینجا حضور دارم.

- گروه بی‌تی‌اس تا حالا جوایزی هم دریافت کرده؟
اوه، خیلی، مثلاً در همین سازمان ملل بهشون هدایایی دادن، از طرف رئیس جمهور کشور کره به عنوان سفیران جوان کره جنوبی مدال‌هایی هدیه گرفتند و حتی در ملاقات با رئیس جمهور آمریکا جو بایدن هم سکه‌هایی به رسم هدیه و یادگاری بهشون داد.



- شیرین دلیل رفتن گروه بی‌تی‌اس به کاخ سفید رو شنیدی. هدف از این سفر چی بود؟
هدف ملاقات با رئیس جمهور بایدن بود و دفاع از آسیای تبارهای مقیم در آمریکا که مورد خشونت آمریکایی‌ها قرار گرفته بودن و از بین بردن تبعیض نژادی در آمریکا.

- رفتن گروه بی‌تی‌اس به آمریکا چه سودی برای کره داشته؟
رفتن گروه بی‌تی‌اس به آمریکا و حضور در کاخ سفید و ملاقات با رئیس جمهور بایدن از نظر سیاسی و اقتصادی و فرهنگی برای کره ارزشمند بود. کره اولین کشور آسیایی بود که از خشونت علیه آسیایی‌ها در آمریکا و تبعیض نژادی در آمریکا پیش قدم شد و با استفاده از معروفیت و محبوبیت بی‌تی‌اس نزد جهانیان، به این امر مهم پرداخت و دیگر این که با نزدیکی به آمریکا دست دوستی دیگر کشورها غربی به سوی کره دراز می‌شه.

- از نظر فرهنگی و اقتصادی رفتن گروه بی‌تی‌اس به آمریکا چه تأثیری بر ای کره دارد؟
خیلی تأثیر داره. بی‌تی‌اس می‌تونه هر وقت بخواد در آمریکا کنسرت اجرا کنه و به طرفدارانش افزوده بشه و کشور کره هم می‌تونه فیلم‌های کره‌ای بیش‌تری به آمریکا بفروشه، هم سود اقتصادی می‌کنه، هم فرهنگ و زبان کره‌ای در آمریکا اشاعه پیدا می‌کنه.

- از نظر فرهنگی رفتن بی‌تی‌اس به آمریکا و ملاقات با جو بایدن چه تأثیری روی هواداران داره؟
هواداران از این که طرفدار گروهی هستند که رئیس جمهور وقت آمریکا از آن‌ها برای از بین بردن تبعیض نژادی کمک می‌خواد و دست صلح و دوستی به طرفشون دراز می‌کنه، به خود می‌بالند و می‌فهمند که هرگز در انتخاب این گروه اشتباه نکرده اند و به طرف داری خودشون ادامه می‌دهند.

- عملکرد تبلیغاتی هواداران بی‌تی‌اس در مدتی که گروه بی‌تی‌اس در آمریکا بود، چگونه بود؟
هواداران همه از این سفر هیجان زده و خوشحال بودند و از لحظه به لحظه سفر گروه بی‌تی‌اس در آمریکا و ورود به کاخ سفید عکس و فیلم برای هواداران‌شون در فن پیج‌ها می‌گذاشتند و آن چنان این سفر به آمریکا و ملاقات با رئیس جمهور بایدن در سراسر جهان از طریق رسانه‌ها و دنیای مجازی و فن پیج‌ها تبلیغ شد که کم‌تر کسی هست که این خبر رو نشنیده باشد.
- چرا این گروه بی‌تی‌اس این قدر پر سر و صدا ظاهر می‌شه؟
از ابتدای تأسیس این گروه، کمپانی سازنده گروه از این شگرد استفاده کرد و همین شگرد تونست هواداران میلیونی در سراسر جهان جذب کنه. کمپانی از قدرت دنیای مجازی و رسانه‌ها حداکثر استفاده رو کرد. دنیا با اینترنت به یک دهکده کوچک جهانی تبدیل شده که هر خبری سریع و در کوتاه‌ترین فاصله زمانی پخش می‌شه.
- به نظرت کنسرت‌های بی‌تی‌اس در کشورهای دیگه که زبان کره‌ای رو نمی‌فهمن، چرا باز این قدر مورد استقبال واقع می‌شه؟
به نظر من مردم دنیا بیش‌تر خواهان دیدن خود آیدول‌ها هستند، بعد آهنگ‌هاشون، بعد رقص و موزیک‌شون.
- چرا مردم خواهان دیدن خود اعضای بی‌تی‌اس هستند؟
از بس راجع به این گروه تعریف‌ها شنیده شده و حکایت‌ها و داستان‌ها ساخته شده که مردم خودشون می‌خوان از نزدیک این هفت تا پسر کره‌ای جذاب و دخترنما رو ببینند که نه مانند مردان ریش و سبیل دارند و نه آنقدر قوی هیکل و چهارشونه هستند. اون‌ها ظریف و جذاب و دخترنما و با صورتی آرایش کرده و موهایی اتوکشیده و رنگ شده هستند. این تفاوت گروه بی‌تی‌اس با بقیه گروه‌ها و بقیه پسرها باز یه دلیل دیگه شلوغی کنسرت‌ها در جهان هست و یه دلیل موفقیت گروه هم هست.



- چرا گروه بی‌تی‌اس به هر کشوری می‌ره، مورد احترام و استقبال شدید قرار می‌گیره؟
همه مردم دنیا می‌دانند این گروه هفت نفره انسان‌های خیرخواهی هستند که حامل پیام‌های برابری انسان‌ها به دور از جنسیت، نژاد و رنگ پوست هستند. انسان‌هایی که از خواسته‌ها و غرایز شخصی خود به خاطر ماندگاری گروه و هواداران گذشته‌اند و عشق به خویشتن خود را به همه ارزانی می‌دارند.
- این از خودگذشتگی گروه بی‌تی‌اس که می‌گی، چه تأثیری روی هواداران دارد؟
هواداران که الگوهای آن‌ها آیدول‌ها هستند این از خودگذشتگی و فداکاری گروه به خاطر ماندگاری و حفظ گروه رو سرلوحه خودشون در زندگی قرار می‌دن و در تصمیم‌های مهم زندگی از خویشتن خویش به خاطر رسیدن به آرمان‌های مهم‌تری می‌گذرند.
- دوست داری یه زمانی بی‌تی‌اس برای اجرای کنسرت به ایران بیاد؟
(با خوشحالی) اوه، خیلی دلم می‌خواد شاهد اون روزی باشم که بی‌تی‌اس برای اجرای کنسرت به ایران بیاد. چه قدر همه‌ی هواداران خوشحال می‌شن.
- چرا تاکنون در ایران کنسرت اجرا نکرده؟
نمی‌دونم. شاید به خاطر درصد کم هوادارانش در ایران باشه و یا شاید مجوز اجرای کنسرت بهشون داده نمی‌شه.
- چرا، مگه فیلم‌های کره‌ای آزادانه پخش نمی‌شن؟

درسته، فیلم‌های کره‌ای در شبکه‌های تلویزیون پخش می‌شن و هیچ‌گونه بدآموزی ندارند، ولی در کشور ما به موسیقی خیلی حساسند و به سختی مجوز می‌دن. با این شایعه تهمت هم‌جنس‌گرایی بی‌تی‌اس امکان نداره به گروه بی‌تی‌اس مجوز بدن. در کشور ما به این‌گونه مسایل خیلی حساسیت نشون می‌دن به خاطر ترس از الگوبرداری و تقلید نوجوانان از بی‌تی‌اس.



- واکنش هواداران با این قضیه چگونه است؟

هوادارانی که ثروتمند باشند و وضعیت مالی خوبی داشته باشن، برای دیدن کنسرت‌های گروه بی‌تی‌اس به کشورهای دیگه مثل ژاپن و یا دوی و ترکیه می‌رن و کلی خوش می‌گذرونن، ولی ماها از طریق اینستا و فن پیج‌ها، جدیدترین کنسرت‌ها رو می‌بینیم و فرقی نمی‌کنه در چه کشوری برگزار بشه، مهم خود کنسرت‌ها هست که هواداران زحمت می‌کشن و در فن پیج‌هاشون برای دیدن همه می‌ذارن.

- در نظرسنجی‌هایی که در فن پیج هاتون می‌گذارین، راجع به چه مسایلی پرسش به عمل می‌آرید، لطفاً یه نمونه مثال بزن؟
مثلاً من خودم در فن پیج مخصوص بی‌تی‌اس، بارها سوال‌هایی درباره گروه که به ذهنم میاد رو به صورت نظرسنجی در میارم و نظر فالورها رو می‌پرسم. مثلاً یک بار پرسیدم چه حس و حالی با بی‌تی‌اس به شما دست می‌ده؟ هر کی یه جواب می‌داد. یکی گفته بود: من بدون بی‌تی‌اس زنده نمی‌مونم، یکی دیگه گفته بود: بی‌تی‌اس شادی و نشاط و طراوت جوانی رو به من بازگرداند، یکی دیگه نوشته بود: بی‌تی‌اس عشق منه. به من عشق به خود رو یاد داد، یکی دیگه نوشته بود: با بی‌تی‌اس همیشه حالم خوبه، یکی دیگه نوشته بود: بی‌تی‌اس هدفمند بودن و تلاش برای رسیدن به هدف رو به من یاد داد، و یکی دیگه نوشته بود: من قبل از بی‌تی‌اس افسرده و منزوی بودم، ولی الان نه تنها افسرده نیستم، به شادترین انسان تبدیل شدم و خیلی اجتماعی شدم و همیشه دوست دارم دور و برم شلوغ باشه.

- در نظرهای ارایه شده، نظرهای منفی هم داری؟
نه، خیلی کم.

- می‌شه چند نظر منفی رو مثال بزنی؟

اوه، بله، مثلاً یکی گفته بود: اعضای بی‌تی‌اس مغرور و از خود راضی ان، و یکی دیگه گفته بود: حالم از آرایش‌شون به هم می‌خوره. مرد که آرایش نمی‌کنه و بعضی حرف‌های مخالف دیگه.

- بقیه هوادارها با دیدن کامنت‌های مخالف چه واکنشی دارن؟

(خیلی با صدای بلند می‌خندد) این مخالفت‌ها آغاز جنگ و شروع کامنت‌های زشت و رکیک به هواداران با نظرهای مخالف تو گروه و این قدر تعداد کامنت‌ها زیاد می‌شه و هر کی حرفی بار اون شخص مخالف می‌کنه که از حوصله خارج می‌شه. بعضی وقت‌ها هواداران به عمد نظری مخالف جمع می‌نویسند، برای شروع هجوم نظرات و آغاز جنگ و کلی به همه خوش می‌گذره.

- وقت برای جواب دادن و خواندن این همه کامنت کم نمیاری؟

حقیقتش وقت کم میارم از خوابم می‌زنم، ولی همه نظرات رو می‌خوانم و سوال‌های جدیدتر برای نظرسنجی‌های بعدی آماده می‌کنم و یکی از اختلافات شوهرم با من سر همین دیر خوابیدن من هست. یهو ساعت سه شب بیدار می‌شه، می‌دید من هنوز بیدارم و تو گوشی کامنت می‌نویسم و کفری می‌شد و گوشی من رو از دستم می‌گرفت و با عصبانیت خاموش می‌کرد. خلاصه این قدر خوندن کامنت‌ها برایم جالب و جذاب بود که نمی‌شد یکی‌شون رو نخونده بذارم.



- راجع به این قضیه بی‌خوابی فکر نمی‌کنی حق با شوهرت بوده؟ راستش اون هم حق داره. اون نگران سلامتیم و اختلال و بی‌نظمی که در اثر بی‌خوابی در روز بعد سراغم میاد هست و این قضیه هر بار تکرار می‌شه و ادامه داره و شوهرم کلافه‌تر می‌شه.
- برای حل این مشکل چه راهکاری به ذهن خودت میاد؟ اگر بتونم دل بکنم از فن پیچ‌هام و حذف‌شون کنم و یا به دوستانم واگذارشون کنم و کم‌تر ذهنم در گیر فضای مجازی باشه. خیلی خوب می‌شه.
- خوب چرا سعی خودت رو نمی‌کنی؟ در حال تمرین هستم که بتونم کم‌تر در دنیای مجازی باشم، ولی مشکل اینه که اگر مرتب عکس و فیلم و آهنگ و داستان خیالی و نظرسنجی در پیچ‌ها نذارم، تعداد فالورهام ریزش می‌کنه و من باید سرگرم‌شون کنم. فقط یه راه دارم که پیچ‌ها رو یا حذف کنم و دل بکنم و یا واگذار به دوستانم بکنم.
- چه احساسی داری از این که ازدواج کردی؟ برای من که هوادار بی‌تی‌اس هستم خیلی سوال سختیه. به نظر من هر کی هوادار بی‌تی‌اس هست، نباید ازدواج کنه، چون ازدواج با خودش وابستگی میاره و گذشتن از بعضی چیزها به خاطر حفظ زندگی ضرورت پیدا می‌کنه و این با آزادی آدم قبل از ازدواج، کلی فاصله داره.
- راز موفقیت گروه بی‌تی‌اس را در چه می‌بینید؟ راز موفقیتش یکی آهنگ‌هایی هست که به صورت حرفه‌ای با حرکات رقص هماهنگ است و حال و هوای تازه و لحظات شادی رو برای هواداران وفادارشون ایجاد می‌کنه و دوم این که گروه بی‌تی‌اس سه زبانه هستند، یعنی هم به زبان انگلیسی و هم کره‌ای و هم ژاپنی مسلط هستند. اولین آهنگ انگلیسی آن‌ها به نام دینامیت در سال ۲۰۲۰ همچون یک طوفان جهان رو در بر گرفت و یک موفقیت بین‌المللی بود و سومین دلیلش وفاداری هواداران به بی‌تی‌اس هست.
- آیا این صحت دارد که گروه بی‌تی‌اس باعث رشد صنعت گردشگری این کشور شده؟ اوه، بله، خیلی تأثیر داشته، گروه بی‌تی‌اس باعث موفقیت صنعت گردشگری در این کشور شده. طوری که گردشگرهای زیادی صرفاً به خاطر موسیقی کره‌ای جنوبی هر سال به این کشور سفر می‌کنند.



– آیا این صحت دارد که گروه بی‌تی‌اس باعث شده تا مهاجرت به این کشور زیاد بشه؟
 بله، خیلی از دوستای خود من برای ادامه تحصیل کره جنوبی رو انتخاب کردند و اونم فقط به خاطر گروه بی‌تی‌اس بوده.
 – چرا رنگ مورد علاقه بی‌تی‌اس و آرمی‌ها بنفشه؟

همه‌اش به خاطر اینه که در یکی از برنامه‌ها تهیونگ گفته: که رنگ بنفش به معنی اینه که من بهت اعتماد دارم و تا ابد دوستت دارم. این شده یه رمز بین هواداران و بی‌تی‌اس که الان جهانی شده و در لغت نامه بی‌تی‌اس و آرمی‌ها ثبت شده. به گفته تهیونگ رنگ بنفش آخرین رنگ رنگین کمان است، یعنی دوستت خواهم داشت و برای مدت طولانی بهت اعتماد خواهم کرد و رنگ بنفش هم برای من خیلی باارزشه چون هر وقت اون رو می‌بینم، یاد بی‌تی‌اس می‌افتم.

– شیرین این خبر رو که جدیداً گروه بی‌تی‌اس اعلام کردن که قراره بعد از یه وقفه کوتاه به صورت انفرادی کار کنه رو شنیدی؟
 آره شنیدم و این خبر جنجالی گروه بی‌تی‌اس، همه رو در شوک فرو برد. آن‌ها اعلام کردند که قرار است به صورت انفرادی به فعالیت خودشون ادامه بدهند. اعضای گروه وقتی این خبر رو اعلام کردند که به دنبال یک وقفه موقت هستند، اشک می‌ریختند و قول دادند روزی برگردند و دوباره گروه رو دور هم جمع کنند. آن‌ها این خبر رو در طول شام سالانه فستا که وارد نهمین سال فعالیت گروه شده بود و در حال جشن فستا بودند، اعلام کردند. البته آن‌ها اعلام کردند که گروه رو منحل نخواهند کرد. البته این اولین بار نیست که آن‌ها برای استراحت وقفه ایجاد می‌کنند و برای هواداران قدیمی این خبر آشنا به نظر می‌رسد، ولی تازه واردها کلی شوک بهشون وارد شده و مسأله دیس‌بند شدن بی‌تی‌اس در شبکه‌های جهانی واکنش‌های زیادی به دنبال داشته.

– شیرین به نظرت هواداران استقبالی که الان از گروه بی‌تی‌اس دارند رو در زمانی که آیدول‌ها انفرادی کار می‌کنند خواهند داشت؟
 شاید این انفرادی کنسرت اجرا کردن باعث تفرقه میان هواداران بشه. الان هر هواداری علاوه بر این که از تمامیت گروه بی‌تی‌اس طرفداری می‌کنند، هر کدام شون هم به یه آیدول علاقه‌مند است و ازش الگوبرداری می‌کنه. حالا اگر هواداران کنسرت آیدول مورد علاقه خودشون باشه، استقبال می‌کنن، ولی اگر کنسرت آیدولی باشه که نسبت بهش علاقه چندانی ندارند، بی‌تفاوت‌تر عمل می‌کنند و همین بی‌تفاوت بودن کم‌کم باعث فروپاشی گروه می‌شه.

– به نظرت این مسأله از نظر روحی و روانی، چه تأثیری روی هواداران دارد؟
 اصل جذابیت بی‌تی‌اس در گروهی کار کردن اعضا بود. هفت تا عضو جذاب با صداهای بی‌نظیر و رقص‌های هنرمندانه و شکل و شمایل بی‌همتا و زیبا که هر بیننده‌ای رو مجذوب خود می‌کرد و حالا اگر از شش تا از این جذاب‌ها فاکتور بگیریم و فقط یکی شون خوانندگی و رقص هم زمان کنه، دیگه قضیه مثل تمام سلبریتی‌های دنیا تکراری و عادی می‌شه و هواداران با دیدن این تفاوت دیگه نسبت به آیدول‌ها سرد شده و احساس سردرگمی می‌کنند و دیگه اون لحظات شاد و لذت‌بخش قبل رو احساس نمی‌کنند و حتی احساس شکست و یأس و ناامیدی کنند.

– شیرین راهکار این قضیه به نظر تو چی هست؟
 به نظر من سالی یکی شون رو به سربازی بفرستند و شش نفره ادامه بدن و هر وقت سربازی اون آیدول تمام شد، اون به گروه برگرده و یکی دیگه رو بفرستن و این طوری ارج و قرب گروه حفظ می‌شه و هواداران از سردرگمی نجات پیدا می‌کنن و گروه هم منحل نمی‌شه.
 – چرا کشور کره دوباره گروه‌هایی مثل بی‌تی‌اس رو آموزش نمی‌ده؟

اتفاقاً همین کار رو می‌کنن و شاید حدود هزار نوجوان از سن کم ده تا دوازده سالگی در حال آموزش هستند، ولی هیچ کدام از این هزار فرد شاید به اندازه یه دونه از آیدول‌های بی‌تی‌اس جذاب و با استعداد نباشه. کمپانی سازنده بی‌تی‌اس کل مدارس کره رو گشته تا تونسته

این هفت پسر رو گلچین کنه که هم خواننده باشن، هم رقاصه و هم جذاب و زیبا و الآن هر هفت تا اعضاء هرکدامشون به یه ستاره و یه آرتیست تبدیل شده اند.



- به هر حال هر چه زمان بیش‌تر بگذرد، این ستاره‌ها سن‌شون بالاتر می‌ره و ممکنه از جذابیت‌شون کاسته بشه، کمپانی چه راهکاری داره؟
کمپانی در حال آموزش گروه‌هایی دیگه از نوجوانان کره هست و بی‌شک برنامه‌های غافل‌گیرانه دیگه‌ای برای مردم دنیا خواهد داشت.
- ممنون، خیلی لطف کردی که وقت گذاشتی.
خواهش می‌کنم.

تأملی دوباره

شیرین ۲۲ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

شیرین در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: سوءاستفاده اقتصادی کمپانی از استعدادهای ناب ستاره‌ها، فشار روانی وارد بر ستاره‌ها از سوی کمپانی و بسترسازی ناخواسته برای آسیب دیدگی روانی اعضای گروه، اشاره داشته است.

شیرین ۲۲ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: فرهنگ‌سازی کمک‌های خیرخواهانه در جشن تولدها، برانگیخته شدن حس حسادت برخی از هواداران با برگزاری جشن تولدهای میلیاردی ستاره‌ها و پیش‌بینی آینده تیره گروه بی‌تی‌اس، اشاره داشته است.

شیرین در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: پیام خوش آهنگ‌های بی‌تی‌اس (پایان مشکلات و فرارسیدن روزهای خوب)، الگوبرداری از ستاره‌ها، پوشیدن لباس‌های مارک‌دار و برند بی‌تی‌اس توسط هواداران، الگوبرداری از آرایش گروه، الگوبرداری در جراحی، هزینه کردن جهت جراحی زیبایی و شبیه شدن به ستاره‌ها، تلاش هواداران برای معرفی بی‌تی‌اس به دوستان و هم‌کلاسی‌ها، حمایت مالی و معنوی هواداران برای جشن تولد ستاره‌ها، بنیان‌گذاری عاطفی و هیجانی به برخوردهای هیجانی فرد می‌انجامد، برخوردهای سراپا عاطفه و فارغ از منطق در میان برخی از هواداران، انتقال افسردگی ناشی از تعارض گروه‌ها به هواداران، تلاش برای توجیه تناقض‌های گروه، نفی شایعات حمایت ستاره‌ها از هم‌جنس‌گرایی، ابهام در هویت جنسی ستاره‌ها، تناقض و تفاوت شعار برابری انسان‌ها با برگزاری جشن تولدهای میلیاردی ستاره‌ها، اتلاف وقت هواداران، کم آوردن وقت و کم خوابی هوادارانی که فن پیچ دارند، استقبال از تفریحات مبتذل (نظیر داستان‌نویسی با مضامین هرزه‌نگار)، تضاد رفتاری و ارزشی هواداران با خانواده، ایجاد اختلاف‌های خانوادگی به دلیل طرفداری از بی‌تی‌اس و پذیرش این که طرفداری از گروه مهم‌تر از زندگی خانوادگی است، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه شیرین ۲۲ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، شیرین در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، زیباشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

شیرین در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: پیام خوش‌آهنگ‌های بی‌تی‌اس (پایان مشکلات و فرارسیدن روزهای خوب)، تعطیل نسبی شناخت در تلاطم عواطف (طرفداری از گروه را مهم‌تر از زندگی خانوادگی خودش برمی‌شمرد)، بنیان هواداری عاطفی و هیجانی که به برخوردهای هیجانی فرد می‌انجامد، برخوردهای سراپا عاطفه و فارغ از منطق در میان برخی از هواداران، انتقال افسردگی ناشی از تعارض گروه‌ها به هواداران، تلاش برای توجیه تناقض‌های رفتاری گروه، نفی شایعات حمایت ستاره‌ها از هم‌جنس‌گرایی، ابهام در هویت جنسی ستاره‌ها، اتلاف وقت هواداران، کم آوردن وقت و کم‌خوابی هوادارانی که فن پیچ دارند، یاد کرده است.

شیرین در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: الگوبرداری از ستاره‌ها، تلاش هواداران برای معرفی بی‌تی‌اس به دوستان و هم‌کلاسی‌ها، حمایت مالی و معنوی هواداران برای جشن تولد ستاره‌ها و مواجهه با تعارض‌های گروه، یاد کرده است. مصاحبه‌شونده در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: استقبال از تفریحات مبتذل (نظیر داستان‌نویسی با مضامین هرزه‌نگار)، سخن گفته است.

مصاحبه‌شونده در توصیف «اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: پوشیدن لباس‌های مارک‌دار و برند بی‌تی‌اس توسط هواداران، الگوبرداری از آرایش گروه، الگوبرداری در جراحی و پذیرش هزینه کردن جهت جراحی زیبایی و شبیه شدن به ستاره‌ها، سخن گفته است.

شیرین در توصیف «اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: تضاد رفتاری و ارزشی هواداران با خانواده، ایجاد اختلاف‌های خانوادگی به دلیل طرفداری از بی‌تی‌اس و پذیرش این که طرفداری از گروه مهم‌تر از زندگی خانوادگی است، سخن گفته است. از بیانات اخیر شیرین ۲۲ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره‌جسته خواهد شد.

مصاحبه با مسعود، ۲۰ ساله

از اصل برابری انسان‌ها صحبت می‌کنم، ولی خودشون چه قدر مجلل و مرفه زندگی می‌کنند و چه جشن تولدهای میلیاردری رو در سراسر جهان می‌گیرند. این کجاش برابری انسان‌ها هست. نوجوان ما با دیدن زندگی مرفه آیدول‌ها و جشن تولدهای میلیاردری آن‌ها جز حسرت خوردن، نتیجه دیگری نمی‌گیرند.

تذکر پژوهشگر:

مسعود ۲۰ ساله، فرزند چهارم از یک خانواده هفت نفره است. مسعود با والدینش زندگی می‌کند و بعد از سال دوم دبیرستان، ادامه تحصیل نداده و به شغل آزاد روی آورده و کمک خرج خانه است. هواداری وی از گروه بی‌تی‌اس از پنج سال پیش شروع شد و هنوز ادامه دارد. مسعود به همه‌ی ستاره‌های بی‌تی‌اس علاقه‌مند است و آنان را الگوی خود در زندگی قرار داده است.

– سلام مسعود!

سلام.

– مسعود برای یک مصاحبه راجع به گروه بی‌تی‌اس وقت داری؟

– باکمال میل، ولی اگر زیاد طولانی شد، در دو، سه جلسه در خدمت شما هستم.

– خیلی ممنون از لطف شما.

– مسعود چند سالی می‌شه با بی‌تی‌اس آشنایی داری؟

– حدود پنج سال، یعنی از پانزده سالگی، زمانی که سال اول دبیرستان بودم.

– چندتا خواهر و برادر داری؟

– سه‌تا خواهر و دو‌تا برادر هستیم. دو‌تا از خواهرام به تازگی ازدواج کردن و در حال حاضر با پدر و مادرم و یه خواهر و برادرم زندگی می‌کنم.

– شما اهل تهران هستی؟

– نه، زمانی که کودک بودم با خانواده‌ام از شهرستانی در غرب کشور، به تهران مهاجرت کردیم.

– تحصیلات والدینت در چه حدیه؟

– هر دو‌تاشون سواد ندارند و پدرم کارگر و مادرم خانه‌دار هست.

– چه طور با بی‌تی‌اس آشنا شدی؟

– از طریق خواهرانم که هر دو‌تاشون دوقلو هستند و از همه‌ی ما بزرگ‌ترند.

– خواهرانت از کجا بی‌تی‌اس رو می‌شناختند؟

– از طریق هم‌کلاسی‌هاشون تو دبیرستان.

– حالا بقیه خانواده هم بی‌تی‌اس رو می‌شناسند؟

– به غیر از پدر و مادرم، همه‌ی اعضای خانواده بی‌تی‌اس رو می‌شناسند و ازشون طرفداری می‌کنند.

– چه طور شد که خودت به این گروه علاقه‌مند شدی؟

چون مستأجر بودیم و تعدادمان هم زیاد بود. همه باهم توی یه اتاق درس می‌خوندیم. برای همین وقتی خواهرم آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس رو در گوشیش می‌گذاشت، همه‌مان باهم نگاه می‌کردیم و دیگه هر روز بعد از تمام شدن درس‌هایمان و زمان استراحت، آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو تماشا می‌کردیم و خوشمون می‌اومد. هر روز تکرار می‌شد تا این که من خیلی علاقه‌مند شدم و چون گوشه نداشتم، همه‌اش از طریق خواهرم اطلاعات کسب می‌کردم.



- خواهراحت چند سال از تو بزرگ‌تر هستند؟

سه سال. من سال اول دبیرستان بودم اون‌ها سال آخر بودند.

- در نگاه اول گروه بی‌تی‌اس از نظر تو چگونه بود؟

هفت‌تا پسر جذاب و دوست‌داشتنی بودند با صداهای قشنگ و حرکات و اداهای شیرین.

- بعدها بی‌تی‌اس رو چه طور دیدی؟

بعدها فهمیدم گروه بی‌تی‌اس خیلی سختی کشیدن تا به این مرحله رسیدند، چندین سال آموزش خوانندگی و رقص دیدند و تلاش کردند تا به این مرحله رسیدند. در سن نوجوانی از خانواده و هم‌کلاسی‌هاشون جدا شدند و آموزش خوانندگی دیدند و خیلی سختی کشیدن و اذیت شدند تا به این مرحله رسیدند.

- در ابتدای علاقه‌مندی به بی‌تی‌اس با دنیای مجازی ارتباط داشتی؟

نه، من گوشی همراه نداشتم و هیچ ارتباط دیگه‌ای با دنیای مجازی نداشتم و فقط از طریق گوشی خواهرم آهنگ‌ها و کنسرت‌های بی‌تی‌اس رو نگاه می‌کردیم و این مرحله تا پایان سال اول دبیرستانم ادامه داشت.

- بعداً چه طور، تونستی از طریق اینترنت و دنیای مجازی بی‌تی‌اس رو بشناسی؟

بعد از سال اول دبیرستان، در سه ماه تعطیلی تابستان کار کردم و به دستفروشی توی مترو مشغول شدم، خدا رو شکر درآمد خوب بود و تونستم یه گوشی لمسی دسته دوم بخرم و از اینترنت و دنیای مجازی استفاده کنم و بیش‌تر بی‌تی‌اس را بشناسم و از آهنگ‌هاش لذت ببرم.

- چه چیزی در آهنگ‌های بی‌تی‌اس برای تو لذت بخش بود؟

من اون زمان معنی آهنگ‌ها رو نمی‌فهمیدم و فقط از صدای قشنگ‌شون و نظم در خواندن و رقص‌شون لذت می‌بردم.

- چه نظمی در آهنگ‌هاشون دیدی که خوشت اومد؟

مثلاً وقتی یکی‌شون تکی می‌خوند، بقیه بعداً باهم، هم‌خونی می‌کردند و ترتیب رو خیلی خوب رعایت می‌کردند و در رقص‌شون هم نظم خاصی بود. مثلاً هول‌هولکی نبودند.



- وقتی آهنگ جدیدی می‌دیدید با خواهر و برادرات همه باهم می‌دیدین؟

آره همه باهم می‌دیدیم و ساعت‌ها هم باهم راجع به حرکات و تن صداهاشون بحث می‌کردیم و این کار یعنی تفسیر کردن آهنگ‌ها و فیلم‌ها ساعت‌ها طول می‌کشید و تا همه‌مان نتیجه‌گیری نمی‌کردیم، کارمان تمام نمی‌شد.

– مثلاً به چه نتیجه‌ای می‌رسیدید، مثال بزنید؟

مثلاً خواهرم می‌گفت این آهنگ‌شون وزن و قافیه درست حسابی نداره و اون یکی خواهرم هم تأییدش می‌کرد و من چون اطلاعات زبان کره‌ایم کم‌تر از اون‌ها بود، هیچ نظری نمی‌دادم و اون دوتا خواهرم به توافق می‌رسیدند و دیگه همه‌مون به این نتیجه می‌رسیدیم، مثلاً فلان آهنگ از نظر ما قافیه درست و حسابی نداره و پایان نتیجه‌گیری رو اعلام می‌کردیم.

– آهنگ‌های کره‌ای چه تأثیری روی شما می‌گذاشت؟

اولین تأثیرش نزدیکی بیش‌تر هر پنج‌تا خواهر و برادر باهم بود. چون قبل از آشنایی با گروه بی‌تی‌اس، هیچ کدامون کاری باهم نداشتیم و تازه بیش‌تر در حال نزاع باهم بودیم. پس از آشنایی با گروه، حس و حال خوب ما بعد از گوش دادن به آهنگ‌ها وصف نشدنی بود و زمانی که بعد از چند بار تکرار آهنگ باهم، همخوانی می‌کردیم، این مسأله، لذت بخش‌ترین تفریح ما بود.

– فیلم‌های کره‌ای هم می‌دیدید؟

تا دلت بخواد، هر شب باهم فیلم‌های کره‌ای می‌دیدیم، مخصوصاً تابستان‌ها که مدارس تعطیل بود، تا نصفه شب بیدار بودیم و فیلم‌های کره‌ای می‌دیدیم. همه‌مان خانوادگی عاشق فیلم کره‌ای بودیم و روز بعد، ساعت‌ها به بررسی هیجان‌های فیلم و تفسیر کردن آن می‌پرداختیم.

– فیلم‌های کره‌ای تأثیری هم روی شما می‌گذاشت؟

خیلی تأثیر داشتند. تلاش‌هایی که تو فیلم‌ها برای پایان دادن به سختی‌ها می‌دیدم تو زندگی شخصیم خیلی کارساز بود و به من روحیه مقاومت کردن در برابر سختی‌ها رو یاد داد.



– دیدن فیلم‌های کره‌ای روی شما تأثیرهای فرهنگی هم داشتند؟

بله، خیلی هم زیاد داشتند. فرهنگ کره با فرهنگ ما متفاوت نبود. مردمان کره خیلی نجیب و تلاشگر هستند. من از فرهنگ پوشیده، لباس‌های کره‌ای خیلی خوشم اومد، به همین ترتیب من از فرهنگ مبتنی بر ادب و احترام اون‌ها که تا کمر خم می‌شن و تشکر می‌کنن و فرهنگ غذا درست کردن‌شون که بیش‌تر از سبزیجات و میوه‌ها و برنج استفاده می‌کنند، خوشم می‌اومد. الآن هر کی در ایران رژیم غذایی بگیره، می‌ره سراغ سبزیجات و میوه‌ها. علت این که مردم کره تناسب اندام دارند و زیاد چاق نیستند، همین فرهنگ گیاه خوری اون‌ها هست.

– مسعود تو سعی نکردی که بی‌تی‌اس رو به بقیه بشناسانی؟

چرا، این کار رو خیلی کردم. من وقتی سال دوم دبیرستان بودم، به دوستان و هم‌کلاسی‌هام بی‌تی‌اس رو معرفی کردم و بعداً که وارد بازار کار شدم، باز دوستان جدید پیدا کردم، به اون‌ها هم بی‌تی‌اس رو معرفی کردم. وقتی هم که تعطیلات عید به شهرستان زادگاهمان می‌رفتیم، به پسر خاله‌ها و پسر عموها و دختر دایی‌ها بی‌تی‌اس رو معرفی کردیم، وقتی می‌گم کردیم، یعنی خانوادگی برای بی‌تی‌اس تبلیغ می‌کردیم. مثلاً خواهرام به دخترای فامیل می‌گفتند و من و برادرم به پسرای فامیل بی‌تی‌اس رو معرفی می‌کردیم.

– چرا این قدر برای بی‌تی‌اس تبلیغ می‌کردین؟

آشنایی خانواده ما با بی‌تی‌اس باعث شد تا از یأس و نوامیدی و تنهایی غربت و غریبی لحظات شادی رو با خواهرها و برادرم داشته باشیم و احساس مسوولیت در قبال همدیگه رو داشته باشیم و تازه از انجام هیچ کاری احساس ننگی نداشته باشیم. بی‌تی‌اس به من حس کمک و احترام به والدین و بزرگ‌ترها رو آموخت. پس من هم در قبال این همه لطف بی‌تی‌اس، به عنوان یه هوادار، وظیفه دارم بی‌تی‌اس رو به دیگران معرفی کنم تا هواداران بیش‌تری داشته باشه و دیگران نیز این حس من را تجربه کنن.

– از تبلیغ کردن برای گروه بی‌تی‌اس چه احساسی داشتی؟

- حس خوب و احساس مسوولیت و ادای دین نسبت گروه رو وظیفه خود می‌دانستم.
- این همه فیلم و آهنگ کره‌ای دیدی زبان کره‌ای هم یاد گرفتی؟
- فیلم‌های کره‌ای باعث شد تا معنی بیش‌تر کلمات رو بفهمم، ولی نمی‌تونم صحبت بکنم. فقط اداشون رو در میارم، ولی خواهرام از بس زبان کره‌ای شون خوب شده، می‌تونن ترجمه کنن.
- مسعود آیا آشنایی تو با بی‌تی‌اس باعث شد، ترک تحصیل کنی؟
- نه، به هیچ وجه، شرایط نامساعد مالی خانواده و فداکاری من برای این که خواهرها و برادرم بتونن ادامه تحصیل بدن و به جایی برسند. من رو و ادار کرد که در سن کم وارد بازار کار بشم.
- به نظر خودت کار درستی انجام دادی؟
- بله، بهترین کار رو من در اون شرایط انجام دادم. هم پدرم و هم مادرم همیشه من رو دعا می‌کنن. مطمئنم دعای آن‌ها نزد خداوند بی‌جواب نمی‌مونه.
- زمانی که مشغول کار شدی، بی‌تی‌اس چه تأثیری روی تو داشت؟
- من زمانی که شروع به کار کردم، سال دوم دبیرستان رو تمام کرده بودم و از هم‌کلاسی‌ها و دوستانم فاصله گرفته بودم، از درس و کتاب دور شده بودم، حس خیلی خوبی نبود. بی‌تی‌اس به من کمک کرد تا این دوران سخت دلتنگی برای هم‌کلاسی‌ها و درس رو پشت سر بگذارم. آهنگ‌های شادشون من را از غم و دلتنگی نجات دادن. تو کارم مصمم‌تر شدم و برنامه‌ریزی کردم و تقریباً موفق شدم.
- مسعود چه حس مشترکی بین تو و گروه بی‌تی‌اس وجود داره؟
- حس تلاش و پشتکار در کارم و حس از خودگذشتگی برای رفاه خانواده‌ام.
- چه تلاش و پشتکاری در گروه بی‌تی‌اس می‌بینی؟
- تمام لحظات زندگی گروه در اقامتگاه‌شون برای دوره دیدن و ادامه تحصیل و آموزش خوانندگی و تحمل دوری از خانواده‌هاشون، همه به خاطر اراده و پشتکارشون بوده، وگرنه اگر تحمل نمی‌کردند، الان یه زندگی عادی داشتند و خبری از این همه معروف بودن اون‌ها هم نبود.
- چه از خود گذشتگی در گروه بی‌تی‌اس می‌بینی؟
- اون‌ها سختی‌های زیادی در محل اقامت‌شون توسط رئیس‌اشون می‌بینند و به خاطر هوادارها سختی‌ها را تحمل می‌کنند، همه‌اش از خودگذشتگی به حساب میاد. این که تحمل دوری از خانواده‌هاشون براشون خیلی سخته تو سن کم و در یک محیط ناآشنا زندگی کردن با قوانین و مقررات خاص خودش، همه‌اش از خود گذشتگی اعضای بی‌تی‌اس به حساب میاد.
- مسعود بی‌تی‌اس از لحاظ ظاهر در تو چه تغییری ایجاد کرد؟
- من بیش‌تر از سبک لباس‌های بی‌تی‌اس و موهای نیمه بلندشون تقلید می‌کنم و به خاطر این که موهای سرم لخت و نازک هست، بهم خیلی میاد و از طلاجاتشون فقط یه زنجیر نقره در گردن دارم.



- از سبک آرایش‌شون تقلید نمی‌کنی؟

حقیقت نه. هم کلی خرج جوراجور روی دست آدم می‌ذاره، بعد هم به نظر من آرایش برای یه پسر ایرانی زشته و تو جامعه پشت سرش حرف در میارند.

- مثلاً چه حرفی پشت سرش در میارن؟

مثلاً به پسری که آرایش کنه و ماتیک بزنه، دور از جون شما، می‌گن الواط شده یا می‌گن لمطی شده.

- الواط شده یعنی چه؟

یعنی خودش رو آرایش کرده تا ازش استفاده جنسی بکنن و دیگران رو ارضاء بکنه.

- خوب به نظرت گروه بی‌تی‌اس نمی‌داند آرایش کردن برای پسران معنی بدی داره؟

همه‌ی مردم این رو می‌دونند، ولی گروه بی‌تی‌اس که کاراشون دست خودشون نیست. هر چه بهشون دستور می‌دن رو انجام می‌دن.

- چرا با دستورهایی غیر متعارف مخالفت نمی‌کنند؟

از اول که اون‌ها وارد گروه شدن از خودشون و والدین‌شون امضاء گرفتن که حق هیچ‌گونه مخالفت و سرپیچی رو ندارند و همه‌اش از رئیس‌هاشون اطاعت کنند. برای همین نمی‌تونند اعتراضی بکنند.

- به نظرت مسعود چرا کمپانی به پسران بی‌تی‌اس دستور می‌ده، آرایش کنند؟

کمپانی می‌خواد با این کارش بگه که زن و مرد باهم مساوی هستند و پسران نیز مثل دخترها حق دارند آرایش کنن.

- به نظرت با آرایش پسرها این برابری ثابت می‌شه؟

نه، برابری زن و مرد در شخصیت و انسانیت هر کسی است.

- این تضاد فکری شما با بی‌تی‌اس تو رو در ادامه هواداری مردد نمی‌کنه؟

بعضی وقت‌ها این طور فکر می‌کنم، ولی هیچ جایگزینی به خوبی بی‌تی‌اس نمی‌بینم و پیدا نکردم. پس به هواداریم ادامه می‌دم.

- یعنی اگر زمانی یه گروهی بهتر از بی‌تی‌اس پیدا بشه، شما قید بی‌تی‌اس رو می‌زنی؟

بله، همین طور خواهد بود. چون بعضی از کارهای بی‌تی‌اس، مثل آرایش پسران رو قبول ندارم.

- نظرت درباره این که بی‌تی‌اس می‌خواد جنسیت در پوشش و لباس رو برداره، چیه؟

در حال حاضر بیش‌تر دخترها لباس‌های پسرانه می‌پوشند، ولی برعکسش رو ندیدم که پسرها مثلاً دامن بپوشن.

ولی دیدم تاپ و شلوارک می‌پوشن اونم تو خونه. به نظرم این مورد اشکال نداره.



- در کشورهای خارجی ممکنه عدم پوشش در جنسیت رو رعایت بکنند؟

بله، در کشورهای غربی و اروپایی هواداران این کار رو می‌کنند و هیچ معنی ندارند. این رو تو فیلم‌ها و دنیای مجازی دیدم.

- هدف کمپانی از آرایش پسران و نفی جنسیت در پوشش چیه؟

- شاید هدفش همون برابری انسان‌ها باشه. بخواد بگه پسران هم مانند دختران تاپ شلوارک و آرایش می‌کنند و فرقی باهم ندارند.
- به نظرت اگر پسری مانند دختران آرایش کنه و لباس لخت بیوشه تحریک‌آمیز نیست؟
چرا هست. آدم خوشش میاد بهش نگاه کنه، وسوسه‌انگیز هست.
- اگر تو جامعه پر بشه از این جور پسران، چه عواقبی فراروی این جامعه وجود خواهد داشت؟
حقیقتش آخر و عاقبت بدی داره. فساد جنسی در میان پسران رواج پیدا می‌کنه و هم‌جنس‌گرا می‌شن.



- الآن نظرت راجع به کمپانی چیه؟
فکر می‌کنم کمپانی از پسران گروه بی‌تی‌اس به خاطر زیبایی و جذابیتشان سوءاستفاده می‌کنه تا هم‌جنس‌گرایی رو در دنیا رواج بده و هواداران شاید این هدف کمپانی رو نفهمند و ناخودآگاه مثل پسران بی‌تی‌اس آرایش کنند.
- به نظرت به غیر از آرایش پسران بی‌تی‌اس دیگه چه مواردی در پسران باعث تحریک پذیری می‌شه؟
اصل کار همین آرایش پسران هست، دیگه نیمه برهنه بودن شون و مثل دخترا ادا و اطوار در آوردن، از بین بردن موهای مردانه بدن و صورت شون و بوسیدن به قصد لذت جنسی و دست زدن به بدن همدیگه، اینا همه‌اش باعث تحریک جنسی می‌شه.



- این‌ها چه تأثیری روی هواداران داره؟
اکثر هواداران خوش شون میاد و از این کارها لذت می‌برند.
- این می‌تونه عواقبی براشون داشته باشه؟
به نظر من می‌تونه عواقب بدی براشون داشته باشه مثلاً یا به خودارضایی روی بیارن و یا به انواع انحراف‌های اخلاقی دیگه از جمله هم‌جنس‌گرایی روی بیارن.
- شیوع این کارها در جامعه و میان هواداران چه پیامدهایی داره؟

باعث انواع ناهنجاری‌ها و بزه‌کاری‌ها در اجتماع می‌شه و ممکنه امنیت و سلامت نوجوانان به خطر بیفته و فحشا و هم‌جنس‌گرایی و دگرجنس‌گرایی رواج پیدا بکنه.

- به نظرت دخترا از آرایش پسرا خوش‌شون میاد؟

فکر کنم خوش‌شون میاد چون خواهام که هوادار بی‌تی‌اس بودند، این طور می‌گفتن.

- به نظرت دخترها با آرایش پسرها تحریک می‌شن؟

ممکنه که باعث تحریک‌شون بشه.

- مسعود تو با آرایش دخترها مخالف هستی یا نه؟

نه، آرایش مال دخترهاست، دخترها بنا به غریزه ذاتی‌شون دوست دارن آرایش کنن و زیبا به نظر برسن تا در جامعه خواستگار خوب پیدا کنن، ولی در هر حال آرایش دخترها هم باید زیاد جلف نباشه که باعث تحریک مردها بشه. در حد نرمال و بهداشتی.

- حد نرمال و بهداشتی یعنی چه مقدار؟

یعنی پوست صورت و بدنشان پر از کرک و مو نباشه و ابروهاشون مرتب باشه و این یعنی بهداشت رو رعایت کرده‌اند و در حد کرم پودر و رژلب و یه ریمل هم به صورت نرمال و مات آرایش کنن و زیاد از رنگ‌های خن در آرایش و رنگ کردن موهاشون استفاده نکنن.

- به نظرت تماشا به بدن کشتی‌گیرها و خیلی از ورزشکارها که نیمه برهنه هستن، تحریک‌آمیز هست؟

نه، چون همه‌شون دارای هیبت مردانه هستن، نه صورت‌شون مثل دخترها بدون مو و دخترگونه است، نه استیل بدن‌شون به ظرافت دخترها هس.

- چه تفاوتی بین پسران بی‌تی‌اس و ورزشکارها می‌بینی؟

پسران گروه بی‌تی‌اس قشنگی شکل و قیافه و ظاهرشون همه مثل دخترها هس. مثلاً اگر یه پای لخت هر کدام از اعضاء رو کنار پای لخت یه دختر بذاری و روی بقیه بدن‌شون رو بیوشانی هیچ کس نمی‌تونه تشخیص بده کدام پا مال دختر و کدام پا مال پسرای بی‌تی‌اس هست. برای همینه وقتی پسران بی‌تی‌اس نیمه برهنه بیوشن، چون هیبت مردانه‌ای ندارن، دیدن بدن‌شون باعث لذت می‌شه و تهمت‌ها هس که بهشون می‌زنن، ولی مثلاً کشتی‌گیرها با این که نیمه برهنه هستن، این جور حسی رو در تماشاچیان خودشون چه زن و چه مرد، ایجاد نمی‌کنن.



- مسعود ممکنه هواداران با دیدن پسران بی‌تی‌اس تحریک بشن؟

راستش فکر کنم همچین چیزی امکان داره. بیش‌تر در بین هواداران دختر شایع‌تر هست. چون تا اون جا که می‌دونم همه‌ی دخترها عاشق آیدول‌ها هستن.

- چه تأثیری ممکنه روی هواداران بگذاره؟

هوادارها با دیدن آیدول‌ها لذت می‌برن و برای ادامه دادن به این لذت‌شون ساعت‌ها به آهنگ‌های آیدول‌ها نگاه می‌کنن و از تکرار خسته نمی‌شن و ممکنه بعضی دخترا عاشق آیدول‌ها بشن و با خودشون خیال بافی بکنن.

- دیگه چه تأثیرات شخصی دیگه روی هواداران می‌گذارن؟

در این حد که شکل و شمایل خودشون رو به شکل آیدول‌ها در میارن. پسران بزرگ می‌کنند و دختران عمل زیبایی می‌کنند و خودشون رو لاغر می‌کنند و اگر ته صدایی داشته باشند مثل اون‌ها می‌خوانند.

- این آرایش پسران، عدم تفکیک در جنسیت و عشق رو به وجود نیاره؟

راستش ممکنه بیاره. احتمالش هست که پسری عاشق یه هم‌جنس از خودش باشه. تو کشورهای خارجی و غربی‌ها هست و دارند باهم زندگی می‌کنند و دولت‌های خارجی بهشون مجوز می‌دن.

- آیا عدم تفکیک جنسیتی باعث عدم تفکیک در عشق شده؟

به نظر من تنها دلیلش می‌تونه همین باشه، وقتی جنسیت برای آدم‌ها مهم نباشه و عشق به جنس مخالف کم‌رنگ می‌شه وقتی پسری به جای این که عاشق یه جنس مخالف بشه و یه دختر، دوست دخترش یا نامزدش باشه، میاد عاشق یه پسر از جنس خودش می‌شه و عاشقانه بازی در میارن، همه‌اش به خاطر این آرایش پسران و عدم تفکیک جنسیتی این مسایل پیش میاد.

- این رفتارها چه عواقبی در جامعه می‌تونه داشته باشه؟

ممکنه فساد و هم‌جنس‌گرایی رواج پیدا کنه. تمایل به جنس مخالف کم‌تر بشه و ازدواج و تشکیل خانواده کم‌تر صورت بگیره و تعداد دختران ازدواج نکرده زیاد بشه و فرزند آوری کم‌تر بشه. خلاصه هرج و مرج زیاد بشه.

- مسعود این رو شنیدی که گروه بی‌تی‌اس حق ازدواج ندارند؟

بله، شنیدم، خودشون دل‌شون می‌خواد ازدواج کنند، ولی رئیس کمپانی‌شون بهشون اجازه نمی‌ده و از همون ابتدا ازشون امضاء گرفته که نباید ازدواج بکنند و نباید مواد مخدر بکشند و نباید با دخترا رابطه داشته باشند.

- مسعود به نظرت کمپانی چرا این خواسته رو از اعضای بی‌تی‌اس داشته؟

کمپانی خواسته ثابت کنه که گروه بی‌تی‌اس اهل هیچ برنامه‌ی خلافی نیستند. حتی ازدواج‌شون رو هم قدغن کرده تا فقط به کار ساختن آهنگ پردازند.

- این کار کمپانی چه تأثیری روی آیدول‌ها گذاشته؟

آیدول‌ها در ظاهر خوب و قوی به نظر می‌رسند، ولی در درون ناراحت هستند و از این ظلم رئیس کمپانی از نظر روحی پریشان و داغون هستند.

- این که بی‌تی‌اس حق ازدواج نداره چه تأثیری روی هواداران می‌گذاره؟

هواداران از کمپانی متنفر می‌شن و پسران گروه بی‌تی‌اس رو بیش‌تر دوست دارند و به خاطر سختی که تحمل می‌کنند براشون ارزش قایل هستند.

- هواداران در این مورد از ستاره‌ها تقلید نمی‌کنند؟

بعضی از هواداران تعصبی که خیلی آیدول‌ها رو دوست دارند و آن‌ها رو می‌پرستند، در مورد ازدواج نکردن هم از بی‌تی‌اس تقلید می‌کنند و از نظر آن‌ها تا زمانی که آیدول‌ها حق ازدواج پیدا نکنند، این‌ها ازدواج رو بر خودشون حرام می‌دانند و دوست دارند شبیه آیدول‌هاشون عمل کنند.

- شایعه هم‌جنس‌گرایی آیدول‌ها به هواداران لطمه نمی‌زنه؟

خیلی لطمه می‌زنه و ممکنه در بعضی جاها به خاطر هواداری کردن‌شون تحقیر و طرد هم بشن و باعث اختلاف در میان خانواده‌ها شده و والدین برای فرزندان‌شون به خاطر هواداری از بی‌تی‌اس نگران باشند و سخت‌گیری بیش‌تری کنند. این شایعه هم‌جنس‌گرایی هم باعث عذاب هواداران و هم ناراحتی خانواده‌ها شده و ترس از بی‌آبرو شدن‌شان نزد فامیل و آشنا شده و بعداً در بعضی جاها برای خود هواداران هم مشکل پیش میاد.



- مثلاً در چه جاهایی؟

در دوران مدرسه کم‌تر براشون مشکل پیش میاد و مثلاً زمانی که یه خورده هواداران بزرگ‌تر شدن در استخدام‌های ادارات دولتی دچار مشکل می‌شن، اگر با تیپ و قیافه آرایش کرده پسری برای استخدام شرکت کنه، همون جا بیرونش می‌کنند و یا در بین فامیل و خانواده ممکنه تحقیر و یا طرد بشن.

- آیا این تحقیر و طرد شدن هواداران، صدمه‌ای به آن‌ها وارد می‌کنه؟

دچار آسیب‌های روحی و روانی می‌شن و ممکنه انزوای طلب و یا افسرده هم بشن و یا به خوردن قرص‌های اعصاب و روان روی بیارند.



- این کار کمپانی به نظرت به آیدول‌ها لطمه نمی‌زنه؟

چرا، خیلی لطمه روحی و روانی بهشون وارد می‌شه. ممکنه افسرده بشن. پای آبرو و حیثیتشون این وسطه. اصلاً ممکنه خودکشی کنند.

- این کار کمپانی به هواداران هم لطمه می‌زنه؟

بله که لطمه می‌زنه، هواداران از این که آیدول‌ها تحت فشار روحی و روانی هستن ناراحت و خشمگین می‌شن و هواداران آیدول‌ها رو دوست دارند و به درستی و پاکی شون ایمان دارند و از ناراحتی آیدول‌ها عصبی و پرخاشگر می‌شن و بیش‌تر از قبل از آیدول‌ها حمایت می‌کنند.

- مسعود این که آیدول‌ها نمی‌تونند ازدواج بکنند و از نظر شما هم، هم‌جنس‌گرا نیستند، به نظرت در این شرایط با گزینه جنسی خودشون چه کار می‌کنند؟

راستش دو حالت داره یا گزینه جنسی خودشون رو سرکوب می‌کنند و یا به خودارضایی روی میارند.

- سرکوب کردن گزینه جنسی خودشون چه عواقبی داره؟

باعث یه نوع رهبانیت اجباری در بینشون می‌شه و سرزنده بودن و شادابی آن‌ها رو از بین می‌بره، افسرده و منزوی می‌شن. در درونشون یه چیز دیگه می‌گذره و در ظاهر یه چیز دیگه.

- در ظاهر و قیافه، ستاره‌ها نه شبیه راهبه‌ها هستند و نه مرتب در حال عبادت و ذکر، به نظرت رهبانیت برای ستاره‌ها کلمه‌ی درستی است؟

اعتراف می‌کنم نه، درست نیست، تاحالا هیچ کس عبادت آیدول‌ها رو ندیده، پس می‌مانه گزینه دوم که خودارضایی می‌کنند و تبدیل شده به یه نوع بیماری اعتیاد در بینشون.

- اگر به خودارضایی روی بیاورند، چه عوارضی داره؟

اگر به حالت دوم که خودارضایی هست روی بیارند، باز هم از نظر روحی و روانی و هم از نظر جسمی دچار مشکل می‌شن.

- از نظر روحی دچار چه مشکلاتی می‌شن؟

اعتماد به نفس شون رو از دست می‌دن و دایم احساس گناه‌آلود بهشون دست می‌ده و در نهایت دچار ضعف اعصاب و تمرکز می‌شن.

- از نظر جسمی دچار چه مشکلاتی می‌شن؟

خودارضایی باعث ضعف سیستم ایمنی و باعث مریض شدن‌های پی در پی می‌شه و همچنین باعث ریزش موی سر و ضعیف شدن حافظه هم می‌شه و خودارضایی زمینه برای هم‌جنس‌گرایی رو بالا می‌بره.

- مسعود اگر مشخص بشه گروه بی‌تی‌اس هم‌جنس‌گرا هستند، تو باز به طرفداری خودت ادامه می‌دی؟

نه، به هیچ وجه، سریع از هواداری انصراف می‌دم و لکه ننگ رو از حافظه‌ام پاک می‌کنم.



- مسعود تو به ازدواج فکر می‌کنی؟

البته که فکر می‌کنم و شب و روز کار می‌کنم و پس‌انداز می‌کنم تا به وقتش دست و بالم خالی نباشه و ازدواج کنم و در این مورد هم از بی‌تی‌اس تقلید نمی‌کنم.

- دیگه در چه موردهایی از بی‌تی‌اس تقلید نمی‌کنی؟

درمورد ازدواج و آرایش پسران و عدم تفکیک جنسیتی در پوشش و در عشق از بی‌تی‌اس پیروی نمی‌کنم و مخالف ایده‌های اون‌ها هستم.



- مسعود یکی از شعارهای آیدول‌ها اینه که خودت رو همان طوری که هستی دوست داشته باش، به نظرت این آرایش و تغییر چهره آیدول‌ها با این شعارشون منافات نداره؟

راستش نه، خیلی منافات داره. با آرایش کردن و رنگ و دکله موهاشون یه تغییراتی ایجاد می‌کنند. آدم چهره‌ای که خداوند بهش داده رو دستکاری نمی‌کنه و کلی درد و زجر عمل جراحی رو نمی‌کشه و کلی پول بابت عمل‌ها می‌ده که شکل خودش رو تغییر بده، خوب مگر شکل اولیه‌شون چه اشکالی داشته.

- به نظرت مسعود چرا کمپانی سازنده بی‌تی‌اس سعی داره گروه روبه سمت هم‌جنس‌گرایی سوق بده؟ چون هم‌جنس‌گراها در بیش‌تر کشورها جایی ندارند و مردم باهاشون بد رفتار می‌کنه با این کارش می‌خواد به هم‌جنس‌گراها ارزش بده و از پسران بی‌تی‌اس سوءاستفاده ابزاری می‌کنه.

- چه طور سوءاستفاده ابزاری می‌کنه؟

اول بهشون می‌گه آرایش بکنند و بعد یواش یواش عمل‌های زیبایی روی آیدول‌ها انجام می‌ده و بعد جنسیت در پوشش روبر می‌داره و بعد جنسیت در عشق رو برمی‌داره و با شعار برابری انسان‌ها به دور از جنسیت در عشق و پوشش توسط بی‌تی‌اس، می‌خواد ثابت بکنه گروهی متفاوت از همه‌ی گروه‌های موسیقی دنیا رو خلق کرده.

- به نظرت این عدم جنسیت در عشق چه معنی می‌ده؟

مثلاً اگر پسری از پسر دیگه که هم جنس خودش هست، خوشش اومد، می‌تونه عاشقش بشه. این چیزها تو خارج و کشورهای آمریکایی رواج داره و باعث ترویج هم‌جنس‌گرایی است و خدا رو شکر تو کشور ما این طور نیست.

- مسعود ممکنه کمپانی با کشورهای آمریکایی تبنای کرده باشه تا جوانان کشورهای آسیایی رو به طرف هم‌جنس‌گرایی سوق بده؟ به نظرم امکانش هست، رفتارهای کمپانی با گروه بی‌تی‌اس غیرعادی می‌مانه و امکان داره کمپانی در مقابل پول زیادی که آمریکا بهش داده باشه، دست به همچین توطئه‌ای برای کشورهای آسیایی یا جهان سوم بزنه. هیچ بعید نیست.

- به نظرت این ضعف ستاره‌ها که نمی‌تونن در مقابل کمپانی اعتراض بکنند با شعار بی‌تی‌اس که می‌گه قوی باش، منافات ندارد؟ به نظرم نه، قوی هستند که تاحالا تونستن ادامه بدن. تمام مشکلات و سختی‌ها رو تحمل می‌کنن به خاطر هوادارها و عشق به طرفدارهاشون.

- مسعود در آهنگ‌های بی‌تی‌اس چه چیزی نظر تو رو جلب کرد؟

در ابتدا که معنی آهنگ‌ها رو نمی‌فهمیدم، فقط به خاطر جذابیت خواننده‌ها و متفاوت بودن‌شون خوشم آمد، ولی بعداً که به معنی آهنگ‌ها دسترسی پیدا کردم و عمیقاً متن ترانه‌هاشون رو فهمیدم. علاوه بر متفاوت بودن خوانندگان، خود متن ترانه‌هاشون برام جالب بود.

- متن ترانه‌هاشون راجع به چه چیزهایی بود؟

پسران بی‌تی‌اس قبل از این که خواننده بشن مثل من و امثال من هر کدام از خانواده‌های متوسط یا فقیر کشور کره بودند و چون توی جامعه دردها و مشکلات مردم اطراف‌شون رو از نزدیک دیده بودند و می‌دانند درد مردم چیه، خودشون اقدام به ساختن ترانه‌هاشون می‌کنند و معمولاً از نگرانی‌ها و دغدغه‌های زندگی و سلامت جسم و روان و مشکلات دوران مدرسه و از درد عشق و از هجران آن و از شادی وصال و آمدن روزهای خوش و غیره می‌گن و خیلی قشنگ حس و حالات متن‌های ترانه‌ها رو به ماها منتقل می‌کنند.

- معنی آهنگ‌های بی‌تی‌اس چه تأثیری روی هواداران دارد؟

خیلی تأثیر دارد. ممکنه هر کدام از هواداران یکی از این مشکلات یا دغدغه‌ها رو داشته باشه. صبر و تلاش و کوشش برای رسیدن به هدف رو به همه یاد می‌ده. همه رو به آرامش دعوت می‌کنند و راه عبور از مشکلات رو با آهنگ‌هاشون به هواداران یاد می‌دهند.

- می‌شه یه نمونه مثال بیاری؟

نمونه‌اش خود من، در حالی که می‌دانستم اگر ادامه تحصیل بدم، ممکنه آینده خیلی بهتری از اینی که هستم رو داشته باشم، ولی تصمیم گرفتم به خاطر بقیه خواهر و برادرم وارد بازار کار بشم تا اونا بتونند ادامه تحصیل بدن و پدر و مادرم کمی از فشار روشن کم بشه. بی‌تی‌اس مشکلات من و امثال من رو دید و تونست با دلداری و دعوت به آرامش از این مشکل عبور کنم و از تصمیم خودم، احساس پشیمانی نکنم و به هدفی که به خاطرش این کار رو کرده بودم، فکر کنم. تونستم دوتا از خواهرام رو به دانشگاه بفرستم و کمک‌شون کنم بابت هزینه تحصیل‌شون نگران نباشند و کم‌تر بذارم پدرم کارگری کنه و بعضی روزها رو استراحت کنه.

- آهنگ‌هاشون چه تأثیر فرهنگی روی هواداران داره؟

بیش‌ترین تأثیرش اینه که همه‌ی مردم دنیا رو نسبت به کشور کره کنجکاو کرده. باعث شده تا به هر صورتی شده از معنی این ترانه‌های قشنگ سر در بیارن و بیش‌تر جوان‌ها رو درگیر خودش کرده و حتی باعث شده که بعضی هواداران با استعداد زبان کره‌ای یاد بگیرند.

- فکر سفر یا مهاجرت به کره به ذهنت رسیده؟

آره، خیلی دوست دارم، باید بررسی کنم بینم وضعیت کار و حق دستمزد اون جا خوبه. اگر بتونم برم باید قبل از رفتنم زبان کره‌ای رو کامل یاد بگیرم و حتماً دیپلمم رو متفرقه بگیرم و سربازیم رو تمام بکنم. بعد اقدام بکنم. فعلاً هم کار می‌کنم، هم شب‌ها درس می‌خوانم.

- اگر مهاجرت کنی به خاطر دیدن بی‌تی‌اس هست یا کار در اون جا؟

هردوتاش. خیلی دوست دارم یه روزی به کره برم و از نزدیک این گروه بی‌تی‌اس رو ببینم و یه کار خوب با درآمد بیش‌تری از اینجا پیدا بکنم.

- به نظرت این آرزوی بقیه هواداران نیز هست؟

بله، آرزوی هر هواداریه که حتی برای یه بار که شده به کره جنوبی بره و از نزدیک گروه بی‌تی‌اس رو ببینه، برای همین به بهانه‌های ادامه تحصیل و کار در اونجا به کره مهاجرت می‌کنند.

- اگر این طور باشه که کره جنوبی پر می‌شه از هواداران خارجی؟

درسته همین طوره، الآن سیل مهاجرت جوان‌ها به سمت کره بیش‌تر از کشورهای دیگه است و اونم همه‌اش به خاطر گروه بی‌تی‌اس هست.

- تا این حد به بی‌تی‌اس علاقه داری که دوست داری برای دیدن آن‌ها به کره مهاجرت کنی؟

آره، از بین بهترین علاقه‌مندی‌هام بی‌تی‌اس اولین هست. بی‌تی‌اس عشق من است.

- مگر الآن از طریق فضای مجازی هر روز کنسرت‌هاشون رو نمی‌بینی، این کافی نیست؟

دیدن کنسرت‌هاشون تو فضای مجازی درسته خوبه و ماها ازش انرژی می‌گیریم، ولی شرکت تو کنسرت‌هاشون از نزدیک خیلی هیجان داره و لذت بخش‌تر خواهد بود.

- به نظرت بقیه هوادارها هم این نظر رو دارند؟

آره، از هر کی شون پرسیدم همه دوست داشتند حضوراً تو کنسرت‌های بی‌تی‌اس حضور داشته باشند و با هم خوانی با آیدول‌ها هیجانانگیز خود رو تخلیه کنند و شادی کنند. بعضی از هوادارها که ثروتمند هستند به کنسرت‌هاشون در خارج می‌روند و خوش می‌گذرانند.

- تاحالا با دوستانت درباره بی‌تی‌اس به اختلاف نظر برخورد کردی؟

آره، خیلی.

- می‌شه مثال بزنی؟

مثلاً چند وقت پیش یکی از دوستانم از آرایش و قیافه زنانه‌ی گروه بی‌تی‌اس ایراد می‌گرفت و می‌گفت اینا خودشون که هیچ عیبی ندارند، دیگه چرا آرایش می‌کنند و خودشون رو خوشگل‌تر می‌کنند. چه دلیلی داره جز تحریک کردن دیگران و من هر چه بهش می‌گفتم که کارای گروه بی‌تی‌اس دست خودشون نیست و رؤسای آن‌ها به گریموورها دستور می‌دن که مثلاً فلان آیدول آرایشش صورتی باشه یا قرمز و دوستانم این حرف‌های من به کله‌اش نمی‌رفت و می‌گفت با این که دوست‌شون دارم، ولی نباید آرایش کنند، باید مثل بیش‌تر پسرها ساده باشند.



- تونستی دوستت رو قانع کنی؟

در حد توانم بهش فهماندم که پسران بی‌تی‌اس حق اعتراض ندارند، چون ازشون تعهد گرفتن و باید انجام بدن و او می‌گفت اون‌ها نباید کاری رو با زور انجام بدن، این همه استعداد دارند، پس بیان بیرون و خودشون برای خودشون کار کنند و ما هم پشتیبان‌شون خواهیم بود.

- به نظرت در این میان حق با چه کسی هست؟

درسته همه‌ی حرف‌هاش حقه، ولی گروه بی‌تی‌اس به خاطر هزینه‌های تحصیل و آموزش و خرج خوابگاه بدهکار کمپانی هستند و تا زمانی که بدهی خودشون رو به کمپانی تصفیه نکنند، باید همچنان ادامه بدن. این حرف‌ها رو هم به دوستم گفتم او هم مثل خود من قانع شد.

- در بین هواداران هستند کسانی که از آیدول‌ها تقلید نمی‌کنند؟

بله، خیلی هستند. فقط عاشق ترانه‌هاشون هستند، ولی از سبک پوشش و آرایش اعضاء بی‌تی‌اس تقلید نمی‌کنند.

- به نظرت چرا این عده از سبک آرایش و پوشش آیدول‌ها تقلید نمی‌کنند؟

به نظرم شاید به خاطر بافت فرهنگی محیطی که در آنجا زندگی می‌کنند باشه که آرایش کردن پسر رو ننگ می‌دانند و ترس از بی‌آبرو شدن توسط مردم محل زندگی‌شون و یا سخت‌گیری‌های والدین هم می‌تونه باعث این قضیه بشه.

- بیش‌تر بافت فرهنگی چه محیط‌هایی در جامعه مخالف آرایش پسران هست؟

بیش‌تر در شهرهای کوچک و روستاها، هر گونه آرایش پسر به معنی بی‌بند و باری است.



- از چه لحاظ بی‌بند و باری است؟

در محیط‌های کوچک‌تر چون همه همدیگر رو می‌شناسند، اگر پسری بیاد و به سبک بی‌تی‌اس آرایش کنه و موهاش رو رنگ بزنه، همه‌ی مردم می‌فهمند و از نظر اون‌ها، اون پسر مثل دخترها خودش رو خوشگل کرده تا دیگران ببیننش و مورد توجه قرار بگیره و این کارش باعث تحریک شدن دیگران نسبت به اون می‌شه و از دید این مردم، پسر آرایش کرده منحرف هست و فساد رو رواج می‌ده.

- مسعود به نظرت امکان داره هواداری، طرفداری خودش از بی‌تی‌اس رو پنهان کنه؟

بله، خیلی امکان داره. مثلاً در شهرهای کوچک و روستاها که همه‌ی مردم همدیگر رو می‌شناسند، پسر و دختران زیادی هستند که از ترس خانواده‌ها و در و همسایه طرفداری خود رو پنهان می‌کنند.

- به نظرت چرا پنهان کاری می‌کنند؟

به خاطر این که در محیط‌های کوچک هر گونه تغییر در ظاهر و قیافه آدم‌ها فوراً دیده می‌شه و اگر هواداری به تقلید از بی‌تی‌اس آرایش کنه یا عمل جراحی زیبایی داشته باشه، همه‌ی مردم آن محل می‌فهمند و در محیط‌های کوچک، آرایش پسران برخلاف عرف جامعه است و عملی ناشایست به حساب میاد. برای همین هواداران از ترس بی‌آبرو شدن مخفیانه هواداری می‌کنند.

- مخفیانه هواداری کردن تأثیر منفی روی هواداران داره؟

هواداران دایم در ترس و مخفی کاری هستند، این طوری آزادی آن‌ها خدشه‌دار می‌شه و از نظر روحی و روانی دچار آشفتگی می‌شن و بعضی از هیجان‌ات که دیگر هواداران آن رو تجربه می‌کنند، ندارند.

- مسعود تو تا به حال طرفداریت از بی‌تی‌اس رو پنهان کردی؟

من خودم شخصاً این کار رو نکردم، اما بعضی از دوستانم از ترس والدین و یا فامیل‌هاشون پنهان کاری کردن و من متوجه این مخفی کاری آن‌ها شده‌ام.

- این مخفیانه هواداری کردن باعث شک و تردید در هواداری‌شون نمی‌شه؟

نمی‌دونم، شاید این همه مخفی کاری و ترس باعث تردیدشون نسبت به بی‌تی‌اس بشه و یه زمانی از هواداری منصرف بشن.

- چه چیز مهمی پشت این همه ترس و مخفی کاری هست؟

قضیه شایعه تهمت هم‌جنس‌گرایی در پشت این همه مخفی‌کاری پنهان شده. در بین عامه مردم هر پسری آرایش بکنه و خودش رو مانند دختران خوشگل کنه، هم‌جنس‌گرا هست و گروه بی‌تی‌اس پیام‌آور آرایش پسران و برابری جنسیتی هستند. برای همین بعضی از هواداران دوست دارند طرفداری شون مانند یه راز بماند.



– مسعود راجع به جشن‌های بی‌تی‌اس چه اطلاعاتی داری؟

گروه بی‌تی‌اس هر ساله به خاطر سالگرد افتتاح گروه بی‌تی‌اس، یه جشن بزرگ راه‌اندازی می‌کنه که چندین روز طول می‌کشه و اسم جشن شون جشن فستا هست و دیگه به مناسبت تولد هر کدام از اعضاء هر ساله در آن روز جشن‌های باشکوهی راه می‌اندازه که در سرتاسر دنیا پخش می‌شه.



– گروه برای برگزاری جشن‌ها خیلی هزینه می‌کنه؟

بله، خیلی خیلی هزینه می‌کنه، کمپانی‌شون خیلی ثروتمنده.

– مسعود به نظرت هدف کمپانی از برقراری جشن‌های باشکوه و پر سر و صدا چیه؟

هدفش اینه که گروهش توسط مردم دنیا دیده بشن و به همه معرفی بشن تا به تعداد طرفدارهاش اضافه بشه و هر چه تعداد هوادارانش بیش‌تر بشه، از نظر اقتصادی سود بیش‌تری می‌کنه.

– می‌شه با یه مثال توضیح بدی، چه طور از نظر اقتصادی سود بیش‌تری می‌کنه؟

بله، مثلاً هر چه تعداد هواداران بیش‌تر باشه مقدار بیش‌تر تقاضا برای لباس‌های مارک بی‌تی‌اس و یا برندهای آرایشی هست و این تقاضا هر چه بیش‌تر باشه، کشور کره بیش‌تر تولید می‌کنه و بیش‌تر سود می‌کنه و یا هر چه تعداد هوادارها بیش‌تر باشه، تعدادی بیش‌تری برای سفر و ادامه تحصیل و کار به کره مهاجرت می‌کنند و این هم به سود کشور کره هست.



- مسعود به نظرت جشن تولدهای باشکوه ستاره‌ها روی هواداران چه تأثیری داره؟
- هیجانانگیزه هواداران برانگیخته می‌شه و اون‌ها هم به جشن و پایکوبی در محفل‌هایی که از طرف هواداران در یک جای به خصوصی برگزار می‌شه و به هم خیر می‌دن، شرکت می‌کنند و حسابی بهشون خوش می‌گذره.
- تاحالا تو توی این جور جشن‌ها شرکت کردی؟
- بله، چند بار، و هر بار تمام زحمت‌ها رو دوش یکی از هواداران که وضع مالی خوبی داشت، بود و تمام هزینه‌های پذیرایی رو تقبل می‌کرد.
- جشن تولد رو چه طور برگزار می‌کرد. می‌شه بیشتر توضیح بدی؟
- مثلاً جشن تولد جیمین رو تو باغ خونه‌شون که ویلایی بود برگزار کرد و تعدادمان زیاد نبود، حدود بیست نفر دختر و پسر هوادار بی‌تی‌اس بودیم که با نوشیدنی و کیک تولد ازمان پذیرایی می‌کردند و بعد خواننده هم یکی دیگه از هواداران بود که ارگ و دستگاه‌های موسیقی رو با خودش آورده بود و صدای بلندگوها رو زیاد بلند نمی‌کردند تا مبادا برای دیگران مزاحمت بشه و جشن شبیه به یه پارتی کوچک بود بدون بی‌نظمی و بعد پذیرایی همه به وسط می‌رفتیم برای رقصیدن.
- از جشن تون فیلم هم می‌گرفتین؟
- بله، فیلم می‌گرفتیم و بچه‌ها در پیچ‌هاشون می‌گذاشتند و این طور اگر کسانی دیگه هم جشن اختصاصی گرفته بودند فیلم‌هاشون رو می‌فرستادن و مدیر پیچ از اون‌ها هم رونمایی می‌کرد.
- این جشن‌های تولد در میان هواداران انعکاس منفی هم داشت؟
- نه همه خوش‌شون می‌اومد و پیگیر جشن تولدها در تمام نقاط دنیا می‌شدیم.
- مسعود در برگزاری این جشن تولدها چه تفاوتی می‌بینی؟
- تفاوت در هزینه‌هایی است که خرج می‌شه چه توسط کمپانی و چه توسط هواداران. کلاً فرق داره با جشن تولدهای افراد معمولی.
- به غیر جنبه مادی این جشن تولدها دیگه چه تفاوتی می‌بینی؟
- تفاوت رو در شعارهاشون با رفتار و عملکردشون در جشن تولدها می‌بینم. در متن ترانه‌هاشون و یا در پیام‌ها و شعارهایی که می‌دن از برابری انسان‌ها صحبت می‌کنند، ولی خودشون در جشن تولدهاشون این برابری رو نادیده می‌گیرند و جشن تولدهایی متفاوت و پر هزینه و پرسرو صدا برگزار می‌کنند.



- مسعود این همه تناقض در شعارهاشون با عملکردشون می‌بینی به نظرت باعث نمی‌شه در هواداریت تجدید نظر بکنی؟ همیشه به این تفاوت‌ها فکر می‌کنم و از تکرار شدن شون بیزارم، ولی احساس می‌کنم، خود آیدول‌ها بی‌تقصیرند، هم‌ااش زیر سر رئیس‌های کمپانی شون هست برای اهداف دیگه‌ای که دارند.

- مسعود این درسته که ملاک طرفداری از بی‌تی‌اس این باشه که در جهان خیلی هوادار داره؟ نه، این درست نیست، ولی قوت قلبی برای هواداران هست که بدانند در هواداری از بی‌تی‌اس اشتباه نکردند و درصد زیادی از مردم دنیا هوادار بی‌تی‌اس هستند و این گروه هفت نفره جذاب رو دوست دارند.

- به نظرت هواداران نسبت به گروه بی‌تی‌اس اشیاع نشده‌اند؟ فکر نکنم، چون هر بار آهنگ جدیدشون با آهنگ‌های قبلی متفاوت‌تر و پر معنی‌تر هست و برای هواداران تازگی داره. امکان داره در یه زمانی، دیگه آهنگ‌هاشون تکراری بشه و موضوع تازه ای نداشته باشند؟ بله، امکانش هست. حدود ۹ سالی می‌شه آهنگ می‌سازند و هر بار آهنگ‌هاشون جدید و متنوع و متفاوت با آهنگ‌های قبلی شون بوده. ممکنه دیگه برای هواداران تکراری بشه.

- به نظرت کمپانی به فکر جایگزینی برای آیدول‌های جدید به جای آیدول‌های فعلی نیست؟ صد در صد هست و در حال آموزش نوجوان‌های زیادی برای جایگزینی آیدول‌ها هست. چون آیدول‌های فعلی در حال حاضر ستاره هستند و گذشت زمان و کهولت سن از جذابیت آن‌ها کم می‌کند و یه زمانی مثل بقیه آرتیست‌ها و سلبریتی‌ها تکراری می‌شن و این باعث می‌شه هواداران از ادامه هواداری منصرف بشن.

- به نظرت هواداران با این جایگزینی مشکلی ندارند؟ هواداران ناراحت می‌شن، چون همه‌شون آیدول‌ها رو دوست دارند. آیدول‌ها لباس کهنه نیستند که بعد از مدتی دور انداخته بشن، از نظر روحی و روانی افسرده می‌شن. در فکر و روح و روان مردم رخنه کرده‌اند، جایگزینی آن‌ها به این آسانی‌ها نیست.

- مسعود شنیدم که آیدول‌ها در کارهای خیر خواهانه شرکت می‌کنند، این صحّت دارد؟ بله، صحّت دارد، مثلاً مقداری از درآمدشون رو کمپانی اختصاص به کارهای خیر خواهانه قرار داده مثل مدرسه‌سازی، بیمارستان‌سازی در مناطق محروم کره جنوبی و حتی ژاپن و کمک به یتیمان و پرورشگاه‌های کودکان بی‌سرپرست و کمک به بیماران سرطانی و خیلی کمک‌های خیر خواهانه دیگه.

- این کار ستاره‌ها روی هواداران چه تأثیری گذاشته؟ باعث شده تا هواداران همیشه این کارهای خیر خواهانه رو با الگوبرداری از آیدول‌ها انجام بدن. می‌شه چند مثال بیاری؟

مثلاً مدیران فن پیچ‌ها یه شماره حساب در پیچ‌شون می‌ذارن که اختصاص به جمع‌آوری کمک‌های هواداران هست. هر بار به مناسبتی از هواداران می‌خوان که کمک‌های نقدی خودشون رو مثلاً برای کمک به بیماران پروانه‌ای به اون شماره حساب بریزند و یا بعد از هر جشن تولدی از هواداران می‌خوان که کمک‌های نقدی شون رو به حساب پیچ واریز کنند برای کمک به سرای سالمندان و واقعاً هواداران هم چون تعدادشون زیاد هست هر چند مقدار واریزی هم کم باشه، ولی روی هم جمع می‌شه و مدیر پیچ زحمت می‌کشه و با ارایه فیلم از بازدید از این مراکز، حسن نیت خودش رو ثابت می‌کنه و این رسم قشنگ ادامه داره.



- ببین مسعود بی‌تی‌اس این همه کارهای خیرخواهانه می‌کنه، ولی از اون طرف کلی پول و سرمایه خرج جشن‌های تولد می‌کنه، این دو قضیه به نظرت در تضاد نیستند؟

کاملاً راست می‌گی، باهم در تضادند، ولی فکر کنم این جشن‌ها برای شناساندن بی‌تی‌اس به دنیا و جهانی شدن گروه ضروری باشه. اگر این جشن‌ها نباشه و در بی‌خبری برگزار بشه، دیگه کسی بی‌تی‌اس رو نمی‌شناخت. حتماً ضروری هست و باید این جوری پر هزینه و پر سر و صدا برگزار بشه.

- مسعود در نظرسنجی‌های دنیای مجازی راجع به ستاره‌ها شرکت می‌کنی؟

بله، اگر وقت داشته باشم. حتماً شرکت می‌کنم.

- راجع به نظرسنجی‌ها چه اطلاعاتی داری؟

آخرین نظرسنجی که تو اینستا دیدم، راجع به انتخاب یکی از هفت اعضاء به عنوان جذاب‌ترین فرد گروه بود که هر کسی از آیدول مورد علاقه خودش طرفداری می‌کرد و برای برنده شدنش تلاش می‌کرد و به نظرسنجی دیگه در مورد تأثیر بی‌تی‌اس تو زندگی شخصی هواداران بود و به نظرسنجی دیگه راجع به بهترین آهنگ سال بی‌تی‌اس بود که من در هر سه نظرسنجی شرکت کردم و نظر خودم رو نوشتم.

- تأثیر این نظرسنجی‌ها روی هواداران رو چگونه ارزیابی می‌کنی؟

نظرسنجی‌ها خیلی خوب هستند و هر کسی آزادانه نظر واقعی خودش رو می‌گه. گاهی این قدر با نظرسنجی‌ها هواداران هیجانی می‌شن که ممکن هست درگیری لفظی بین شون پیش بیاد. مثلاً زمانی که انتخاب لیدر برای گروه رو در نظرسنجی قرار داده بودند، شدت هیجان برای تبلیغات به اندازه یه انتخابات واقعی بود.

- سوق دادن جوان‌ها به سمت هیجان چه تأثیری روی آن‌ها دارد؟

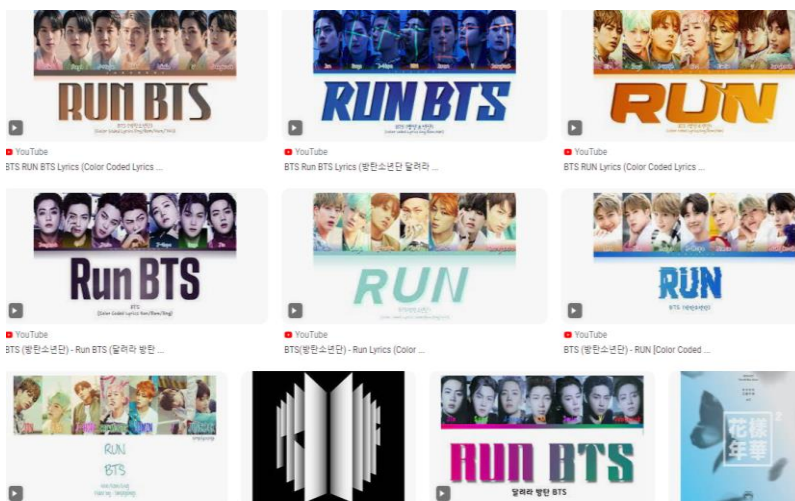
ایجاد هیجان برای جوانان و نوجوانان ممکنه باعث تنش و اختلال در زندگی شخصی شون بشه.

- می‌شه با مثال واضح‌تر بگی که هیجان چگونه باعث تنش و اختلال می‌شه؟

البته، مثلاً هواداری به خاطر هیجان زیاد برای این که آیدول مورد علاقه‌اش در نظرسنجی پیروز بشه، نزدیک به یه هفته ذهنش درگیر این قضیه هست و ممکنه در نظرسنجی‌ها با دیگر هواداران که مخالف نظر او به آیدول دیگه رأی می‌دن، تنونه خودش رو کنترل کنه و درگیری لفظی بین شون پیش بیاد و یا از بس ذهن و وقتش درگیر این قضیه هست، اگر دانش آموز هست از درسش عقب می‌افته و یا اگر شاغل هست، به کسب و کارش لطمه می‌خوره و کلاً این نظرسنجی‌ها با خودشون تنش و استرس و اضطراب به همراه میارند.

- آیا وقتی هواداران با این همه هیجان مواجه می‌شوند، به سلامتی شون آسیبی وارد نمی‌شه؟

از نظر روحی و روانی آسیب می‌بینند و یا ممکنه در حین کارشون تمرکز لازم را هم نداشته باشند و آسیب جسمی هم ببینند. مثلاً هواداری که تا ساعت ۲ نصف شب درگیر نظرسنجی در پیچ‌های اینستاگرام هست و صبح زود ساعت ۶ صبح به سر کار می‌ره، ممکنه به علت خواب ناکافی و درگیری ذهنی، اگر شغلش مثلاً نجار یا مکانیک باشه، ممکنه به علت عدم تمرکز کافی و خستگی به خودش آسیب جسمی وارد کند.



- مسعود به نظرت بیش‌تر چه رده سنی هوادار گروه بی‌تی‌اس هست؟

تا اون جا که من دیدم، در بین دوستانم بیش تر نوجوانان سیزده، چهارده ساله تا بیست و پنج ساله.

- هوادار بیست و پنج سال به بالاتر نیست؟

نه که نباشه، هوادار بیست و پنج ساله به بالاتر کم تر هست. بیش تر اوج هواداری در دوران راهنمایی و دبیرستان هست. سن هواداران که از بیست و پنج به بالاتر می‌ره، به خاطر مسایل مهم‌تری مثل ازدواج و ادامه تحصیل و پیدا کردن شغل مناسب یا هواداری‌شون کم رنگ تر می‌شه یا از ادامه هواداری منصرف می‌شن.

- این همه هواداران به خودشون سختی می‌دن، در عوض آیدول‌ها برای هواداران چه کار می‌کنند؟

در سایت‌ها و رسانه‌ها از هواداران تشکر می‌کنند و بهشون امید و فرارسیدن روزهای خوب رو نوید می‌دهند و به خاطر این همه زحمت که هواداران می‌کشند، براشون آهنگ‌های در خواستی آن‌ها رو پخش می‌کنند و یا در استوری‌هاشون برایشان عکس‌هایی از خودشون و شعارها و پیام‌های دلگرم کننده می‌ذارن.

- یکی از دلایل موفقیت گروه بی‌تی‌اس نقش تبلیغات گسترده برای آن‌ها بوده، در این باره چه نظری داری؟

اعضای بی‌تی‌اس خیلی خوب می‌دانند که چگونه از رسانه‌های اجتماعی به نفع خودشون استفاده می‌کنند. این گروه در توییتر خیلی فعال بودن و از همان ابتدا با هواداران خود در تماس بودند و در اینستاگرام بیش از ۶۵ میلیون دنبال کننده دارند و هواداران‌شون برای تبلیغ گروه احساس وظیفه می‌کنند و هر کدام به نحوی و از هر راهی که بتونند برای بی‌تی‌اس تبلیغ می‌کنند.

- گروه بی‌تی‌اس به غیر از آهنگ‌هاشون دیگه چه چیزهایی را برای هواداران در یوتیوب می‌گذارند؟

گروه بی‌تی‌اس هر لحظه از محل زندگی‌شون و کارهاشون و حتی از ورزش کردن‌شون، فیلم‌ها و ویدیوهایی در یوتیوب برای هواداران می‌گذارند که هواداران با دیدن این ویدیوها برای بارها، از دیدن اون‌ها خسته نمی‌شن و عاشقانه این ویدیوها رو دوست دارند و این ویدیوها نشان دهنده اینه که آیدول‌ها به فکر هواداران هستند.



- مسعود به نظرت آهنگ‌های بی‌تی‌اس فقط مختص نوجوانان و جوانان هست؟

نه، اتفاقاً خیلی از بزرگ‌ترها مثل پدر و مادر خودم از دیدن آهنگ‌ها لذت می‌برند و حتی از دوستانم هم پرسیدم، می‌گن، مادرهاشون آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو دوست دارند. مادرم با این که از معنی آهنگ‌ها چیزی سر در نمیاره، باز خوشش میاد و ازم می‌خواد براش آهنگ‌های جدید گروه رو بذارم.

- به نظرت چرا غالب رده‌های سنی آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو دوست دارند؟

واقعاً شگفت‌انگیزه از کودک گرفته تا آدم شصت ساله، عاشق آهنگ‌های بی‌تی‌اس هستند. به نظرم بیش تر به خاطر شخصیت جذاب آیدول‌ها باشه و بعد صدای قشنگ و دلنشین‌شون. در موسیقی بی‌تی‌اس برای هر رده سنی و جنسی و هر ملیت پیام‌های مثبتی داره.

- مسعود در یک جمع بندی کلی به نظرت علت این محبوبیت گروه بی‌تی‌اس چه چیزهایی می‌تونه باشه؟

یکی شخصیت جذاب خود آیدول‌ها، بعد آهنگ‌هایی که خودشون تولید می‌کنند و بعد کارهای نیک و خیرخواهانه ای که در سراسر جهان انجام می‌دن و انگیزه دادن به هواداران و تشویق آن‌ها به مسوولیت پذیری در انجام کارهاشون و در آخر وفاداری و توجه به طرفداران‌شون.

- مسعود بی‌تی‌اس چه تأثیرات منفی می‌تونه روی هواداران داشته باشه؟

به خاطر شهرت زیاد این گروه و تنوع آهنگ‌ها و برنامه‌ها در دنیای مجازی و اشتراک گذاشتن این برنامه‌ها برای دوستان، بعضی از هواداران ممکنه ساعت‌ها در فضای مجازی باشند و از کارها و درس خودشون عقب بیفتند و برای جبران کم آوردن زمان، از خواب خودشون بزنند و

به سلامتی جسمی و روحی خود لطمه بزنند و یا به دسته دیگر هستند که به خاطر حسادت به موقعیت آیدول‌ها و تفاوت‌های آشکار آن‌ها، دچار افسردگی و ناامیدی می‌شوند.

- مسعود شده در تصورات، خودت رو با آیدول‌ها مقایسه کرده باشی؟

گاهی وقت‌ها به موقعیت و امکانات رشد و پیشرفت آن‌ها غبطه می‌خورم و دوست داشتم، ای کاش یکی از آن‌ها باشم. به نظرم یک رؤیای شیرین هست، ولی در واقعیت می‌بینم من کجا و اون‌ها کجا.

- این مقایسه از نظر روحی تو رو ناراحت می‌کنه؟

بله، خیلی، حسرت چیزی که نیستی ناراحت کننده است.

- مسعود گروه بی‌تی‌اس به غیر از ساختن آهنگ و کارهای خیرخواهانه، دیگه چه فعالیت‌های دیگه‌ای داشته‌اند؟

با یونیسفر در جهت جلوگیری از خشونت علیه کودکان و نوجوانان همکاری کرده‌اند. کمپین خودت را دوست بدار رو تشکیل داده‌اند، به امید این که از طریق موسیقی بتوانند جهان را به مکانی بهتر تبدیل کنند. در نشست سازمان ملل شرکت کرده‌اند و حتی سخنرانی کرده‌اند. با رئیس‌جمهور جو بایدن برای جلوگیری از تبعیض نژادی در آمریکا ملاقات کردن.

- سخنرانی‌شون در سازمان یونیسفر رو گوش دادی؟

بله، توی اینترنت همراه با ترجمه فارسیش گوش دادم. در ابتدا آرام به عنوان لیدر گروه شروع به حرف زدن کرد و بعد هر کدام‌شون بقیه سخنان همدیگه رو ادامه می‌دادند. راجع به مشکل کوید ۱۹ حرف زدند و در آخر همه رو دعوت به دوست داشتن خود کردند.

- به نظرت از طریق موسیقی می‌شه جهان رو به مکانی بهتر تبدیل کرد؟

این یه آرزو برای گروه بی‌تی‌اس هست که امیدوارند بتوانند با موسیقی جهان رو به یه مکان بهتر و شادتری برای مردم دنیا تبدیل کنند و زیاد گزاف نگفتند، همین حالاش هم مردم دنیا از دیدن موسیقی و آهنگ‌های آن‌ها احساس لذت و شادی بهشون دست می‌ده و یا اگر غم و غصه‌ای داشته باشند، با شنیدن آهنگ‌های بی‌تی‌اس از غم‌رهایی پیدا می‌کنند.

- ملاقات با جو بایدن چه تأثیری روی هواداران داشته؟

هواداران هم خوشحال‌اند و به گروه بی‌تی‌اس و هواداری خودشون افتخار می‌کنند و از این که گروه بی‌تی‌اس تونسته نظر رئیس‌جمهور بایدن رو به خودش جلب کنه و در بین مردم آمریکا محبوبیت داشته باشه، شادمانند. به علاوه اقدامات انسان دوستانه مثل کمک مالی به سیاه‌پوستان آمریکا و تلاش برای صلح میان سیاهان و آسیایی تبارهای آمریکا، از جمله بقیه کارهای گروه هست که ارج و ارزش این کارشون وصف نشدنی.

- فعالیت‌های بی‌تی‌اس در دوران کرونا چگونه بود؟

حدود دو سالی که کرونا بود، گروه بی‌تی‌اس هم خونه نشین شدند و نمی‌تونستند کنسرت اجرا کنن، ولی بی‌کار هم ننشستند و برای هواداران‌شون تو یوتیوب و رسانه‌ها آهنگ پخش می‌کردند و مردم را دلداری می‌دادند و پایان این بیماری رو نوید می‌دادند.

- تأثیر فعالیت‌های بی‌تی‌اس در دوران کرونا روی هواداران چگونه بود؟

چون اکثر هواداران قشر دانش‌آموز بودند و آن‌ها هم خانه‌نشین شده بودند، تنها روزنه امیدشون آهنگ‌های بی‌تی‌اس در فضای مجازی بود که با گوش دادن به آن‌ها روحیه می‌گرفتند و یا غم از دست دادن عزیزان‌شون رو در بیماری کرونا با کمک بی‌تی‌اس می‌تونستند تحمل کنند. اینجا وفاداری بی‌تی‌اس به هواداران آشکارا دیده می‌شه. زمانی که ترس و ناامیدی سراسر جهان رو به خاطر کوید ۱۹ فرا گرفته بود. گروه بی‌تی‌اس با پخش آهنگ‌های ساخته خودشون به هواداران امیدواری می‌دادند.

- این که گروه بی‌تی‌اس به خاطر کرونا خانه نشین شدند و نمیشد کنسرت اجرا کنند چه فعالیت‌های دیگه‌ای انجام می‌دادند؟

تو ایام کرونا به خاطر اجرا نکردن کنسرت درآمد نداشتند و وقت خالی زیاد داشتند. برای همین بعضی‌هاشون مثل تهیونگ در یه فیلم کره‌ای نقش بازی کرد و همه‌شون در مدلینگ لباس شرکت کردند به خاطر استایل مدل بودن‌شون و معروفیت جهانی داشتن‌شون، شرکت‌های زیادی ازشون تقاضای مدل بودن رو می‌کردند و هر لباسی که پسران بی‌تی‌اس به عنوان مدل به تن‌شون می‌کردند، تقاضاهای باور نکردنی در سراسر دنیا داشت. علاوه بر همه‌ی این‌ها دست از ساختن آهنگ برنمی‌داشتند و برای هواداران‌شون ویدیوهایی از پشت پرده آهنگ‌هاشون که در حال ساختنش بودند رو تهیه و در یوتیوب و اینستا می‌گذاشتند.

- مسعود گفتی که به شغل آزاد مشغول هستی، آیا شغلت ربطی به برندهای بی‌تی‌اس داره؟

بله، چون لباس‌های بی‌تی‌اس جوان‌پسند هستند، من همیشه از تی‌شرت‌ها و پیرهن‌های بی‌تی‌اس نمونه‌هایی تهیه می‌کنم، وقتی درخواست برای خریدشون زیاد باشه به مقدار خیلی بیش‌تری تهیه می‌کنم و در سطح شهر و مغازه‌های دور دست هم پخش می‌کنم و حتی در داخل مترو بعضی اوقات مستقیم به فروشندگان می‌فروشم و می‌بینم که چه قدر گروه بی‌تی‌اس در خرید مردم برای پوشاک تأثیر گذاشته اند. بیش‌تر خریدارها از آقایون هستند؟

نه، فرقی نمی‌کنه هم خانم‌ها و هم آقایون از برندهای بی‌تی‌اس و یا حتی شبیه به اون‌ها استفاده می‌کنند و این از بین بردن جنسیت در پوشش، خیلی به نفع ما فروشندگان شده، چون ما دیگه ترسی از موندن جنس‌هامون نداریم زیرا تقاضا همیشه برایشون هست. - به نظر خودت بی‌تی‌اس روی کسب و کارت تأثیر داشته؟

خیلی تأثیر داشته، من ایده‌هام رو در تهیه اجناسم از بی‌تی‌اس می‌گیرم. نمی‌رم جنسی رو بخرم که روی دستم بمونه و تلاش و پشتکارم رو مدیون بی‌تی‌اس هستم. بی‌تی‌اس به من انگیزه داد و من رو از ناامیدی نجات داد. من تونستم مدت سه ساله که فروشندگی می‌کنم به بیش‌تر خواسته‌هام برسم و از نظر مالی به استقلال برسم.

- به نظر خودت بی‌تی‌اس تونسته در تو تغییر ایجاد بکنه؟

بله و خیلی تغییرات خوبی تونستم با کمک بی‌تی‌اس در زندگیم ایجاد کنم.

- مثلاً چه تغییراتی؟

مثلاً اگر درسم رو ادامه می‌دادم، ممکن بود مثل خیلی‌های دیگه، الان پشت کنکور بودم که کی قبول بشم و شرایط اقتصادی خانواده بدتر می‌شد و ممکن بود پدرم به خاطر کار بیش‌تر آسیب جسمی می‌دید و خواهرانم به خاطر مشکل مالی نمی‌تونستند به دانشگاه برن. من همه‌ی این مشکلات رو تونستم با کمک بی‌تی‌اس و ایده گرفتن از آن‌ها حل کنم و کلاً شخصیت من عوض شد و به آدم دیگری تبدیل شدم و تونستم به موقع خانواده‌ام رو نجات بدم و به کمک‌شون پیام. درسته از درس عقب موندم، ولی با بی‌تی‌اس یاد گرفتم برای رسیدن به هر خواسته‌ای که دارم هیچ وقت دیر نیست.

- بی‌تی‌اس تونسته تغییراتی در ظاهر و قیافه تو ایجاد بکنه؟

راستش نه، تونسته و یا شاید من نه وقت تغییر قیافه داشته‌ام و نه پولش رو.

- در کل مخالف تغییر چهره و قیافه به سبک بی‌تی‌اس هستی؟

من شخصاً با آرایش و عمل‌های زیبایی پسران مخالفم، ولی هر کسی که این کار رو هم بکنه سرزنش نمی‌کنم. صورت و بدن خودشونه و حق هر گونه تغییر رو دارند. بیش‌تر دوستان هوادار بی‌تی‌اس، با عمل‌های دماغ و گونه و رنگ موی سرشون، تغییراتی کرده اند که باور نکردنیه.

- مسعود اگر ازدواج بکنی، به همسر آینده‌ات خواهی گفت که هوادار بی‌تی‌اس هستی؟

حتماً خواهم گفت. ایشون حشش هست که بدانه من چه جور آدمی هستم.

- ملاک انتخاب همسر آینده‌ات اینه که هوادار بی‌تی‌اس باشه؟

اگر هوادار بی‌تی‌اس باشه، خیلی بهتر می‌شه، ولی اگر هم یه شخص عادی بود و من ازش خوشم اومد، اشکال نداره که هوادار بی‌تی‌اس نباشه.

- اگر هوادار بی‌تی‌اس نباشه، بی‌تی‌اس رو به او معرفی می‌کنی؟

حتماً این کار رو خواهم کرد.

- چرا این کار رو می‌کنی؟

من معتقدم آشنایی با بی‌تی‌اس، هواداران رو قوی می‌کنه و اگر هر دو بی‌تی‌اس رو بشناسیم، قوی‌تر خواهیم شد و در برابر ناملایمات زندگی ناامید نخواهیم شد.

- امکان داره یه زمانی که سنت یه خورده بیش‌تر شد، از هواداری گروه بی‌تی‌اس دست بکشی؟

خوب، شاید، اگر گروهی متفاوت‌تر و جذاب‌تر از بی‌تی‌اس باشه و اهداف عالی‌تری رو دنبال کنه، من هم در هواداریم از بی‌تی‌اس تجدید نظر خواهم کرد.

- مسعود راجع به ایدئولوژی و مذهب گروه بی‌تی‌اس اطلاعاتی داری؟

حقیقتش نه، هیچ اطلاعاتی ندارم.

- من این سوال رو از هر هوادار دیگه‌ای که پرسیدم، همه بی‌خبر بودند، علت از کجاست؟ گروه بی‌تی‌اس نمی‌خوان کسی بفهمه چه اعتقاداتی دارند و مذهب و ایدئولوژی رو امری شخصی می‌دانند، ولی به همه‌ی مذهب‌ها احترام کامل می‌گذارند.

- اگر به زمانی بفهمی که برخی از اعضای گروه بی‌تی‌اس هیچ دینی ندارند، چه عکس‌العملی خواهی داشت؟ من چون بدی از آن‌ها ندیدم و به دین اسلام احترام می‌گذارند، کاری به عقایدشون ندارم و به هواداری خودم ادامه می‌دم. از راهکارهاشون در زندگی شخصی استفاده می‌کنم و از آهنگ‌هاشون لذت می‌برم.

- به نظرت مخفی کردن مذهب‌شون چه دلیلی ممکنه داشته باشند؟ به نظرم اگر مذهب آیدول‌ها با مذهب هوادارها متفاوت باشه، ممکنه بین آیدول‌ها و هواداران اختلاف پیش بیاد و هر گونه اختلاف به ضرر گروه می‌باشه. حتی ممکنه باعث نابودی گروه هم بشه.

- مسعود این خبر رو شنیدی که بی‌تی‌اس می‌خواد به مدت کار گروهی نداشته باشه؟ بله شنیدم، مثل این که می‌خوان بعد از یه استراحت و وقفه، آیدول‌ها به صورت انفرادی کار کنند و هر کدامشون برای خودشون آهنگ بسازند و متفاوت‌تر از قبل ظاهر بشن. تازه اولین استارتش رو جیهوب در فستیوال شیکاگو اجرا کرده.

- به نظرت با انفرادی کار کردن آیدول‌ها، هواداران چه واکنشی خواهند داشت؟ شاید مثل قبل هواداران از کارهای انفرادی‌شون استقبال نکنند. همه هواداران عادت کرده بودند به کارهای گروهی‌شون و خیلی کارهای گروهی‌شون جالب و مورد پسند همه اقشار مردم بود.

- کشور کره جنوبی در ایام کرونا حاضر نشد حتی دارو به کشورمان بفرسته، در صورتی که دارو جزو تحریم‌ها نبود، حالا باز به نظرت گروه بی‌تی‌اس پیام‌آور صلح در جهانیه؟

من برای کشور کره متأسفم و برای نقش بازی کردن گروه بی‌تی‌اس به نام پیام‌آور صلح در سازمان ملل. اول برن کشور خودشون رو اصلاح بکنند، بعد جهان رو تغییر بدن. چه طور روزی صدها نفر در کشور ما در اثر کرونا می‌مردند، ولی کشور کره حاضر نشده دارو و کمک‌های انسان‌دوستانه به مردم کشورمان بکنه. بعد گروه بی‌تی‌اس دم از صلح و برابری انسان‌ها، به دور از تبعیض نژادی می‌زنند. من متوجه تفاوت شعارهای بی‌تی‌اس با عملکردشون شده بودم، ولی تا این حدش رو نمی‌دونستم. حتی اگر گروه بی‌تی‌اس هیچ گناهی در این قضیه تحریم داروها به کشورمون رو نداشته باشه، من یکی، دیگه از هواداری این گروه دغل باز انصراف دادم و تا می‌تونم خانواده و دوستانم رو آگاه می‌کنم که از طرف داری‌شون دست بکشند. اگر دوست دارند، می‌تونند فیلم‌ها و آهنگ‌هاشون رو ببینند، ولی دیگه هواداری جوان ایرانی از بلاد کفر حرامه و من این رو به همه‌ی دوستانم می‌گم.

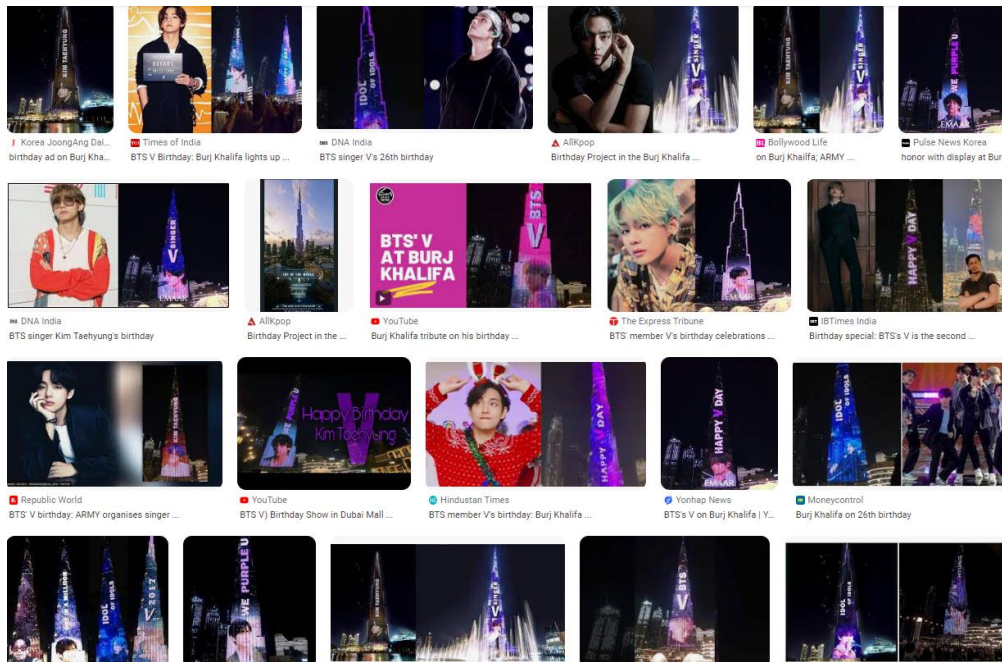
- مسعود امکان داره گروه بی‌تی‌اس در دوران آموزش‌شون دوره بازیگری هم دیده باشند؟ بله، حتی الان بعضی‌هاشون مثل تهیونگ تو سریال اسکویید گیم دو، نقش بازی می‌کنه.

- به نظرت ممکنه از حرفه‌ی بازیگری‌شون با سر دادن شعارها و پیام‌های احساسی برای جلب هوادار استفاده کرده باشند؟ اگر زیاد دقت کنیم و عاقلانه به ابعاد این شعارها و عملکرد متفاوت خود آیدول‌ها با این شعارها و پیام‌ها نگاه کنیم، کاملاً متوجه نقش بازی کردن آیدول‌ها می‌شویم و متأسفانه من خیلی دیر متوجه شدم و از شما به خاطر ایجاد این تغییر در من ممنونم.

- خواهش می‌کنم، پس چرا با دیدن این همه تناقض باز هواداران بی‌شمارند؟ یکی به خاطر این که اکثر هواداران کم سن و سال نوجوان هستند و هیجانی و احساسی برخورد می‌کنند، دوم این که آیدول‌ها خیلی حرفه‌ای آموزش دیده‌اند و می‌دانند رگ خواب هواداران چی هست.

- مسعود به نظرت وقت این نشده که نوجوانان کشورمان رو نسبت به ابعاد هواداری از بی‌تی‌اس آگاه کنیم؟ دقیقاً باید زودتر اقدام بشه و نوجوانان از نقشه‌های کمپانی و سیاست‌های پشت پرده امریکا باخبر بشند، قبل از این که دیر بشه و خیل عظیمی از نوجوانان و جوانان کشورمان درگیر هواداری از بی‌تی‌اس بشند.

- به عنوان یه جوان که هوادار بی‌تی‌اس بودی و الان انصراف دادی، چه پیامی برای هواداران داری؟ پیامم اینه که دوستان هوادار بی‌تی‌اس خوب به شعارها و پیام‌های بی‌تی‌اس دقت کنید و بعد عملکرد آن‌ها رو بسنجید و ببینید خودشون به شعارها و پیام‌هاشون عمل می‌کنند یا نه. مثلاً می‌گن مخالف تبعیض هستند و از اصل برابری انسان‌ها صحبت می‌کنن، ولی خودشون چه قدر مجلل و مرفه زندگی می‌کنند و چه جشن تولدهای میلیاردری رو در سراسر جهان می‌گیرند. این کجاش برابری انسان‌ها هست. نوجوان ما با دیدن زندگی مرفه آیدول‌ها و جشن تولدهای میلیاردری آن‌ها جز حسرت خوردن، نتیجه دیگری نمی‌گیرند.



بعد یکی دیگه از پیام‌هاشون سفیران صلح در جهان هستند، این چه سفیرانیه که در زمان کرونا کشور ما تحریم بود، ولی تحریم دارویی که نبودیم، کشور کره جنوبی از دادن و رساندن دارو و واکسن به کشورمان خودداری کرد. هر کدام از ماها فامیل یا دوست و آشنایی در اثر کرونا از دست داده ایم. از گروهی که رئیس‌هاشون و رهبران‌شون دارو و کمک‌های بشردوستانه در ایام کرونا نسبت به هموطن‌هامون دریغ کرده اند، بهتره دیگه طرفداری نکنیم. کشور کره جنوبی در زیر سلطه آمریکا است و در تیم آمریکا علیه کشورمان، با ما قطع روابط تجاری کرده. مگر دشمنی با کشورمان از این آشکارتر داریم. من هم مثل بقیه هواداران تاچند دقیقه پیش طرفدار گروه بی‌تی‌اس بودم و همین الان از اشتباهم در هواداری از بی‌تی‌اس درآمدم و به علت ناآگاهییم از همه عذر می‌خوام. امیدوارم این مسأله برای من و دیگران تجربه‌ای باشه که دیگه اشتباه نکنیم و هیجانی تصمیم نگیریم.

– ممنون از این که وقت گذاشتی مسعود و برات آرزوی موفقیت دارم.
خواهش می‌کنم. ممنونم.

تأملی دوباره

مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

مسعود در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: هدف کمپانی کسب سود به هر طریق ممکن است، ایجاد هیجان برای شرکت هواداران گروه بی‌تی‌اس در نظرسنجی‌ها و تناقض شعار صلح طلبی بی‌تی‌اس با عملکرد خصمانه کره در مقابل ایران در برخی از مواقع، اشاره داشته است.

مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: موسیقی قابل توجه گروه بی‌تی‌اس، نقش مثبت آرامش‌بخش گروه بی‌تی‌اس در دوران کرونا، پررنگ کردن نقش کمک‌های خیرخواهانه ستاره‌ها به نیازمندان در تبلیغات گروه بی‌تی‌اس و تعمیق رابطه با هواداران، اشاره داشته است.

مسعود در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: جذابیت آهنگ‌های بی‌تی‌اس به خاطر نظم در خواندن و رقص گروهی آنان، سودجویی از سازوکارهای دفاعی در گروه بی‌تی‌اس (توجیه مسایل پیش آمده)، احساس مسوولیت هواداران برای تبلیغ در قبال گروه بی‌تی‌اس، نقش مؤثر رسانه‌ها و تبلیغات در فضای مجازی در موفقیت گروه بی‌تی‌اس، گزارش اثرهای مثبت آهنگ‌های بی‌تی‌اس برای عبور از مشکلات زندگی توسط هواداران، کمک‌های خیرخواهانه هواداران به تبعیت از ستاره‌ها به نیازمندان، ایجاد هیجان برای شرکت هواداران در نظرسنجی‌ها، به نوسان در آمدن هواداران بین منطق و هیجان‌های درونی خویش، تربیت هیجانی هواداران، الگوبرداری در آرایش و پوشش از گروه بی‌تی‌اس، الهام گرفتن از الگوهای گروه بی‌تی‌اس در

مسایل کاری، آموزش بازیگری حرفه‌ای ستاره‌ها توسط کمپانی و نقش بازی کردن ستاره‌ها، تحریک جنسی هواداران در برخورد با آرایش و نیمه برهنه بودن اعضای گروه بی‌تی‌اس، عقب افتادن کارها و درس‌های هواداران در جریان پرباری اطلاعات در فضای مجازی و عدم مدیریت بهینه زمان، برگزاری دوره‌های خانوادگی با گوش دادن به آهنگ‌های بی‌تی‌اس، ناراحتی هواداران از جایگزینی ستاره‌های جدید به جای ستاره‌های فعلی، تأثیر برندهای بی‌تی‌اس در خرید و فروش پوشاک جامعه، برگزاری جشن تولد برای ستاره‌ها توسط هواداران با هزینه خودشان، هواداری مخفیانه از گروه بی‌تی‌اس به خاطر ترس از خوردن برچسب هم‌جنس‌گرایی، یادگیری سماعی زبان کره‌ای و کم رنگ‌تر شدن هواداری در رده سنی ۲۵ سالگی به بعد، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه مسعود ۲۰ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، مسعود در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی - عقیدتی، اقتصادی - سیاسی، هنری، زیبانشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

مسعود در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: سودجویی از سازوکارهای دفاعی در حمایت از گروه بی‌تی‌اس (توجیه مسایل پیش‌آمده)، گزارش اثرهای مثبت آهنگ‌های بی‌تی‌اس برای عبور از مشکلات زندگی توسط هواداران، به نوسان در آمدن هواداران بین منطق و هیجان‌های درونی خویش، ناراحتی هواداران از جایگزینی ستاره‌های جدید به جای ستاره‌های فعلی، تربیت هیجانی هواداران، تحریک جنسی هواداران در برخورد با آرایش ستاره‌ها، افسردگی هواداران و نیمه برهنه بودن اعضای گروه بی‌تی‌اس، یاد کرده است.

مسعود در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: الگوبرداری‌های رفتاری از گروه پسران، احساس مسوولیت هواداران برای تبلیغ در قبال گروه بی‌تی‌اس، نقش مؤثر رسانه‌ها و تبلیغات در فضای مجازی در موفقیت گروه بی‌تی‌اس، اهدای کمک‌های خیرخواهانه هواداران به نیازمندان به تبعیت از ستاره‌ها، برگزاری جشن فستا، ایجاد هیجان برای شرکت هواداران در نظرسنجی‌ها، الهام گرفتن از الگوهای گروه بی‌تی‌اس در مسایل کاری، آموزش بازیگری حرفه‌ای ستاره‌ها توسط کمپانی و نقش بازی کردن ستاره‌ها، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: ضعف داخل به عنوان دلیلی برای استقبال از بی‌تی‌اس، سخن گفته است.

مسعود در توصیف «اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: عقب افتادن کارها و درس‌های هواداران در جریان پرباری اطلاعات در فضای مجازی و یادگیری سماعی زبان کره‌ای، سخن گفته است.

مسعود در توصیف «اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: هواداری مخفیانه از گروه بی‌تی‌اس به خاطر ترس از خوردن برچسب هم‌جنس‌گرایی، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: تأثیر برندهای بی‌تی‌اس در خرید و فروش پوشاک در جامعه، برگزاری جشن تولد برای ستاره‌ها توسط هواداران با هزینه خودشان، سخن گفته است.

مسعود در توصیف «اثرهای هنری هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: جذابیت هنری آهنگ‌های بی‌تی‌اس (نظم در خواندن و رقص گروهی آنان)، سخن گفته است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای زیبانشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: الگوبرداری در آرایش و پوشش از گروه بی‌تی‌اس، سخن گفته است.

مسعود در توصیف «اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: برگزاری دوره‌های خانوادگی با گوش دادن به آهنگ‌های بی‌تی‌اس، سخن گفته است.

از بیانات اخیر مسعود ۲۰ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با مهتاب، ۱۸ ساله

بیس فن‌دوم‌ها میان کشورها رو بر اساس ساعت‌هاشون طبقه‌بندی می‌کنند که چه زمانی بهتره که استریم زدن انجام بشه. در ضمن ربات تشخیص داده نشیم یا این طوری تشخیص داده نشه که عه همه مثلاً از فلان کشور دارند این ویدیو رو بازدید می‌کنن.

- سلام مهتاب؟

سلام.

- از این که قبول کردی باهم درباره کی‌پاپ و بی‌تی‌اس مصاحبه داشته باشیم، متشکرم. نه، منم خوشحالم که با شما همکاری داشته باشم.

- مهتاب شما چند سالته؟

من ۱۸ سالمه.

- شما چند وقته که کی‌پاپ رو دنبال می‌کنید؟

من از حدود ۱۶ یا ۱۷ سالگی کی‌پاپ رو دنبال می‌کنم و اولین بار که با همچنین پدیده‌ای مواجه شدم، توی دبیرستان بود که از یکی از دوستانم داشت یه آهنگی از بلک‌پینک گوش می‌کرد، پرسیدم که چی گوش می‌دی؟ گفت بیا گوش کن، این رو گوش می‌دم و من هم گوش دادم و خوشم اومد و بعد رفتم بیش‌تر از بلک‌پینک گوش دادم و بعد وقتی آدم توی اسپاتیفای یا یوتیوب مثلاً کی‌پاپ گوش می‌ده، براش ساجیشن^۱‌های (پیشنهاد) مختلف دیگه‌ای از همون ژانر رو میاره. بعد بی‌تی‌اس هم جزوشون بود و اسم بی‌تی‌اس رو هم من زیاد شنیده بودم، چون خیلی معروف ان و رفتم گوش دادم و کنسرت‌هاشون رو دیدم. بعد بیش‌ترین چیزی که من رو به خودش جذب کرد، همین کنسرت‌هاشون بود، چون که یه مدل دیگه هست، اگر نگاه کنید، یه شور و هیجان خاصی داره که توی کنسرت‌های مثلاً آمریکایی و اروپایی وجود نداره، حالا از هر ژانری که می‌خوان باشن. چه پاپ، چه راک چه هر چی. کنسرت‌های بی‌تی‌اس یه مدل رقص خاص با یه پرفورمنس (اجرا) خاصیه که وقتی شما چشمت عادت می‌کنه و گوشت عادت می‌کنه بهشون، دیگه سخته که کنسرت‌های گروه‌های دیگه، مثلاً آمریکایی‌ها رو بتونی پاشون بشینی. به هر حال چیزی که من رو به خودش جذب کرد، اول از همه پرفورمنس‌ها و کنسرت‌هاشون بود و این شوری که توی کنسرت‌هاشون وجود داره و چیز دومی که من رو به خودش جذب کرد، پیامی بود که با آهنگ‌هاشون می‌خواستند برسوند و می‌رسوند.



- چه پیام یا پیام‌هایی؟

اول این که اعضای بی‌تی‌اس خودشون معمولاً کار لیریک^۲ (محتوای آهنگ) نوشتن و آهنگ‌سازی رو انجام می‌دن. این باعث می‌شه که از تجربیات جوونی و نوجوونی خودشون بنویسن که خود این مسأله باعث می‌شه که نوجوان‌ها بتونن باهاش و با پیامی که آهنگ می‌خواد برسونه، ارتباط برقرار کنند. مثل شوگا^۳ که توی یکی از آهنگاش که اسمش د لست^۴ بود، از مشکلاتی که توی نوجوونی داشته می‌گه که ممکنه خیلی از نوجوونا با شنیدن اون تجربیات حس بهتری در مورد خودشون بگیرن. همین آهنگ یکی از آهنگ‌های مورد علاقه خود

1- suggestion

2- lyric

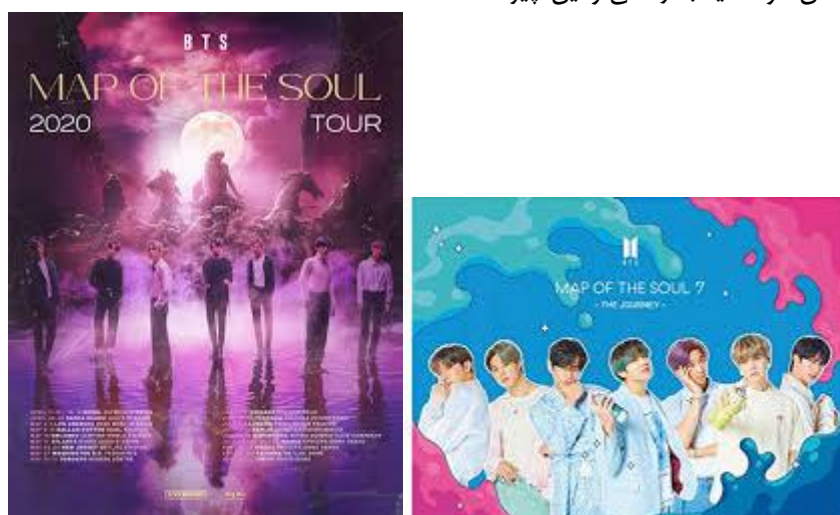
3- Suga

4- The last

منه. چون می‌دونید، یه حالت همذات‌پنداری آدم پیدا می‌کنه، چون مشکلاتی که بهش اشاره می‌شه، می‌تونه مشکلات تو هم باشه. حداقل برای من بود.



یه مورد دیگه‌ای هم که هست، اینه که بی‌تی‌اس سطح کاراش عمیق‌تر از بقیه‌ی گروه‌ها هست یا شاید بتونم بگم گسترده‌تره. اونا از فیلم‌ها و کتاب‌ها برای کاراشون الهام می‌گیرن و از نمادهای مختلفی استفاده می‌کنن. حتی نامجون^۱ و شوگا مطالعه‌ی روان‌شناسی و فلسفی دارن و از اون برای نوشتن متن آهنگ‌ها استفاده می‌کنن. مثلاً برای آلبوم مپ اف دِ سول^۲ (نقشه‌ی روح) از کتاب نقشه‌ی روح یونگ استفاده کردن. به خاطر همین می‌گم، پیامی که می‌رسونن، باعث می‌شه ما بشینیم و به مفهومی که اون آهنگ‌شون داره فکر کنیم که معمولاً این مفهوم در مورد دوست داشتن خود، امید به زندگی و این چیزها هست.



این‌ها مفاهیم مهمی هستند که به نظر من اتفاقاً توی جامعه امروز در جهان، چه توی غرب یا توی همین ایران، لازمه بهشون توجه بشه، چون که امید نداشتن یا خشم و تنفر چیزهایی هستند که در روزگار جدید، خیلی زیاد شدن و همین باعث بالا رفتن آمار جرم و جنایت و خشونت و بیماری‌های روانی می‌شه. در این مورد می‌شه به آهنگ لایف گووز آن^۳ (زندگی جریان دارد) اشاره کرد، پیام پشت این آهنگ اینه که زندگی هیچ وقت برای ما صبر نمی‌کنه و همیشه ادامه داره، حتی تو شرایط سخت، زندگی ادامه داره و ما باید حتی وقتی احساس ناامیدی و غم داریم، برای آینده تلاش کنیم.

1- Kim Namjoon
2- Map of the soul
3- Life goes on



پیام پشت آهنگ باتر^۱ (کره) هم اینه که تو شرایط سخت زندگی، مثل کره نرم و شکننده باشیم و در برابر مشکلات زود نشکنیم و کم نیاریم.



آلبوم لاو یورسلف^۲ (خودت را دوست داشته باش) هم که پیامش دوست داشتن خودمونه و این پیام اصلی گروه بی‌تی‌اس هم هست که همیشه و همه جا اون رو گفته. یعنی این که خودمون رو به همون شکلی که هستیم دوست داشته باشیم و به خاطر بقیه خود واقعی خودمون رو عوض نکنیم.



- جالبه. خیلی از این مفاهیم توی بسیاری از آهنگ‌های دیگه از خواننده‌های غربی و حتی ایرانی هم وجود داره. چرا کار گروه بی‌تی‌اس برای شما تأثیرگذار بوده و الگو شده؟

1- butter

2- Love yourself

خب به نظر من دلایل اینه که این گروه با تمام احساسش آهنگ‌ها رو می‌نویسه و حتی می‌شه این احساس رو از آهنگ‌ها دریافت کرد و خب من هنرمندهای دیگه‌ای هم می‌شناسم که غیر کره‌ای هستند و آهنگاشون خیلی خوبه و شاید واقعاً این قدر تأثیرگذار باشه، ولی قطعاً تأثیرگذاری آهنگ‌های بی‌تی‌اس زیاد بوده که این قدر طرفدار جذب کرده و خیلی‌ها بی‌تی‌اس رو الگوی خودشون می‌دونند.

- چه چیزی در بی‌تی‌اس هست که باعث شد شما هوادار این گروه بشید؟

راستش چیزی که درباره بی‌تی‌اس خیلی توجه من رو به خودش جلب کرد و باعث شد که من طرفدارشون بشم، یکی این که حس خیلی خوبی از آهنگشون می‌گیرم و بهم یه انرژی مثبت می‌دن و چیز دیگه هم یا در واقع برتری‌ای که این‌ها نسبت به گروه‌های دیگه کی‌پاپ دارند، اینه که اینا از صفر تا صد آهنگ‌هاشون و پرفورمنس‌هاشون همه مال خودشونه و به اصطلاح اصالت داره، به نظرم خیلی نکته مهمیه درباره‌ی گروه وقتی شما بدونی که متن یا رقص یا هر چیز دیگه‌ای از این گروه مال خودش نیست و اعضای این گروه اون رو خلق نکردن و از طرف کمپانی یا چیز دیگه‌ای بهشون داده می‌شه زیاد خوشش نمیداد. دیگه چه ارزشی داره؟ پس آدم باید بره طرفدار اون کمپانی بشه نه این گروه.

- آیا طرفدار گروه یا هنرمند غیر کره‌ای دیگه‌ای هم هستید؟

آره هستم، مگه می‌شه نبود؟ این قدر هم ذهنم فقط با بی‌تی‌اس پر نشده! هری استایلز^۱ مثلاً یا کیتی پری^۲ رو هم دنبال می‌کنم و آهنگ‌هایی دارن که من خوشم میاد ازشون، ولی قطعاً تو مدل طرفداری و اینا فرق هست و اون فرق هم به نظرم این هستش که طرفداری از آیدول‌ها یک طورهایی اساسی‌تر و سنگین‌تره.



بعد من نمی‌دونم چرا این طوریه، ولی مثلاً خودم چندین ساعت از خوابم ممکنه بزخم که تو اسپاتیفای یا یوتیوب ویوی^۳ (بازدید) این‌ها رو بالا ببرم یا مثلاً تو گروه‌های مختلف تلگرامی عضو باشم یا فن پیج‌های مختلف توی اینستاگرام رو فالو کنم، ولی برای اونا این طوری نیست. حمایت آن چنان سنگینی ازشون نمی‌کنم، بلکه از آهنگ‌هاشون لذت می‌برم فقط و بعضی وقتا بهشون گوش می‌دم و خوب هم هستند. ولی این که مثلاً اون طوری جمع بشیم با فن‌های دیگه و حمایت‌های این شکلی کنیم یا مثلاً حتی پیگیر اخبار لحظه به لحظه‌شون باشم نه، این شکلی نیست.

- چرا حمایت از گروه کی‌پاپ به نوعی بسیار شدیدتر از گروه‌های غیر کی‌پاپ هست؟ و مسأله استریم زدن آرمی‌ها بسیار پررنگ‌تر از فن‌های گروه‌های مثلاً غربی است؟

اتحاد طرفدار کی‌پاپ خیلی بیش‌تره، به خاطر این که نشان دهنده قدرت و اقتدار یک فن دومه. هر چه قدر که این استریم زدن بالاتر باشه هم نشان دهنده معروف‌تر بودن اون گروه کی‌پاپ و بعد قوی‌تر بودن اون فن‌دومه. این وسط برخی از فن‌ها هستند که تمام زندگی‌شون رو مثلاً می‌ذارن پای استریم کردن موزیک ویدیو. این باعث می‌شه که به جنبه‌های دیگه زندگی‌شون خیلی ضربه بخوره، مثل این که به خاطر استریم کردن شب‌ها بیدار می‌مونن، چون نوبت استریم کردن فلان آهنگ یا موزیک ویدیو شب‌ها هست یا این که درس نمی‌خوانند، چون که می‌خوان استوری بذارند و با فن‌دوم همراه باشن، به خاطر همین ممکنه زندگی درسی و اجتماعی‌شون ضربه بخوره.

- چرا معمولاً زمان این استریم زدن‌ها برای ایرانی‌ها به شب می‌افته، به خاطر تفاوت زمانی ما با کره هست؟

1- Harry Styles

2- Katy Perry

3- view

4- Fan page

نه حتماً شب‌ها نیست. ولی مثلاً به فندوم ممکنه تصمیم بگیره که همون شبش که میاد استریم بزنه و این وسط یک‌سری اکانت‌ها هستند، مثل اکانت توییتری که اینا فندوم رو هدایت می‌کند که باید چه کار کنیم که فلان آهنگ به فلان تعداد بازدید برسه. بعد بیس فندوم‌ها میان کشورها رو بر اساس ساعت‌هاشون طبقه‌بندی می‌کنند که چه زمانی بهتره که استریم زدن انجام بشه. در ضمن ریات تشخیص داده نشیمن یا این طوری تشخیص داده نشه که عه همه مثلاً از فلان کشور دارند این ویدیو رو بازدید می‌کنن.

- خوب در این زمان‌بندی به روز یا شب بودن اون کشور توجه نمی‌کنند؟
چرا، ولی ممکنه که یکی بیدار بمونه و شب استریم بذاره، چون دلش می‌خواد تا صبح مثلاً سریع حمایتش رو کرده باشه و تمام. مثل خود من.

- آیا این قضیه که حتماً به اون تعداد بازدید برسه فلان ویدیو و این‌ها برای فن‌ها مشکلی غیر از این هم ایجاد می‌کنه؟
آره، گاهی ممکنه که اضطراب پیش بیاد واقعاً برای فندوم به خاطر این که وقتی به اون هدفی که مشخص کرده اند و مثلاً گفته اند، ما باید تا فلان موقع به فلان اعداد بازدید برسیم، نرسند گروه به هم می‌ریزه و برای شخصی که مثلاً خیلی واسش این استریم کردن مهمه، باخت حساب می‌شه و از لحاظ روانی ضربه می‌خوره.

- آیا شده از گروه‌های دیگه کی‌پاپ کره‌ای خوشتون بیاد، ولی به خاطر این که طرفدار بی‌تی‌اس هستید، دنبال شون نکنید یا از شون حمایت نکنید با این که کیفیت آهنگ‌هاشون خوبه؟

راستش آره شده. حالا این نظر من‌ها و خیلی‌ها این نظر رو ندارند. من خودم کلی دوست آرمی دارم و می‌شناسم که اینا گروه‌های دیگه رو هم توی کی‌پاپ دنبال می‌کنند، ولی من می‌گم به نظرم درست نیست که وقتی من طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستم، از گروه دیگه‌ای توی این ژانر (گونه) حمایت کنم. می‌شه گفت احساس خیانت بهم دست می‌ده. چون صنعت موسیقی یک جورهایی رقابتیه دیگه. اگر من مثلاً از یه گروه دیگه حمایت کنم، خب اونا میان بالا. ولی حالا این طوری هم نیست که اصلاً گوش ندم و تنها چیزی که بهش گوش بدم، بی‌تی‌اس باشه. ولی حمایت شون نمی‌کنم دیگه، با این که به قول شما می‌تونه آهنگ‌هاشون خیلی هم خوب باشه.

- من شنیده‌ام که یک‌سری از طرفداران هستند که روی گروه یا یک عضو خاص تعصب زیادی دارند و گاهی بین طرفداران یک گروه هم حتی دعوا می‌شه. درستشه؟

(می‌خندد) آره خب، اینا پیش میاد.

- طرفدارهای متعصب بی‌تی‌اس چه فعالیت‌هایی برای حمایت از شون انجام می‌دن؟

وقتی بهش فکر کنی، در نگاه اول چندان فرقی آن چنانی‌ای با طرفدارای غیرمتعصب ندارند. اونا هم به موقع استریم^۱ می‌کنن، توییت^۲ می‌زنن و توی رأی‌گیری‌ها شرکت می‌کنن. ولی جای دیگه‌ای هم فعال هستن. کافیه تا یه نظر منفی ببینن و اون موقع هست که شروع می‌کنن تا به هر روش ممکن، بقیه رو متقاعد کنن که اون نظر درست نیست و این بیش‌تر با فحاشی و توهین همراهه. حتی ممکنه به یه انتقاد درست بر بخورند، ولی باز هم چون به نظرشون آیدول و گروهی که دنبال می‌کنن، بی‌نقصه، نمی‌تونن قبول کنن. به نظرشون این هم برخورد‌های پرخاشگرانه هم یه جور حمایت از آیدوله. مهم هم نیست اون انتقاد از طرف کیه، چه هم فندومی باشه، چه از یه فندوم دیگه و حتی از یه لوکال^۳ اونا به هر صورت باید اون نظر و انتقاد رو بی‌ارزش نشون بدن.

مورد بعدی هم که در همین رابطه باید توضیح بدم یه کلمه‌ای هست توی کی‌پاپ به اسم بایس^۴. یعنی کسی که توی یه گروه کی‌پاپ، بیش‌تر از همه تو دوستش داری. گاهی یه فن ممکنه به قدری روی یکی از اعضای گروه تعصب داشته باشه که به همین دلیل بقیه اعضای گروه رو نادیده بگیره و فقط وقتی پای بایس خودش درمیونه، شروع به حمایت کردن بکنه. حتی با کسانی که بایس‌شون باهاش یکیه، دعوا کنه. چون به نظرش اون عضو گروه فقط برای خودشه.

- هوادارها داستان نویسی یا فن‌فیک هم دارند؟

بله.

- فن‌فیک‌های گروه بی‌تی‌اس بیش‌تر درباره چه موضوعاتی هستند؟

1- stream

2- twit

3- Local

4- Bias

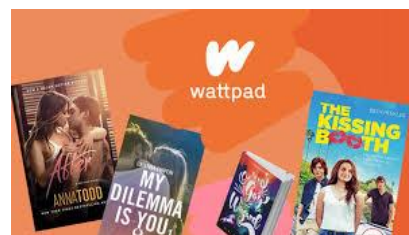
من فن‌فیک‌های گروه بی‌تی‌اس رو خیلی دنبال می‌کنم و می‌خونم‌شون. و خب برام جالب اند. محتویات‌شون هم طبیعتاً بیش‌تر درباره ارتباط اعضای خود گروهه. وقتی در مورد فن‌فیک بی‌تی‌اس حرف می‌زنیم، موضوعش ارتباط خود گروهه. بهش می‌گن شپ^۱ کردن. هر شپیی هم یه اسم خاصی هم داره. مثلاً فن‌فیک‌های جیمین^۲ و تهیونگ^۳ اسم‌شون ویمینه و خوب گاهی لذت بخشه روابط این‌ها رو باهم ببینی و تصور کنی چه طور می‌شه.



البته همه آرمی‌ها این کار رو نمی‌کنند و به نظر بعضی‌هاشون این کار درست نیست یا آسیب‌رسانه، اما به نظر من ایرادی نداره و می‌تونه به خلاقیت آدم هم کمک کنه، مثلاً من خودم گاهی فن‌فیک می‌نویسم. اما هنوز هیچ‌جا منتشرشون نکردم. البته یه نکته که باید تأکید کنم، اینه که گاهی فن‌فیک‌ها درباره روابط جنسی هستند. اما فن‌فیک‌ها می‌تونند خیلی چیزهای عادی و روابط روزانه افراد باشند. خلاصه هر چیزی که از خلاقیت فن‌ها بیاد و برای باقی‌شون جالب باشه، همه‌شون فن‌فیک حساب می‌شن.

– از کجا فن‌فیک‌های دیگران رو می‌خونید؟

یه سایتی هست به نام آ او تیری، ولی کانال‌های تلگرامی هم هستند و یه اپلیکیشن هم هست به نام واتپد. یک زمانی توی اینستاگرام هم می‌داشتن و وبلاگ هم بود. ولی من خودم بیش‌تر همون آ او تیری رو دنبال می‌کنم.



– تاحالا از پوشش و آرایش بی‌تی‌اس الگوبرداری کردی؟

به نظرم الگوبرداری زیاد کردم. مثلاً مدل مدل موهام رو تغییر دادم. قبل از آشنا شدن با بی‌تی‌اس این شکلی که الان هست نبود، بلکه بیش‌تر فر و بلند بود و بعد الان کوتاه کردم و گاهی رنگ هم می‌کنم. بیش‌تر فانتزی. پس می‌شه گفت آره. چیز بدی هم نیست. به نظر

1- ship

2- Jimin

3- Tae-hyung

خودم این تغییر در جهت مثبت بوده و می‌شه گفت، بی‌تی‌اس به من کمک کرد که بیش‌تر به ظاهر خودم برسیم یا مثلاً توی الگوی لباس پوشیدن به مدت خیلی استایل‌شون رو تقلید می‌کردم.



- نظرت در آرایش کردن پسرها چیه، آیا این کار که در فرهنگ ایران یک تابو بوده، به خاطر بی‌تی‌اس کم رنگ شده؟ خوب تو کره اگر بدونید آرایش پسران خیلی معمولی و اوکیه. منم تو قبل از این که با بی‌تی‌اس آشنا بشم، به خاطر خانواده مذهبی که توش بزرگ شدم، زیاد دید مثبتی به این قضیه نداشتم، اما الان که نگاه می‌کنم، می‌بینم چه ایرادی داره، اگر یه پسر آرایش کنه؟ هیچی. این مرزهای جنسیتی که برای ما تعریف کردند، خوب نیستند. آدم باید بتونه آزادانه خودش رو بروز بده و اگر یه پسر دلش می‌خواد آرایش کنه یا لاک بزنه، نباید جلوش گرفته بشه، همان طور که اگر یک دختری بخواد پیراهن مردونه بپوشه یا کت شلوار رسمی مردونه بپوشه، نباید بگیم نه، این کار رو نکن، چون مثلاً این کار زشته یا چرته. به نظرم این مرزها که ما تعیین می‌کنیم، بیش‌تر آسیب‌زا اند تا این که مفید باشند و قراره بی‌تی‌اس به این قضیه کمک کنه که هم پسرها و هم دخترها، می‌تونن راحت‌تر خودشون رو بروز بدن و با خودشون راحت باشن، چون یه شعاری هم که این‌ها دارند و مفهومی که توی خیلی از آهنگ‌هاشون بهش اشاره می‌کنند، مفهوم لاو یورسلف هست. البته به جز این هم کلی حمایت‌هایی که بی‌تی‌اس انجام داده از اقلیت‌ها و کلاً تأکیدی که روی دید مثبت فرد به خودش و پذیرش خود داره رو کم‌تر گروهی داره. از این جهت خیلی قویه بی‌تی‌اس.

- آیا به خاطر دیدن جذابیت ظاهری ستاره‌ها، خودتون کاری رو انجام دادید که مثل اون‌ها جذاب باشید؟ آه... فکر نمی‌کنم این طوری بوده باشم که بگم وای مثلاً تهیونگ چه خوشگله، پس منم برم دماغم رو عمل کنم. از طرفی به نظرم درست نیست، اگر بگم که هیچ کاری نکردم و تأثیری ازشون در این زمینه نپذیرفتم. پس می‌تونم بگم چندان خودآگاه نبوده. مثلاً من یه تتو می‌خواستم بزنم چند ماه پیش که تهش هم زدم، ولی خانواده رو در جریان نگذاشتم، چون خب خودتون می‌دونید دیگه که خانواده‌های ایرانی چه طوری اند. بعد در نهایت مادرم فهمید و جنجال به پا کرد. هر کار مخالف عقیده خانواده هم من بکنم، به نظرشون به خاطر تأثیر بی‌تی‌اسه. همین قضیه تتو رو هم مادرم به خاطر تأثیر پذیریم از بی‌تی‌اس می‌دونست. یک طوریه انگار شما اگر طرفدار بی‌تی‌اس باشی، بیش‌تر زیر ذره بین هستی چه توی جامعه و چه توی خانواده خودت. یه دید بدی هم وجود داره بعضاً و مامان من هم اوج این قضیه است و مثلاً این طوریه که دخترمون از دست رفت! البته مامان من استثناء هسته، تو مصاحبه خودتون ننویسید، همه خانواده‌های فن‌ها این طوری اند! اتفاقاً من آدم زیاد می‌شناسم که خانواده‌اش خیلی با آرمی بودنش اوکیه.

- آیا به نظرتون ستاره‌ها محدودیت دارند و تحت دستور مستقیم کمپانی اند؟ خوب این قضیه که کمپانی‌ها افراد خیلی کم سن و سال رو جذب می‌کنند و از سن کودکی بهشون آموزش می‌دن و توی خوابگاه‌های مخصوص زندگی می‌کنند، در کی‌پاپ مرسومه و بی‌تی‌اس هم به نظرم این مدلیه و تحت تأثیر کمپانی عمل می‌کنه.

- چه قدر از آنچه که از یک آیدول نمایش داده می‌شه، هویت واقعی خودشه؟

راستش به نظرم در کل اگر بخواییم بگیم، توی صنعت کی‌پاپ این مدلیه که یه آیدول باید هویت و زندگی‌ش رو پشت در کمپانی بذاره و بیاد تو این صنعت. اتفاقی که می‌افته اینه که یک وقت‌هایی یک آیدول شاید بخواد کارهایی بکنه که به صلاح منافع کمپانی نباشه. در این حالت طبیعیه که کمپانی بهش بگه نه، این کار رو حق نداری بکنی دیگه. ولی به نظرم اغراقه اگر بگیم این‌ها هیچ کارشون از خودشون

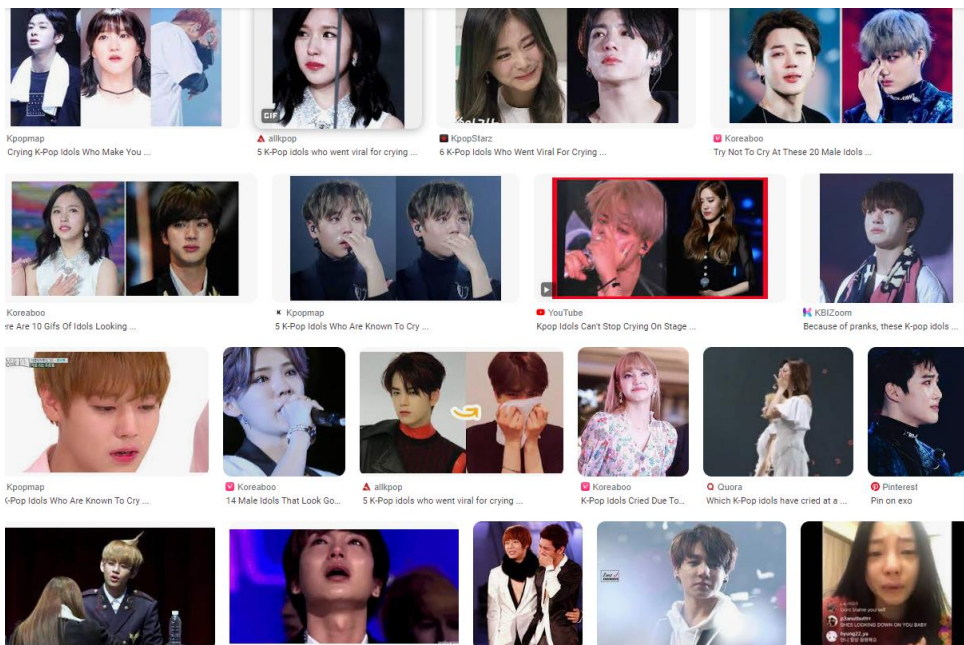
نیست. مثلاً یک فن سرویس‌هایی وجود دارد که یعنی مثلاً آیدول‌ها یک‌سری حرکات کیوت انجام می‌دن برای فن‌ها یا عکس می‌گیرند و این‌ها. خب من فکر می‌کنم یه بخشی از اینا باید از طرف کمپانی بهشون گفته شده باشه که انجام بدن. در کل این مسأله هست که یه کم باید بازیگری کرد جلوی دوربین‌ها و فن‌ها. این مسأله برای همه سلبریتی‌ها هم وجود دارد.

– آیا تاحالا شده که یک آیدول به خاطر فشار روانی کارش و وضعیتش، خودکشی کنه؟

متأسفانه آره. چند نفری رو من می‌شناسم که این اتفاق براشون افتاده و خودشون رو کشته اند. مثلاً جونگ هیون^۲ بود که سال ۲۰۱۷ خودش رو کشت به جز جونگ هیون، سولی^۳ هم بود که سال ۲۰۱۹ خودکشی کرد. و بعد چند ماه بعد از خودکشیش دوستش هارا^۴ که اونم آیدول بود خودکشی کرد. و... همینا تو ذهنم هست. آدمای دیگه‌ای هم بودند که خودکشی کردند، ولی این سه‌تا خیلی بولد بود خودکشی‌شون و معروف‌هاشون به نظرم همینا هست.

– آیا بین ستاره‌ها هم افسردگی رایجه؟

شاید هم باشه، خدا می‌دونه، ولی خبر رسمی‌ای ازش نیست، ولی در کل بین آیدول‌ها اگر می‌پرسی، آره زیاد بوده به نظرم. هر چند الان کسی تو ذهنم نیست که بگم فلانی به افسردگی معروف بود (می‌خندد). افسردگی رو فکر نکنم اصلاً بذارند که نشون بدن. فقط وقتی دیگه طرف خودکشی می‌کنه، صداش درمیاد.



1- Fan service

۱ – خواننده، ترانه‌سرا، تهیه‌کننده موسیقی، مجری رادیو و نویسنده اهل کره جنوبی بود که زیر نظر اس‌ام انترتینمنت فعالیت داشت. او به مدت نه سال، خواننده اصلی گروه پسرانه کره‌ای شاینی بود و به همراه این گروه، دوازده آلبوم کره‌ای و ژاپنی‌زبان را منتشر کرد. او همچنین با گروه پروژه‌ای اس‌ام انترتینمنت، اس‌ام د بالاد همکاری و دو آلبوم چندآهنگه را منتشر کرد. وی در سن ۲۷ سالگی توسط استنشاق گازهای سمی خودکشی کرد. مرگ جونگ هیون بحث در مورد ماهیت خشن و رقابتی تجارت سرگرمی در کره جنوبی و همچنین سلامت روان را آغاز کرد.

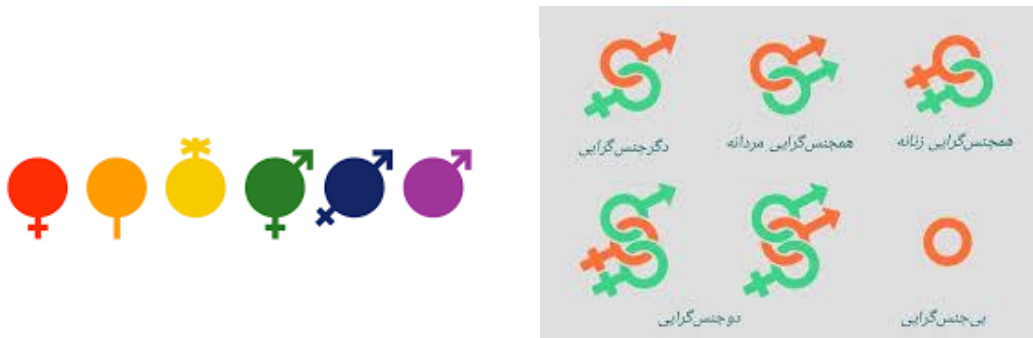
۲ – خواننده، ترانه‌سرا، هنرپیشه، و مدل اهل کره جنوبی بود. وی در آغاز به عنوان یک بازیگر کودک با بازی در سریال درام افسانه سوندانگ شناخته شد. در سال ۲۰۰۹ سولی به عنوان عضو گروه دخترانه اف (اکس) وارد دنیای موسیقی شد. او در سال ۲۰۱۵ این گروه را ترک کرد تا به کار بازیگری بپردازد. پس از یک وقفه سه ساله، سولی کار موسیقی خود را با همکاری با دین در تک‌آهنگ «یک‌روزه» در سال ۲۰۱۸ از سر گرفت. او فعالیت انفرادی خود در صنعت موسیقی را در ژوئن ۲۰۱۹ و با تک‌آهنگ «دیو» آغاز کرد. پیکر او در ۱۴ اکتبر سال ۲۰۱۹ در خانه‌اش پیدا شد. دلیل مرگ او خودکشی اعلام شد.

۳ – هنرپیشه، خواننده، مدل و رقص در کره جنوبی بود. او به دلیل بازی در نقش «چوی دا هی» در مجموعه تلویزیونی شکارچی شهر شناخته شد. او عضو گروه کارا بود. هارا یک ماه بعد از خودکشی دوستش سولی، دست به خودکشی زد.

- آیا کمپانی‌ها و صنعت کی‌پاپ به صورت کلی بسیاری از اطلاعات شخصی زندگی آیدول رو به نمایش عموم می‌گذارند؟ نه، نمی‌دارن. برعکس تلاش می‌کنن که کم‌ترین مقدار از اطلاعات خصوصی آیدول به بیرون درز پیدا کنه. چون هم برای خود آیدول و هم برای خانواده و کسانی که می‌شناسه، ممکنه دردسر درست بشه. حتی گاهی آیدول‌هایی که ازدواج می‌کنن یا قرار می‌دارن، اگه همسر یا پارتنرشون غیرسلبیتی باشه، تمام تلاش‌شون رو می‌کنن تا هیچ عکس و اسمی ازش پیدا نشه. چون گاهی طرفدارای دیوونه‌ای هستن که به این افراد حمله می‌کنن. به خصوص اگه اکانت فضای مجازی اون شخص رو پیدا کنن. این طوری منجر می‌شه به فرستادن فحش، توهین و در بدترین حالت ممکن تهدید به مرگ. حتی ممکنه آدرس و شماره هم ازشون پیدا کنن و سراغ‌شون برن، البته این تقریباً درصدش صفره، ولی خب ممکنه اتفاق بیفته. به همین دلیل کمپانی‌ها معمولاً وقتی شایعه‌ای از زندگی خصوصی آیدول پخش بشه، معمولاً سریع تکذیب می‌کنن یا حتی اگه واقعی باشه، گاهی ممکنه که به اخراج آیدول از کمپانی هم ختم بشه. ولی خب خبرگزاری‌هایی مثل دیسپیچ و آل‌کی‌پاپ هستن که با دنبال کردن مداوم آیدول و به دست آوردن اطلاعات کم‌یاب، این شایعه‌ها رو تأیید می‌کنن و یا باعث درست شدن شایعه‌ی جدید می‌شن. مثلاً خبرگزاری دیسپیچ هر سال نوی میلادی، یه کاپل از بین آیدول‌ها و بازیگرها رو اعلام می‌کنه. در مورد آیدول‌های معروف‌تر و کمپانی‌های پولدارتر، به خاطر حفظ آبروی آیدول و از دست ندادن طرفدارا، ممکنه که به این خبرگزاری‌ها پول بدن یا همون باج بدن که هیچ اطلاعاتی از آیدول منتشر نکنن.



- آیا حمایت بی‌تی‌اس از اقلیت‌های جنسیتی تأثیری توی دیدگاه شما نسبت بهشون داشته؟ من توی یه خانواده‌ای بزرگ شدم که خیلی مذهبی بودند و من از بچگی با این فکر بزرگ شدم که این کارا گناهه و خوب نیست و بعدش آدم‌ها رو می‌اندازن تو جهنم به خاطرش و به خاطر همین دید مثبتی بهش نداشتم و بعد که یه کم بزرگ شدم و خودم بیشتر خوندم و درباره‌اش فکر کردم، به این نتیجه رسیدم که هیچ ایرادی نداره، دو نفر که مثل هم جنس هستن به هم علاقه داشته باشن یا ایرادی ندارد، اگر یک نفر به هر دو جنس گرایش داشته باشه تا وقتی که هر دو طرف تو یک رابطه راضی اند و کسی به کسی زور نگفته. بعد بی‌تی‌اس هم حمایت‌های زیادی از گروه‌های اقلیت‌های جنسی کرده که به نظرم کار درستییه، چون تابو دانستن این نوع روابط هنوز هم تو خیلی از کشورها وجود داره، مثلاً تو همین کشور خودمون، اگر دو نفر هم‌جنس‌گرا باشن یا اعدام می‌شن یا فکر کنم شلاق می‌خورن و بی‌تی‌اس کاری که کرده اینه که آگاه‌سازی زیادی تو این زمینه انجام داده، ولی اگر سوال شما اینه که من به خاطر بی‌تی‌اس از حقوق اقلیت‌های جنسی دفاع می‌کنم، جوابش اینه که نه، ولی این کار بی‌تی‌اس رو مفید می‌دونم.



- چه قدر از فعالیت‌های روزانه و هفتگی شما به بی‌تی‌اس و کی‌پاپ مربوط می‌شه؟ راستش به نظرم من بخش خوبی از تایمم رو بهش اختصاص می‌دم، مثلاً ما یه گروه داریم با چند نفر از دوستانمون که اونا هم آرمی هستند تو تلگرام و اونجا آهنگ‌های جدید رو برای هم می‌فرستیم یا عکس یا ویدیو جدید اگر دیدیم و گاهی هم ترجمه می‌کنیم و در اختیار برخی کانال‌های فن‌دوم قرار می‌دیم که بتونن پخش کنن و مردم بتونن ویدیوهای این‌ها رو ببینند.

- آیا بی‌تی‌اس در زمینه سیاست هم فعال هست؟

نه، فعال نیست. هر چند دولت مزخرف کره سعیش رو می‌کنه که این کار رو کنه تا بتونه از شون پول دربیاره. بی‌تی‌اس برای کشورش یه افتخار بزرگ محسوب می‌شه. اونا از رئیس‌جمهورشون مدال افتخار گرفتن و چهره‌ی کشورشون حساب می‌شن. اگه در همین حد بود، مشکلی نداشت، اما مثلاً دولت‌شون یه بار از بی‌تی‌اس خواست که برای یه مراسم، دقیق یادم نمیاد چه مراسمی یه کنسرت انجام بدن که برای وجه کشورشون خوب بود. اما دولت پولی بابتش پرداخت نکرد بهشون. حتی برای آماده شدن کنسرت هم خود کمپانی پول رو پرداخت کرد یا برای سربازی رفتن‌شون، یکی، دو سالی فن‌ها رو اذیت کردن، چون که مدام می‌گفتن که به خاطر خدمات‌شون به کشور ممکنه معاف بشن که در آخر نشدن.

- چرا؟

خیلی فن‌ها خودشون رو نابود کردند که این‌ها بتونند معافیت از سربازی بگیرند و به نظرم خود دولت کره هم اتفاقاً می‌خواست بهشون معافیت از سربازی بده، ولی مسأله اینه که اگر به این‌ها می‌داد به ۷۰۰ تا گروه و آیدول دیگه هم باید می‌داد. اگر به این‌ها می‌داد، دل ما هزاران نفر رو شاد می‌کرد، ولی هزاران نفر دیگه رو خشمگین می‌کرد و معلوم نبود اونا چه کار بکنند. منظور فن‌های آیدول‌های دیگه هست. چون اگر بی‌تی‌اس معافیت بگیره و مثلاً یه گروه دیگه نگیره، اون وقت این سوال پیش میاد که چرا این کار رو برای اونا کردی و برای آیدول ما نکردی دولت؟ می‌خوای بگی اونا بهتر اند؟ و همین می‌شه که لابد میان تو خیابون‌ها و می‌زنند شیشه‌ها رو می‌شکوند یا از این کارها. حالا نه همه‌شون، ولی بالاخره هر آیدولی یک‌سری فن‌های کله خر هم داره.

- حالا که به این مسأله طرفدارهای سرسخت اشاره کردید، می‌خواستم درباره ساسنگ فن‌ها^۱ ازتون بپرسم. چه کسی یک ساسنگ فن حساب می‌شه؟

ساسنگ به کره‌ای یعنی زندگی شخصی و ساسنگ فن یعنی فن زندگی شخصی. این‌ها فن‌هایی هستند که مثلاً همه زندگی و پول و انرژی‌اش رو می‌ذاره تا اطلاعات شخصی یا محرمانه بی‌تی‌اس رو دربیاره. مثلاً کلی وقت می‌ذاره و پول خرج می‌کنه که شماره صندلی یکی از اعضای بی‌تی‌اس توی یه هواپیما که فلان روز داره از فلان جا می‌ره به فلان جا رو پیدا کنه که بتونه یه صندلی بغلش بخره و طی زمان پرواز باهاش حرف بزنه. چون اینا دیوونه هم هستند و فکر می‌کنند که اگر برن و با آیدول‌شون صحبت کنند، اون عاشق‌شون می‌شه و میاد با اینا ازدواج می‌کنه و می‌رن باهم زندگی می‌کنند و بچه‌دار می‌شن. تا این حد و بعد این‌ها اطلاعات هم می‌فروشنند و از این راه درآمد کسب می‌کنند.

- جداً اطلاعات می‌فروشنند و فن‌ها هم ازشون می‌خرند؟

آره خب، یک عده هم هستند که بخرند. مثلاً می‌خوان بفهمند، آیدول محبوب‌شون فلان روز از کجا رد می‌شه. همین چند وقت پیش بود که یه ساسنگ ایرانی برای تهیه‌ونگ توی فرودگاه مزاحمت ایجاد کرد و رفته بود اونجا و دوربیش رو کرده بود توی حلق تهیه‌ونگ و لباسش

¹- Sasaeng fans

رو می کشید و سریع هم البته رفت و سوار ماشینش کردند و بردنش، ولی این کارها واقعاً زشته چون اسم ایران بد در می‌ره توی سطح بین‌المللی. ما و کلاً همه آرمی‌های ایرانی گناه داریم واقعاً، چون با وجود این همه مشکلات فیلتر و این‌ها بازم می‌ریم استریم می‌زنیم و برای این که بتونیم استریم بزیم باید وی پی ان وصل کنیم و اون تعداد بازدید که ما زدیم می‌افته برای یه کشور دیگه.

- کمپانی هم دست روی دست می‌گذاره که ساسنگ‌ها این کارها رو بکنند؟

نه کمپانی هم کارایی می‌کنه که جلوی این ساسنگ‌ها رو بگیره. مثلاً یه کاری که می‌کنه، اینه که ساسنگ‌ها رو شناسایی می‌کنه و دیگه بهشون اجازه نمی‌ده بیان کنسرت. می‌ذارت شون توی لیست کنسلی‌ها. همین خانوم ایرانیه هم بعد از این کارش رفت توی همین لیست کنسلی‌ها و آبروی نداشته ایران رو برد یا مثلاً یه ساسنگ فن دیگه هم بود به نام لین یائو اگر اشتباه نکنم که این یک‌بار بدون شلوار توی فرودگاه دنبال این‌ها راه افتاده بود و باهاشون سعی می‌کرد حرف بزنه و کلاً طرف هم معروف شد، چون چندین بار همین طوری با انواع آرایش و این‌ها اومده بود اون جا که مثلاً تلاش کنه دل یکی از این‌ها رو ببره. واقعاً نمی‌دونم چه طور می‌تونند این کارها رو بکنند. وقتی بعدش بادیگاردها قراره بیان و هل شون بدن و خود آیدول‌ها هم از این قضیه ناراحت می‌شن. یکی هم بود یک‌بار که از روی این حفاظ‌های اونجا پرید و می‌خواست یکی شون رو به زور ببوسه. چه طور یه کسی می‌تونه این قدر احمق و خوار باشه؟ حال آرمی‌ها رو بد می‌کنه کارهای این ساسنگ‌ها واقعاً. من که دلم می‌خواد بزَنَم شون.



- به نظر شما چرا عده زیادی هیتر گروه بی‌تی‌اس هستند؟

هیترها به نظرم دو دسته‌ان. یک دسته که خودشون کی‌پاپرن و دسته‌ی دیگه لوکال‌ها (افراد عادی). دسته‌ی اول، این طوری هستن که فشار می‌خورن دیگه، چون بی‌تی‌اس گروه موفقیه و خب وقتی می‌بینن آیدول مورد علاقه‌شون نمی‌تونه رکوردهای زیاد و بی‌پایان بی‌تی‌اس رو بشکنه، شروع می‌کنن به چرت و پرت گفتن تا یه کم از این فشاری که می‌خورن رو کم کنن. مثلاً می‌گن که فن‌دوم بی‌تی‌اس دروغ‌گوعه یا چرا مثلاً فلان عضو بی‌تی‌اس، فلان جا، فلان کار رو کرد یا مثلاً فن‌دوم‌های مختلف باهم جمع می‌شن تا توی رأی‌گیری‌ها و توییت زدن و استریم، مثلاً برای گروه بلک‌پینک همکاری کنن. ولی حتی نمی‌تونن به گرد پای آرمیایی برسن که برای بی‌تی‌اس استریم و توییت می‌زنن. بعد دیگه... مثلاً میان زیر پستای اینستاگرام که در مورد خبر موفقیت بی‌تی‌اسه می‌گن که خب ما هم فلان جا، فلان رتبه رو آوردیم. بعد خب معلومه دعوا می‌شه دیگه‌هههه! این قضیه باعث شده که از اعضای گروه هم بدشون بیاد و گاهی شروع به توهین‌های زشت و تهدید به مرگ کنن. البته بعضی‌ها هم فقط از فن‌دوم خوش‌شون نمیاد و به اعضای گروه کاری ندارن. دسته‌ی دوم هم لوکال‌ها هستن. اینا به خاطر این که هیچی از کی‌پاپ نمی‌دونن، حرف‌های زیادی می‌زنن. فقط چون می‌بینن پسرا آرایش می‌کنن و می‌رقصن یا لباسایی می‌پوشن که برای جنسیت مشخصی درست نشده یا این که به ما می‌گن وطن فروش چون که طرفدار خواننده‌های مزخرف ایرانی نیستیم. حتی تلاش نمی‌کنن که برن آهنگاشون رو گوش کنن و بعد میان فقط توهین می‌کنن. نمی‌تونن بفهمن چیزی به اسم تفاوت فرهنگی و سلیقه‌های مختلف وجود داره.

- آیا با کسی به خاطر حمایت از بی‌تی‌اس به مشکلی برخوردی؟

زیاد پیش نیومده، ولی یادمه یکی دوبار بحث سنگینی شد سرشون. یکی از دوستانم هم که خیلی بی‌تی‌اس را مسخره می‌کرد باهاش دعواش شد و آره بعد از اون موقع دیگه باهاش صحبت نکردم، چون حاضر نبود، حتی به استدلال‌های طرف من گوش بده و کلاً حالت مسخره کردن داشت.

- آیا به نظر شما بی‌تی‌اس نقطه ضعفی هم داره؟

خب قطعاً هر گروهی و هر چیزی در این جهان نقطه ضعف‌هایی دارد، منم نمی‌گم بی‌تی‌اس گل بی‌عیبه. ولی وقتی به حجم موفقیت‌هاشون نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که شاید هیچ گروهی در کره به اندازه اینا موفق نبوده و برای کشورش درآمدزایی و موفقیت نداشته. من به نظرم این‌هایی که با بی‌تی‌اس سلیقه‌ای برخورد می‌کنند و می‌گن ما این آهنگ رو دوست داریم، ولی اون آهنگ رو دوست نداریم، طرفدار واقعی نیستند. به نظر من همه کارهای بی‌تی‌اس خوبه. هم آهنگ‌هاشون، هم اجراهاشون و هم موزیک ویدیوهاشون. وقتی ما قرار شده که آرمی باشیم و وقتی دوست‌شون داریم و داریم حمایت می‌کنیم، به نظر من کار درستی نیست که بشینیم ایراد بگیریم. بعد خب گفتیم که یک‌سری هستند که می‌گن ما آرمی ایم، ولی مثلاً می‌گن که بی‌تی‌اس آهنگ‌های قدیمیش بهتر بود یا مثلاً یکی از ایراداتی که وارد می‌کنند، اینه که بی‌تی‌اس توی همه مدل ژانری آهنگ داده و این خوب نیست، باید فقط به ژانر خودش بچسبه که به نظر من واقعاً حرف پرت و پلائی هست، چون هر جا رفتند و در هر رشته و ژانری که بی‌تی‌اس ورود کرده، توش عالی بوده. کسی نمی‌تونه بگه نه ضعیف بوده و بعد ادعای آرمی بودن هم بکنه.

- ممنون از وقتی که گذاشتید.

خواهش می‌کنم. امیدوارم مفید بوده باشه.

تأملی دوباره

مهتاب ۱۸ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

مهتاب در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: محتوای عمیق آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، از دست رفتن هویت فردی ستاره‌ها، مشکل سربازی ستاره‌ها و حضور افرادی که با یافتن بهانه‌هایی دنبال باج‌گیری از ستاره‌ها و کمپانی می‌افتند، اشاره داشته است.

مهتاب ۱۸ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: تهیه محتوای آهنگ‌ها توسط اعضای گروه، محتوای عمیق آهنگ‌ها، جذابیت اجرای گروه بی‌تی‌اس، الگوبرداری بسیاری از هواداران در پوشش و آرایش از بی‌تی‌اس، افسردگی برخی از ستاره‌ها، وجود طرفداران افراطی (ساسنگ فن‌ها) که گاه پرخطر ظاهر می‌شوند، اشاره داشته است.

مهتاب در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: پذیرش ارزش‌های گروه، تحقق تحول ارزشی در برخی از هواداران، الگوبرداری از ستاره‌ها در پوشش و آرایش، تحقق هویت جمعی در هواداران، تحقق هویت شبکه‌ای هواداران، برخوردهای هیجانی برخی از هواداران، تعصب یافتن نسبت به گروه بی‌تی‌اس، محدود و بسته شدن دید هواداران، داستان‌نویسی هواداران با محوریت گروه بی‌تی‌اس، رسیدن برخی از هواداران به اختلاف با خانواده‌شان، هویت‌یابی افراد بی‌هویت (ساسنگ فن‌ها) ذیل گروه‌های کی‌پاپ، وجود طرفداران افراطی (ساسنگ فن‌ها) که گاه پرخطر ظاهر می‌شوند، وجود موجی از نفرت پراکنی نسبت به بی‌تی‌اس، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه مهتاب ۱۸ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، مهتاب در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، اخلاقی - عقیدتی، اقتصادی - سیاسی، هنری و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

مهتاب در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: برخوردهای هیجانی برخی از هواداران، تعصب یافتن نسبت به گروه بی‌تی‌اس، محدود و بسته شدن دید هواداران، یاد کرده است.

مهتاب در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: الگوبرداری از ستاره‌ها در پوشش و آرایش، تحقق هویت جمعی در هواداران، تحقق هویت شبکه‌ای در هواداران، هویت‌یابی افراد بی‌هویت (ساسنگ فن‌ها) ذیل گروه‌های کی‌پاپ، وجود طرفداران افراطی (ساسنگ فن‌ها) که گاه پرخطر ظاهر می‌شوند، وجود موجی از نفرت پراکنی نسبت به بی‌تی‌اس، یاد کرده است.

مهتاب در توصیف «اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: پذیرش ارزش‌های گروه و تحقق تحول ارزشی در برخی از هواداران، یاد کرده است.

مهتاب در توصیف «اثرهای هنری هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: داستان‌نویسی هواداران با محوریت گروه بی‌تی‌اس و جذابیت اجرای گروه، سخن گفته است.

مهتاب در توصیف «اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: رسیدن برخی از هواداران به اختلاف با خانواده‌شان، سخن گفته است.

از بیانات اخیر مهتاب ۱۸ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با الناز، ۱۲ ساله

- یعنی تو به خاطر کنسرتی که معلوم نیست بتونی بری یا نه، داری زبان کره‌ای به این سختی رو یاد می‌گیری؟
آره.

تذکر پژوهشگر:

الناز در کلاس ششم دبستان مشغول به تحصیل بوده و دو سال است که در زمره هواداران بی‌تی‌اس درآمدی است. وی همچنین گروه‌های کی‌پاپ دیگر (مانند بلک‌پینک) را هم دنبال می‌کند. الناز صنعت کی‌دراما را نیز هم‌زمان پیگیری است. او همچنین پیج هواداری بی‌تی‌اس در اینستاگرام را دارد و در حال فراگیری زبان کره‌ای است.

- خوب الناز جان آماده‌ای که شروع کنیم؟

بله، من آماده‌ام.

- خوب من می‌خواستم بدونم چند وقته که صنعت موسیقی و سینمای کره جنوبی یعنی کی‌پاپ^۱ و کی‌دراما^۲ رو دنبال می‌کنی؟

اممم، تقریباً از اوایل سال ۲۰۲۱ که تقریباً می‌شه ۲ سال که من کی‌پاپ رو دنبال می‌کنم و از سال ۲۰۲۰ هست که کی‌دراما رو دنبال می‌کنم، یعنی با کی‌دراما زودتر آشنا شدم.

- خوب، با توجه به این که این‌ها رو دنبال می‌کنی و بهشون علاقه‌مند هستی، چه فعالیت‌هایی در زمینه مورد علاقه خودت انجام دادی؟

اعمع، خب با گوش دادن کامل آهنگ‌هاشون یعنی استریم^۳ زدن، استریم زدن باعث می‌شه که کمک زیادی به اون‌ها در آهنگ‌هاشون بکنه.

- خوب چه طوری استریم می‌زنین؟

خب در یوتیوب^۴ موزیک ویدیوهاشون رو کامل تا دقیقه آخر می‌بینم.

- خوب از کی‌دراما چه طور حمایت می‌کنی؟

خب می‌رم از سایت‌های معتبر فیلم‌هاشون رو آنلاین می‌بینم یا دانلودشون می‌کنم.

- خوب از اون جایی که کی‌پاپ رو دنبال می‌کنی، کدوم گروه از خواننده‌ها رو دنبال می‌کنی و بهشون علاقه داری؟

^۱ - K pop (Korean pop)

^۲ - K - drama (Korean drama)

^۳ - stream

^۴ - یوتیوب You tube برنامه‌ای محبوب برای فیلم دیدن و موسیقی شنیدن است.

من اول از همه که گروه بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کنم و فن‌شون هستم و حالا گروه‌های دیگه که کم‌تر از بی‌تی‌اس می‌شناسمشون، این یعنی این که اطلاعات کاملی در موردشون ندارم، مثلاً گروه بلک‌پینک^۱ هست، ایتزی^۲ و استری کیدز^۳، این‌هایی که گفتم رو دنبال می‌کنم آهنگ‌هاشون رو که برام جالب هست و البته موزیک ویدیوهاشون رو.



۵- بلک‌پینک Black pink یک گروه دخترانه کره‌ای متشکل از جیسو، جنی، رزی و لیسا تحت لیبل وای‌جی انترتینمنت است. گروه در اگوست ۲۰۱۶ با آلبوم خود، به نام اسکوتر وان که شامل آهنگ‌های Whistle و boombayah که نخستین ورودی‌های شماره یک آن‌ها به ترتیب در چارت دیجیتال گائون کره جنوبی و فروش ترانه دیجیتال جهانی بیلبورد بود، آغاز به کار کرد.

۶- ایتزی ITZY یک گروه دخترانه اهل کره جنوبی است که سال ۱۳۹۷ توسط جی‌وای‌پی انترتینمنت تشکیل شد و اعضای آن متشکل از یجی، لیا، ریوجین، چه‌ریونگ و یونا است.

۷- استری کیدز Stray kids یک گروه موسیقی پسرانه کره‌ای است که در سال ۲۰۱۸ تحت نظر کمپانی جی‌وای‌پی تشکیل شد و ۸ نفر عضو دارد.



- می‌شه بهم بگی که چه طوری به گروه بی‌تی‌اس علاقه‌مند شدی؟
خب این طوری شد که من اول یک موزیک‌ویدیو از شون توی تلویزیون دیدم، و اون موقع اصلاً نمی‌شناختم شون، فقط چندتا فیلم کره‌ای دیده بودم و اصلاً آشنایی با آهنگ‌هاشون نداشتم و همین باعث شد که برم در موردشون سرچ کنم و تحقیق کنم، اول اسم اعضا شون رو یاد گرفتم که هفت نفرن که اسماشون این هست، تهیونگ، نامجون، جونگ‌کوک، جیهوپ، جین، جیمین و شوگا، بعد دیگه کم‌کم آهنگ‌هاشون رو گوش کردم جذب شون شدم و دیگه کم‌کم به یک آرمی^۱ تبدیل شدم.



تهیونگ

^۱- به طرفدارهای بی‌تی‌اس آرمی گفته می‌شود.



نامجون



جونگ کوک



جی ہوپ



جین



جیمین



شوگا

- از چه طریقی به آهنگ‌هاشون گوش می‌دادی؟
- از یوتیوب، اسپاتیفای، شبکه‌های ماهواره‌ای و اینستاگرام.
- خوب وقتی از این مواردی که گفتی استفاده می‌کنی، واکنش خانواده‌ات نسبت به استفاده شما از این موارد چی هست؟
- براشون اهمیتی نداره که من چه کار دارم می‌کنم.
- یعنی اصلاً گوشیت رو چک نمی‌کنن؟
- نه، کاری به گوشیم ندارن.
- گفتی یه خواهر داری، اون چه طور، اون چیزی به خودت یا پدر و مادرات راجع به این موضوع نمی‌گه؟
- نه، اونم کاری نداره.
- دوستانت چه طور، اون‌ها هم مثل خودت هستن؟

خب بعضی‌هاشون اصلاً بی‌تی‌اس رو نمی‌شناسن و بعضیاشون عین خودم آرمی هستن.

- اون‌هایی که آرمی هستن رفتار پدر و مادرشون مثل پدر و مادر خودته؟

آره، مثل خود منه.

- تو چه ویژگی‌ای در اون‌ها دیدی که باعث شد جذبشون بشی، منظورم این که چه ویژگی در گروه بی‌تی‌اس بود که در موزیک

ایرانی ندیدی؟

خب از آهنگاشون خوشم می‌اومد، از اون مدل آهنگاشون و دنس (رقص) هاشون هم خوب بود و خوشم می‌اومد و موزیک ویدیوهاشون

هم باحال بود و مهم‌ترین چیز این بود که قیافه‌هاشون رو دوست داشتیم و البته صداهاشون هم قشنگ بود.



- خوب به جز استریم زدن که خودت گفتی چه فعالیت‌هایی در زمینه آرمی بودن انجام دادی؟

من به خاطر اون‌ها در حال یادگیری زبان کره‌ای هستم، و این که به خاطرشون فن پیج (صفحه هواداری) زدم.

- خوب از کی شروع به خواندن زبان کره‌ای کردی؟

از ۸ مهر ۱۴۰۱ که می‌شه یک ماه و نیم.

- خوب توی این یک ماه و نیم پیشرفتی داشتی و چیزی یاد گرفتی؟

آره، همه حروف الفبای کره‌ای رو یاد گرفتیم و الآن داریم جمله‌سازی رو یاد می‌گیریم.

- در کلاس تون کسی مثل تو هست که طرفدار بی‌تی‌اس باشه و به خاطر اون‌ها بخواد این زبان رو یاد بگیره؟

آره، همه‌ی بچه‌های کلاسمون طرفدار بی‌تی‌اس هستن و همه‌شون هم به خاطر اون‌ها می‌خوان که این زبان رو یاد بگیرند.

- در کلاس تون چند نفرید؟

با خودم ۴ نفر.

- خوب یعنی همه‌ی ۴ نفرتون آرمی هستین و به خاطر اون‌ها می‌رید کلاس زبان کره‌ای؟

بله، ولی اون‌ها به خاطر مهاجرت هم زبان کره‌ای رو می‌خونن.

- یعنی هم کلاسی‌هات می‌خوان برن کره؟

آره.

- خوب تو چی تو نمی‌خوای بری؟

چرا منم می‌خوام برم.

- زبان کره‌ی شمالی با کره‌ی جنوبی تفاوت داره؟

نه، ولی بعضی کلماتشون متفاوت هست.

- گفتی که فن پیج داری دنبال کننده‌هات چند نفر هستن؟

۱۵۰ نفر هستن.

- خوب برای این فن پیج روزی چند ساعت وقت می‌گذاری؟

نمی‌دونم فکر کنم روزی ۵ ساعت یا بیش‌تر.

- از کی فن پیچ زدی؟

خب از سال ۱۳۹۸ این پیچ رو دارم.

- از همون موقع فعالیت فن پیچی در راستای آرمی بودن رو شروع کردی؟

نه من حدوداً یک سال می‌شه که فن پیچم رو دارم.

- تا حالا شده که توی این فن پیچ کسی اذیتت کنه یا در مورد بی‌تی‌اس بد بگه؟
بله.

- می‌شه یه مثال بزنی که چه طوری بود و چی شد؟

یه روز یه پست چالش رقص با آهنگ بی‌تی‌اس گذاشتم، یه دختره اومد زیرش کامنت گذاشت که فکر می‌کنی خیلی قشنگ می‌رقصی.

- بعد تو چه کار کردی؟

منم گفتم که می‌تونم نگاه نکنی و بعد خواهرم بلاکش کرد.

- خواهرت جز فالوروات هست؟

بله.

- پدر و مادرت چه طور؟

بابام نه، ولی مادرم بله هست.

- دوست‌هات چه طور؟

هم کلاسی‌های مدرسه‌ام نه، ولی برای زبان کره‌ایم، بله.

خب اون موقع که دختره در پیجت این کامنت رو گذاشت، چه حس بهت داد؟

نفرت و عصبانیت و حس این که دوست داشتم خفه‌اش کنم، ولی ۲ روزه یادم رفت.

- با هم کلاسی مدرسه‌ات صمیمی‌تری یا هم کلاسی‌های کلاس زبان کره‌ای؟
کره‌ای.

- چرا؟

خب باحال‌تر ان، شوخ طبع‌تر ان، پایه‌تر ان.

- یعنی هم کلاسی‌ها مدرسه‌ات این طوری نیستن؟

نه عنق و گوشه‌گیرن و حال بهم زن هستن.

- یعنی الآن که کلاس زبان کره‌ای می‌ری، حس بهتری داری؟

آره.

- خوب نظرت راجع به آرمی‌ها و آرمی بودن چی هست؟

آرمی بودن حس خیلی خوبیه که از خواننده‌های محبوبت حمایت می‌کنی، اما یه سری از آرمی‌ها خیلی تعصبی هستن.

- می‌شه در مورد آرمی‌های متعصب هم توضیح بدی؟

خب اونا این طوری اند که می‌گن فقط گروهی که ما ازش طرفداری می‌کنیم خوبه و یا این که نباید روی بایس^۱ من کراش^۲ داشته باشی و البته خب خیلی با هیترها^۳ دعوا و بحث می‌کنن، ولی خب من این طوری نیستم، ولی تعداد این جور آرمی‌ها زیاد هست.



- می‌شه از این مورد که گفتی آرمی‌های متعصب این طوری هستن، مثال بزنی؟
- یکی از هم کلاس‌های من این طوری بود که وقتی می‌گفتی که بایس من تهیونگ هست، می‌پرید بهت می‌گفت که تهیونگ برای من هست و همین جوری باهات بحث می‌کرد.
- بعد واکنش تو چی بود وقتی این کار رو کرد؟
- اولش سکوت کردم و بعد گفتم که تو یه آرمی تعصبی و مزخرف هستی.
- و بعد این بحث تو چه حسی داشتی؟
- حس قدرت از این که حرفم رو بهش زدم.
- خوب فکر نمی‌کنی اون ناراحت شده باشه؟
- وقتی اون فکر نمی‌کنه که من ناراحت می‌شم، چرا من باید به اون فکر کنم.



- خوب بعد از اون بحث بازم باهم حرف زدید و دوست موندید؟
- خب بعداً باهم حرف زدیم راجع به همین بحث مزخرف.

^۱- بایس Bias به فرد مورد علاقه یک فن در یک گروه گفته می‌شود.

^۲- کراش Crush به علاقه داشتن به کسی در عین بی‌خبری وی گفته می‌شود.

^۳- متنفر Hater

- آهان بله ممنونم. حالا بایس به چه معنا هست؟
- یعنی این که به یکی از اعضای علاقه زیاد و کراش داشته باشی.
- حالا بایس خودت کدوم از اعضای هست؟
- تهیونگ هست ولی کم کم دارم او تی سون می‌شم.
- منظورت از اُ تی سون^۱ چی هست؟
- یعنی کراش و علاقه به همه اعضا.
- حالا به نظر تو گروه بی‌تی‌اس چه فرقی با سایر گروه‌هایی که خودت قبل‌تر نام بردی داره؟
- خب به خاطر این که آهنگ‌هاشون خاص‌تر هست و این که من نمی‌گم بد هستن و آهنگ‌هاشون خاص نیست، اونا هم آهنگ‌های خوبی دارن، ولی من بیش‌تر جذب آهنگ‌های بی‌تی‌اس شدم و بیش‌تر مایل به طرفدارشون بودن هستم.
- خوب می‌خواستم در مورد تهیونگ^۲ ازت بپرسم که فعالیت‌های هنری تهیونگ در کره به چه صورت هست؟
- خب اون هم توی کی‌پاپ فعالیت داره هم توی کی‌دراما.
- خوب نظرت راجع به این که تهیونگ در هر دو حوزه فعالیت می‌کنه چیه؟
- از نظر من سریالی که بازی کرده بود، فیلم باحالی بود و من ازش خوشم اومد، حتی این که نقش اصلی نبود، ولی خب بازی کرده بود.
- اسم سریالی که بازی کرده بود چی بود؟
- هوارانگ^۳.



- آیا همه‌ی اعضای در فیلم و سریالی بازی کردند؟
- نه، فقط تهیونگ هست که بازی کرده، اونم تا الان فقط در این سریالی که گفتم.
- الناز به نظرت چرا بی‌تی‌اس این همه طرفدار داره آیا فقط به خاطر موزیک و رقص و جنبه هنری قضیه هست؟ چون که خب خیلی از گروه‌های کی‌پاپ دیگه همین موارد رو دارن، اما مثل این‌ها محبوب و مشهور نیستن؟
- خب گروه بی‌تی‌اس اولین گروه کی‌پاپی بود که نامزد جشنواره گرمی^۴ شد و از چند جشنواره دیگه هم جایزه گرفتن و اونا یه سری از کارها رو اول انجام دادن، بعد گروه‌های دیگه‌ام انجام دادن. بعد از گروه بی‌تی‌اس.

¹ - O T seven

²- Tae-hyung

⁴- Grammy music awards

^۳- هوارانگ: جوانان جنگ‌جوی شاعر



بعد این که بی‌تی‌اس اولین گروهی بود که رفت سازمان ملل و کاخ سفید رفت و به نظرم این‌ها هم می‌تونه باعث بشه که طرفدار زیادی داشته باشن.



- خوب تو فکر می‌کنی به چه علت جذب بی‌تی‌اس شدی؟

خب من احساس خوبی بهشون داشتم و به ما آرمی‌ها خیلی کمک کردن.

- اون‌ها چه کمکی به آرمی‌ها کردن؟

این برای من پیش نیومده، ولی یه سری آرمی‌ها بودن که خانواده‌های سخت‌گیری داشتن و یا حال‌شون خیلی بد بود تاجایی که دست به خودکشی زده بودن و بی‌تی‌اس اومد و با اون نور بنفشش، انگار اومد دست ما رو گرفت و بلندمون کرد و به ما گفت که دووم بیار، تو آدم خیلی قوی‌ای هستی و این کمکی بود که بی‌تی‌اس به ما کرد.



- در جریان آرمی بودنت تاحالا شده که به خاطر فن بودنت، مجبور به جرّ و بحث و دعوا با کسی بشی؟

آره خب خیلی از آدم‌ها بودن که گفتن این چینی، مینیا، چیه می‌بینی، این چشم بادومیا رو، چرا داری این‌ها رو دنبال می‌کنی و این‌ها چی دارن که ایرانیا ندارن و منم مجبور شدم که باهاشون دعوا کنم و جرّ و بحث کنم باهاشون و خب اعصابم خیلی خورد شد.

- خوب می‌شه یه مثال از بحث‌هایی که تا الان داشتی، بگی؟

خب یکی از فامیلامون وقتی بهشون گفتم که از خواننده‌های کره‌ای خوشم میاد، از اون به بعد بهم می‌گه، کره‌ایه کثیف و هر وقت خواستم متقاعدش کنم که اونا خوب ان، مثل این می‌مونه که انگار دارم با دیوار صحبت می‌کنم.

- یعنی این جور موارد باعث می‌شن که اعصاب خورد بشه؟
آره همینه.

- دوست داری که با اون فامیلتون قطع ارتباط کنی؟
آره، ولی چون نزدیکه نمی‌شه.

- تاحالا با مامان یا بابت یا خواهرت از این جور بحث‌ها داشتی؟
با مامانم آره، ولی بقیه‌شون نه.

- می‌شه اون بحثی که با مامانت کردی رو تعریف کنی.

خب اون گفت این چینی، مینیا، چیه می‌بینی و سرت همه‌اش تو گوشیه، ۲ دقیقه گوشی رو بذار کنار، بیا به مامانت کمک کن.

- خوب مگه نگفتی خانواده در رابطه با گوشی‌ات، کاری به شما ندارن؟

خب این بحث برای خیلی وقت پیشه و اون موقع چون گوشی نداشتم و از گوشی مامانم استفاده می‌کردم، باهام کار داشتن.

- یعنی الان که گوشی داری، کاری با تو ندارن؟

مگه می‌شه کاری نداشته باشن، کلاً خانواده‌های ایرانی خیلی گیر می‌دن.

- در اعضای خانواده کسی هست که مثل خودت آرمی باشه؟

خواهرم رو دارم آرمی می‌کنم و الان اون یه نیوآرمی هستش.

- خوب چه طوری اون رو آرمی کردی؟

اون رو با دیدن فیلم‌ها و عکس‌های بی‌تی‌اس تبدیل به یک آرمی‌اش کردم.

- به جز خواهرت کس دیگه‌ای رو آرمی کردی؟

خب من قبلاً کلاس زبان انگلیسی می‌رفتم که یه دختره هم کلاسی‌ام بود که اون رو آرمی کردم.

- اون رو چه طور آرمی کردی؟

بهش در مورد بی‌تی‌اس گفتم، اون نمی‌شناختشون ولی وقتی من گفتم رفت و در موردشون سرچ کرد و آرمی شد.

- خوب در مورد بحث‌هایی که کردی به جز اون موضوع کلاً در مورد هر چیزی که بحث بشه، همین کار رو می‌کنی؟

آره، همون طوری مثل بحث‌های بی‌تی‌اس برخورد می‌کنم و حتی اگه خیلی عصبانی بشم، طرف رو می‌زنم.

- یعنی اگه مسأله و مشکلی پیش بیاد، همیشه همین طوری رفتار و برخورد می‌کنی؟

خب گاهی سعی می‌کنم آرام باشم و به نوعی مسأله رو حل کنم.

- به نظرت ارزشش رو داشت که به خاطر بی‌تی‌اس این کار رو کنی؟

آره به نظر من خیلی ارزشش رو داشت.

- اگه هنرمند دیگه‌ای توی فضای مجازی چه توی کشور خودشون چه جاهای دیگه بهشون حمله کنه، تو چه کاری انجام می‌دی در

اون موقعیت؟

اممم من تنها کاری که از دستم بر میاد این که برم و به اونایی این توهین کردن رو ریپورتشون کنم.

- خوب به نظرت اون شعار خودت رو دوست داشته باش به افزایش محبوبیتشون کمکی کرده؟

آره، دقیقاً یکی از دلایل‌اش هست و این که در همین مورد اومدن آهنگ لایو یورسلف رو ساختن، چون خیلی مشکل این که خودشون

رو دوست داشته باشن رو دارن و بی‌تی‌اس اومد و گفت از ما استفاده کنید تا خودتون رو دوست داشته باشید.



- نظرت راجع به کسانی که معروف یا سلبریتی اند، راجع به این که هیت^۱ می‌دن به بی‌تی‌اس چیه؟
خب اون‌ها حس بدی رو به من می‌دن.
- الناز تو توی صحبت‌های خودت گفتی که موزیک‌هاشون رو خیلی دوست داری، می‌خواستم ببینم چه چیزی از موزیک‌شون رو دوست داری؟
آهنگ‌سازیش رو چون که خودشون آهنگ‌سازی‌اش رو می‌کنن و اون متنی که خونده می‌شه که من ترجمه‌اش رو هم می‌خونم و اون خونده، وقتی باهم ترکیب می‌شن آهنگ خفن و باحالی می‌شه.
- آیا تو قبل از بی‌تی‌اس، علاقه‌ای به کی‌پاپ داشتی؟
نه اصلاً.
- خوب پس به چه چیزی علاقه داشتی؟
به خواننده‌های آمریکایی مثلاً آریانا گرنده، بیلی آیلیش و... .



- تو دوست داری که کنسرت بی‌تی‌اس بری؟
آره و به خاطر همین دارم کره‌ای می‌خونم.
- یعنی تو به خاطر کنسرتی که معلوم نیست بتونی بری یا نه، داری زبان کره‌ای به این سختی رو یاد می‌گیری؟
آره.
- یعنی تنها دلیلت همینه؟
نه، دلیل‌ام به خاطر خود کشور کره هم هست.
- یعنی چی خود کشور کره؟

^۱ - نفرت Hate

یعنی فرهنگ‌شون، غذاهاشون، طبیعت قشنگ‌شون.

- خوب این رو که کشورهای دیگه هم دارن چرا کره، چرا داری زبان کره‌ای می‌خونی؟
فرهنگ هر کشوری با کشور دیگه فرق می‌کنه و خب من از فرهنگ کره خیلی خوشم میاد.
- از چه چیز فرهنگ کره خوشت میاد؟

از این که مردهاشون ریش ندارن و اگر داشته باشن به معنای شلختگی هست و این که خوشامد گویی‌هاشون خیلی محترمانه هست و این که اون‌ها خیلی به همدیگه هدیه می‌دن و در این کشور اصلاً نژادپرست نیست و دینی ندارن و این که کشور امنی برای زنان هست و خوراک‌هاشون قیمت پایینی دارند و از نظر تکنولوژی خیلی پیشرفته‌اند.
- خوب یعنی فقط به خاطر همین موارد داری زبان به این سختی رو یاد می‌گیری؟
خب این زبان اصلاً سخت نیست و زبان چینی هستش که خیلی سخت هست و این که بله، به خاطر این‌ها دارم زبان به این قشنگی رو یاد می‌گیرم.

- خوب نقش بی‌تی‌اس در انگیزه یادگیری زبانت چیه؟

این که اگه زبان‌شون رو یاد بگیرم، می‌تونم باهاشون صحبت کنم.

- نظر خانواده‌ات راجع به این چیزهایی که گفتی چی هست؟

خب اونا با این که من به کشور کره برم، مشکلی ندارن و راضی هستن.

- راستی اصلاً چه طوری شد که کلاس کره‌ای ثبت نام کردی؟

من تقریباً یک‌سال بود که توی فکر زبان کره‌ای بودم و به خاطر این که در منطقه‌ای که زندگی می‌کردم به اصرار مامانم مجبور شدم برم زبان انگلیسی یاد بگیرم، بعد یه سال که زبان انگلیسی می‌خوندم، پدرم به‌یویی تصمیم گرفت که من رو بفرسته زبان کره‌ای و توی گوگل سرچ زدیم و یکی از آموزشگاه‌های خوب در شهر تهران رو انتخاب کردیم و من رو پدرم و مادرم بردند ثبت نام کردن، از اون به بعد هر جمعه من به کلاس کره‌ای می‌رم.

- یعنی پدرت خودش تصمیم گرفت که کلاس کره‌ای ثبت نامت کنه؟

آره.

- الان بعد از این که کلاس کره‌ای ثبت نام کردی دیگه کلاس زبان انگلیسی نمی‌ری؟

نه به دلیل وقت کافی نداشتن و برای رسیدگی به درس‌هام نمی‌رم.

- خوب روزی چند ساعت برای خواندن زبان کره‌ای وقت می‌گذاری؟

روزانه یک ساعت.

- بعد این که به درس‌های مدرسه خودت می‌رسی؟

نه، چون مامان بابام گفتن که درس‌های مدرسه‌ات زیاد اهمیتی نداره، بیش‌تر روی کره‌ای تمرکز کن.

- چرا این رو پدر و مادرت گفتن؟

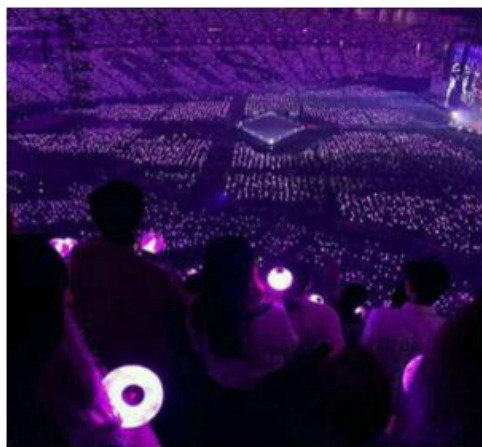
چون که من می‌خوام برم کره، نمرات مدرسه اون قدر اهمیت نداره.

- خوب چرا دوست داری کنسرت‌شون بری؟

خب وقتی می‌ری کنسرت هم این که داری حمایت‌شون می‌کنی و خب دیگه داری از نزدیک و واقعی می‌بینی‌شون و دیگه از پشت گوشی و اینا نیست و از پشت گوشی اصلاً واقعی نیست و مصنوعی هست و ما آرمی‌های اینترنت‌شنال‌ایم، به خصوص ما که ایرانی هستیم وضعیت‌مون همینه و مجبوریم با گوشی فقط کنسرت‌هاشون رو ببینیم چون که اون‌ها نمی‌تونن توی ایران کنسرت بذارن و خب حضوری رفتن واقعاً واقعی هست و می‌شه ارتش بزرگ‌شون رو از نزدیک دید.



- خوب از نظر تو آرمی‌های دختر بیشتر هستند یا آرمی‌های پسر؟
آرمی‌های دختر بیشتر هستند، چون اعضاءش جنس مخالف ما هستند، ولی آرمی‌های پسر هم داریم که توی کنسرت خیلی هستند، چون خود همین تهیونگ توی کنسرت‌ها می‌اومد امتحان می‌کرد که دختری بیشتر ترن یا پسر، مثلاً می‌گفت دختری حالا سر و صدا کنی، حالا پسر و اینا که ببینیم کیا بیشتر ترن.



- منظورت از جنس مخالف تو هستند چیه؟
خب پسر که با پسر حس نمی‌گیره، یعنی تعدادشون کمه.
- خوب یعنی پسرها طرفدار بی‌تی‌اس نیستن، چون از اونا حس نمی‌گیرن؟
نه، داریم طرفدار پسر، فقط تعدادشون به اندازه دختری نیست، تعداد دختری بیشتر تر هست.
- منظورت از حس گرفتن چیه؟
امم حس این که بتونی باهاشون رابطه عاطفی برقرار کنی.
- یعنی تو و آرمی‌های دختر دیگه می‌خواهید با اعضاء رابطه عاطفی داشته باشین؟
توی ذهن و تخیلات خودمون آره.
- رابطه عاطفی منظورت علاقه و عشق به اعضاء هست؟
آره، منظورم همینه.
- پس به نظرت پسر نمی‌تونن به خوبی دخترها آرمی باشن؟
نه، چون ممکنه که اونا کم‌تر همین حس رو داشته باشن.

- آخه تو همین قبل تر گفتی که تعداد پسرها کم‌تره و به همین دلیل که نمی‌تونن حس بگیرن، پس منظورت از اون چه که گفتی چی بود؟

شاید خب هم‌جنس‌گرا باشن.

- خوب تو گفتی تعداد پسرهای هم‌جنس‌گرا کمه، خب پس منظورت از اون حرفت چی بود؟
خب آره تعدادشون کمه، ولی خب هستن.

- خوب به نظرت اعضاء هم با دخترها بیش‌تر احساس عاطفی دارن تا پسرها؟

این معلوم نیست، چون ما از گرایش اعضاء بی‌تی‌اس خبری نداریم.

- خوب تو خودت دوست داری که همه‌شون گی باشن؟

نه.

- پس چی دوست داری؟

دوست دارم که به دخترا علاقه‌مند باشن.

- خوب اگر بایس و کراشت گی باشه مورد قبول تو نیست؟

نه، من با این موضوع مشکلی ندارم.

- خوب اعضاء گروه در کنار فعالیت خوندن، دیگه چه کارهایی انجام می‌دن؟

کار مدلینگ و عکس برداری انجام می‌دن و این که برای آرمی‌ها و اینا برنامه‌ای به اسم ران بی‌تی‌اس دارن.

- ران بی‌تی‌اس چه برنامه‌ای هست؟

ران بی‌تی‌اس برنامه‌ای هست که کارگردان و اینا دارن، اونا میان یه سری بازی و سرگرمی برای اعضاء طراحی می‌کنن و این فیلم گرفته می‌شه و ما می‌بینیم مثلاً یه جا بود در مورد بازی کامپیوتری که اونایی که بازی‌شون خوب بود رفتن و بازی کامپیوتری کردن و اینا.



- توی موزیک بیش‌تر چه چیزی تو رو جذب می‌کنه، صدای خواننده، معنی شعر و متن یا آهنگ‌سازی؟

امم شعرش مهم هست، اما برای ما آرمی‌های اینترنشنال، چون زبان‌شون رو بلد نیستیم، بیش‌تر آهنگ‌سازی‌اش و اون ریتمش برامون مهمه و بعد می‌ریم معنی شعرش رو هم سرچ می‌کنیم تا متوجه بشیم که چی می‌گن.

- تا حالا شده به خاطر آرمی بودن، الگوبرداری خاصی بکنی ازشون یا به خاطر اون‌ها چیزی بخری؟

آره، رقص موزیک ویدیوهاشون رو سعی می‌کنم انجام بدم، عکس‌هاشون رو می‌خرم و توی اتاقم نصب می‌کنم، کیف و لباسی که آرم بی‌تی‌اس و عکس‌شون باشه رو می‌خرم و حتی قاب گوشیمم طرح فانتزی اعضاء بی‌تی‌اس هست.

- تا حالا شده هنرمندی از داخل ایران به بی‌تی‌اس هیت بده؟

والا کل ایرانیا به بی‌تی‌اس هیت می‌دن، بعد همین هنرمندای ما اکثراً بهشون هیت می‌دن و ما آرمی‌ها از اونا به خاطر همین مسایل بدمون میاد، انگار که چشم بادومی‌ها رو آدمای بدی می‌دونن، توی ایران وقتی می‌گی چشم بادومی، انگار که حرف بدی می‌زنی و انگار که معنی بدی داره و همه‌شون بد می‌گن درباره بی‌تی‌اس.

- خوب با این تفاسیر این‌ها تو رو ناراحت و عصبی می‌کنه؟
بله دقیقاً.

- خوب در زمینه الگو گرفتن از بی‌تی‌اس چه کارهایی انجام دادی؟

امم مثلاً دارم سعی می‌کنم، مدل آرایش کره‌ای‌ها رو یاد بگیرم و این که موهام رو شبیه کره‌ای‌ها کوتاه کردم، البته من بعد از دیدن سریال بازی مرکب به خاطر دوتا از بازیگرهای دختر اون سریال تصمیم به کوتاه کردن موهام گرفتم و خب هیکل من شبیه کره‌ای‌ها هست، اونا لاغر و قد بلند و کشیده اند و من تقریباً این طوری هستم و سعی‌ام رو می‌کنم که توی این حالت بمونم.

- خوب تو همین طور که گفتی در حال یادگرفتن زبان کره‌ای هستی آیا فقط به خاطر گروه بی‌تی‌اس هست که داری این زبان رو یاد می‌گیری؟
بله، دقیقاً.

- یعنی اگر این گروه نباشه و منحل بشه تو یادگرفتن زبان کره‌ای رو متوقف می‌کنی؟

آره، همین کار رو می‌کنم، چون من تنها هدفم این که برم کره جنوبی کنسرتشون، توی فن‌میتینگ شرکت کنم و ببینم‌شون.



- یعنی اگه فن آریانا گرنده بودی حاضر بودی به خاطر اون همین کارها رو بکنی؟
شاید، مطمئن نیستم.

- یعنی فقط از تمام کشور کره جنوبی هر چی که داره فقط گروه بی‌تی‌اس تو رو جذب کرده؟
آره، البته فرهنگ‌شون و غذا و لباس‌هاشون رو هم دوست دارم.

- خوب چرا غذاشون رو دوست داری؟

غذاهاشون به نظر جالب و خوشمزه میان.

- تاحالا غذای کره‌ای امتحان کردی؟

خیر.

- خوب پس چه جوری می‌گی دوست داری غذاشون رو؟

از شکل و ظاهرشون خوشم میاد و البته مدل‌هایی که غذا می‌خورن توی فیلماشون و ویدیوهای موبانگ.



- خوب تو گفتی که لباس هاشون رو دوست داری منظورت از این حرفت چی بود؟
خب مدل لباس هاشون قشنگه که اسم مدل لباس هاشون هامبوگ هست.
- تا حالا این مدل لباس‌هایی که می‌گی رو پوشیدی؟
نه، تا حالا امتحان نکردم.
- چرا امتحان نکردی؟
چون توی ایران نیست و اگر هم باشه خیلی گرون هست.
- خوب چه طوری وقتی امتحان شون نکردی دوست داری لباس شون رو؟
من توی تن کره‌ای‌ها دیدم و به نظرم قشنگ اومد.
- خوب از کجا می‌دونی که به تو هم این لباس‌ها میاد؟
چون که به نظرم خودم شبیه کره‌ای‌ها هستم.
- منظورت از این که شبیه کره‌ای‌ها هستی چیه؟
چون هیکل‌ام شبیه کره‌ای‌ها هست مثل اونا لاغرم، قد بلندم، کشیده‌ام، موهام لخته، پوستم صافه.
- آهان پس دوست داری که از نظر ظاهری شبیه اونا باشی؟
آره.
- یعنی اگر شبیه شون نبود، خودت رو دوست نداشتی؟
نه، نداشتم.



- خوب یعنی در مجموع دوست داری مثل اونا زندگی کنی؟
آره.

- پدر و مادرت چه طور، اون‌ها هم دوست دارن مثل کره‌ای‌ها زندگی کنن؟
نه، نمی‌دونم.

- خوب یعنی بری کره می‌خوای تنها زندگی کنی؟
آره.

- بعد دلت براشون تنگ می‌شه؟

شاید بشه، ولی خب من وابسته نیستم.

یعنی الان همه‌ی کارهای شخصی‌ات رو خودت انجام می‌دی؟

الان که نمی‌تونم مستقل شم، بزرگ‌تر که شدم شاید.

مثلاً چند ساعت بشه به نظرت می‌تونی مستقل بشی؟
۱۷ سالگی.

- آهان، خب تو از کی فعالیت فن پیجت رو شروع کردی؟

من ۲ سال هست که آرمی هستم، یه سال پیش که آرمی بودم یه ساله می‌شد، تصمیم گرفتم این پیج رو بزنم به خودم گفتم الناز تو که کار دیگه‌ای از دست برنمیاد که براشون انجام بدی، حداقل یه فن پیج بزن که یه حمایتی هم ازشون کرده باشی و الان یه سالی می‌شه که این فن پیج رو دارم.

- خوب تو گفتی که خیلی ریتم آهنگ برات مهمه، می‌خوام بدونم وقتی خلق و خوی تو غمگین یا شاده، باز همین آهنگ‌ها رو گوش می‌کنی؟

آره، بیش‌تر کره‌ای گوش می‌دم، بستگی به ریتم آهنگ داره که آروم یا تنده، آروم مال غم و ایناست و ریتم‌های تند برای شادی.

- فقط از کی پاپ آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس رو گوش می‌کنی؟

بیش‌تر بی‌تی‌اس رو گوش می‌کنم، ولی خواننده‌های مختلف دیگه رو هم گوش می‌کنم که آهنگ‌هاشون ترنده مثلاً استری کیدز یه آهنگ جدید داده به اسم کیس ۱۴۳.



- خوب توی فن پیجت چه فعالیت‌هایی برای حمایت از اون‌ها انجام می‌دی؟

عکس‌هاشون رو ادیت می‌زنم، ویدیو کلیپ می‌سازم، یا خبرهایی که در مورد بی‌تی‌اس هست رو پست یا استوری می‌کنم مثلاً همین آخرین خبر که دارن می‌رن سربازی و اینا.

- چه طوری ادیت زدن و ویدیو کلیپ ساختن رو یادگرفتی؟

یه سری برنامه‌های ادیت و ویدیو کلیپ ساختن دانلود کردم، بعد اون قدر باهاشون ور رفتم که یاد گرفتم.

- بعد از کسی کمک گرفتی یا نه؟

- بعضی اوقات از خواهرم که بزرگ‌تره کمک می‌گیرم.
- خواهرت چه طوری کار با اپلیکیشن‌ها رو بلد هست؟
- خب اون از ۵ سالگی کامپیوتر داشته و قبل‌تر از اونم با کامپیوتر داییم کار می‌کرد و الان همون طور که خودش کار با کامپیوتر رو یاد گرفته، کار با گوشی رو هم خودش یاد گرفته.
- خودت بلدی کار با کامپیوتر انجام بدی؟
- بله کار با پاور پوینت رو بلدم که اونم خواهرم یادم داده.
- یعنی مثل خواهرت بلدی با کامپیوتر کار کنی؟
- تقریباً ولی خوب یه سری کارهایی اون بلده که من بلد نیستم.
- یعنی خواهرت اون کارهای دیگه با کامپیوتر رو بهت یاد نداده؟
- نه یاد نداده.
- خوب اون اپلیکیشن‌های ادیت رو از کجا پیدا کردی؟
- پست‌های اینستاگرام و خواهرم هم معرفی کرده.
- خوب اعضای گروه بی‌تی‌اس چه قدر مورد علاقه‌ات هستند؟
- اممم آیدول‌ها برای من کراش ان و من بهشون علاقه دارم.
- خوب گفتی که دوست داری بری فن‌میتینگ، خب اون جا چه کار می‌کنی و چه اتفاقی قرار بیفته؟
- خب اون جا حداکثر یه ربع شاید هم کم‌تر وقت داری، چون که تعداد افراد بالا هست، و من مثلاً بخوام برم اون جا خوراکی‌ای می‌برم براشون که دوست دارن، مثلاً جونگ‌کوک شیر موز دوست داره و در مورد این که چه جوری باهاشون آشنا شدم باهاشون حرف بزنم.
- خوب اگه برای اون شیر موز ببری، برخلاف رژیم غذایی‌شون نیست؟
- خب توی فیلم‌هایی که از فن‌میتینگ پخش شده، اعضاء هر خوراکی‌ای که آر می‌ها براشون میارن رو باز می‌کنن همون جا می‌خورن.
- یعنی کمپانی بهشون اجازه می‌ده که همچین کاری کنن؟
- خب نه، چون استف‌ها می‌خوان اون خوراکی‌ها رو ازشون بگیرن، ولی اون‌ها می‌گم که نبر می‌خوایم بخوریم.
- یعنی به عینه توی همون فیلم دیدی؟
- آره، دیدم که جونگ‌کوک به زور از استفه گرفت و گفت که نبرش.
- یعنی در برابر خواست کمپانی سماجت کرد و باهاشون مخالفت کرد؟
- آره.
- خوب تو همی اعضاء رو دوست داری یا فقط تهیونگ رو؟
- من همه‌شون رو دوست دارم، ولی بایس‌ام تهیونگ هست و اون رو بیش‌تر دوست دارم یه کم و بعضی‌ها هم سولو استن هستن.
- منظورت از سولو استن چیه؟
- یعنی توی یه گروه فقط یه نفر خاصی رو دنبال می‌کنن، در حالی که من این طوری نیستم.
- هر کدوم چه حسی بهت می‌دن و چه چیزی تک‌تک‌شون دارن که تو رو جذب می‌کنه؟
- اممم حس اعتمادی که بهشون دارم، مثلاً جونگ‌کوک حس یه بچه کوچولو رو می‌ده، مثل پسرته، از نظر همه یه بیبی کوچولوعه، به تهیونگ هم که بهش حس علاقه‌مندی دارم و جیمین هم حس آدمای گوگولی و بامزه رو می‌ده بهم و جیهوپ حس مهربون بودن رو می‌ده و باهاش می‌شه رقص تمرین کنی و نامجون هم حس یه لیدر با معرفت رو می‌ده و شوگا خیلی ساکنه مثل خود من و این حس خوبی می‌ده بهم.
- اعضای گروه فقط مسلط به زبان کره‌ای هستن؟

تا به حدودی زبان انگلیسی هم بلدن اما لیدر^۱ شون نامجون خیلی خوب بلده و به انگلیسی مسلط هست.

- خوب تو از طریق فن پیجت کسب درآمد هم می‌کنی؟

نه.

- خوب در مورد آلبوم‌های موسیقی‌شون که در کره و جهان به فروش می‌رسه، چه چیزی می‌دونی؟

خب با توجه به شرایط ایران، وارد ایران نمی‌شه، اگر هم بشه خیلی گرون هست و خب مثل آلبوم‌های ایرانی نیست، این آلبوم‌ها به مجله دارن که هر صفحه رو که ورق می‌زنی عکس یه کدوم‌شون و عکس‌های کوچیک کوچیک توش هست ولی توی ایران اصلاً امکان خریدش نیست و تنها کاری که می‌شه کرد، این هست که عکس‌هاشون رو بخری و یا گردنبندشون رو تهیه کنی.

- خوب پس اگر بخوای از آلبوم‌شون حمایت کنی، از طریق همون استریم زدنی که گفتی این کار رو می‌کنی؟
آره دقیقاً.

- خوب استریم رو توی کدوم آپ‌ها انجام می‌دی؟

توی اسپاتیفای و یوتیوب.

- در مورد خرید عکس‌ها که گفتی، تو تاحالا عکس‌هاشون رو خریدی؟

آره خریدم و هنوز هم می‌خرم‌شون.

- خوب باهاشون چه کار می‌کنی؟

با خودم می‌برم این‌ور و اون‌ور می‌چسبونم‌شون، مثلاً به دیوار اتاق یا دفترم و اینا.

گفتی توی ایران امکان خرید آلبوم‌شون نیست؟

- آره دقیقاً امکانش نیست و نمی‌شه خرید و یا اگه هم بشه خیلی گرونه.

- تاحالا شده به خاطره اون‌ها جنسی از کره سفارش بدی برات بیارن؟

آره شده، من یه کیف کوله‌ای از یه پیچ اینستاگرام ایرانی پیدا کردم و خوشم اومد و اونا هم گفتن که مستقیم از کره میارن اون کیف رو، حالا به صورت هوایی یا دریایی برام می‌فرستن ایران و منم سفارش دادم و پول و گمرکی اون رو هم پرداخت کردم و برام آوردنش.

- پس یه جورهایی از صنعت تجارت کره حمایت کردی؟

آره، درسته.

- امکانش هست وسایلی که اونجا مد می‌شه رو توی ایران تهیه کنی؟

آره از طریق همین پیج‌های اینستاگرامی کره‌ای- ایرانی امکانش هست.

- خوب خیلی از هنرمندا یه سری مجموعه‌ها و یا کالکشن‌هایی دارن که اون‌ها رو به طرفدارهاشون می‌فروشن، آیا تاحالا گروه بی‌تی‌اس همچین کاری رو کرده؟

خب آره یه بازارچه ماندی از چیزهایی که خودشون درست کردن گذاشتن، مثلاً تهیونگ یه کیف درست کرده بود، یه کیف چرم مانند و جونگ کوگ هم از این چراغ‌هایی که می‌ذارن رو سقف که چراغ رو خاموش می‌کنن و بعد موزیک هم داشت فکر کنم اسمش ربکا بود و خب این‌ها هم به ایران نمیداد و خیلی هم کمیابه.

- خوب تو گفتی که سبک آرایش‌شون رو خیلی دوست داری، چه چیز دیگه‌ای هست که تو دوستش داری؟

مثلاً میکاپ‌های روزانه ساده دارن.

- آهان مثل اعضای گروه بی‌تی‌اس؟

نه اون‌ها میکاپ خاصی ندارن، میکاپ‌شون خیلی ساده هس، مثلاً نهایتاً کانسیلر و رژ یه کم استفاده می‌کنن.

¹ - leader

- خوب تا اون جایی که من می‌دونم، تعداد عمل‌های زیبایی در کره‌ای‌ها بالا هست، آیا گروه بی‌تی‌اس هم این گونه عمل‌ها رو انجام دادن؟
نه.

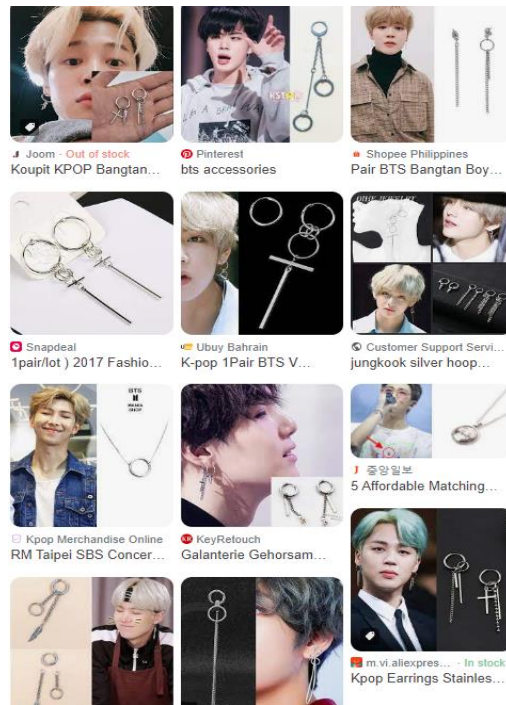
- از کجا می‌دونی که این طوری نیست؟
خب عکس‌هاشون رو که از بچگی تا الان شون کنار هم می‌ذاری، می‌بینی که چهره‌شون تغییر خاصی نکرده و همون شکلی ان.
- خوب اگه کمپانی تشخیص بده باید عمل کنن چی؟
خب از همون اول کارآموزی کمپانی، اگه مشکلی توی صورت همون کارآموز ببینه و نیاز به عمل داشته باشه، همون اول می‌گه که باید عمل رو انجام بدی، نه بعد از ۹ سال.
- خوب در مورد استایل موهاشون خوب ما توی ایران ندیدیم که پسری بیاید موهاش رو زرد یا صورتی کنه، نظرت راجع به این موضوع چیه؟

خب به نظر من این جور چیزها جنسیت نداره و هم دخترها و هم پسرها می‌تونن موهاشون رو رنگ کنن و به نظرم مشکلی نداره.
- خوب به نظرت این کار جدا از این که همه انجام می‌تونن بدن، درسته؟
آره.

- خوب این طوری دیگه از نظر ظاهری تفاوتی بین پس و دختر نیست؟
خب ما هم می‌خوایم تفاوتی نباشه.
- یعنی به نظرت چون اونا می‌گن درسته و هم دختر و هم پسر انجام می‌دن، این کار اخلاقی و مطلوب هست؟
آره.

- تا قبل از این که اون‌ها همچین چیزی بگن، تو این طوری فکر می‌کردی؟
آره قبل از این که باهاشون آشنا شم بود، الان بیش‌تر شده.
- یعنی توی کره هم پسرها آرایش می‌کنن هم دخترها؟
اوهوم.

- در مورد زیورآلات و اکسسوری چه طور؟
خب توی کره توی کی‌دراما و اینا می‌بینیم که هم پسرا گوشواره می‌اندازن هم دخترا و این هم جنسیت نداره.
- یعنی اگه پسر بودی یا برادر داشتی همچین چیزهایی رو در اون می‌پذیرفتی و این کار رو تأیید می‌کردی؟
آره، چرا که نه.



- نظرت راجع به پوشش شون چیه؟

خب استایل هاشون خیلی خوب و متفاوت، مثلاً تیپ دارک می‌زنن.

- یعنی چه طوری؟

یعنی استایل شون تیره و مشکیه و اسپرته. و خب استایل هاشون خفنه و دوست دارم لباس هاشون رو ببوشم.

- منظورت از خفن بودن چیه؟

خب می‌رن مدل یه برندی می‌شن مثلاً سلین یا کوچی برای همین خفنه.

- خوب ما توی ایران هم داریم این مدلینگ رو مثلاً بهرام رادان میاد مدل نوین چرم می‌شه، خب چه تفاوتی دارن؟

خب چیزهایی که توی کشورهای خارجی هست، کیفیتش بهتره.

- نه من منظورم توی کار مدلینگ و استایل شون هست، چه چیز جدیدی اضافه کردن که نبوده یا دارن که بقیه ندارنش که تو جذب اون شدی؟

خب فکر نمی‌کنم چیزی اضافه کرده باشن.

- خوب تاحالا شده که دامن یا لباس پرنسسی ببوشند؟

یکی از اعضاء توی موزیک ویدیو باتر یا داینامیت دامن پوشیده بود، مطمئن نیستم کدوم آهنگ، ولی لباس پرنسسی نه (می‌خندد).



- خوب این موزیک‌هایی که خودت گفتی به زبان انگلیسی هست، در حالی که تو گفتی به جز یکیشون، زبان اون یکی‌ها خوب نیست، خب چه طوری این موزیک‌ها رو می‌خونن؟
- این‌ها رو از مترجم که به خانمی هست که همه جا باهاشون هست، کمک می‌گیرن و همین طور موقع آهنگ نوشتن که کره‌ای می‌نویسن و اونا به انگلیسی ترجمه می‌کنن.
- درسته که جیمین توی اعضا بیشتر از همه آرایش می‌کنه؟
- نه این طور نیست، همه‌شون به یه اندازه ان، اون فقط برای بزرگ‌تر نشون دادن چشم‌هاش آرایش چشم می‌کنه، چون چشم‌هاش ریزه و وقتی می‌خنده خیلی جمع می‌شه.
- خوب تو فکر می‌کنی مدل آرایش کردن‌شون رو از دخترا تقلید می‌کنن و می‌خوان که دخترونه بشن؟
- نه، این طور نیست اصلاً، این میکاپ رو انجام می‌دن که با روزهای عادی متفاوت بشن مثل ما که برای عروسی می‌ریم آرایشگاه که متفاوت بشیم.
- خوب این ۷ نفر از نظر اندامی یک شکل و یک سایز هستن و توشون مثلاً فرد خیلی تپل یا کوتاه نمی‌بینیم. خب چرا این طوری هست این مسأله از کجا نشأت می‌گیره؟
- خب اکثر کره‌ای‌ها همین طوری هستن، ولی اگه آیدول و آرتیست‌ها رو نگاه کنی، به خاطر این، این طوری هستن که کمپانی مجبور شون می‌کنه که رژیم‌های سختی بگیرن که این طوری بمونن.
- خوب این رژیم سخت باعث نمی‌شه که ضعیف و مریض بشن؟
- آره دقیقاً، اتفاقاً همین رو یکی از همین آیدول‌ها گفته بود که من چاق بودم و برای این که آیدول بشم، مجبور شدم ۲، ۳ هفته فقط یخ خالی بخورم که وزن کم کنم.
- خوب پس کمپانی رو رژیم‌شون خیلی حساس هست؟

- آره، کمپانی روی همه چی شون حساس هست. روی چیزهایی که می‌گن فعالیت‌هایی که می‌کنن، حرف‌هایی که می‌زنن.
- خوب برای لباس و آرایش شون هم کمپانی تصمیم گیرنده هست؟
- آره کمپانی هست که تعیین می‌کنه چی بپوشن و چه آرایشی بکنن. بعد حتی اگر بخوان توی صفحه شخصی شون چیزی در مورد کشورشون یا کشورهای دیگه یا هر چیز بگن، باید با کمپانی هماهنگ کنن، ولی کلاً نمی‌تونن چیزهای سیاسی نشر بدن، چه برای کشور خودشون چه برای کشورهای دیگه.
- خوب این‌ها با شعارهایی که اون‌ها می‌گن منافات یا تناقضی ندارد؟
- خب اون‌ها با کارهایی که روزانه انجام می‌دن به آرمی‌هایی که کشورشون به یه مشکلی برخوردن، می‌فهمونن که ما همراه شما هستیم. خب می‌شه یه نمونه از این حمایت‌هایی که کردن رو بگی؟
- مثلاً آرام موقعی که فلسطین توی شرایط جنگی بود، یک تابلو خرید که در مورد این بود که مردم فلسطین قوی باشین و این که ما پشتتونیم رو توی برنامه وی‌ورس به اشتراک گذاشت.
- خب مابقی اعضاء چی، اون‌ها چه کار کردن؟
- خب نامجون توی یکی از عکسای که پست کرده بود، یک کلا سرش بود که روش به انگلیسی نوشته بود: آزادی آزادی.
- خب این کار رو به چه منظوری انجام داده بود؟
- غیر مستقیم به ایران نوتیص داده بود.
- برای چی این کار رو کرده بود؟
- برای این که نشون بده پشت مردمه ایران هستش.
- خب تو از کجا فهمیدی منظورش مردم ایران هستن؟
- خب آرمی‌ها حدس شون این بود که نامجون به ما آرمی‌های ایرانی غیر مستقیم می‌گه که ما پشتتون هستیم.
- پس یعنی به خاطر محدودیت‌هاشون غیر مستقیم حمایت می‌کنن؟
- بله، همین طوره.
- اعضاء و خواننده‌های این گروه طوری هستن که خوب طرفدارها دوست دارن از نظر ظاهری شبیه‌شون باشن، اما فکر نمی‌کنی که شبیه شدن بهشون، باعث این می‌شه که بهشون ضرر وارد بشه، مثلاً یه طرفدار چاق و دارای اضافه وزن چه قدر باید خودش رو اذیت کنه و به خودش فشار بیاره که شبیه اون‌ها بشه؟
- خب ضرر داره، ولی خب کسی که تپل هست، اعضاء گفتن که نیازی نیست فن‌ها شبیه ما بشن و می‌گن، همون طور که هستی خودت رو دوست داشته باش و شعارشون لاو یورسلف هست.
- خوب من منظورم اینه که توی آیدول‌ها و اعضاء بی‌تی‌اس چرا کسی به عنوان مثال اضافه وزن نداره که طرفدارش نسبت به خودش، احساس خوبی داشته باشه؟
- خب این رو قبول دارم که نباید این طور باشه.
- مثلاً اون موقع که باری مد بود خیلی از مخاطباش از باری تقلید می‌کردن و دوست داشتن اون شکلی باشن یا کارتونای دیزنی که البته بعد تغییر رویه داد. خب به نظرت اونا هم نباید در مورد این موضوع تجدید نظر کنن تا حرف‌هاشون قابل باورتر بشه؟
- آره خب، به نظرم همه که یک شکل نیستن و اگه اون‌ها هم این رو نشون بدن بهتره. ولی خب این لاغر بودن توی ژن شون هست، چه توی کره‌ای‌ها چه چینی‌ها.
- می‌خواستیم بدونیم به جز گروه بی‌تی‌اس که گفتی جراحی زیبایی انجام ندادن، بقیه گروه‌های کی‌پاپ هم عمل زیبایی نکردن؟
- آره بعضی از گروه‌ها این کار رو کردن، ولی من گروه‌هایی که می‌شناسم و طرفدارشونم، این کار رو نکردن.
- خوب می‌خواستیم راجع به روابط عاطفی اعضاء بی‌تی‌اس بدونیم، می‌تونن در موردشون بهم بگی؟

- اون جواری ما می‌دونیم توی هیچ رابطه‌ای نیستن، ولی اگر باشن هم آرمی‌ها نمی‌دونن، ولی اعضای بی‌تی‌اس هیچ وقت نمیان با کسی قرار بذارن و اعلام کنن، چون طرفدارهاشون رو از دست می‌دن.
- در مورد گرایش جنسی اعضای گروه هم اطلاعاتی داری؟
خب نه در مورد همه‌شون، ولی جیمین اعلام کرده اخیراً که بایسکشوال هست.
- این رو خودش رسماً اعلام کرد یا شایعه هست؟
نه، رسماً گفته.
- بایسکشوال به چه معناست؟
یعنی هم به دخترا گرایش داره، هم به پسرا.
- خوب این موضوع در تو و دوستان خودت نسبت به این که طرفدارشون باشی، تأثیری نگذاشته؟
نه تأثیری نگذاشته.



- آیا خانواده‌ات از این موضوع خبر دارن؟
خیر.
- به نظرت اگر بفهمن واکنش شون چیه؟
فکر نکنم مشکلی داشته باشن.
- خوب از نظر اعتقادی و مذهبی به نظرت چه خودت چه خانواده‌ات پذیرای همچین چیزی هستید؟
آره، چون من اعتقادات خاصی ندارم.
- خانواده‌ات هم اعتقادی ندارن؟
نه، ندارن.
- به نظرت اگر تو بایسکشوال باشی خانواده‌ات می‌پذیرن؟
نه، فکر نکنم قبول کنن.
- یعنی پس این که اگر گرایش متفاوتی رو داشته باشی، قبول نمی‌کنن؟
آره، همین طوره.
- تا حالا شده احساس کنی گرایش جنسی متفاوتی داری؟
نه تا حالا نشده.
- تا حالا شده بین دوستان خودت همچین کسانی رو ببینی؟
آره شده.
- درک شون می‌کنی که چرا گرایش متفاوتی دارن؟

- آره، درک می‌کنم، خب اون مثلاً ممکنه که با هم جنس خودش حس بگیره.
- در مورد گرایش جنسی بقیه شون چه طور؟
نمی‌دونم یعنی هیچ کس نمی‌دونه.
- خوب پس اون تصاویری که پخش شده تو اینترنت که اعضاء همدیگر رو می‌بوسند، چی هست؟
اممم آهان منظورتون فن آرت هست، اون که ساخته ذهن آرمیا هست.
- اگر که واقعاً این‌ها درست باشه چی؟
خب آرمی‌ها چون دوست دارن این‌ها باهم باشن، فن آرت میسازن، یعنی دوست دارن که بهم گرایش داشته باشن.



- تو چی؟
آره من یه کوک شیپر شدیم.
- خوب به نظرت ممکنه به خاطر فشارهای کمپانی بر روی زندگی شون مجبور به هم‌جنس‌گرایی بشن؟
نه.
- از کجا می‌دونی؟
چون که کمپانی کلاً منع کرده حتی این شیپ‌هایی که زده می‌شه و خیلی معروف می‌شه، کمپانی میاد اینا رو جدا کنه تا زیاد کناره هم نباشن.
- این که اعضای گروه اعتقاد مذهبی خاصی ندارن به نظرت باعث نمی‌شه که گرایش به هم‌جنس‌گرایی پیدا کنن؟
نه، به نظرم ربطی نداره، چون توی همین کشور خودمون هم داریم، ولی خب طرف دین هم داره.
- خوب به نظرت این طوری نیست که با وجود این که اعضاء افراد بالغی هستن و کمپانی اون‌ها رو با محدودیت‌های زیادی مواجه کرده، از نظر گرایش جنسی شون مجبور به هم‌جنس‌گرایی با دیگر اعضاء بشوند؟
نه.



- تا حالا شده که اعضاء اعتراضی کنن و مثلاً بگن این فن آرت‌ها حقیقت نداره؟
خب اون‌ها تو این جور چیزا دخالتی نمی‌کنن و کاری با آرمی‌ها ندارن.
- خوب این طوری مگه براشون شایعه سازی نمی‌شه؟
آره می‌دونم، ولی در مورد این جور چیزا حرفی زده نمی‌شه.
- به نظرت کمپانی گفته چیزی نگو یا خودشون نمی‌خوان؟
بیش‌تر کمپانی ازشون می‌خواد که چیزی نگو و فقط کمپانیه که نظر می‌ده و تصمیم می‌گیره، مثلاً کمپانی تصمیم گرفته بود که با هیترها (نفرت پراکنان) جدی برخورد کنه.
- می‌شه در مورد این که به خاطر گروه بی‌تی‌اس در حال خوندن زبان کره‌ای هستی، بیش‌تر توضیح بدی؟
خب آدم دوست داره کره‌ای یاد بگیره و بره کره و وقتی بره کشورشون، می‌تونه بیش‌تر باهاشون ارتباط برقرار کنه.
- خوب وقتی گروه بی‌تی‌اس نباشه، چه اتفاقی می‌افته؟
اگه اونا نباشن من دیگه انگیزه‌ای واسه خوندن کره‌ای ندارم و برای خوندن کره‌ای بیش‌ترین انگیزهام اینه که برم کره و اونا رو ببینم.
- حالا مطمئنی که بری کره اون‌ها رو می‌بینی؟
آره دیگه، تلاشم رو می‌کنم که اگر فن ساین گذاشتن برم و شرکت کنم.
- فن ساین دقیقاً چی هست؟
فن ساین، اینه که می‌تونن بری گروه مورد علاقه خودت رو ببینی و یه چند دقیقه وقت داری که از نزدیک ببینی‌شون و باهاشون صحبت کنی.
- و فکر نمی‌کنی این که اونا نباشن، تو علاقه و رغبتی به ادامه دادن زبان کره‌ای نداری؟
خب نتونم بخونم بازم طرفدارهاشون هستن، مثلاً ممکنه توی اینستا هنوز طرفدارهاشون باشن.
- خوب تو داری هزینه مالی و زمانی می‌کنی و وقتی این اتفاق بیفته، میای می‌گی که دیگه یاد نمی‌گیرم، به این ترتیب تلاش‌ها، وقت و پولت بیهوده تلف نمی‌شه؟
چرا، ولی من دیگه ریسکش رو پذیرفتم.
- خوب حالا اگر توی ایران موندگار بشی، کاربرد زبان کره‌ای در ایران چیه؟
خب مثلاً می‌تونن توی برنامه‌های مختلف باهاشون صحبت کنی و برای این کار یه برنامه‌ای هست به اسم وی‌ورس که برای همین بی‌تی‌اس هست و مثلاً آرمی‌ها می‌رن اون جا صحبت می‌کنن و می‌گن که روی صحبت‌شون با کی هست و مثلاً وقتی با جین صحبت می‌کنن، جین میاد و بهشون پاسخ می‌ده، اگر کره‌ای بلد باشی راحت‌تره، چون بهتر حرفت رو می‌فهمن، چون که همه‌شون انگلیسی‌شون خیلی خوب نیست.
- خوب قبل از این که کلاس کره‌ای بری، به صورت سماعی چیزی یادگرفته بودی یا نه؟
آره، چون من فیلمای کره‌ای می‌بینم، یه سری کلماتشون رو بلد بودم، مثلاً اصطلاحاتشون و اینا.
- با توجه به گرایش‌های جنسی‌ای که گفتی، خودت مشکلی با هم‌جنس‌گرایی نداری؟
نه، من مشکلی ندارم.
- این رو تا حالا به دوستان و یا خانواده خودت گفتی؟
خودم و دوستان مشکلی ندارن و البته خواهرم، ولی پدر و مادرم فکر کنم مشکل داشته باشن، مخصوصاً مامانم.
- یعنی مامانت با این موضوع مخالفت شدید داره؟

خب مامانم گفته که اگر به همچین گرایشی داشته باشی، اول بهتره که از این کشور بری، چون که اینجا نمی‌تونن بپذیرن همچین موضوعی رو و این که گفت اگه واقعاً گرایش به هم‌جنس‌داشتم باشم، باید جدا از مامان و بابام زندگی کنم.

- یعنی به نظر مامانت هم‌جنس‌گراها و گرایش‌های مختلف جنسی توی ایران اذیت می‌شن؟
آره، همینه.

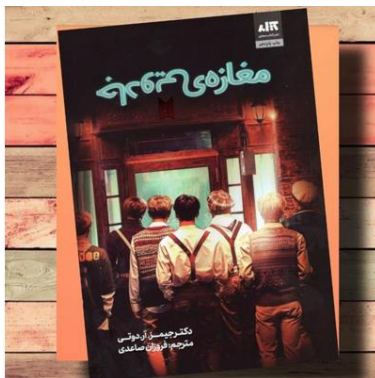
- تاحالا با خانواده‌ها در مورد این موضوع صحبتی داشتی یا این که چیزی نگفتی؟
آره داشتم و نتیجه‌اش همون بود که گفتم.

- مثلاً خودت فکر می‌کنی گرایش به این پیدا کنی که هم‌جنس‌گرا بشی؟

خب این چیزی هست که ممکنه برای هرکسی اتفاق بیافته برای من برای دیگران برای هر کی و حتی برای اعضای بی‌تی‌اس هم می‌تونه این باشه.

- خوب می‌خوام بدونم تاحالا شده که اعضاء کتابی معرفی کنند یا شما رو تشویق تون کنن به کتاب خوانی؟

یه کتاب بود که در مورد یکی از آهنگاشون هست و دقیقاً عکس همون آهنگشون اومده روش و اونم توی ایران هست و اسمش هم مغازه جادویی هست. که در مورد آهنگ مجیک شاپ^۱ هست.



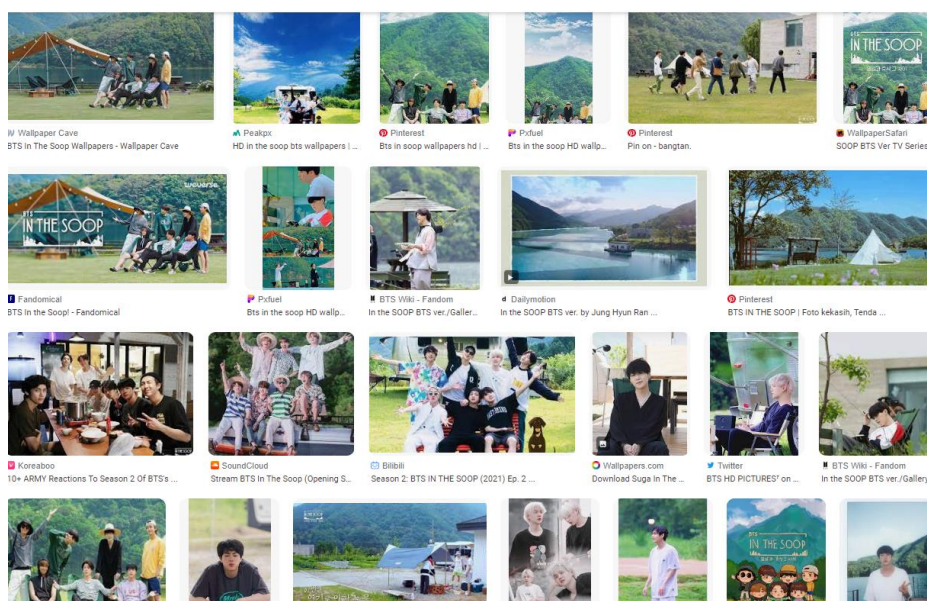
- فقط همین کتاب هست؟

آره، این فقط کتابی هست که در مورد خودشونه، ولی خب اعضاء یه سری کتاب‌ها که کره‌ای اند و البته الان ایران هم هستن رو معرفی کردن، مثل کتابی هست به اسم بادام که شوگا به آرمی‌ها معرفی کرده و گفته که کتاب خوبییه.



¹ - Magic shop

- آهان و این‌هایی که گفتی توی ایران ترجمه شده؟
- آره، مثلاً همین انقلاب تهران من رفته بودم که دیدم.
- خوب آیا ستاره‌ها در انتخاب رنگ مو و مدل لباس و این‌ها مختار هستن؟
- خیر، هر کاری که می‌کنن، همه‌اش زیر نظر کمپانی هست.
- به تعبیر دیگه یعنی این حتی زندگی معمولی‌شون هم زیر نظر کمپانی هست؟
- بله، حتی کمپانی می‌گه که چی رو پست کنن و چی رو پست نکنن.
- در مورد برنامه ران بی‌تی‌اس صحبت کردیم، این برنامه یعنی این که از زندگی شخصی اعضای گروه فیلم می‌گیرند؟
- نه، زندگی شخصی‌شون نیست، این برنامه این طوری هست که ۷ نفرشون جمع می‌شن توی یه مکانی که کارگردان اون برنامه تعیین کرده و مثلاً میان و یه کاری انجام می‌دن، به عنوان مثال، یه بار رفته بودن یه جایی که ماشین‌ها بودن و بهشون مثلاً یه مأموریتی داده بودن که یه جعبه‌ای رو پیدا کنن و یه سری رمزها رو باید پیدا می‌کردن، مثلاً یه سری براشون بازی انگار تعیین کرده بودن که برن بازی‌ها رو انجام بدن.
- یعنی هیچ برنامه دیگه‌ای ندارن که از زندگی‌شون فیلم‌برداری کنه؟
- نه به اون شکل، ولی خب یه برنامه‌ی دیگه دارن به اسم بی‌تی‌اس در جنگل^۱ که از سفر و استراحت‌شونه که هر ۷ نفر باهم رفتن به جنگل رفتن و داخل کلبه و ویلا دوربینی حالت دوربین مداربسته و اینا داره و اینجا لحظه به لحظه فیلم‌برداری می‌شه و ما می‌دیدیم که چی می‌خورن، چی می‌پوشن، کجا می‌خوابن و ...



- خوب الان همه‌ی جهان یه جورایی این ۷ نفر رو می‌شناسن و یه جورهایی زیر ذره بین مردم قرار دارن، این مسأله چه تأثیرهایی روی خود اعضا گذاشته؟
- خب کمپانی گفته که باید حواس‌شون بیش‌تر به رفتارشون باشه و کاری نکنن.
- منظورت از این که کاری نکنن چیه؟

^۱ - Bts in the soop

یعنی این که کاری کنید که بی‌نقص باشید و بقیه فکر کنند که شما خیلی بی‌نقصید و ممکنه که بیش‌تر معروف شدن شون، قوانین کمپانی رو سنگین‌تر کنه.

- خوب به نظرت این زیر نظر بودنه از نظر روانی روشون تأثیر بد و منفی نگذاشته و باعث نشده که اعضای بی‌تی‌اس نگرانی و استرس داشته باشن؟

چرا شده.

- یعنی ستاره بودن اذیت‌شون می‌کنه؟

آره یه جورایی.

- با این اوصاف تو دوست داری آیدول بشی؟

نه.

- چرا؟

چون سخته.

- منظورت از سخت بودن چیه؟

خب هم استرس می‌گیری، هم رقص‌های سختی داره، هم کمپانی سخت‌گیری‌های زیادی داره.

- از نظر مالی اعضاء تأمین هستن؟

آره میلیاردر ان اون قدری که نمی‌دونن باهاش چه کار کنن.

- منظورت از این حرف چیه؟

خب مثلاً تهیونگ گفته بود که دوست دارم با کسی ازدواج کنم که بتونه پول‌هام رو مدیریت کنه و این یعنی خیلی ولخرج و پولداره.

- خوب این پول‌ها رو کمپانی بهشون می‌ده؟

آره دیگه، از کنسرتا پولای زیادی در میان.

- هزینه هر بلیط چه قدر هست؟

به پول ایران گرون‌ترین بلیط ۴۰۰ میلیون تومن و ارزون‌ترین بلیط کنسرت ۱۵ میلیون تومن هست.

- جمعیت کنسرت‌ها به نظرت حدودی چه قدر هست؟

۷۵۰ هزار میلیون نفر (!).

- واقعاً؟

آره بابا خیلی زیاد ان.

- تا حالا شده اعضاء بگن که دوست دارن به موقعی که آیدول نبودن برگردن؟

نه، چون نمی‌تونن بگن.

- یعنی کمپانی نمی‌گذاره؟

آره، چون پشت یه لایو ساده ۲۰ تا استف (ناظر و مراقب) وجود داره.

- خوب این استف‌ها اذیت‌شون نمی‌کنن؟

چرا اذیت‌شون می‌کنن و من خیلی ازشون بدم میاد.

- فایده این استف‌ها چیه؟

مراقبت از اعضاء و این که حواس شون باشه که اعضاء از دستورات کمپانی سر پیچی نکنند.

- خوب این استف‌ها چه جوری انتخاب می‌شن؟

خب طبق رزومه و مصاحبه‌ای که انجام می‌دن با کمپانی و کمپانی با توجه به این موارد استخدام شون می‌کنه.

- پس استف‌ها رو کمپانی استخدام می‌کنه؟

بله.

- آیا آرمی‌های دیگه هم مثل تو از استف‌ها بدشون میاد؟

تا اون جایی که من می‌دونم آره.

- از نظر عاطفی چه طور، این که زندگی عاطفی اعضاء مدام مورد بررسی هست، این مسأله اذیت‌شون نمی‌کنه؟

اگر هم بکنه نمی‌تونن چیزی بگن.

- خوب مگه همین گروه بی‌تی‌اس نبود که شعارشون این بود که خودت رو دوست داشته باش؟

خب ما آرمی‌ها با دقت و توجه بهشون فهمیدیم که یه سری نقص‌ها دارن و می‌دونن که هر آدمی کامل که نیست و این برای کسانی هست که خیلی نمی‌شناسن شون و مثلاً ممکنه که اول فکر کنن که خیلی بی‌نقص‌ان، اما بعد می‌فهمی که این طور نیست و بعداً مشکلاتشون رو می‌فهمی و با کارهایی که نباید انجام بدن یا باید انجام بدن آشنا می‌شی.

- خوب گفتی که آرمی‌ها با توجه به تخیلات و افکار خودشون فن آرت می‌سازن، خب اگه بعداً بفهمن که به عنوان مثال، گرایش

جنسی اعضاء اون چیزی که فکر می‌کردن و کشیده بودن، نبوده، چه اتفاقی می‌افته؟

خب آرمی‌ها می‌گن که هیچ وقت نژادپرست و اینا نیستن و اگر آیدول ما هر گرایشی داشته باشه، باز هم ما ازش طرفداری می‌کنیم و حمایت می‌کنیم.

- خوب من آرمی‌های زیادی دیدم که مقاومت بالایی دارن و اصلاً مایل به صحبت نیستن و می‌گن که شما ما رو قضاوت می‌کنید،

می‌خواستم بدونم چی شده که این طور فکر می‌کنن؟

خیلی از مردم اومدن و به بی‌تی‌اس و آرمی فحش و ناسزا گفتن و به هیتری مثلاً میاد می‌گه تو آرمی ای؟ و اون آرمی فکر می‌کنه اونم آرمیه و می‌خواد باهاش حرف بزنه و می‌گه آره و اون بیهو میاد فحش می‌ده به بی‌تی‌اس و آرمی‌ها، کلاً فاز خیلی مسخره‌ای دارن و کلاً بی‌دلیل هیت می‌ده و اینا و این جور موارد باعث شده که آرمیا در برابر خیلیا گارد بگیرن.

- تا حالا شده این حساسیت و تعصب آرمی‌ها برای اعضاء باعث دردسر بشه؟

آره، آرمی تعصبی خیلی وقتاً به ضرره، ولی خب فکر نمی‌کنم خیلی باشه، ولی خب اونا ساسنگ فن دارن که اینا آرمی نیستن، آرمی تعصبی نیستن.

- خوب پس چی هستن؟

اینجا شبیه آرمی‌ان، مثلاً از یکی از اعضاء خوششون میاد و اینا خیلی نزدیک‌ان و توی همون کره جنوبی هستن و دنبال اینا همه جا می‌رن و همه‌اش نزدیک اینا‌ان، توی فرودگاه همه جا و انگار که همه‌اش سعی دارن که اینا رو بدزدن، همه‌اش ازشون عکس می‌گیرن و می‌رن توی صورت طرف.

- یه جورایی همون پاپاراتزی هستن؟

آره دقیقاً دقیقاً شبیه اوناست، حالا فقط اسمشون متفاوته.

- تا حالا اعضاء در مورد این ساسنگ فن‌ها عصبی شدن، چون من خواننده‌های آمریکایی رو دیدم که خیلی از دست این‌ها ناراحت و عصبی‌ان؟

نه والا، هیچ واکنشی نداشتن.

- یعنی به نظرت کمپانی بهشون می‌گه که چیزی نگن؟

آره به نظرم هم کمپانی گفته البته اینم گفته که با هیت‌ها برخورد می‌شه.

- تا حالا شده از اعضاء کسی به خاطر تأثیر این هیت‌ها بر روی خودش اتفاق بدی مثلاً خودکشی کردن براش اتفاق بیفته؟

در مورد اعضای بی‌تی‌اس نه، ولی اتفاق افتاده مثلاً یه دختر بود به اسم سولی که فکر کنم هم خواننده بود هم بازیگر این که خواننده بود رو مطمئن نیستیم، و این به خاطر این که بهش خیلی هیت دادن و اینا خودکشی کرد.



- خوب حالا اعضاء از نظر سلامت جسمی و روحی و روانی زیر نظر پزشک و دکتر هستند؟
آره، ولی خب اون قدر اهمیتی نداره، مثلاً توی یکی از کنسرتا جونگ‌کوک پاش درد می‌کرد و مجبور شد بره سر کنسرت، فکر کنم پاش رو بخیه زد بود، ولی مجبور شد بره سر کنسرت این که باید بره سر کنسرت ولی خب دنس نمی‌ره البته، به نظرم باعث می‌شه افسرده بشه، چون می‌بینه همه می‌رقصن و می‌خونن، ولی اون نمی‌تونه جاهای دیگه پیش اومده که تهیونگ مریض شده بود و نمی‌تونسته که بخونه، ولی مجبور بوده که بیاد کنسرت و اون جا کلی گریه کرده از این که چرا نمی‌تونه بخونه و ناراحت شده.

- از لحاظ سلامت روان چه طور آیا زیر نظر متخصصی هستند؟

این رو والا نمی‌دونم، ولی خب ما ندیدیم، ولی ممکنه کسی باشه، ولی خب فکر کنم خودشون برن.

- تا حالا جایی اعلام کردن که می‌رن؟

نه تا حالا گفته نشده.

- خوب وقتی اعضاء عضو این گروه شدن چند سال شون بوده؟

خب مثلاً کوچیک‌ترین شون ۱۶ سالش بوده و بعد ۱۸ بعد ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ اینا توی سال ۲۰۱۳.

- الان چندساله شونه؟

خب کوچیک‌ترین ۲۵ سالشه و بقیه ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ هست که کوچیک‌ترین عضو جونگ‌کوک و بزرگ‌ترین عضو جین هست.



- خوب قبلاً کره این قدر سر زبان‌ها نبود، تو فکر می‌کنی این هنر و موسیقی گروه بی‌تی‌اس و کی‌پاپ کره بوده که نام این کشور سر زبون‌ها بیفته؟
- آره دقیقاً، خیلی به خاطر همین سر زبونا افتادن و معروف شدن و همین کی‌دراما و کی‌پاپ باعث شده چیزای دیگه کره هم دیده شه مثل فرهنگ‌شون غذاهاشون و اینا.
- تا حالا شده که جایزه جهانی هم بگیرن؟
- آره بی‌تی‌اس جایزه‌های مختلفی گرفته.
- رابطه دولت کره جنوبی با بی‌تی‌اس چه جوریه؟
- خوبه و یه بار هم از رییس جمهورشون تقدیر نامه گرفتن.



- کمک مالی چه طور تا حالا شده دولت کره به اونا کمک مال کنه؟
- نه، خود بی‌تی‌اس منبع مالی دولت کره جنوبی هست و می‌گن که از موقعی که اونا می‌رن سربازی چرخه مالی و اقتصادی کره جنوبی به مشکل برخورد کرده (!).
- خوب چرا با وجود این که این گروه نفع مالی برای دولت کره داره، ولی دولت کره مانع سربازی رفتن‌شون نشده؟
- می‌خواستن اعضای بی‌تی‌اس نرن سربازی، ولی این مسأله دولت کره رو با مشکل مواجه می‌کرد.
- چرا؟
- چون بقیه‌ی آیدول‌های کره سربازی رفتن و نمی‌شد که بی‌تی‌اس رو نفرستن.
- خوب دلیل این که رفتن کاخ سفید چی بود؟
- چون از طرف رییس جمهور آمریکا دعوت شده بودن.
- خوب به چه دلیل دعوت‌شون کرد؟
- برای صحبت در مورد نگرانی‌های جهانی مانند نژادپرستی و جریانات ضد آسیایی که در دوره‌ی کرونا در امریکا شدید شده بود.
- خوب به چه منظور به سازمان ملل رفتن؟
- اونم به خاطر همین موضوع.
- خوب به نظرت با این کارها وجهه کشور کره رو مطلوب و پسندیده و جهانی نشون ندادن؟
- خب آره.
- بنیان‌گذار بی‌تی‌اس رو می‌شناسی؟
- آره. بنگ پی دی نیم بنیان‌گذار بی‌تی‌اس هست.



- حالا به جز این هیت گرفتن‌ها تا حالا شده که شایعه دیگه‌ای برای گروه ایجاد بشه؟
آره، شایعه قرار گذاشتن اعضاء بی‌تی‌اس با اعضاء بلک‌پینک، البته حاشیه درست می‌کنن و واقعیت نداره، حتی خود آرمی‌ها درست می‌کنن که مثلاً شایعه کرده بودن که جنی و تهیونگ باهم قرار می‌ذارن و برای این جور شایعه‌ها عکس‌هایی رو هم ادیت می‌زدن، ولی خب بعداً کمپانی بیگ هیت تکذیب کرد اینا رو.
- خوب به نظرت کمپانی تاحدی روشن کنترول داره که گرایش جنسی مخالف اونچه که واقعاً دارن رو به طرفدارها بیان کنند؟
نه، چون کلاً آرمی‌ها نمی‌دونن که گرایش اعضاء چی هست.
- خوب به نظرت این شیپ‌هایی که می‌گی رو خود کمپانی از قصد ایجاد نکرده یا کاری نکرده که آرمی‌ها این طور حسی کنن که مثلاً تهیونگ با جنگ کوک هست؟
نه.
- یعنی برای افزایش طرفدار و ایجاد حاشیه کمپانی حاضر نیست همچین کاری کنه؟
تا جایی که من می‌دونم نه.



- از کجا می‌دونی؟
از رسانه و اخباری که دنبال می‌کنم.
- مطمئنی مناعت موثق هست؟
آره، مطمئنم.
- تو که این قدر پیگیری این گروه هستی به کارها و درس‌ها تون می‌رسیدی کنی؟
نه، واقعیتش نمی‌رسم و ذهنم رو گروه خیلی مشغول خودش می‌کنه.
- می‌شه یه مثال زنی که چه طوری تو رو مشغول خودش می‌کنه؟
مثلاً آدم یه ویدیو می‌بینه، بعد ذهنم رو به خودش مشغول می‌کنه.
- خوب مثلاً چه فیلم‌هایی؟
فیلم فن ساین.

- چه طوری ذهنت رو به خودش مشغول می‌کنه؟
مثلاً وای اعضای این طوری با آرمی‌ها برخورد می‌کنند.



- حالا برخوردشون خوبه یا بد؟

عالیه خیلی خوبه.

- از چه نظر خوبه؟

خب رفتارشون خوبه حرف‌هاشون هم خوبه.

- خوب چه حرف‌هایی می‌زنن که خوبه؟

حرف‌های امیدبخش.

- و حرف‌هاشون روی تو تأثیر می‌گذاره؟

آره.

- تا حالا شده تو این مسیر بهت لطمه و صدمه‌ای وارد شه؟

آره، از نظر روانی آسیب دیدم نتونستم به درس‌هام برسم و از همین طریق بهم فشار میاد و یا مثلاً از اون ور باید درس بخونم و از اون ور دوست دارم یه نگاهی بندازم و بفهمم که توی بی‌تی‌اس چه خبر شده و کلاً دیگه نمی‌تونم به هیچ‌کدوم از کارام برسم.

- از نظر سلامت جسمانی چه طور تا حالا صدمه‌ای دیدی؟

بدنی نه زیاد، بیش‌تر همون روحی روانی که گفتم.

- خوب این که گفتمی بایست و کراشت تهیونگ هست، چرا دوستش داری و چه بعدی ارزش تو رو جذب خودش کرده؟



خب شخصیت‌اش رو دوست دارم، البته از شخصیت اصلی‌اش خبری ندارم، چون در زندگی واقعی ممکنه طور دیگه‌ای باشه و من آهنگ‌هاش رو بیش‌تر دست دارم و صداس و اینا.

- تا حالا شده به خاطر بی‌تی‌اس که مثلاً فلان خواننده بهشون توهین کرده، دیگه اون خواننده رو دنبال نکنی؟

آره بعضی آدم‌ها که اومدن به اینا هیت دادن و با اینا بد رفتاری کردن، دیگه احساس می‌کردم که اون آدم مرده برام.

- تا حالا در مورد دوستان خودت هم همچین اتفاقی افتاده که اون‌ها هم هیت بدن؟

آره شده و من باهاشون قطع ارتباط کردم.

- مابقی دوستانهات که آرمی اند، هم همین کارها رو می‌کنن؟

آره، همین طوری اند.

- مثل کی؟

مثل ساسی مانکن که با یه لحن بدی اومد گفت اینا دیگه کی ان و اونا رو مسخره می‌کرد، البته از اول هم ازش بدم می‌اومد.

- تا حالا شده با فن‌های گروه‌های دیگه به مشکل بر بخورید و یا بحثتون بشه؟

نه، آخه ما ربطی بهم نداریم، من شده که با آرمی‌ها بحثم شه و مثلاً بلینک‌ها با استی‌ها اصلاً کاری ندارن.

- خوب می‌خواستم بدونم خود مردم کره نظرشون راجع به بی‌تی‌اس چیه؟

خب خیلی طرفدارشون ان و کنسرتاشون می‌رن و ازشون حمایت می‌کنن.

- بعد از این که آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو گوش می‌دی، چه حسی بهت دست می‌ده؟

بستگی داره شاد باشه، دارک باشه.

- منظورم این که غالباً چه حسی بهت می‌ده؟

خب کلاً حس خیلی خوبی رو منتقل می‌کنه.

- گفتمی کمپانی گفته می‌خوایم با هیترها مقابله کنیم، خب این مسأله فقط در حد حرفه یا عمل هم بهش کرده؟

مثلاً گفته که با اون‌هایی که هیتر خیلی بدی اند، ازشون شکایت می‌کنیم و یه هیتری بود که می‌اومد قیافه اعضا رو خیلی ترسناک

می‌کرد که اسم پیجش رو هم گذاشته بود: بان کوک و خیلی از آرمی‌ها گفتن که این رو بلاکش کنیم و به بیگ هیت گزارشش رو هم

بدیم که شکایت ازش بکنن، حتی در این حد بودن می‌اومدن ورد و کلمات مرگ می‌خوندن و می‌گفتن برای جونگ کوک و وقتی هم

دلیل این کاراشون هم می‌پرسیدن می‌گفتن حوصله‌مون ازش سر رفته.

- خوب تعداد این جور افراد زیاد نیست؟

نه، چون تعدادشون کم بود و توی هر شبکه اجتماعی یه پیجی زده بودن.

- خوب فکر نمی‌کنی که از یه جایی به بعد بی‌تی‌اس تکراری بشه و دل طرفدارهاش رو بزنده؟

نه، چون توی کار اونا خیلی تنوع وجود داره.

- یعنی آرمی‌ها از اعضا زده نمی‌شن؟

نه.

- خوب چرا؟

خب چون اعضا هم کارای متنوعی انجام می‌دن.

- تو در مورد دینی هم که اعضا دارن اطلاعاتی داری؟

نه، چون توی کره زیاد دین‌هاشون معلوم نیست و دین‌هاشون متفاوت ان، دین بودا دارن، مسیح و اینا تو کشورشون هست، پس خیلی

معلوم نیست.

- خوب آیا اعضا در مورد مدلینگ بودن‌شون، مستقل اند؟

- نه، اونجا هم کمپانی بهشون می‌گه چی بپوشن.
- بازیگری چه طور؟
به نظرم اون دسته خودشونه، چون این کمپانی فقط مربوط به آهنگ و ایناست.
- خوب تو این رو از کجا می‌دونی؟
چون خودشون گفته بودن که می‌خوایم کار بازیگری رو شروع کنیم و من فکر می‌کنم که دست خودشونه.
- خوب این که خودشون گفتن رو از کجا فهمیدی؟
چون توی برنامه وی‌ورس می‌داشتن و از پیج‌هایی که ترجمه می‌کنن من فهمیدم که اونا می‌خوان برن بازیگری.



- آهان، پس این طوریه.
- خوب در مورد تک تک اعضا آیا همه‌شون از اول در صنعت موسیقی بودن و هدف‌شون همین بوده یا نه؟
همه‌شون که نه، البته من در مورد همه‌شون اطلاع ندارم، ولی مثلاً تهیونگ می‌گه که من نمی‌خواستم خواننده بشم و با دوستم اومده بودیم که اون تست برای خوانندگی، ولی خب اون رد شد و از منم یه تست گرفته شد و خب من قبول شدم و تهیونگ زیاد قصد این نداشته که بیاد خواننده شه.
- چه تستی؟
منظورم تست خوانندگی هست، می‌رفتن تست می‌دادن و اگر قبول می‌شدن اونجا کارآموز می‌شدن.
- و کارآموزی‌شون به چه صورت هست؟
کارآموزی برای وقتی هست که اون گروه تشکیل نشده و داره کم‌کم تشکیل می‌شه و اعضای اون میان و اسم گروه انتخاب می‌شه و کم‌کم می‌ره توی صنعت سرگرمی و خیلی شناخته می‌شه و بعدش دیگه آلبوم و آهنگ می‌دن بیرون.
- خوب این روند چند سال طول می‌کشه؟
برای بی‌تی‌اس یه ۵، ۶ سال طول کشیده که خیلی شناخته و معروف بشن.
- پس از اول این طور معروف نبودن؟
نه، نبودن، یه چند سال تلاش کردن و اون اوایل بلیط‌هاشون رو رایگان می‌دادن بین مردم و می‌گفتن که بیاید به کنسرت ما و کنسرت‌مون هم رایگانه اون اوایل این طور بود و کم‌کم رشد پیدا کردن و الآن هم که خیلی معروف شدن.
- در مورد شرایط کارآموزی چیزی می‌دونی؟
صدا مهمه، هیكلت مهمه و وزن و اینا و قیافهات مهمه، حتی برای این که قیافهات بهتر شه، ممکنه ببرن عمل جراحی صورت و اینا و آره مثلاً حتی موهات هم مهمه انگاری که باید همه چیزات رو تغییر بدی.
- خوب قبل‌تر گفته بودی که جراحی انجام نمی‌دن، الآن گفتی انجام می‌دن کدوم درسته؟
وقتی نیاز باشه از نظر کمپانی انجام می‌دن.

- یعنی حتی این جور چیزها هم به خواسته کمپانی هست؟
آره.

- یعنی اون جا یه سری کارشناس وجود دارن که می‌گن چی کار کن چه کاری نکن؟
نه کارشناسی وجود نداره، همون کمپانیه که تصمیم می‌گیره و می‌گه مثلاً برای این که خیلی طرفدار پیدا کنی باید یه سری کارها رو انجام بدی.
- خوب سوالات من همین جا به اتمام رسید، ممنونم که توی این مصاحبه من رو همراهی کردی.
خواهش می‌کنم.

تأملی دوباره

الناز ۱۲ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.
الناز در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: پذیرش این اندیشه از سوی کمپانی که لازمه شهرت بیشتر، تحمل فشار بیشتر است، انتظار رفتار ربات مانند ستاره‌ها توسط کمپانی، تبلیغات پیشرفته و هوشمند کمپانی، تلاش برای مقابله با شیپ کردن اعضای بی‌تی‌اس، تناقض‌های موجود بین رفتارها و شعارهای کمپانی گروه بی‌تی‌اس، بی‌توجهی کمپانی به سلامت جسمانی ستاره‌ها، بی‌توجهی کمپانی به سلامت روانی ستاره‌ها، وارد شدن فشار روانی بر الگوها از سوی کمپانی و هویت‌یابی افراد بی‌هویت در ذیل گروه‌های کی‌پاپ، اشاره داشته است.
الناز ۱۲ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: اهمیت دادن الگوها به طرفدارهایشان، تناقض‌های موجود بین رفتارها و شعارهای اعضای گروه بی‌تی‌اس، جنسیت‌زدایی ستاره‌ها از آرایش، هویت‌یابی افراد بی‌هویت در ذیل گروه‌های کی‌پاپ، اشاره داشته است.
الناز در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: انگیزه‌بخشی گروه بی‌تی‌اس، آشنایی با گروه بی‌تی‌اس در جریان گوگل کردن، جهانی شدن، جهانی اندیشیدن، اثرپذیری عمیق هواداران از الگوهای گروه بی‌تی‌اس، اثرپذیری ارزشی از گروه بی‌تی‌اس، تمایل طرفداران به الگوبرداری از الگوهای گروه بی‌تی‌اس، حمایت افراطی از الگوهای گروه بی‌تی‌اس، تلاش برای هوادار کردن دیگران، ارتقای ظرفیت‌های خویش (مسئولیت‌پذیری اجتماعی) در جریان طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، ارتقای مهارت‌های اجتماعی هواداران، آموزش فعال هواداران، مسئولیت‌پذیری اجتماعی برخی از هواداران، ارتقای ظرفیت‌های خویش در جریان هواداری از گروه بی‌تی‌اس، عشق‌ورزی به گروه، یادگیری زبان، الزام فنی شدن طرفداران در جریان هواداری آنان، اخذ استانداردهای زیباشناختی از فرهنگ کره، بروز اندیشه مهاجرت در برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس، تحول در روابط اجتماعی (برخی از هواداران در برخورد با قضاوت شدن و توهین دیدن از سوی دیگران، به شکل هیجانی از خودش واکنش نشان می‌دهند)، برخوردهای هیجان‌مدار نشأت گرفته از کاربری از گروه و فضای مجازی، هیجان زده شدن با دیدن ارتش بزرگ طرفداران بی‌تی‌اس، زیربنای هیجانی انتخاب گروه توسط بسیاری از هواداران، پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار با دیگران، ایجاد تنش و تعصب با بقیه افراد، پیشه کردن ذهن‌خوانی دیگران در جریان برخوردهای هیجان‌مدار، مواجه شدن با برخورد هیجانی در گروه بی‌تی‌اس و پیشه کردن این برخوردها در کل زندگی خویش، کنار رفتن ابعاد شناختی در تلاطم عواطف هواداران، توهم‌زدگی برخی از هواداران، سرخوردگی‌های بعدی برخی از هواداران، درگیر شدن در محدودیت اجتماعی با طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، بازماندن برخی از هواداران در تفکر عینی خویش، بی‌تفاوت شدن به هم‌جنس‌گرایی، پذیرش ارزش‌های ترویج شده بی‌تی‌اس -مانند هم‌جنس‌گرایی-، مواجه شدن با تناقض‌های رفتاری اعضای گروه بی‌تی‌اس، پذیرش جنسیت‌زدایی از آرایش، آسیب خوردن روانی طرفداران و رسیدن به اختلاف‌های خانوادگی در جریان حمایت از گروه بی‌تی‌اس، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه الناز ۱۲ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، الناز در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی - عقیدتی، زیباشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

الناز در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: انگیزه‌بخشی گروه بی‌تی‌اس، آشنایی با گروه بی‌تی‌اس در جریان گوگل کردن، عشق‌ورزی به گروه، پیشه کردن ذهن‌خوانی دیگران در جریان برخوردهای هیجان‌مدار، مواجه شدن با برخورد هیجانی در گروه بی‌تی‌اس و پیشه کردن این برخوردها در کل زندگی خویش، کنار رفتن ابعاد شناختی در تلاطم عواطف هواداران، توهم‌زدگی برخی از هواداران، سرخوردگی‌های بعدی برخی از هواداران، بازماندن برخی از هواداران در تفکر عینی خویش، بی‌تفاوت شدن به هم جنس‌گرایی، پذیرش ارزش‌های ترویج شده بی‌تی‌اس - مانند هم جنس‌گرایی -، مواجه شدن با تناقض‌های رفتاری اعضای گروه بی‌تی‌اس، پذیرش جنسیت‌زدایی از آرایش و آسیب خوردن روانی طرفداران، یاد کرده است.

الناز در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: جهانی شدن، جهانی اندیشیدن، اثرپذیری عمیق هواداران از الگوهای گروه بی‌تی‌اس، تمایل طرفداران به الگوبرداری از الگوهای گروه بی‌تی‌اس، حمایت افراطی از الگوهای گروه بی‌تی‌اس، تلاش برای هوادار کردن دیگران، ارتقای ظرفیت‌های خویش (مسئولیت‌پذیری اجتماعی) در جریان طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، ارتقای مهارت‌های اجتماعی هواداران، آموزش فعال هواداران، مسوولیت‌پذیری اجتماعی برخی از هواداران، ارتقای ظرفیت‌های خویش در جریان هواداری از گروه بی‌تی‌اس، بروز اندیشه مهاجرت در برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس، تحول در روابط اجتماعی، برخوردهای هیجان‌مدار نشأت گرفته از کاربری از گروه و فضای مجازی، هیجان زده شدن با دیدن ارتش بزرگ طرفداران بی‌تی‌اس، زیربنای هیجانی انتخاب گروه توسط بسیاری از هواداران، پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار با دیگران، ایجاد تنش و تعصب با بقیه افراد، ارتقای ظرفیت‌های اجتماعی خویش و درگیر شدن در محدودیت اجتماعی با طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: شیفتگی به فرهنگ کره، سخن گفته است. الناز در توصیف «اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: یادگیری زبان، الزام فنی شدن طرفداران در جریان هواداری آنان، سخن گفته است.

الناز در توصیف «اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: اثرپذیری ارزشی از گروه بی‌تی‌اس، یاد کرده است. مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: اخذ استانداردهای زیباشناختی از فرهنگ کره، سخن گفته است.

الناز در توصیف «اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: رسیدن به اختلاف‌های خانوادگی در جریان حمایت از گروه بی‌تی‌اس، سخن گفته است.

از بیانات اخیر الناز ۱۲ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با پونه، ۱۸ ساله

...حتی من تو خیلی از فیکشن‌ها دیدم که رابطه با اعضای خانواده رو دارن نرمالایز می‌کنن.

- خوب اول می‌شه بگی چند وقته که طرفدار بی‌تی‌اس و کی‌پاپ هستی؟
حدوداً سه ساله.

- چه طور باهاشون آشنا شدی؟
از طریق یکی از دوستانم تو مدرسه.
- کلاس چندم بودی؟

نهم بودم.

- چی شد که جذبشون شدی، می‌شه توضیح بدی؟

کلاس نهم یکی از هم‌کلاسیام بود که پشت سرم می‌نشست. بعد همیشه کیفش پر از پیکسل‌های بی‌تی‌اس بود. منم اون زمان خیلی با کی‌پاپ آشنا نبودم. یه بار ازش پرسیدم اینا کی ان که زدی به کیفیت. اونم شروع کرد توضیح دادن و بهم گفت بیا فن‌شون بشو، خیلی خوب ان و عاشقشون می‌شی. من اون اول خیلی توجه نکردم و جذب نشدم راستش. ولی بعد دوستم تو تلگرام و اینستا از بی‌تی‌اس برام مطلب می‌فرستاد. منم دیدم و کم‌کم خوشم اومد ازشون. بعد آهنگاشون رو گوش کردم و حال کردم. از اون به بعد آرمی شدم.



- پس دوستت باعث شد که سمت کی‌پاپ و بی‌تی‌اس بری؟
آره.

- اون موقع که دوستت مطالب می‌فرستاد، چی بیش‌تر تو رو جذب خودش کرد که طرفدارشون بشی؟
بامزه و خوشگل بودن. بعد یادمه مصاحبه و مومنت از کنسرتای بی‌تی‌اس می‌فرستاد. منم خیلی می‌خندیدم با اونا. خودم می‌رفتم تو یوتیوب کلی ویدیو می‌دیدم ازشون. بعدشم که توئیتر ریختم و وارد فضای فن‌دوم شدم، خوشم اومد حس و حالم عوض می‌شد. علاوه بر خود گروه، جذب فن‌دومم شدم.



- ظاهرشون رو دوست داشتی؟

آره. بیش‌تر از همه هم نامجون رو دوست داشتم. ولی خب بقیه‌ی پسرا روهم دوست داشتم، می‌دونم کلاً یه چیز جدیدی بودن برام. شاید باورت نشه من اون موقع طرفدار رپ فارسی بودم، آهنگای رپ گوش می‌دادم. اصلاً فکر نمی‌کردم یه روز فن گروه کره‌ای بشم. ولی وقتی دوستم بهم معرفی کرد و اینا رو دیدم، خیلی جذاب و جالب بودن از نظرم. لباساشون. این که دنس گروهی داشتن. یا فن‌میتینگ داشتن. اینا واسه من جالب بود. برای همین افتادم دنبال‌شون و اطلاعات جمع کردم در موردشون.

- فن‌میتینگ چیه؟

توی فن‌میتینگ اعضای بی‌تی‌اس میان با آرمیا ملاقات می‌کنن و توی اون ملاقات، حالا بازی می‌کنن یا آهنگ می‌خونن و بعضی وقت اهم آرمیا رو سوپرایز می‌کنن. یه حالت کنسرت جمع و جور داره. بعد یه چیز دیگه هم هست بهش می‌گن فن‌ساین. که فن‌ساین یه کم با فن‌میتینگ فرق داره. حالت خصوصی‌تر داره بعد فنا میان با اعضای دیدار می‌کنن و امضاء می‌گیرن و عکس می‌اندازن و صحبت می‌کنن کلی به طرفدارا عشق می‌دن و همین‌طور طرفدارا به پسرا. بعد یه چیز قشنگی که هست اینه اگر مثلاً یه آرمیه مسلمان بره توی فن‌میتینگ کاملاً بهش احترام می‌ذارن و بهش دست نمی‌زنن، مگر این که خودش بخواد و خیلی با محبت برخورد می‌کنن باهاش. مثل بقیه‌ی فنا.



- بیش‌تر جذب ظاهرشون شدی تا آهنگ اون‌ها؟

آره. البته آهنگاشونم دوست داشتم، وقتی که دیگه تصمیم گرفتم فن‌شون بشم و دنبال‌شون کنم. ولی خب آره بیش‌تر چهره و تیپ‌شون جذبه کرد، بعد رفتم سراغ آهنگ اون‌ها.

- بیش‌تر چه ویژگی از ظاهرشون رو دوست داشتی؟

اول خب قیافه‌شون. نامجون و تهیونگ و کوک از نظرم خیلی خوشگل بودن. البته همه‌شون قشنگ بودن، ولی اینا بیش‌تر از نظرم خوشگل بودن. بعد این که یه سر رفتم اینستاگرام بی‌تی‌اس و یه سری عکس فوتوشوت ازشون دیدم و این جوری بودم که گرررررررر آریو کیدینگ می؟ من چرا شما رو تاحالا نشناخته بودم. البته اسم‌شون رو شنیده بودم. حتی چند بار هم تو این پیجای خبری عکساشون رو دیده بودم، اما توجهی نکرده بودم. آره داشتیم می‌گفتم که تو اینستا عکس و ویدیوهاشون رو دیدم و جدی نتونستم در برابر این همه زیبایی مقاومت کنم. خیلی زیبا بودن از نظرم و کلاً از همه چیزشون خوشم اومد. بعدم که صدا و آهنگاشون رو شنیدم خوشم اومد. بعد خیلی برام جالب بود نوع لباس و ظاهرشون.

من تو هالیوود و خواننده‌های غربی دیده بودم که پسرا مثلاً بعضی وقتا یه ته میکاپی دارن یا لاک می‌زنن و این چیزا. تو اون زمانم که من فن رپ فارسی بودم، فکر کن آهنگ یه سری ریش و سیبیل دار (باخنده و شوخی) رو گوش می‌دادم، از نظرم خیلی کار مسخره‌ای بود و با خودم می‌گفتم که چرا پسر باید مثلاً لاک بزنه یا همیشه هری استایلز رو می‌دیدم که مثلاً تابوشکنی می‌کنه و با دامن و پیراهن عکس می‌اندازه، اما خب همیشه برام عجیب بود. نه این که مثلاً بدم بیادا یا هیت بدم. فقط می‌گفتم خب مثلاً که چی. ولی بعد که با بی‌تی‌اس آشنا شدم، دیدم که مثلاً میکاپ دارن، خیلی ارتباط برقرار کردم. نه که کلاً صورتای نرم و قشنگی دارن، برای همین میکاپ خیلی بهشون می‌اومد و منم دیدم و دوست داشتم. یعنی وقتی فوتوشوت و عکساشون رو دیدم، نگفتم چه کاریه وا. خوشم اومد. موهاشون رو می‌دیدم، خیلی برام جالب بود که بیش‌ترشون موهاشون رو رنگ کردن و رنگای قشنگی هم می‌داشتن که خوشگلی‌شون رو صد برابر کرده بود. این چیزاشون از نظرم خیلی جالب و قشنگ بود یا مثلاً جدای از همه‌ی اینا، دنس گروهی‌ای که داشتن خیلی برام جدید بود.



در کل بی‌تی‌اس اولین گروهی بود که آشنا شدم و آره همه چیزشون به چشمم ناآشنا و متفاوت و جدید بود و مجموعه‌ای از همه چیزشون بود که من دیدم و خوشم اومد و دیگه طرفدارشون شدم.

- پس در واقع بی‌تی‌اس باعث شد نگاهت نسبت به یک سری چیزها تغییر کنه؟

در واقع می‌تونم این طور بگم که بی‌تی‌اس نه تنها نگاه من رو، بلکه همه چیز من رو تغییر داد، نگاهم رو به همه چیز، نوع تفکراتم، سلیقه‌هام. خیلی چیزها. من تا قبل از بی‌تی‌اس همون طور که گفتم، من تا قبل از این که عکسای بی‌تی‌اس رو ببینم و حالا با سبک آرایش و میکاپ و این چیزشون آشنا بشم، اگر این چیزها رو می‌دیدم که یه خواننده‌ی دیگه مثل هری استایلز یا هر کس دیگه‌ای انجام می‌ده، می‌گفتم لازم نیست یا می‌گفتم خب پسرا چرا باید همچین حرکت‌هایی بزنن، ولی خب وقتی بی‌تی‌اس رو دیدم، نگاهم به خیلی چیزها تغییر کرد. دیگه برام عجیب نبود این چیزها و دیگه به این کلیشه‌های جنسیتی اهمیتی نمی‌دم، نگاهم به ال‌جی‌بی‌تی خیلی تغییر کرد. البته اینا رو دارم می‌گم بهت، به خاطر اینه که خودت اولش گفتی هر چی بود رو بدون مخفی کردن و خجالت بگما. وگرنه یه کم خودم چیزم الان که اینا رو دارم می‌گم.

- راحت باش مشکلی نداره عزیزم. خب نگاهت به هم‌جنس‌گراها هم تغییر کرد پس قبلش این چیزها رو قبول نداشتی؟

نه این که قبول نداشته باشم. چون دیده بودم تو مدرسه یکی از دوستانم این لزیبینه و با رابطه‌ی دختر با دختر یه کم آشناییت داشتم و مشکلی باهاش نداشتم، ولی رابطه‌ی پسر با پسر و کاپلای گی رو خیلی درک نمی‌کردم. ویرد (عجیب) بود برام. اما بعدش که خب با بی‌تی‌اس آشنا شدم و دوستم در مورد گرایش پسرا و روابطشون باهام صحبت کرد، تازه دوزاریم افتاد و دیگه مثل قبل نبود که ناآشنا باشم با این روابط. بعد جدای از اون وقتی می‌دیدم که خود پسرا چه قدر به هم‌جنس‌گراها احترام می‌ذارن و ازشون حمایت می‌کنن، خب من کی باشم که بخوام توهین کنم. متوجه شدم که یه چیز کاملاً طبیعی‌ه که باید بهش احترام بذارم.

- مگه روابط و گرایش اعضای بی‌تی‌اس رو می‌دونی؟

نه، ولی خب یه سری نشونه‌ها می‌دن به فنا. بعد خب کلاً کره کشور هموفوبیه (هم‌جنس‌گراستیز)، نمی‌تونن این قدر راحت کام اوت کنن. ولی خب با حرفی حرکتی چیزی نشون می‌دن.

- چه نشونه‌هایی می‌دن، می‌شه مثال بزنی؟

مثلاً همین چند وقت پیش جیمین یه سری شوت منتشر کرد که توش پر از نمادهای ال‌جی‌بی‌تی و بایسکشوالا بود. فنا رفتن تحلیل کردن و آمارش رو درآوردن، دیدن بله، جیمین در واقع با عکساش کام اوت کرده. من یه سری خبر مخفی خوندم حتی در مورد جیمین که گویا دوست پسر هم داره. البته من خودم چون کوکمین شیپر هستم، می‌گم که جیمین و کوکی باهم هستن. ولی خب خیلی‌ها هم باور دارن که یک دوست پسر مخفی داره. خیلیا هم می‌گن یونگیه (می‌خندد)، ولی خب خیلی بعید می‌دونم.





dimin's home (vibe 🍷)
Album
راستی گردن‌بندشم رنگین کمونیه. تیر اخر. 2.4K 11:29 AM

dimin's home (vibe 🍷)
به چیزی بگم اونایی که میگن ” جوگیر شدید
الکی از خودتون برداشت میکنید و یا شاید
حامی باشه ” بچها! واقعا نمیبینید تو ترجمه
ها چند بار نوشتم جیمین تنها هدفش از این
فوتو فولیو نشون دادن شخصیت و رنگای
خودش بود؟ برداشت؟ شما یه دلیل تو این
چپتر بگو من بگم راست میگی همیشه گفت.
عزیزم. یه برداشت نیست. چندین برداشته.
بعدشم گفتم هیچ وقت تا موقعی که خودش
درمورد گرایشش به طور مستقیم نگفته
نمیتونیم بگیم ۱۰۰ درصد. ولی هر آدم عاقلی
دیگه ۷۰ / ۸۰ درصد رو میفهمه، نمیفهمه؟ 🤔
جیمین داره خودشو نشون میده.



تتوی " FREE L♂VE " جیمین به معنای عشق آزاد هست یعنی عشق بدون محدودیت. در واقع free love یه جنبش اجتماعی بوده که توی قرن نوزدهم شروع شده و کسانی که جنبشو راه انداختن خواهان عدم دخالت دولت توی روابط احساسی و جنسی که یه مسئله خصوصیه بودن مثل روابط جنسی بدون ازدواج یا همجنسگرایی و ... هدف اولیه این جنبش جدا کردن دولت از مسائل جنسی و عاشقانه بود و افراد پیرو معتقدند که محدودیتی برای عشق تعریف نشده و همه اشکال اون پذیرفته شدست. این علامت هم نشونه ی پسره.

- تو خودت بر چه اساسی می‌گی که این دوتا باهم هستن؟

توی کنسرت و مصاحبه‌ها خیلی شبیه کاپالا رفتار می‌کنن. البته بین خیلی‌ها هم می‌گن که چون جونگ‌کوک با یونگی در ارتباطه پس کوکمین ریل (واقعی) نیست. ولی خب من خودم به نظرم رابطه‌ی ته‌کوک ریل نیست و چون صرفاً بیش‌تر شیپ می‌کنن، کمپانی بیش‌تر بهشون می‌گه که حرکتی چیزی بززن. ولی داستان کوکمین فرق داره. اصلاً وایب این رو نمی‌دن که مثلاً از روی اجبار یا مثلاً واسه جذب مخاطب حرکتی می‌زنن. مشخصه که یه حسی بین‌شون هست (:

- یعنی چی که کمپانی می‌گه حرکتی بززن؟

ببین اگر نگاه کنی بین طرفدارای کی‌پاپ می‌بینی که خیلی بیش‌تر از جاهای دیگه شیپ می‌کنن اعضای خودشون رو باهم. خب قطعاً امکان نداره که همه‌ی اعضای گروه‌ها باهم دیگه رابطه داشته باشن. خب پس یه جای کار می‌لنگه دیگه. قضیه از این قراره که توی کی‌پاپ، کمپانی‌ها میان اعضای یک بند رو آموزش می‌دن تا بیان توی کنسرت و مصاحبه‌ها و جاهای مختلف دوتایی یک سری حرکت باهم بززن. مثلاً هم رو لمس کنن. به هم خیره بشن یا مثلاً در مورد هم صحبت کنن یا مثلاً اگر یکی دیگه از اعضا به یکی از این دوتا به اصطلاح کاپل محبتی کرد یا لمسش کرد، یه جور رفتار کنن که انگار حسودی می‌کنن یا دوست ندارن. همه‌ی اینا رو بهشون می‌گن و توجیه‌شون می‌کنن. بعد فنا که اینا رو می‌بینن، خوش‌شون میاد و شروع می‌کنن به ساخت یه سری تئوری و داستان، براشون فن آرت می‌کشن، در موردشون فیکشن می‌نویسن. فن پیچ می‌زنن و کلی کارای دیگه. بعد کلی طرفدار پیدا می‌کنه اون شیپ و خب می‌دونی این شیپ و کاپلای گی، خیلی خیلی زیاد تو جذب مخاطب تأثیر دارن. من خودم چندتا دوست دارم تو توییتر که به واسطه‌ی شیپ تهیونگ و کوک اومدن و آرمی شدن و الان دیوانه‌وار عاشق تهکوک هستن.

تو بی‌تی‌اس شیپ‌های زیادی هست که البته معروف‌ترین شون تهیونگ و کوکه، قبل از تهکوک یه شیپ دیگه هست که اون خیلی بیش‌تر طرفدار داره اونم شیپ تهیونگه. اونم خیلی تابلو فیکه و مشخصه که برای جذب مخاطب بیش‌تر دارن این جور نشون می‌دن که جنی و تهیونگ باهم هستن. بعد از این شیپ کوک و تهیونگه که بیش‌ترین طرفدار رو داره. ولی خب خیلیا جیمین و کوک یا جیمین و یونگی رو شیپ می‌کنن یا نامجون و جین رو هم شیپ می‌کنن. این وسط فقط جیهوپه که با کسی شیپ نمی‌شه و شاید باور نکنی، اما من مطمئنم اگر جیهوپ با کسی شیپ می‌شد، خیلی خیلی بیش‌تر از اینی که هست بهش توجه می‌شد. کلاً جیهوپ خیلی مظلومه تو گروه.

- یعنی فرق می‌گذارن بین جیهوپ با بقیه؟

آره، طرفدارا اصلاً بهش توجه نمی‌کنن و واقعاً بهش کم توجهی می‌شه در صورتی که جیهوپ خیلی زیاد استعداد داره. تازه الان که خوبه. من شنیدم اون اوایل خیلی بدتر بوده و کلی بهش هیت می‌دادن و بهش بی‌توجهی می‌کردن. مثلاً می‌اومده لایو، بعد فنا می‌گفتن برو بگو یکی دیگه بیاد، ما نمی‌خوایم تو رو ببینیم. جوری که خود جیهوپ چندین بار گفته من می‌دونم که آرمی‌ها من رو دوست ندارن. الان خیلی بهتر شده، اما خب هنوزم بهش بی‌توجهی می‌کنن بچه‌ام رو.

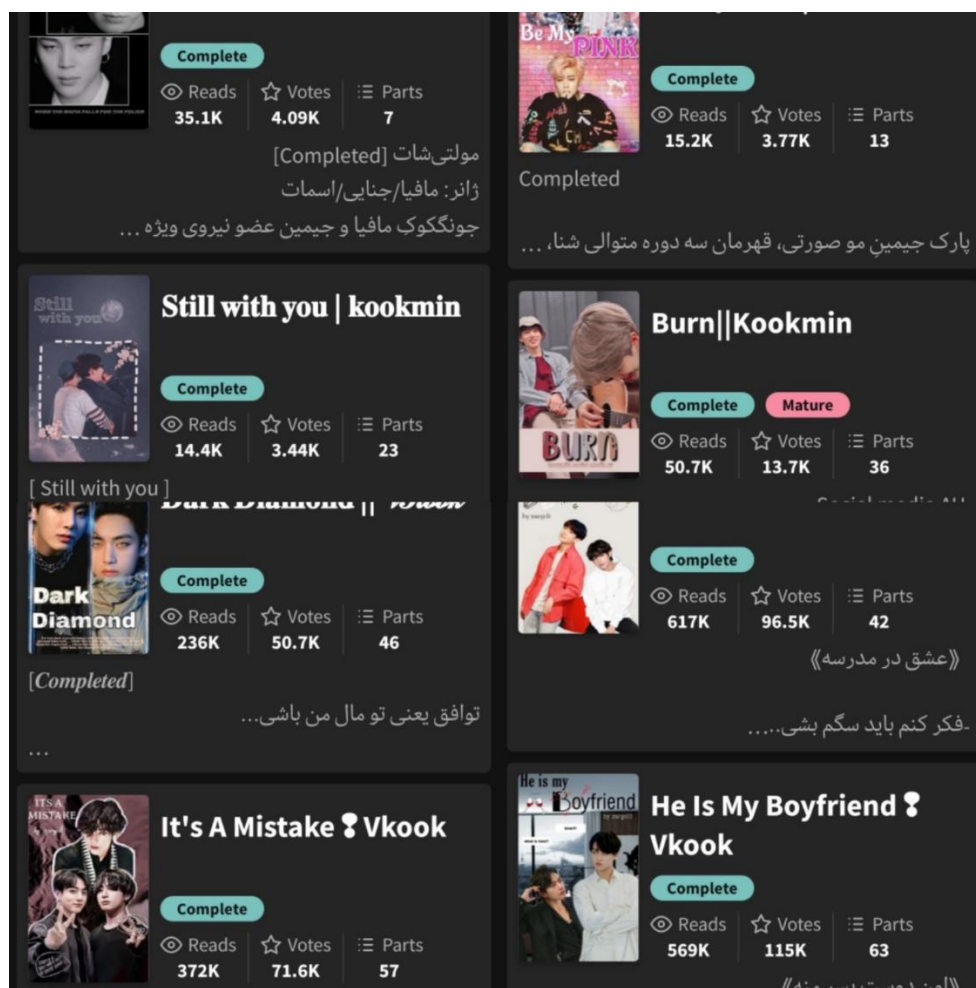
- فن فیکشن چیه؟

یه برنامه هست، اسمش واتپده که این خیلی ساله ساخته شده. بعدش این برنامه برای نویسندگی و خوندنه. حالا یه سری‌ها میان کلاً هر چیزی که بخوان رو توش می‌نویسن و لزوماً در مورد این شیپ‌های گروه‌های موسیقی نیست. اما یه بخش بزرگی از واتپد مال همین نوشته‌های طرفدار هست. طرفدارها در این نوشته‌ها میان در مورد شیپ‌های مورد علاقه خودشون یا حتی در مورد آرتیست مورد علاقه خودشون داستان می‌نویسن. خیلیا میان می‌خونن و کامنت می‌ذارن و ووت (رای) یا لایک (پسند) می‌دن. توشم فقط ایرانیا نیستن. کلی نویسنده خارجی هست که میان می‌نویسن، حالا این واتپده.





جدای از واتپد خب خیلیا هم میان توی تلگرام یا اینستاگرام داستانشون رو می‌نویسن و به اشتراک می‌ذارن با خواننده‌ها. بعد خب این داستانا خیلییییی زیاد مخاطب داره، من خودم تا الان شاید نزدیکه ۳۰۰ تا بوک فقط تو واتپد خوندم از کوکمین و شیپ‌های دیگه. خیلی هم جذاب ان. یو نو؟



- این داستان‌ها در مورد چی هستن؟

داستانای مختلفی دیگه. همه جور موضوعی داره. از جنایی و درام و عاشقانه بگیر تا پلیسی و کمدی و تخیلی. بعد توش دوتا کاپل از همین آرتیستا شخصیت اصلی ان که حالا داستان در مورد اونا جلو می‌ره.

- تو خودت چه سبک و ژانری رو دوست داری و چه قدر برای خوندن این موارد وقت می‌گذاری؟

من تقریباً هر روز می‌رم واتپد و فیک می‌خونم. البته الان یه کم به خاطر نت و اینا نمی‌تونم زیاد برم و صرف وقت کم‌تر شده. یه وقتایی بود که تو یه روز دوتا فیک تموم می‌کردم. یه جورایی می‌تونم بگم تو واتپد چتر شدم. معتاد محسوب می‌شم (می‌خندد)، و این که کلاً برام موضوع مهم نیست. قلم یه نویسنده رو خوشم بیاد می‌خونم. دیگه مهم نیست که موضوع و ژانرش چیه. قشنگ باشه، می‌خونم. البته اینم بگم قلم قشنگ باشه، ولی مثلاً موضوع زننده و خیلی بدی داشته باشه رو نمی‌خونم. چون خیلیا قلم‌شون قشنگه، ولی محتوایی که داستان‌شون داره خیلی مزخرفه.

- مثلاً چه داستانی از نظرت مناسب نیست؟

ببین داستانم نمی‌دونم می‌شه گفت. ژانر بگم، چی بگم. بخوام مثال بزنم یه فیک هست تو واتپد که کاپلش ته‌کوک. من خب فقط کوکمین نمی‌خونم که. کاپلای دیگه رو هم می‌خونم، بعد تو فکر کن معروف‌ترین فیک ته‌کوک که خیلی هم خواننده داره و اسمش دزیره هست، محتوای داستانش پدوفیلیه. قلم نویسنده‌اش عالی‌ها. ولی محتواش... بعد یادمه چند ماه پیش سر همین تو فن‌دوم توینتر دعوا شده بود. فنای این نویسنده و بوک می‌گفتن، نه، پدوفیلی نیست. بعد خیلیا می‌گفتن شما دارید تعصبی برخورد می‌کنید و علاقه‌تون به این داستان چمباتون رو کور کرده. داستانش هم این طوره که کوک برادر کوچیک‌تر دوست دختر ته‌یونگه. مثلاً فکر کن ته‌یونگ ۲۲ سالشه تو داستان بعد کوک ۱۰ سالشه. بعد کلاً ته‌یونگ این رو از بچگی دوست داشته که حالا بزرگ می‌شه باهاش وارد رابطه می‌شه. حالا این طرفداراش می‌گفتن نه، این کوک وقتی بچه بود، به چشم عضوی از خانواده‌اش دوستش داشته و عاشقانه دوستش نداشته. ولی خب خودشون رو گول می‌زنن در واقع یا مثلاً من خودم با این فیکشنایی که خیلی اسمات (هرزه‌نگاری) دارن و سکسیست هستن یا محتواهای بی‌دی‌اس‌ام^۱ دارن، حال نمی‌کنم، به نظرم یه جور توهین به آیدوله که تو بیای از رابطه‌شون فقط سکسوالیته رو برجسته کنی. بعد جدای از محتوا این فیکشنا خیلی وقتا مخاطبای زیر ۱۵ سال دارن یا بچه دبستانی. خب اصلاً جالب نیست که یه بچه بیاد از الان تو این سن فیکشن بی‌دی‌اس‌ام از ته‌کوک یا بقیه بخونه من خودم با این جور محتواها حال نمی‌کنم حقیقتش. به

۱ - بی‌دی‌اس‌ام (BDSM) مخفف چهار اصطلاح انگلیسی Bondage (مهاربندی)، Discipline (نظم)، & Dominance submission (سروری/ بردگی جنسی) و sadism & masochism (سادومازوخسیم) است و به چهار رفتار زیر در رابطه جنسی اشاره می‌کند:

-علاقه به بسته شدن یا بستن و محدود کردن فیزیکی فرد در سکس؛ این مسأله ممکن است از یک بستن ساده دست تا یک سیستم پیچیده که نیازمند نیم ساعت آماده‌سازی است، گسترده باشد.

-علاقه‌مندی به نظم و انضباط دادن و اقداماتی که موجب مطیع شدن فرد در رابطه جنسی می‌شود. مثلاً درخواست شکلی از رفتار با تحکم و تحمل چیزی که احتمالاً راحت نیست. قابل توجه است که هر چه قدر رابطه عمیق‌تر باشد، دیسپلین، وارد مسایل خصوصی‌تر می‌شود.

-دامینیشن که در آن فرد غالب دوست دارد قدرتمند باشد و قدرتش را اعمال کند و سابمیشن که در آن فرد، علاقه‌مند است که قدرت روی او اعمال شود و اختیاری از خودش نداشته باشد.

-رابطه سادومازوخسیم که آزار دادن و آزار دیدن در آن مرکزیت دارد. در واقع یک طرف با رفتار سادیسمی از شکنجه و تنبیه پارت‌تر لذت می‌برد و فرد دیگر با رفتار مازوخسیم از تنبیه شدن و شکنجه شدن لذت می‌برد.

نکته قابل توجه در بی‌دی‌اس‌ام (BDSM) این است که رضایت هر دو طرف یک پیش شرط ضروری است. در واقع نوعی رفتار توافقی بین دو (یا بیش‌تر از دو) نفر است که نقش‌های آن مکمل یکدیگر ولی نامساوی هستند و با هدف رسیدن به لذت و هیجان روحی، جسمی، جنسی و تخلیه روانی - هیجانی صورت می‌گیرد (Setare.com).

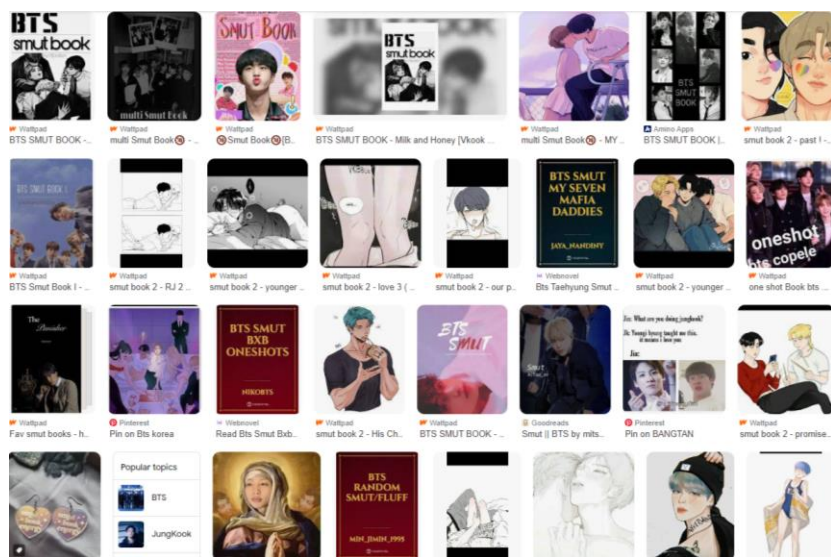
نظرم خیلی سخیف و بدن و در شأن فن و آیدول نیستن و خودم با این که خیلی طرفدار خوندم فیکشنم، اما ترجیح می‌دم این جور داستانا رو نخونم. ولی خیلیا هستن که این ژانرها رو دوست دارن و خیلی جدی دنبال می‌کنن. یعنی اصلاً براشون مهم نیست که خب زشته این چیزا. بیمارگونه و زشته. پدوفیل (بچه‌بازی) یا حتی من تو خیلی از فیکشن‌ها دیدم که رابطه با اعضای خانواده رو دارن نرمالایز (عادی‌سازی) می‌کنن. یه فیک بود که توش جیمین و یونگی داداش بودن باهم و توش یونگی عاشق جیمین می‌شه و بعد باهم وارد رابطه می‌شن. من چند پارت خوندم و وقتی متوجه شدم داستانا از چه قراره، ول کردم. اما خیلیا داشتن می‌خوندن و کامنت می‌داشتن و دوست داشتن فن‌فیکشنا با همه‌ی خوبی و قشنگ بودنش این بدی‌ها رو هم داره.

- در مورد این سکسیست بودن داستاناها بیشتر توضیح می‌دی؟

حقیقتش روم نمی‌شه بازش کنم.

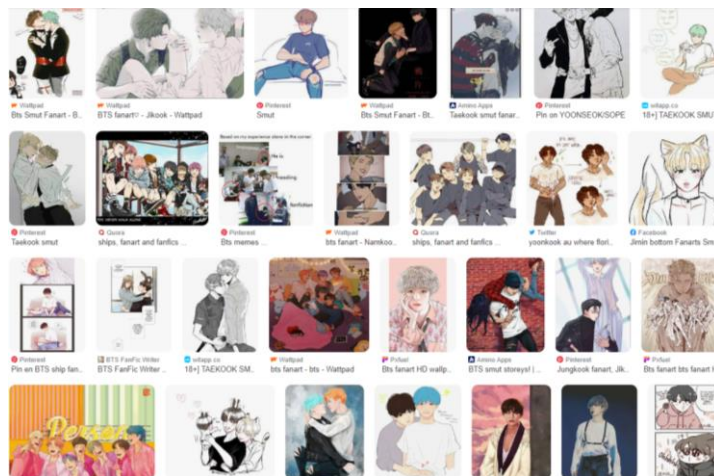
- راحت باش. لطفاً هر چیزی که نظرت‌ه یا می‌دونی در موردش بگو.

بین خب این داستانا‌یی که نوشته می‌شه تمام رابطه‌ی یه شیپ رو میاد می‌گه توش دیگه، حالا با هر موضوعی یا هر کاپلی که می‌خواد باشه، از آشنایی و علاقه و عشق و دعوا و همه چیز. نویسنده تو داستانا خودش همه‌ی اینا رو جا می‌ده. بعد خب یکی از اتفاقای یک رابطه، سکس و رابطه‌ی جنسیه دیگه. می‌تونم بگم نود و نه درصد داستانا‌های واپتد یا اینستاگرام و تلگرام داخل‌شون سکس و اسمات داره. حتی خیلی از خواننده‌ها اگر بدونن که اون داستانا اسمات نداره، اصلاً سمتش نمی‌رن یا نمی‌خونشن. حتی خیلی از بوک‌ها هستن که کلاً در مورد اسماته (دارای محتوای هرزه‌نگار). بهش می‌گن اسمات بوک. فقط توش میاد مثلاً در غالب یه داستانا کوتاه فقط و فقط از سکس دو تا کاپل می‌نویسه و ببخشید که این رو می‌گم، اما خیلی از فنا میان از همین داستانا سکسی بین دو تا کاپل لذت می‌برن و بازم ببخشید که این رو می‌گم، اما می‌دونم که خیلیا با این داستانا تحریک می‌شن و اصلاً هم هیچ شرمی ندارن از این قضیه. یه جورایی لذت می‌برن از خوندم این چیزا یا جدای از این اسمات بوکا، خیلی از داستانا‌یی عادی هستن که خب خیلی زیاد تو داستانا‌شون اسمات می‌نویسن. مثلاً از هر سه پارت و قسمت داستانا یک پارتش اسماته.



خیلی از فنا من بارها دیدم که میان و از نویسنده می‌خوان که اسمات بنویسه براشون یا تو تلگرام خیلی چنلای این مدلی زیاده که میان از دو تا شیپ و کاپل فن آرتهای سکسی می‌ذارن یا مثلاً داستانا‌یی سکسی و اسمات می‌نویسن یا مثلاً ویس شبیه به صدای آیدولا می‌ذارن که مثلاً دارن باهم سکس می‌کنن. این چیز یکی، دو ساله انگار خیلی زیاد شده. من که خودم از وقتی فن شدم این

چیزا بود، اما از بچه‌های قدیم پرسیدم، گفتن که آره، قبلاً اصلاً فضای فن‌دوم این جورى نبود و الان خیلی زیاد شده، خیلیا به خاطر همین اتفاقی درون فن‌دومی زده شدن از همه چیز و کلاً ول کردن رفتن فن‌دوم و بی‌تی‌اس رو.



- یعنی با آگاهی می‌خونم که نیاز جنسی‌شون رفع بشه؟

آره بابا، من خیلیا رو می‌شناسم که خودشون گفتن هر وقت این اسماتا رو می‌خونم، هورمونی می‌شن یه جورایی و حالا دست به یه سری کارا می‌زنن. دیگه براشون مهم نیست که این کارشون چه خوندن بیش از حد، چه تخلیه‌ی نیاز با خوندن داستانی سگسی در مورد آیدول، چه قدر کار زشتیه. هر چه قدر هم بگی، اهمیت نمی‌دن. همین که کیف می‌کنن و رفع نیاز می‌کنن براشون بسه. عقل ندارن واقعاً.

- تو خودت برای چی علاقه به خوندن این فیکشن‌ها داری؟

تفریحی می‌خونم بیش‌تر. برای پر کردن وقتم خوبه. و این که خب کومین رو خیلی دوست دارم و وقتی ازشون داستان می‌خونم، کلی فانتزی از شیپ‌شون تو ذهنم شکل می‌گیره که بهم حس خوب می‌ده. کیوت ان دیگه.

- گفتی از وقتی با بی‌تی‌اس آشنا شدی، به این چیزها علاقه پیدا کردی؟

شیپ کردن و اینا منظورته؟

- آره.

اوهوم. قبلاً اصلاً شناختی نداشتم با این گرایش. فقط یه لزیب‌ها رو می‌شناختم بعد به واسطه‌ی حمایتی‌ای پسرا و شیپ و این داستانا فهمیدم و رفتم تحقیق کردم و اطلاعات به دست آوردم.

- اون اوایل که تازه فن شده بودی از چه طریقی در موردشون اطلاعات کسب می‌کردی؟

دوستم. یوتیوب. فن پیج‌های اینستاگرام. بعد دوستم اون موقع گفت که برو توئیتر نصب کن، فن‌دوم تشکیل دادن تو توئیتر. کلی آرمی هست و می‌تونن باهاشون در ارتباط باشی. کلاً از هر روشی که می‌شد سعی می‌کردم اطلاعات بگیرم. ولی خب بیش‌ترین راهنمای من همون دوستم بود که من رو با بی‌تی‌اس آشنا کرد.

- بیش‌تر دنبال چه اطلاعاتی می‌رفتی؟

در مورد زبان‌شون و فرهنگ‌شون و مردم‌شون و غذاهاشون مطلب خوندم. ولی بیش‌تر مطالبی که می‌خوندم در مورد خود بی‌تی‌اس بود. مثلاً این که چند سالشونه و خانواده‌هاشون کین یا سبک موسیقی و زندگی‌شون چه جوریه.

- زبان و فرهنگ کره رو دوست داری؟

آره خیلی. من الان یک ساله دارم می‌رم کلاس زبان کره‌ای یاد می‌گیرم. بعد این که غذاهاشون رو هم خیلی خیلی دوست دارم. آرزومه برم یه بار کره رو ببینم.

- دوست داری به کره مهاجرت کنی؟

نه واقعاً.

- چرا؟

به دلیل یه سری قوانین و کلاً باورای مردم‌شون.

- چه باورهایی؟

جامعه‌ی هموفوب (هم‌جنس‌گراستیز) و فضولی داره. نمونه‌اش همین آیدولا. مثلاً آرتیست قرار بذاره با کسی یا ازدواج کنه از نظر کره‌ای‌ها و فنای کره، خیلییی خیلییی چیز بدیه یا تتو و پیرسینگ رو بد می‌دونن. شاید باور نکنی، ولی مثلاً اگر یک آرتیستی رنگ پوستش بره به سمت سبزه و اینا، خیلی بد می‌دونن یا مثلاً اگر قیافه یه آرتیست دیگه جوون نباشه و سن بالا باشه، اون رو بد می‌دونن، باید همه‌شون بیبی فیس باشن.

سیگار و مواد و دراگ هم که ابداً دوست ندارن برای آرتیستا و این در حالیه که سیگار کشیدن تو کره یه چیز خیلی عادی‌ای هستش و تو بری کره می‌بینی از پیر تا جوون سیگار می‌کشن. ولی همینا اگر ببینن آرتیست سیگار می‌کشه، بد می‌دونن.

عامم دیگه بخوام برات بگم اینه که آرتیستا اگر زیاد با آرتیستای خارجی ارتباط داشته باشن، این رو بد می‌دونن. در واقع آرتیست رو متعلق به خودشون می‌دونن. آره دیگه، این چیزا و می‌دونن اینا وقتی این چیزا رو از آرتیست می‌بینن، خیلی بد هیت می‌دن. مثلاً من یادمه یه سری تو تویتر با یه آرمیه کره‌ای آشنا شده بودم. بعد این بایسش (عضو مورد علاقه‌اش) تهیونگ بود. بعد من توییتای این رو می‌خوندم، می‌دیدم مثلاً چه قدر عاشق تهیونگه. قربون صدقه‌اش می‌ره و این حرفا. بعد سر قضیه‌ی این که تهیونگ و جنی رفته بودن پاریس، جوری به تهیونگ تو توییتاش بد و بیراه می‌گفت که من برگام ریخته بود. تازه نصف فحشاش هم به کره‌ای بود که من چیزی از اون‌ها نمی‌فهمیدم، ولی همونا که به انگلیسی بود رو می‌خوندم، باورم نمی‌شد این همون آدمه که تا دیروز داشت توییت می‌زد، تهیونگ عشقمه و فلان. کلاً مردم کره مردم عجیبی هستن. برعکس آیدولاشون.

- خوب این کارهایی که می‌گی از نظر تو مشکلی نداره؟

نه واقعاً. ببین هر آدمی مختاره هر طور که دوست داره زندگی کنه و تا وقتی که به کسی آسیبی نرسونه، نمی‌تونیم ازش ایرادی بگیریم یا مخالفتی کنیم. این یه قانونه در مورد همه و همین طور اعضای بی‌تی‌اس یا کلاً هر خواننده و آدم معروفی. درسته اونا آدمای شناخته شده و معروفی هستن، ولی دلیل نمی‌شه باب میل بقیه زندگی کنن. یه سریا هم میان می‌گن، آره چون اینا الگو هستن، باید رفتار درست رو نشون بدن. ولی بازم این دلیل نمی‌شه. اونا صرفاً خواننده هستن و حتی خودشونم نخواستن به عنوان الگو شناخته بشن. پس کسی نمی‌تونه مجبورشون کنه دست از کارای مورد علاقه‌شون بردارن، چون به عنوان الگو شناخته می‌شن. مشکل از آیدولا نیست، مشکل از مردم و باورای مسخره‌شونه که می‌خوان همون چیزی که خودشون باور دارن رو به بقیه هم تحمیل کنن و یاد نمی‌گیرن که دخالت نکنن و احترام بذارن.

- خوب کی تعیین می‌کنه که چه کاری درسته و چه کاری آسیب‌زا هست؟ منظورم اینه این چیزهایی که تو می‌گی، شاید از نظر تو آسیب‌زا باشن، ولی برای یه آدم دیگه این طور نیست.

ببین من نمی‌گم تعیین می‌کنم که کی چه کاری انجام بده درسته و چه کاری بده، ولی باورم اینه هر کاری تا وقتی به کسی آسیب نزنه، اشکالی نداره. سیگار کشیدن تو خلوت خود طرف اوکیه، ولی تو مکان عمومی بده، چون ممکنه یکی مثلاً آسم داشته باشه. چند وقت پیش سر این که از تهیونگ چندتا عکس اومد بیرون و داشت سیگار می‌کشید، کلیییی بهش هیت دادن. خب جدی چرا؟ اصلاً مگه به کسی کاری داشت که این قدر هیت گرفت؟ داشت یه گوشه واسه خودش سیگار می‌کشید، چرا باید هیت بدید؟ تو نمی‌دونی یه جوری بهش هیت دادن انگار آدم کشته. اصلاً نمی‌فهمشون.



- اگر آدم می‌کشت تو بهش هیت می‌دادی؟
من کلاً آدمی نیستم که به کسی هیت بدم. ارزش خودم میاد پایین این جوری، ولی اگر بینم آیدولم به کسی توهین کرده یا اخلاق رو زیر پا گذاشته شاید کنارش بذارم.

- چرا می‌گی شاید بگذارمش کنار، یعنی حتی قتل رو هم بد نمی‌دونی؟
نه، نه. منظورم اینه که خب شاید قتل غیر عمدی چیزی باشه. بستگی به موقعیت داره.

- پس اخلاق برات مهم‌تره و اگر اخلاق رو زیر پا بگذارن دیگه طرفدارشون نیستی؟
آره، شاید. بخوام مثال بزنم بین همین سر قضیه‌ی جام جهانی که تو کشور قطر انجام شد، خیلی از آرتیست‌های هالیوود که برای مقدماتی جام جهانی دعوت شده بودن که برن و اجرا کنن نرفتن، چرا؟ چون کشور قطر قوانین سختی داره برای افراد هم‌جنس‌گرا، این آرتیست‌ها هم نرفتن، چون خواستن مخالفت خودشون رو نشون بدن. ولی جونگ‌کوک رفت و سر اون قضیه من خیلی جدی ناراحت شدم. به نظرم می‌تونست نره. اما تنها چیزی که باعث شد کوک رو کنار نذارم، این بود که گفتم شاید مجبور بوده، چون می‌دونی که آرتیستا توی کی‌پاپ و حتی تو خود هالیوود و امریکا خیلی کارا رو مجبور ان انجام بدن. بعد با توجه به این مسأله تونستم با کاری که کوک انجام داد، کنار بیام، بالاخره همه چیز خود آرتیست نیست و کمپانی‌ها هم توش دخیل هستن. بعد کوک و بی‌تی‌اس کلاً سابقه‌ی حمایت خانواده‌ی ال‌جی‌بی‌تی رو دارن. پس آره واسه همین بود که سعی کردم منطقی کنار بیام با این قضیه و احساسی برخورد نکنم. هر چند که بازم سر این قضیه کوک کلیییییی هیت گرفت.



- از نظر تو نباید می‌رفت؟
بین هیچ باید و نبایدی وجود نداره. اخلاقیش این بود که به احترام کلی از فن‌هایی که جزئی از ال‌جی‌بی‌تی هستن نره و برای کشوری که هم‌جنس‌گراها رو زندانی می‌کنه یا بهشون آزادی نمی‌ده، اجرایی نکنه، ولی رفته. این کار از نظر خیلیا مشکلی نداشته، یعنی دغدغه‌ای ندارن. منظورم طرفدارها هست. ولی برای من مهمه که آیدولم حمایتش رو فقط با عکس انداختن با پرچم ال‌جی‌بی‌تی نشون نده.

توی همچین موقعیتی هم حمایت کنه و نره. اما حالا که رفته، شاید ازش خرده بگیرم، ولی من پشت قضیه نیستم و نمی‌دونم که واقعاً چه اتفاقی افتاده. واقعاً تصمیم خودش بوده یا مجبوری بوده.

- اگر بر فرض علیه ال‌جی‌بی‌تی‌ها حرفی بزنه، کنار می‌گذاریش؟

قطعاً ناراحت می‌شم، ولی باز نمی‌دونم بگم کلاً کنارش می‌ذارم یا نه، شاید خیلی دیگه نتونم بهش به چشم اون آدم قبل نگاه کنم، کلاً باید اتفاق بیفته ببینم چه کار می‌کنم.

- به نظرم الان حرف‌ها تیه جورایی تناقض داره. تو گفتی اگر مثلاً قتل کنن کنارشون نمی‌گذاری، ولی اگر ببینی اخلاق رو زیرپا گذاشتن دیگه طرفدارشون نیستی. بعد الان داری می‌گی شاید؟

ببین من گفتم هیت دادن به خاطر کاری که می‌کنن و از نظر ما بده، کار اشتباهیه، بهت هم گفتم که اگر ببینم حتی بدترین کار رو هم کرده، هرگز هیت نمی‌دم، چون بالاخره اونا هم انسان ان و ما حقی نداریم بهشون توهین کنیم. ولی گفتم اگر اخلاق رو کنار بذارن، احتمالاً دیگه دوستشون نداشته باشم. ولی باز باید تو اون موقعیت قرار بگیرم دیگه، می‌دونی اون قدر شاید برام راحت نباشه کنار گذاشتن شون. چون خیلی برام مهم ان ولی کل حرفم این بود که این قدر راحت تصمیم نگیریم در مورد آیدولا.

- گفتی که مردم کره روی ظاهر و رنگ پوست آیدول‌ها خیلی حساس هستن، خب اگر کسی ظاهرش بچه‌گانه نباشه رو نمی‌پذیرن و هیت می‌دن؟

ببین اصلاً کسی رو که بیبی فیس نباشه، توی کمپانی‌ها استخدام نمی‌کنن. پسرایه رو جذب می‌کنن که چهره‌ی خوب داشته باشن. رنگ پوست و قیافه و هیکل مساعد داشته باشن. اگر هم ایرادی داشته باشن، با رژیم و چندتا عمل درستش می‌کنن. بعد دخترا هم که کلاً وقتی می‌رن توی کمپانی‌ها، قشنگ می‌کوبن و از نو می‌سازن شون. در این حد بگم بهت. تو نگاه کنی می‌بینی عکسای قدیم و الان آیدولای دختر چه قدر فرق بینشون هست. کمپانی‌ها به شدت ظاهر براشون مهمه. کلاً آمار جراحی پلاستیک تو کره خیلیه. چون کلاً قیافه‌هاشون قشنگ نیست کره‌ایا. اصلاً نگاه نکن به این که آیدولا این قدر جذاب و خوشگل ان. تو خود کره خیلی کم شبیه هستن به اینا، واسه همینم این قدر آمار جراحی پلاستیک زیاده اونجا.

- خوب چهره رو با عمل درست می‌کنن. رنگ پوست رو چه کار می‌کنن؟

اونم با جراحی درست می‌کنن و سفید می‌کنن. یا اگر خیلی زرد یا سبزه نباشه با فتوشاپ اوکی می‌کنن تو عکسا. مثلاً تو عکسای بی‌تی‌اس رو نگاه کنی، خیلی از عکساشون رنگ پوستشون سفیدتر از واقعیه.



- تو خودت علاقه‌ای نداری به این عمل‌های زیبایی یا ترغیب نشدی که انجام بدی یا شبیه‌شون بشی؟

قیافه نه. با قیافه خودم اوکی‌م. بیش‌تر تو انتخاب لباس الگوم شدن. چون خیلی تیپ‌های خوشگلی می‌زنن، منم ازشون یه جورایی الهام می‌گیرم. خصوصاً تهیونگ.

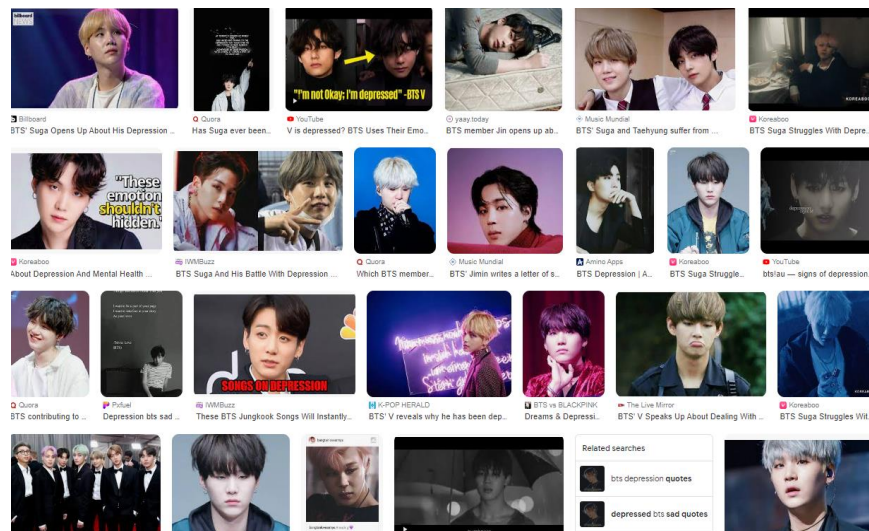
- چند بار توی جمله‌های خودت گفتی که کمپانی‌ها آرتیستای کی‌پاپ رو مجبور می‌کنن، در موردش توضیح می‌دی.

بین کلاً شهرت به سری محدودیتا میاره، حالا این محدودیتا تو کشورهای مختلف دنیا متفاوته. مثلاً تو ایران آدمای معروف و خواننده‌ها، وقتی معروف می‌شن، خیلی آزادیارزون گرفته می‌شه. خیلی کارا رو نمی‌تونن بکنن. اما خب این جور نیست که مثلاً فلان خواننده ایرانی نتونه فلان لباس رو بپوشه یا فلان غذا رو بخوره یا مثلاً مجبور نمی‌کنن که فلان حرف رو تو حرفه‌ی کاری خودشون بزنن. ولی این تو کشورهای دیگه این جور نیست. مثلاً تو هالیوود و خواننده‌های غربی خیلی این چیزا هست که مثلاً برای این که آهنگا و کاراشون شنیده بشه، می‌گن برن مثلاً با فلان دختر یا پسر معروف قرار بذارن تا اون حاشیه‌ها باعث بشه آهنگ‌شون بیشتر شنیده بشه یا مثلاً مجبورشون می‌کنن تو مصاحبه‌ها از فلان آرتیست بد بگن، همه‌ی اینا واسه چیه؟ واسه این که دیده بشن و در کنار اون دیده شدن، آهنگ و حرفه‌شون بیشتر دیده بشه. حالا اینا مال امریکا و اروپا بود. توی کره به مراتب این محدودیتا و قوانین بیشتره. سخت‌گیری‌ها خیلی خیلی بیشتره. تقریباً می‌شه گفت آرتیستا اصلاً رو زندگی‌شون هیچ کنترلی ندارن. خیلی اجبار و محدودیت هست. مثلاً روی لباس پوشیدن و غذا خوردن و خوابیدن و رابطه و همه چیزشون کنترل دارن. بعد خب همه‌ی اینا آرتیستا رو نابود می‌کنه دیگه. تصور کن هیچ اراده و کنترلی رو زندگی و کارات نداشته باشی.

- می‌تونی برام مثال بزنی؟

آره، اون قدر زیاده که می‌تونم تا یک هفته برات مثال بزنم. مثلاً ببین اون اوایل که بی‌تی‌اس دیپو (شروع فعالیت یک هنرمند) کرده بود، خیلی خیلی محدودیت داشتن. مثلاً اجازه نداشتن حتی تو خلوت خودشون مشروب بخورن، تنهایی اجازه نداشتن بیرون برن، اجازه‌ی دیدن خانواده‌هاشون رو هم حتی نداشتن. اجازه‌ی انتخاب لباس و رنگ مو بدون اجازه‌ی هیر استایلیست‌شون رو نداشتن. بعد بهشون یه سری رژیم غذایی می‌دادن که اینا حق نداشتن خارج از اون رژیم غذایی که بهشون دادن، چیزی بخورن. تو فکر کن حتی اینا اسم و نام‌شون تغییر کرد و شد مثلاً وی و شوگا و آرام. حالا الان به اسم واقعی‌شون صداشون می‌زنن، ولی خب قبلاً این جور نبود. باید اسمی که کمپانی گفته بود رو می‌داشتن رو خودشون، اجازه‌ی دیت و قرار گذاشتن با کسی رو نداشتن.

البته همه‌ی اینا برای اون اوایل بود. الان خیلی آزادتر شدن و کارایی که دوست دارن رو انجام می‌دن. ولی خب اینا بی‌تی‌اس هستن. خیلی از آرتیستای کی‌پاپ هنوز دارن با این چیزا دست و پنجه نرم می‌کنن. هر چند که بی‌تی‌اس هنوز کم و بیش بعضی از اعضای اون مثل تهیونگ درگیرن. همین چند وقت پیش طبق اون خبرایی که اومده بود بیرون، مشخص شد که بابای تهیونگ رفته کمپانی و اعتراض کرده که چرا این قدر برای پسرش دراما درست می‌کنن. و خب چند وقت تهیونگ از نظر روحی به هم ریخته بود و حالش خوب نبود. مدام هم می‌گفت به کمپانی که حال خوبی نداره تا بلکه یه مدت درامهاش تموم بشه و آرامش بگیره، ولی گوش نکردن. بعد طبیعتاً تو وقتی این قدر محدودیت داری و آزادی رو ازت می‌گیرن، دچار افسردگی و خودکشی و هزارتا چیز دیگه می‌شی. واقعاً شرایط سختیه.



سولی، جونگ هیون، سئو مین و... و از آیدول‌های مشهوری هستن که کارشون به خودکشی رسیده.



- تو این اخبار و اطلاعات، مثل همین که می‌گی پدرش رفته بوده دعوا رو از کجا آوردی؟
از ساسنگا که تو توییتر و اینستا می‌ذارن. من چون خودم یه چنل دارم تو تلگرام. مربوط به همین خبره هست. برای همین خیلی از این
خبرای مخفی اطلاع دارم.

- ساسنگ چیه؟

ساسنگ‌ها یه سری فن هستن که خب حاضر هستن هر کاری، ببین هر کاری بکنن تا از زندگی خصوصی آیدول‌شون سر دربیارن.
حاضر هستن کلی پول خرج کنن تا به یه طریقی از آدمای نزدیک به اون آیدول یا هر کسی یک سری اطلاعات بگیرن. و خب این
ساسنگ فنا خیلی زیاد به آیدول‌ها آسیب می‌زنن. جوریه که هر سال کمپانی‌ها میان یه لیست از ساسنگ‌ها درست می‌کنن و ازشون
شکایت می‌کنن، ولی اکثراً هم خیلی خر پول هستن و به واسطه‌ی پول‌شون هر کاری می‌کنن تا به اون آیدول یا اطلاعاتش دست پیدا
کنن.



جدای از این ساسنگ فن‌ها، یه سری‌ها هم هستن که حالت پاپاراتزی‌های هالیوود رو دارن. استاکر آیدولا هستن و ازشون عکس و فیلم پخش می‌کنن یا به واسطه‌ی ارتباط دور و نزدیکی که با آیدولا و آدمای تو کمپانی‌ها دارن، از آیدولا اطلاعات لیک می‌کنن. یه جورایی یه سری خبر مخفی رو لو می‌دن، بدون اجازه‌شون.

- گفتی چنل تلگرام هم داری؟

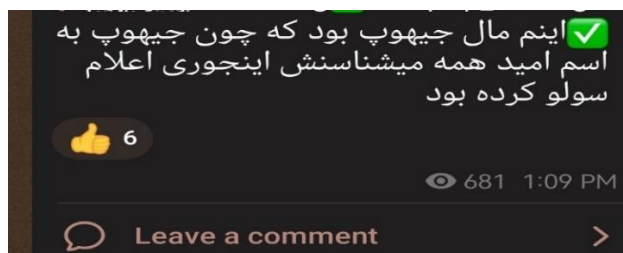
آره، یه چنل تلگرام دارم که خب اطلاعاتی که همین ساسنگ‌ها لو می‌دن رو می‌ذارم، حدود یک و نیم کا ممبر (عضو) دارم.

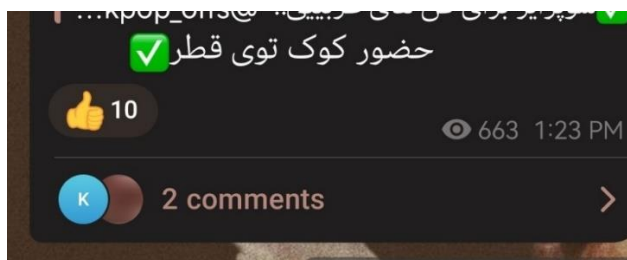
- چه اطلاعاتی رو می‌گذاری؟

مثلاً فلان آرتیست قراره آهنگ بده. فلانی قراره با فلانی همکاری کنه. این آرتیست با اون پسر یا دختر قرار می‌ذاره. تاریخ کنسرت و اجرا و انتشار آهنگ رو می‌گم، حواشی‌های آرتیستا رو می‌گم. این چیزا دیگه. بعدش که اینا رو می‌ذارم، چند وقت بعد اگر که درست از آب دراومد، میام تیک سبز می‌زنم که آره، خبر درست پیش بینی شده بود.

- تو منابع چنل چیه؟

توییترو اینستاگرام ساسنگ‌ها رو دنبال می‌کنم و خبراشون رو ترجمه می‌کنم با برنامه‌ی گوگل ترنسلیت بعد می‌ذارم چنل. اکثراً هم ساسنگ‌های کره‌ای هستن اما چندتا ساسنگ انگلیسی و عربی رو هم می‌شناسم.





- از چنلت درآمد هم کسب می‌کنی؟

آره، تعرفه‌ی تبلیغ می‌گیرم. چنلایی که زیر ۵۰۰ ممبر داشته باشن یه شب تا صبح چنل‌شون رو تو چنل خودم تبلیغ می‌کنم ولی از اونا پولی نمی‌گیرم. ولی جذب چنلم خوبه، زیاد می‌رن تو اونا جوین می‌شن.

- می‌شه یه کم هم در مورد رژیم‌هایی که حین صحبت‌ها اشاره کردی، توضیح بدی؟

بین توی کره این باور هست که هر چه قدر که اسکینی و استخوانی‌تر باشی، جذاب‌تری. یعنی واس‌شون یه چیز بولدی. برای همین بدون استثناء همه‌ی آرتیستا باید این رژیم غذایی‌ها رو داشته باشن. یعنی نمی‌تونن بیبنی که این آرتیستا رژیم ندارن. ولی خب کمپانی‌ها هیچ وقت نمایان بگن که آرتیستا رژیم دارن. خود آرتیستا هم که لو می‌دن، بعداً کمپانی تنبیه‌شون می‌کنه. یعنی اجازه ندارن در موردش صحبت کنن. برای همین خیلی اطلاعات دقیقی نمی‌تونن از این رژیم‌های آرتیستا داشته باشی. ولی خب یه سری از همین ساسنگا اومدن رژیم‌ها رو لو دادن و یا بعضی از آرتیستا که از کمپانی اومدن بیرون، در موردش صحبت کردن. مثلاً بخوام از رژیم‌های بی‌تی‌اس بگم یه بار یه ساسنگ گفته بود که جیمین یه مدت فقط دوتا سینه‌ی کوچیک مرغ و آب پرتغال می‌خورده برای یه مدت خیلی طولانیا. مثلاً شیش، هفت ماه یا مثلاً پارسال یه ساسنگ لو داد که نامجون یه رژیم سخت گرفته که فقط توش آجیل می‌خوره. دیگه هیچی حق نداره بخوره که بعداً مشخص شد جدی نزدیک بیست کیلو وزن کم کرده. این حالا مال بی‌تی‌اسه. کلاً خیلی منبع رسمی نداره که کی چه رژیمی می‌گیره و این نکته که هیچ کدوم‌شون حق خوردن شیرینی جات ندارن. کیکای تولد و اینا رو هم که تو لایو‌اشون نشون می‌دن، همه از قصد یه کاری می‌کنن که اون کیکه مثلاً بیفته زمین که نخورنش. برای بقیه آرتیستا رو هم من خیلی اطلاعات ندارم، ولی می‌دونم همین طوره.

فقط یه آرتیست رو می‌شناسم اسمش آیو عه. در مورد رژیمش اطلاع دارم، چون خودم اتفاقاً یه بار گرفتم این رژیم رو. ساسنگا گفته بودن که آیو توی یه روز فقط سه‌تا تیکه سیب و یه لیوان نوشیدنی پروتئین‌دار با دوتا دونه سیب زمینی شیرین می‌خوره. تو کلاً عکسای آرتیستا رو ببینی، می‌بینی که چه قدر لاغر و استخوانی هستن و انگار فوت‌شون کنی، می‌شکنن.



- چرا رژیم گرفتی؟

تو تایم کرونا بود. بعد چون همه‌اش تو خونه بودم چند کیلو اضافه کرده بودم اون موقع این خبر ساسنگ از رژیم آیو اومد. من حتی آیو رو خیلی نمی‌شناختم. بعد دیدم رژیمش قابل تحمله و می‌شه انجام داد. یه هفته انجام دادم و جدی جواب داد. کم کردم و وزنم مثل قبل شد.

- فکر نکردی که شاید آسیب ببینی؟

نه، آخه چیز خیلی سنگینی نبود جدی. ناهار و شام سیب زمینی می‌خوردم صبح شیر، عصر و نه هم سیب. من چون کلاً آدم کم غذا و لاغریم خیلی اذیت نشدم، این رژیمه یه چیزی تو مایه‌های رژیمای باشگاه بدنسازیا بود.

- اون زمان که رفتی سمت کی‌پاپ و کره، هنوز طرفدار رپ فارسی بودی؟

نه دیگه، وقتی بی‌تی‌اس اومد، کلاً رپ فارسی رو کنار گذاشتم. دیگه دوست نداشتم.

- چرا؟

امم نمی‌دونم واقعاً. این جور نبود که بیهویی بذارم شون کنار و دیگه رپ گوش ندم. اولاش که با پسرا آشنا شدم، هنوزم رپ فارسی رو دنبال می‌کردم، ولی اون قدر درگیر بنگتن شده بودم که فرصتی نمی‌شد برم دنبال چیزای دیگه. ولی کم‌کم سلیقه‌ام کلاً عوض شد. من یه تایمی خیلی خیلی زیاد دوست داشتم رپرهای ایرانی رو. روز و شب دنبال شون می‌کردم، اما می‌گم، وقتی با بی‌تی‌اس آشنا شدم، انگار دیگه برام جذابیت نداشتن و بیهو به خودم اومدم، دیدم خیلی وقته نه آهنگاشون رو گوش می‌دم و نه پیگیر خبراشون هستم. خب وقتی دیگه دنبال کننده‌ی چیزی نباشی، طبیعتاً علاقه هم از بین می‌ره دیگه.

- چی باعث شد که دیگه رپ فارسی برات جذاب نباشه؟ منظورم اینه که توی بی‌تی‌اس چی دیدی که توی موسیقی ایرانی و رپ ایرانی ندیدی؟

همه چیزشون واقعاً جذاب‌تره. صداشون، آهنگاشون، کنسرتاشون، فندومشون، قیافه‌شون، ولی من مقایسه نکردم هیچ وقت رپ فارسی رو با بی‌تی‌اس یا کی‌پاپ. اصلاً قابل مقایسه نیستن. واقعاً نیستن. خودم می‌دونم که رپ‌رای ایرانی حتی تو کشور خودشون مجوز ندارن یا حمایت نمی‌شن. می‌گم اصلاً! برای من بحث این نبود که آره بی‌تی‌اس خیلی معروف‌تر و محبوب‌تر و موفق‌تره، پس دیگه رپ فارسی رو بذار کنار. ببین من حتی خودمم متوجه نشدم که دیگه به رپ فارسی علاقه‌ای ندارم. بیهو به خودم اومدم دیدم دو ساله که آرمی شدم و دو ساله که باهاشون زندگی کردم و پسرا همه زندگی من شدن.

- توی این دو سال وقتی بوده که حس کنی علاقه‌ات بهشون کم‌تر شده یا چیزی باعث شده که حس کنی دیگه به شدت اوایل طرفدارشون نیستی و مثل رپ فارسی کنار بگذاری شون؟

نه اصلاً. من شیم روز نمی‌شه اگر که از پسرا بی‌خبر باشم. اونا الان جزئی از زندگی من هستند و صرفاً خواننده‌های مورد علاقه‌ام نیستن. می‌میرم بدون اونا.

- چی شد که چنین حس قوی‌ای به پسره‌ای بی‌تی‌اس پیدا کردی؟

می‌دونی خیلی دلایل داره. اونا بهم خیلی چیزا دادن. قبلاً من که فن رپ بودم، صرفاً به عنوان یه سرگرمی دنبالش می‌کردم. ولی الان نسبت به بی‌تی‌اس این جور نیست. از وقتی باهاشون آشنا شدم، خیلی اتفاقی خوب افتاده، هدف پیدا کردم، انگیزه گرفتم، کلی دوست خوب پیدا کردم، کلی خاطره‌های قشنگ ساختم برام، باعث شدن خودم رو بیش‌تر دوست داشته باشم، به دیگران احترام بذارم، نژادپرست و هموفوب (هم‌جنس‌گرا ستیز) نباشم، تونستم سبک زندگی و فکرم رو تغییر بدم و کلی حس و حال خوب دیگه و بعد از همه‌ی اینا، نمی‌تونم بگم که اونا صرفاً برای من یه خواننده‌ی معمولی هستن.

- چه جور بهت انگیزه می‌دن؟

با حرفاشون، کاراشون، آهنگاشون و تلاش کردناشون. یادمه اون اوایل که تازه آرمی شده بودم، دوستم یه ویدیو از شون برام فرستاده بود که توش پسرا داشتن تو خیابونای کره از مردم خواهش می‌کردن که بیان و اجراشون رو تماشا کنن و خیلی از مردم اون موقع ایگنورشون (بی‌توجهی) می‌کردن. اما بین هفت تا پسر بچه چه جور و از کجا به کجا رسیدن. ببین چه قدر تلاش کردن تا به این جایی که الان خواستن رسیدن و شدن الگوی خیلیا. شدن امید و انگیزه‌ی کلییی آدم از آسیا گرفته تا اروپا و امریکا. جوری پیشرفت کردن که از شون دعوت کردن به عنوان نماینده‌ی کره برن سازمان ملل سخنرانی کنن. خب من وقتی می‌بینم که این پسرا چه قدر تلاش کردن و جواب گرفتن، منم حس انگیزه می‌گیرم و با خودم می‌گم، اگر تلاش کنم، قطعاً نتیجه می‌گیرم. خیلی وقتا شده که من

حال خوبی نداشتم و رفتم به کلیپ ازشون دیدم و حالم خوب شده. خیلی وقتاً با حرفاشون من رو تحت تأثیر قرار دادن. اومدن لایو روزم رو ساختن. خیلییییی تأثیرگذارن، واقعاً وقتی می‌گم با پسرا زندگی می‌کنم، الکی نمی‌گم. اینا دلایله.

- الان جز بی‌تی‌اس موسیقی دیگه‌ای رو هم دنبال می‌کنی؟

از خود کی‌پاپ فقط بی‌تی‌اس.

- غیر کی‌پاپ چه طور؟

آهنگای خارجی گوش می‌دم گاهی وقتاً، ولی اون جور نیست که طرفدارشون باشم.

- می‌شه بدونم علتش چیه و چرا بیش‌تر جذب موسیقی کی‌پاپ می‌شی؟

آهنگاشون رو دوست دارم دیگه. بعد من عاشق بند و گروهم. توی کی‌پاپ هم اکثراً بند هستن، این که مثلاً تو وقتی آهنگ یه بند رو

گوش می‌دی، سبکای متفاوتی داره توش. رپ هست، وکال هست. من خودم وقتی طرفدار بی‌تی‌اس شدم، بیش‌تر از همه نامجون و

شوگا و جیهوپ رو دوست داشتم، چون رپ دوست داشتم. بعد می‌دونم بی‌تی‌اس واقعاً خیلی آهنگای قوی‌ای داره. لیریکس (متن ترانه)

و ملودی و همه چیز آهنگاشون قشنگ و قویه من خودم واقعاً با ترانه‌ی آهنگاشون همزادپنداری می‌کنم.

- مثلاً با کدوم آهنگشون بیش‌تر همزاد پنداری می‌کنی؟

فیک لاو.



- این آهنگ در مورد چیه؟

عشق.

- اشکال نداره بپرسم چرا با اون همزاد پنداری می‌کنی؟

این آهنگ در مورد عشق و رابطه‌های فیکه. من قبلاً از یکی خوشم می‌اومد و بهش گفته بودم، اما خب اون من رو خیلی محترمانه

پس زد. هر بار که این آهنگ رو گوش می‌دم، یاد اون شخص می‌افتم، ولی می‌دونم این جور نیست که فقط آهنگاشون ناراحت‌کننده

یا یاد خاطره‌های تلخ بیفتم، خیلی وقتاً با آهنگاشون حال خوب شده و انگیزه گرفتم. مثلاً بی‌تی‌اس یه آهنگ داره که برای آرمی‌ها خونده که درس بخونن و این قدر وقتشون رو نذارن پای اونا، من همیشه قبل از درس خوندنم اون آهنگشون رو گوش می‌دم و انگیزه می‌گیرم.

- پس هم آهنگ‌هاشون هم خوشحالت می‌کنه و هم غمگین؟

آره، بستگی به مودم داره. اگر که حال خوب نباشه، آهنگای سدشون (غمگین) رو گوش می‌دم و اگر حال خوب باشه آهنگای شادشون رو.

- آهنگ غمگینشون، تو رو غمگین‌تر می‌کنه؟

آره خب.

- پس چرا گوش می‌دی؟ قطعاً باید یه کاری کنی از اون حال دربیای.

شاید چون اون لحظه که ناراحتیم، اون آهنگ حس و حال رو به زبون میاره، همون همزادپنداری که بهت گفتیم. یه کم آهنگ گوش می‌دم، گریه می‌کنم، بعد اوکی می‌شم.

- آهنگ‌هاشون رو گوش می‌دی، متوجه می‌شی، چی می‌گن؟

قبلاً که کلاس زبان نمی‌رفتم، اول ترجمه‌ی آهنگ رو می‌خوندم. بعدش هم‌زمان آهنگ رو گوش می‌کردم. این جور دیگه می‌فهمیدم چی می‌گن. بعد از چند بار گوش دادن حفظ می‌شدم و با آهنگا کلمه‌ها رو یاد می‌گرفتم، اما خیلی خوب تلفظ نمی‌کردم، الان ولی خب دارم می‌رم کلاس یه کم تلفظ کردنام بهتر شده.

- اول صحبت‌هامون گفتی که فضای فندوم باعث شد که جذب اون بشی و آرمی بشی، در مورد این فضا و جو آرمی‌ها برام می‌گی؟
آره اون موقع کرونا بود، همه‌اش خونه بودیم، حوصله‌ام سر می‌رفت. دوستم بهم پیشنهاد داد که توئیتر بریزم، گفت اونجا خوش می‌گذره، استریم پارتی داریم، رأی‌گیری شرکت می‌کنیم، با کلی آرمی در ارتباطیم. منم اینا رو گفتم، توئیتر ریختم و فن اکانت زد و جدی خیلی روزای خوبی بود. هیچ وقت اون روزا رو یادم نمی‌ره. هر چند که بدی هم داشته، ولی خب در کل خوب بود. کلی دوست پیدا کردم. خاطره ساخت باهاشون. چه شبایی که تا صبح برای رأی‌گیری یا مراسم‌های وی‌ام‌ای و گرمی بیدار نمودیم و حرص نخوردیم. الان خیلی کم‌تر شده، رفت و آمد به توئیتر همه به خاطر اوضاع کشور، هم این که مدرسه‌ها بازه دیگه و جو الان مثل دوران کرونا نیست. ولی می‌تونم به جرأت بگم که یه تایی خونه‌ی من فندوم توئیتر بود و از صبح که بیدار می‌شدم تا خود شب تو توئیتر با بچه‌ها وقت می‌گذروندم. جوری که دیگه صدای مامانم که کاری به کارم نداره، دراومده بود، می‌گفت این وتمونده چی داره که همه‌اش کله‌ات تو اونه یا رأی بدین چی به تو می‌رسه، خیلی خیلی دلم تنگه اون روزاست واقعاً.

- نظر خانواده‌ات کلاً در مورد کی‌پاپ و بی‌تی‌اس چیه؟

مامانم اوکیه و مشکلی نداره. حتی واسم از بی‌تی‌اس چیزی ببینه می‌خره، حتی بهم قول داده بریم ترکیه تا بتونم مرچ و آلوم‌های بی‌تی‌اس رو بگیرم، ولی بابام خوشش نیامد، می‌گه اینا شبیه دختران و فلان، ولی جوریم نیست که مدام بخواد بهم بپره. بعضی وقتا می‌بینم، دارم دنس می‌رم یا آهنگاشون رو گوش می‌دم، میاد می‌گه بچه بشین سر درست خاک تو سرت (می‌خندد)، ولی خب، خیلی جدی نیست.

- رقص بلدی؟

آره، ویدیوهای بی‌تی‌اس رو می‌بینم، یاد گرفتم کم و بیش.

- خوب مگه درس نمی‌خونی که بابات بهت گیر می‌ده بنشین سر درست؟

نه خیلی. کلاً از بچگی درس خون نبودما. الانم نمی‌خونم، خوشم نیامد. پیانو می‌زنم و بیش‌تر دلم می‌خواد این کار رو ادامه بدم تا درس بخونم. ولی خب موقع امتحانا درس می‌خونما، فقط این مدلی نیستیم که همه‌اش سرم تو درس و کتاب باشه.

- توی توئیتر برای چی رأی‌گیری می‌کردید؟

یه سری رأی‌گیری بود بین بند و گروه‌های مختلف که یه سری برنامه‌ها و رادیوهای معروف امریکا برگزار می‌کردن. مثلاً بین طرفدارای بی‌تی‌اس و بلک‌پینک یا وان‌دایرکشن یا بین آرتیستای مختلف. بعد خب همه باهم متحد می‌شدیم که رأی بدیم که بی‌تی‌اس برنده بشه. بعد شیفتی کرده بودیم. سه‌تا شیفت می‌شدیم. یه سری از شب تا صبح، یه سری از صبح تا ظهر و یه سری هم از عصر تا شب و همیشه‌ی خدا هم برنده می‌شدیم. فن‌دومای دیگه جوری حرص می‌خوردن و فشار می‌خوردن و بد و بیراه می‌گفتن به ما و پسرا که باورت نمی‌شه. ولی ما هم ایگنورشون (نادیده گرفتن) می‌کردیم و کارمون رو می‌کردیم. دو، سه بارم یه دعوای خیلی شدیدی شد، بین طرفدارای وان‌دایرکشن و آرمیا تا چند روز به هم فحاشی می‌کردن. ولی خب تموم شد رفت خاطره‌هاش موند.

- بیش‌تر دعوها سر چی بود؟

ببین کلاً توی توئیتر هر جا اسم بی‌تی‌اس رو دیدی، بدون که یه دراما و دعوایی هم هست، آرمی‌های اینتر و خارج رو کاری ندارم، ولی تو همین ایران همیشه‌ی خدا دراما بوده تو فن‌دوم. آرمی‌ها با طرفدارای اولیویا^۱ رودریگو دعوا دارن سر قضیه‌ی گرمی.



اولیویا گرمی رو برد و خیلیا گفتن حق بی‌تی‌اس بود. بعد از این قضیه‌های گرمی و بیل‌بورد همه‌اش دارن به این دختر هیت می‌دن. و تازه اسمش رو هم مسخره می‌کنن، بهش می‌گن اولویه با طرفدارای واندی سر خیلی چیزا درگیری دارن. نمونه‌اش همون که گفتیم سر رأی‌گیری تا چند وقت هر دو تا طرفدارا به هم بد و بیراه می‌گفتن. البته هستن کسانی که هم طرفدار وان‌دایرکشن باشن، هم طرفدار بی‌تی‌اس، اما خب خیلی زیاد نیستن یا سر این که بزرگ‌ترین بوی بند دنیا بی‌تی‌اسه یا وان‌دایرکشن باهم دعوا دارن. آرمیا می‌گن واندی دیگه رفته برنمی‌گرده و شروع می‌کنن به مسخره کردن. از اون طرف هم طرفدارای واندی می‌گن که بی‌تی‌اس در برابر واندی چیزی نیست و واندی اون زمان تونست این قدر بیاد و بدون تبلیغ زیاد، بزرگ بشه، اگر الان بودن دیگه بی‌تی‌اس حرفی برای گفتن نداشت. اینم از درگیری با طرفدارای وان‌دایرکشن.

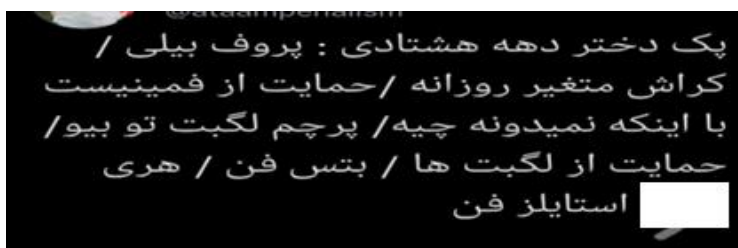
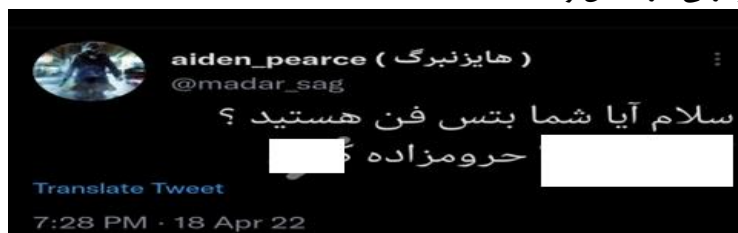


^۱- اولیویا رودریگو بازیگر، خواننده و ترانه‌سرای اهل ایالات متحده آمریکا است. وی از سال ۲۰۱۵ میلادی تا اکنون مشغول فعالیت بوده است.

بعد بزرگ‌ترین دشمن بی‌تی‌اس و آرمی‌ها بلک‌پینک. کاش می‌تونستم بگم با کلمه‌ها اون میزان تنفر و نفرت آرمی‌ها از اعضای بلک‌پینک چه قدره. سر خیلی از قضیه‌ها هم درگیرن باهم. مثلاً آرمی‌ها می‌گن که جنی داره از تهیونگ سوءاستفاده می‌کنه که خودش رو بکشه بالا یا مثلاً چندین بار سر رأی‌گیری‌هایی که داخل خود کره بود، هر دوتا طرفدارا ریختن سر هم.



جدای از این طرفدارا، کلاً توی توئیتر هم خیلی از خود ایرانیا از طرفدارای بی‌تی‌اس و خود پسرا متنفر ان و روزی نیست که فحش ندن به ما و پسرا. از پسرا به معنای واقعی متنفر ان و خیلی بخشید که این کلمه رو می‌گم، اما بارها شده به پسرا گفتن ک... و حرفای این جور زدن. گفتن اینا ک... هستن که آرایش می‌کنن و شبیه دخترا هستن و کلی هم به طرفدارا فحش می‌دن. یعنی نفرتی که ایرانی جماعت از بی‌تی‌اس و آرمی داره، قابل وصف نیست.



- حالا شماها نسبت به این توئیٹ و حرف‌ها چه واکنشی نشون می‌دید؟

من که خودم به شخصه برام مهم نیست، ولی خب خیلیا حرص می‌خورن و ناراحت می‌شن، بلاک می‌کنن و دعوا می‌کنن و از پسرا دفاع می‌کنن. اما خب به نظرم نتیجه ای نداره، یو نو؟

مردم ایران خیلیاشون سنتی فکر می‌کنن و درک یه سری چیزا براشون سخته. بعدم حرف چهارتا ایرانیه نادون، واقعاً تأثیری توی موفقیت پسرا نداره. اونا اون قدر بزرگ و معروف شدن که دیگه کم‌تر کسی پیدا می‌شه که اون‌ها رو نشناسه. امریکا که صنعت موسیقی دستشه و کلی آرتیست موفق داره، خیلی از مردمش عاشق بی‌تی‌اس هستن و آرزوشونه بیان کره و در کنسرتای بی‌تی‌اس شرکت کنند. کنسرتای بی‌تی‌اس توی امریکا کلی فروش داشت و به نظرم واقعاً حرفای چهارتا هیتر مهم نیست. بعد این هیتر فقط تو ایران نیستن. همه جا هیتر بی‌تی‌اس پیدا می‌شه، ولی مهم اینه پسرا الان بزرگ‌ترین بوی بند جهان هستن. گوربابای هیتر.



- فکر می‌کنی علت این موفقیت چیه که از همه جا جذبشون می‌شن؟

به نظرم به خاطر آهنگ‌سازی قوی‌شون بود. خب می‌دونن توی کی‌پاپ کلاً سه، چهارتا آهنگ‌ساز هست که برای اکثر کمپانی‌ها آهنگ می‌سازن و این باعث می‌شه آهنگا سبک آهنگای گروه‌های مختلف یکی بشه. خب آدما بعد از یه مدت هی آهنگ تکراری با یه سبک تکراری گوش بدن، جذابیتش از بین می‌ره. اما بی‌تی‌اس آهنگاشون رو اکثرشونو نامجون و شوگا و جیهوپ می‌ساختن. خب این مسأله سبب شده سبک بی‌تی‌اس کلاً یه سبک متفاوتی باشه. بعد فندوم وسیعی پیدا کردن که خب به نظرم خیلی تأثیر داشت. بیهو کلی طرفدار با گروه‌های سنی مختلف از کلی کشور متفاوت اومدن و طرفدارشون شدن، بعد حالا اینا الان برای کره، یه منبع درآمد و سرمایه بزرگ محسوب می‌شن.

رئیس جمهورشون خیلی بهشون بهاء می‌ده و افتخار می‌کنه بهشون. جوری که اینا تصمیم داشتن که بند رو یه مدت بفرن استراحت به صورت رسمی این اجازه رو بهشون ندادن. الان با این که تقریباً درگیر فعالیت‌های سولوی خودشون هستن، ولی اجازه ندادن که بگن رفتن یه جورایی استراحت. کره روی بی‌تی‌اس سرمایه‌گذاری کرده و کلی داره سود می‌بره و درآمد کسب می‌کنه از پسرا. می‌دونن بی‌تی‌اس باعث شد کره بیاد سر زبونا یا حتی به واسطه بی‌تی‌اس با کی‌پاپ آشنا شدن، فکر کن این قدر تأثیرگذارن که فرستادن شون به عنوان سفیر کره سازمان ملل یا با شخص رئیس جمهور امریکا دیدار کردن. این محبوبیت بی‌تی‌اس باعث شد که کره بهشون بهاء بده و بی‌تی‌اس براشون خیلی مهم باشه. در واقع جدای از بحث این که خود پسرا با استعدادشون اومدن بالا، حمایت‌هایی هم که شدن بی‌تأثیر نبود تو شهرت بیش‌ترشون.

- ممنون. خیلی لطف کردی که وقت گذاشتی.

خواهش می‌کنم.

تأملی دوباره

پونه ۱۸ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

پونه در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: استانداردهای سخت گیرانه زیبایی در کی‌پاپ، دامن زدن به خیال پردازی‌های هم‌جنس‌گرایانه، سبک زندگی لذت‌مدار، نقد رفتار کمپانی، از دست دادن هویت فردی ستاره و پذیرش هویت دیکته شده‌ی کمپانی، تربیت ربات‌گونه ستاره‌ها توسط کمپانی، الزام کمپانی بر رعایت رژیم‌های سخت‌گیرانه برای ستاره‌ها، الزام کمپانی بر کاربری از برنامه وایت واشینگ (سفید کردن رنگ پوست بدن ستاره‌ها)، ترویج هم‌جنس‌گرایی برای تحقق اهداف کمپانی و

عادی‌سازی اعتقادات و فرهنگ‌های مغایر با اعتقادات و فرهنگ بومی ایران، اشاره داشته است.

پونه ۱۸ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: تحول‌آفرینی ارزشی در هواداران، اثرگذاری در تغییر نظام ارزشی هواداران، تغییر عقاید و دیدگاه طرفداران در مسأله هویت‌های جنسی و پوشش، یافتن نگاه مثبت به رابطه‌های هم‌جنس‌گرایان، کم توجهی کمپانی‌ها به سلامت روانی ستاره‌ها، شیوع افسردگی و خودکشی در میان ستاره‌های کی‌پاپ، اشاره داشته است.

پونه در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: انگیزه گرفتن از موسیقی گروه بی‌تی‌اس، آرایه‌ی ترانه‌های متنوع و متناسب با خلق فرد در موقعیت‌های مختلف، سرگرم کردن و گذران اوقات فراغت هواداران، تحول‌آفرینی در سبک زندگی هواداران، تحول‌آفرینی ارزشی، تحول‌یابی ارزشی در همه ابعاد، الگوبرداری از ستاره‌ها، ارزش‌پذیری از ستاره‌ها، مواجهه با معرکه آرا و افزایش تسامح هواداران، جذب شدن به جذابیت ظاهری اعضای گروه بی‌تی‌اس، ارتقای مدیریت و اعتماد به نفس در جریان هواداری از گروه بی‌تی‌اس، گوگل کردن، جهانی شدن و جهانی‌اندیشیدن (نظیر آشنایی با جامعه کویرها)، پیدا کردن دوست و شکل‌گیری دوستی‌های مجازی در جریان هواداری از گروه بی‌تی‌اس، یادگیری زبان کره‌ای، یادگیری رقص‌های کی‌پاپ، تغییر ذائقه غذایی هواداران گروه بی‌تی‌اس، ارضای هیجان‌جویی هواداران (نظیر هیجان رقابت در رأی‌گیری‌های مختلف سایت‌های موسیقی)، وابستگی عاطفی به ستاره، وابستگی افراطی و شدید به ستاره‌ها (اعتیاد ستاره‌ای)، الگوبرداری از ستاره‌ها در انتخاب سبک آرایش و پوشش، ترویج جراحی زیبایی در سطح هواداران، عادی‌سازی فرهنگ‌های مغایر با فرهنگ بومی ایران، محبوبیت داستان‌نویسی‌ها (فیکشن‌ها) با محوریت رابطه عاشقانه ستاره‌ها بین طرفداران، اتلاف وقت گسترده هواداران، هواداری به مثابه ایجاد عرصه‌ای جهت تخلیه روانی طرفداران، سوق یافتن برخی از هواداران - خاصه افراد کم سن - به سمت انحرافات جنسی (آسیب دیدن طرفداران به واسطه‌ی خواندن فیکشن‌های هرزه‌نگار)، آسیب دیدن انگار، آسیب دیدن اخلاقی هواداران به سبب مواجهه با فن‌فیکشن‌های هرزه‌نگار، استقبال از هنجارشکنی گروه بی‌تی‌اس، اعتیاد یافتن به فن‌فیکشن‌ها، سوق یافتن برخی از هواداران به سمت ابتذال اندیشه، استقبال از هواداری گروه بی‌تی‌اس به سبب پذیرش هم‌جنس‌گرایی توسط ستاره‌ها، عادی‌سازی موارد ضد ارزش برای هواداران، هویت‌یابی افراد بی‌هویت ذیل طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، رسیدن برخی از هواداران به از خودبیگانگی، هواداری به مثابه ایجاد عرصه‌ای برای تخلیه هیجانی و روانی، دعوا و مشاجره میان طرفداران گروه‌های مختلف و اعتراض و مخالفت برخی از خانواده برای افراط فرزندان در طرفداری، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه پونه ۱۸ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحثی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، پونه در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی - عقیدتی، زیباشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

پونه در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: انگیزه گرفتن از موسیقی گروه بی‌تی‌اس، آرایه‌ی ترانه‌های متنوع و متناسب با خلق فرد در موقعیت‌های مختلف، ارتقای مدیریت و اعتماد به نفس در جریان هواداری از گروه بی‌تی‌اس، ارضای

هیجان‌جویی هواداران (نظیر هیجان رقابت در رأی‌گیری‌های مختلف سایت‌های موسیقی)، وابستگی عاطفی به ستاره، وابستگی افراطی و شدید به ستاره‌ها (اعتیاد ستاره‌ای)، ائتلاف وقت‌گسترده هواداران، هواداری به مثابه ایجاد عرصه‌ای جهت تخلیه روانی طرفداران، سوق یافتن برخی از هواداران - خاصه افراد کم‌سن - به سمت انحرافات جنسی (آسیب دیدن طرفداران به واسطه‌ی خواندن فیکشن‌های هرزه‌نگار)، اعتیاد یافتن به فن‌فیکشن‌ها، سوق یافتن برخی از هواداران به سمت ابتدال اندیشه، استقبال از هواداری گروه بی‌تی‌اس به سبب پذیرش هم‌جنس‌گرایی توسط ستاره‌ها، هویت‌یابی افراد بی‌هویت ذیل طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، رسیدن برخی از هواداران به از خودبیگانگی و هواداری به مثابه ایجاد عرصه‌ای برای تخلیه هیجانی و روانی، یاد کرده است.

پونه در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: تحول‌آفرینی در سبک زندگی هواداران، تحول‌آفرینی ارزشی، الگوبرداری از ستاره‌ها، ارزش‌پذیری از ستاره‌ها، مواجهه با معرکه آرا و افزایش تسامح هواداران، گوگل کردن، جهانی شدن و جهانی اندیشیدن (نظیر آشنایی با جامعه کوئیرها)، پیدا کردن دوست و شکل‌گیری دوستی‌های مجازی در جریان هواداری از گروه بی‌تی‌اس، الگوبرداری از ستاره‌ها در انتخاب سبک آرایش و پوشش، استقبال از هنجارشکنی گروه بی‌تی‌اس و دعوا و مشاجره میان طرفداران گروه‌های مختلف، یاد کرده است.

مصاحبه‌شونده در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: سرگرم کردن و گذران اوقات فراغت هواداران، تغییر ذائقه غذایی هواداران گروه بی‌تی‌اس، عادی‌سازی فرهنگ‌های مغایر با فرهنگ بومی ایران و مطالعه داستان‌نویسی (فیکشن‌ها) با محوریت رابطه عاشقانه ستاره‌ها بین طرفداران، سخن گفته است.

پونه در توصیف «اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: یادگیری زبان کره‌ای و یادگیری رقص‌های کی‌پاپ، سخن گفته است.

پونه در توصیف «اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: تحول‌یابی ارزشی در همه ابعاد، آسیب دیدن اخلاقی هواداران به سبب مواجهه با فن‌فیکشن‌های هرزه‌نگار و عادی‌سازی موارد ضدارزش برای هواداران، یاد کرده است.

مصاحبه‌شونده در توصیف «اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: جذب شدن به جذابیت ظاهری اعضای گروه بی‌تی‌اس و ترویج جراحی زیبایی در سطح هواداران، سخن گفته است.

پونه در توصیف «اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: مخالفت برخی از خانواده‌ها به دلیل افراط فرزند در طرفداری، سخن گفته است.

از بیانات اخیر پونه ۱۸ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره‌جسته خواهد شد.

مصاحبه با نرگس، ۲۱ ساله

من در واقع خانواده نداشتم، اعضای بی‌تی‌اس خانواده‌ی من شدن. من هر روز از زندگی که سخت بود، به اونا پناه می‌بردم و اونا تمام فکر و ذهنم رو پر می‌کردن. انگار که از همه چیز فاصله گرفتم و خودم رو پرت کردم تو بغل شون.

- نرگس عزیزم، می‌شه اول بگی از چه سالی طرفدار بی‌تی‌اس شدی و چی شد که سمت شون رفتی؟
 من از سال ۲۰۱۳ بود که طرفدار شون شدم. قبل از اون خیلی کی‌دراما و فیلم و سریالای کره‌ای رو با مامانم نگاه می‌کردم. بعد اون موقع خیلی طرفدار کی‌پاپ نبودم. بیش‌تر فیلم و سریال‌هاشون رو نگاه می‌کردم. بعد سال ۲۰۱۳ بی‌تی‌اس تازه دیو کرده بود. من یک بار داشتم توی گوگل از یکی از بازیگرای کی‌دراما یک خبری می‌خوندم که یک پهلو چشمم افتاد به یک خبر از بی‌تی‌اس. دقیقاً خبر پایین این خبر مربوط به کی‌دراما یه عکس از بی‌تی‌اس بود و من عکس‌شون رو دیدم. روی عکس کلیک کردم و اون رو باز کردم. بعد دیدم چندتا پسر خیلی جذاب ان. اون موقع خب اعضاء لباسا و سبک‌شون مثل الان نبود. استایلاهی دارک و تینیجری می‌زدن. منم خیلی این استایل و سبک رو دوست داشتم. خودمم دقیقاً تو اون دوران همین طوری لباس می‌پوشیدم. شلوار اسلش و سرتاپا مشکی. لباسای گشاد. برای همین خیلی توجهم رو جلب کردن به خودشون. کلیک کردم روی خبر و خوندم که گروه پسرانه‌ی بنگتن بویز، آلبوم دادن و البته این سایته کره‌ای بود که من همیشه توش می‌رفتم، ولی با گوگل به انگلیسی ترنسلیت می‌کردمش. عام بعدش که خبر رو خوندم، رفتم سرچ کردم بی‌تی‌اس و بیوگرافی شون رو خوندم و خوشم اومد از شون. با این که من تا قبل از این جز کی‌دراما چیز دیگه‌ای از کره رو دنبال نمی‌کردم. بیش‌تر آهنگای خارجی رو از پی‌ام سی گوش می‌کردم. چون اون زمان این قدر راحت به همه چیز دسترسی نداشتم که بخوایم مثلاً بریم دانلود کنیم یا برنامه‌ی موسیقی آنلاین مثل اسپاتیفای داشته باشیم. من اون زمان یک تیلت داشتم برای بازی و این چیزا. آهنگا رو هم با همون ماهواره گوش می‌کردم و فیلم و سریالای کی‌دراما رو هم با سی‌دی از بیرون می‌خریدیم.

عام بعدش من که رفتم و یه سری خبر و اطلاعات از این پسرای بنگتن خوندم و عکس‌شون رو دیدم، ناخودآگاه خوشم اومد از شون و بعد از یه مدت دیدم که تیلتم پر شده از عکس‌شون. بعد می‌گم سال ۲۰۱۳ تازه دیو کرده بودن و آلبوم داده بودن. یه سی‌دی فروشی و کامپیوتری سر کوجهی ما بود. من رفتم اون موقع پول دادم که برام از توی سایت همه‌ی آهنگای آلبوم‌شون رو بریزه تو فلش. بعد اومدم خونه و آهنگ‌شون رو گذاشتم و گاد (خدا)، داشتم از ذوق و خوشحالی می‌مردم. چون که حس می‌کردم خیلی به من شبیه، سبک و همه چیزشون رپ بود و هیپ هاپ تقریباً. من خودم تو اون سال کلاس رقص هیپ هاپ می‌رفتم و آهنگ‌شون خوراک دنس بودن. آره این جور شد که تو عالم تینیجری جذب شون شدم و هر روز و هر روز بیش‌تر از قبل دوست‌شون داشتم. حتی یادمه یک بار زنگ زدم پی‌ام سی، گفتم لطفاً آهنگ از بی‌تی‌اس هم پخش کنید. دورانی بود واسه خودش.



- اون موقع چند ساعت بود؟

دو هزار و سیزده می‌شدم دوازده سال فکر کنم. اول راهنمایی بودم اون موقع.

- پس بیش‌ترین چیزی که تو رو جذب کرد استایلشون بود که شبیه خودت بود؟

عام، بله فکر کنم. یه جورایی انگار خودم رو توی اونا پیدا کردم. تفاوتی نمی‌دیدم بین خودم و اونا. سبک آهنگاشون، تیپ‌شون، خیلی شبیه به علاقه‌های من بود. بعد که باهاشون آشنا شدم، خب خیلی زیاد ازشون کپی کردم. آرایش و لباس. حتی رفتم اون موقع مدل موهام رو مثل اونا زدم. کوتاه کوتاه. دیگه کاملاً خودشون شده بودم.

- چرا دوست داشتی شبیهشون بشی؟

نمی‌دونم. خب این چیزا توی سن و سال اون موقع من طبیعی بود به نظرم. یعنی کلاً این که الگوبرداری بشه از آدمای معروف خیلی رایج بود. خیلیا اون زمان خودشون رو شبیه آرتیستایی مثل جاستین بیبر و سلناگومز و تیلور سوییفت می‌کردن. منم چون سبکم شبیه به بی‌تی‌اس بود، از اونا الگو گرفتم دیگه.



- گفتمی کلاس رقص می‌رفتی، بعد از آهنگای بی‌تی‌اس استفاده می‌کردی؟

بله. الانم به صورت حرفه‌ای دنس هیپ‌هاپ و زومبا رو بلدم و آره، آهنگای بی‌تی‌اس خوراک دنس بود. من صبح که پا می‌شدم، تو خونه آهنگاشون رو می‌داشتی، چون تنها هم بودم تو خونه. مامانم می‌رفت آرایشگاه و بابام کارش جوری بود که مأموریتی بود. خیلی کم خونه بود. خواهر کوچیک‌ترم هم اون موقع به دنیا نیومده بود. منم که تو خونه تنها. صبح تا شب خودم رو تیکه پاره می‌کردم با دنس با آهنگاشون. بعد رفته بودم ویدیوهای دنس‌شون رو هم تو موزیک ویدیوها دیده بودم، سعی می‌کردم، شبیه خودشون برقصم. آهنگاشون برام خدا بود. منم تا قبل از اون اصلاً طرفدار کی‌پاپ نبودم، نمی‌دونستم که این قدر آهنگاشون می‌تونه تو دنس به کارم بیاد. اون قدر جذبشون شده بودم که یادمه برای کلاس دنس مون قرار بود هر کسی با یه آهنگ، یه دنس خودش ساخته بره. منم اون موقع آهنگ «نو» رو انتخاب کردم از بی‌تی‌اس. بعد دو هفته با آهنگ‌شون تمرین کردم و تو کلاس اجرا کردم و نفر اول شدم.

- خوب بعد از این که حس کردی بهشون علاقه‌مند شدی، چه کارهایی کردی؟

یادمه اون موقع کل اتاقم رو پوسترای بی‌تی‌اس زدم. من یه دختر تینیجر بودم که از مدرسه برمی‌گشت تو خونه و تنها بود تا شب. تنها بودم و چون ارتباط اجتماعی خوب نبود، دوست و رفیقی هم نداشتم. با مشکلائی نوجوونیم دست و پنجه نرم می‌کردم. افسردگی داشتم، مامان و بابام نبودن کنارم. برای همین سعی کردم یه جورایی اون خلاءهای زندگیم رو پر کنم، اگر شما چند سال پیش این سوال رو از من می‌پرسیدی، محال بود این حرفا رو بزنم. خودم فکر می‌کردم صرفاً به خاطر علاقه این قدر وابسته شده بودم بهشون. ولی خب الان نه. می‌دونم که یه بخشی از اون همه علاقه و افراط به خاطر مشکلاتم بود. بی‌تی‌اس من رو از مشکلاتم دور می‌کرد و من هرروز بیشتر تر توش غرق می‌شدم.

- چه خلاءهایی داشتی که بی‌تی‌اس اون‌ها رو برات پر می‌کرد؟

عام. خیلی چیزا. من تنها بودم، اونا دوست من شدن. من از کسی محبت نمی‌دیدم، اونا با حرف‌هایی که به آرمی‌ها می‌زدن، به من محبت کردن. من در واقع خانواده نداشتم، اعضای بی‌تی‌اس خانواده‌ی من شدن. من هر روز از زندگیم که سخت بود، به اونا پناه می‌بردم و اونا تمام فکر و ذهنم رو پر می‌کردن. انگار که از همه چیز فاصله گرفتم و خودم رو پرت کردم تو بغل شون.

- وقتی بهشون فکر می‌کردی یا باهاشون وقت می‌گذرندی، چه احساسی داشتی؟

اون اوایل که بی‌تی‌اس مثل الان این قدر حاشیه نداشت، حالم خوب بود باهاشون، یعنی من هر وقت حالم خوب نبود، با آهنگاشون گریه می‌کردم. باهاشون تو ذهنم حرف می‌زدم، شاید تصور کنی دیوونه بودم، اما همیشه حضورشون رو همه جا کنار خودم حس می‌کردم. این جورى باعث می‌شد کم‌تر توی موقعیتای مختلف مثل مهمونی یا مدرسه استرس بگیرم، حالم خوب بود با آهنگاشون می‌رقصیدم. از صبح تا شب باهاشون وقت می‌گذروم و حس می‌کردم بیش‌تر از هر کسی توی این دنیا دوستشون دارم، حتی بیش‌تر از پدر و مادرم. من دوران نوجوونیم واقعاً روزای خوبی رو نمی‌گذروندم. تنها چیزی که باعث شد دست به کارای احمقانه‌ترم، بی‌تی‌اس بود. اون من رو به این زندگی بند کرده بود. هر روز بیش‌تر عاشق می‌شدم. لباسام شبیه بی‌تی‌اس بود. اتاقم پر از وسایل بی‌تی‌اس بود. تو صحبتام فقط از بی‌تی‌اس می‌گفتم و انگار جز حرف زدن در مورد اونا، چیزی برای گفتن نداشتم. هویتم شده بودن اونا. تو مدرسه و کلاس همه من رو به اسم دیوونه‌ترین آرمی می‌شناختن، بماند که تونستم با کارام خیلی از دوستانم رو آرمی کنم.

- یعنی چی که هویتت شده بودن؟

بین همین که بچه‌ها من رو توی مدرسه می‌دیدن، یاد بی‌تی‌اس می‌افتادن. بعد از یک مدت هم دیدم که حرف زدنم، علاقه‌مندی‌هام، کارهام و لباس پوشیدنم، همه چیز شبیه شده به اونا و البته بیش‌تر هم شوگا، چون بایسم توی بی‌تی‌اس بود.

اون زمان زندگی من به دو بخش تقسیم شد. قبل از بی‌تی‌اس و بعدش. تا قبلش یادم نمی‌داد. واقعاً نمی‌دونم چی حالم رو خوب می‌کرد. چی بهم انگیزه می‌داد. چی دوست داشتم. هیچی یادم نمی‌داد، اما همه‌ی اتفاقای بعد از بی‌تی‌اس رو یادمه. تو اون سن من سرگردان بودم و چی تأثیرش بیش‌تر از یه بند موسیقیه که بتونه تو رو بسازه. من رو ساختن. برای همین می‌گم هویتم شده بودن.

- احساست به شوگا چه طور بود و اون چه قدر روی تو تأثیرگذار بود؟

عام، همه می‌دونستن که شوگا دوست پسر منه. حق نداشتن بهش بد بگن. حق نداشتن از شوگا خوش‌شون بیاد. توی مدرسه اگر می‌دیدم کسی داره آرمی می‌شه، می‌رفتم مخش رو می‌زدم تا شوگا رو به عنوان بایس انتخاب نکنه. اگر انتخاب می‌کردن، با من طرف بودن. من حتی رفتم اسم شوگا رو تتو کردم روی سینه‌ام اون موقع. البته دو ماه پیش رفتم کاور کردم اون تتو رو. بعد خیلی تلاش کردم شماره‌اش رو پیدا کنم. چون خیلی از این چنلا شماره‌های این آرتیست کره‌ای‌ها رو می‌ذارن که البته بعضیاش فیکه. یه بارم تونستم آی‌دی اسنپ چتتش رو پیدا کنم. هر روز می‌رفتم بهش پیام می‌دادم. اون موقع اینستاگرام شخصی نداشتن و فقط اکانت بی‌تی‌اس بود. برای همین خیلی بود که دایرکت اسنپ چتتش رو داشتم، همون چند ماه اول که طرفدارشون شده بودم یه وبلاگ ساختم برای شوگا و خودم اسمش رو هم گذاشته بودم معشوقه‌ی پنهان یونگی (می‌خندد).

توش از احساساتم می‌نوشتم و بعضیا می‌اومدن می‌خوندن. اون سال‌ها چون تلگرام و اینستا مثل الان نبود، سایت و وبلاگ بیش‌تر طرفدار داشت. بعد از یک مدت شروع کردم به داستان نوشتن از خودم و شوگا. مثلاً ما دوست پسر و دوست دختریم و باهم رابطه داریم، بعد طرفدارای وبلاگم زیاد شد. خیلیا خودشون رو جای شخص دختر داستان که در واقع خودم بودن تصور می‌کردن و کلی خوش‌شون می‌اومد و کامنت می‌داشتن و تشکر می‌کردن، ولی خب بعضیا عصبیم می‌کردن، چون در مورد شوگا می‌گفتن. برعکس حرف زدند توی جمع، قلمم خوب بود.

- چه احساسی به کامنت‌هایی که می‌گذاشتن داشتی؟

چیزی نمی‌گفتم بهشون، ولی خیلی زیاد حرص می‌خوردم. بدم می‌اومد که کسی جز خودم در مورد یونگی همچین حرفایی بزنه. اگر نزدیکم بودن خرخره‌هاشون رو می‌جویدم، تصورم این بود که یونگی برای منه و کسی حق نداره مثل من دوستش داشته باشه، می‌گفتم یا من یا هیچ کس.



- خودت هم از این داستان‌ها می‌خوندی یا فقط می‌نوشتی؟

نه، خیلی اهل خوندن نبودم. بیش‌تر خودم می‌نوشتم. خیلی کم پیش می‌اومد که بخونم، مگر این که برم داستانی که دوستانم توی واتپد می‌نوشتن رو بخونم و این طوری حمایت‌شون کنم.

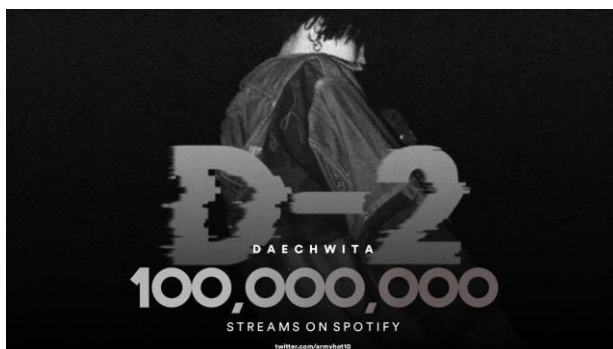
- واتپد هم داشتی؟

آره، می‌گم که بیش‌تر برای حمایت و خوندن داستانی دوستانم بود. واتپد معمولاً داستان در مورد شیپ‌های بی‌تی‌اس داره، منم خیلی اهل شیپ کردن اعضاء باهم نبودم، واسه همین نمی‌خوندم و خیلی جذب نمی‌شدم.

- چرا؟

من چون خیلی دیدم توی همسن و سالات که درگیر این شیپ‌ها می‌شن، من خودم چون درگیر شوگا بودم، دیگه به این که بقیه‌ی اعضاء با کی رابطه دارن اهمیت نمی‌دادم. صرفاً حسم به شوگا بود که قوی بود. این قضیه‌ی شیپ کردن تازه چند سالی می‌شه که خیلی زیاد شده. اون اوایل کم بود، مخصوصاً تو ایران. همون سال‌های ۲۰۱۳ خیلی از همسن و سالای من حتی نمی‌دونستن هم‌جنس‌گرایی چیه. تازه بعد از این که فن‌دوم خارج کلی به این موضوع‌ها پرداخت و شیپ کردن، ایرانیا هم تازه شروع کردن به شیپ

کردن اعضاء. خیلیا قبلش هموفوبیا (همجنس‌گرا هراسی) داشتن و حتی از کاپل‌های همجنس‌گرا بدشون می‌اومد. اما بعد از قضیه‌ی شیپ کردن نگاه‌شون تغییر کرد. اما من این جوری نبودم، قبل از اون آشنایی داشتم با همجنس‌گرایی. وقتی هم که متوجه داستان این شیپ و عشقا شدم، زیاد خودم رو درگیر نکردم. می‌گم اون قدر شوگا رو دوست داشتم که دیگه بقیه مهم نبودن.



- به نظرت چی باعث شد که نگاه‌شون نسبت به مقوله‌ی همجنس‌گرایی تغییر کنه؟
نمی‌دونم، شاید چون کیوت به نظر میان از نظرشون. ضمن این که بعدها متوجه شدم کمپانی‌ها چه قدر هزینه می‌کنن تا یک شیپ تبلیغ بشه و مخاطب جذب بشه کار می‌کنن رو این مقوله‌ها دیگه. برای پول هرکاری می‌کنن.

- یعنی تبلیغ کردن همجنس‌گرایی براشون سود داره؟
بله، خیلی از کسانی که جذب موسیقی کره و کی‌پاپ شدن، علتش همین بوده. کافیه خودتون برید یه نگاه بندازید و ببینید توی کی‌پاپ چه جوری اعضاء گروه‌ها باهم رفتار می‌کنن. البته یه بخشیش، علتش اینه که کلاً توی کره افراد خیلی باهم راحت هستن، برای همین کسانی که طرفدار کره‌ای‌ها هستن، این رفتارها رو می‌ذارن روی حساب این که اونا باهم صمیمی هستن. ولی خب خارج از کره اعضاء رو خیلی بیش‌تر شیپ می‌کنن. چون از نظرشون رفتارها مثل کاپل‌های همجنس‌گرا هست. این رفتارها هم خانواده‌ی کوئیر و هم دخترای تینیجر رو به شدت جذب می‌کنه. اینا براشون کیوت و جذابه. می‌بینن خوش‌شون میاد و طرفدار می‌شن، بعدش هم کلاً می‌افتن تو کار شیپ کردن و داستان و فن‌فیکشن خوندن و این جور کارا، خیلی از آرمی‌ها حالا تو ایران رو دارم می‌گم، صرفاً طرفدار یه شیپ هستن. اکثراً هم جونگ‌کوک و تهیونگ رو شیپ می‌کنن و عاشق همین دو نفر هستن. الان خیلی هم طرفدارای این شیپ زیاد شده. من خودم باور ندارم بهش، ولی خب اون قدری که از سادگی این بچه‌های تینیجر استفاده می‌کنن، با کلی مومن و عکس و تئوری

جوری نشون می‌دن که انگار واقعاً اینا باهم تو رابطه هستن. در مجموع سود داره دیگه. طرفدار بیش‌تر یعنی پول بیش‌تر و یکی از راه‌های جذب طرفدار هم همین شیپ کردن و کاپل نشون دادنه.

- خوب داشتی می‌گفتی که از این که برای یونگی کامنت می‌گذاشتن ناراحت می‌شدی، این نوع نگاه برات اذیت کننده نبود؟ چرا قطعاً.

من تا سال ۲۰۱۵ خودم رو به معنای واقعی متعلق به یونگی می‌دونستم. همیشه تو ذهنم بود. باهاش دیت (قرار ملاقات) می‌رفتم. قرار می‌ذاشتم. معاشقه می‌کردم. می‌بوسیدمش. شبا قبل خواب بهش فکر می‌کردم تا خوابم ببره. تمرکز رو همیشه از دست می‌دادم. حواس پرت شده بودم. تو مدرسه اصلاً گوش نمی‌کردم، معلم چی می‌گه. کسی باهام صحبت می‌کرد، نصف و نیمه متوجه می‌شدم تا این که سال ۲۰۱۵ بود فکر کنم بهو یه خبر پخش شد که شوگا با یه دختره قرار می‌ذاره.



من رو می‌گی؟ انگار دوست پسریم بهم خیانت کرده. چه جوری تو دنیای واقعی دختر و پسرا باهم کات می‌کنن و یکی یا دو طرف آسیب روحی می‌بینن. من دقیقاً همون حس رو داشتم. دقیقاً یادمه که تا دو هفته بعد از خبر، هر شب گریه می‌کردم. مریض شدم. غذا نمی‌خوردم. مدرسه رو چند روز غیبت کردم. حالم واقعاً بد بود. چون تا اون روز تصور می‌کردم یونگی قراره همیشه سینگل بمونه و من می‌تونم توی ذهنم تا ابد اون رو متعلق به خودم بدونم. بعد از دو هفته یه کم تونستم خودم رو جمع و جور کنم. یه کم رفتم سمت خبرای بی‌تی‌اس. چون تمام اون دو هفته فرار می‌کردم از بی‌تی‌اس و اصلاً دلم نمی‌خواست خبر جدیدی بشنوم، اما این طوری نبود که بعد از دو هفته بگم اوکی، همه چی تمومه و من حالم خوبه دیگه، نه واقعاً نبودم. فقط یه کم آروم‌تر شده بودم. یه ماه گذشت و کارنامه‌ی ماهانه من که اومد، نمره‌هام خیلی خیلی افت کرده بود. چون اصلاً اعصاب نداشتم که درس بخونم.

اون موقع تو مدرسه‌ی ما بچه‌هایی که نمره‌هاشون کم می‌شد رو می‌بردن دفتر مشاوره تا باهاشون صحبت کنن و بفهمن که مشکل‌شون چیه. منم رفتم. نه این که خودم بخوام. اجباری بود. یه مشاور داشتیم اسمش خانم رضایی بود. خیلی مهربون و با درک بود. وقتی رفتم پیشش بعد از کلی اصرار بهش گفتم که یه مشکلی پیش اومده که این روزا تمرکز ندارم خیلی. جلسه‌ی اول بهش نگفتم، اما قول دادم بهش که دفعه‌ی بعد باهاش راحت‌تر باشم و اگر دوست داشتم، مشکلم رو بگم تا بتونه کمکم کنه و تصمیم گرفتیم بگم. وقتی بهش گفتم، اولش یه کم گیج شد، اما بعد کلی باهام صحبت کرد و بهم یه سری تمرین داد که انجام بدم تا ذهنم رو این قدر نبرم سمت این اتفاق و مهم‌ترین کمکی که بهم کرد، این بود که تونست تاحدودی من رو قانع کنه، شوگا به عنوان یه انسان قرار نیست که به خاطر من با کسی قرار نذاره یا همیشه سینگل (مجرد) بمونه و منم قبول کردم. یه جورایی مجبور شدم قبول کنم، چون چاره‌ای نداشتم، نمی‌تونستم بکشم خودم رو که. با این که هیچ وقت دلم نمی‌خواست شوگا با کسی قرار بذاره، اما خب چاره‌ای نبود جز کنار اومدن باهاش. البته اون موقع من بچه بودم، بزرگ‌تر که شدم این قدر افراطی نبودم. ولی خب خیلی اذیت شدم اون زمان.

- تا کی این نوع رفتارهای تو ادامه پیدا کرد و بعدها این احساس‌ها کم‌تر شد یا بیش‌تر شد؟

این احساس‌ها ادامه دار بود. می‌گم این جوری نبود، بعد از این که متوجه شدم شوگا دوست دختر داره، حسم کم شه یا علاقه‌ی افراطیم از بین بره. البته چند وقت بعد، طبق اطلاعاتی که به دست آوردم، فهمیدم که دختره، دوست دختر واقعی یونگی نیست و یه جورایی یه

رابطه‌ی فیکه که توی خبرا پخش شده تا مخاطب جذب کنه، اما همیشه نسبت به اون رابطه حس بدی داشتم. اون روزی که فهمیدم شوگا دیگه با اون دختره رابطه نداره، دوستانم رو بردم بیرون و ناهار مهمون شون کردم. اون قدر خوشحال بودم و یه چیزی که همیشه به خودم می‌گفتم، از یه سالی به بعد، این بود که من حاضرم شوگا با یه پسر قرار بذاره، اما هیچ وقت با یه دختر قرار نذاره. می‌گفتم اگر اون دختر من نیست، پس امیدوارم هیچ وقت با هیچ دختری رابطه نداشته باشه. برام عذاب بود ببینم که شوگا با دختر دیگه‌ای قرار می‌ذاره.



- اطرافیان وقتی می‌دیدن تو از خودت همچین رفتاری نشون می‌دی، بهت چیزی نمی‌گفتن؟ مثلاً مامانت یا بابات گیر نمی‌دادن یا وقتی گفتمی مریض شدی، مامانت هیچی نگفت؟
نه، مامانم اصلاً متوجه نشد، چرا حالم بده. چون اصلاً خونه نبود، صبح تا شب سرکار بود. بابام هم که مأموریت بود و شاید اصلاً یادش نمی‌اومد یه دختر داره. کلاً اونا هیچ وقت بهم کاری نداشتن. هر کی سرش تو کار خودش بود.
- به خاطر درست هم بهت گیر نمی‌دادن؟
نه. خیلی براشون مهم نبود.
- از نظر درسی هم گفتمی اون زمان افت داشتی، درسته؟
آره خیلی. خیلی زیاد. گفتم که هیچ تمرکزی نداشتم برای درس خوندن، جدای از این که اصلاً علاقه‌ای به خوندن درس نداشتم هیچ وقت، این که ذهنم همیشه درگیر بی‌تی‌اس بود هم وضع رو بدتر کرد. یه تایمی افت تحصیلیم خیلی زیاد شد.
- خیلیا می‌گن که بی‌تی‌اس بهشون انگیزه می‌ده برای درس خوندن. تو این طور نبودی؟
نه خب، آخه من کلاً هیچ علاقه‌ای به درس نداشتم و ندارم هنوز. من حرفه‌ای دنس رو ادامه دادم از بچگی و خب بی‌تی‌اس شاید توی درس بهم انگیزه نداد، اما توی دنس قطعاً بزرگ‌ترین انگیزه‌ی من بود. یادمه یه زمانی برنامه ریخته بودم که برم و دنس کی‌پاپ بشم تا بتونم یه روزی اون قدر پیشرفت کنم که برم دنس بی‌تی‌اس بشم، همه قرار نیست توی درس انگیزه بگیرن. یه جورایی بستگی به علاقه آدم داره.
- یعنی دلت می‌خواست بری کره؟
قطعاً. من خب همیشه حتی قبل از این که سمت بی‌تی‌اس و کی‌پاپ برم عاشق کی‌دراما بودم و کره جزو کشوری مورد علاقه‌ام بود. خیلی دوستش داشتم. یادمه اون موقع که طرفدار بی‌تی‌اس شدم، همه‌اش پرس و جو می‌کردم و توی اینترنت اطلاعات درمیاوردن که چه جور می‌شه به کره مهاجرت کرد. یکی از راه‌هاش درس و مهاجرت تحصیلی بود. ولی من چون درس خوندن رو دوست نداشتم، یه راه دیگه رو کشف کردم. یکی از هم‌کلاسیام تو کلاس هیپ‌هاپم بهم گفت، تو که دنس خوبه و این قدر کره رو دوست داری، چرا نمی‌ری آزمون بدی؟ بهم گفت می‌تونن از خودت و دنس و ویدیو بگیرن و بفرستن برای کمپانی‌های موسیقی، بعد اگر اوکی بودی،

بری برای آزمون حضوری و کارآموزی منم تاحالا به ذهنم نرسیده بود که همچین راهی هست. در موردش شنیده بودم، اما اون قدری اطلاعات نداشتم. منم که خب آرزوم بود برم دنسر بشم. یه بار یه ویدیو از دنسم ضبط کردم و درخواست دادم که اگر امکانش هست، نگاه کنن تا شاید بتونم آزمون اصلی رو بدم. خیلی هم دنس خوبی رفتم، اما خب اون قدم راحت نیست که تا ویدیو بفرستی جوابت رو بدن. یادم نیست دقیقاً برای کجا فرستادم. ولی خب جوابی هم نگرفتم ازشون و یه جورایی ناامید شدم. بعد با خودم فکر کردم حتماً به خاطر این که قیافه‌ام شبیه به آیدولای دختر و دنسرای دختر نیست یا خوشگل نیستم، جوابم رو ندادن. هیکلم اوکی بود چون برای دنس باید هیکلت خوب باشه، ولی اون موقع این تصور که پوستم سبزه هست و قیافه‌ی خوشگلی ندارم، اذیتم کرد.



- البته که چهره‌ی قشنگی داری. این نگاهت به خودت باعث شد فکرت سمت جراحی بره و بخوای خودت رو شبیه به کره‌ای‌ها و ستاره‌های کره‌ای بکنی؟

آره خیلی وقتا بهش فکر می‌کردم. می‌گفتم برسیم به سن قانونی حتماً می‌رم جراحی می‌کنم و خوشگل‌تر می‌شم تا راحت‌تر پذیرش بشم برای دنسر بودن. ولی خب وقتی رسیدم و من بینی خودم رو دقیقاً سر همین قضیه عمل کردم. سال کنکور که به سن قانونی رسیدم، رفتم بینی مو عمل کردم و لبام رو هم کمی ژل زد. تصمیم داشتم که پوستم روشن‌تر کنم چند درجه، ولی خب دیگه کار به اونجا نرسید و کلاً کی‌پاپ رو بوسیدم گذاشتم کنار، اما روزی که رفتم برای جراح بینی، به دکترم گفتم بینیم رو کره‌ای عمل کن که کلی هم بهم خندید.

- وقتی که داشتی به این فکر می‌کردی که بری و به عنوان دنسر توی کی‌پاپ فعالیت کنی، از سختی‌ها و فشارهایی که روی هنرمندان می‌گذاشتن، خبر داشتی؟

نه قطعاً. بعدها فهمیدم که پدرشون در میاد.

- چه چیزهایی رو فهمیدی؟

رژیمای سخت می‌دن بهشون. محدودشون می‌کنن. خیلی از کارهایی رو که دوست دارن، نمی‌تونن انجام بدن. مجبور هستن هر چی بگن، گوش کنن. تمرینای خیلی خیلی سخن می‌ذارن برای دنسرای کی‌پاپ. من دقیق یادم نیست چیا بود که خوندم. مال خیلی وقت پیشه، ولی می‌دونم که وحشتناک بود. بعد دنسرا چون مثل آرتیستا شناخته شده نیستن و طرفدار ندارن، خیلی راحت هرکاری بخوان باهاشون می‌کنن. بهشون تجاوز می‌کنن. ازشون سوءاستفاده می‌کنن. با قول این که اگر بهشون خدمت جنسی بدن، جایگاهشون پیشرفت می‌کنه، فریبشون می‌دن. یادمه یه داستان خوندم اون وقتا از یکی از همین دنسرای کی‌پاپ، مال یه بند خیلی معروف بود. منتهی پسر بود. دختر نبود. خیلی آزارش داده بودن. این شرایط البته به مراتب برای دخترا بدتر و وحشتناک‌تره. تمریناشون سخت‌تره و

خب بیش‌تر آسیب می‌بینن. چه جسمی، چه جنسی، چه روحی. خیلی سخته شرایطشون بعد که کلاً کارشون با دنسرا تموم می‌شه، مثل یه تیکه آشغال اونا رو دور می‌اندازن و دنسرا هم خیلی سودی نمی‌برن از این کارشون. بیش‌تر اون عشق به کار هست که نگه‌شون می‌داره. خیلی سخته شرایط دنسرای کی‌پاپ. البته نه فقط کی‌پاپ کلاً همه جا.



- تو گفتی اون زمان تحت تأثیر همین علاقه به رقص و کی‌پاپ رفتی عمل جراحی کردی، با توجه به استانداردهایی که کمپانی برای لاغری داره، رژیم هم گرفتی؟

نه، هیکلم رو فرم بود همیشه. در کل هم اسکینی و لاغر بودم، ولی همیشه هم سعی می‌کردم که لاغر بمونم و یهو چاق نشم. چون خیلی شرط مهمی بود و هست که لاغر باشی و اگر نباشی، رسماً با یه تیکه زباله در کی‌پاپ فرقی نداری، این مسأله براشون خیلی مهمه. خیلی از کارآموزا رو سر همین لاغری و میزان نبودن هیکل رد کردن و خیلیا هم سر همین که رد شدن به خاطر هیکل و قیافه خودکشی کردن.

- این‌ها رو که فهمیدی، سعی کردی که بازم سمت کی‌پاپ و رقص بری؟
نه، دیگه پشیمون شدم.

- علت پشیمون شدنت هم همین سختی‌های کی‌پاپ بود، درسته؟
بله، قطعاً.

- چی شد که از کی‌پاپ فاصله گرفتی؟

عام بعد از کنکور و رفتن به دانشگاه یه کم اون حس و حال کم‌تر شد یه سری اتفاق افتاده بود که بی‌تأثیر نبود تو این که دیگه پیگیرشون نباشم.

- چه اتفاق‌هایی؟

من یک مدت توی توئیتر اکانت داشتم و با بقیه‌ی آرمی‌ها در ارتباط بودم، توئیت می‌زدم و بیش‌تر هدفم از این که توئیتر رو نصب کردم، این بود که ویدیوهای دنسی که با آهنگای بی‌تی‌اس می‌رم رو اونجا با بقیه شیر کنم و خود اکانت بی‌تی‌اس رو منشن (ذکر) کنم، شاید که یه روزی ویدیوهای من رو دیدن. اون اوایل اون قدری اعتماد به نفس نداشتم، اما یکی از دوستای مدرسه‌ام من رو تشویق کرد که حتماً این کار رو انجام بدم و من هم انجام دادم. ویدیوهایم بین آرمی‌ها خیلی وایرال شد. منظورم فن‌دوم ایرانه، نه خارج. دوست داشتن و هم‌هانش ترغیب می‌کردن من رو که برم ویدیو بذارم، بعد از یک مدت خب یه سری دوست پیدا کردم توی توئیتر و

باهاشون صمیمی شدم و چون ارتباطمون مجازی بود، خیلی راحت‌تر بودم. حضوری یه کم سخته همیشه، با این وجود کلاً از فضای توئیتر خوشم نمی‌اومد. همه‌اش دعوا و درگیری بود و منم که از نظر روانی خیلی حال خوبی نداشتم، این اتفاقاً باعث می‌شد، حالم بدتر بشه.

- دعوا سر چی؟

سر همه چی دیگه. فضای توئیتر یه فضای خیلی آزاد و نامحدوده که هر کسی می‌تونه هر چیزی که دلش می‌خواد رو بگه. راحت به هم توهین می‌کردن. دعوا بود. طرفدارای گروه‌های مختلف می‌اومدن و به هم دیگه می‌پردن. سر همه چیز باهم دعوا می‌کردن و منم یه آدمم و طبیعتاً تحت تأثیر جوّ قرار می‌گیرم. منم بعد از چند وقت قاطی این دعواها و ماجراها شدم. خودتم احتمالاً متوجه شدی که من یه طرفدار افراطی بودم. جوری که یه زمانی یونگی رو فقط متعلق به خودم می‌دونستم. خب تصور کن با همچین زمینه‌ای من برم توی توئیتری که این قدر این افراطی‌گری‌ها توش زیاده.



اون تایم توی توئیتر خیلی اذیت شدم. یعنی شاید یکی از دلایلی که باعث شد علاقه‌ی من به بی‌تی‌اس کم‌تر بشه، همین فضای توئیتر بود که هیچ فرقی با باغ وحش نداشت. بعد بزرگ‌ترین اشتباهم این بود که رفتم توی توئیتر و با یه اکپ که خیلی تاکسیک (سمی) و افراطی بودن دوست شدم. این اکپ جزو افراطی‌ترین‌های توئیتر بودن. به شدت تعصبی و بی‌منطق. مثل یه آدم کور که هیچ چیزی جز اون چیزی که خودش می‌خواد رو قبول نداره. روز و شب به آر‌تی‌اس‌تایی غیر از بی‌تی‌اس فحش می‌دادن و اصلاً کسی رو جز بی‌تی‌اس، لایق موفقیت و پیشرفت نمی‌دونستن. من متعصب با رفتن به توئیتر تعصبی‌تر شدم. دیگه یه کم هم منطق نداشتم. کافی بود یکی بگه بالای چشم پسرای بی‌تی‌اس ابرو هست. طرف رو نابود می‌کردم. حالا این تو مجازی بود. این پرخاشگری و تعصب به زندگی واقعیتم رسید جوری که مدام تو مدرسه و خونه عصبی بودم. مدام با مامانم دعوا می‌کردم، خواهر کوچیک‌ترم به دنیا اومده بود، گریه می‌کرد، عصبی می‌شدم. قشنگ مثل وحشی‌ها شده بودم. واقعاً روزای مزخرفی بود.

- خوب با خودت فکر نمی‌کردی این رفتارها اشتباهه؟

نه واقعاً. من تنها بودم. مشکل داشتم. رفتم توئیتر و دوستایی پیدا کردم که هر روز باهاشون توی فضای مجازی وقت می‌گذروندم. از تنهایی دراومدم و رفتاراشون روم تأثیر گذاشت. اون موقع یه جورایی با رفتارای تعصبی که داشتم، خودم رو خالی می‌کردم. من از صبح تا شب با همه چیز زندگی‌م درگیر بودم. پس چی واسم بهتره از این که برم و به چهارتا طرفدار بدبخت دیگه، بد و بیراه بگم تا از شدت خشمم کم بشه؟ اون موقع متوجه نبودم، ولی خب ناخودآگاه این تو ذهنم بود. با فحش و بی‌ادبی و دعوا و در آخر برنده شدن توی دعوا، حس خالی شدن و بهتر شدن، بهم دست می‌داد. البته بعضی وقتا عصبی هم می‌شدم.

- یعنی هیجانانت رو این جوری تخلیه می‌کردی؟

آره تقریباً. خودم نفهمیدم خیلی، ولی خب بعداً که رفتم پیش تراپیست، بهم این رو گفت. اون موقع تصورم بر این بود که من باید به رقبای بی‌تی‌اس بی‌احترامی کنم و متقابلاً باید از خود بی‌تی‌اس در برابر حرفایی که می‌زنن، دفاع کنم. امکان نداشت چیزی ببینم و دفاع نکنم. ایرانی، خارجی، کره‌ای هر کسی، هر توئیتری می‌زد که علیه پسرای بی‌تی‌اس بود، من وظیفه‌ام بود که دفاع کنم. البته فقط

توی تویتر دفاع نمی‌کردم، توی مدرسه، بیرون از خانه، توی خونه، اینستاگرام یا تلگرام هر جایی که می‌شد با هر کسی که چیز بدی می‌گفت، شروع می‌کردم به بحث کردن و جواب دادن، یه وقت‌هایی می‌شد چند ساعت می‌نشستم پشت گوشی و با یک نفر سر بی‌تی‌اس دعوا می‌کردم. از زندگیم می‌زدم تا از اون‌ها دفاع کنم.



- چه وقت‌هایی از دعوا حس خوب می‌گرفتی یا برعکس عصبی می‌شدی؟
کلاً اون دعواها و درگیری‌ها من رو عصبی می‌کرد. یعنی خب وقتی می‌رفتی و به یک آرتیستی بی‌احترامی می‌کردی، طرفدار اون آرتیست میاد به تو و آرتیست مورد علاقه‌ی تو بی‌احترامی می‌کنه، خب این آزار دهنده هست و معلومه آدم عصبی می‌شه. اما خب اون حس تخریب و عصبی کردن طرف مقابل یه کم از شدت خشمم کم می‌کرد. ولی کلاً اذیت کننده بود، اگر نبود شاید همچنان تو فندوم باقی می‌موندم. می‌دونم یه جورایی دیگه همه می‌دونن که بی‌تی‌اس طرفدارای تاکسیک (سمی) داره. من دیر فهمیدم. چون خودمم جزئی از همون طرفدارا بودم. کلاً فضای مسمومی داره. هیچی هم نباشه، خود طرفدارا داستان درست می‌کنن و جو می‌دن و دعوا راه می‌اندازن. نمی‌گم همه‌ی طرفدارا این جورن، خلیلیا سعی می‌کنن فضای فندوم رو اروم کنن و نذارن دعوایی بشه. مدام می‌گن فقط از آرتیست حمایت کنید. با رفتارتون باعث می‌شید چهره اونا خراب بشه. اما یه درصد زیادی از فنا تاکسیک و متعصب بودن.

- خودت هیچ وقت سعی نکردی مثل اون درصد کم باشی؟
نه، چون فکر می‌کردم دارم کار درستی می‌کنم که به خاطرشون با زمین و زمان دعوا می‌کنم، اون درصد کم، نوع نگاهشون این بود که آیدول ما بهمون می‌گه به هم دیگه احترام بذارید، سعی می‌کردن به حرف پسرا گوش بدن. یه جورایی خودشون رو نماینده می‌دونستن که وظیفه دارن با رفتار خوبشون به دیگران بفهمونن که پسرا چه طرفدارایی رو تربیت کردن. ولی نوع نگاه من و امثال من، این نبود. ما می‌گفتیم خب پسرا نمی‌تونن از خودشون دفاع کنن. پس ما باید بیایم و ازشون در برابر حرف‌هایی که بهشون می‌زنن، حمایت کنیم.

- این رفتارها تا کی ادامه پیدا کرد؟

عام، یه کم سخته گفتنش.

- اگر اذیت می‌شی نگو.

نه، می‌گم. فقط یادآوریش سخته یه کم.

خب من گفتم که مدام برای این که از مشکلاتم فرار کنم، می‌رفتم سمت این چیزا، ولی دیگه تا یه جایی زور این بی‌تی‌اس و طرفدارای کردن‌ها به مشکلات زندگیم چربید، از یه جایی به بعد مشکلاتم اون قدر زیاد شد که نتونستم دیگه به چیزی جز اتفاقای زندگیم فکر کنم. من بابام مدام مأموریت بود. خب همیشه سر این قضیه مامان و بابام باهم مشکل داشتن و یه بخشی از تمام درگیری‌های ذهنی

من به خاطر همین بود تا این که در نهایت بابا و مامانم از هم جدا شدن و طلاق توافقی گرفتن و خب این خیلی به من آسیب زد. خیلی زیاد. من دیگه نتونستم مثل قبل درگیر بی‌تی‌اس باشم، چون حالم خوب نبود و حتی دیگه نمی‌تونستم برای آروم شدنم برم به اونا پناه ببرم تا ذهنم کم‌تر درگیر بشه. البته یه بخشیش به خاطر این بود که این اواخر طرفداریم، از نظر روانی خیلی آسیب دیدم. گفتم که پرخاشگر شده بودم. دیگه آرامش نداشتم، همه‌اش دنبال دعوا و درگیری و دفاع کردن بودم. برای همین این مسأله باعث شد دیگه مثل قبل، تو ذهنم بی‌تی‌اس و فضای طرفداری آرمی‌ها رو دلیل آرامش و حس خوب ندونم. برای همین کم‌کم فراموش شدن و از تو ذهنم کنار رفتن. به تعبیر دیگه، اون قدر زندگی‌م داغون بود که دیگه فرصتی برای فکر کردن بهشون نداشتم.

- یعنی دیگه مثل اون اوایل برای فرار از مشکلاتت بهشون پناه نیاوردی؟

نه، انگار که دیگه تأثیری توی حالم نداشتم. یه حسی مثل دل‌زدگی بود که آخه اونا چه کار می‌تونن با زندگی تو بکنن، اون رو درست می‌کنن؟ نه. پس کم‌کم اون حسم رفت.

- بعداً دیگه پیگیر اخبارشون هم نبودی؟

نه دیگه. تویتر رو پاک کردم. دیگه درگیر رأی‌گیری و استریم زدن آهنگ و اینا هم نشدم، خبراشون رو خیلی کم دنبال کردم. اون اوایل جدایی مامان و بابام که اصلاً بعد از یه مدت فقط تو اینستا خبری می‌دیدم ازشون و فقط پستاشون رو لایک می‌کنم. از بین هفت تا شون فقط شوگا رو فالو دارم و آهنگای اون رو گاهی گوش می‌دم. هنوزم دوستش دارم، اما دیگه مثل قبل نیست که بگم عشقمه یا می‌میرم براش. به عنوان یه هنرمندی که یه زمانی برام خاطره ساخت و به نوعی نجاتم داد. در همین حد الان پیگیرشونم.

- به نظرت چه قدر سن و سال روی نوع نگاهت به بی‌تی‌اس تأثیر داشت؟

نمی‌دونم. ولی خب یه سری چیزها مربوط می‌شد به دوران تینیجریم دیگه، کلاً تا قبل از کنکور و دانشگاه، یه جور دیگه بودم انگار. خیلی راحت تحت تأثیر جو دوستای تویتر و خودفندوم قرار می‌گرفتم، ولی بعدش که دانشگاه رفتم و از اون فضا دورتر شدم، به نسبت قبل یه سری کارام کم‌تر شد. حالا شاید چون کم‌تر وقت داشتم یا درگیر بودم یا کلاً سنم بیش‌تر شد. نمی‌دونم.

- موارد مشابهی از این رفتارهای سمی رو در جامعه خودمون یا جاهای دیگه هم دیدی؟

آره. یادمه چندی پیش، صاحب یک رستوران در سئول، تنها به دلیل این که گفت که فلان گروه از این گروه بهتره، از اعضای آرمی کتک مفصلی خورد.

- گفتمی اون اوایل پوستر و وسایل بی‌تی‌اس رو زیاد استفاده می‌کردی، درسته؟

بله.

- چی بیش‌تر می‌گرفتمی و چه قدر بابت اون وسایل هزینه می‌کردی؟

اون اوایل بیش‌تر وسایل معمولی رو با طرح بی‌تی‌اس می‌خریدم. هر چیزی، حالا کیف و کفش و پتو و پوستر و ساعت و ماگ. ولی یه کم بعدتر که آلبوم بی‌تی‌اس فروشش بیش‌تر شد، آلبوم گرفتم. البته آلبوم اصل نیست، فیکه. بعد خب خیلی زیاد هزینه می‌کردم. خیلیاشون رو الان دادم به یکی از دوستانم، خیلیاشونم فروختم، چون نو بودن، حالا اینا یه سری خرید بود. یادمه یه سری برای شوگا تولد گرفتم و دوستانم رو بردم کافه و جشن گرفتیم. چند بار هم میتینگ تشکیل دادن بچه‌ها برای آرمی‌های تهران و کرج رفتیم اونجا جشن گرفتیم.



- اول بگو منظورت از آلبوم فیک (قلابی) چیه؟

یعنی سی‌دی خام رو با آهنگای بی‌تی‌اس پر می‌کنن و طرح جلد اونم می‌زنن رو سی‌دی و جعبه. یه جورایی حالت تزئینی داره دیگه. وگرنه که هیچ وقت کیفیت آلبوم اصل رو نداره، چون تو ایران پیدا نمی‌شه که این چیزا. یه فروشگاه بود اسمش پیج بود من این آلبوم فیکا رو از اونجا می‌گرفتم.

- خوب حالا می‌شه در مورد اون میتینگ بهم توضیح بدی؟

عام میتینگ این جوریه بود که یه سری از آرمی‌ها که باهم دوست بودن، اومدن یه پلن و برنامه ریختن که بیان هر چند وقت یک بار با دوستانشون یه جایی جمع بشن و یه جور پارٹی بگیرن. ولی فقط با حضور آرمی‌ها.



اینا رو یکی از دوستانم که با اینا دوست بود، بهم گفت. بعدش اون اوایل کم بودن، ولی به مرور زیاد شدن. اینایی که میتینگ می‌گیرن، وضع مالی‌شون خداست. باباهاشون از مایه‌دارای تهران ان. برای همین هزینه کلی می‌کنن. عام بعد از یه مدت خب، هی تعداد اضافه شد. هر چند وقت یه بار به مناسبتای مختلف مثل آلبوم دادن بی‌تی‌اس یا برنده شدنشون تو مسابقه‌ها و اوارد شوها دور هم جمع می‌شن. هر بار یه تم خاص داره که لباساشون رو بر اساس تم اون مراسم می‌پوشن. موقع تولد اعضا دور هم جمع می‌شن و تولد می‌گیرن. دنسرا میان دنس می‌رن. کسی ساز بلد باشه، می‌بره و آهنگ می‌زنه، منتهی فقط آهنگای بی‌تی‌اس. کسی بلد باشه می‌خونه. کلاً دور هم جمع می‌شن و خوش می‌گذرونن. من خودم دو بار رفتم، چون دوستم بهم گفت بریم. هر کسی رو هم راه نمی‌دن، یعنی حتماً باید با خودشون دوست باشی یا دوستی داشته باشی که تو رو بیره اونجا، منم واسه همین تونستم برم، چون واسطه داشتم. آهان

بعد تو مراسم و میتینگاشون همیشه کیک و کوکی‌های طرح بی‌تی‌اس هست. مسابقه برگزار می‌کنن اونجا، بعضی وقتا هم آخر سر بهت هدیه می‌دن ببری یادگاری. عام بعدم این که تم‌هایی که انتخاب می‌کنن، معمولاً تم لباس یکی از پسرا هست. یعنی مثلاً تولد تهیونگ باشه، می‌گن یکی از لباسای تهیونگ رو انتخاب کنید، شبیه اون بیاید. یه گروه هم دارن، مثل این که برنامه و جا و مکان اونجا رو مشخص می‌کنن. معمولاً هم ویلای یکی از همون خرپولا توی نیاوران بود. من اونجا رو یادمه یکی، دو باری رفتم، البته اینا مال الآن نیستا. چند سال پیش بود که من رفتم. الآن نمی‌دونم هست یا نه خبری ندارم ازشون دیگه.





یادمه یکی از طرفدارا می گفت، ما این قدر بدبختیم تو ایران که نمی تونیم کنسرت بریم یا پسرا بیان تو کشورمون، برا همین این جورى با بچه‌ها دور هم جمع می شیم، بلکه یه کم از غم نداشتن بی تی اس کم کنیم. این تنها کاریه که می تونیم با بقیه ی آرمیا انجام بدیم و خوش بگذرونیم.

- می تونی برای من شماره شون رو پیدا کنی که باهاشون مصاحبه کنم؟

شمرنده. خودشون رو که نمی شناختم خیلی. با اون دوستم که رفتم، دیگه در ارتباط نیستم.

- بی تی اس از نظر اعتقادی چه قدر روی تو تأثیر گذار بود؟

عام زیاد. یعنی کلاً اون اوایل راحت می تونستن من رو تحت تأثیر خودشون قرار بدن، دیگه برام اهمیتی نداشت که حرفشون درسته یا غلط، قبول می کردم، بدون این که بخوام یا دست خودم باشه. خصوصاً شوگا. اولاً خیلی بود، اما رفته رفته کم تر شد، ولی در کل خیلی تحت تأثیرش قرار می گرفتم. یادم نیست خیلی که بخوام مثال بزنم، اما اونا بت من بودن انگار. خوب و بی نقص و عالی و پرفکت (کامل)، درک این که اونا هم ممکنه مثل بقیه اشتباه کنن، برام به شدت سخت بود.

دقیقاً برعکس خود بی تی اس که باورم این بود، قطعاً آدم های درستی هستن، کسانی که رقیبشون بودن رو کاملاً برعکس می دیدم. می گفتم اینا اصلاً استعداد ندارن، امکان نداره با مهارت خودشون بالا اومده باشن یا آدمای درستی باشن.

- چی باعث شده بود به اون ها این طوری نگاه کنی؟

نمی دونم، شاید چون تو ذهنم ازشون خدا ساخته بودم.

- چه قدر اون زمان با جو و محیط خود کی پاپ و مسایل پشت پرده اون آشنایی داشتی؟

چیزی نمی دونستم اون زمان. اگر هم کسی چیزی می گفت، باور نمی کردم. برام یه کم سخت بود پذیرفتن این چیزا که این قدر تحت فشار ان. یه کم هم به خاطر این بود که چون زندگی خودم اوضاع خوبی نداشت، و یه جورایی به اونا پناه می بردم، تا از غم و غصه های زندگیم راحت بشم، دیگه خب نمی خواستم قبول کنم که این اعضای بی تی اس هم شاید اون جورى نیستن که نشون می دن. خودم رو گول می زدم. چون می دونستم اگر با واقعیت این که چه قدر ممکنه فضای کی پاپ برای اونا سخت و آزار دهنده هست، روبرو می شدم،

احتمالاً حالم بدتر می‌شد. برای همین خیلی نمی‌رفتم دنبال این چیزا که داره چه اتفاقی می‌افته و تا می‌تونستم از این خبرا دوری می‌کردم.

- یعنی هیچ وقت نپذیرفتی؟

چرا یه کم بزرگ‌تر شدم قبول کردم. نه همه‌ی چیزهاش رو. ولی یه بخش بزرگیش رو.

- وقتی پذیرفتی واکنشت چه طور بود؟

سخت بود برام یه کم از اون دنیایی که برای خودم ساخته بودم، بیام بیرون و فکر کنم توی انتخابم، برای فاصله گرفتن از بی‌تی‌اس هم تأثیر گذاشت. یعنی چون متوجه شدم که چه خبره و خیلی از کارا و حرفاشون نمایشیه، برای تبلیغه و جذب هواداره یا تحت اجبار یه سری حرفا و کارا رو می‌کنن، ناراحت کننده بود برام. اون چیزی که ساخته بودم ریخت.

- مثلاً چه رفتارهایی شون نمایشیه؟

الآن واقعاً هیچی تو ذهنم نیامد که بخوام مثال بزنم. ولی همین که مثلاً فلان حرف رو می‌زنن یا قربون صدقه‌ی طرفدارا می‌رن یا جواری رفتار می‌کنن که طرفدارا اونا رو مالک خودشون بدونن یا حالا یه بخشیش رابطه‌هاشون باهم که یه جواری باهم رفتار می‌کنن که طرفدار اونا رو باهم شیپ می‌کنن. این چیزا دیگه.

- شما پیج یا فن پیجی از بی‌تی‌اس داشتی؟

نه، جز اون وبلاگی که داشتم، فن پیجی نداشتم، علاقه نداشتم خیلی به فن پیج. یه مهارت ادیت زدن می‌خواست که من نداشتم.

- در مورد موسیقی بی‌تی‌اس کم صحبت کردی. کدوم آهنگاشون رو گوش می‌کردی یا بیش‌تر دوست داشتی؟

عام آهنگاشون رو دوست داشتم. بیش‌تر هم گفتن آهنگایی که باهاشون می‌شد، دنس برم. کلاً تنوع آهنگای بی‌تی‌اس زیاده، برای همین می‌تونم باب سلیقه‌ی خودت آهنگ گوش بدی. آهنگای قشنگی هم داشتن. چه آهنگای شادشون چه غمگین‌شون. آهنگاییه که مخاطب رو جذب می‌کنه. من بستگی به حالم داشت که چه آهنگی گوش بدم، مثلاً اون اواخر که حال روحیم به خاطر شرایط زندگی خوب نبود، بیش‌تر آهنگای غمگین‌شون مثل بلو اند گری یا بلک سوان رو گوش می‌دادم. اولاش که فن‌شون شده بودم، آهنگایی رو گوش می‌دادم که بتونم باهاشون تمرین هیپ هاپ کنم، این جواری نبودم که خودم رو محدود کنم به یک سبک از آهنگاشون. خیلی به مودم بستگی داشت. البته که همه همین‌ان، فقط من نیستم.





Black Swan

- آهنگای غمگین شون که روت تأثیر می‌گذاشت، ناراحتت هم می‌کرد؟

بله طبیعتاً. بیش‌تر لیریکس (متن ترانه) غمگینم می‌کرد.

- متن ترانه‌هاشون در مورد چی بود که ناراحتت می‌کرد؟

تنهایی، عشق، ناراحتی. البته ترانه‌های شاد هم داره بی‌تی‌اس که خیلی انرژی و انگیزه بخشه، کلاً بستگی به شرایط روحی آدم داره. من وقتی که می‌خواستم برقصم و انرژی بگیرم، آهنگای شادشون رو گوش می‌کردم. هر وقت هم که حال روحیم خوب نبود، اونایی که در وصف حالم بود رو گوش می‌کردم.

- آهنگاشون رو گوش می‌کردی، متوجه می‌شدی چی می‌گن؟

نه، ولی بعضی از کلمه‌هاشون رو به مرور یاد گرفتم. چون تو آهنگا و مصاحبه‌هاشون می‌شنیدم. یاد گرفتم کلمه‌ها رو. البته جمله نه، چون یه کم سخته زبان کره‌ای. ولی در حد کلمه، آره می‌فهمیدم.

- اول مصاحبه گفتی که قبل از بی‌تی‌اس آهنگ‌های غربی گوش می‌دادی بیش‌تر کدوم رو ترجیح می‌دادی و چرا؟

آره، ولی اون طور نبود که خیلی پیگیر باشم. گاهی فقط از تو ماهواره گوش می‌دادم و دنبال کننده‌ی جدی نبودم. ولی بی‌تی‌اس این طور نبود. خیلی جدی دنبال شون کردم و خب ترجیحم آهنگ‌های بی‌تی‌اس بود، چون بیش‌تر باهانش ارتباط برقرار می‌کردم که احتمالاً یه بخشیش برای این بود که به دنسم کمک می‌کرد. ولی خب این نکته هم هست که بی‌تی‌اس موسیقیش کم‌کم به موسیقی غرب شبیه شد و پیشرفت کرد و مخاطب جهانی پیدا کرد. چون خود موسیقی کی‌پاپ، گویا اون اوایل خیلی باب میل همه نبوده، جز خود کره‌ای‌ها. برای همین خیلی تفاوت فاحشی بین موسیقی بی‌تی‌اس و غرب وجود نداشت بعدها. ولی بازم با این که تفاوت زیاد نبود من خودم ترجیحم موسیقی بی‌تی‌اس بود.

- در کل بخوای در مورد تأثیر بی‌تی‌اس و دورانی که طرفدارشون بودی صحبت کنی، چی می‌گی؟

عام هم خوب بود هم بد. تا یه سنی اوکی بود. حالم خوب بود باهاشون. بعدش دیگه اوضاع عوض شد، خودمم نفهمیدم چی شد. فقط دیگه اون قدر حالم بد شد که نتونستم ادامه بدم و خب همه چیز رو گذاشتم کنار. گاهی وقتا یاد اون روزا می‌افتم، ولی خب دیگه دلم نمی‌خواد به اون روزا برگردم.

- مرسی که جواب دادی عزیز دلم.

خواهش می‌کنم.

تأملی دوباره

نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

نرگس در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: سوءاستفاده کمپانی از عشق تخیلی هواداران، نشان دادن رابطه‌های غیرواقعی ستاره‌ها برای جذب مخاطب بیشتر، تحقیر افراد به علت عدم تطابق با استانداردهای زیبایی مخصوص کی‌پاپ، عدم برخورد جدی کمپانی با مقوله شیپ کردن اعضای گروه توسط طرفداران و کاهش تدریجی حساسیت مخاطبان نسبت به روابط غیرمتعارف جنسی، اشاره داشته است.

نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: کاهش تدریجی حساسیت هواداران نسبت به روابط غیرمتعارف جنسی و شیپ کردن اعضای گروه توسط طرفداران، اشاره داشته است.

نرگس در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: امید و انگیزه دادن به طرفداران، پرکردن خلاءهای عاطفی فرد، کمک به افراد برای بهبود حال روحی بد آنان، جذابیت هنری گروه بی‌تی‌اس، برگزاری پارتی و میتینگ هواداری از سمت طرفداران و انجام فعالیت‌های مختلف (مانند برگزاری مسابقه و خوانندگی و ساز زدن و مانند آن) در این مراسم، الگوبرداری هواداران از اعضای گروه بی‌تی‌اس، گوگل کردن برای پیگیری اخبار گروه بی‌تی‌اس، یادگیری زبان کره‌ای به صورت سمعی، هزینه کردن هواداران به مناسبت‌های مختلف برای ستاره‌ها، هزینه کردن هواداران برای تهیه آلبوم و لوازم طرفداری، اتلاف وقت گسترده، هویت‌یابی افراد بی‌هویت ذیل طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، دعوا، توهین و مشاجره بر سر ستاره‌ها، برخورد‌های هیجان‌مدار برخی از هواداران در فضای هیجان‌زده گروه بی‌تی‌اس، پیش‌گرفتن برخورد‌های هیجان‌مدار در فضای هیجانی با ستاره‌ها (برخورد صفر و صد با الگو)، تعمیم دعوا و مشاجره و نفرت پراکنی و درگیری هیجانی به خانه و خانواده، تعمیم دعوا و مشاجره و نفرت پراکنی و درگیری هیجانی موجود بین طرفداران به زندگی واقعی، محیط فندوم به مثابه عرصه‌ای جهت تخلیه روانی برخی از هواداران، خودفریبی برخی از هواداران، عدم پذیرش واقعیت‌های کی‌پاپ و حقایق پشت پرده‌ی آن، کم‌رنگ شدن شناخت و منطق در تلاطم عواطف، هویت‌یابی افراد بی‌هویت در عرصه کی‌پاپ، داستان‌نویسی (فن‌فیکشن) به مثابه راهی برای تخلیه هیجانی افراد، شیپ کردن اعضای گروه توسط طرفداران، خودزشت‌انگاری خویش در جریان مقایسه خود و ستاره‌ها، تجربه عشق تخیلی، تجربه شکست‌های عاطفی بسیاری از هواداران دختر در جریان عشق تخیلی‌شان، تلاش برای شبیه شدن به ستاره‌ها، انجام جراحی‌های زیبایی مطابق با استانداردهای زیبای کی‌پاپ، افسردگی ناشی از بن‌بست‌های فرارو، کاهش تدریجی حساسیت‌ها نسبت به روابط غیرمتعارف جنسی و تبعیت برخی از هواداران از کمپانی برای تأمین سود و منافع آن، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه نرگس ۲۱ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، نرگس در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی-سیاسی، هنری، زیباشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

نرگس در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: پرکردن (مقطعی) خلاءهای عاطفی فرد، کمک به فرد برای بهبود حال روحی بد، انگیزه دادن، عشق تخیلی، فن‌فیکشن به مثابه راهی برای تخلیه هیجانی افراد، کاهش تدریجی حساسیت‌ها نسبت به روابط غیرمتعارف جنسی، جور (شیپ) کردن اعضای گروه توسط طرفداران، عشق تخیلی (تجربه تلخ شکست عاطفی در عشق تخیلی)، امید و انگیزه دادن به طرفداران، افسردگی ناشی از عدم پذیرش کمپانی، خودزشت‌انگاری، اتلاف وقت گسترده، فندوم به مثابه عرصه‌ای جهت تخلیه روانی، خودفریبی (عدم پذیرش واقعیت‌های کی‌پاپ و حقایق پشت پرده‌ی آن) و کم‌رنگ شدن شناخت و منطق در تلاطم عواطف، یاد کرده است.

نرگس در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: الگوبرداری ظاهری (تلاش برای شبیه شدن به ستاره‌ها)، هویت‌یابی افراد بی‌هویت (دعوا، توهین و مشاجره بر سر ستاره‌ها)، برگزاری پارتی و میتینگ هواداری از سمت طرفداران و برخورد صفر و صد با الگو (پیش‌گرفتن برخورد‌های هیجان‌مدار در فضای هیجانی)، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: یادگیری زبان کره‌ای به صورت سمعی، سخن گفته است.

نرگس در توصیف «اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: گوگل کردن، سخن گفته است. مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: هزینه کردن برای آلبوم و لوازم طرفداری، سخن گفته است.

نرگس در توصیف «اثرهای هنری هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: جذابیت هنری گروه پسران، سخن گفته است. مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: اقدام به جراحی‌های زیبایی مطابق با استانداردهای زیبایی کی‌پاپ، سخن گفته است.

نرگس در توصیف «اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: تعمیم دعوا و مشاجره و نفرت پراکنی و درگیری هیجانی در خانه و خانواده، سخن گفته است.

از بیانات اخیر نرگس ۲۱ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با مریم، ۱۸ ساله

... آرمی‌های تازه وارد فکر می‌کنند، هر کی گفت بالا چشم بی‌تی‌اس ابرو هست، باید برن تو شکم یارو و بزند پاره‌اش کنن.

- سلام مریم جان!

سلام.

- از این که قبول کردی برای مصاحبه وقت بگذاری، متشکرم.

خواهش می‌کنم.

- مریم جان الان در چه رشته‌ای مشغول هستی؟

من دانشجوی رشته رایانه هستم.

- سطح اقتصادی خانواده شما چه طور هست؟

خوبه.

- و از لحاظ اعتقادی خانواده شما چه طور هست؟

خانواده ما دارای اعتقادات مذهبی نیست.

- خوب مریم جان چه طور با کی‌پاپ آشنا شدی؟

سال ۲۰۱۶ مراسم کان شهر لس آنجلس رو توی یوتوب نگاه می‌کردم که با گروه اکسو آشنا شدم و ازشون خوشم اومد. رفتم سراغ آهنگ‌ها و موزیک ویدیوهاشون و دیگه یه کم که گذشت با بقیه گروه‌های کی‌پاپ هم آشنا شدم. اون سال محبوبیت چندتا از گروه‌های کی‌پاپ مثل بلک‌پینک، گات سون، اکسو، بی‌تی‌اس و یه سری گروه‌های دیگه زیاد شده بود و خیلی مطرح شده بودن، واسه همین اینستا پر شده بود از عکس‌ها و فیلم‌هاشون. توی اینستا فن پیج‌هاشون رو فالو کردم، بیش‌تر باهاشون آشنا شدم و دیگه طرفدارشون شدم.

- چه جوری با بی‌تی‌اس آشنا شدی و بهشون علاقه‌مند شدی؟

سال ۲۰۱۶ خیلی سال پرموقعیتی برای بی‌تی‌اس بود و تازه داشتن معروف می‌شدن. تازه آلبوم وینگز^۱ (بال‌ها) و آهنگ بلاد سوییت اند تیرز^۲ (خون، عرق و اشک‌ها) رو داده بودن بیرون و ترکونده بود، همین جور پشت سر هم داشتن توی جشنواره‌های مختلف جایزه می‌گرفتند و اسم بی‌تی‌اس سروصدا کرده بود و فن‌هاش داشتن کم‌کم زیاد می‌شدن. منم اسم‌شون همون موقع‌ها به گوشم زیاد می‌خورد و جذب‌شون شدم. از اون موقع ۶ سال می‌گذره، الان دیگه کی‌پاپر و آرمی بودن مد شده و بیش‌تر نوجوون‌ها به این سمت کشیده شدن. زمانی که من فن‌شون بودم شرایط متفاوت بود.

¹- Wings

²- Blood, sweat and tears



- شرایط از چه نظر متفاوت بود؟

خب الان تو هر جمعی قرار می‌گیری، بالاخره به آرمی اونجا هست، راحت می‌تونی کسانی رو پیدا کنی که علاقه‌شون باهات یکیه، ولی اون زمان من هیچ کس رو نمی‌شناختم و تنها آرمی‌هایی که بهشون دسترسی داشتیم، ادمین فن پیج‌ها بودن. خلاصه دور و بر من هیچ کس نه آرمی بود، نه حتی بی‌تی‌اس رو می‌شناخت. از طرف دیگه اون موقع وسایل با طرح بی‌تی‌اس به زور گیر می‌اومد و خیلی کم بود. فقط به سری پیج‌ها توی اینستا داشتن که اعتمادی زیاد بهشون نبود که چیز با کیفیتی برات می‌فرستن یا نه، به پیج‌هایی هم بود که می‌تونستی خودت طرح انتخاب کنی بزنن رو تیشرت و ماگ و پیکسل که باید خودت به سری عکس از بی‌تی‌اس می‌دادی بهشون، این شکلی مثل الان نبود که تو تمام پاساژها و مغازه به اثری از بی‌تی‌اس هست و طرح‌شون رو هر چیزی که فکرش رو بکنی، داره چاپ می‌شه، حتی روتختی یا پرده با طرح بی‌تی‌اس اومده. من اون زمان که این همه امکانات نبود فن‌شون شدم، الان همه جو آرمی بودن می‌گیرت‌شون، میان به مدت آرمی ان بعد سریع دل‌شون رو می‌زنه می‌رن.

- یعنی به نظرت زیاد شدن وسایل با طرح بی‌تی‌اس باعث شده به سری‌ها تحت تأثیر جو قرار بگیرند و به طور کوتاه مدت آرمی بشن؟ حالا نه فقط به خاطر وسایلا، کلاً الان بین تینیجرها (نوجوانان) مد شده، انگار که همه باید کی‌پا پر باشن، از هر کی می‌پرسی یا کی‌پا پر یا به دوره‌ای بوده. به نظرم منطقی نیست که پهو موج به چیزی این قدر همه رو بگیره و مثلاً یک گروه واحد، مثل بی‌تی‌اس بخواد مورد علاقه همه باشه و همه آرمی باشن، عین این می‌مونه که پهو همه نوجوونا به ساز پیانو علاقه‌مند بشن و اکثرشون برن کلاس پیانو، خب این منطقی نیست، قطعاً به جوئی بوده که همه‌شون رو گرفته، وگرنه ما این همه ساز تو جهان داریم و قطعاً همه استعداد و توانمندی به پیانیست خوب شدن رو ندارن، وضعیت کی‌پا پر و آرمی‌ها هم الان همین شکلی شده هر کی از راه می‌رسه، جو کی‌پا پر بودن می‌گیرتش و به چند ماه نمی‌رسه که بی‌خیال می‌شه.

- مثال پیانو رو زدی، آیا آرمی بودن استعداد و توانمندی خاصی می‌خواد؟

البته که می‌خواد. این همه تنش و دعوایی که فن‌دوم آرمی با بقیه فن‌دوم‌ها داری فکر می‌کنی به خاطر چیه؟ به خاطر همین دسته‌ای هست که تازه آرمی شدن و فکر می‌کنند خبریه دیگه، همه جو ره می‌خوان با همه دعوا کنند، خب این کارها آبروی آرمی‌های واقعی

رو می‌بره، چون کسی که مدت زیادی کی‌پاپر باشه، دیگه این فهم و درک رو پیدا کرده که تو فن‌وارها^۱ شرکت نکنه و به گروه‌های دیگه احترام بذاره، ولی آرمی‌های تازه وارد فکر می‌کنند، هر کی گفت بالا چشم بی‌تی‌اس ابرو هست، باید برن تو شکم یارو و بزندن پاره‌اش کنن.

- قبل‌تر گفتم بعضی‌ها بعد از یک مدت کوتاه از آرمی بودن خسته می‌شن و از فندوم می‌رن، به نظرت دلیلش چیه؟
دلیلش اینه که از اول به خاطر علاقه واقعی به بی‌تی‌اس آرمی نشدن، به خاطر این که جدیداً همه جا حرف از بی‌تی‌اسه جذبش شدن. می‌بینند اکثریت آرمی شدن تحت تأثیر دوستانشون و فضای اینستاگرام هیجان زده می‌شن فکر می‌کنند خوش‌شون اومده میان یه مدت خیلی شدید بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کنند و آتیش‌شون هم از آرمی‌های قدیمی‌تر تندتره، بعد از یه مدت که هم موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس رو صدار دیدن و یه فن پیچ نصفه نیمه زدن و چندتا دوست مجازی آرمی پیدا کردن خسته می‌شن و علاقه‌شون کم می‌شه.
- خوب مریم جان، اون اول چه چیزی تو رو جذب بی‌تی‌اس کرد؟

اولین چیزی که جذبم کرد، انرژی زیادشون موقع اجرا کردن بود، حس می‌کردم که واقعاً دارن از اجرا کردن خودشون لذت می‌برند و این کار رو با تمام وجودشون انجام می‌دن. حرکات و هماهنگی‌شون خیلی جالب بود، مخصوصاً با وجود این که این قدر هم رقص‌هاشون سخت و سنگینه. بعد از اون جذب آهنگ‌های مختلفی شدم که خونده بودن، سبک‌های مختلف رو امتحان کرده بودن و از این همه تنوع و سبک‌های جدید ترسیده بودن. فکر می‌کنم یکی از دلایلی که این قدر آرمی زیاد شده، همین‌ه که هر جور سلیقه موسیقی داشته باشی، بی‌تی‌اس به دستی توش داشته و می‌تونه آدم‌های مختلف با افکار و سلیقه‌های مختلف رو راضی کنه.

- تو خودت موسیقی بی‌تی‌اس رو از چه لحاظ ترجیح می‌دی، ریتم‌شون، محتواشون یا اجراشون؟
من شخصاً بیش‌تر حال و هوای اجراهای بی‌تی‌اس رو دوست دارم، وقتی کنسرت‌هاشون رو تو یوتوب نگاه می‌کنم، بهم حس قدرت می‌ده، چون تمام طول کنسرت وقتی رقص‌هاشون رو نگاه می‌کنی، انگار یه ابهتی دارن یه حس عجیبیه، هیجان زده‌ات می‌کنه، ما که ایرانییم مجبوریم فیلمش رو ببینیم، تصور کن آرمی‌هایی که اونجا هستن، چه حسی دارن. من فکر می‌کنم خیلی رو تک‌تک رقص‌ها و اجراشون کار می‌کنند و یه کار بی‌نقص ازش در میارن که قابل مقایسه با خواننده‌های دیگه اصلاً نیست.

- یعنی دیدن اجراهای بی‌تی‌اس باعث می‌شه، بتونی هیجانت رو تخلیه کنی؟
می‌شه گفت این طوره. حس خوبی پیدا می‌کنم، نگاه می‌کنم. حتی دبیرستان که بودم تو دوره امتحانات واسه خودم تشویقی می‌داشتم که اگه تا ساعت فلان کل این فصل رو تموم کنی، می‌تونم شب یکی از کنسرت‌های بی‌تی‌اس رو نگاه کنی. قشنگ سر حال می‌کرد.



- قبل‌تر گفتم اجراهای بی‌تی‌اس قابل مقایسه با اجراهای بقیه خواننده‌ها نیست، چه چیزی اجراهای بی‌تی‌اس رو این قدر خاص کرده؟
به نظرم نظم و هماهنگی‌ای که بین اعضای بی‌تی‌اس هست، بین اعضای بقیه گروه‌ها نیست. الان بی‌تی‌اس مطرح‌ترین گروه کی‌پاپ توی دنیا هست، قطعاً همچین چیزی یه دلیل محکمی پشتش داره. اعضای بی‌تی‌اس از همون اول که دیبو کردن، پدر خودشون رو با

^۱- دعوا و مشاجره میان فندوم‌های گروه‌های مختلف

تمرین و تلاش درآوردن، از اول هدفمند اومدن جلو و به تمام جزئیات و ریزه کاری‌های دنس‌ها و اجراهاشون دقت کردن که کار تمیز دربیاد. حق شون بود که به این نقطه برسند.

- مگه گروه‌های دیگه توی صنعت کی پاپ همین قدر تلاش و تمرین نمی‌کنند؟

به نظرم خیلی‌هاشون از وسط‌های کار، دیگه به خاطر فشاری که کمپانی میاره، تلاش می‌کنند، ولی از ته قلب مایه نمی‌دارن، چون بالاخره یه فرقی بین بی‌تی‌اس که این قدر مطرح شده با مثلاً گروه گات سون باید باشه که یکی به این نقطه می‌رسه و یکی دیگه نه. - می‌تونن مثال بزنی که چه طور تشخیص دادی اعضای گروه‌های دیگه تحت فشار کمپانی تلاش می‌کنند، ولی بی‌تی‌اس خودشون قلباً زحمت می‌کشند؟

از کیفیت کارشون و حس و حالی که توی اجراها دارن کامل می‌شه متوجه شد کی داره با عشق و علاقه این کار رو انجام می‌ده و کی نه.

- مریم بی‌تی‌اس برای هر حالتی آهنگ دارند؟

آره، تنوع آهنگاشون زیاده. شاد باشی، آهنگ شاد دارن، حس و حالت عاشقانه باشه، کلی آهنگ عاشقانه دارن، ناامید باشی، آهنگ‌هایی دارن که امیدوارت کنه، ناراحت باشی آهنگ‌های آرامش بخش دارن، احساس ضعف کنی، آهنگ‌هایی مثل نات تودی سر حالت میارن.



- وقت‌هایی که ناراحتی و آهنگ‌هاشون رو گوش می‌دی، حالت بهتر می‌شه؟

آره، خیلی. آرامش می‌گیرم، مخصوصاً وقتی صدای تهیونگ رو می‌شنوم. توی سال کنکور کم‌تر می‌تونستم پیگیر کارهاشون باشم، ولی تو تایم‌های استراحتم آهنگ‌هاشون رو گوش می‌دادم و حس می‌کردم، می‌تونم با قدرت بیش‌تری ادامه بدم.

- پس بین اعضای گروه تهیونگ رو از بقیه بیش‌تر دوست داری؟

آره، تهیونگ بایسمه. البته جیهوپ رو هم خیلی دوست دارم.

- به نظرت دلیل این احساس قدرتی که با شنیدن آهنگ‌های بی‌تی‌اس پیدا می‌کردی، چی بوده؟

آهنگ‌هاشون این وایب (حس و حال) رو به آدم می‌دن که باید ادامه بدی و بی‌خیال نشی. به نظرم تلاش و زحمتی که می‌کشن و امیدی که دارن توی آهنگ‌هاشون هم کاملاً مشخصه و واسه همین می‌تونن این حس رو به فن‌هاشون هم منتقل کنند.

- مریم جان تاحالا فن پیچ داشتی یا داری؟

آره، یه مدت ادمین یه فن پیچ بی‌تی‌اس بودم. البته ۳ تا ادمین داشتن من چهارمیش بودم.

- گفتی یه مدت، یعنی الان دیگه ادمین نیستی؟

نه یه مدت کوتاهی ادمین بودم، چون نمی‌رسیدم زیاد فعالیت کنم، واسه همین صدای ادمین اصلی دراومد و گفت این جوری نمی‌تونن ادمین باشی، ما ادمین فعال می‌خوایم، منم بی‌خیال شدم.

- یعنی باعث می‌شد برای کارهای روزمرهات وقت کم بیاری؟

اره ادمین اصلی‌شون توقع داشت من روزی دو سه تا پست بذارم، من اون موقع هم کلاس گیتار می‌رفتم، هم کلاس زبان داشتم، هم کارهای مدرسه‌ام بود، وقت این کار رو زیاد نداشتم.

- اون مدت که ادمین بودی چه جور پست‌هایی می‌گذاشتی و فعالیتت بیش‌تر توی چه حوزه‌هایی بود؟
من ادیت می‌داشتم. یه سری ویدیوها هست که آر می‌ها درست می‌کنند که یه سری از فیلم‌های اعضاء رو باهم میکس می‌کنند، آهنگ می‌ذارن روش و ادیت‌های قشنگی درست می‌شه. ورژن‌های خارجیش رو توی یوتوب پیدا می‌کردم، می‌داشتم توی اینستا.

- آیا از فن پیچ خودت کسب درآمد هم داشتی؟
ادمینش گفته بود، اگه فعال باشی و هر روز منظم پست و استوری بذاری، سهم تو رو هم از تبلیغات می‌دیم، ولی من خب فعال نبودم، چیزی بهم نمی‌رسید.

- چه مدت توی پیچ فعالیت کردی؟
تقریباً سه، چهار ماه.

- ادیت‌هایی که شیپ اعضاء باهم بود رو هم می‌گذاشتی؟
آره یه وقت‌هایی ویکوک، ادیت‌های قشنگ از شون زیاد بود.

- خودت هم اعضاء رو باهم شیپ می‌کنی؟
اون موقع‌ها آره، ولی الان نه.

- چرا دیگه شیپ نمی‌کنی؟

از یه جایی به بعد فهمیدم این کار یه ناحقی بزرگه در حق اعضاء. تصور کن با یکی دوستی، بعد یه سری بیان پشت سرتون بگن اینا باهم ان اگه واقعاً حسی نداشته باشی به دوستت، خیلی حس بدی پیدا می‌کنی. اعضاء هیچ وقت نگفتن گرایش‌شون چیه، ممکنه استریوت (داشتن گرایش به جنس مخالف) باشن و از همچین چیزی خوش‌شون نیاد.

- چی باعث شد متوجه چنین چیزی بشی؟

نمی‌دونم، ولی یهو اکثر آر می‌ها متوجه این موضوع شدن و حرفش پیچید. منم یکی از دوستانم بهم گفت این کار اشتباهه. فکر کنم تأثیر لایوی بود که یه بار تهیونگ گذاشت و گفت خوشش نیاد از همچین چیزی. من تا وقتی دوستم نگفته بود، هیچ وقت به این موضوع دقت نکرده بودم که این کار چه ظلمیه در حق اعضاء تازه از اون موقع حواسم رو جمع کردم.

- پس تا قبل از اون اعضاء رو شیپ می‌کردی؟

این جور می‌کردم که شیپ باشم، ولی بدم هم نمی‌اومد.

- بیش‌تر کدوم اعضاء رو باهم شیپ می‌کردی؟

ویکوک^۱ و یونمین^۲ رو دوست داشتم.

- فن‌فیکشن‌هایی که درباره شیپ اعضاء بود رو هم می‌خوندی؟

آره یه وقت‌هایی.

- الان هم می‌خونی؟

فقط دختر پسری می‌خونم. کلاً هم من زیاد علاقه‌ای به فن‌فیک ندارم، از اول و معمولاً به زور دوستانم فن‌فیک‌هایی که معرفی می‌کنند رو می‌خونم.

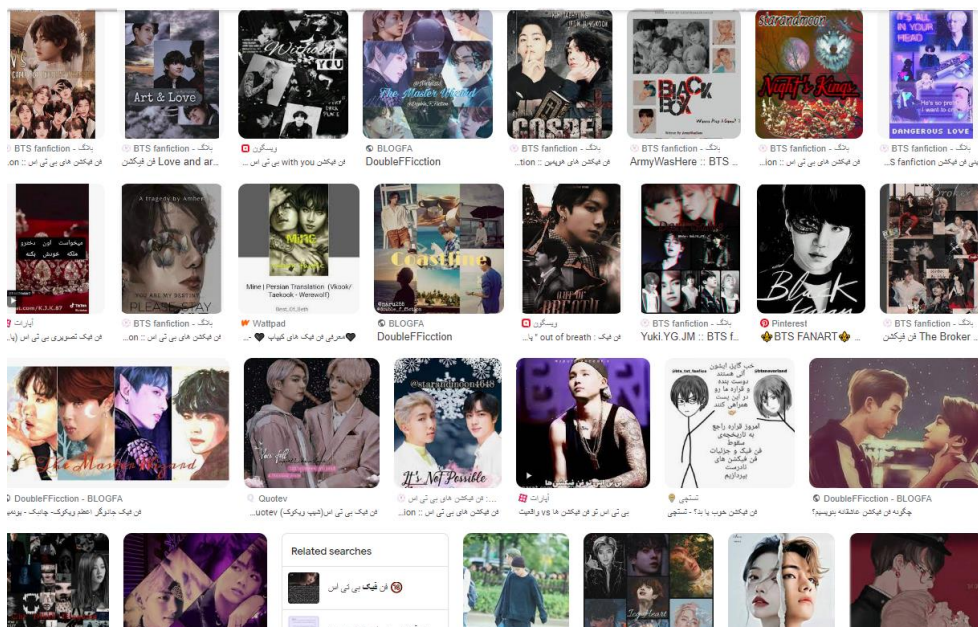
- دلیل این که به فن‌فیکشن علاقه‌ای نداری، چیه؟

^۱ - تهیونگ و جونگ‌کوک

^۲ - شوگا و جیمین

به نظرم قلم‌های ضعیف و تخیل‌های بچه‌گانه پشت متن برخی از فیکشن‌ها، منجرکننده هست و کم پیش میاد فن‌فیکی گیر بیاد که واقعاً حرفی واسه گفتن داشته باشه و ارزش خوندن داشته باشه. خیلی از آرمی‌ها فکر می‌کنند، هنر نویسندگی کشکه که هر کس شروع کنه به نوشتن و داستانش رو منتشر کنه. فکر کنم تو کل این سال‌ها، دوتا فن‌فیک خونده باشم که واقعاً دوست‌شون داشتم که اون‌ها هم هر دو برگرفته از داستان‌های رمان‌های چاپ شده یا سریال‌های پرفردار بودند و در واقع نویسنده‌های قوی اون‌ها رو نوشته بودند و آرمی‌ها همون داستان رو کپی کرده بودند، جاش اعضاء رو گذاشته بودند و باز هم قلم خود آرمی‌ها نبود. البته من وقتی فن‌فیک می‌خونم شخصیت‌های داستان رو مجزا از اعضای گروه تصور می‌کنم و این کاراکترها رو ساخته ذهن نویسنده در نظر می‌گیرم.

- دلیل این که شخصیت‌های داستان رو مجزا از اعضای گروه در نظر می‌گیری چی هست؟
تصور این که اعضاء همون کاراکترهای فیکشن باشند، برام جذاییتی نداشت. من بیش‌تر به خود داستان و فیکشن دقت می‌کردم و برام مثل رمان بود که البته متأسفانه بیش‌تر فیکشن‌ها فقط چرت و پرت‌های تخیلی ذهن یه سری نوجوونه و هیچ بار داستانی‌ای ندارن.



- بیش‌تر چه گونه‌هایی می‌خونی؟
عاشقانه بیش‌تر دوست دارم. ولی از ژانر درام و غمگین خیلی بدم میاد، چون ته بعضی‌هاش رو خیلی تلخ می‌نویسن و کار می‌کشه به مرگ و خون و خونریزی خوشم نمیاد.

- چه قدر وقت صرف خواندن فن‌فیک می‌کنی؟
بستگی به این داره که سرم شلوغ باشه یا نه و این که فن‌فیک خاصی چشمم رو گرفته باشه یا نه. کلاً زیاد واسه فیکشن‌ها وقت نمی‌ذارم و اگر هرازگاهی یه داستان جالب ببینم، می‌خونم، شاید ماهی یکی، دوبار.

- چه جور فن‌فیکشن‌هایی به نظرت جالب میاد که می‌خونی؟
خلاصه‌هاشون رو می‌خونم، هرکدوم داستانش جذیبه کنه.

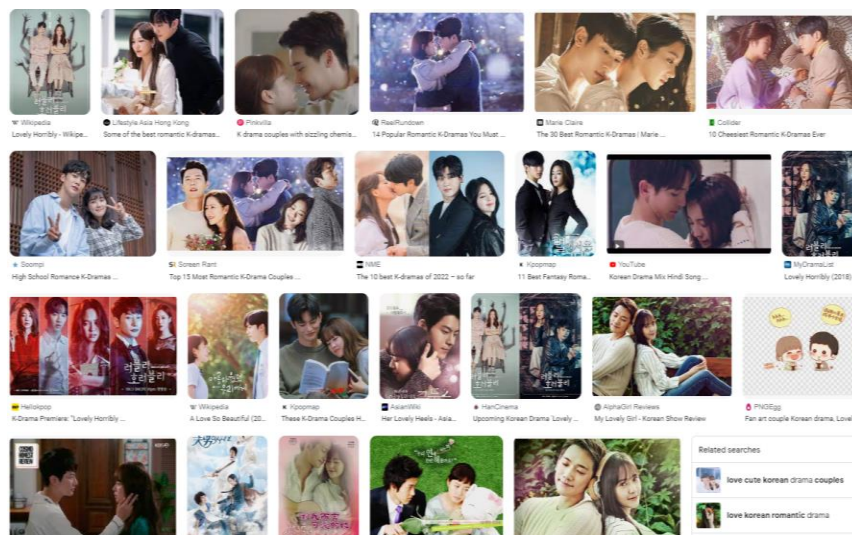
- خودت هم فن‌فیک می‌نویسی؟
اون اوایل که آرمی شده بودم، یکی، دوبار امتحان کردم عاشقانه بنویسم، ولی من کلاً از بچگی خیلی توی نویسندگی استعدادی نداشتم، انشاهام رو هم به زور می‌نوشتم، چه برسه به فن‌فیک واسه همین نوشتنم دیگه.

– تا حالا اقدام به یادگیری زبان کره‌ای کردی؟

به طور رسمی نه، ولی همین جور خیلی کلمه‌ها و جمله‌هاشون رو یاد گرفتم.

– یعنی از چه راهی یاد گرفتی؟

من سریال کره‌ای زیاد می‌بینم چون ژانر عاشقانه دوست دارم و کره سریال‌هاش در این زمینه خیلی خفنه. دیگه اون قدر سریال دیدم یاد گرفتم یه چیزهایی.



– دوست نداری به شکل خودآموز یا با رفتن به کلاس، کامل این زبان رو یاد بگیری؟

آخه ضرورتی نداره. من بیش‌تر درگیر انگلیسی هستم. الان یه جور شده که هر جای دنیا بری، اگه انگلیسی رو کامل بلد باشی، کارت راه می‌افته و نیازی به زبان‌های دیگه نیست.

– آیا دوست داری به کره مهاجرت کنی؟

نه، چون قوانین مهاجرتی کره خیلی غیرمنطقی و سخت گیرانه هست. من دوست دارم سفر برم کشورهای شرقی ولی به مهاجرت به اون جاها خیلی علاقه‌ای ندارم. جا افتادن تو فرهنگ اون‌ها خیلی سخته. یادگیری زبان و تفاوت‌های فرهنگی، کار مهاجرت رو خیلی سخت‌تر می‌کنه. به نظرم کشورهای مهاجرپذیرتر مثل کانادا، استرالیا و به طور کلی جوامع غربی جاهای بهتری برای مهاجرت ان، چون هماهنگ شدن با فرهنگ‌شون راحت‌تره و پره ایرانیه و از طرفی زبان‌شون هم انگلیسیه. قوانین مهاجرت‌شون هم راحت‌تر و منطقی‌تره. به علاوه این که کره هم مثل ایران جزو کشورهای آسیاییه و کلاً آسیا مرکز هر چی ظلم و بدبختی و بی‌فکری و عقب‌موندگی تو جهان، آدم اگه می‌خواد این قدر زحمت بکشه، مهاجرت کنه، چه بهتر که کلاً از آسیا بره بیرون. فرهنگ کشورهای آسیایی اکثرأ سنتی باقی مونده و قشر سالمندتر جامعه افکار بسته‌ای دارن و همین رو زندگی جوان‌هاشون هم تأثیر می‌ذاره.

– می‌تونی مثال بزنی که از چه نظر فرهنگ بسته‌ای دارند؟

بین کلاً فرهنگ کره فرهنگ سنتی‌ای هست. هنوز به خیلی از رسم و رسوم گذشته خودشون پایبند ان و خیلی چیزها رو بد می‌دونن. مثلاً دولت‌شون با کویبرها مشکلی نداره، ولی مردمش چون دیدشون هنوز سنتیه، این چیزها رو بد می‌دونن، ولی توی این ایران دولت هم با این چیزها مشکل داره.

– یعنی کی پاپ باعث نشده که به فرهنگ کره علاقه‌مند بشی؟

فرهنگ کره کلاً زیاد چیز جالبی نیست، ولی غذاهای کره‌ای رو بعضی‌هاش رو دوست دارم.

- یه غذای کره‌ای که دوست داری رو می‌تونی مثال بزنی؟
نودل. من تقریباً هر شب شام نودل می‌خورم. چاپستیک^۱ هم خریدم با اون‌ها می‌خورم قشنگ حس سریال کره‌ای‌ها رو می‌ده.

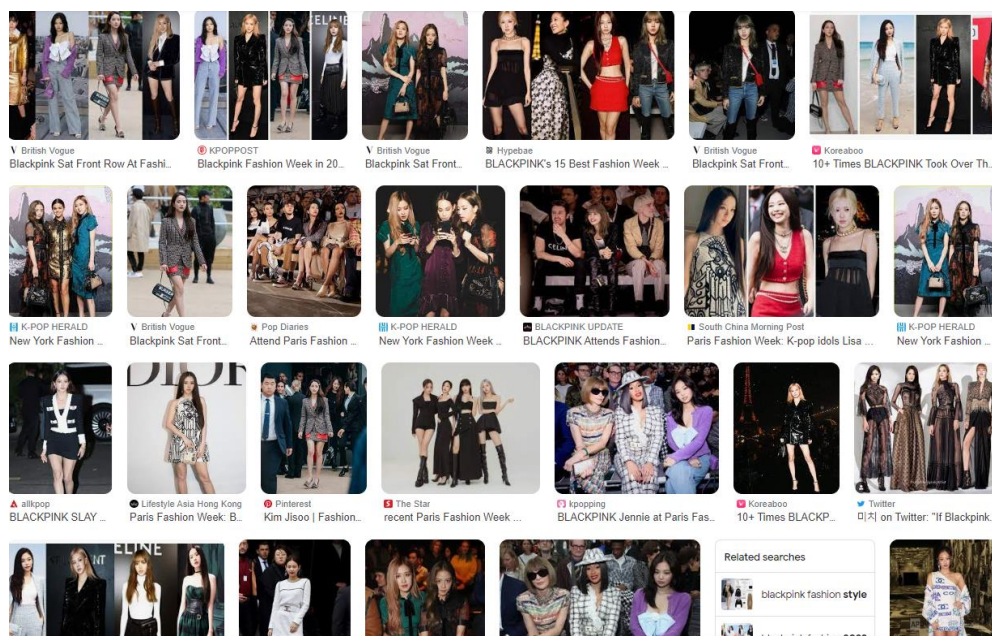


- به نظرت بی‌تی‌اس فرهنگ کره رو تبلیغ می‌کنه و کمک می‌کنه که فرهنگ کره جهانی بشه؟
آره خب قطعاً. الان اکثر آرمی‌ها و کلاً کی‌پاپرها عاشق فرهنگ کره شدن و سعی می‌کنند، خیلی ازش تقلید کنند و چون کی‌پاپ همه جای دنیا طرفدار داره، تقریباً فرهنگ کره داره جهانی می‌شه و نسبت به فرهنگ کشورهای دیگه به خصوص کشورهای آسیایی، فرهنگش خیلی شناخته شده‌تر و محبوب‌تر شده تو جهان.

- آیا از سبک پوشش، مدل مو و آرایش بی‌تی‌اس تقلید کردی و سعی کردی شبیه اون‌ها بشی؟
نه این که به طور خاص بخوام از بی‌تی‌اس تقلید کنم، ولی سبک لباس پوشیدن گروه‌های دخترشون مثل بلک‌پینک برام جالبه و به نظرم قشنگه. از این جهت که آرایش‌هاشون هم سبکه، خیلی خوشم میاد. سعی می‌کنم تا حدی که به نظرم قشنگ میاد، تو این چیزها ازشون ایده بگیرم. خوبیش این بود که از طریق این گروه‌ها تونستم با برندهای مطرح دنیا بیشتر آشنا بشم که به درد آدم می‌خوره.

- چه جوری گروه‌های کی‌پاپ باعث شد با برندهای مطرح دنیا آشنا بشی؟
خب مثلاً بلک‌پینک خیلی وقت‌ها تو فشن شوها شرکت می‌کنند، همین باعث می‌شه در جریان مد روز قرار بگیرم و به پوشش روزمره‌ام بیشتر توجه بکنم. اون‌ها همیشه و همه جا لباس‌های مناسبی می‌پوشن و حتی استایل‌هاشون تو فرودگاه‌ها هم قشنگه.

^۱- چوب‌های مخصوص برای خوردن غذا در کشورهای آسیای شرقی



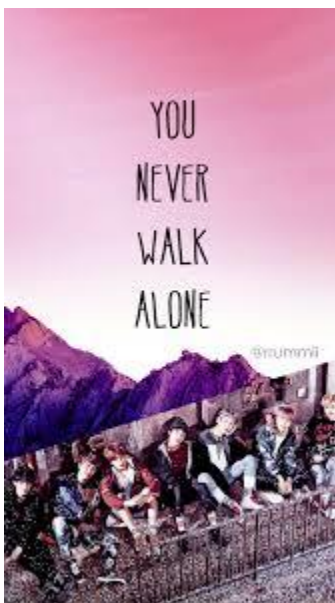
کی پاپ باعث شد حواسم بیش تر به پوشش‌م باشه و هر چیزی رو الکی تنم نکنم و احترام قایل باشم واسه لباس‌هام و تیبی که می‌زنم. - آیا کی پاپ باعث شده که بیش تر لباس‌های برند و گرون بپوشی؟

نه، منظورم این نیست. توی ایران بخوای برند بپوشی، باید خیلی پولدار باشی. با همین لباس‌هایی که آدم خودش داره هم می‌شه خوش تیپ بود فقط باید دقت کرد که چی رو با چی و کجا پوشیدی. می‌دونی کی پاپ کمک می‌کنه با ترکیب‌ها و سبک‌هایی که مد روزه آشنا بشی و لباس‌ها رو مناسب باهم ست کنی یا اگر خواستی بری خرید لباس، بدونی چی باید بخری که شیک باشه، حتماً نباید خرج زیاد و اضافی کرد.

- آیا وسایلی که مربوط به بی‌تی‌اس باشه و طرح بی‌تی‌اس روش داشته باشه رو خریداری کردی؟
آره، چون اون اوایل که آرمی شده بودم، هیچ وسیله‌ای ازشون گیر نمی‌اومد، واسه همین تو دلم مونده بود، الان که همه جا پر شده، دلم می‌خواد هر چی می‌بینم بخرم. اتاقم رو هم با وسایل‌هاشون تزئین کردم، الان تم اتاقم کلاً کی پاپه. البته خیلی هم خودم نمی‌خرم، بیش ترش رو دوست و آشناها کادو می‌دن و چون می‌دونن بی‌تی‌اس رو دوست دارم، هر مناسبتی که می‌شه چیزهایی که برام می‌خرن، همه‌اش یه ربطی به بی‌تی‌اس داره، مثلاً روز تولدم تمام کادوها با طرح بی‌تی‌اس بود، واسه همین زیاد نیاز نمی‌شه خودم چیزی بخرم، تقریباً همه چیز رو یه دور کادو بهم دادن.

- تاحالا آلبوم اصل خریداری کردی؟
آره، یکی از فامیلامون آمریکا زندگی می‌کنه، یه بار می‌خواست بیاد ایران زنگ زد، ازم پرسید سوغاتی چی می‌خوای، منم بهش گفتم آلبوم وینگز و یو نور واک الون^۱ (تو هیچ وقت تنها راه نمی‌ری) بی‌تی‌اس رو برام بگیره. خیلی خفن بود آلبوم‌ها، اگه تو ایران دسترسی داشتی، همه آلبوم‌هاشون رو می‌گرفتم، ولی اینجا متأسفانه گیر نیامد.

^۱- You never walk alone



- توی بحث‌ها و دعوای بین فندوم‌ها شرکت می‌کنی؟

نه خیلی کم پیش میاد با کسی به مشکل بخورم و بحثی از جانب من صورت بگیره. از اون جایی که طرفدار اکثر گروه‌های کی‌پاپ هستم، معمولاً هر بحثی که پیش میاد من طرفدار هر دو تا گروه توی دعوا هستم، واسه همین نمی‌تونم طرف کسی رو بگیرم و تو دعوا شرکت کنم. به نظرم بحث‌هایی که بین فندوم‌ها شکل می‌گیره، اکثراً بی‌فایده و بی‌سر و ته. اگه هر کس سرش تو کار خودش باشه و کاری به کار گروه دیگه نداشته باشه، دعوایی هم ایجاد نمی‌شه ولی متأسفانه یهو به فندوم میان به یه گروه دیگه توهین می‌کنن و فندوم اون گروه رو تحریک می‌کنند که بیان جواب بدن و دعوا بشه.

- توی دوستان خودت کسی رو می‌شناسی که تعصبی باشه و توی فن‌وارها شرکت بکنه؟

آره، کلاً این جور موارد توی آرمی‌ها زیاده، البته نه آرمی‌های قدیمی، کسانی که تازه آرمی شدن و هنوز حتی آرمی واقعی به حساب نمیان، معمولاً آتیش‌شون تندتره چون تازه وارد فندوم شدن و با این فضا آشنایی ندارن فکر می‌کنند، هر کی، هر چی درباره گروه مورد علاقه‌شون می‌گه، باید جوابش رو بدن و روش رو کم بکنند، در صورتی که به کم که تو فندوم می‌مونی و دعوای رو می‌بینی، می‌فهمی جواب دادن کاملاً بی‌فایده هست و فقط باید واکنشی نشون نداد تا طرف مقابل بفهمه، حرفاش واست اهمیتی نداره و چیزی از ارزش گروهی که دوستش داری، کم نمی‌کنه. کسی که به دیگران یا علاقه‌هاشون توهین می‌کنه، در واقع داره خودش رو کوچیک می‌کنه، چون این موضوع نشون می‌ده که شعور اجتماعی پایینی داره و هنوز به این درک نرسیده که آدم‌ها باهم متفاوتند و علایق متفاوتی هم دارند و تا وقتی که این علایق به کسی آسیب نمی‌زنه، حق دخالت و توهینی هم وجود نداره. اگه بخوای تو فن‌وارها شرکت کنی و همه‌اش جواب بقیه رو بدی، باید قبلش بدونی که این بحث‌ها هیچ وقت به نتیجه نمی‌رسه و هیچ وقت هم تمومی نداره. در نهایت هیچ طرفی از موضع خودش پایین نیاد و حرف فندوم مقابل رو نمی‌پذیره، فقط مدام توهین‌ها بیش‌تر و سنگین‌تر می‌شه تا جایی که دو طرف خسته می‌شن و در نهایت بی‌خیال دعوا می‌شن. مثلاً یکی از دوستانم بود که هر دعوایی پیش می‌اومد، این یه عالمه استوری تو فن پیجش می‌داشت و جواب همه رو می‌داد، من کلی بهش می‌گفتم، بابا تو این قدر واکنش نشون می‌دی، در واقع داری به حرف‌هاشون توجه می‌کنی و بهشون اهمیت می‌دی، حتی حرف‌هاشون رو استوری می‌کنی که جواب بدی و همین کار پیج‌های اون‌ها رو مطرح‌تر و معروف‌تر می‌کنه و این وسط یه سودی هم بهشون، می‌رسونی مگه تو این رو دلت می‌خواد؟ ولی باز گوش نمی‌داد متأسفانه.



- تا حالا تلاش کردی با کامنت یا پیام با اعضای گروه بی‌تی‌اس ارتباط بگیری؟

من معمولاً وقتی استوری می‌ذارن، ریپلای می‌کنم به انگلیسی و درباره استوری‌هاشون نظر می‌دم، ولی هیچ وقت جواب نمی‌دن، البته طبیعیه چون اون قدر حجم پیام‌های آرمی‌ها زیاده که امکان نداره برسند این همه پیام و دایرکت رو چک کنند، من این کار رو بیش‌تر واسه دل خودم می‌کنم، یه حس بی‌گانه‌گی می‌ده انگار باهاشون در ارتباطم و خوشم میاد براشون بنویسم. خدا رو چه دیدی شاید یه روز بیهو به چشم‌شون خورد پیام‌هام رو دیدن. البته چیز خاصی هم نمی‌نویسم‌ها، بیش‌تر در حد ایموجی^۱ و ری‌اکت^۲ به استوری‌هاشونه.

- به نظرت حمایت بی‌تی‌اس از آرایش کردن پسرها و جنسیت نداشتن لباس‌ها با هدف عادی‌سازی این مسایل در جامعه هست یا این که هدف‌شون تبلیغ و جذب مخاطب برای خودشونه؟

به نظرم هر دوتای این موارد می‌تونه باشه. جامعه باید به سمت عادی بودن این موارد پیش بره و چه بهتر که نسل جدید به این انتخاب‌ها نگاه منفی نداشته باشه. در کنارش این چیزها می‌تونه باعث معروف‌تر شدن گروه بشه و تبلیغی براشون باشه، خب وقتی داره به جامعه هم کمک می‌کنه، چه ایرادی می‌تونه داشته باشه؟ در واقع یه تیره و دو نشون. این که پسرها آرایش کنند یا لباس‌ها بدون برچسب زنانه و مردانه وارد بازار بشن، چه اشکالی می‌تونه داشته باشه؟ انتخاب این که من به عنوان یه انسان، چه لباسی بپوشم یا این که صورتم رو آرایش کنم، چه تأثیری در حال جامعه داره که بخواد برای مسایلی که شخصی هستند هم تصمیم‌گیری کنه. تصور کن یه روز می‌ری بیرون و یه پسر با لباس به اصطلاح دخترونه از کنارت رد می‌شه، خب چی شد؟ زخمی شدی؟ نظم ذهنیت بهم ریخت؟ زندگیگت مختل شد؟ این انتخاب شخصی اون فرد بوده که تو زندگی تو هیچ تأثیری نداشته و اساساً به تو هیچ ربطی هم نداره، ولی من نمی‌فهمم که چرا همچنان تو کشورهای آسیایی این مسایل پذیرفته نشده و نسل سالمند همچنان این اراده و آزادی که حقوق انسانی هستند رو نمی‌پذیرند و باهاش مبارزه می‌کنند و زندگی خیلی از جوان‌ها رو بهشون زهرمار می‌کنند. خودشون نتونستند اون طور که می‌خوان و حق‌شون هست زندگی کنند، چون پدر مادرهاشون با شیوه تفکر غلط خودشون، جلوی اون‌ها رو گرفتند، حالا این‌ها هم می‌خوان عقده‌های جوونی‌شون رو روی بچه‌هاشون پیاده کنند.

- مریم به نظرت مومنت‌های بین اعضاء واقعی هست یا ساختگی و برنامه‌ریزی شده هست؟

توی کی‌پاپ یه چیزی وجود داره به اسم فن‌سرویس که به معنای فراهم کردن خواسته‌های فن‌ها توسط آیدول‌ها هست، یعنی برای راضی نگه داشتن فن‌ها، آیدول‌ها خیلی وقت‌ها مجبورند کارهایی انجام بدن که دل‌شون نمی‌خواد و تمایلی ندارند. این کارها رو می‌کنند تا دل فن‌ها رو به دست بیارند و بهشون نشون بدن که براشون احترام خاصی قایل هستند. من فکر می‌کنم یه سری از اتفاقات مثل همین مومنت‌ها بخشی از فن‌سرویس هستند و آیدول‌ها صرفاً به خاطر این که فندوم سرپا بمونه و طرفدارها خوش‌شون بیاد، مجبورند

۱ - استیکر

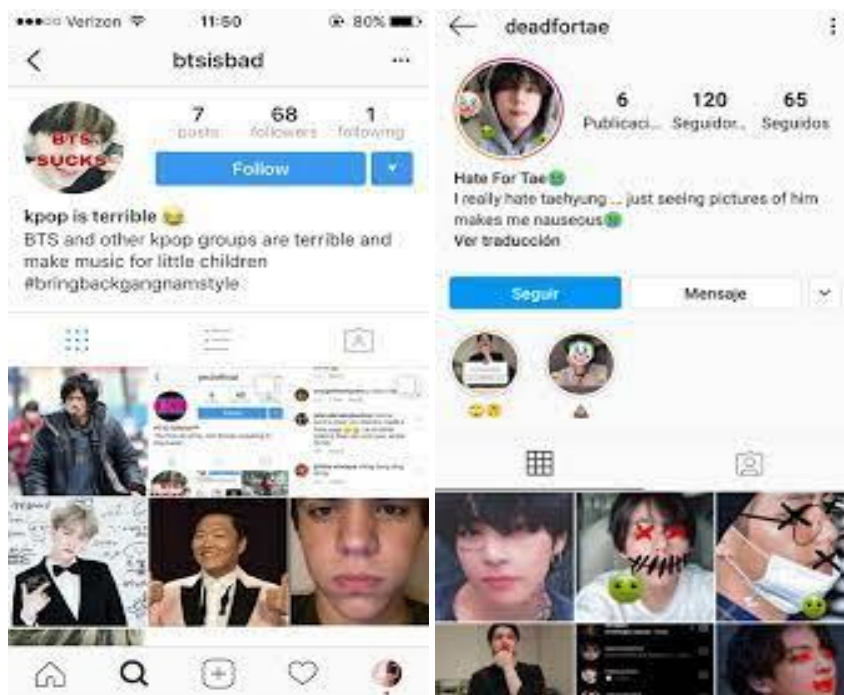
۲ - واکنش

این کارها رو بکنند. کمپانی‌ها هم به خاطر جذب مخاطب خیلی به آیدول‌ها فشار میارند، البته که فن‌دوم هم توی این موضوع بی‌تأثیر نیست. بعضی از فن‌ها تمرکز بی‌حد و مرزی روی زندگی شخصی آیدول‌ها دارند و این رو حق مسلم خودشون می‌دونن، در صورتی که به نظرم این درست نیست. آدم می‌ره سوار هواپیما می‌شه، داره از مهارت خلبان استفاده می‌کنه، ولی آیا از ریز جزئیات زندگی خلبان خبر داره؟ یا مثلاً آدم می‌ره پیش دکتر که از دانشی که داره استفاده کنه، ولی کاری به زندگی شخصی اون دکتر نداره. بی‌تی‌اس هم بحثش دقیقاً همینه، ماها به عنوان فن‌هاشون فقط حق داریم تا از هنری که اون‌ها دارن لذت ببریم، سایر بخش‌های زندگی‌شون در اصل به ما هیچ ربطی نداره و حق دخالت نداریم، اما بعضی فن‌ها علاقه رو با فضولی اشتباه می‌گیرن و به خاطر علاقه زیادی که به اعضا دارند، این حق رو به خودشون می‌دن که حتی تو زندگی احساسی و روابط اون آیدول هم دستی داشته باشن. کمپانی‌ها هم واکنش‌های طرفدارها رو که می‌بینند به اعضا فشار میارن، کارهایی رو انجام بدن که خوشایند فن‌ها هست، مثل همین مومنت‌ها که کاملاً واضحه فیک ان و صرفاً واسه دل‌خوشی آرمی‌ها انجام می‌شن، حتی اگر خود اعضا دل‌شون نخواد با رفیق خودشون همچین حرکاتی انجام بدن.

- یعنی تو اگر بشنوی بایس (فرد مورد علاقه) خودت توی رابطه هست یا ازدواج کرده واکنش بدی نخواهی داشت؟
اصلاً. آیدول‌ها هم انسان هستن و به نظر من این خیلی احمقانه و غیرمنطقیه، منی که این ور دنیا نشسته‌ام، تو خونه‌ام و یه دختر معمولی‌ام، توقع داشته باشم یه سلبریتی توی یه کشور دیگه به خاطر خوشایند من با هیچ کس وارد رابطه نشه و زندگی نرمال خودش رو کنار بذاره. به نظرم خیلی از آرمی‌ها فراموش می‌کنند که آیدول بودن در واقع شغل این آدم‌ها هست، نه همه جوانب زندگی‌شون. این خیلی ناراحت کننده هست که ما اون‌ها رو از عادی‌ترین بخش‌های زندگی‌شون بی‌نیاز بدونیم و تصور کنیم به هیچ ارتباط پایداری نیاز ندارند.

- بین دوستان خودت کسی رو می‌شناسی که روی قرار گذاشتن اعضا خیلی حساس باشه و واکنش تندیه به این موضوع نشون بده؟
آره، می‌شه گفت تقریباً همه دوستان همین جوری ان و همیشه تو حرف‌هاشون می‌گن که نکنه بایس‌شون با فلانی داره قرار می‌ذاره و رفته تو رابطه. یه وقت‌هایی هم خبر رابطه اعضا با یه نفر میاد بیرون این‌ها همه‌شون خُل می‌شن که واقعیه یا نه، نکنه واقعی باشه، نکنه دوستش داره. بعد شروع می‌کنند اون دختر بدبخت رو قضاوت کردن که این کجاش به مثلاً تهیونگ می‌خوره، این این‌جاش این طوریه، اون‌جاش اون طوریه، این با همه بوده و از این حرف‌ها.

- به نظرت چرا بعضی از آرمی‌ها این حق رو برای خودشون قابل‌اند که در امور شخصی اعضا دخالت کنند و حتی در مواردی هیت بدن؟



بین وقتی علاقه به کسی یا چیزی بیش از حد و ناسالم باشه، خود به خود یه حس مالکیتی توی تو به وجود میاد که باعث می‌شه حس کنی، باید اون فرد رو کاملاً تحت کنترل داشته باشی و هر کاری بخواد بکنه، باید خوشایند تو باشه. در صورتی که دوست داشتن واقعی و سالم این شکلی نیست، تو باید به کسی که دوستش داری، آزادی بدی، باید بهش حق انتخاب بدی تا بتونه شاد باشه و همیشه خوب زندگی کنه. تو اون فرد رو توی روند عادی زندگیش دیدی و ازش خوشت اومده، حالا اگه بیای با کنترل کردن و محدود کردن‌های نا به جا، اون فرد رو از روند عادی زندگیش و نیازهاش دور کنی، اون دیگه آدم قبلی نخواهد بود و شاید حتی علاقه خودت هم به این دلیل کم بشه. آدم باید فرد مورد علاقه‌اش رو همون طور که هست بپذیره و دوست داشته باشه. آرمی‌ها فکر می‌کنند با محدود کردن اعضا به این که با کسی قرار نذارن یا ازدواج نکنند، دارن شانس خودشون برای بودن با اعضا رو بالا می‌برند، در صورتی که همه‌مون می‌دونیم همچین اتفاقی شدنی نیست و اگر بی‌تی‌اس بخوان به خاطر ما تا ابد رابطه نداشته باشند، صدجور بیماری روحی و جسمی می‌گیرن و قطعاً نمی‌تونن با کیفیت قبل کار کنند و دیگه بی‌تی‌اس همیشگی نخواهند بود. تا اینجاش دووم آوردن، چون هنوز جوان هستن، ولی دیگه آدم تا به جایی می‌کشه و از یه جایی به بعد می‌بره و دلش محبت و رابطه رو می‌خواد، این یکی از نیازهای مهم انسان‌ها هست و نمی‌شه نادیده‌اش گرفت. من موندم چه طور کمپانی‌ها به این نکته توجه نمی‌کنند و فکر می‌کنند می‌تونند آیدول‌هاشون رو تا ابد سینگل و به دور از ارتباط نگه دارند و هم‌زمان انتظار داشته باشند، کار اون‌ها با کیفیت از آب دربیاد. تا یه جایی می‌تونن فشار وارد کنی، از یه جایی به بعد کار خودت به هم می‌ریزه. بالاخره سلامت روانی آیدول هم مهمه، واسه کار به این سختی. کمپانی همه‌جوره به ظاهر و هیکل و رقص و همه چیزه آیدول‌ها می‌رسند، ولی همیشه از وضعیت روحی‌شون غافل‌ان.

- به نظرت خبر رابطه بین اعضا با سلبریتی‌های دیگه، واقعیه یا ساختگی و برنامه‌ریزی شده هست و جنبه تبلیغاتی داره؟
هر دوش می‌تونه باشه. این خیلی احتمالش بالا هست که هدف کمپانی‌ها از نشر این جور خبرها این باشه که اون آیدول‌ها رو بندازن سر زبونا و کلی هشتگ و حاشیه درباره‌شون درست بشه، چون روابط توی صنعت کی‌پاپ مثل روابط توی هالیوود زیاد و عادی نیست، معمولاً توی کی‌پاپ کمپانی‌ها خیلی حواس‌شون جمع هست که همچین چیزهایی پیش نیاد و خبرش پخش نشه، مگر این که به نفع خودشون باشه و خودشون خواسته باشن این حاشیه درست بشه، برای همین احتمال زیاد وقتی داستان رابطه توی کی‌پاپ پیش میاد،

الکیه و برنامه کمپانی‌ها هست، ولی از طرف دیگه ممکن این وسط یه سری روابط هم واقعی باشند و خارج از کنترل کمپانی لو رفته باشند و پخش شده باشن. به نظرم هر دوش محتمله.

- نظرت درباره کنترل زیادی که کمپانی روی تمام امور بی‌تی‌اس داره چیه و با وجود این کنترل و دخالت، اعضاء چه قدر در کارهاشون مختارند؟

یه چیزی که تو تمام سال‌هایی که کی‌پاپ بودم درک نکردم، اینه که چرا کمپانی‌ها تا این حد رفتارهای افراطی و غیرقابل قبول در مقابل آیدول‌ها دارن. توقع دارن آیدول‌هاشون نه چپ برن، نه راست، هیچ خطایی نداشته باشن، هیچ ارتباطی نداشته باشن، در مورد هیچی شخصی تصمیم نگیرن و با وجود تمام این‌ها از لحاظ روحی و جسمی سرپا و پرانرژی باشن. اگر هم توقعاتی که از آیدول‌ها دارن برآورده نشده، شروع می‌کنند به سرکوب و سرزنش‌شون. در طول این سال‌ها هیچ وقت ندیدم کمپانی‌ها به اندازه کافی از حق و حقوق آیدول‌هاشون دفاع بکنن یا پشت‌شون باشن. فکر نمی‌کنم اعضاء اراده زیادی تو کارهاشون داشته باشن.

- با توجه به این که کمپانی روی تمام اعمال و رفتار اعضاء کنترل کامل داره، چه طور می‌تونن حرف‌ها و رفتارهای بی‌تی‌اس رو باور کنی و بپذیری؟

به نظرم الان علم آرمی‌ها اون قدر زیاد شده که متوجه این نکته باشن که نباید کارهای بی‌تی‌اس رو صددرصد از طرف خودشون ببینند. اگه نسبت به این قضیه آگاه باشی، خودت حواست هست که همه کارهاشون رو واسه خودت الگو کنی و همه حرف‌هاشون رو کاملاً درست و بدون اشتباه، در نظر نگیری. آدم باید همیشه چند درصد احتمال خطا داشته باشه و هر چی مبینه یا می‌شنوه، اول خودش قضاوت کنه، ببینه منطقی هست یا نه. اگه اعضاء بی‌تی‌اس حرفی می‌زنند، من شخصاً اول فکر می‌کنم این حرف منطقیه یا نه، بعد تصمیم می‌گیرم بپذیرمش. با توجه به وضعیتی که کی‌پاپ داره، نمی‌شه مطلق طرفدار کسی بود و ازش تقلید کرد.

- بین پیام‌های بی‌تی‌اس به نظرت کدوم منطقی‌تره و بیش‌تر روی تو تأثیر گذاشته؟

لاو یورسلف به نظرم درست‌ترین شون بود.

- چرا فکر می‌کنی از بقیه پیام‌ها درست‌تر بوده؟

بین لاقول واسه جامعه ما نیاز بود، چون توی ایران اعتماد به نفس نوجوان‌ها خیلی پایینه و بزرگ‌تراشون واسه اون‌ها نسلی هستن که اکثراً چیز زیاد و به درد بخوری از روان‌شناسی نمی‌دونند که بخوان جوون رو درست راهنمایی کنند، واسه همین این وسط واقعاً نیاز بود که یکی بیاد به جوان‌ها یادآوری بکنه که قبل از تمام این نگرانی‌ها و تنش‌ها و مقایسه کردن‌ها، باید حواستون به خودشون و ارزشی که واقعاً داره باشه، نیاز بود یادآوری بشه که ما فارغ از میزان تحصیلات و ثروت و خانواده و ظاهر و مهارت‌ها و هر چیزی که داریم، فارغ از تمام این‌ها، خودمون هستیم، وجود ما جدا از تمام این حرف‌ها هست و لازمه اول این وجود واقعی رو دوست داشته باشیم تا بعد بتونیم بریم سراغ مسایل مادی‌تر.

- یعنی شعار خودت را دوست داشته باش، باعث شده اعتماد به نفس تو افزایش پیدا کنه؟

آره، چون مامانم من رو از بچگی کلی کلاس گذاشته، طراحی، گیتار، زبان فرانسوی و انگلیسی، والیبال، فتوشاپ. از وقتی یادمه هر روز رفتم کلاس و سرم شلوغ بوده، تا چند سال پیش حس می‌کردم، چون این کلاس‌ها رو می‌رم مفید و با ارزشم، اگه یه روز حالم خوب نبود و غیبت می‌کردم، حس می‌کردم از تنبلیمه و از خودم بدم می‌اومد، ولی بی‌تی‌اس بهم نشون داد که ارزش و مفید بودن ما آدم‌ها، فارغ از مهارت‌هامونه. قرار نیست من رو و وجود من رو فقط مهارت‌هام یا چیزهایی که دارم، توصیف بکنه. قبل از تمام این‌ها، من به عنوان یه انسان که زنده هست و نفس می‌کشه و روح و آگاهی داره، ارزشمندم و اگه یه روز هیچ کدوم از مهارت‌هایی که الان دارم رو هم نداشته باشم، باز باید خودم رو ارزشمند بدونم، چون ماها آدمیم نه ربات.

- به نظرت پیام خودت را دوست داشته باش، با عمل‌های زیبایی و رژیم‌های سخت غذایی که بی‌تی‌اس داره، در تناقض نیست؟

درسته که کارهای بی‌تی‌اس صددرصد عین حرف‌هاش نیست و کلی رفتارهای افراطی توی کی‌پاپ هست که به خاطر تصمیمات کمپانی‌ها هست، ولی اگر این پیام‌شون باعث ایجاد تفاوت حتی توی یکی از فن‌هاشون بشه، باز هم خوبه. مهم خود پیامه که می‌تونه

تأثیر خوبی توی زندگی بعضی از آرمی‌ها ایجاد کنه و تا وقتی تأثیر مثبتی داره، دیگه زیاد اهمیتی نداره که خودشون چه قدر می‌تونند بهش عمل بکنند، از قدیم هم گفتن ببین چی می‌گه، نه این که کی می‌گه.

- تو تاحالا تحت تأثیر بی‌تی‌اس به عمل‌های زیبایی یا رژیم‌های سخت غذایی تمایل پیدا کردی و اقدامی در این زمینه انجام دادی؟ من از بچگی تپل بودم و کلاً این تو ژنمونه، خانواده پدریم همه این جور بودن. مامانم می‌دونست بزرگ‌تر که بشم، این موضوع خیلی اذیتم می‌کنه، واسه همین از همون بچگی همه‌اش دنبال این بود که من رژیم‌های مختلف بگیرم و حواسش خیلی به تغذی من خیلی بود و بهم فشار هم می‌آورد که هر روز برم باشگاه و ورزش کنم، با این وجود من هیچ وقت نتونستم لاغر کنم. داستان رژیم واسه من تو زندگی همیشه مطرح بوده و دیگه عادی شده برام. عمل زیبایی هم نه فکر نمی‌کنم. البته گاهی به این فکر می‌کنم که واسه چاقیم شاید نیاز باشه عمل کنم، ولی هیچ وقت جدی بهش فکر نکردم، چون عمل جراحی یه جرأتی می‌خواد که هنوز در من نیست (می‌خندد).

- به نظرت حمایت بی‌تی‌اس از هم‌جنس‌گراها، با هدف عادی‌سازی این امر در سطح دنیا هست یا این که هدفش از این کار، تبلیغ و جذب مخاطب برای خودشه؟

در حال حاضر نه فقط کی‌پاپ، بلکه تو تمام دنیا مردم دارن تلاش می‌کنند این موضوع رو عادی‌سازی و فرهنگ‌سازی کنند که ما حق توهین به این افراد رو نداریم و باید گرایشی که دارند رو بپذیریم. بی‌تی‌اس هم الآن تلاشش همینه که بتونه فضا رو برای هم‌جنس‌گراها، عادلانه‌تر و انسانی‌تر بکنه، چون سال‌ها هست که این قشر جامعه دارن توسط مردم تحقیر و سرکوب می‌شن و نسل جدید به کمک صنعت موسیقی و فیلم داره کم‌کم یاد می‌گیره که باید به این قشر مثل بقیه مردم احترام بذاره و فرقی وجود نداره. به نظرم این نکته مثبتیه که بی‌تی‌اس و کی‌پاپ هم با توجه به این که جامعه کره یه جامعه آسیاییه و هنوز حالت سنتی و بسته خودش رو داره، با این وجود دارن پا به پای سلبریتی‌های کشورهای دیگه برای این موضوع تلاش می‌کنند تا در این جهت فرهنگ‌سازی بشه. البته که کلاً دنیای سلبریتی‌ها یه دنیای پر از سیاست و تبلیغات زیرپوستیه، واسه همین احتمالش زیاده که این کار نوعی تبلیغ هم براشون باشه، ولی تا وقتی داره این نوع تبلیغ کردن شون داره به زندگی قشری از جامعه کمک می‌کنه، اهمیتی نداره که از این راه مطرح‌تر هم بشن.

- یعنی به نظرت جامعه کره جامعه‌ای هم‌جنس‌گرا هراس و هم‌فوب هست؟

آره تقریباً می‌شه گفت چون فرهنگ قشر سالمندشون هنوز بافت سنتی خودش رو داره و این چیزها، مثل کشورهای غربی هنوز پذیرفته شده نیست.

- آیا بی‌تی‌اس باعث شده به هم‌جنس‌گرایی علاقه‌مند بشی یا تمایل پیدا کنی؟

ببین الآن کلاً بین نوجوان‌ها هم‌جنس‌گرایی زیاد شده، چون فضای ارتباط با جنس مخالف به اندازه کافی فراهم نیست و مدارس جدا از هم هستن و این باعث می‌شه عده زیادی به دلیل حس نیازی که توی دوره بلوغ دارن، توهم هم‌جنس‌گرایی پیدا کنن. از طرف دیگه هم بیش‌تر آرمی‌ها نوجوانند و این رنج سنی بیش‌تر درگیره کی‌پاپه، واسه همین با داستان هم‌جنس‌گرایی هم‌زمان می‌شه و این طور به نظر میاد که کی‌پاپ باعث شده. توی سن نوجوانی آدم‌ها تازه دارن خودشون رو کشف می‌کنن و قطعاً تلاش می‌کنن که تمایلات خودشون رو هم بیش‌تر بشناسن و ممکنه واسه این شناخت سعی کنن راه‌های مختلف رو تجربه بکنن تا ببینند در نهایت چی مناسب‌شونه و به شخصیت‌شون نزدیک‌تره، واسه همین احتمالش زیاده که توی این دوره یه مدت کوتاهی از هم‌جنس‌خودشون خوش شون بیاد، ولی اگر این مسأله ادامه پیدا کنه و در سنین بالاتر هم همین شکلی بمونه، اون وقت می‌شه مطمئن شد طرف واقعاً گرایشش اینه. من خودم دبیرستان که بودم یه سال رو یکی از بچه‌های کلاس کراش داشتم، حتی یکی، دوبار هم به سرم زد که برم بهش بگم، ولی نگفتم. همون موقع کلاس زبانم دو ترم این جور شد که پسر و دختر رو مجبور شدن قاطی کنند، چون ساختمون پسرها داشت جاش تغییر می‌کرد، توی اون دو ترم متوجه شدم که درباره گرایشم اشتباه می‌کردم. محدودیت باعث می‌شه آدم با هر چیزی که دم دستشه، بخواد نیازهاش رو برطرف کنه، واسه همین خیلی از نوجوان‌ها دچار این اشتباه می‌شن.

- مریم جان آیا بی‌تی‌اس باعث شده دلت بخواد آودیشن بدی؟

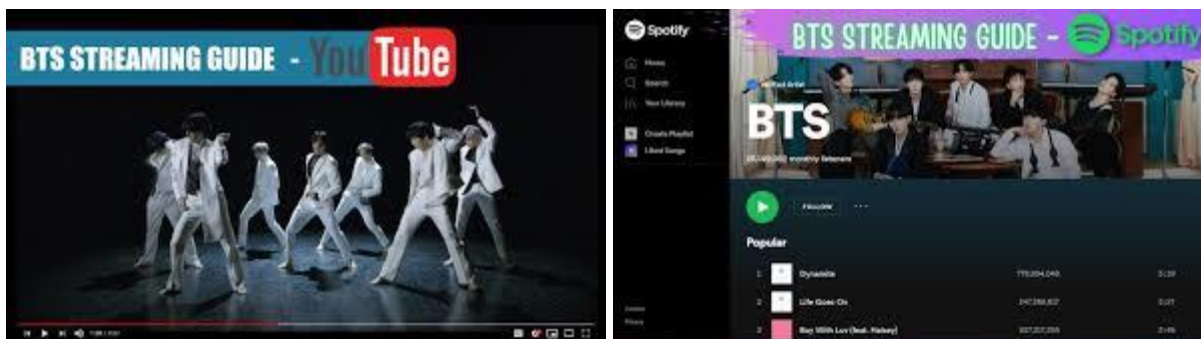
یه مدت اون اوایل که آرمی شده بودم جوّش من رو گرفته بود، همه‌اش تو نت می‌گشتم ببینم شرایط آودیشن دادن چه جوریه و سفر به کره چه قدر خرج داره و از این حرف‌ها، ولی فقط یه دوره کوتاه بود، چون استعداد ذاتی و علاقه واقعی برای این کار در من نبود و بیش‌تر هیجان زده شده بودم.

- یعنی اقدامی در این زمینه انجام ندادی؟

نه زیاد. یه وقت‌هایی خودم تو خونه آموزش رقص‌هاشون رو از تو یوتوب در می‌آوردم و تمرین می‌کردم، ولی هیچ وقت به صورت جدی دنبال خوانندگی و رقص و موسیقی و این جور چیزها نرفتم، چون آودیشن دادن برام یه علاقه کوچیک بود و هیچ وقت جدی دنبالش نکردم. البته من از ۱۱ سالگی کلاس گیتار می‌رم و گیتار رو کامل بلدم، ولی ربطی به آودیشن دادنم نداشته.

- وقت‌هایی که کام‌بک می‌دن، چه قدر برای استریم زدن و حمایت کردن از کار جدیدشون زمان می‌گذاری؟

خب من چندسال پیش زمان بیش‌تر برای این کارها داشتم و درگیری‌هام کم‌تر بود، از طرف دیگه دوستانم هم اون موقع بیش‌تر پیگیر این موضوع بودن و همین باعث می‌شد هیجان بیش‌تری واسه دنبال کردن اخبار و روزمرگی‌های آیدول‌ها داشته باشم. اون موقع‌ها تقریباً تمام فن پیچ‌های فعال بی‌تی‌اس و گروه‌های دیگه کی‌پاپ رو داشتم و هر روز حواسم به اخبارشون بود، واسه همین اطلاعاتم همیشه به روز بود و از امورات اکثر گروه‌ها باخبر بودم، واسه همین وقتی کام‌بک می‌دادن، سریع در جریان قرار می‌گرفتم و با دوستانم می‌رفتم یوتوب ویدیوهایشون رو استریم می‌زدیم. الان که اومدم دانشگاه، مشغله‌هام خیلی بیش‌تر از قبل شده و خیلی کم‌تر فرصت می‌کنم حمایت کنم یا در جریان اتفاقات اخیر قرار بگیرم. بیش‌تر از دوستانم و بقیه آرمی‌ها اخبار جدید رو می‌شنوم و اگه کام‌بک بدن یکی، دوبار سعی می‌کنم استریم بزنم.



- قبل‌تر حدوداً چند بار استریم می‌زدی؟

قبلاً خیلی وقت می‌داشتم پاش، یه وقت‌هایی می‌شد چند ساعت پشت هم استریم می‌زدم، چون این شکلی بود که بعضی فن پیچ‌ها می‌گفتن ما باید تا فلان ساعت ویوهای این ویدیو رو به فلان رقم برسونیم و نیاز به حمایت تک تک شما آرمی‌ها داریم من و دوستانم هم می‌شستیم پای ویدیوها تا جایی که حوصله خودمون می‌کشید، استریم می‌زدیم.

- آیا آرمی بودن باعث شده دوست‌های بیش‌تر و همین‌طور محبوبیت بیش‌تری بین همسن‌های خودت پیدا کنی؟

صددرصد. وقتی با همسن‌ها موضوع مشترک داشته باشی، برای صحبت کردن و آشنا شدن باهاشون راحت‌تری. یه بهونه می‌شه که توی فضای مجازی و واقعی دوست‌های جدید پیدا کنی. فقط هم بی‌تی‌اس نیست، چیزهای دیگه مثل فیلم، سریال، کتاب، مهارت و چیزهای این شکلی هم باعث می‌شه آدم با افرادی دیگه‌ای علایق مشترک و در نتیجه حرف مشترک پیدا کنه و فرایند آشنایی راحت‌تر بشه. بی‌تی‌اس هم چون خیلی معروف و مطرح شده، تعداد فن‌هاشون زیاد شده و هر جا بری بالاخره یه آرمی اونجا هست، برای همین به راحتی می‌تونی تو جاهای مختلف دوست‌های جدید پیدا کنی.

- دوستی‌هایی که صرفاً به خاطر بی‌تی‌اس شکل می‌گیرند کوتاه مدت و سطحی نیستند؟

نه، آخه تو کل مدت دوستی فقط درباره بی‌تی‌اس حرف زده نمی‌شه که بی‌تی‌اس می‌شه دلیلی برای آشنایی، ولی وقتی صمیمیت بیش‌تر شد، دیگه دوست‌های عادی می‌شید که درباره همه چی باهم حرف می‌زنید. الان یکی از دوست‌هایی که دارم تا یک سال پیش آرمی بود، ولی الان دیگه نیست و ما همچنان دوستیم حتی بیش‌تر از قبل در ارتباطیم.

- آیا نوجوان‌هایی که طرفدار بی‌تی‌اس نیستند، از جمع همسالان خودشون طرد می‌شن و این فشار رو احساس می‌کنند که باید آرمی بشن؟

بین آره، تو بعضی از جمع‌ها این شکلیه. اگه تعداد آرمی‌ها مثلاً توی یه کلاس مدرسه زیاد باشه و بشن اکثریت، اون وقت فضا یه کم برای اونایی که آرمی نیستن اذیت‌کننده می‌شه، چون از طرفی خیلی در مورد بی‌تی‌اس تو کلاس حرف زده می‌شه، از طرف دیگه اکثریت باهم هماهنگ و هم سلیقه‌ان و تو چون سلیقه مشترک نداری، دوست پیدا کردن بین‌شون یه کم ممکنه برات سخت بشه، از طرف دیگه هم ممکنه بعضی‌هاشون مدام سعی کنند تشویقت کنند که آرمی بشی و تلاش کنند چیزهایی بهت نشون بدن که خوشت بیاد. ولی خب همیشه این شکلی نیست که اکثریت طرفدار بی‌تی‌اس باشن، بیش‌تر اوقات توی کلاس‌ها فقط یکی، دوتا جمع دوستی هستن که تو فاز این چیزها و کی‌پاپرن، بقیه کلاس علاقه‌های متفاوتی دارن و می‌شه با اون‌ها ارتباط گرفت. البته یه چیزی هم بگم‌ها، خیلی به شخصیت اون آرمی بستگی داره که چه قدر تعصبی و جوگیر باشه. من الان خودم آرمی‌ام، ولی کلی دوست دارم که نه تنها آرمی نیستن، بلکه کی‌پاپر هم نیستند و علایق مشترک دیگه‌ای داریم، ولی یه سری آرمی تعصبی هم هستن که همه‌اش می‌رن رو مخت که یه جواری آرمیت کنند و اگه نشی زیاد تمایلی به دوست شدن باهات نشون نمی‌دن، چون کلاً جامعه آرمی‌ها این جواری‌ان که چون تعدادشون زیاده، همیشه همه جا دوست براشون ریخته و معمولاً گستره ارتباطی‌شون خیلی گسترده هست، واسه همین زیاد نیازی ندارن با کسی دوست شن که هیچ اطلاعاتی در مورد بی‌تی‌اس ندارن. تازه اگر دوست هم بشن، اون قدر بغل‌گوش از بی‌تی‌اس می‌گن که چون فن‌شون نیستی، ممکنه خسته بشی و از این رفتار خوشت نیاد.

- اگر آیدول مورد علاقه‌ات حرکتی انجام بده یا حرفی بزنه که از نظر تو خیلی اشتباهه، آیا باز هم ازش طرفداری می‌کنی؟

بستگی داره به این که چه کاری کرده باشه، مثلاً اگه یه روز بشنوم یکی شون به کسی تجاوز کرده یا حق کسی رو پایمال کرده، خب خود به خود نسبت بهشون سرد می‌شم و حس بدی پیدا می‌کنم، واسه همین دیگه طرفدارشون نخواهم بود، ولی این که مثلاً وسط اجرا اتفاقی بیفته، خوب نخوندن یا بی‌حوصله باشند یا این جور اشتباهات عادی که برای همه انسان‌ها پیش میاد، نه تأثیری تو دیدی که نسبت بهشون دارم، نمی‌ذاره.

- مریم جان هیچ وقت فکر نکردی که طرفداری از بی‌تی‌اس وقتت رو گرفته و می‌تونستی وقتت رو صرف اولویت‌های مهم‌تری کنی؟

نه، چون من تو پیگیری هدف‌هام آدم جدی‌ای هستم و همیشه تونستم بین این دوتا موضوع، تعادل رو رعایت بکنم. هیچ وقت نذاشتم تفریحاتم تایمی که برای کارهای مهم روزم تعیین کردم رو تلف کنه. من از بچگی یاد گرفتم آدم می‌تونه از هر ساعت روز، اندازه چند ساعت استفاده مفید داشته باشه و در کنارش استراحت و تفریحاتش رو هم داشته باشه.

- می‌تونی مثال بزنی که طرفداری از بی‌تی‌اس تا حالا چه نکات مثبت و منفی‌ای برات دربرداشته؟

بهترین دوستی‌های من به خاطر علاقه مشترکی که در مورد بی‌تی‌اس داشتیم، ایجاد شده و این قضیه باعث شده حتی بتونم با افراد کوچیک‌تر یا بزرگ‌تر از خودم هم دوستی‌های عمیقی داشته باشم. فکر می‌کنم اطلاعاتی که در زمینه کی‌پاپ دارم، همیشه کم‌کم کرده که راحت‌تر تو اجتماع باشم. اگه آرمی و کی‌پاپر نبودم، خیلی سخت می‌شد که بتونم این قدر دوست‌های زیاد حتی تو فضای مجازی داشته باشم. به نظرم آیدول‌های کی‌پاپ خیلی الهام بخش‌ان و کسانی هستن که از سن کم برای زندگی خودشون برنامه داشتن، به توانایی‌های خودشون باور داشتن و به سمت هدف‌هاشون قدم برداشتن و از سختی‌هایی که توی مسیر بوده نترسیدند. تمرین‌های سخت با ساعات طولانی و دور بودن از همه نزدیکان‌شون رو تحمل کردند و با سخت‌گیری‌های غیرمنطقی کمپانی کنار اومدن و تلاش کردند. من از پشتکار و اراده‌شون الگو گرفتم همیشه. من به نظرم آرمی‌ها به جای این که حواس‌شون رو پرت مسایل حاشیه‌ای و زندگی شخصی اعضاء بی‌تی‌اس کنند، باید از مصمم بودن و جدی بودن‌شون توی کاری که انجام می‌دن، الگو بگیرن.

- مریم جان مصاحبه ما تموم شد. چیزی هست که نپرسیده باشم و دوست داشته باشی بگی؟
نه، ممنون.

تأملی دوباره

مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

مریم در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: نقد کاستی‌های کمپانی، هدف غایی کمپانی سود بردن است، کمپانی با صحنه‌سازی و فریب طرفداران به دنبال جذب مخاطب بیش‌تر است، کمپانی فشار روانی شدیدی بر ستاره‌ها وارد می‌سازد، تأثیر کی‌پاپ در آزادی روابط هم‌جنس‌گرایی، ترویج فرهنگ و غذاهای کره جنوبی، اشاره داشته است.

مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: انگیزه‌بخشی به مخاطبان، ارضای سلیقه‌های هواداران مختلف، تأثیرگذاری ارزشی ستاره‌ها بر روی هواداران، اشاره داشته است.

مریم در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: سهولت دسترسی به لوازم طرفداری، مد شدن طرفداری از کی‌پاپ میان نوجوانان، مد شدن طرفداری از کی‌پاپ میان نوجوانان، ارضای سلیقه‌های مختلف، ایجاد حس خوب تحت تأثیر ستاره‌ها، انگیزه‌بخشی، یادگیری سمعی زبان، ترویج فرهنگ و غذاهای کره جنوبی، مصرف کالاهای بی‌تی‌اسی، هویت‌یابی افراد بی‌هویت (دعوا و مشاجره میان طرفداران گروه‌های مختلف)، دفاع از عادی‌سازی جنسیت‌زدایی پوشش، صحنه‌سازی و فریب طرفداران برای جذب مخاطب، احساس مالکیت طرفدارها نسبت به ستاره‌ها، هدف قرار گرفتن سود در ارتباط با هواداران، افزایش اعتماد به نفس هواداران، اهمیت داشتن نگاه انتقادی در الگوبرداری از ستاره‌ها، نفی توهم هم‌جنس‌گرایی، الگوبرداری از ستاره‌ها، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه مریم ۱۸ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، مریم در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی، اقتصادی - سیاسی و زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

مریم در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: ارضای سلیقه‌های مختلف توسط پسران گروه، ایجاد حس خوب تحت تأثیر ستاره‌ها، انگیزه‌بخشی، نفی توهم هم‌جنس‌گرایی، افزایش اعتماد به نفس هواداران، یاد کرده است.

مریم در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: هویت‌یابی افراد بی‌هویت (دعوا و مشاجره میان طرفداران گروه‌های مختلف)، احساس مالکیت طرفدارها نسبت به ستاره‌ها، الگوبرداری از ستاره‌ها، اهمیت داشتن نگاه انتقادی در الگوبرداری از ستاره‌ها، صحنه‌سازی و فریب طرفداران برای جذب مخاطب، یاد کرده است.

مصاحبه‌شونده در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: یادگیری سمعی زبان، ترویج فرهنگ و غذاهای کره جنوبی، سخن گفته است.

مریم در توصیف «اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: دفاع از عادی‌سازی جنسیت‌زدایی پوشش، یاد کرده است.

مصاحبه‌شونده در توصیف «اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: هدف قرار گرفتن سود در ارتباط با هواداران، مصرف کالاهای بی‌تی‌اسی، سهولت دسترسی به لوازم طرفداری، سخن گفته است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: مد شدن طرفداری از کی‌پاپ میان نوجوانان، سخن گفته است.

از بیانات اخیر مریم ۱۸ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با مرضیه، ۱۹ ساله

جبهوپ برای موزیک ویدیوهاش حاضر نشد از پرده سبز استفاده کنه و گفت، واقعاً اون ۱۳ تا ماشین رو آتیش بزنی تا همه چی واقعی به نظر برسه.

- عزیز دلم، اول یه بیوگرافی در مورد خودت بده، هر چیزی که بتونه تو رو توصیف کنه.
خب اسمم مرضیه هس، ۱۹ سالمه و امسال دومین سالی هست که آرمی شدم. آدم خیلی محتاطی هستم و اغلب اوقات به حرفایی که قراره بزنی، خیلی فکر می‌کنم، گاهی نویسندگی می‌کنم و این کار مورد علاقه‌منه، اما خب نوشته‌های من تو ورقه‌های دفترم خودشون رو جا می‌ذارن و کسی ازشون خبردار نمی‌شه، سادگی رو به هر چیزی ترجیح می‌دم، به همین دلیل خیلی ساده خودم رو معرفی کردم.
- بعد از آرمی شدنت هر وقت بخوای خودت رو معرفی کنی و بیوگرافی از خودت بدی، به این موضوع که آرمی هستی اشاره می‌کنی؟
آره، چه طور؟

- هیچی فقط دیدم که تو بیو اینستات و تلت نوشتی آرمی و اینجا هم اشاره کردی بهش، به خاطر این پرسیدم.
آره، غالباً می‌گم، مگر این که جاش نباشه و معمولاً هم این طوری‌ام که اگر از کسی وایب (حس) خوبی بگیرم، می‌رم عین کلاس اولی‌ها بهش می‌گم، سلام با من دوست می‌شی؟ و بعد می‌گم خب من آرمی هستم و تو چه طور و بی‌تی‌اس رو می‌شناسی یا نه و کی‌دراما نگاه می‌کنی یا نه، می‌دونی چون این طوری می‌تونم بفهمم طرف چه قدر سلیقه‌اش به من نزدیکه تا بتونیم بیش‌تر باهم وقت بگذرونیم.

- پس هم کی‌پاپری و هم کی‌درامر درست‌ه؟
بله و گاهی سی‌درامر البته نه خیلی.

- چرا؟

نمی‌دونم احساس نزدیکی بیش‌تری به کره‌ای‌ها دارم، بعد این که زبان چینی به کم غیر قابل‌تحمله و من باهاش ارتباط نمی‌گیرم و مگر این که ببینی یه فیلم‌شون چه قدر خوب باشه و تعریفش رو کرده باشن که شروع کنم از اول تا آخرش رو ببینم، وگرنه ولش می‌کنم، چون هیچ جواری نمی‌تونم تحملش کنم.

- یعنی احتمال داره یه سریال چینی رو شروع کنی و وسطش ولش کنی.
آره.

- کره‌ای چه طور؟

نشده تا به حال، می‌دونی چرا؟ چون من رو خیلی بازیگرای کره‌ای کراشم، بعد فیلم کره‌ای که می‌خوام شروع کنم، به خاطر اون بازیگرش شروع می‌کنم و تا آخر می‌بینم، ولی چینی این طوری نیست یه وقتایی شاید دلم بخواد کانال عوض بکنم برم سراغشون.

- این احساس نزدیکی به کره از کجا میاد و چه طور چنین احساسی می‌کنی؟

امممم... شاید به این خاطر که از بچگی فیلمای کره‌ای حالا چه تو تلویزیون و چه با دوستان زیاد دیدیم، البته این طوری بود یه زمانی زبان کره‌ای رو هم باهاش ارتباط نمی‌گرفتم و همه‌اش دنبال دوبله بودم، ولی بعدتر جلو رفت، اون حس غریبگی که نسبت به زبان‌شون داشتیم از بین رفت، یک‌سری اصطلاحات کره‌ای بود امممم... این طور بگم اصطلاح نه، مثلاً یه کلمه یا یه مصوت مثل اویسییی، اووووو خودش تو کره یه جمله هست، قشنگ اندازه یه جمله مفهوم داره توش و قشنگ احساسات رو منتقل می‌کنه و کلی چیزای بامزه هم داره تو زبانش، یعنی هم گفتاری، هم نوشتاری و حتی اگه از دور هم دیده باشید، شکل نوشتاری حرف‌هاشون بانمکه، خوشگله و امممم دیگه چی باعث این می‌شه؟! فکر کنم این که دوستم کره‌ای می‌نوشت بی‌تأثیر نبوده.

- کره‌ای می‌نوشت، یعنی کره‌ای بلد بود؟

خودش دو رگه ایرانی - کره‌ای بود، تو راهنمایی باهم بودیم، بعد یه جاهایی، مثلاً می‌خواست یه جمله محبت آمیز بهم بگه، تو کاغذای رنگی کره‌ای می‌نوشت یا تو دفتر خاطراتم کره‌ای برام نوشته بود و یه زمانی هم که چت می‌کردیم و می‌کنیم، هنوزم که کره‌ای می‌نویسه که آره قبل اون کره‌ای تایپ می‌کرد، من از گوگل ترنسلیت استفاده می‌کردم تا بفهمم چی می‌گه، ولی الان خودم می‌فهمم و می‌تونم جوابش رو بدم.

- گفتم دومین سالی هست که آرمی شدی درسته؟
بله.

- چه جور شد که با بی‌تی‌اس آشنا شدی و بهشون علاقه‌مند شدی؟ چون به نظرم آشنا شدن یه موضوعه و علاقه‌مند شدن بهشون یه موضوع دیگه که هرکدوم جای بحث داره.

دقیقاً، چون خیلی‌ها هستن که بی‌تی‌اس رو می‌شناسن، اما فنش نیستن، یا متأسفانه هیتز تشریف دارن، همون طور که گفتم اول فیلم و سریال کره‌ای زیاد می‌دیدم و یه درامایی رو شروع کردم به اسم هوارانگ که به فارسی شوالیه‌های زیبا هست، بعد گفتم دیگه اون زمانا دنبال دوبله بودم، یعنی نسخه‌های دوبله شده، به خاطر همین هم می‌رفتم از فیلیمو می‌دیدم، چه بچه‌ی خوبی بودم من:)))))



بعد اون زمان این طوری بودم که کامنت‌هایی که می‌داشتن رو هم می‌خوندم و یه موقع‌هایی هم خودم کامنت می‌ذاشتم و تو این بین یه جمله رو خیلی می‌دیدم و بله اون جمله این بود که «من این سریال رو فقط به خاطر تهیونگ می‌بینم»، بعد من سرچ زدم ببینم تهیونگ کیه از این طریق فهمیدم عضو گروه بی‌تی‌اسه، البته چون تو این سریال هم نقش اصلی نبود و به همین خاطر توجه من زیاد جلبش نشد، ولی هی داستان که جلو رفت، بیش‌تر باهاش آشنا شدم، هی کیوت بازی در می‌آورد و اکثر مومنت‌هایی هم که از این سریال بیرون می‌اومد، فقط مربوط به تهیونگ بود، البته قبل از همه‌ی این‌ها اسم بی‌تی‌اس به گوشم خورده بود و تا یه حدی می‌دونستم یه بوی بند کره‌ای هستن و... .



حتی می‌دونستم به طرفداراشون می‌گن آرمی و من یه زمانی از آرمی‌ها بدم می‌اومد و هیچ وقت فکرش رو نمی‌کردم که آرمی بشم خودم:) به هر حال این سریال بود باعث شد بهشون توجه کنم و بعد کم‌کم جذب شون بشم و این رو قشنگ یادمه، اما بعدش که چی شد با هر هفت نفرشون آشنا شدم رو یادم نمیداد (می‌خندد).

- عزیزم چرا از آرمی‌ها بدت می‌اومد، دلیلش رو می‌تونی بگی؟

چون که خیلی و خیلی و خیلی شنیده بودم که آرمی‌ها متعصب ان، بچه‌های چهارده، پونزده ساله ان و فلان و بیسار، بعد اینا اکثراً تو گپای زیادی اند و کلی فرندز (دوست) دارن و بعد من دیده بودم، وقتی یکی شون با اون یکی شون به مشکل می‌خوره یا اصلاً با یکی خارج از اون گروه، آیدی اون فرد رو می‌ذاره تو گروه بعد به دوستاش می‌گه برید مثلاً فحش بدید و بد و بیراه بگید و بلاک و ریپورت و بعد من پشمام ریخت و جرأت نمی‌کردم باهاشون صحبت کنم، نمی‌شد هیچی بهشون گفت و این طوری هم نبود که بگم می‌ترسما، نه، حوصله نداشتم یه سیل عجیبی از حرف‌های چرت و پرت ببینم.

- این مسأله برای خودت پیش اومده بود که یکی از آرمی‌ها آیدی تو رو بگذاره تو گروه؟

برای خودم نه، برای دوستم آره، یکی شون با دوست من رو دور لچ افتاده بود و بعد این کار رو کرد و من اینا رو از دوستم شنیده بودم و تا مدت‌ها ازشون خوشم نمی‌اومد تا این که خودم واردشون شدم و نظرم عوض شد.

- چه طوری نظرت درباره حمایت از گروه بی‌تی‌اس عوض شد؟

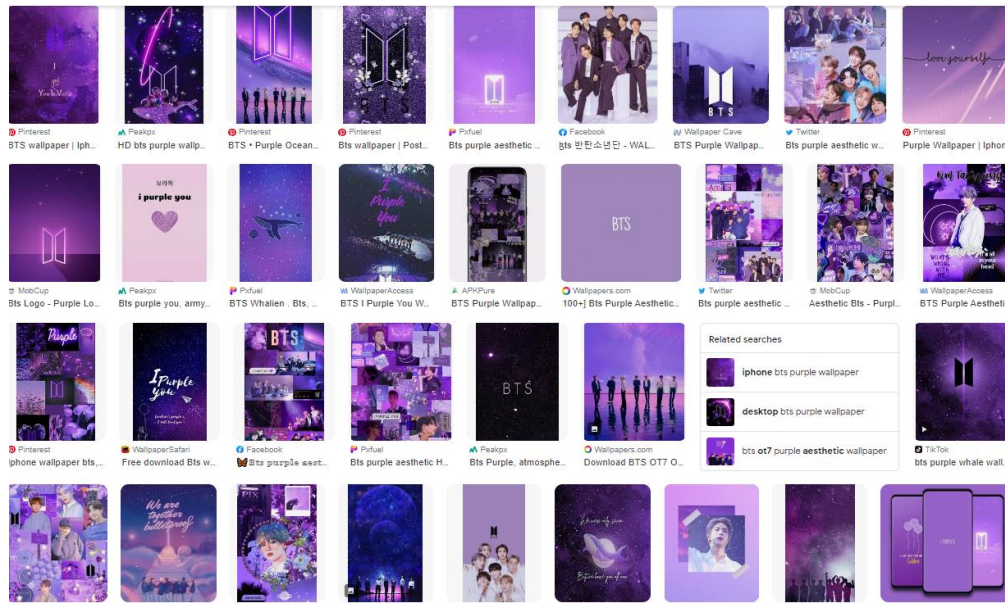
خب بین وقتی واردشون شدم و با چندتاشون صحبت کردم، دیدم چه قدر انرژی‌های خوب و بالایی دارن، چه قدر قشنگ صحبت می‌کنن و خونگرم هستن و می‌تونن این طوری از هر جای این جغرافیا، دوست داشته باشی، باهم صحبت کنید و احساسات رو در مورد اعضا پیش شون ابراز کنی و اونا قشنگ می‌فهمن و بعد مثلاً یه ویدیویی چیزی از اعضا پخش می‌شه و کلی هیجان زده می‌شی، می‌ری اونجا هیجانت رو خالی می‌کنی و واقعاً این طوری که اگر در هر زمینه‌ای کمک بخوای پشتت در میان و هر کمکی که بتونن برات انجام می‌دن، اوکی شاید از دور بخوای ما رو نگاه کنی متعصب و این طوری به نظر بیایم، ولی وقتی بیای از نزدیک باهامون آشنا بشی، خودت متوجه می‌شی این طور نیست و البته بگم، منکر این نیستیم که ما فنای تعصبی هم داریم، تعصب رو همه‌ی ما یه کوچولو داریم، ولی اون که به صورت افراطی در این زمینه هست، ما خودمون هم نسبت بهش احساس خوبی نداریم و سعی می‌کنیم راهمون رو ازش جدا کنیم. آدما باهم متفاوت اند، تو فنوم بی‌تی‌اس از نوجوان تا بزرگسال رو داریم با هر دین و مذهب و عقیده‌ای با هر ویژگی شخصیتی و این که شما بیای جمع بندی، تارگت بزنی، بزنی بگی فنای بی‌تی‌اس این طوری ان و اون طوری ان، اصلاً قشنگ نیست و حداقل چیزی که ما از بی‌تی‌اس یاد گرفتیم، اینه که به همه‌ی علایق و سلیقه‌ها، اقلیت‌ها احترام بذاریم، ولی خب خیلی جاها درک نمی‌شیم، به علاقه‌مون توهین می‌شه، مسخره‌مون می‌کنن، به هر حال این مسأله هست ولی باید بهتون بگم که اون قدر خوبی تو وجود اعضا هست که قابل لمس و همین برای من کافیه، کافیه برای این که این قدرت رو به ما بده که قوی بمونیم در برابر همه‌ی اینا.

- الان نسبت به این گروه احساس تعلق داری؟

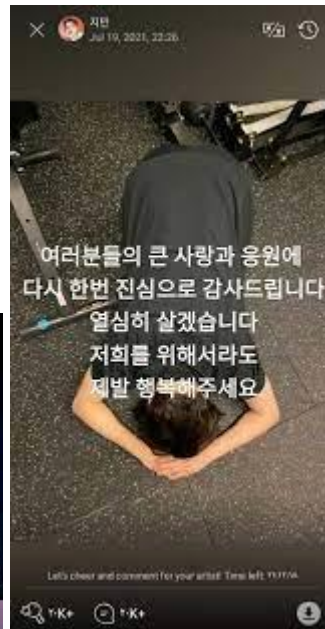
صد در صد، البته صد در صد که نه، ولی به میزان زیادی دارم.

- چه طور چنین احساسی توی تو شکل گرفته؟

بین مثلاً ما همدیگه رو مثل یه خانواده می‌بینیم که پشت همیم و از پسرانمون حمایت می‌کنیم و این خانواده بنفشه:) به گفته تهیونگ، بنفش آخرین رنگ رنگین کمونه و به معنی عشق و اعتماد از ته قلبت به یه نفر هست... از اون لحظه به بعد این خانواده رنگ بنفش رو به خودش گرفت و حتی می‌تونم بگم هر کدوم از آرمی‌ها، یکی از ستاره‌های آسمون تهیونگ هستیم.



- می‌تونم بگی منظورت از این که خوبی‌ای که تو بی‌تی‌اس هست و برای تو قابل لمس چیه؟
 کافیه تو به چشمای یه نفر نگاه کنی تا بفهمی چه قدر معصومه، چشما و لبخندا هیچ وقت دروغ نمی‌گن، اون‌ها فرشته‌های بی‌بالی هستن که خیلی‌ها رو به زندگی برگردوندن و همه جا به یاد طرفداراشون هستن و این که این قدر حرف‌شون رو صادقانه بیان می‌کنن که آدم با هر نژاد و دینی بهشون نزدیک می‌شن و باهاشون طرح دوستی می‌ریزن، اون قدر خوب که هفتاشونم هوای هم دیگه ور دارن و این خیلی قشنگه؛ آرمی آرمی گفتناشون قلب آدم رو ذوب می‌کنه از بس که صادقانه هست، تو بدترین روزا بهمون عشق دادن و دنیای ما آرمی‌ها از تصویر خنده‌هاشون خالی نمی‌شه.



- خوب می‌خواستی به یادت بیاری که دقیقاً چی شد که بهشون علاقه‌مند شدی؟

آها بعد از اون سریال من با همون دوستم در موردشون صحبت می‌کردم، اون کلی ازشون تعریف می‌کرد و عکس و فیلمشون رو می‌فرستاد و من خودمم از تو گوگل و اینستا در موردشون می‌خوندم و تا این که کامل شناختمشون، یعنی دیگه کاملاً می‌فهمیدم کی کیه و اسمشون و اینا رو یاد گرفته بودم. بعد دوستم برنامه ران بی‌تی‌اس (بی‌تی‌اس بدو) رو معرفی کرد و گفت می‌خوام معتادت کنم، از اون طرف، اون یکی دوستم می‌گفت خودت رو زیاد درگیرشون نکن، خوب نیست، اما خبر نداشت که درگیرشون شدم و رفت (می‌خندد). خلاصه ران رو شروع کردم ببینم و ران بزرگ‌ترین تأثیر رو تو شناخت و علاقه من به بی‌تی‌اس داشت.



- (باخنده) و معتادش شدی؟

آره (می‌خندد) فکر کنم ران رو که تقریباً ۱۵۰ قسمت به بالا هست، هم‌ااش رو دیدم.

- می‌تونی این برنامه رو بیش‌تر توضیح بدی؟

ران بی‌تی‌اس مسابقاتی هست که بین اعضاء انجام می‌شه، یه جورى براشون چالش بر انگیزه، ران تقریباً صد و پنجاه، شصت قسمته که کاملاً با دیدنش شخصیت تک تک اعضاء دست می‌یاد، این که چه مدلی صحبت می‌کنن، چه مدلی رفتار می‌کنن، صدشون رو بدون هیچ افکت و اینا می‌شنوی، کاملاً خودشون ان، حتی ببین من اوایل از بعضی از اعضاء خوشم نمی‌اومد، ولی بعداً که شناختمشون، فهمیدم چه قدر دوست داشتی هستند. مثلاً بذار بگم دیگه، شرمنده می‌شم این حرف رو بزنم، ولی خب مثلاً جیهوپ خیلی جیغ جیغ می‌کرد و من اصلاً دوسش نداشتم، یعنی این رفتارش رو بعد که جلوتر رفت، فهمیدم جیهوپ چه فرشته‌ای هست و جیغ جیغاش رو دوست داشتم و حتی به جایی یونگی می‌گه که لطفاً جیهوپ رو بیارید پیش من، اگه الان جیهوپ اینجا نباشه، افسرده می‌شم، واقعاً جیهوپ هم برای اعضاء و هم برای آرمی‌ها، منبع امید و انگیزه و انرژی فارغ از این که یه دنسرفوق‌العاده هست یا در مورد یونگی که تا قبل از اون فکر می‌کردم یه شخصیت سردی داره، اما بعداً دیدم که چه قدر هوای هیونگ‌هاش رو داره و چه قدر مهربونه و کیوته، من این رو به دوستام هم گفتم و اینجا هم می‌گم، اگر می‌خواستم آیدول‌هام رو بر اساس قیافه و ظاهر انتخاب کنم، الان تو کره کلی بوی بندهای خوش‌تیپ‌تر، خوش‌قیافه‌تر و جوون‌تر هستن، ولی اون چیزی که من رو به بی‌تی‌اس جذب کرد، شخصیتشون بود. من تک به تک شخصیت‌هاشون رو دیدم و این رو یاد گرفتم، تو هر اکیپی، دوستایی هستند با شخصیت‌های متفاوت و این مهمه که ما این رو بپذیریم و همدیگه رو با وجود همه‌ی تفاوت‌هامون دوست داشته باشیم و درک کنیم و پشت هم باشیم. البته این دسوپ رو هم همگام باهاش می‌دیدم و اصلاً قبل از هر چیزی، برنامه‌هاشون رو نگاه کردم، یعنی اول شناختمشون، بعد موسیقیشون رو دنبال کردم، چون معتقدم باید موسیقی خوب رو گوش کرد.

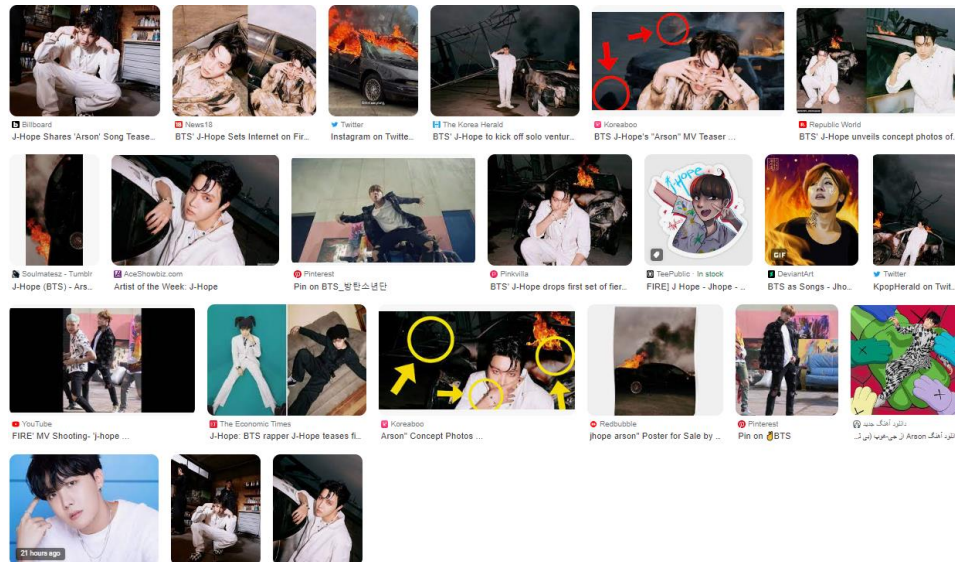


- موارد مؤثر در یک موسیقی خوب از نظر تو چیه؟

ملودیش خوب، زیبا و آرام بخش باشه و البته نوازنده‌های حرفه‌ای و خفن پشتش باشن، مثل کارای رستاک حلاج عزیز و در مورد آهنگای بی‌تی‌اس، من خیلی از وقتا، متن آهنگ رو یادم نیست، ولی ملودی و ریتمش تو ذهنم تکرار می‌شه و دنس هاشون رو تکرار می‌کنم، هارمونی بین ملودی و ترانه رعایت شه، بارها دیدم، یه آهنگ غمگین ریتم شادی داره و خب این اصلاً قشنگ نیست و هیچ جوهره نمی‌فهممش، بیش‌تر از این با موسیقی آشنا نیستم، ولی خب خیلی از آهنگا باعث می‌شن من سر درد بگیرم و اینم برام مهمه، آهنگی که گوشش می‌کنم، اذیتم نکنه که آهنگای بی‌تی‌اس این طوری نیست و حتی بچه‌هایی که اوتیسم هم داشتن، با گوش کردن به آهنگ‌های بی‌تی‌اس آرام شدن، در کل خب به هر حال تکنیک‌های خوانندگی که من ازشون خبر ندارم، به همراه صدای دلنشین خواننده هم تو زیبایی کار، هم تو حرفه‌ای بودنش اثر گذاره.



البته باید بگم اعضای بی‌تی‌اس انقدر خفن و حرفه‌ای هستن که جیهوپ برای موزیک ویدیوهاش حاضر نشد از پرده سبز استفاده کنه و گفت واقعاً اون ۱۳ تا ماشین رو آتیش بزنی تا همه چی واقعی به نظر برسه و به قول خودش از یه سری چیزای می‌ترسه، اما از چیزایی که بقیه می‌ترسن ازش ترسی نداره (می‌خندد).



- چه طور متوجه شدی که اعضای گروه بی‌تی‌اس نقش بازی نمی‌کنند و کاملاً خودشون هستن؟
فکر می‌کنم، اگر قراره خودشون نباشن و صحنه‌سازی باشه، قطعاً میان فقط صحنه‌های پرفکت و بی‌نقص و جنتلمانه ازشون می‌سازن که به وفور در مورد آرتیست‌های گوناگون می‌بینی، ولی در مورد بی‌تی‌اس عیب و نقص‌هاشون رو نمی‌پوشونن، مثل وقتی می‌خوانن و دهن‌شون تا ناکجا آباد بازه یا خمیازه کشیدن جلوی دوربین یا صورت‌های پف کرده و موهای ژولیده وقتی از خواب پا می‌شن و نه میکاپی یا نامجویی که خرابکاری می‌کنه، اگر قراره ستاره‌های بی‌نقص رو نشون بدن، این صحنه‌ها رو سانسور می‌کنن.
من ران بی‌تی‌اس رو دیدم، تک‌تک‌شون رو شناختم و تو همه‌ی این قسمت‌ها اعضا شخصیت واحدی داشتن و این کاملاً واضحه که اگر دارن نقشی بازی می‌کنن، یه تضادهای رفتاری رو باید توشون ببینی نه؟ نباید به شخصیت و رفتارهای منسجم داشته باشن، نه؟ ولی رفتارها و حرفاشون منسجمه پس نقش بازی نمی‌کنن و چشم‌هاشون این رو به خوبی نشون می‌ده:).
البته، البته یه زمانی بود که رابطه من و بهترین دوستم تو روزای خوبش نبود و برهه‌ی خوبی از دوستی خودمون نبود، کم‌تر از قبل باهم حرف می‌زدیم و داشتیم کم‌کم از هم دور می‌شدیم. من یه روز داشتم تو اینستا می‌چرخیدم که یه ویدیو دیدم تو اینستاگرام که صدای جونگ‌کوک روش بود و این رو بعداً متوجه شدم، نه همون موقع، تو همین ویدیو یه تیکه از یه آهنگی رو یه فردی که از قضا جونگ‌کوک بود، می‌خوند و یه ترجمه ازش زیرش نوشته می‌شد، من توجهم به متنش جلب شد، می‌گفت که ما دیگه باهمدیگه مثل قبل صحبت نمی‌کنیم، حداقل نه مثل قبل (شروع به انگلیسی خوندن آهنگ می‌کند):

we don't talk anymore
we don't talk anymore
we don't talk anymore
we don't talk anymore like we used to do.

و این جملاتی که می‌گفت خیلی شبیه احساسی بود که من اون زمان داشتم و حرفایی که من نمی‌تونستم به دوستم بزنم تو این آهنگ بود، پس رفتم تو گوگل زدم تا آهنگ کاملش رو پیدا کنم و بفرستم براش و این کار رو کردم و حالا این بخش زیاد مهم نیست، ولی با همون آهنگ دوستم متوجه من شد و دوباره دوستی من به روال قبلی برگشت.

به هرحال این رو می‌خواستم بگم که زدم اینترنت که ببینم چه آهنگیه و کاملش رو ببینم، آهنگ رو سلنا و یکی دیگه آورد و صدای این با اون صدایی که تو اینستا شنیده بودم، متفاوت بود و خب سلنا برام معروف‌تر بود و همین باعث شد که فکر کنم اون فردی که صدایش رو تو اینستا شنیدم، یکی از همین نوجوانای تازه خواننده شده‌ای هست که میاد آهنگ خواننده‌های تاپ رو کاور می‌کنه و می‌خونه، ولی بعداً فهمیدم جونگ‌کوک و خودش تاپه (می‌خندد) و از همون موقع دلم برای صدای بهشتی این بشر رفته بود، خودم خبر نداشتم.

- تو کنسرت‌هاشون یا موزیک ویدیوهاشون بیش‌تر تو نگاه اول توجه تو جلب چه چیزی می‌شه؟ موسیقی و خوانندگی‌شون یا عمل بازیگری اعضا یا رقص‌هاشون و تیپ و استایل‌هاشون و نورپردازی‌ها و دکور و صحنه؟

امممم... اول از همه خودشون این که چی پوشیدن، استایل موهاشون این سری چیه، ترکیب رنگی صحنه و لباس‌ها خیلی به چشم میاد بعد صدایشون رو هم که می‌شنوم و خب قطعاً فن سرویس‌ها هم اتمک آخر رو می‌زنه؛

و اینم بگم من خودم مثلاً این که فقط آهنگ‌شون رو گوش کنم رو دوست ندارم و کم پیش میاد فقط آهنگ‌شون رو گوش کنم، مگر زمانی که مثلاً در حال راه رفتن باشم خب، بیش‌تر دوست دارم خودشون رو ببینم، یعنی موزیک ویدیوهاشون یا اجراشون، موزیک ویدیو ترکیبی از همه‌ی اینا که شما گفتی و من ترکیبی از همه‌ی اینا رو می‌پسندم، حتی مثلاً موزیک ویدیوها ترجمه فارسیش هم اون زیر هست و این طوری می‌تونم هم فیس خوشگل‌شون رو ببینم، هم لبخنداشون هم متن معنی آهنگ‌شون رو و هم صدایشون رو بشنوم.

- بیش‌تر چه سبک محتواهای بی‌تی‌اس رو دوست داری؟

من خودم بیش‌تر اون لیریک‌هایی رو دوست دارم که در مورد دوستی و رفاقت بین‌شونه، چون عمیقاً حسش می‌کنم و تیکه‌هاش رو برای رفیق‌ها می‌فرستم و یا باهم دیگه گوش‌شون می‌کنیم و همچنین لیریک‌هایی مثل آهنگ ران بی‌تی‌اس و تلاش‌هایی که اعضا کردن و چیزها و موفقیت‌هایی که تا الان به دست آوردن و جیهوپ به تک تک اعضا یادآوری می‌کنه رو خیلی دوست دارم، برام الهام‌بخشه و تشویق می‌کنه به تلاش کردن، چون کلاً ران تو این موزیک‌شون معنی تلاش کردن رو می‌ده البته من خودم بعضی از آهنگ‌هاشون رو فقط به خاطر انرژی زیادی که داره گوش می‌دم و ممکنه متنش رو دوست نداشته باشم، مثلاً آهنگ فایر که تو کل اون ۴ دقیقه آهنگ چیز خاصی نمی‌گه و فقط می‌گه آتیشش بزن، آتیشش بزن و اصلاً حس خوبی هم نسبت به این ندارم و فکر می‌کنم باعث ترویج خشونت می‌شه.

- خودت متن کره‌ای و انگلیسی آهنگ‌هاشون رو متوجه می‌شی یا از ترجمه‌شون استفاده می‌کنی؟

انگلیسی‌شون رو تا حد زیادی بله، کره‌ای رو بگی نگی خودم به زمانی خودخوان دنبال کردم و بلام تاحدی، ولی نه زیاد و حتی اون قدر گوش کردم که ترجمه‌ی فارسی‌شون رو می‌دونم، حتی ممکنه وقتی دارم به آهنگ‌شون رو گوش می‌دم، یکی، دو جمله رو نفهم چی گفت، مخصوصاً رپ کردن شوگا که اون قدر تند می‌خونه رو نمی‌فهمم کره‌ای چی گفت، ولی مفهومش رو به فارسی یادمه که چی می‌خواست بگه. البته اینم بگم از اون جایی که تلفظ و لهجه‌ی انگلیسی اون‌ها با لهجه ما خیلی فرق می‌کنه، به جاهایی این مسأله کار رو سخت می‌کنه.

- علاقه‌ای که کی‌دراما یا کی‌پاپ در تو ایجاد کرد، باعث شد که بری و زبان کره‌ای رو یاد بگیری؟

آره. من چند سال بود فیلم و سریال کره‌ای می‌دیدم، بدون این که برم دنبال یادگیری زبان‌شون، چون پشتم به ترجمه و زیرنویس یا دوبله‌شون گرم بود، ولی وقتی با کی‌پاپ آشنا شدم، دیدم به جاهایی ترجمه‌ی ویدیوها دیر میاد یا اصلاً ممکنه ترجمه نشه، چون فنا باید این کار رو انجام بدن، ممکنه نکنن یا به سختی پیدا کنن به خاطر همین خواستم یاد بگیرم که خودم بفهمم چی می‌گن و این که

یه سری چیزا بود که اوایل گول‌شون رو می‌خورم، بعداً متوجه شدم حرفی که اون شخص زده، اصلاً این نبوده و زیر نویسه‌الکی بوده و دروغ و فیکه، همین باعث شد که بخوام خودم بفهمم و رفتم یاد گرفتم، البته این که می‌دیدم دوستان چندتا زبان بلدن، همین من رو ترغیب می‌کرد به یادگیری کره‌ای دوستای کی‌پاپرم چون تا قبل از اون هی به خودم می‌گفتم که خب که چی کره‌ای یاد بگیریم چی بشه کجا به دردم می‌خوره و... .

- یعنی یکی از دلایلی که خواستی کره‌ای یاد بگیری، این بوده از منابع فیک در این زمینه کاربری نکنی و فرق فیک و واقعی رو بفهمی درسته؟

بله درسته.

- آیا تا به حال از این طریق با مردم کره‌ای جنوبی صحبت کرده یا دوست شده‌ای؟
با فنای کره‌ای آره.

- می‌تونی با مثال توضیح بدی؟

بله، حتماً چیز خاصی هم نبود، حالا فقط در حد این که تو اینستا من به استوری‌هایی که فنا می‌داشتن، ری‌اکشن می‌دادم و اونا هم جواب می‌دادن همین در حدی که مثلاً همدیگه رو می‌شناختیم اون می‌دونست من یه فن گرل ایرانی‌ام و منم می‌دونستم اونم یه فن بویه و یه مسأله‌ای که هست، فن بوی ایرانی بی‌تی‌اس خیلی خیلی کم پیدا می‌کنی، ولی توی خارجی‌ها زیاده.



- خوب به نظرت چرا این طوریه و پسرای ایرانی کم‌تر فن این گروه هستند؟

نمی‌دونم واقعاً، یه ویدیو در این باره دیده بودم، اما کامل به یاد نمی‌ارم، ولی مفهوم کلیش این بود که اون معیارهایی از مردونگی که تو کشور ما جا افتاده رو خب این پسرای کره‌ای ندارن، پسرای کره‌ای کیوت‌ترین و پسرای ایرانی دنبال این هستن که خفن‌تر باشن.

- صمیمیت ایجاد شده بین فن‌دوم ایرانی و غیر ایرانی به چه صورته؟



صمیمیت بیش‌تر بین خود فنای ایرانیه، هنوزم خیلیا از فنای اینتر خوش‌شون نمیداد، ولی با من که خیلی مهربون بودن و من خیلی دوس‌شون دارم.

- چرا خوش‌شون نمیداد؟

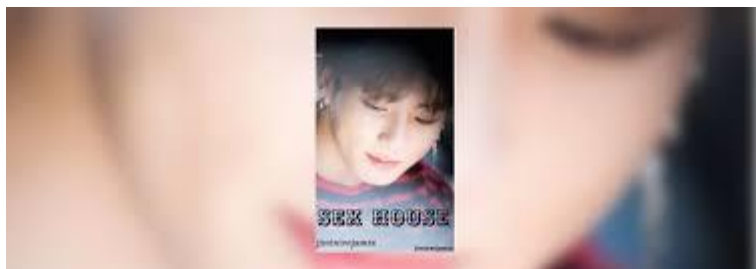
دلایل مختلفی داره، مثلاً می‌گن نسبت به ما کم تلاش‌ترین یا نژادپرستن و... .

- شده اختلاف و درگیری بین شما هم پیش بیاد؟

خیلی خیلی کم، آرمی‌ها خیلی متحدان و تا کسی کار اشتباهی انجام نده، کاری به کارش ندارن.

- چه کاری رو اشتباه تلقی می‌کنی؟

سولو استن بودن، در صورتی که هیت بدن به بقیه اعضای گروه، اوتی سیکس بودن، شیپر توهمی، اسمات نویس، فیک آرمی، متجاوز به حریم خصوصی اعضا، کی آرمی‌هایی که کارهایی که از دست اونا فقط برمیداد رو انجام نمی‌دن و... .



- حالا ازت می‌خوام این ویدیو رو ببینی.

... اوکیه... خوب من قبلاً این ویدیو رو دیدم و باید بگم واقعاً همین‌طور بود.

- خوب می‌تونم در این باره بیش‌تر توضیح بدی؟

یه زمانی که اصلاً حال دلم خوب نبود و وقتی با بی‌تی‌اس آشنا شدم، همه چی عوض شد، اون آدمی که خودش رو دوست نداشت، با حرفای نامی به خودش اومد و قدر خودش رو می‌دونه، اون آدمی که بی‌انرژی بود و اغلب اوقات خسته بود، با دیدن انرژی هوپی، پرانرژی شد. اون آدمی که زندگی‌اش تکراری و یک‌نواخت بود، با دیدن چالش‌پذیری و ریسک‌پذیری بنگتن بویز، دلش می‌خواست چیزای جدید رو امتحان کنه و دنبال علاقه‌اش بره، حتی اگه توش شکست بخوره و ریسک‌پذیرتر شد، من حال دلم باهاشون خوبه، با دیدن‌شون می‌خندم، این که قلبت خالی باشه، این اصلاً قشنگ نیست، قلب جای اینه که یک‌سری افراد رو دوست داشته باشی و دوست داشتن بقیه، می‌تونه الهام‌بخش باشه، بهت امید بده، شادت کنه، غمگینت کنه و این قشنگه و یه چیز بود که من به دوستم گفته بودم که دارم افسوس می‌خورم، چرا دیر با بی‌تی‌اس آشنا شدم و اون یه ویدیویی رو فرستاد که فکر می‌کنم در مورد اکثر آرمی‌ها صادق، حداقلش اینه که در مورد من رو دوستم صادق.

من تا قبل از این که با بی‌تی‌اس آشنا بشم، احساس می‌کردم متعلق به این زمان و مکان نیستم، احساس می‌کردم من متعلق به دورانی هستم که ونگوگ گوشه‌ی اتاقش مشغول کشیدن نقاشی‌هایش بود، متعلق به دورانی هستم که شرلوک هلمز و دکتر واتسون سراسیمه میان خیابان‌های انگلستان به دنبال مجرمین و گناهکاران می‌گشتند، قرن هفدهم قبل از این زندگی ماشینی؛) اما وقتی بی‌تی‌اس رو

شناختم، اونا دلیلی شدن که از این که توی این قرن متولد شدم، خوشحال باشم از این که تو قرنی هستم که اونا هستن که می‌تونم ببینمشون از پشت همین صفحه‌ی گوشی یا حتی رفتن به کنسرتشون، اونا به زندگی من رنگ پاشیدن و باعث شدن معنایی که خیلی وقت بود تو زندگیم رنگ باخته بود رو پیدا کنم.

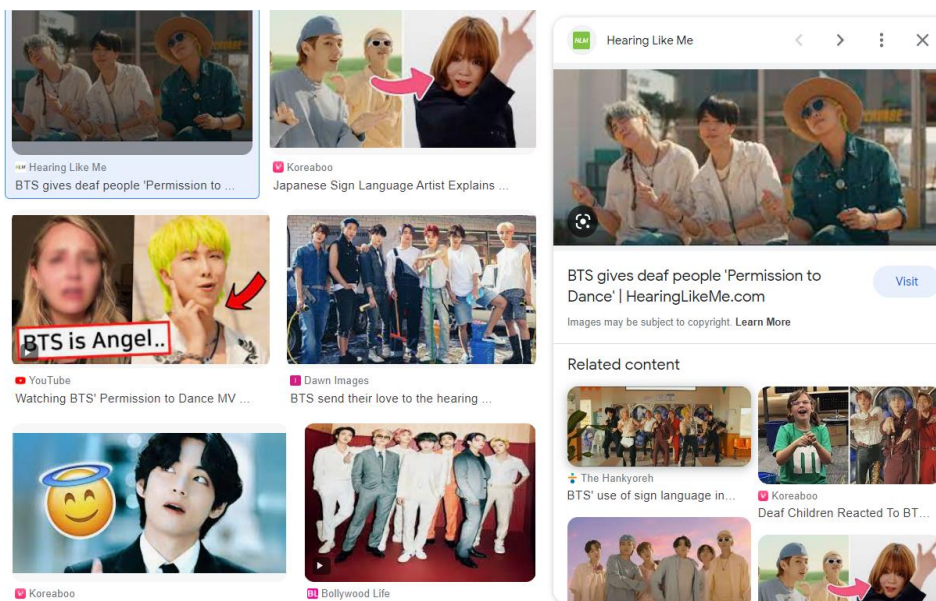
- حالا می‌تونی بهم بگی با شنیدن چه حرف‌هایی ازشون به دوست داشتن خودت رسیدی؟
چیزی که یادمه اینه که نامی خطاب به آرمی‌ها می‌گفت، همون طور که من از شما استفاده می‌کنم تا خودم رو دوست داشته باشم، لطفاً لطفاً شما هم از ما استفاده کنید تا خودتون رو دوست داشته باشید و بارها و بارها بی‌تی‌اس علاقه‌شون رو به آرمی‌هاشون نشون دادن، یعنی به شیوه‌های مختلف هوای آرمی‌هاشون رو داشتن، همه‌ی آرمی‌هاشون رو و همه‌ی اینا باعث می‌شد، من به خودم افتخار کنم که طرفدار کسی هستم که این قدر برای کارش ارزش قایله، این قدر به هواداراش احترام می‌ذاره، در حدی که بعد از هر جایزه‌ای می‌گیرن از آرمی‌هاشون تشکر می‌کنند که طرفدار کسی هستم که من رو دوست داره و من با عشق و محبتی که از اونا دریافت می‌کنم، می‌تونم به خودم و اطرافیانم متقابلاً عشق بورزم و مهربونی کنم.



یه جمله از تهیونگ هم خیلی تو ذهنم تکرار می‌شه و مداوم به یادش میارم و قلبم اکیلی می‌شه، اینه که می‌گفت آرمی شما درخشان‌ترین ستاره‌های آسمون من هستید و عمیقاً احساس می‌کنم یک از اون ستاره‌ها من هستم و بازم می‌گم متقابلاً ما اونا رو ستاره‌های خودمون می‌بینیم که روشنی بخش‌مون هستند، همان طور که اونا ما رو.

- گفתי هوای آرمی‌هاشون رو دارن، این مسأله به چه صورته؟

این طوریه که همیشه به یاد آرمی‌هاشون هستن، هر زمان، تو هر کنسرتی، مراسمی، برنامه‌ای، چیزی اسم‌مون رو می‌برن و علاقه خودشون رو ابراز می‌کنن، بعد تو وی‌ورس خیلی دوستانه پست می‌ذارن و سلفی می‌ذارن و لایو میان و کامنتای فن آرمی‌ها رو هم حتی جواب می‌دن. در همین حین تهیونگی رو داریم که از زبان اشاره برای ابراز علاقه‌اش به آرمی‌های ناشنوا استفاده می‌کنه و جیهویی که حتی هوای آرمی‌های مسلمون و ایرانی رو داره، اون قدر صمیمی و نزدیک هستن که به خاطر آرمی‌هایی که امتحان کالج داشتن، ویدیو گرفتن و باهاشون صحبت کردن و سعی کردن از اضطرابشون کم کنن و دلگرمشون کنن یا شوگایی که می‌گه بیاید با همدیگه بزرگ شیم کنار هم پا به پای هم شونه به شونه هم.



Twitter
BTS ARMY Medical Union 7 o...



VICE
Interpreting BTS So...



- اعضای گروه در چه زمینه‌هایی الهام بخش بودند؟
- تک تک جمله‌هاشون که الهام بخش بود با توجه به این که تو چه حال روحی‌ای بودم، متفاوت و یادم نمیداد، اما باعث شدن اون برهه رو پشت سر بذارم و بتونم خودم و ذهنم رو جمع و جور کنم.
- در این زمینه برات از یه چندتا جمله‌های الهام بخش شون برات ویدیو می‌فرستم، من یه پوشه تو نوت گوشیم دارم، اسمش الهام بخشه، توش هر جمله‌ای توی هر زمانی برام الهام بخش بوده نوشتم و بخش زیادیش مربوط به بی‌تی‌اسه البته.
- گفتم دنبال کردن فعالیت‌های پسران در موسیقی و ویدیوهاشون باعث افزایش خلاقیت می‌شه؟
- بله، خیلی زیاد.
- چه طور؟

چون خودشون سرشار از خلاقیت اند، جونگ کوکی که تو این د سوپ یه دفعه و بداهه شروع می کنه به رنگ پاشیدن روی بوم و همون منظره‌ای که روبه روشه رو با نهایت زیبایی می کشه، یا وقتی اعضاء کنار هم بودن و تو یه عصری که حال و هواش رو به خوبی حس می کنم، شروع می کنن به بداهه سرودن و خوندن و یونگی که از شدت هیجانش تصمیم می گیره این صحنه رو ضبط کنه تا یادگاری بمونه و به نظرش خیلی خفن میاد و شروع می کنه به ساخت همون آهنگ بداهه و این طوری آهنگ تیتراژ این د سوپ رو خلق کردن. آهنگی که سراسر احساسه و صفر تا صدش پای خودشونه و امضای خودشون پای کار خورده یا تهیونگی که با وجود این که شاید سبک نقاشیش با کوکی فرق داره، اما شروع می کنه به نقاشی کشیدن تو سبکی که خودش دوست داره، ساده و مینیمال و بامزه و این هنریش می کنه و نامجون هم همین طور و تهیونگ کلاً این طوریه که خیلی چیزا رو طبق اون رسمی که هست، انجام نمی ده و به شیوه‌ی خودش برمی گردونه، مثلاً یه بازی ای بود یه شیوه‌ی خاصی انجام می شد، از شوگا شروع کردن همه طبق همون شیوه بازی می کردن تا رسید به تهیونگ و اون اصلاً همه چی رو عوض کرد و با یه شیوه جدید انجامش داد، این مسأله این رو به من یاد داد که همیشه نباید طبق اون چیزی که هست پیش بری، نترس و خلاف رودخانه راه خودت رو برو و به شیوه‌ی خودت عمل کن.

بعد در مورد این که این خلاقیت چه طور خودش رو نشون می ده، تو زمینه نقاشی هام می شه قشنگ دیدش یا زمانی که می خوام یکی روو سوپرایز کنم و کادو براش انتخاب کنم و این که چه طور این کار رو انجام بدم، یه جاهایی از کادوهایی که پسرا به همدیگه می دن و همدیگه رو صدا می کنن تا باهمدیگه وقت بگذرونن و حرفایی که بهم دیگه می زنن، استفاده می کنم.

- چه چیزی بیش تر از بقیه این هفتا پسر رو بی تی اس کرده؟ حس شون، موسیقی شون، لیریک هاشون، دنس و پرفورمنس شون، صداشون

و....

نمی شه هیچ کدوم رو از هم جدا دونست، بی تی اس برای من معنی کامل احساسه و این احساس رو تو صداشون می بینم، علم دارن به موسیقی شون، هر ترانه‌ای از شون یه استوری لاین فلسفی روان شناسی پشتشه، پس ترانه هاشون هم قشنگه. بیش تر از هر چیزی ارتباطی که با مخاطب شون، آرمی هاشون برقرار می کنن، برام ستودنیه؛

- بی تی اس با بقیه آرتیست ها چه تفاوتی داره که به این حد از محبوبیت رسیده؟

ساده هست، بی تی اس حرفه‌ایه، از اجرای گرمی ۲۰۲۲ تا آخرین دنس پرکتیسی که توی چنل بنگتن تی وی منتشر شده و مربوط به کریوگرافی مور از جیهوپ هست، هیچ نقص و خطایی ندارند. کافیه یک بار به یکی از اجراهای بی تی اس رو نگاه کنی، تفاوت سطح کاراشون با کار خیلی از آرتیست ها، موج مکزیکی می زنه، اجراهای آیدول و فیک لاو که دنس بریک دارن، بهترینان به نظر من.





اونا شجاعانه و صادقانه می‌نویسن و می‌خونن و اجرا می‌کنن، به قول نامی اون آهنگاش رو برای این که غوغا کنه نمی‌نویسه، بلکه همین که آهنگاش تو قلب ما شکوفه بزنه و مدتها عطر همیشگی خودشون رو حفظ کنن، کافیه.

- یعنی به نوعی ترکیبی از دنس و موسیقی و جذابیت‌های اجرا و حرفه ای بودن؟

بله درسته من خودم آهنگ‌هایی که تماماً رپه یا تماماً پایه، زود خسته‌ام می‌کنن، ولی خب آهنگای کی‌پاپ ترکیبی از رپ و وکال و دنس هست و همینش برام جذابه و باعث می‌شه خسته نشم، چون تلفیقیه از هر دوتاش.

- این که می‌گی هیچ نقص و خطایی ندارند این سوال رو برام ایجاد می‌کنه که چه قدر دیدت نسبت بهشون آرمان‌گرایانه هست؟ احساس می‌کنم، طوری منظورم رو رسوندم که انگار حتی اگه اشتباهی انجام بدن هم من قادر به پذیرفتنش نیستم. نه، این طور نیست، تو همون اجرای گرمی جیهوپ سر خورد و نزدیک بود زمین بخوره، اما خیلی ماهرانه جمعش کرد، در کل منظورم مهارت فن و اجراست. - خوب دید آرمان‌گرایانه نسبت بهشون نداری؟

نه این خیلی مسخره هست همه ممکنه اشتباه کنن، اونا هم انسان ان، ربات نیستن که... ممکنه بعضی جاها ازشون خطا سر بزنه.

- و چه چیزی باعث شده به این حد از شهرت برسه؟

تلاش، بی‌تی‌اس تو یه کمپانی ورشکسته دیبو کرد.

- این تلاش‌ها چه چیزهایی هستن، می‌تونی با مثال برام مطرح کنی؟

بی‌تی‌اس بی‌توجه به تهمتای سرقت ادبی و هیت‌ها و القاب مسخره‌ای که می‌گرفتن، مثل لقب خوک که به جیمین داده شده بود... فیس شیم و هیتایی که به خاطر ظاهرشون گرفتن که سخت‌ترینش برای نامجون و جیهوپ بود... تولید محتوای خوب کردن و جلو اومدن و همین بود که باعث پیشرفت‌شون شد.

- گفتی ۲ ساله که طرفدارشون شدی، تو این مدت تمام برنامه‌هاشون رو دیدی؟

آره تقریباً، حتی بعضیاش رو چند بار دیدم (می‌خندد)، ولی خب از اون جایی که دیر آرمی شدم، یه سری چیزا رو از دست دادم و در مقابل خیلی از آرمی‌های قدیمی هیچم.

- یعنی بعد از تموم شدن شون و یکبار دیدن شون دوباره برمی‌گشتی و از اول می‌دیدي؟

آره، مثلاً یه قسمت‌هایی از ران که خیلی نمک بود رو بارها و بارها دیدم.

- خوب بعد از این که ویدیوها و برنامه‌ی بی‌تی‌اس رو دیدی و تموم کردی، سراغ دیدن برنامه‌ی گروه‌های دیگه‌ای از کی‌پاپ نرفتی؟ نه، ولی خب ببین راستش رو بخوام بگم اون زمان که ران رو می‌دیدم، هی استرس تموم شدنش رو داشتم و به خودم می‌گفتم، خیلی خوب، اگر همه‌اش رو هم دیدی و تموم شد و دیگه چیزی برای دیدن نداشتی، نهایت می‌ریم سراغ یه گروه دیگه، ولی حتی با تموم شدنش سراغ یه گروه دیگه نرفتم، چون نمی‌تونستم به جز بی‌تی‌اس با گروه‌های دیگه ارتباط بگیرم، من احساس نزدیکی زیادی به بی‌تی‌اس داشتم.

- هیچ‌وقت ازشون خسته نشدی که بخوای به تایمی ازشون دور بمونی و دوباره برگردی؟

آنیوووو (محکم و قاطع همراه با یک تعصب خاص می‌گوید که به کره‌ای یعنی نه).

- چرا نشد؟

خب همیشه باهام بود و خسته نشدم از شون، مگه می‌شه آدم از چیزی که دوست داره خسته بشه، شاید یه زمانی که وقت پرت‌تر بود، درگیر درس و کلاس و... بودم و کم‌تر اخبارشون رو می‌رسیدم که دنبال کنم، ولی این به سبب خستگی از بی‌تی‌اس نبود، کار داشتیم سرم شلوغ بود، کم‌تر فرصت می‌کردم اصلاً از موبایلم استفاده کنم.

- از بی‌تی‌اس چه چیزهایی یاد می‌گیری؟

اونا زندگی کردن و ادامه دادن رو بهم یاد دادن، حتی وقتی احساس خلاء و ناامیدی می‌کردم، باز ادامه دادن همان طور که نامی می‌گفت، اگر می‌خواستین کاری رو انجام بدید، ولی سخت‌تون بود یا انگیزه‌ی انجام دادنش رو نداشتید، به خاطر من انجامش بدید، اونا به ما درسایی دادن که تو کتاب‌هامون و خانواده ردی ازش رو نمی‌بینیم، امید به روزای بهتر رو به رگ‌هامون تزریق می‌کنن، پس امیدوار می‌شیم به آینده‌ای که شاید حتی از نظر خودمون و اطرافیان مون دور از واقعیت باشن، مثل یونگی که می‌گفت به یه جایگاهی رسیدم که خانواده‌ام هم فکرش رو نمی‌کردن، عمیقاً درکش می‌کنم و عمیقاً از سوی اونا ما درک می‌شیم، منی که از رؤیاهام به خانواده‌ام می‌گم و غیرواقعی و دور از تحقق می‌بیننش، روزی بهشون نشون خواهم داد، تلاش کردن شون رو دیدم و شیفته تلاش کردن شدم، برای رسیدن به رؤیاهام، بهم نشون دادن می‌شه از سؤال نباشی، ولی رشد کنی، می‌شه محدودیت‌ها رو بشکنی و بالا بری، می‌شه حتی اگه معیارهای زیبایی که حاکمه بر دنیا رو نداشته باشی با یه چهره‌ی شرقی پسند هم موفق بشی، این برام دلگرم کننده هس، خجالتی بودن و ترسو بودن رو صفت‌های از این قبیل، هیچ کدوم باعث برتری نمی‌شن، من خجالتی بودم همیشه، ولی انکارش می‌کردم، بقیه بهم می‌گفتن خیلی خجالتی هستی، نمی‌خواستم بپذیرمش، چون خجالتی بودن رو بد و منفی می‌دونستم، ولی بعدش که تهیونگ گفت: «آیم سو شای» (من خیلی خجالتی‌ام)، منم پذیرفتمش یا مثلاً وقتی تهیونگ می‌گفت، خودم رو دوست ندارم و احساس می‌کنم زیبا نیستم، واس همین یه مدت طولانی سلفی نمی‌انداخت، من یادمه یه بار تو یه جمع سه‌تایی بودیم، یکی از دوستانم گفت که بدترین دوره‌ی زندگی‌م زمانی بود که خودم رو دوست نداشتم، بعد یکی از بچه‌ها برگشت گفت، مگه می‌شه، اصلاً چه قدر آدم‌های ضعیفی هستید، همون بهتر که بمیرید، خب منم همچین احساسی رو تو یه دوره از زندگی‌م تجربه کردم، اما نتونستم دیگه حرفی بزوم و ریختم تو خودم، فقط گفتم فکر کنم همه یه همچین دوره‌ای رو تو زندگی‌تون تجربه می‌کنن که دوباره برگشت، گفت نه، من اصلاً این طوری نبودم، همیشه خودم رو دوست داشتم، اصلاً از این حرفش احساس خوبی نگرفتم، ولی یکی مثل اونا رو می‌بینم که چه قدر شبیه ما ان و احساسات مون یکیه، خوشحال می‌شم.

- احساس می‌کردی شبیه هم هستید و از سوی همدیگه درک و فهمیده می‌شید؟

دقیقاً توی برنامه ۷۷ سوال یه سوال از تک تک اعضا پرسیده شد، سوال این بود که تو زندگی با ارزش‌ترین احساس تون چیه؟ من ویدیو رو مکث زدم و خودم به این سوال پاسخ دادم و پاسخی که من دادم، دقیقاً عین پاسخی بود که تهیونگ داد، فقط شاید یه کمی کلمه‌هاش و زبانش متفاوت بود و یک‌سری جملات و حرفایی که می‌زدن آرامش بخشم بوده و هست.

- هنوز اون هیجان و تازگی که پسرها از اول برات داشتن رو دارن یا نه؟

آف کورس (بله البته).

- فن پیچ هم داری؟

من اصلاً اینستا رو دوست ندارم، چون خیلی باگ داره و اذیت می‌کنه، همه‌اش باید نگران پیجت باشی، سراغش نرفتم، ولی ادمین یه کانال مرتبط هستم.

- خوب به عنوان یه ادمین، محتوایی که تو کانالت می‌گذاری به چه صورته؟

ادیت از تک تک پسران، تبعیضی بین شون قایل نیستیم، ما همه شون رو دوست داریم، پس از همه شون حمایت می‌کنیم و پست می‌ذاریم و... بعد اخبار مربوط به فعالیت‌های کاری پسران، دیگه این که هر چی پسران تو اینستا و وی‌ورس و... می‌ذارن رو تو چنل خودمون می‌ذاریم، لازم باشه ترجمه شون رو هم می‌ذاریم و همینجا، اینا غالب‌ترین یعنی.

- خوب دیگه چه چیزهایی هست که حالا نسبت به اینا کم‌تر پوشش می‌دید؟

یه سری فن آرت‌های کیوت و مومنتم هم می‌ذاریم و ادیت‌های سم فقط برای خنده. البته قبلاً فیکشن می‌داشتیم، ولی دیگه نه.

- در زمینه ادیت مهارت داری؟

آره.

- آموزش دیدی؟

نه، خودآموز بوده.

- در جریان همین تولید محتوا برای چنل یادگرفتی؟

بله، البته ما خودمون وقتی می‌خواهیم ادیت من جدید بگیریم که علاقه‌مند به همکاری، اما تجربه‌ی قبلی تقریباً نداشته، بهش آموزش می‌دیم.

- چی شد که فکر کردی ادمین این چنل بشی؟

اوایل یه سرگرمی بود، حس کردم خوبه و این طوری تو این فضا بی‌کار بی‌کار نمی‌چرخم و بودن تو تلگرام برام بهتر از بودن تو اینستا بود و دوست داشتم اطلاعاتی که در مورد پسران دارم رو در اختیار بقیه بذارم و دوستای آرمی بیش‌تری پیدا کنم که احساسات‌مون شبیه هم باشه، بنابراین اوایل سرگرمی بود و بعدها با دوستایی که پیدا کردم و فضای شیرینی که واردش شدم، این کار برام لذت بخش شد.

- «فضای شیرین»؟ در موردش توضیح می‌دی؟

آرمیا خیلی مهربون هستن، دور هم حرف می‌زنیم، می‌گیم، می‌خندیم، توی ماه اخیر یه کم عوض شده شرایط اما بازم جو گرم و صمیمیه.

- از طریق کانال خودتون تو تلگرام درآمد هم داری؟

چون ممبرهای چنل مون بالاست، از طریق تبلیغات بله، ولی خیلی زیاد نیست و چون چندتا ادمین هستیم، واقعاً چیزی نیست و خیلی از این هزینه تبلیغات دوباره صرف تبلیغات برای چنل خودمون می‌شه.

- فن پیج‌ها چه طور از این کارشون درآمد دارن؟

اگه یکی زرنگ باشه داره.

- چرا از تعبیر زرنگ بودن استفاده می‌کنی؟

یکی ممکنه فن پیج بزنه، فقط به این خاطر که می‌دونه این طوری کلی آرمی فالوش می‌کنن، بعد پیج رو بفروشه.

- در زمینه استریم و... بین هواداران گروه‌های مختلف یک نوع رقابت هیجانی وجود داره؟

قطعاً که این طوره، هر فن‌دومی دوست داره رکورد بزنه و کسی رو که استن (هواداری) می‌کنه رو بالا بالاها ببینه، پس رقابت هست.

- این نوع رقابت‌ها باعث درگیری هم بین شون می‌شه؟

بعضی وقتا و البته حسادت هیترا و طرفدارای گروه‌های دیگه رو هم بر می‌انگیزد (می‌خندد).

- می‌تونی نمونه‌هایی از این مورد رو برام مثال بزنی؟

مثلاً می‌گن رأی خریدن و از این حرفا یا فشار می‌خورن و می‌گن، فلانی اصلاً استعداد نداره و رأی‌هاش رو خریده.

- آیا در جریان حمایت از بی‌تی‌اس، اعضای فن‌دوم باهم متحد می‌شنند و نسبت به رأی دادن و استریم زدن و این دست از موارد ترغیب می‌شنند؟

آره، ببین، من خودم اون اوایل واقعاً نمی‌دونستم استریم و اینا چیه اصلاً و حالا فن پیجا یا چنلایی که دنبال می‌کردم در موردش حرف می‌زدن و مرحله به مرحله بهمون می‌گفتن باید چه کار کنیم و چه طوری حمایت کنیم و قوانین استریم رو می‌گفتن یا مثلاً لینک سایت‌هایی که برای رأی دادن و اینا بودن رو می‌داشتن که خیلی کار ما رو راحت می‌کرد و می‌کنه حتی هنوزم... و بعضی از فنا خودشون اشتراک اسپاتیفای برای بقیه آرمی‌هایی که نمی‌تونن تهیه کنن، تهیه می‌کردن و در اختیارشون می‌ذارن و حتی مراقبت‌های جسمی که موقع استریم زدن لازمه رو می‌گن، مثلاً میوه بخوریم، دمنوش بخوریم و نیم ساعتی یه بار به چشم‌مون استراحت بدیم و یه چیزی که خودم اولاً باهش مواجه شدم، این بود که خب من تازه آرمی شده بودم، خیلی اصطلاحات رو نمی‌دونستم، نمی‌دونستم چه طور باید این کار رو انجام بدم، همون موقع بود که تو یه جا دیدم که نوشته بود، الان تهیونگ به رأی‌های ما نیاز داره، اگر رأی ندید، اسم خودتون رو آرمی نذارید! اینجا من خیلی ناراحت شدم و فکر می‌کردم آرمی بودن همه‌اش تو این خلاصه می‌شه که بری استریم بزنی و اینا و غالباً هم می‌دیدم پیام‌هایی از بعضی بچه‌ها که می‌گفتن من بی‌تی‌اس رو دوست دارم، ولی آرمی نیستم و وقتی می‌گفتم چرا، مگه هر کی بی‌تی‌اس رو دوست داره، آرمی حساب نمی‌شه، می‌گفتن نه، آرمی کسیه که از پسرا تو اسپاتیفای و... حمایت می‌کنه و... منم به خاطر این که خودم رو متعلق به این خانواده می‌دونستم و هی به بقیه می‌گفتم آرمی هستم، برای همین تا کام‌بک داشتن فیلترشکن خودم رو روشن می‌کردم، می‌رفتم تا از پسرا حمایت کنم و اگر فیلترشکنم وصل نمی‌شد یا بنا به هر دلیل دیگه‌ای یادم نیست، اعصابم خورد می‌شد و ناراحت می‌شدم خیلی و با خودم می‌گفتم من چه جور آرمی‌ای هستم که نتونستم کاری در جهت حمایت از آیدول مورد علاقه‌ام کنم و یه زمانی بود که یه عده اومده بودن اکانت فیک یا ساخته بودن یا خریده بودن و پیج تهیونگ رو فالو کرده بودن و یک ماه یا دوماه هم نگه داشته بودن، چون طبق الگوریتم اینستا، اگر کسی فالوت کنه و یه مدتی فالورت بمونه، بعد بلاک و ریپورت و آنفالو کنه، هرزنامه تشخیص داده می‌شه و اکانتت رو می‌بندن، حالا اینا اومدن این کار رو کردن و بعد از یکی، دوماه، اکانت تهیونگ ریزش داشت و یکی از فن پیجا که از این قضیه مطلع بود، اطلاع‌رسانی کرد و ازمون خواست که اگر اکانت دیگه هم داریم و چندتا اکانت داریم حتماً بریم تهیونگ رو فالو کنیم و یه ایمیلی رو هم برای اینستاگرام بفرستیم و این طوری شده که ما نداشتیم اونا به هدفشون برسن و پیج تهیونگ بسته شه.

- یعنی یه جورهایی از این طریق روی عواطف و احساسات تأثیر می‌گذاشتن تا بری تو رأی‌گیری‌ها شرکت کنی؟
بله.

- و اگر زمانی نمی‌تونستی ازشون حمایت کنی، دچار احساس عذاب وجدان می‌شدی؟
اوووم و این همه‌اش به خاطر اون پیام‌هایی هست که بعضی از طرفدارا یا ادمین‌ها می‌دادن.



- وقت‌هایی که ناراحتی یا اضطراب داری، دنبال گوش کردن آهنگ‌ها یا دیدن ویدیوهایشون می‌ری؟
آره، همیشه همین طور بود، این طوری اضطرابم کم می‌شه یا ناراحتیم رنگ می‌بازه.
- می‌تونی برام مثال بزنی؟

بین مثلاً من امتحان شهری رانندگی که داشتم خیلی اضطراب داشتم، بعد به خودم گفتم شد، شد، نشد، می‌رم بی‌تی‌اس می‌بینم و حتی به این فکر می‌کردم که اعضاء حتی وقتی کارهایی که قبلاً انجام ندادن و اولین دفعه‌شونه رو شجاعانه انجام می‌دن و نمی‌ترسن و به خودم می‌گفتم، تو هم این طوری باش یا موقع کنکور هم همین طور، می‌گفتم اگر هم نتونستی، دنیا که تموم نشده، بی‌تی‌اس هست غصه‌ی چی رو می‌خوری؟

یا وقتی که تنهایی اذیت کننده می‌شه بهشون پناه می‌برم. من حتی یه پوشه دارم که تو سیو مسیج‌های اینستام سیوش کردم خوشحالی و پر از عکس و فیلم پسرا هست و هر زمان ناراحت و دمغ هستم، می‌رم اون پوشه رو باز می‌کنم و نگاهشون می‌کنم. - تأثیری که بی‌تی‌اس روی حال و روانت گذاشته از نظر خودت چیه؟ مثبت، مثبت، مثبت بوده.

- تا به حال شده حال و احوال خود بی‌تی‌اس روی حال رو تأثیر بگذاره؟ مثلاً با دیدنش خنده‌هاشون بخندی و با گریه‌هاشون بغضت بگیره؟

همیشه همین طور بوده، مگه می‌شه خنده‌هاشون رو دید و یه لبخند شیرین گوشه لب نشینه؟ من خودم خنده‌هاشون رو خیلی دوست دارم، کلاً آدمایی که دوسشون دارم لبخنداشون برام خیلی خاصه.

- اگر بخوایم کمی با دقت نظر جلو بریم توی یه ویدیو گفته می‌شه: «دوز یونگی امروز»، به نظرت واقعاً این طوریه که دیدن ویدیوها و عکس‌ها و گوش کردن به آهنگ‌های بی‌تی‌اس برای تو به عنوان یه طرفدار مثل یه داروی آرام بخش عمل می‌کنه و حالت رو خوب می‌کنه؟

اوهوم، درسته واقعاً، اونا حال مون رو خوب می‌کنن: من یه زمانی بود که حالم خوب نبود، سیگار می‌کشیدم، ولی سیگار اون تأثیری رو نداشت که بی‌تی‌اس داشت، اوکی سیگار شاید آرومت کنه، اما این چندتا پسر آنرمال (غیرعادی) (باخنده) کره‌ای، باعث می‌شن که من بخندم و خنده بر هر درد بی‌درمان دواست: کاری که خنده‌هاشون با آدم می‌کنه صدتا مسکن و مورفین نمی‌کنه. - (باخنده) غیرطبیعی؟

شوخی می‌کنم جدی نگیر، فقط به این خاطر خیلی بانمک ان و بازیگوش و اهل مسخره بازی.

- خوب عزیزم فرد مورد علاقه و بایست کیه؟

مین میو:)

- می‌تونم بگی چرا به عنوان بایست انتخابش کردی؟

خیلییی دلیل دارم براش، اول از همه شوگا بچه گربه‌مونه و اون ایموجی که برای شوگا تو بین فن‌دوم هست، ایموجی گربه هست و این بیش‌تر به خاطر لبخندهای لثه‌ای اونه و من خودم با دیدنش یاد گربه می‌افتم و من عاشق گربه‌هام و شوگا همون قدر که می‌تونه کیوت باشه، همون قدر هم می‌تونه هات و خفن باشه، بعد از همه‌ی این‌ها شوگا شاید در نگاه آدم سردی باشه و عاری از احساسات، اما خیلی مهربونه و همیشه هوای اعضای دیگه رو داره و شاید زبانی ابراز علاقه نکنه، ولی این علاقه خودش رو به بقیه همیشه تو رفتاراش نشون می‌ده و همه می‌گن شوگا خیلی کم حرفه و همیشه همه‌ی اطرافیانم به من می‌گفتن، تو خیلی کم حرف می‌زنی و یه سری هم با دیده منفی این حرف رو می‌زدن و یه دورانی بود که من سعی می‌کردم، خب این طوری نباش و کم حرف بودن رو یه ویژگی بد و منفی می‌دونستم و سعی می‌کردم یاد بگیرم بیش‌تر حرف بزنم، اما وقتی یونگی رو دیدم، فهمیدم این اصلاً بد نیست، کم حرف یا پر حرف بودن، ترسو یا شجاع بودن هیچ کدوم بر اون یکی برتری نداره که بد باشه و برای تغییرش این همه خودم رو اذیت کنم، بعد این که شاید خیلیا بگن شوگا تنبله و همه‌اش خوابه و بهش هیت بدن، ولی اون خیلی خیلی سخت تلاش می‌کنه و یه رپر فوق‌العاده هست که تلاش می‌کنه ووکال هم بخونه، بماند که وقتی ووکال می‌کنه، چه قدر کیوت می‌شه و اون قدر درگیر کارش هست و همه‌اش داره تلاش می‌کنه که اگر یه نگاهی به همکاری‌هایی که با بقیه آرتیست‌ها داشته، به علاوه‌ی یه نگاهی به لیست هر آنچه که مربوط به خودش بکنید، می‌تونید بفهمید که چه قدر پرکار هست و چه قدر به کاری که می‌کنه، علم داره و خیلی خوش تیپ و رکه

و بازیگر خیلی خوبیه و اون قدر قشنگ جواب هیترا رو می‌ده که فندوم می‌ترکه و لبخندهای لثه‌ایش که باعث شده، منم لبخندای لثه‌ایم رو دوست داشته باشم، دیگه حس بدی ازش نگیرم، تعداد کمی از افراد هستند که لبخند لثه‌ای داشته باشن و این منحصر به فرده!



- یعنی به سبب این که احساسات و رفتارها رو شبیه به اون می‌دونستی، به عنوان بایست در نظر گرفتیش؟
بله دقیقاً.

- مرضیه تو نسبت به اعضای بی‌تی‌اس تعصب خاصی داری؟

تعصب که آره (می‌خندد). خب تعصب روی آیدول چیزیه که همه‌ی ما داریم اما به اندازه‌اش.

- این اندازه چه قدره؟

به نظر من این مهمه که اون قدر متعصب نباشیم که با تعصب خودمون به بقیه یا حتی به فندوم آسیب بزنینم و دید بقیه رو نسبت به خودمون بد کنیم و این تعصبه باعث بشه دعوا کنیم، هیت بدیم، دلی رو بشکونیم، من اگه بخوام متعصب بشم، هی هر روز دعوا کنم به فندوم‌های دیگه بپریم که خودمم آرامش ندارم، به خاطر همین اوکی، من تعصب دارم من حتی روی خانواده و دوستانم تعصب دارم، اگر کسی بهشون هیت بده، ازشون دفاع می‌کنم و پشتشون در میام و این در مورد علاقه‌ام به بی‌تی‌اس هم صدق می‌کنه، ولی این طور نیست که دعوا کنم و گیس و گیس‌کشی، نه آخرش به خودم می‌گم، این این قدر می‌فهمه و بیش‌تر از این باهاش بحث نکن.

- یعنی تا این حد قابل قبوله و بیش‌تر باشه، مورد داره؟

اوهوم.

- فن‌های متعصب چه طوری رفتار می‌کنن؟

خیلی، خیلی سریع بلاک و ریپورت می‌کنن، ممکنه حتی فحش‌های رکیک هم بدن، بعد آها یه چیزی که هست فقط خودشون بلاکت نمی‌کنن که، به دوستانشون هم می‌گن آیدیت رو برای بقیه هم می‌فرستن و بلاکت می‌کنن و پیجت یا اکانت تلت به فنا می‌ره، به همین دلیل اصلاً نباید باهاشون وارد بحث شد و یه حجم عظیمی از پیام‌های منفی دریافت می‌کنی که آرامشت به فنا می‌ره، من خودم که آرمی هستم، اصلاً جرأت ندارم به این دسته افراد چیزی بگم، چون اصلاً اون بخش از مغزشون که باید بفهمه و با حرف زدن یه مشکلی رو حل کنه سوخته، حتی برای همین یه اکانت فیک دارم که اگر یه موقع خواستم حرفی بزنم با اکانت اصلیم نزنم که اون اکانت رو از دست بدم.

- تو خودت از دریافت اظهارنظرهای منفی از سمت این گروه می‌ترسی؟

اوهوم (می‌خندد).

حالا فکر کن خود آیدول‌ها چه قدر اذیت می‌شن و وقتی کلی هیت می‌گیرن، حال روحی شون بد می‌شه.

- می‌تونن برام مثال بزنی؟ برای خودت یا دوستانت بوده که با فنای متعصب بحثی صورت بگیره و اگر بوده به چه دلیل و سر چه موضوعی بوده؟

حالا دوستانم که نه، ولی دیدم بعضاً بعضی طرفدارا می‌گن که تهیونگ شوهر منه و من یه روزی می‌رم کره و باهش ازدواج می‌کنم و کس دیگه‌ای هم چنین ادعایی داشته باشه، باهم دعواشون می‌شه سر شوهر آینده‌شون اون سر دنیا؟! یا شیپرای تعصبی که به شیپ‌های دیگه هیت می‌دن و فقط شیپی که خودشون استن می‌کنن رو قبول دارن و غیر از این باشه دوباره همین بساط هیت و بد و بیراه و... هست مثل بعضی ویمین شیپرا یا تهکوکرا که خیلی بین‌شون دعواست.



- راستی ستاره از نظر تو چه معنی‌ای داره؟!

امممم... (فکر می‌کند) آیدول برای من، یه معنی کامل از یه هنرمنده که اون قدر هنرش رو دوست داره که براش تلاش کرده تا به این جایگاه رسیده، یه هنرمند واقعی که می‌تونم ازش درس بگیرم و بشه الگوم و سعی کنم تو زندگیم، مثل اون تأثیرگذار باشم و کلی ازش یاد بگیرم و این که ما اونا رو نمی‌پرستیم و فقط ازشون یاد می‌گیریم. آیدول شاید در انگلیسی به معنای بت باشه، چیزی که کمپانی‌ها انتخاب کردن، نه ما، اونا انتظار دارن این اتفاق بیفته، من با افتخار می‌گم که مسلمونم و به عقایدم پایبندم، ولی طرفدار این گروه‌م و این که حتی افتخار کردن به دینم هم تحت تأثیر بی‌تی‌اسه.

- چه طور باعث شدن به دینت افتخار کنی؟

این که اون قدر هوای آرمی‌های مسلمون‌شون رو داشتن و ماه رمضان رو تبریک می‌گن و حواس‌شون هست به آرمی‌های مسلمون دست نزنن و نظرشون رو گفتن در مورد حجاب که خیلی من رو به حجاب بیش‌تر علاقه‌مند کرد یا وقتی اذان پخش شد، کنسرت‌شون رو متوقف کردن.

- بعضی‌ها ستاره‌ها رو مثل یه بت درنظر می‌گیرن که می‌پرستش، این طوریه؟

آه... کی فنا و اصلاً کره‌ایا این طوری ان و بدترین فندوم همون کی آرمیا هستند که مثل ساسنگ‌ها رفتار می‌کنند، انگار که آیدول متعلق به اونا هس و هر جور دل‌شون می‌خواد، باهش رفتار می‌کنند.

- یعنی یه جورایی آیدول رو تماماً در اختیار خودشون می‌دونن؟
اوهوم.

- چرا، این مسأله به خاطر چیه؟

چون فکر می‌کنن اونا اون رو به این جایگاه رسوندن و خود اون فرد تلاشی نکرده و استعدادی نداشته.

- ساسنگ‌ها چه طور رفتار می‌کنند؟

همین طوری دیگه، یا این که مثلاً سعی می‌کنن وارد خونیه اعضای بشن یا زنگ زدن‌های بی‌وقفه مداوم به آیدول‌ها حتی وقتی توی لایو هستن، صدمات فیزیکی و لمس کردن آیدول‌ها و... .

- من ویدیوهایی دیده بودم از این که وقتی از یه آرمی پرسیدن دوست پسرت کیه، گفته بود جئون جونگ کوک و می‌خوام این موضوع رو پپرسم در بین فندوم این طوریه که بعضی آرمی‌ها اعضاء رو مثل دوست پسرشون می‌بینن؟

آره، هستن این دسته افراد که به نظرم نمی‌تونن احساساتشون رو کنترل کنن و افراط می‌کنن، معمولاً هم آرمی‌های کم سن و سالن به نظرم که این قدر خیال‌پردازی می‌کنن.

- حالا سوالم اینه که خود تو آیا پسرا رو به صورت معشوقه یا دوست پسر بالقوه‌ی خودت می‌بینی و رؤیای‌پردازی‌هایی در این زمینه داری یا نه؟

می‌گم من خودم اون اوایل که آرمی شده بودم و هیجانان بر من غالب‌تر بود و سنم کم‌تر بود بله، خیال‌پردازی‌هایی در این باره داشتم و تو نوت گوشیم نوشتم، ولی اصلاً دیگه دوس‌شون ندارم، باهاش ارتباط نمی‌گیرم و مسخره به نظر میاد برام، چون احساسم عوض شده وقتی یه کتابی رو برای بار چندم می‌خونی و هر بار احساس متفاوتی رو تجربه می‌کنی به این خاطر نیست که محتوای اون کتاب تغییر کرده، نه بلکه این تو هستی که احساسات عوض شده، پس حال و هوای متفاوتی رو تجربه می‌کنی، البته الانم همین طور هستن. و اگه بهم حق انتخاب بدن، دوست دارم یکی از این پسرا باشه، اون که همراهه هر کدومشون به نوعی تیپ ایده‌آل من هستن. جیهپوپ یه طوری، جونگ کوک یه طور دیگه، تهیونگ یه طور دیگه، نامی یه طور دیگه، شوگا یه طور دیگه، ولی جین خیلی مثل داداشمه و داشتم می‌گفتم، ولی وقتی شنیدم که گفتن بیاین با همدیگه بزرگ شیم، گفتن ما رو درک کنید، مثل وقتی که می‌بینید بچه‌تون برای اولین بار می‌ره مدرسه و ببینید ما چه قدر بزرگ شدیم، بیاین باهم پرقدردت بریم جلو... و در کنار هم بودیم، این همه سال و این آلبوم داستان ما و شما هست، دیگه برام وایب (جو) رفیق بودن رو دارن، کسایی که تو روزایی که نیازشون داشتم کنارم بودن و باعث شدن این همه حس خوب تو رگام تزریق شه رو دیگه معشوق نمی‌بینم، رفیق‌هام ان و حتی یه جاهایی حس می‌کنم، من مادرشونم، ولی من به دنیاشون نیاوردم، خیلی عجیبه، احساس کنی مادر کسایی هستی که از خودت بزرگ‌ترین (می‌خندد). من دوس‌شون دارم و عاشق‌شون هستم، ولی به عنوان معشوقه کذایی یا دوست پسر نگاهشون نمی‌کنم، الان دارم به این فکر می‌کنم که مگه می‌شه کسی رو دوست داشت و در موردش خیال‌پردازی نکرد؟ هر چه قدر هم آدمی باشی که براساس واقعیت جلو بری، به هر حال یه فکری به ذهنت میاد و نمی‌تونی جلوی فکرها رو بگیری.



- خوب عزیزم حالا می‌خوام بهت بگم که الگوها معمولاً در سه سطح اثر می‌ذارن ظاهری، رفتاری و ارزشی، بی‌تی‌اس برای تو توی کدوم یکی از ابعاد اثر داشته؟ تقریباً همه‌اش.

- اهدافی که در نظر داری، چه اهدافی هستند؟

در زمینه درسیم برای این که چندسال دیگه تو این زمینه حرفی برای گفتن داشته باشم و موفق و تأثیرگذار بشم.
 - گاهی دیده می‌شه که اعضای بی‌تی‌اس فعالیت‌های خیرخواهانه انجام می‌دهند یا از محیط زیست حمایت می‌کنند و مسوولیت خودشون رو نسبت به محیط زیست اعلام می‌کنند، این ویژگی اعضاء هم باعث شده تا شما و دیگر فن‌ها تأثیر پذیرید و در این زمینه کاری انجام بدید؟

این که حرکت دست جمعی انجام بدیم، نه چیزی به خاطر ندارم، شاید باشه، می‌تونم بگردم ببینم بوده یا نه، ولی خب به شخصه برای من باعث شدن که حواسم بیش‌تر به محیط زیست باشه و سعی کنم از محصولاتی استفاده کنم که حامی محیط زیستن، البته این فقط تأثیر بی‌تی‌اس نیست، برخی سلبای (سلبریتی‌های) ایرانی مثل اشکان خطیبی و پریناز ایزدیار عزیز هم باعث شدن و من خودم با دیدن این که این افراد گیاه خوارن و هوای حیوانات رو دارند، سعی کردم گوشت نخورم، یعنی گوشت حیوانی، ولی خوب برخی گوشت‌های گیاهی رو به عنوان جایگزین می‌خورم و کاملاً وگن نیستیم، ولی به هر حال سعی خودم رو می‌کنم. حتی شده از این طریق هم به حیوون‌ها آسیبی نزنم و البته یه جاهایی می‌بینم پسرا انقدر گوشت می‌خورن یه کم ناراحت می‌کنه و با دیدگاه من در تضاده.

- از نظر من برخی رفتارهای بی‌تی‌اس که حامی محیط زیست شناخته می‌شن، با اهداف زیست محیطی در تضاده، مثل نگهداری حیواناتی که ذاتاً به طبیعت تعلق دارند، حبس کردن شون تو خونه‌ها و در نظر نگرفتن حقوق اون حیوان، نظر تو در این باره چیه؟
 من منتقد صددرصد استفاده از حیوانات به عنوان یه منبع غذایی یا آرام بخش و تفریح و علاقه‌ی شخصی خودمون هستم، ولی خب در مورد بی‌تی‌اس می‌دونم که مثلاً یونتان سگ تهیونگ از بچگی بیماری مادرزادی داشته و ریه‌هاش کوچیکه و تهیونگ با این وجود که از اول این قضیه رو می‌دونست، داوطلبانه نگهداری از یونتان رو قبول کرد و خب به نظرم این بچه نیاز به مراقبت داشت و یکی مثل وی به خوبی ازش مراقبت می‌کنه و بهترین دکترها رو براش ردیف می‌کنه و شاید اصلاً بودن یونتان تو طبیعت براش دردناک‌تر باشه.



- خوب حالا فن بیس‌ها معمولاً برای حمایت از آیدول‌های خودشون فعالیت‌های تبلیغاتی یا خیریه انجام می‌دن که احتمالاً به گوشت خورده، مثلاً جمع‌آوری و اهدای کمک مالی برای یک حرکت بشردوستانه «به اسم اون آیدول»، هر کدام از فن بیس‌ها این فعالیت‌های خیریه رو معمولاً توی کشورهای خودشون انجام می‌دن، تو این زمینه آرمی‌های ایرانی هم فعالیت می‌کنند؟

آره خیلی زیاده. علاوه بر کمک پسر، کمک فن‌دوم‌مون هم قابل ستایشه، می‌تونم نمونه‌هایی ازش رو برات بفرستم، هالزی هم در این زمینه در مورد فن‌دوم آرمی گفته که اونم می‌فرستم و این که من عاشق کمک کردن به دیگرانم و یکی از دلایلی که باعث شد دید منفی از ابتدا به آرمی‌ها داشته باشم، از بین بره، همین ویژگی‌شون بود. بعد از این که دیدم چه قدر مهربون و خوش قلب ان، جذب‌شون شدم و فعالیت‌های خیرخواهانه و روحیه شاد و سرزنده آرمی‌های بی‌تی‌اس واقعاً برام جالب بود و دوست داشتم منم یکی مثل اونا باشم. - این حرکت‌ها غالباً در چه مناسب‌هایی انجام می‌شه و از چه طریقی این کمک‌های مالی جمع‌آوری می‌شه و هزینه‌های انجام شده از سوی فن‌دوم ایرانی غالباً به چه صورت بوده؟

بین هر سال به مناسبت تولد اعضاء چندین پروژه بین فن بیس‌های ایرانی و خارجی و فن پیجای بزرگ بزرگ راه می‌افتاد و از سه الی بیست میلیون پول جمع می‌شد و به مؤسسه محک یا نظایر اون اهدا می‌شد. من خودمم چند بار پروژه راه انداختم و همین الانش هم یه پروژه دارم.

- در مورد پروژه‌هایی که خودت داری، می‌تونی توضیح بدی؟

پروژه‌های من کوچیک و غیررسمی بودن. افرادی که همکاری کردن دوست نداشتن پول جمع‌آوری شده به نهاد خاصی اهدا بشه... برای همین روز بیست و شش شهریور ماه و هفدهم اسفند ماه سال قبل یک‌سری بسته‌های مواد غذایی، لوازم التحریر و لباس عید به بچه‌های کار و خانواده‌های بی‌بضاعت هدیه کردیم و پستش هم توی پیج بود و هفتاد و پنج کا ویو خورده بود. جدا از اون چندتا کار ریز ریز هم با دوستانم کردیم.

- هزینه‌های انجام شده این کار چه قدر بود؟

یه بار سه تومن، یه بار پنج تومن. این گوشه کوچیکی از کمک اعضاء هست از پولای خورد خوردی که به نهادهای کوچیک اهدا می‌کنن تا استفاده از گارد گوشی باز یافتی برای حمایت از محیط زیست.

- استفاده از گارد گوشی باز یافتی؟! می‌تونی واضح‌تر توضیح بدی؟

یک موردی که بین استوری جی‌هوپ و پست نامجون مشترکه، گارد گوشی‌شونه که توسط برند «آرک» ساخته شدن این برند حامی محیط زیسته و تمام محصولات اون با استفاده از زباله‌های باز یافتی تولید می‌شه.

- به نظرت آیا واقعاً لباس‌ها جنسیت دارن یا نه؟

نه، واقعاً لباس‌ها جنسیت ندارن و این ماییم که تو برهه‌های زمانی مختلف و مکان‌های مختلف این طوری نام گذاری‌شون می‌کنیم، مثلاً اگر شما تاریخچه کفش پاشنه بلند رو ببینید، اولش متعلق به مردا بوده و بعداً با شعار این که زن و مرد فرقی ندارن، زن‌هایی اومدن کفش‌های پاشنه بلندای مردا رو پوشیدن و این طوری شد که رفته رفته کفش زنونه شناخته شد یا حتی موی بلند که در طول تاریخ می‌بینیم که مردان گذشته هم حتی موهاشون بلند بوده، ولی الان دیگه مردا غالباً با موی کوتاه‌شون شناخته می‌شن و حتی دامن هم در گذشته برای مردها بوده که راحت‌تر بجنگن و لاک برای مردا بوده که دشمن ازشون بترسه، اگه اشتباه نگم.

- این اطلاعات در این زمینه رو از چه منبعی متوجه شدی؟

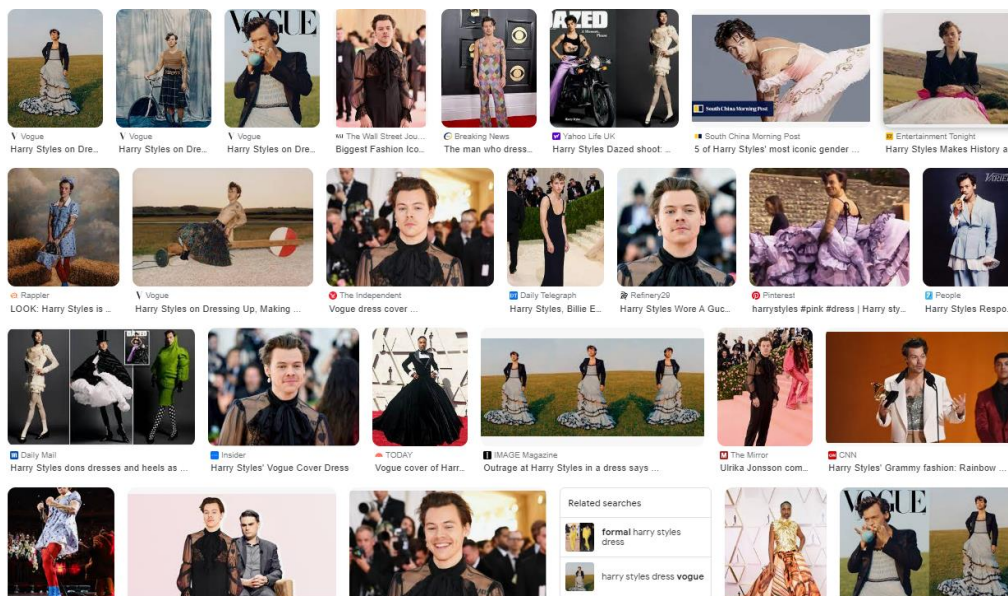
یادم نیست واقعاً شاید یوتیوب بوده باشه.

- خوب بی‌تی‌اس تا به حال در این زمینه فعالیتی داشته؟

به نظر من بله، بی‌تی‌اس سعی کرده همیشه این مرزهای جنسیتی رو کنار بذاره، اما بازم این دست فعالیت‌های بی‌تی‌اس یه چهارچوبی داره و خیلی هنجارشکنانه نیست در مقابل سلبریتی‌های غربی و استفاده از رنگ صورتی رو پسرای ایرانی عارشون میاد بپوشن، کلاً تو

کره خیلی از مردا و بازیگرا و خواننده‌ها می‌پوشن و عادیه حتی به نظرم استایل بی‌تی‌اس با دامن هم بازم خیلی شیک و مردونه هست و به قول بنگتن، مد هیچ‌وقت جنسیت نداره، هر زمان هم یه چیزی مده.

- چه قدر اعضای بی‌تی‌اس در نشون دادن این که لباس‌ها جنسیت ندارن، موفق بودن؟
نمی‌دونم واقعاً، ولی خب فکر نمی‌کنم در برابر اثر گذاری سلب (سلب‌ریتی)های غربی در این زمینه موفق‌تر عمل کرده باشن.



- این دیدی که تو الان نسبت به کلیشه جنسیت لباس‌ها داری و مطرحش کردی، چه قدر کی‌پاپ در ایجاد این دید در تو اثرگذار بود؟
واقعاً یادم نمیداد این تفکرات من در اثر چه چیزی ایجاد شده، ولی فکر نکنم فقط و تنها کی‌پاپ اثر گذار بوده باشه و حتی قبلاً از اینا علاقه‌ی زیادی به استایل تامبوی داشتم و خیلیا بهم می‌گفتن بهم میاد.

- خوب حالا نظرت در مورد میکاپ‌هاشون چیه؟ میکاپ‌هایی تو صنعت کی‌پاپ برای پسرا انجام می‌شه، آرایش هم خاص جنسیتیه؟
آنیو، به نظر من که اصلاً این طور نیست، اگر قراره آرایش ایرادی داشته باشه، پس برای هر دو جنس ایراد داشته باشه و تو کره این طوره که مردای مسن هم که هم سن پدرای ما هستن، روتین و مراقبت پوستی دارن و یکی از معیارهای جذابیت‌شون اینه که مردا به خودشون برسن و یه میکاپ ملایم داشته باشن و از نظر من که این همه مدت بی‌تی‌اس رو دیدم و دیگر هنرمندا از کشور خودمون تا کشورهای غربی و آسیایی، میکاپ پسرا اصلاً غلیظ و افراطی نیست و فقط در حد یه گرمه که تو کشور خودمون هم مردا گرم می‌شن، ممکنه برای یه فتوکانسپ خاصی گرم‌های خاصی داشته باشن، ولی این مغایره با اون چیزی که از میکاپ برای دیگر هنرمندای غربی می‌بینیم.

و پسرا بارها برای برندهای آرایشی تبلیغات کردن برات می‌فرستم و خیلی قشنگه.

- خبرگزاری فاکس نیوز در گزارشی گفت: مقامات رسمی چین نگرانند که ستاره‌های هنری و سرشناس این کشور، متأثر از ظواهر جذاب و دخترانه برخی خوانندگان و بازیگران کره جنوبی و ژاپنی، مردان جوان کشورشان را به فاصله گرفتن از روحیات مردانه ترغیب کنند. نظر تو در این باره چیه؟ به نظرت کی‌پاپ با تبلیغ این سبک آرایش و استایل برای آیدول‌ها باعث کاهش روحیات مردانه خواهد شد؟

یعنی این نام‌گذاری‌های جنسیتی مسخره و دخترونه پسرونه کردن همه چی باعث می‌شه اگر کسی چیز دخترونه استفاده کنه، دختر بشه و اگر پسرونه استفاده کنه پسر؟ چه حرفای مزخرفی آخه، لازمه بگم این که یکی مرد باشه یا زن به یه چیز دیگه ربط داره؟ پس

ژنتیک و فیزیولوژی و آناتومی مرد و زدن و اینا بی خود ان؟ همون طور که گفتم یه نفر می‌تونه لباس به رنگ صورتی رو باهاش خیلی مردونه استایل بزنه، اگر قراره کسی روحیات مردونه‌اش این طوری کاسته بشه، بهتره یه فکری به حال خودش بکنه.

- چه فکری به حال خودش بکنه؟

نمی‌دونم بره دکتر.

- دکتر؟

روان‌شناسی، پزشکی چیزی.

- بی‌تی‌اس روی مورد دیگه‌ای در تو تأثیر گذاشته؟

کی‌پاپ روی احساس میهن دوستی من هم تأثیر داشته. مثلاً همین چند وقت پیش جونگ‌کوک تو رستوران ایرانی تو قطر غذا خورده بود و این که جونگ‌کوک تو رستوران ایرانی غذا خورده بود، باعث شده بود من و بقیه آرمی‌ها به ایرانی بودن خودمون افتخار کنیم.

- جذابیت‌های کی‌پاپ باعث نشده با خودت بگی که ای کاش کره‌ای بودم؟ و جذب کشور و فرهنگ کره بشی و آرزوی زندگی تو کره رو داشته باشی؟

شده، مثلاً یک‌سری لباس‌های کیوت‌شون رو می‌بینم می‌گم من اگه کره‌ای بودم این طوری می‌پوشیدم و حیف که اینجام.

- شده به سبب این که در ایران محدودیت‌هایی برای حتی دیدن‌شون و گوش کردن‌شون تو آپ‌های مختلف وجود داره، از این که تو ایران هستی ناامید و دلخور بشی؟

اوهوم مخصوصاً این روزا که ساده‌ترین حق خودمون هم محرومیم، قبلاً که سرعت نت‌مون پایین بود الان که بدتر شده.

- شده با دیدن زیبایی‌ها و جذابیت‌هایی که از مردم و کشورهای آسیای شرقی توسط پسرها نشون داده می‌شه، دلت بخواد شبیه اون‌ها باشی؟

اوهوم، من علاقه‌ی مثال نزدنی ای به موی چتری دارم، ولی از اونجایی که موهام فره، خیلی کم پیش میاد چتری بزنم، چون دردسر داره برام و شایدم رفتن کراتین کردم، ولی خب از طرفی هم موی فرفری خودم رو خیلی دوست دارم و مامان و بابامم وقتی موهام فرتر می‌شه، بیش‌تر خوشحال و ذوق زده می‌شن تا وقتی صافه، پس این کار رو نمی‌کنم و فقط هر وقت دلم خواست، چتری مصنوعی می‌ذارم.

- به مهاجرت به کره فکر کردی؟

وقتی کی‌دراما نگاه می‌کردم، اون قدر مردمش و شهرشون کیوت و گوگولی و زیبا به نظر می‌رسیدن که خیلی دلم می‌خواست اونجا باشم ولی یک‌سری فیلمای دارک در موردشون دیدم که دیگه عمراً به مهاجرت به این کشور فکر کنم و در نهایت به سفر بهش فکر کنم.

- فیلم‌های دارک؟

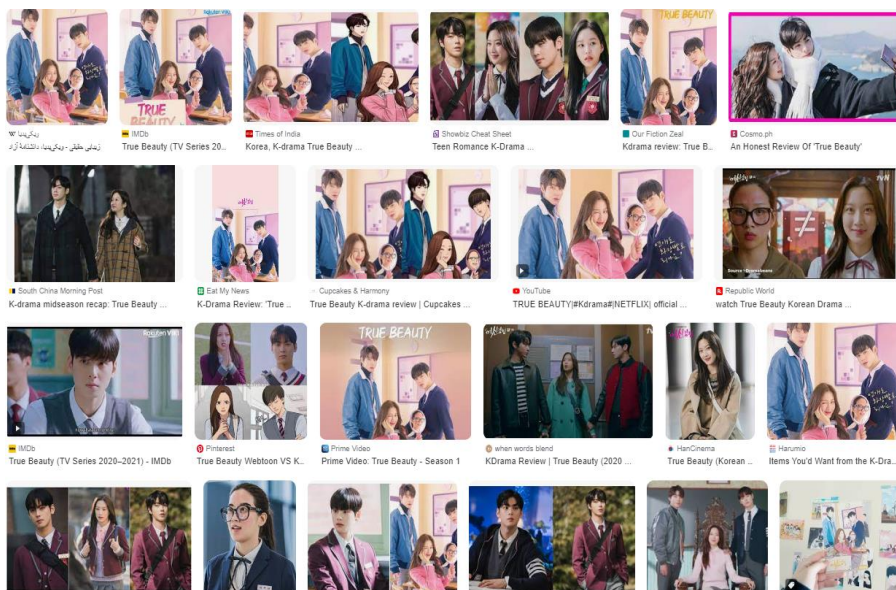
آره مثل فیلم سینمایی وی ای پی و اینا که اصلاً تجاوز و قتل‌های زنجیره‌ای خیلی زیاده توش و خیلی ترسناکه.





- یعنی این ترس صرفاً از طریق این فیلم‌ها بهت منتقل شده؟

اول این فیلم‌ها بعداً تحقیقی داشتیم، فهمیدیم که واقعاً این طوریه به هر حال، هر فیلمی از هر کشوری یک سری حقایقی رو در مورد جامعه و فرهنگش منتقل می‌کنن، من معتقدم بخش زیادی از یک فرهنگ تو فیلم‌هاشون نمایش داده می‌شه و بارها و بارها تو دراماهای کره‌ای دیدم، دختری که آرایش نمی‌کنه مسخره می‌شه، دختری که جراحی نداشته باشه، اعتماد به نفس کمی داره و نقش سوم و چهارم می‌دن بهش و نه نقش اصلی و اون قدر جراحی‌های زیبایی و سبک آرایش خاص خودشون که لولو رو به هلو تبدیل می‌کنه تو کره زیاد شده که برای عادی‌سازی اون و پذیرفته شدن بیشتر اون از سوی مردم براش فیلم ساختن، مثل سریال زیبای حقیقی و کلاً جهان الان طوری شده که هر چه قدر بیشتر شبیه معیارهای تعیین شده از سوی کاپیتالیسم باشی پول و محبوبیت بیشتری به دست میاری.



- طرفدار فیکشن‌ها هستی؟

نه، اصلاً خوشم نمیداد، می‌تونم به جای اون کلی کتاب خوب بخونم.

- گفته بودی به نویسندگی علاقه داری، نشده تا به حال شروع کنی فیکشن بنویسی؟

قبلاً نوشتم، ولی اونایی که من نوشتم، به دلایلی فقط تو اتاق خودم مونده.

- فیکسی که نوشته بودی در چه زمینه‌ای بوده؟
اصلاً چیز بدی نبوده، فقط احساسات من در مورد اعضاء بود.
- شخصیت‌های داستان تو چه کسانی بودند؟
بین یه من خیالی و اعضاء هست و تم عاشقانه داره.
- به نظرت برخی فیکشن‌ها، نظیر فیکشن‌های اسمات به حریم خصوصی ستاره‌ها وارد می‌شوند؟
بله، متأسفانه و این تجاوز به حریم شخصی و حتی شخصیت یک انسانه.
- چرا می‌گی شخصیت؟
فکر کن کسی که تو ریل لایف (زندگی واقعی) یه انسان شریف و خوش قلب و دل رحمه، تو فیکشن یه قاتل مازوخیستی متجاوززه.
- کمپانی نسبت به فیکشن‌ها و از این موارد که نقض حقوق آرتیسته، از تولید کننده و نویسنده‌های این محتواها شکایت نمی‌کنه؟
آره، هایب بارها اخطار داده در خصوص ادیت‌های جنسی، تو این مورد خیلی به کمپانی گزارش شده که فکری به حال این افراد بکنن و هر بار هایب اعلامیه داد که باهاشون برخورد و شکایت می‌شه، ولی هیچ اتفاقی نیفتاده و اون بیانیه‌ها، کلاً در حد همون بیانیه مونده و کمپانی هیچ‌وقت انجامش نداده که این خودش به تنهایی نشون می‌ده کمپانی نسبت آیدول‌هاش خیلی بی‌تفاوته.
- به نظرت وانشات‌ها چه تأثیری روی حالت‌های روحی و جسمی افراد دنبال کننده‌ی اون‌ها می‌گذارن؟
از نظر من وانشات بدتر از فیکشنه، وانشات این طوره که میاد روی ایمجینیشن تو تمرکز می‌کنه و اثر می‌ذاره به همراه عکس یا ویدیوی اون آیدول و فیک‌ساب و نوشته‌هایی تحریک‌آمیز، همین باعث می‌شه واقعاً برای مدت کوتاهی هم روحی و جسمی تحت تأثیر قرار بگیری و اون سناریو رو خودت با اون آیدول تجربه کنی.
- باعث تحریک شدن خواننده‌ها و بیننده‌ها می‌شه؟
دقیقاً، روم به دیوار.



- تو خودت شدی؟
قبلاً بله و یادآوریش هم اذیتم می‌کنه، چون من نماز می‌خونم و روزه می‌گیرم، واس همین سعی می‌کنم اصلاً آزشون دور باشم، چون ممکنه وقتی بازشون کردم، دیگه نتونم ازش پیام بیرون، در حالی که اگه از چشمم دور باشن بهتره.
- گاهی اوقات دیده می‌شه با وجود این که ستاره‌های کی‌پاپ آسیب جسمی و بدنی دیدند یا حتی از نظر روحی خوب نیستند، مجبور به اجرا هستند، نظرت در این باره چیه؟
به نظرم بستگی به کمپانی داره، برخی از کمپانی‌ها آیدول رو مجبور می‌کنن ادامه بده و بعضیا نه، ولی بی‌تی‌اس چون دیگه طرفدارها پشتش ان، کمپانی هم برای جلب رضایت طرفدارها قطعاً دست از پا خطا نمی‌کنه، چون اون موقع با سیل عظیمی از انتقادات و داد و بیدادهای آرمی‌ها روبه رو می‌شه (می‌خندد).
- در مورد بی‌تی‌اس از این مواردی سراغ داری که باوجود آسیب روحی یا جسمی بازم به فعالیت‌شون ادامه بدن؟
جسمی که نامجون رو گفتم و روحی هم تهیونگ رو یادمه که وقتی مادر بزرگش فوت کرده بود، وای چه قدر سرش عر زدم.

- می‌تونی این قضیه رو توضیح بدی؟

تهیونگ با مادر بزرگش خیلی صمیمی بود و مادر بزرگش سوم سپتامبر فوت می‌کنه و تهیونگ این زمان توی یه کشور دیگه بوده به خاطر کاراش و برای مراسم تشییع مادر بزرگش حضور نداشت و به قول خودش ۱۴ سال بزرگش کرده بود و هم براش مادر بود، هم پدر و دوباره به خاطر کارش نتونست تو مراسم چهلم مادر بزرگش هم شرکت کنه. بمیرم براش، وای وقتی تهیونگ تعریف می‌کرد و اشک می‌ریخت، منم پا به پاش اشک ریختم و بعد می‌گفت مادر بزرگش بهش می‌گفت که طرفداراش رو خیلی دوست داشته باشه.



- دیدن سخت‌گیری کمپانی باعث نمی‌شه که فکر کنی باید در این زمینه کاری انجام بشه؟

خب منم بعضی وقتا از کمپانی خیلی عصبی می‌شم، هم به خاطر تمام سخت‌گیری‌هایی که داره و هم به خاطر خونسرد بودنش، چون نسبت به هنرمنداش یه کم بی‌تفاوته، مثلاً سر بعضی از قضایا کمپانی بعد از چند روز اومد و از آیدول‌هاش دفاع کرد، در صورتی که اون موضوع تموم شده بود کلاً، و یک مشکل دیگه که هست، اینه که کمپانی با فیک‌آرمی‌هایی که از آیدول‌ها برده‌های جنسی می‌سازن، هیچ برخوردی نمی‌کنه و متأسفانه این بی‌خیال بودن‌های خیلی زیاد اعصاب خورد کنه، البته ما در این زمینه هم منفعل نبودیم، سعی کردیم بیانیته بدیم، اما بعضیاش فقط در حد بیانیته باقی مونده، ولی بعضیاش نتیجه بخش بوده، مثلاً وقتی آرمیا متوجه شدن منیجر پسراروی کوک دست بلند کرده و می‌خواستن بزننش، کلی اعتراض کردن و بیگ‌هیت هم اعلامیه داد و عذر خواهی کرد و گفت اون فرد رو اخراج کردن.

- اگر شکایتی انجام بشه به نظرت راه به جایی می‌بره؟

امیدوارم، ولی باز من که از پشت صحنه خبر ندارم (می‌خندد)، شاید گول‌مون بزنن، بگن اقدامی انجام شده، ولی نشده باشه.

- بعد این که گفته می‌شه آیدول‌ها اجازه ندارند گرایش جنسی خودشون رو اعلام کنن، درسته؟
بله.

- به نظرت این یکی از سیاست‌های کمپانی نیست برای این که هم طرفداری افراد گی رو جذب کنه و هم این که فرصت رؤیاپردازی رو برای طرفداری دختر این گروه در مورد آیدول‌شون از بین نبره؟

قطعاً توی دنیایی هستیم که روان‌شناسی هم سیاسی شده، دیگه چه توقعی از صنعت کی‌پاپ می‌ره.

- به نظرت این طوری نیست که اعضاء حتی برای کوچک‌ترین کارهای خودشون نمی‌تونن به تنهایی تصمیم بگیرن؟

بله. مثلاً خود پسراروی تا یک، دو سال پیش پیج اینستا نداشتن و الانم که دارن، می‌دونم نمی‌تونن هر چیزی رو استوری کنن.



Big Hit
Entertainment

- یا وقتی تو برنامه‌هایی مثل این د سوپ همه جا، حتی تو اتاق خوابشون دوربین هست و کوچک‌ترین رفتارهاشون رو ضبط و فیلم‌برداری می‌کنن، نقص حریم شخصی نیست؟

خب این طوری نیست همه چیز رو نشون بدن، خیلی جاها کات می‌خورن و سانسور می‌شه، توی این د سوپ هم یه جاهایی خود اعضاء دوربین رو خاموش می‌کردن، مثلاً نامی که خیلی خواش حساسه، نمی‌تونست با وجود دوربینا راحت بخوبه، پس پاشد و خاموشش کرد، نمی‌شه گفت صد در صد اعضاء تحت نظر کمپانی اند، نه یه جاهایی حق عمل دارن یا یه جاهایی که اعضاء لخت بودن سانسور می‌شد و حتی کنار تصویر نوشته می‌شد، به خاطر رعایت حقوق آرتیست.

- تو یکی از مصاحبه‌ها، مصاحبه شونده گفت، اطلاعاتی که در مورد آیدول‌های کی‌پاپ تو رسانه‌ها نوشته می‌شه دروغه، مثلاً قد فلانی رو یه عددی نوشته، بعد وقتی تو فستیوال‌ها کنار یه آیدول دیگه قرار می‌گیره، می‌بینی که از اون هم کوتاه‌تره تو در این مورد چیزی می‌دونی؟

من خودم این رو خیلی دیدم و هیچ وقت نفهمیدم چرا این طوره، مثلاً بارها گفتم شاید زاویه دوربین باعث ایجاد این تفاوت شده یا جلو عقب بودن سوژه‌ها، ولی وقتی دقت کردم و حتی ویدیوها رو دیدم، باز هم همین طوره و نمی‌فهمش چرا. بعد من اون اوایل این طوری بودم که نمی‌فهمیدم چرا سن اینا این طوره، وقتی متولد سال اینم چرا به جای ۳۳، ۳۵ سالشونه و به ریاضی خودم شک می‌کردم، بعداً فهمیدم که سن کره‌ای فرق داره، بعد به من می‌گفتن چه جوری طرفدارشونی سن شون رو نمی‌دونی و من واقعاً اعداد رو قاطی می‌کردم. یه منبع یه چیز بود، منبع بعدی یه چیز دیگه، در حالی که یکی سن کره‌ای بود و اون یکی سن بین‌المللی.

- احساس نمی‌کنی دروغ در این موارد به خاطر اینکه که کی‌پاپ می‌خواد ستاره‌های بی‌نقص و ایده‌آلی رو به جهان نشون بده؟ فکر کنم همین، چون قد برای مردای کره‌ای خیلی اهمیت داره و حتی شنیده یا خونده بودم که هیچ‌وقت اگر یه مرد کره‌ای رو دیدی، باور نکنید قدش شاید اینی که نشون می‌ده باشه، چون ممکنه از یک‌سری جوراب‌های لژدار استفاده کرده باشه و اگر خواستید مطمئن شوید، برید یه جایی که پابرهنه ببینیدش.

- چند وقت پیش بین فن‌دوم این خبر پیچید که جیمین بایسکسواله و کام اوت کرده نظر تو در این باره چیه؟ تا وقتی که خودش مستقیماً این رو نگفته، ما نمی‌تونیم چیزی بگیم، وقتی هنوز قطعی نیست پس کام اوت نیست و فقط تئوری سازی فنا هست.

- یه عده این کار جیمین رو شجاعت تعبیر کردن تو چه طور نظرت چیه؟ نظری ندارم اگر واقعاً باشه و با در نظر گرفتن هیتا، قطعاً شجاعته.



- دیدگاهت قبل از هواداری بی‌تی‌اس در مورد هم‌جنس‌گرایی چه طور بود؟ نفیش می‌کردی و غیرعادی و بد می‌دونستیش یا تحت تأثیر پیام‌هایی که از طریق این گروه بهت رسید، دید بهتری نسبت بهشون پیدا کردی؟
- بد نمی‌دونستمش و نمی‌دونم، ولی هیچ‌وقت درکش نکردم و هیچ‌وقت برای خودم نپسندیدمش. من زیاد در گیر این چیزا نیستم و همون چیزی که دینم گفته رو قبول دارم و این که نه هنوز دید بهتری ندارم، دید بدی هم ندارم، چون نمی‌تونم حقیقت رو بفهمم.
- نمی‌تونی حقیقت رو بفهمی؟
- اوهوم مثلاً عمیقاً به گفته‌های دینم باور دارم، مثلاً بارها داستان‌های قوم لوط رو شنیدم و می‌دونم نظر دینم در این باره چیه، ولی از طرفی دارم رشته‌ای رو می‌خونم که از نظر علمی این قبیل رفتارها رو گرایش طبیعی آدمی در نظر گرفته.
- خوب می‌دونی خیلی چیزا گرایش طبیعی آدمیه، ولی اخلاق این میان دآوری می‌کنه. اوهوم.
- به نظرت بی‌تی‌اس توی عادی‌سازی روابط هم‌جنس‌گرایانه چه قدر نقش داشته؟
- فکر نکنم بی‌تی‌اس نقشی تو عادی‌سازی روابط هم‌جنس‌گرایانه داشته باشه، ولی فندوم با ساخت فیک‌ها چرا.
- شیپر هستی یا نه؟
- فرندشیپ می‌کنم، در مقابل یکی ممکنه عاشقانه شیپ کنه، این که اعضاء باهم نباشن، احتمالش از این که باهم باشن بیش‌تره و من واقعاً دوستی بین‌شون رو درک می‌کنم.
- خوب بی‌تی‌اس چه تأثیری روی دیدگاه تو در مورد عشق داشته؟
- هیچی آها این که می‌تونم عاشق خودت باشی.
- چه قدر چهره آیدول‌های کی‌پاپ شبیه چهره‌های عادی و عموم جامعه کره هست؟ یعنی غالباً چهره‌های کره‌ای این شکلی هستند یا این آیدول‌ها خوشگل‌شون هستن؟
- به نظرم خیلی متفاوته معمولاً آیدول‌ها کسایی هستن که صورتای کوچیک و چشمای درشتی دارن، ولی عموم مردم برعکس اینه.
- با دیدن جراحی‌های پلاستیک که تو موفقیت یه ستاره تأثیر زیادی داره، به فکر عمل زیبایی نیفتادی؟
- نه، اتفاقاً برعکس. من قبل خیلی به فکر رژیم بودم، ولی یونگی به آرمی‌هاش گفت، لطفاً رژیم نگیرید و خودتون رو به سختی نندازید.
- ولی خیلی دیده می‌شه اعضاء رژیم می‌گیرن و بیش‌تریناش رو که یادمه از جیمین و تهیونگه که همین چند وقت پیش گفت رژیمه و براش سخته این رژیم.
- آخه من دیدم پرخوری می‌کنن و خیلی می‌خورن، ولی خب آره، دیدم مثلاً جین رژیم بوده و اعضاء هی بهش یادآوری می‌کردن که کم‌تر بخوره یا جیمین عزیزم که فقط داشت آب خالی می‌خورد و مثلاً از ۱۵۵ قسمت ران بی‌تی‌اس ۱۰۰ قسمتش جایزه‌هاشون غذا بود.
- جایزه غذا دریافت می‌کنن، فکر نمی‌کنی همین جای تأمل داره؟
- نمی‌دونم، یعنی غذا این قدر براشون ارزشمنده که مسابقه می‌دن تا غذا ببرن؟! خدا داند.



- اگه خبر ازدواج یا قرار ملاقات بایست یا حتی بقیه پسرا رو بشنوی، واکنشت در این زمینه چه خواهد بود؟
خیلی خوشحال می‌شم، البته ممکنه حسودی هم بکنم (می‌خندد).
- همچنین تو که با فندوم‌ها آشنا هستی، می‌تونی بگی احتمالاً تو بین فندوم چه واکنش‌هایی ایجاد می‌شه؟
امممم خیلی هامون دوست داریم شاهد تشکیل خانواده دادن پسرا و دیدن بچه‌های کیوت‌شون باشیم، ولی خب خیلیا هم که فقط پسرا رو به عنوان شوهرشون می‌دونن (باخنده) دیگه همه چی رو کنسل می‌کنن و عصبی شاید بشن و فحش هم بدن و شایدم هیتتر شدن بعداً (باخنده).
- خانواده‌ات در مورد کی‌پاپ اصلاً اطلاعی دارن؟
نه، ندارن.
- چرا؟
چون مطمئناً درکش نمی‌کنن.
- چرا فکر می‌کنی درکش نمی‌کنن؟
احتمالاً وقتی ببین‌شون، می‌گن چی ان این چشم بادومی‌ها و اینا دختران و فلان و بی‌سار یا چرا زبون‌شون این طوره.
- آلبوم‌ها و وسایلی که پسرا مد و ترند می‌کنند یا عروسک‌های بی‌تی ۲۱، فتو کارت و پوستر و موارد مشابه‌شون رو داری؟
نه، نه پولش رو دارم، نه خانواده اجازه می‌ده (می‌خندد)، ولی تازگی عکاسشون رو جمع کردم تو یه پوشه و می‌خوام چاپش کنم و تو اتاقم، تو خوابگاه با این ریسه رنگیا و نوریا بزمن به دیوار، این طوری حتی دیگه خوابگاه برام دلگیر نیست.
- وسایلی که پسرا مطرح می‌کنند، زود تموم می‌شه؟
وسيله رو بی‌خیال، دیروز، پریروز تهیونگ یه بطری آبجو بود، چیزی بود استوری کرد، سریع تموم شد تو مغازه‌ها (می‌خندد) یا یه بار کوکی اومد گفت که نوشیدنی که می‌خوره و مورد علاقه‌اش چیه و بعد یه هفته اومد گفت چه جوری این قدر سریعید، دیگه خودمم نتونستم پیداش کنم و بخرمش (باخنده).
- در مورد دیس‌بند شدن گروه بی‌تی‌اس، در این مورد چه اتفاقی افتاده، می‌تونی توضیح بدی؟
چیز زیادی در موردش نمی‌دونم، چون فکر کردم دنبال کردن این اخبار دیس‌بند شدن‌شون برام خوب نیست و دلم می‌گیره، پس نرفتم سراغش فعلاً که پر قدرت دارن ادامه می‌دن.
- فکر می‌کنی دیس‌بند شدن‌شون چه تأثیری روی حالت می‌گذاره؟
شاید یه غم بزرگی بشینه گوشه قلبم، ولی برای من این مهمه که این هفتا دوست تا آخرش کنار هم باشن و این ثابت شده بهم که حتی با دیس‌بند شدن‌شون دوستی بین اینا از بین نمی‌ره و همین برام کافیه من عاشق دوستی بین‌شونم و فکر به از بین رفتن این دوستی اذیتم می‌کنه، انگار که دوستی من و دوستام داره از بین می‌ره، ولی خب تو این سه سال اخیر ثابت شد که حتی اگر سولو کار

کنن، خونه‌هاشون رو جدا کنن باهم می‌مونن و حتی به هم نزدیک‌تر هم می‌شن، به قول هوپی از وقتی خونه‌هامون رو جدا کردیم، حتی به نظرم به هم نزدیک‌تر شدیم و تتوی دوستی‌شون هم بهم این اطمینان خاطر رو می‌ده.

- برای استریم زدن هیجان داری؟ مثلاً پا می‌شی خیلی خنثی و معمولی وظیفه‌ات رو به عنوان یه طرفدار انجام می‌دی یا نه همراه با شور و هیجانه؟

نه اصلاً خنثی نیستیم، نه غالباً با هیجان و ذوقه، دیدی مثلاً بچه بودیم می‌خواستیم بریم سفر، شب قبلش از شدت ذوق خواب‌مون نمی‌برد و یه استرس باحالی هم داشتیم، اون طوریه.

- این هیجان‌ها غالباً به چه صورته؟ چه علایم فیزیولوژیکی‌ای از خودت نشون می‌دی؟

بینی‌الآنم که یادش افتادم، دستام یخ کرده، من معمولاً این طورییم یا از شدت هیجان خیلی راه می‌رم و نمی‌تونم ساکن باشم و آخرش با دیدن استایل‌های جدیدشون دهنم باز می‌مونه و ناخونام رو می‌خورم و لبخند می‌زنم و این طورییم که اوه گاااا، وات ایز ایت (خدایا، این دیگه چی هست)؟

- در مورد علایم فیزیولوژیکی که وقتی هیئت می‌بینی یا در مقابل ویدیوهای خوب و مثبت در مورد اعضاء می‌بینی، می‌تونی توضیح بدی؟

هیئت می‌بینم، پوکر می‌شم و می‌گم چرا این طوری می‌گن و لب و لوچه‌ام آویزون می‌شه، شاید اگه خیلی ادامه پیدا کنه، معده‌ام هم یاری نکنه و می‌سوزه و پدرم رو در میاره، ولی ویدیوهای خوبشون، مثل آب روی آتیشه همه چی رو می‌شوره می‌بره و لبخند رو مهمون لبام می‌کنه.

- دیدن برخی اجراهای سکسی بی‌تی‌اس، چه تأثیری روی حالت‌های جسمی و روحیت می‌گذاره؟ منظورت حرکات بیسی شونه؟

- فکر کنم.

می‌گم واوووو (می‌خندد) و اون موقع عزرائیل سند مرگ من رو می‌بره برای امضاء (باخنده).



- باعث تحریک نمی‌شه؟

نه چندان.

- آیا در این صنعت اخلاق برای پول قربانی نشده است؟

می‌شه، به خصوص به نظرم برای آیدول‌های دختر و همه‌ی چیزایی که تا الآن گفتیم.

- نگاه زیست محیطی اعضاء بی‌تی‌اس چگونه است؟

تا جایی که من می‌دونم اهمیت زیادی می‌دن، حتی جونگ کوک از گلا بابت چیده شدن شون عذر خواهی می‌کنه، جدا از شوخی واقعاً براشون مهمه، دقیق یادم نیست، ولی در این زمینه فعالیت داشتن پیدا کنم برات می‌فرستم.

- خودت چه قدر نسبت به محیط زیست احساس مسوولیت می‌کنی؟

زیاد، خودم عضو تیم درخت‌کاری و حامی محیط زیست شهرمونم.

- تو بین صحبت‌های خودت اشاره کردی به این که جیهوپ واقعاً ۱۳ تا ماشین رو آتیش زد به نظرت این مسأله در حقیقت با حمایت‌هاشون از محیط زیست مغایر نیست؟

آره می‌دونم یک‌سری آرمی‌ها این طوری خودشون رو قانع می‌کردن که شاید اون ماشین‌ها قراضه هستنند، یک‌سری این طوری که هزینه همه‌اش رو خود جیهوپ داده و یه ریال هم کمپانی نداده و پولداره دوست داشته این کار رو کنه، متأسفانه، متأسفانه، به خاطر حرص و ولع بی‌اندازه‌ی سرمایه‌داری، انسان‌ها، محیط زیست همه و همه آسیب می‌بینن. تا زمانی که این طوریه دنیا اصلاً جای قشنگی نیست، ولی البته اعلام شد، پولی که از طریق یوتیوب و اسپاتیفای این موزیک ویدیو به دست اومده، به یه مؤسسه بیماری‌های خاص توی شیکاگو داده شده.

- تو همین‌ها و هیئت‌ها غالباً از سوی چه کسانی؟ طرفدارای رقیب و دیگر خواننده‌ها، مذهبی‌ها و یا قشر خاص دیگری؟

نمی‌دونم، نرفتم مثلاً شجره نامه‌ی کسی که هیئت می‌ده رو بررسی کنم (باخنده).

- بی‌تی‌اس توی معنا بخشی به زندگی تو چه تأثیری داشتن؟

توی این جهان با این همه تعریفی که ازش داشتم، مسیر زندگی رو بهم نشون دادن.

- چه مسیری؟

چیز جدیدی ندارم براش بگم، گفتم همین که تلاش کنم تا قبل از این که زمانم تموم شه، بتونم به چیزهایی که می‌خوام برسم.

- به چیزهایی می‌خواهی برسی؟

تجربه‌های جدی، هر چیزی که تو این دنیا می‌تونم تجربه‌اش کنم به بهترین نحو از این دنیا و زیبایی‌هاش بهره ببرم.

- می‌تونی برام مثال بزنی؟

مثلاً ورزشای مختلف مثل تیراندازی و اسب سواری رو امتحان کنم، درس رو بخونم و موفق بشم، خونه مورد علاقه خودم رو بسازم و سعی کنم تأثیرگذار باشم، کتاب بنویسم و اسمی ازم باقی بمونه.

- عزیزم موضوعی نیست که دوست داشته باشی در موردش صحبت کنیم و من بهش اشاره‌ای نکرده باشم؟

این که علاقه‌ای که من به عنوان یه جوون به بی‌تی‌اس دارم بچه‌گانه تلقی نشه و باور کنید ما اون قدر خوبی از این هفتا فرشته دیدیم که طرفدارشون شدیم و بی‌تی‌اس یه توده‌ی مضر نیست برای ما، بلکه مفید، الهام بخش و کمک کننده هست.

- به نظرت بزرگ شدن با بی‌تی‌اس بهترین شیوه است؟

من همیشه با پسوندترین مخالفم، ولی همون طور که گفتم، توی این دنیای امروزی با این همه بدی‌هایی که وجود داره، بی‌تی‌اس خیلی اتفاقات مثبتی رو در این زمینه رقم زده.

- مرسی قشنگم خسته نباشی.

ممنون. مصاحبه خوبی بود.

تأملی دوباره

مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

مرضیه در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: شناخت روان‌شناسی جوان پر عاطفه و احساس توسط کمپانی، توجه کمپانی به حواشی برای جذب بیش‌تر طرفدار و مخاطب، تلاش برنامه‌های ران بی‌تی‌اس برای اقناع مخاطبان در جهت پذیرش برتری شخصیت‌های بی‌تی‌اس، کمپانی تنها در پی کسب سود حداکثری است، بی‌توجهی کمپانی به بهداشت روانی ستاره‌ها، تنبیه و زدن ستاره‌ها در کمپانی، کمپانی به دنبال فریب‌کاری است و جنسیت‌زدایی از پوشش، اشاره داشته است.

مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: انگیزه‌بخشی گروه بی‌تی‌اس به افراد، نودوستی اعضای گروه بی‌تی‌اس، برتری هنری گروه بی‌تی‌اس، رابطه صمیمی ستاره‌ها با هواداران، تربیت خلاق هواداران در جریان طرفداری آنان از گروه بی‌تی‌اس، برخورد متعارض برخی از هواداران با گروه بی‌تی‌اس (در عین منتسب کردن خود به شعارهای گروه بی‌تی‌اس، ضد آن عمل کردن)، اقدام‌های گروه بی‌تی‌اس در جهت حمایت از زیست محیط و اقدام‌های ضد زیست محیطی گروه بی‌تی‌اس، اشاره داشته است.

مرضیه در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: ورود به کی‌پاپ از طریق کی‌درامر، هویت‌یابی افراد بی‌هویت، ایجاد هویت گروهی و جمعی و حس هم‌خانواده بودن، مواجهه با صنعت سرگرمی، ارزش هنری گروه، هیجان صحنه در اجرای بی‌تی‌اس، اثرگذاری در روابط اجتماعی هواداران، فراخواندن به عصیانگری اجتماعی، یادگیری زبان کره‌ای، رابطه یافتن با دیگر فن‌ها (یافتن دوستان بین‌المللی)، انگیزه‌بخشی به افراد، تعمیق رابطه با هواداران، تربیت خلاق هواداران، امید بخشیدن به جوانان، کسب منافع اقتصادی از قبل گروه بی‌تی‌اس، ایجاد درگیری بین هواداران، شکل‌گیری هویت گروهی در هواداران، تغییر مسیر توجه و آرامش‌بخشی، هویت‌یابی افراد بی‌هویت (درگیری هواداران)، برخورد عاطفی عمیق با اعضای گروه (تا جایی که افتخار به عقاید خویش را به آنان منتسب می‌کند که در عمل ضد آن اقدام می‌کنند)، انجام کارهای نودوستانه، حمایت از زیست محیط، عمق برخورد عاطفی با اعضای گروه که افتخار به ملیت خویش را به آنان منتسب می‌کند، بی‌تفاوتی نسبت به بهداشت روانی ستاره‌ها (با هدف قرار گرفتن سود)، تحریک کنندگی وان‌شات‌ها، عشق تخیلی، مشکلات جسمانی در روند طرفداری، تحریک جنسی، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه مرضیه ۱۹ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، مرضیه در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی - سیاسی، هنری، هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

مرضیه در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: ورود به کی‌پاپ از طریق کی‌درامر، انگیزه‌بخشی به افراد، تربیت خلاق هواداران، امید بخشیدن به جوانان، تغییر مسیر توجه و آرامش‌بخشی، بی‌تفاوتی نسبت به بهداشت روانی ستاره‌ها (با هدف قرار گرفتن سود)، تحریک کنندگی وان‌شات‌ها، عشق تخیلی، مشکلات جسمانی در روند طرفداری و تحریک جنسی، یاد کرده است. مرضیه در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: هویت‌یابی افراد بی‌هویت، ایجاد هویت گروهی و جمعی و حس هم‌خانواده بودن، هیجان صحنه در اجرای بی‌تی‌اس، اثرگذاری در روابط اجتماعی هواداران، فراخواندن به عصیانگری اجتماعی، رابطه یافتن با دیگر فن‌ها (یافتن دوستان بین‌المللی)، تعمیق رابطه با هواداران، ایجاد درگیری بین هواداران، شکل‌گیری هویت گروهی در هواداران، هویت‌یابی افراد بی‌هویت (درگیری هواداران)، برخورد عاطفی عمیق با اعضای گروه (تا جایی که افتخار به عقاید خویش را به آنان منتسب می‌کند که در عمل ضد آن اقدام می‌کنند)، عمق برخورد عاطفی با اعضای گروه (که افتخار به ملیت خویش را به آنان منتسب می‌کند)، انجام کارهای نودوستانه و حمایت از زیست محیط، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: مواجهه با صنعت سرگرمی، یادگیری زبان کره‌ای، سخن گفته است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای اقتصادی- سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: کسب منافع اقتصادی از قبل گروه بی‌تی‌اس، سخن گفته است.

مرضیه در توصیف «اثرهای هنری هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: ارزش هنری گروه، سخن گفته است. از بیانات اخیر مرضیه ۱۹ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با پریناز، ۱۸ ساله

توی عکس‌هاشون نگاه کنی، شوگا دامن پوشیده، نامجون کت با دامن پوشیده و می‌خوان این مفهوم رو برسونن که لباس‌ها جنسیت ندارن و مخالف این تفکیک جنسیت هستن و معتقدن ان که لباس‌ها رو نباید طبق جنسیت، جدا کرد.

- سلام عزیزم وقتت بخیر آماده‌ای؟

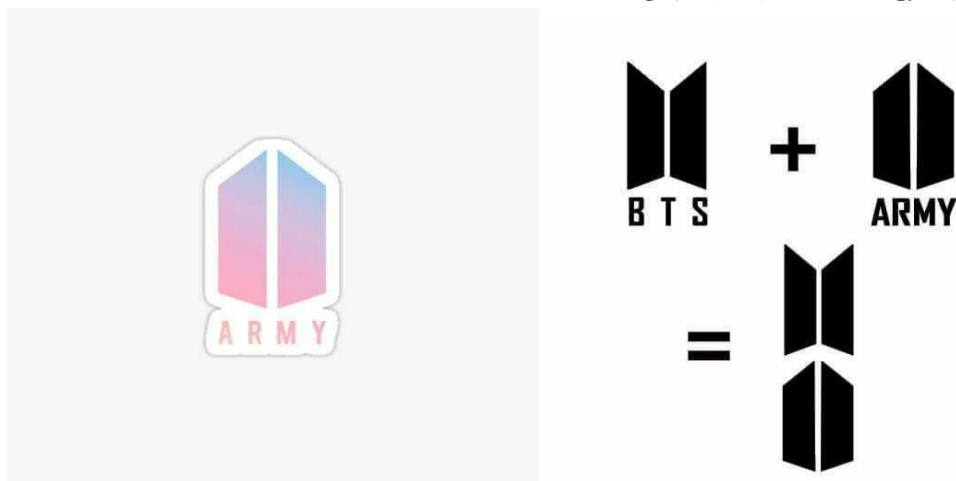
بله خوشگلم.

- چند وقت هست که آرمی هستی؟

من حدود چهار سال می‌شه که آرمی هستم.

- عزیزم می‌شه درباره اعضای این گروه بهم بگی؟

گروه بی‌تی‌اس هفت نفر هستن. این گروه برای کره جنوبی هست و اعضای گروه جین، نامجون، شوگا، جیهوپ، جیمین، تهیونگ و جونگ‌کوک هستند. بزرگ‌ترین اون‌ها جین و کوچک‌ترین اون‌ها جونگ‌کوک هست. هر کدوم از اون‌ها توسط طرفداراشون با برخی خصوصیات خاص شناخته می‌شن، اسم طرفداران‌شان آرمی هست و رنگ این گروه و طرفدارانش بنفش هست. این گروه به نام بنگتن بویز هم شناخته می‌شه که اسم کره‌ایش به معنی پسران ضد گلوله هست. این گروه در سال ۲۰۱۰ تشکیل شد و در سال ۲۰۱۳ هم شروع به فعالیت زیر نظر کمپانی بیگ هیت کرده.



- چه چیزی در شخصیت این اعضاء وجود داره که توجه تو رو به خودش جلب کرده؟

هر کدوم ویژگی خاص خودش رو داره، مهربون بودن‌شون، به فکر آرمی‌ها بودن‌شون، درک بالایی که دارن و هدف‌هایی انسان‌دوستانه‌شون، کمک‌هایی که به فقرا و کودکان سرطانی کردن، کمک‌های بشر دوستانه برای تمام افراد دنیا و... از هزاران دلیلی هست که من خودم این گروه رو انتخاب کردم تا استند کنم، یعنی حمایت‌شون کنم، اون‌ها در بدترین شرایط هم به خاطر آرمی‌ها قوی می‌مونن و ادامه می‌دن و آرمی‌ها که این تلاش‌ها رو می‌بینن بیش‌تر به خودشون برای حمایت اون‌ها افتخار می‌کنن.

بعد یه نکته بگم، چیزی که باعث جذب این همه آدم به آرمی‌ها می‌شه احترامه، اون‌ها واقعاً احترام خیلی زیادی برای همه قایل هستن، برای مثال گروه بی‌تی‌اس در طول سال میتینگ (ملاقات) دارنند با آرمی‌ها و باهاشون طی این میتینگ صحبت می‌کنن، همه از جاهای مختلف می‌رن که پسرانمون رو ببینن، وقتی که آرمی‌های مسلمون رفتن دیدن‌شون، برای این که خانم‌های مسلمون که حجاب داشتند، اذیت نشن سعی می‌کردن به اون‌ها زل نزنن یا موقعی که به قول خودمون می‌زنن قدش، خب آرمی‌های مسلمون چون به تماس با نامحرم و اینا حساس ان، پسرانمون حواس‌شون بود تا اونا اگه اقدامی نکردن، دست ندن یا مثلاً اگه اونا دست‌شون رو جلو آوردن، دست بدن و این حرفا یا وقتی کنسرت دارن، وقتی اذان پخش شد، توی یکی از کنسرت‌ها به احترام اذان آهنگ رو قطع کردن و گذاشتن

اذان تموم بشه، بعد کنسرت رو ادامه دادن که به آرمی‌های مسلمان احترام گذاشته باشن یا در یه مثال دیگه، هر کدوم از اعضاء رنگ میکروفون‌هاشون خاصه و مختص خودشونه، مال جیمین طلاییه که توی عربستان این رنگ رو برای مرد جایز نمی‌دونن (!)، ظاهراً برای همین وقتی اونا کنسرت داشتن، جیمین دور میکروفنش پارچه پیچید که یه جورایی به این سنت احترام گذاشته باشه و حتی اعضاء برای سایر ادیان احترام قایل ان حتی برای بغل کردن دخترا دست‌هاشون رو مشت می‌کنن که یه وقت دست‌شون بدن دختر رو لمس نکنه یه وقت اون‌ها معذب شن یا احساس بدی بهشون دست بده و این احترامی که برای همه قایل هستن قابل ستایشه.



- توی این گروه آیا فردی هست که بیش‌تر بهش علاقه داشته باشی؟

وقتی که یه آرمی یکی از اعضاء رو بیش‌تر از بقیه دوست داره، بهش می‌گن بایس، مثلاً می‌گن فالانی بایس منه. اگه یه آرمی همه رو به یه اندازه دوست داشته باشه، می‌گن اُ تی سون. من خودم اولین بایسم تهیونگ بود، ولی الان جونگ‌کوک شده یه جورایی، به خاطر اینکه ظاهرش به تیپیکال من می‌خوره و دوستش دارم، البته من همه اعضاء رو دوست دارم، خیلی هم دوس‌شون دارم و برای هر کدوم‌شون احترام زیادی قایل‌م، ولی خب یه کوچولو جونگ‌کوک رو بیش‌تر دوست دارم، ولی همون طور که عکس‌های جونگ‌کوک رو ببینم، ممکنه ذوق کنم، همون قدر هم برای سایر اعضاء ذوق می‌کنم.

در رابطه با جونگ‌کوک اگه تو اینترنت سرچ کنید می‌بینید، دست راستش فول تنوعه و خب پیرسینگ هم استفاده می‌کنه، اینا یه ذره در تصمیم بایس من تأثیر داشت و این که جونگ‌کوک کوچیک‌ترین عضو این گروهه اون رو با عنوان خرگوش هم می‌شناسن، چون دندوناش خرگوشیه و فیسش شبیه خرگوش می‌مونه. بعد هر کدوم از اعضاء یه سری ویژگی‌های خاص دارن که آرمی‌ها اونا رو با این ویژگی‌ها می‌شناسن، ولی خب می‌تونم بگم که کلاً جونگ‌کوک چون شخصیتش به من نزدیکه، بایس منه، ولی اولین بایس من تهیونگ بود که الان تغییر کرده به جونگ‌کوک، ولی می‌گم همچنان تهیونگ رو هم دوست دارم، این دوتا بیش‌تر به شخصیت من نزدیک ان، بایس‌رکر هم به کسی می‌گن که بعد از بایست بیش‌تر دوستش داری که برای من شوگا هم حکم بایس‌رکر رو داره.



- عزیزم چه طور با این گروه آشنا شدی؟

من اول با دیدن چندتا فیلم کره‌ای، به دیدن فیلم‌هاشون علاقه پیدا کردم، بعد عاشق کره جنوبی شدم، بعد از اون باعث شد به آهنگ‌هاشون هم علاقه‌مند بشم و اولین گروه کره‌ای که من حمایتش کردم و طرفدارش شدم، اکسو و بعد با گروه بی‌تی‌اس آشنا شدم و خب بعد بیش‌تر آهنگ‌شون رو گوش کردم و دنبال کردم و هنوز آرمیلم بین آرمیل مخفف کلمه‌ایه که معنی‌ش می‌شه کسی که هم طرفدار اکسو هم طرفدار آرمی هست.

بعد یه موضوعی رو باید بگم، خیلی‌ها فک می‌کنن طرفدارهای بی‌تی‌اس همه‌شون بچه‌ان و رده سنی‌شون زیر ۱۵ هست که اصلاً این حرف درستی نیست، اگه شما توی گوگل سرچ کنی، طرفدار بی‌تی‌اس خیلی‌هاشون آدم‌های مشهور با سن‌های بالا هستن و اگه کنسرت‌هاشون رو ببینید، متوجه می‌شید که خیلی‌ها هستن که از هجده به بالا هستن حتی گروه بی‌تی‌اس فن‌های ۶۰ و ۷۰ ساله دارن.



- آیا نسبت به این گروه تعصب خاصی دارین یا تا به حال پیش اومده با فن‌های دیگه دعوا یا بحث بکنین؟

من به شخصه خودم تعصب خاصی ندارم و تا حالا نشده بخوام با کسی بحث بکنم راجع بهش، ولی آرمی‌ها با هیترها خیلی مشکل دارن، هیترها کسانی هستن که اسم‌شون مشخصه که از آرمی‌ها و گروه بی‌تی‌اس متنفرن.



این افراد از جملات خیلی بدی استفاده می‌کنن در مقابل بی‌تی‌اس و خب این خیلی برای آرمی‌ها موضوع مهمیه، چون همون طور که گفتم برای آرمی‌ها بی‌تی‌اس عزیزه و دوست ندارن درباره اعضا و پسرآمون چیز بدی بگن، گر چه حرف‌هاشون به جایی نمی‌رسه و نمی‌خوایم این موضوع اعضا رو ناراحت بکنه و آرمی‌ها روی این موضوع حساس ان. اونا وقتی هیتر می‌بینن، سعی می‌کنن اول باهاشون خوب رفتار کنن، ولی وقتی اونا توهین کنن، آرمی‌ها هم ساکت نمی‌مونن خب و یه سری تعصبات خاصی هست که اول بهتره این رو بگم که یه عده معتقد ان که بی‌تی‌اس هم‌جنس‌گراس، خب این موضوع درست نیست یا بهتره بگم فعلاً چیزی مشخص نیست، چون ما فعلاً چیز خاصی نمی‌دونیم، تا حالا چیزی گفته نشده به جز جیمین که به صورت رسمی اعلام کرد چند هفته پیش با چندتا چیز کوچیک که بای سکشوال هست، ولی درباره اعضای دیگه چیزی نمی‌دونیم و خب درست نیست که به کل اعضا نسبت بدیم. یه سری شپ‌ها هستن به اسم ته‌کوک که ته‌یونگ و جونگ‌کوک رو باهم شپ می‌کنن، یه سری مینکوک که جیمین رو با کوک شپ می‌کنن نامجین و... . خیلی از این چیزا هست که دوتا از اعضا رو باهم شپ می‌کنن که می‌گن گی هستن یه سری‌هاشون تعصبی ان، مثلاً اگه بگی ته‌یونگ و جونگ‌کوک شپیر ان، ممکنه با یه مینکوک شپیر یه کم روی این موضوع مشکل دارن، باهم ولی در کل آرمی‌ها می‌دونن که اعضا همه‌شون هم جنس‌گرا نیستن، دلیل ساخت این شپ‌ها اینه که بعضی از اعضا باهم رابطه خیلی خوبی دارن و در واقع جزئی از خانواده هم دیگه حساب می‌شن، ولی خب به این معنی نیست که گی هستن، ولی یه سری‌هاشون تعصبی ان یه سری‌هاشون هم نیستن ته‌کوک یکی از پرطرفدارترین شپ‌ها هست.



یکی دیگه از موضوعاتی که گروه بی‌تی‌اس و هم آرمی‌ها باهاش مشکل دارن، ساسین‌فن‌ها هستن. اونا بی‌تی‌اس رو دوست دارن، ولی علاقه زیادشون منجر به کارهای خطرناک می‌شه، مثلاً وقتی اعضا می‌رن تور کنسرت برگزار می‌کنن، وقتی وارد هتل می‌شن، بعضی

از اونا وارد هتل اونا می‌شن، یه سری از وسایل اعضا رو برمی‌دارن یا می‌رن توی اتاق اونا عکس می‌گیرن، کلاً مزاحمت ایجاد می‌کنن برای اعضا و آرمی‌ها از اونا متنفرن و کمپانی یه لیستی داره که بهش می‌گن بلک لیست، اسم خیلی از این ساسین‌فن‌ها توشه که برای بی‌تی‌اس تهدید هست یه سری افراد هم هستن که جدایی از کمپانی توی لیست بلک لیست خود گروه بی‌تی‌اس هستن که یه عده‌شون باز ساسین‌فن هستن یه عده‌شون آدم‌های مشهور هستن که به گروه بی‌تی‌اس بی‌احترامی کردن.



بعد یه نکته جالب که بگم، اینه که اگه همه این آرمی‌ها چه شیپر، چه غیرشیپر، چه تعصبی، چه غیرتعصبی، همه‌شون، اگه متوجه بشن که بی‌تی‌اس مشکلی داره، اگه متوجه بشن جریانی باعث ناراحتی اعضا می‌شه، چنان اتحادی باهم دارن که می‌تونم بگم برای هرکسی می‌تونه ترسناک باشه. آرمی‌ها همدیگه رو خانواده هم می‌دونن، اگه یه آرمی رو یه جا ببینی و جفت طرف آرمی باشن، چنان صمیمیتی باهم دارن که انگار خواهر و برادرن و این خیلی قشنگه اتحادی که بین شون هست.



- اطلاعات خاصی درباره هر کدام از اعضا داری؟ و این که چه چیزی در هر یک از این‌ها هست که باعث جذب آرمی‌ها به اون‌ها شده؟

خب هر کدام از پسران یه سری ویژگی‌های خاص خودشون رو دارن بذار پس دونه دونه برات تعریف کنم. این عکس که برات فرستادم، نامجون هست. نامجون لقبی که توی گروه داره، ماشین مخرب هست چون به عقیده خودش به هر چی دست بزنه خراب می‌شه، خب نامجون رپر گروهه و مدیر گروه هم هست. البته چند آهنگ هم انفرادی خونده و منتشر کرده.



و یکی دیگه از اعضای جیمین هست که لقبی که خودش به خودش داده، ورلد واید هندسام یعنی یه جورایی همون جذاب خودمون و خب بقیه اعضای خوش‌شون اومده و این لقب رو بهش دادن. طبق اون چیزی که من می‌دونم، رشته اصلیش بازیگری هست.



و شوگا هم عضو گروه بی‌تی‌اس هست وخب رپر دیگه گروهه و این که برای گروه‌های دیگه هم آهنگ‌سازی انجام می‌ده. بعد لقب معروف شوگا، پادشاه خوابه چون پسرم زیاد می‌خوابه. یه بار توی لایو می‌گفت وقتی خسته باشه دیگه به هیچ چیز اهمیت نمی‌ده و مکانش براش مهم نیست، مثلاً وسط خیابون هم باشه راحت می‌گیره می‌خوابه.



جیهوپ هم لقبی که داره ساین شاین هست، به خاطر این که وقتی ناراحت باشی هرطوری باشه سعی می‌کنه بخندونت و این که رقصنده اصلی گروهه و پسرم سومین نفریه که به این کمپانی و گروه ملحق شده.



جیمین هم ترانه سرا و یکی دیگه از رقصنده‌های گروه هست که لقبی که داره موجی هست که اسم شیرینی ژاپنی هاس، ظاهراً به خاطر این که خیلی کیوت و بامزه هست.



و اما تهیونگ می‌تونم بگم یکی از بهترینا هست، واقعاً که بهش وی هم می‌گن که عاشق بازیگری هم هست و البته چندتا فیلم هم بازی کرده و این که خواننده گروه بی‌تی‌اس هم هست و لقبش آدم فضاییه، چون به شدت رفتارهاش عجیب و بامزه هست.



و آخرین نفر که بایس من هم هست جونگ‌کوک هست که کوچیک‌ترین فرد گروهه و لقبش گلدن مکنه، چون پسر هر کاری که دلش می‌خواد انجام می‌ده و کسی نمی‌تونه مانعش بشه.



- عزیزم درباره کمپانی بی‌تی‌اس اطلاعاتی داری؟

اسم کمپانی هایب که الان این اسم رو داره، قبلاً اسمش بی‌کیت بود و دلیل این تغییر اسم اینه که این کمپانی قبلاً فقط توی کره بود، ولی خب از اون جایی که توسعه پیدا کرده و با کمپانی‌های دیگه ظاهراً قرارداد می‌بنده، به خاطر همین اسمش رو عوض کرده. در هر کمپانی وقتی که بخواین آودیشن بدین، مثل یه آزمون می‌مونه. وقتی شخصی می‌خواد وارد کمپانی بشه باید آزمون‌های خاص بده که شامل تست‌های مختلف می‌شه، چه رپر بخوای بشی، چه رقص، چه آواز و... آزمون‌های مختلف و گال یعنی خواننده اصلی، و سخت‌گیری‌های خیلی زیادی می‌کنن و هر کسی رو قبول نمی‌کنن، یه سری ملاک‌های خاص داره خب من یه سری چیزا شنیدم یا توی جاهای مختلف درباره کمپانی خوندم، این بوده که کلاً به اعضای کشورهای دیگه سخت‌گیری‌های بیش‌تری می‌کنن و خب اکثراً براشون زیبایی ملاک مهمی به حساب میاد، بیش‌ترشون که توی کمپانی عضو هستن، اعضاء رو مجبور می‌کنن که جراحی انجام بدن که من شنیدم به شدت این عمل‌ها سخته، ولی خب واقعاً تأثیر زیادی روی چهره این افراد داره، ولی بی‌تی‌اس هیچ کدوم از اعضاء هیچ‌گونه عمل زیبایی گفته می‌شه نداشتن، چون چهره‌شون توسط کمپانی تأیید شده، ولی اونایی که بدونن مهارت لازم رو دارن، ولی چهره‌شون خوب نیست، مجبور می‌کنن، عمل کنن. وقتی توسط کمپانی اعضاء تأیید شدن و شروع می‌کنن به ساخت آهنگ، کمپانی خیلی حمایت می‌کنه. اولش که یکی از مزایاش به حساب میاد، ولی بعد از یه مدت که اینا مشهور و معروف می‌شن، اگه کمپانی ذره‌ای حس کنه، از مشهور بودن و محبوبیت اعضاء کم شده و به ضرر کمپانی هست، حمایتش رو کم‌تر می‌کنه و به اصطلاح می‌گن گروه دیس‌بند می‌شه که خیلی کم پیش میاد این موضوع.

دوتا نکته که توی کمپانی مطرح هست، این که می‌گن اگه اعضاء اشتباهی مرتکب بشن، کمپانی سریع می‌اندازه بیرون اون شخص رو و یه شخص دیگه رو جایگزین می‌کنه و یه موضوع دیگه اینه که از طریق حاشیه‌سازی منفی بعضی وقتا می‌خواد آیدول‌هاش رو معروف کنه، در حالی که ممکنه این هیئت‌ها به اعضاء آسیب بزنه، ولی خب این کار رو می‌کنه. این دوتا مورد رو خیلی انجام می‌ده که جز معایب این کمپانی هست.

یکی از بزرگ‌ترین معایبی که همه کمپانی‌ها توی کره جنوبی دارن رژیم غذایی هست که طبیعتاً وقتی یه گروه دیبو می‌کنه، یعنی شروع می‌کنه به آهنگ خوندن و فعالیت، یکی از چیزهایی که مردم خیلی بهش توجه می‌کنن ظاهر اعضاء هست، به خاطر همین کمپانی شرایط به شدت سختی رو برای اعضاء به وجود میاره، تمام خواننده‌های موسیقی پاپ کره، همه‌شون رژیم‌های خیلی سخت داشتن اوایل، به خاطر این که باید وزن‌شون به یه وزن ایده‌آل و خاص برسه و تا بتونن شروع به کار کنن و وارد کمپانی بشن تا جایی که یادمه وزن ایده‌آل اگه اشتباه نکنم ۵۹ کیلو باید باشه و خب این جوری یه وزن خاصی رو مشخص می‌کنن که همه باید طبق اون عمل کنن و رژیمش این طوریه که صبح فقط یه دونه سیب می‌تونن بخورن، ظهر اندازه یه کف دست مرغ، شب فقط سالاد. بعد ممکنه این رژیم رو تا چند ماه ادامه بدن تا به وزن ایده‌آل برسن، تازه بعدش هم رژیم مخصوص دارن و آزاد نیستن. من رژیم‌های زیادی دیدم از این کمپانی‌ها حتی یه نفر شنیدم که می‌گفتن برای این که لاغر بکنه، فقط از صبح تا شب یخ می‌خورد. البته این رژیم‌ها نسبت به وزن و هیكل طرف فرق داره و برای هر کمپانی هم متفاوته و بعدش هم کمپانی به اعضاء اجازه این که اون‌ها غذای پرکالری و پرچرب بخورن رو نمی‌ده. تمام اعضاء کارهاشون زیر نظر کمپانی انجام می‌شه، تمام کارهاشون، حرف‌هاشون و... و خب توی لباس

پوشیدن هم حق انتخاب ندارند و باید با کمپانی هماهنگ کنند. افراد وقتی با کمپانی قرارداد امضاء می‌کنند، در واقع این اجازه رو به کمپانی می‌دن که اون‌ها رو کنترل کنه، به خاطر این که از صدمه زدن به گروه خودداری بشه و دوم این که کمپانی ضرر نکنه و همون طور که گفتیم، این رژیم گرفتن از مواردیه که کمپانی سعی می‌کنه وزن اعضاء رو روی درصد خاصی نگه داره و نگذاره بالاتر بره، اینا معایبش بود. البته مزایایی داره که وقتی گروه شروع به کار می‌کنه، از شون حمایت می‌کنه و این که افراد رو خیلی سریع معروف می‌کنه و خب امکانات زیادی رو در دسترس اعضاء قرار می‌ده، آهنگ‌های با کیفیت رو تولید می‌کنن و برای موزیک ویدیوها هزینه‌های بالایی می‌کنه، اگر هم گروهی خیلی مشهور نشه، ولی محبوبیت رو داره و این نکته خوبی هست برای افراد که به عنوان یه جور تضمینه و یه نکته دیگه این که این کمپانی خیلی به سن اهمیت نمی‌ده، چون یه زمان‌هایی کمپانی اعلام می‌کنه، برای مثال از سال ۲۰۰۸ می‌خوایم تا ۲۰۱۲ بعد افراد توی این رده می‌رن و آزمون می‌دن، ولی اکثراً سن کم می‌خوان و اگه اونا قبول بشن یه سری آموزش‌ها باید ببین توی حیطة‌های مختلف، مثلاً روی رقص‌شون، روی صداشون و خیلی چیزهای دیگه کار می‌کنه، وقتی کمپانی حس کنه گروه از هر جهت آماده هس، بهش می‌گن دیبو کنه، یعنی شروع کنه به آهنگ دادن و سعی می‌کنن آهنگ بیش‌تر بدن بیرون و گاهی ممکنه آمادگی یه گروه برای شروع به کار سه ماه طول بکشه، ممکنه یک سال طول بکشه و این‌ها متغیره و یه نکته دیگه اینه که وقتی فردی قبول شد در کمپانی، ازش می‌پرسن می‌خوای سولو یعنی تنها کار کنی یا گروهی. بی‌تی‌اس گروهی بود که بن شی هیوک از نامجو پرسید که می‌خوای تنها کار کنی یا گروهی، گفت گروهی و الآن ما گروه بی‌تی‌اس رو داریم. وقتی که شخصی این تست رو می‌ده، کمپانی نگاه می‌کنه می‌بینه که شخص توی چه حوزه‌ای مهارت بیش‌تری داره، مثلاً یه نفر توی رپ بهتره میاد اون رو تقویت می‌کنه یا مثلاً اگه یه نفر رقصش بهتر باشه، میاد این موضوع رو تقویت می‌کنه و استعدادهای اون‌ها رو به ایده‌آل‌ترین حالت ممکن درمیارن، براشون مربی می‌گیرن و کلی کار دیگه. یکی دیگه از نکته‌های مثبت این کمپانی اینه که همه‌ی اعضاء رو به یه اندازه دوست دارن و این طوری نیست که به یکی بیش‌تر بهاء بدن و تفاوتی بین هیچ کس قایل نیستن و این خیلی جالبه برام و تعادل ایجاد می‌کنن یه جورایی و به سلامت جسمی و روحی آیدول‌ها در کنار هم خیلی توجه می‌کنن. من یه جایی خوندم که هر عضو یه روان‌شناس مخصوص خودش داره که اگه متوجه بشن شخص مشکل داره، می‌تونن بره و صحبت بکنه با روان‌شناس خودش و کمپانی تمام تلاشش رو می‌کنه که اعضاء حال‌شون خوب باشه. یکی دیگه از موضوعات که توی همه کمپانی‌ها هست، قرار گذاشتن که بعضی کمپانی‌ها خیلی سخت‌گیرن چون ممکنه به وجهه هنری اعضاء و کمپانی آسیب بزنه، برای همین حساس ان، به خاطر همین می‌گن اگه می‌خوایین قرار بذارین، فقط باید با اعضاء این گروه قرار بذارین، بعضی‌ها هم می‌گن کلاً قرار نذارید، ولی کمپانی بی‌تی‌اس باز آزادی بیش‌تری نسبت به بقیه کمپانی‌ها می‌ده به اعضاءش، بازم می‌گم که باید زیر نظر کمپانی باشه و تا وقتی اجازه نده، نمی‌شه ولی کمپانی به اعضاء آزادی هنری می‌ده، مثلاً نقاشی بکشن و آهنگ بسازن و این جور چیزا و اون دوره‌ای که گفتیم کمپانی شخص رو آماده می‌کنه که شروع به کار کنه که می‌شه یه جورایی کارآموزی خودمون، ظاهراً می‌گن خیلی سخت نیست و راحت چون کمپانی می‌خواد به بهترین نحو انجام بشه این رویه. خب درباره کام‌بک بذار بهت بگم یعنی موزیک ویدیو جدید که گروه قراره بده که کمپانی خیلی به اعضاءش نمی‌گه تند تند آهنگ منتشر کنن، چون تأکید زیادی روی کیفیت داره، توی موزیک ویدیو خیلی سخت‌گیری دارن، بک آپ دنسر افرادی هستند که عضو گروه نیستن، ولی رقصنده فرعی هستند که باید اون‌ها رو آماده کنن، روی صدای اعضاء کار کنن و... برای همین پروسه‌شون طولانی مدت هست، ولی بعضی کمپانی‌ها زمان استراحت زیادی به اعضاء نمی‌دن و باید پشت هم آهنگ بیرون بدن و هر دفعه سبک کار رو عوض می‌کنه و هر سری متنوع هس، مثلاً اگه یه بار رماتیک بود، سری بعد یه جور دیگه هس و این کار رو انجام می‌دن، برای جذب مخاطب از هر طیفی و هم این که برای طرفدارهاش تکراری و خسته کننده نشن و موضوع بعد اینه که گروه بی‌تی‌اس توی دوران کارآموزی سختی زیاد کشیدن چون اکثر اعضاء مشکلات مالی داشتن و اون دوران کمپانی هم هنوز وضع مالی خوبی نداشته و در واقع یه کمپانی تازه تأسیس بوده و شهرت خیلی خاصی هم نداشته، برای همین بودجه خیلی زیادی نداشته که جای مخصوص برای اعضاء خودش در نظر بگیره، برای همین مشکلاتی توی اون دوران بوده، ولی الآن خب کمپانی وضع خیلی خوبی داره، ولی سخت‌گیری داره، ولی چون بی‌تی‌اس گروه مشهور و جا افتاده‌ای هست، سخت‌گیری‌هاش یه کم کم‌تر

شده، یه سری سخت‌گیری روی رژیم و اینا همچنان هست، یادمه یه بار شوگا لایو گذاشته بود و می‌گفت من نمی‌تونم خوب غذا بخورم. یه موضوع دیگه‌ای که جین ازش شکایت می‌کرد، درباره رنگ موهاش بود. خب کمپانی برای هر کدوم از موزیک ویدیوهاش اعضاء رو مجبور می‌کنه که رنگ موهاشون تغییر بدن و اگه توی گوگل نگاه کنی می‌بینی.



اعضاء توی عکس‌های مختلف رنگ موهاشون فرق داره و خب اونا خودشون اجازه ندارن بدون اجازه کمپانی رنگ موهاشون رو عوض کنن، ولی اگه کمپانی بگه طبق قرارداد باید انجام بدن، کمپانی یه سری قوانین داره، مثلاً اعضاء نباید توی لایوهایشون درباره کامیک‌هاشون و موزیک ویدیوهاشون چیزی بگن، یعنی نباید درباره برنامه‌هاشون بدون اجازه کمپانی چیزی بگن و یه موضوع دیگه که کمپانی اجازه برقراری ارتباط با دخترها رو به اعضاء خودش نمی‌ده یا وارد رابطه شدن با افراد خود کمپانی یا نزدیک شدن به اعضاء دختر هم حتی برای اونا ممنوع اعلام شده، چند وقت پیش میکاپ آرتیست (آرایشگر) خصوصی جیمین از کارش استعفا داد و دلیلش هم این طوری اعلام کرد که احساس می‌کنه که داره به جیمین علاقه‌مند می‌شه و خانم بود، چون قوانین می‌گه نباید این افراد وارد رابطه با کسی بشن یا ازدواج کنن، یکی دیگه از سخت‌گیری‌ها اینه که اعضاء تایم خیلی زیادی تمرین می‌کنن هر روز. یعنی اعضاء روزی هشت ساعت باید تمرین می‌کردن.

بعد یه موضوعی که هست اینه که فن‌ها اصلاً از رئیس کمپانی خوششون نمیاد، مثلاً کمپانی اسام همین طوره، گروه اکسو از رئیس کمپانی تنفر دارن، خیلی چون اذیت می‌کنن و سخت‌گیری‌های عجیب دارن، ولی درباره گروه آرمی، باز بهتره و یکی دیگه از کارهایی که کمپانی انجام می‌ده و به نظرم اشتباهه، اینه که اعضاء رو مجبور می‌کنن توی شوها و یه سری برنامه‌ها شرکت کنن و گاهی توی این برنامه‌ها ممکنه به اعضاء بی‌احترامی بشه، در قدیم این اتفاق افتاده، این مورد تحقیرها خیلی بده و برای آرمی‌ها قابل بخشش نیست و اون بلک لیستی که برای آرمی‌ها وجود داره، برای همین شوها و برنامه‌هایی که تحقیر می‌کنن هست



- تا به حال به این فکر کردی که به کره سفر کنی و در این کمپانی عضو بشی؟

این سوال، واقعاً خیلی قشنگ بود، طبیعتاً من بعد از این که با کره جنوبی و گروه بی‌تی‌اس آشنا شدم و علاقه شدیدی هم پیدا کردم به گروه‌های اکسو و بی‌تی‌اس علاقه پیدا کردم، یکی از آرزوهایم این بود که سفر کنم به کره جنوبی و می‌خواستم در آینده یکی از اعضای این گروه‌ها باشم، یعنی برم و خواننده بشم. البته اینا در حد حرف نیست، کلی تلاش کردم برای این موضوع. من به مشکلی که داشتم این بود که وزنم زیاد بود و خب طبق شرایط گروه، باید وزنم ۵۹ کیلو بود. وزن من اون موقع ۶۹ کیلو بود، فک کنم من واقعاً تمام تلاشم رو کردم که وزنم رو برسونم به زیر ۵۹ کیلو و حتی یا ادامه که شروع کردم به یاد گرفتن زبان کره‌ای و الآن تقریباً بعد گذشت سه سال، می‌شه گفت کمی مسلط شدم به این زبان تا بتونم با آهنگ‌هاشون ارتباط بیش‌تری بگیرم و این که راحت‌تر حمایت‌شون کنم و خب خیلی کارا کردم که پیشرفت کنم تا بتونم عضو کمپانی بشم، روی رقصم کار کردم. من روزی تقریباً پنج ساعت بی‌وقفه توی خونه می‌رقصیدم و الآن این جوریه که مدل رقصیدم کلاً شده مثل بی‌تی‌اس و همه اقوام رقص من رو به مدل‌های تیک تاک و کی‌پاپ می‌شناسن و من حتی رفته ایمیل کمپانی‌ها رو گرفتم که بهشون ایمیل بزنم و توی آزمون‌هاشون شرکت کنم، چون یه زمانی بود که کمپانی‌ها کارآموز می‌خواستن و منم سنم به اون شرایطی که کمپانی گذاشته بود، می‌خورد و خب من می‌تونستم که آزمون بدم و واقعاً قصدم جدی بود، اما خب نکردم این کار رو، من خب اولش همون طور که گفتم من توی دو هفته بعد از این که مدام تمرین می‌کردم و پنج، شیش ساعت تو روز می‌رقصیدم، تونستم تو چهار هفته از وزن ۶۹ کیلو به ۶۰ کیلو برسم و تقریباً یه چیزی تو مایه نه کیلو لاغر کردم و واقعاً برای خودم و خانواده‌ام خیلی عجیب بود و جالب این بود که من واقعاً و عمیقاً با تمام وجودم این کار رو انجام می‌دادم و می‌رقصیدم و اصلاً خسته نمی‌شدم. یادمه از مدرسه که می‌اومدم موزیک ویدیوهاشون نگاه می‌کردم و باهاشون مدام می‌رقصیدم و متوجه گذر زمان نمی‌شدم، وقتی ناخواسته توی جاهای مختلف آهنگ پلی می‌شد، البته الآن هم همینم، اگه آهنگ ریتمش شاد باشه، بلافاصله بلند می‌شم می‌رقصم و روی خوندم کار کرده بودم. البته یه نکته بگم تعریف از خود نباشه، ما کلاً خانوادگی صدامون خوبه، البته خیلی‌ها هم بهم گفتن، قبلش هم زیاد می‌خوندم، برای همین تصمیم گرفتم که شرکت کنم. پدر و مادرم اولش تعجب کرده بودن و مخالف بودن، ولی وقتی دیدن من ساعت‌ها دارم وقت می‌ذارم برای این موضوع و عاشقانه دارم تمرین می‌کنم، موافقت کردن واقعاً حمایتم کردن اما دقیق یادم نمیاد چی شد که این موضوع از سرم پرید.

ولی فک کنم فصل شروع مدارس بود یه سری اتفاقاً افتاد که مربوط به همین مدرسه بود و دیگه نتونستم پیگیری کنم، البته واقعیتش رو بخوای یه کم ترسیدم و کمپانی که می‌خواستم برم آزمون بدم، جی‌بای‌پی بود که برای تشکیل یه گروه دختر درخواست داده بود، یادمه کمپانی‌هایپ نمی‌خواست اعضای دختر و خیلی هم با قوانین گروه اکسو حال نمی‌کنم، به خاطر همین نرفتم، ولی در کل نرفتم آزمون بدم و کلاً خیلی دو دلم برای این که برم و برای شغل آینده‌ام انتخابش کنم، ولی همچنان هنوز خیلی دوست دارم که برم و گاهی بهش فک می‌کنم که برم و پشیمون می‌شم که آزمون ندادم و خب باورت نمی‌شه هر روز خودم رو تصور می‌کنم که جزو اعضای اون تیمم، می‌رم روی سن می‌خونم و کلی ذوق می‌کنم، ولی می‌ترسم تنها برم چون این کار، دوری از خانواده و این حرفا رو داره.

به موضوعی که اضافه کنم اینه که من وقتی توی چهار هفته ۹ کیلو لاغر کردم این طوری نبود که اصلاً بخوام به خودم سخت بگیرم، بلکه چون با علاقه می‌رقصیدم و تمرین می‌کردم و خب این رقص باعث شده بود کالری بسوزونم و واقعاً خودم نفهمیدم و هیچ آسیبی به بدنم وارد نشد، چون همه‌اش با تحرک بود، حتی این موضوع به نفع من بود، چون اضافه وزن داشتم می‌آوردم و در کل برای من خیلی لذت بخش بود و هیچ فشاری بهم نیومد.

- الان کمپانی چه شرایطی رو برای گروه بی‌تی‌اس قراره داده؟

چون اعضاء باید روی فرم باشن، رژیم‌هاشون سخته، ولی الان تقریباً هیچ کس نمی‌دونه که چه رژیم‌هایی رو اعضاء دارن، اما شوگا چند وقت پیش توی یکی از لایوهایش می‌گفت، خیلی کم غذا خوردم، اعضاء علاوه بر این رژیم، باشگاه می‌رن و ورزش‌های مخصوص خودشون رو هم دارن و اکثراً سبزیجات می‌خورن، ولی یه تایم‌هایی وقتی اعضاء در شو یا برنامه‌هایی که شرکت می‌کنن یا دوره‌هایی که هست، کلی غذا درست می‌کنن و باهم می‌خورن که اون تایم انگار تو استراحت ان، ولی اون طوری نیست که بگیریم کل سال رژیم هستن و نمی‌تونن غذاهای مورد علاقه خودشون رو بخورن.



- به نظرت گروه بی‌تی‌اس توی رقص موفق‌تر هستند یا توی موسیقی؟

واقعاً نمی‌شه گفت کدوم بهتره و مقایسه کرد، گروه بی‌تی‌اس وقتی می‌خواد یه آهنگی رو بده بیرون، با توجه به اون آهنگ و مفهومش، میان یه دنسی رو طراحی می‌کنن و این رقص با آهنگ‌ها مربوط هست، برای همین نمی‌شه گفت توی کدوم موفق‌تر هستند یا بهترن، می‌تونم بگم این گروه توی همه چیز عالی‌ه و خب بهت گفتم کمپانی خیلی سخت‌گیره، اگه حس کنه گروه ضعف دارن، اصلاً نمی‌ذاره آهنگ بدن و خب سعیش بر اینه که با بهترین کیفیت همه مسایل پیش بره و به شدت سخت‌گیره.

- عزیزم نظرت درباره سبک لباس‌های این گروه و آرایش پسرها چیه؟

سبک لباس اعضاء رو من به شخصه خودم خیلی دوست دارم که هر کدوم از اعضاء سبک‌های متفاوتی دارن، برای لباس پوشیدن مثلاً تهیونگ سبک لباسی که داره، کلاسیک هست پسریم بیشتر سبک لباس کلاسیک رو دوست داره و جونگ‌کوک، می‌شه گفت سبک لباسی که داره بیشتر طبق مد روز هست، چه جوری بگم شاید بشه گفت نزدیک به سبک لش خودمون، استایل خفن می‌زنه و رنگ لباس‌هاش اکثراً مشکیه و جیهوپ اکثراً لباس‌هایی می‌پوشه که رنگ‌های روشن و مایل به جیغ هستن و سبک آرایشی که دارن از نظر من می‌تونم بگم سبک خاصی نداره، چون به خاطر موزیک ویدیوهایشون یا کنسرت‌هاشون اعضاء آرایش انجام می‌دن، اکثراً هم خیلی کم رنگ و لایته، یعنی اون جوری خیلی غلیظ و ضایع نیست به نظرم، صرفاً این آرایش لایت برای اینه که صورتشون به قول خودمون روح بگیره برای کنسرت و موزیک ویدیو و سبک لباس‌هاشون هم توی کنسرت یا هر جایی که می‌خوان برن متناسب با اونجا هست، مثلاً وقتی اعضاء می‌خواستن برن کنسرت «بلک سو آن»، اگه دیده باشین، همه اعضاء سبک لباسی که دارن سیاه هست و پر داره، اونا با توجه به معنی آهنگ‌هاشون و سبک موسیقی که دارن لباس می‌پوشن و یه نکته که جالب هست، اعضاء در رابطه با جنسیت‌زدایی از لباس‌ها اقدام می‌کنن، مثلاً توی عکس‌هاشون نگاه کنی، شوگا دامن پوشیده، نامجون کت با دامن پوشیده و

می‌خوان این مفهوم رو برسونن که لباس‌ها جنسیت ندارن و مخالف این تفکیک جنسیت هستن و معتقدن که لباس‌ها رو نباید طبق جنسیت جدا کرد و کلاً هر کدوم از اعضاء سبک لباس خودشون رو دارن و حتی اینم بگم که اعضاء همه رنگ رو می‌پوشن و این طوری نیست که بگن چون لباس صورتیه و دخترونه هس، نمی‌شه اون رو پوشید و این رو توی جاهای مختلف با کارهاشون نشون دادن.

- چرا تصمیم گرفتی فن پیچ بی‌تی‌اس بشی؟

وقتی که من دیدم چه قدر هر کدوم از آهنگ‌های بی‌تی‌اس مفهوم داره و قشنگه و همه آهنگ‌هاشون همین طوره و خیلی انگیزشیه، خیلی جذباتشون شدم و این که سبک‌شون خیلی، متفاوت آهنگ‌های شاد و مورد پسند من رو داشت وقتی بیش‌تر با این گروه آشنا شدم، تصمیم گرفتم توی اینستا به جای داشتن به پیچ معمولی درباره خودم، به پیچ بزمن درباره گروه بی‌تی‌اس که بهشون علاقه دارم. وقتی فن پیچ زد من خب دیدم به سری فن پیچ‌ها خیلی معروفن و خیلی فالوور دارن، خب من فن پیچم به پیچ معمولیه، چون خیلی فعالیت زیادی ندارم، چون مدرسه می‌رم، خیلی وقتش ندارم وگرنه خیلی دوست دارم که بیش‌تر توی این حوزه فعالیت کنم. به سری فن پیچ‌ها میان به سری چیزای فان می‌ذارن، به سریا میان دوبله می‌کنن روی ویدیوهای اعضاء، به عده میان درباره اخبار این گروه اطلاعات می‌ذارن، من خودم پیچم به پیچ معمولیه، می‌شه گفت هر کدوم از فن پیچ‌ها درباره به موضوعی چیز می‌ذارن و باهم فرق دارن و مال من صرفاً حمایتیه و موضوع خاصی درباره بی‌تی‌اس دنبال نمی‌کنم و سعی می‌کنم اگه وقت داشته باشم، به سری فیلم از اعضاء رو ادیت کنم که ممکنه فان باشه، به سری‌هاش خفن باشه و این حرفا و می‌گم چون به اعضاء علاقه داشتم، تصمیم گرفتم این فن پیچ رو بزمن و هم به طورایی حمایت باشه برای اعضاء به عنوان یک آرمی و هم توی یک سری از رأی‌گیری‌ها، وقتی که خود کمپانی به سری کارها رو می‌خواد که فن‌ها انجام بدن و کامنت بذارن، براشون کامنت بذارم، لایک کنم و توی یوتیوب استریم بزمن، بازدید بخوره که به عنوان یک آرمی حمایت کرده باشم.

- این گروه تأثیری روی سبک زندگی تو داشته؟

صد در صد بله، چون وقتی آدم به به چیزای توی زندگیش علاقه داره، کم‌کم شبیه اونا می‌شه، گروه بی‌تی‌اس تأثیر زیادی روی ظاهر و ویژگی ظاهری من نداشته و چون سبک خاصی رو برای مثال، برای پوشیدن لباسم ندارم، مثلاً لاش یا خانومانه و این حرفا برای همین روی ظاهر من خب، ولی روی زندگی شخصی و سبک زندگیم خیلی زیاد اثر داشته، اگه گوش کرده باشی آهنگ‌های بی‌تی‌اس چون خیلی شاده و من هم کره‌ای یاد گرفتم، وقتی گوش می‌دم، چون محتوای آهنگ‌ها انگیزشی هست، من وقتی حالم خیلی بده یا زمانی که توی دوران قاعدگی اعصاب ندارم یا وقتی به دوران افسردگی می‌گیرم، نه اون افسردگی حادها، اون نه، اون افسردگی که همه فصلی تجربه‌اش می‌کنم، واقعاً توی این دوران آهنگ‌ها حالم رو خوب می‌کنن، بعد واقعاً می‌شینم کلیپ‌هاشون رو می‌بینم، ذوق می‌کنم و حالم خوب می‌شه، به نکته بگم ما نوجوان‌ها به دوره خیلی سختی رو می‌گذرونیم، به دوره‌ای که واقعاً حالمون بده، بین دلیل خاصی نداره‌ها، ولی انگار می‌زنه به سرمون، ولی واقعاً به چشم دیدم هم کلاسی‌های خودم وقتی میان از تجربه خودشون می‌گن که حالمون بد بود و هیچی حالمون رو بهتر نمی‌کرد تا این که با گروه بی‌تی‌اس آشنا شدیم و یکی از دلایلی که می‌تونه در این موضوع تأثیر بذاره که می‌گن، اکثر کسانی که طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستن، بچه‌های زیر ۱۵ هستن به خاطر اینکه که بیش‌تر این افراد با این گروه حال می‌کنن، واقعاً می‌تونه غم و غصه رو کم کنه و به خاطر همین برای تمام آرمی‌ها عزیزه.

خب من وقتی با گروه بی‌تی‌اس آشنا شدم، چون از قبل با کی‌پاپ آشنایی داشتم، خیلی آدم اکتیوی شدم، به شدت پرانرژی شدم و تأثیری مثبتی توی زندگی من داشته و حس سر زندگی بهم می‌ده، وقتی آهنگ پلی می‌شه، بلند می‌شم می‌رقصم و این ناخودآگاه هست و خب بی‌تی‌اس شعاری که داره اینه که خودتون رو دوست داشته باشین، وقتی من حرف انگیزشی یا کلیپ اونا رو نگاه می‌کنم، خیلی بیش‌تر خودم پذیرفتم و واقعاً به خودم خیلی توجه می‌کنم و عاشق خودمم و چیزایی که در من هست و قبلاً فکر می‌کردم عیب و نقصه، به عنوان یک ویژگی در خودم پذیرفتم و باهاش کنار اومدم و خب این برای من خیلی مهمه و خب اکثر آرمی‌ها وقتی فن پیچ بی‌تی‌اس می‌شن، بیش‌تر وسیله‌هایی که دارن، پوستره‌های اتاقشون همه اینا، عکس بی‌تی‌اسه، منم همه پروفایل‌هام، پس زمینه گوشیم

همه چیبی شده بی‌تی‌اس. من باورت نمی‌شه توی گالری گوشیم نزدیکه ۴۰۰۰ تا عکس از بی‌تی‌اس هست که کلاً همه‌شون رو فایل کردم و وقتی که بی‌کار می‌شم، نگاه‌شون می‌کنم و واقعاً نمی‌تونم هیچ کدوم رو پاک کنم، به خاطر همین حافظه گوشیم که پر می‌شه، می‌رم عکسای خودم رو پاک می‌کنم، ولی عکس پسرانم رو هیچ جوره نمی‌شه، چون قلبم درد می‌گیره و آهنگ‌هام همه بی‌تی‌اس هست. به جرأت می‌تونم بگم همه آهنگ‌هاشون رو شنیدم و تحلیل هم کردم و خب این تأثیری که نه تنها روی من، روی همه آرمی‌ها داره.

خلاصه بگم که کلاً همه گوشه‌ی، لپ‌تاپ، اتاق من همه چیزم بی‌تی‌اس شده. تازه کلی فلش هم دارم که عکس و آهنگ اونا رو دارن. خب من بعد از آشنا شدن با بی‌تی‌اس اعتماد به نفسم خیلی بیش‌تر شده، چون خودم رو دوست دارم و نقاط ضعف خودم رو پذیرفتم، این گروه واقعاً به من درس زندگی داده، به من گفت خودم رو باید دوست داشته باشم، این که من با هر شکل و قیافه و رفتاری و هر نژادی که هستم، به من یاد داد که چه جور خودم رو دوست داشته باشم، یاد داد که منم ممکنه تو زندگی شکست بخورم، ممکنه خسته بشم و بیفتم، ولی فرصت دارم بلند بشم و دوباره شروع کنم و کسی نمی‌تونه مانع موفقیت من بشه و تنها کسی که می‌تونه کمکم کنه، فقط و فقط خودمم و بس و باید به خودم احترام بذارم و تلاش کنم بهترین خودم باشم و این که نذارم مانع‌های سر راهم اون قدر بزرگ بشن که نذارن موفق بشم. اینا درس‌هاییه که بی‌تی‌اس به من داده. من از دوستانم شنیدم که یکی‌شون می‌گفت، سه بار تجربه خودکشی ناموفق داشته، ولی خب بی‌تی‌اس برایش دلیلی برای زندگی کردن شده و این برای من خیلی جالبه و این که می‌گفت خیلی خودش رو دوست داره و می‌گفت، یاد گرفته حال بد و مشکل، توی زندگی همه هست و خودکشی راه درستی نیست و امیدش به زندگی بالا رفته و من بعد از بی‌تی‌اس، واقعاً می‌تونم بگم خیلی عاقل شدم و توی شرایط سخت خیلی راحت‌تر با مشکلاتم کنار میام و خودم رو نمی‌بازم و هیچ وقت جا نمی‌زنم و خیلی قوی شدم و واقعاً همچنان دارم درس می‌گیرم و واقعاً این گروه برای من مثل خانواده شده و همه آرمی‌ها همین ان و خیلی دوست داریم این گروه رو.

- عزیزم می‌شه معنی فن‌فیکشن رو بهم بگی؟

این موضوع یه کم پیچیده هست. یه سری داستان‌های تخیلی و غیر واقعی که آرمی‌ها می‌نویسن برای اعضاء که مثلاً فلان عضو با اون یکیه، مثلاً شیپرن تهکوک یا مینکوک و... و داستان‌های بین اعضاء رو غیر واقعی روایت می‌کنن یا حتی می‌تونه این رابطه این طوری باشه که یکی از اعضاء با یه فرد دیگه، یه دختر دیگه باشه که بازم می‌گم درست نیست این داستان‌ها و موضوعات مختلف رو دنبال می‌کنن توی فن‌فیکشن‌ها.

شیپ‌هایی مثل تهکوک و مینکوک و... خب اینا مشخصه که رابطه بین اعضاء هست، یه سری داستان می‌سازن که شخصیتی داره به نام الف. ت که مخفف کلمه اسم تو هست، مثلاً اگه من اون داستان رو بخونم اون شخصیت الف. ت می‌شم، من خودم رو باید بذارم جای طرف مقابل و یه جورایی پارتنر اون عضوی که توی اون داستان داره روایت می‌شه، خب بعضی از اینا عادی، مثل داستان‌های معمولی که حالا یا عادی تموم می‌شه یا رمانتیک تموم می‌شه، ولی بعضی‌ها هستن که هس اسمارت هستن، یعنی مثبت هیجده سال هستن که خب بعضی‌ها سانسور می‌کنن، بعضی‌ها نه، واضح می‌نویسن که بعضی آرمی‌ها مخالف این نوع فن‌فیکشن‌ها هستن، به خاطر این که می‌گن این کار هم به اعضاء آسیب می‌زنه، هم ذهن آرمی‌ها رو منحرف می‌کنه، برای همین مخالف افرادی هستن که این داستان‌ها رو می‌نویسن که یه سریا هم می‌گن خب این داستان‌ها خیلی صدمه نمی‌زنه و خب مخالفتی ندارن توی این داستان‌ها، ممکنه شخصیت‌ها مافیا باشه، ممکنه یه گل فروش ساده باشه، اینا همه‌شون مثل رمان و کتاب می‌مونه دیگه، شخصیت و کاراکتر رو خب نویسنده انتخاب می‌کنه که چه جور باشه، بعضی از این داستان‌ها ممکنه شاد باشه، غمگین باشه، بعضی‌هاشون هم همون طور که گفتم، مثبت هیجده هستن و خب یه عده طرفدار داره، ولی خب قطعاً مخالفانی هم دارن.

فن‌فیکشن‌های تهکوک از اون فن‌فیکشن‌های پرترفدار هست، چون کلاً کاپل تهکوک خیلی معروفه به همین دلیل این داستان‌ها دنبال می‌شه، بعضی از این داستان‌ها به شدت قشنگه، خیلی کیوت می‌نویسن اون‌ها رو. اگه داستان دزیره رو خونده باشین، به جای

- عزیزم اطلاعاتی درباره ارتباط اعضاء باهم دیگه داری؟

تا جایی که ما می‌دونیم، رابطه اعضاء مثل برادر می‌مونه و رابطه خیلی خوبی رو باهم دارن، به شدت هوای هم دیگه رو دارن در گروه، خب این دلیلش اینه که چندین ساله دارن باهم زندگی می‌کنن و مثل یه خانواده شدن، خیلی مراقب هم دیگه هستن، اگه یه سری از ویدیوهای اعضاء رو ببینی، متوجه می‌شینی که چه قدر حواس شون به هم هست، گاهی وقتا یه جاهایی که ممکنه مثلاً اگه یکی از اعضاء احساس ناراحتی کنه که کنار یه نفر وایساده یا یه کم نگران، خب خیلی هوش رو دارن و سعی می‌کنن اون احساس رو از بین ببرن. من یه ویدیو دیدم که یکی از اعضاء که داشتن می‌رفتن سفر، یادمه یه تیکه از زمین که اینا باید وایمیستادن که عکاسی کنن، زمینش شیشه‌ای بود، قبل از اونا که یه گروه دیگه رفته، یه نفر از اعضای اون گروه لیز خورده بود و افتاده بود زمین. گروه بعدی که باید می‌رفتن برای عکاسی بی‌تی‌اس بود، تهیونگ قرار بوده اون جایی وایسه که طرف خورده بود زمین، قبل از این که تهیونگ بره وایسه اونجا، جونگ‌کوک روی شیشه راه می‌ره و می‌پره که مطمئن بشه که اونجا لیز نیست، بنابراین اونا واقعاً خیلی زیاد حواس شون به هم هست یا وقتی جونگ‌کوک یه جایی رفته بودن که سرد بود و پسر می‌بخ کرده بود نامجون کنش رو در میاره می‌ده به جونگ‌کوک. یه نکته بگم، هیونگ به کره‌ای یعنی برادر بزرگ‌تر، من وقتی می‌گم جونگ‌کوک می‌خواست هیونگش زمین نخوره، منظورم اینه تهیونگ که به عنوان برادر بزرگ تو گروه هست، زمین نخوره، تمام اعضاء به عضوی که از خودشون بزرگ‌تره می‌گن هیونگ که به معنی برادر بزرگ‌تر هست. مکنی یعنی کوچیک‌ترین عضو هر گروه که تو بی‌تی‌اس جونگ‌کوک هست، رابطه اعضاء به شدت باهم صمیمی و خوبه و اونا باهم مثل برادرن. همون قدر که هوای برادر واقعی خودشون رو دارن، هوای اعضای گروه رو دارن. خیلی به هم ابراز محبت می‌کنن، ویدیوهای زیادی وجود داره که اعضاء حواس شون به هم دیگه هست و خیلی جاها از حق هم دیگه دفاع می‌کنن یا وقتی دیدن یکی ناراحت، تمام تلاش شون رو کردن که اون شاد بشه و ما آرمی‌ها با دیدن این موارد کلی ذوق می‌کنیم، گاهی وقتا توی کنسرت‌هایی که برگزار می‌کنن، اگه یکی از اعضاء نباشه، برای مثال یه بار انگشت جین شکسته بود یا پای تهیونگ هم همین طور که تو کنسرت اخیرشون بود که پاش شکسته بود پسر، یا یه مدت طولانی که شوگا به خاطر این که شونه‌اش رو عمل کرده بود، اصلاً حضور نداشت و بهش یه مدتی استراحت داده بودن، خب توی این زمان‌ها که نمی‌تونن شرکت کنن، مثل اتفاقی که برای تهیونگ و جونگ‌کوک و شوگا افتاده بود، اعضاء توی کنسرت نمی‌تونن درست برقصن، برای همین وقتی بقیه اعضاء می‌رقصیدن اینا می‌شستن و فقط قسمت خودشون رو می‌خوندن، ولی زمانی که تهیونگ آسیب دیده بود، خب خیلی ناراحت بود، برای این که نمی‌تونه با بقیه اعضاء برقصه و این ناراحتی رو قشنگ می‌شد توی چهره‌اش دید و توی یکی از پارت‌های کنسرت، جونگ‌کوک متوجه این موضوع می‌شه و می‌ره پیش تهیونگ و شروع می‌کنه به مسخره بازی در آوردن و آواز خوندن و این جور ی باعث می‌شه تهیونگ بخنده، همین کاری که اعضاء برای هم دیگه انجام می‌دن، یعنی واقعاً باهم صمیمی ان و همدیگه رو دوست دارن. یه مثال دیگه بذار بزمن، یه مدت که شوگا کلاً نبود، یه سری برنامه‌ها هست بهش می‌گن ران بی‌تی‌اس، توی این برنامه‌ها که مثل شوی تلویزیونی می‌مونه، اعضای بی‌تی‌اس یه سری فعالیت‌هایی رو انجام می‌دن که یه سری هاش مثل مسابقات تفریحی می‌مونه که اعضاء باید اون‌ها رو باهم انجام بدن، توی همین مسابقات که انجام می‌شد، خب شوگا نبود، اما اعضاء عکس شوگا رو با خودشون می‌آوردن کل اون تایمی که اعضاء

جین: باشه منتظرتم فقد (فقط) مواظب باش تهیونگ متوجه نشه

جونگ‌کوک: اوکی

جونگ‌کوک: من می‌رم آماده شم

جین: بعداً می‌بینمت.

از زبان جونگ‌کوک: اروم در اتاق باز کردم و رفتم سمت کمد لباسم کمد هی صدا می‌داد اما خوشبختانه تهیونگ بیدار نشد، بدون این ک نگاه (نگاه) کنم چی بودش ی دس لباس و شلوار برداشتم و ماسک و کلاه که روی میز بود رو خیلی اروم برداشتم و بدون اینکه تهیونگ متوجه بشه رفتم توی اتاق پروف (پرو) و لباسمو پوشیدم وقتی از اتاق اومدم بیرون و رفتم سمت در اتاق متوجه شدم که....

تهیونگ: آهای بیبی بانی هات و سسکیه من کجا داره می‌رع (می‌ره)؟ می‌دونه ددی بهش نیاز داره (داره) ن (نه)؟

باهم بازی کردن، عکس شوگا مثل یه تابلو در صحنه بود، بعد این نشون می‌داد که اعضای گروه همیشه به یادش هستن و توی برنامه هم از شوگا صحبت می‌کردن. حتی یادمه توی یه وی‌لایو هم شوگا نبود و اون‌ها عکس شوگا رو بازم با خودشون برده بودن و نوشیدنی رو به عکس شوگا هم تعارف می‌کردن و این جووری نشون می‌دن با این که شوگا نیست، اعضاء حواس‌شون بهش هست و به یادش هستن و براش ارزش قایل هستن و تا زمانی که شوگا نبود، اعضاء عکس اون رو همه جا می‌بردن. حتی یه زمان‌هایی که یک سری برنامه‌ها بود که اعضاء می‌رفتن بیرون، مثل یک سری مراسم‌های رسمی که باید برای خوانندگی می‌رفتن، باز هم شوگا نبود، اعضاء خب ترتیبی که وایمیستن متفاوتی که مثلاً اول کی وایسه، بعد کی، بعد کی... وقتی اعضاء وارد می‌شن برای عکاسی، قسمتی که شوگا همیشه وایمیستاده رو خالی می‌داشتن پسرا و دست‌شون رو به حالتی قرار می‌دادن که انگار دور گردن شوگاس و اونا جاش رو خالی نگه داشته بودن یا همین چند وقت پیش تهیونگ رفته بود فرانسه برای یکی از فشن شوهای لباس، اعضاء دیگه تو تعطیلات بودن و تهیونگ تنها رفته بود. وقتی تهیونگ عکس از خودش منتشر کرد، روی یه صندلی نشسته بود و کنارش سمت راست پنج تا صندلی خالی بود و یه دونه سمت چپ که این ترتیب اعضاء هست و این نشون می‌ده تهیونگ وقتی تنها رفته جایی، هم باز هم به فکر اعضاء هست و جای همه‌شون رو خالی کرده، خیلی از این نمونه‌ها هست که این قدر خوب به فکر هم دیگه هستن و این خیلی قشنگه.

- عزیزم می‌گند این گروه هدف‌شون این هست که هم‌جنس‌گرایی رو ترویج بدن، نظر تو در این رابطه چی هست؟
 خب فعلاً اعضاء رسمی این موضوع اعلام نکردن که هم‌جنس‌گرا هستن و هیچ نشونه یا اطلاعاتی در این رابطه وجود نداره، اما جیمین همین اخیراً یه سری عکس منتشر کرد که نشون دهنده بایسکشوال بودن اون هست، یعنی هم به پسر و هم به دختر گرایش داره. اگه پرچم ال‌جی‌بی‌تی رو دیده باشین، هر کدوم از این گرایش‌ها رنگ خاصی داره که برای بایسکشوال‌ها صورتیه که مایل به بنفش هست و جیمین این پرچم رو پس زمینه عکس‌هاش کرده و خب این عکس این طوریه که جیمین یه جایی وایساده که پشتش یه طیف رنگی وجود داره که دقیقاً طیف رنگ‌هاش طوریه که مثل پرچم هم‌جنس‌گراها هس و لباسی که پوشیده و حتی تتوهایش که زده، می‌شه گفت همه‌شون به معنی گرایش اون به بایسکشوال بودن و کلاً حتی این موضوع بین آرمی‌ها پیچیده و تا اون جایی که می‌دونم، فقط جیمین گرایشش به بایسکشوال هست که این رو هنوز کمپانی هم تأیید نکرده. بنابراین با توجه به اون عکس، فقط فعلاً یک سری شایعات وجود داره و بقیه اعضاء هیچ کدوم درباره این موضوع چیزی نگفتن. تازه جیمین هم تأیید نکرده، اما تکذیب هم نشده و جیمین هم چیزی نگفته. عکس جیمین رو هم برات می‌فرستم که تتوهاش و زیور آلاتش رو نگاه کنی، این موارد نشون می‌ده که در تصویر از پرچم هم‌جنس‌گرایی به صورت غیر مستقیم استفاده شده.





- عزیزم درباره گروه‌های دیگه‌ای که در این کشور هستن اطلاعاتی داری؟ به نظرت این گروه‌ها چه تفاوتی با گروه بی‌تی‌اس دارن؟ گروه‌های کره‌ای خیلی زیاد هستن، ولی بی‌تی‌اس جزو کی‌پاپ نیست دیگه، یعنی به خاطر شهرت زیادش جز کی‌پاپ دیگه در نظر گرفته نمی‌شه و کلاً جزو گروه پاپ می‌شناسنش. ولی گروه اکسو هست، گروه گات سون که دیس‌بند شده، یعنی فعلاً فعالیتشون متوقف شده تی‌اکس تی هست و کلی گروه دیگه، ولی واقعاً اینا قابل مقیاس با گروه بی‌تی‌اس اصلاً نیستن. گروه بی‌تی‌اس خیلی محبوبیت داره، خیلی بین اعضاشون عشق هست و جهانیه، البته اکسو هم جهانیه، ولی هر کدوم از گروه‌ها تفاوت خاص خودشون رو دارن و اصلاً باهم قابل مقایسه نیستن. و در کل گروه بی‌تی‌اس گروه بی‌نظیری هست که مثلش رو در هیچ جایی ندیدم.





- چه قدر در طول روز وقت رو صرف پیجت می‌کنی؟

فعالاً که هیچ فعالیتی ندارم، به خاطر این که مدرسه شروع شده و به شدت درگیر کنکور هستم و باید بیش‌تر حواسم به درس‌ها باشه، خیلی فعالیت ندارم ولی در کل فعالیت من چون حمایتی هست، به مناسبت‌های مختلف مثل تولد اعضا یا روز آرمی، حتماً پست و استوری می‌ذارم و بعضی وقتا هر سه، چهار هفته پست می‌ذارم، قبلاً یه پیج داشتم که اون پیجم پاک شد و این پیج دومم هست و تو پیج قبلیم بیش‌تر فعالیت می‌کردم و اینجا خیلی زیاد پست ندارم، در کل تو پیجم بیش‌تر حامی پسرانم هستم و اون قدر زیاد وقتم رو صرف پیج نمی‌کنم.

- تا حالا به این فکر کردی که از پیجت به درآمد برسی؟

خب من از اول که این پیج رو زدم صرفاً هدفم ساپورت و حمایت از پسرانم بود و اصلاً هدفم درآمدزایی از پیجم نبوده و نخواهد بود قطعاً و ترجیحم اینه که اگه قراره به درآمد برسم، از این پیجم نباشه و این که دوست دارم که پیجم رو ارتقا بدم، قطعاً بیش‌تر فعالیت کنم، فالوورها بالا بره تا بتونم بیش‌تر و بهتر پسرانم رو حمایت کنم، ولی به خاطر مشغله و کلاس‌هایی که دارم، وقت این که بخوام خیلی فعالیت بکنم رو ندارم، برای همین بعد کنکور می‌خوام خیلی بیش‌تر اکتیو باشم.

- عزیزم چه قدر به زبان کره‌ای مسلط هستی؟

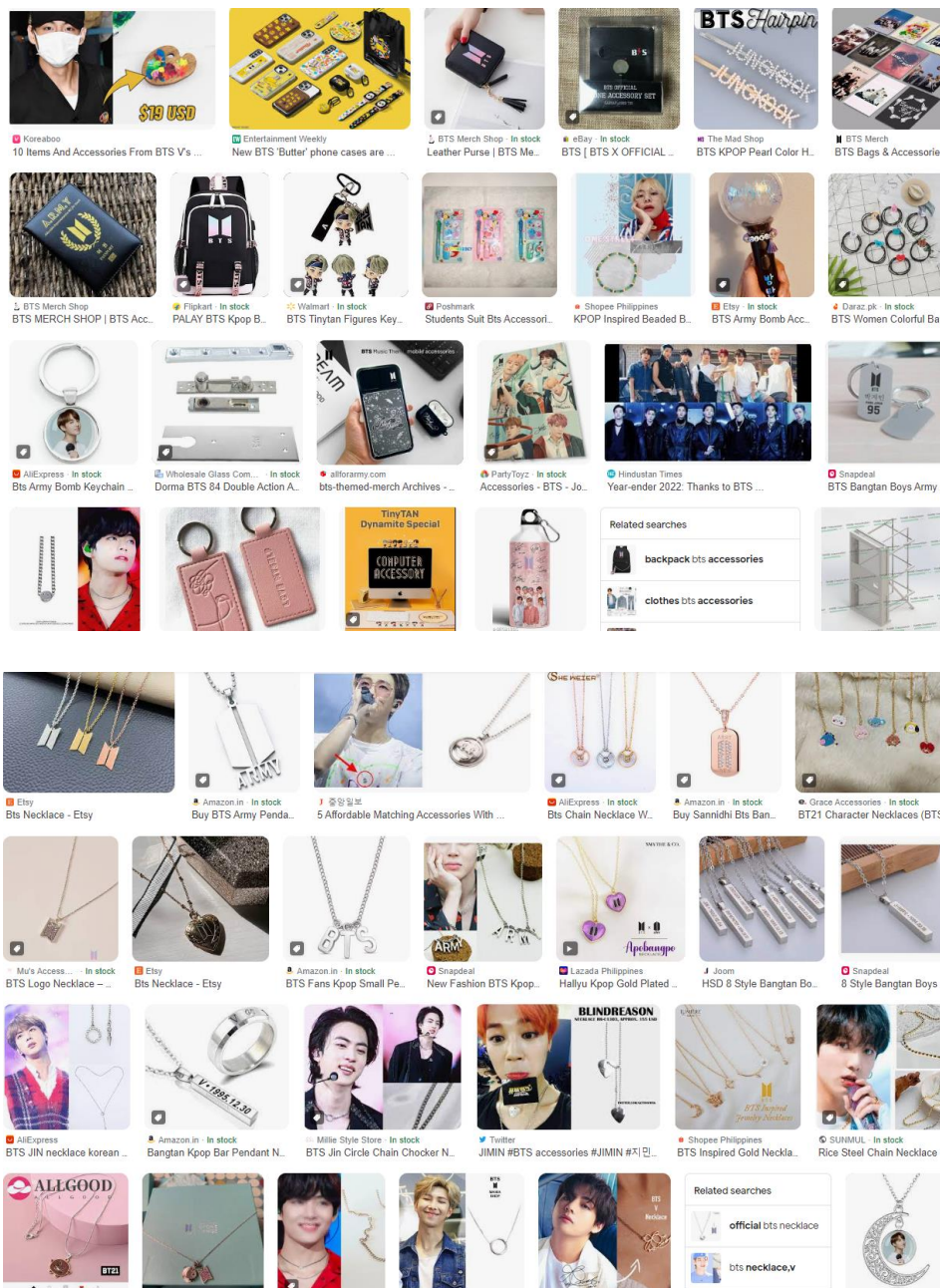
یه سری از آرمی‌ها هستند خب به واسطه علاقه زیادی که دارن کاملاً به زبان کره‌ای مسلط هستند و بدون ترجمه کامل متوجه می‌شن، منم چون قبلاً علاقه داشتم که برم یه چیزایی یاد گرفتم، ولی نه کامل، وقتی گروه پسرانم یه آهنگ می‌دن بیرون، من اول می‌رم ترجمه‌اش رو از گوگل درمیارم، چون اون قدر که کل آهنگ رو کامل متوجه بشم، بلد نیستم. البته این رو بگم، یه سری از آهنگ‌های اعضا کاملاً انگلیسی هست توی یه سری از آهنگ‌هاشون هم انگار ادغام کره‌ای و انگلیسی هست و بیش‌تر بخش‌هاشون کره‌ای هست و بعضی آهنگ‌هاشون هم که کلاً کره‌ای هست، یکی، دو نمونه‌ام هست که به زبان ژاپنی خوندن، بعضی‌هاشون هم ترجمه‌اش به ژاپنی به صورت ادیت هست که درآوردن آرمی‌ها. من خودم تو گوگل سرچ می‌کنم و متن رو درمیارم. البته من با ترجمه گوش نمی‌کنم چون اصولاً خیلی این طوری پیدا نمی‌شه کرد توی یوتیوب و گوگل.

- اعضا یه سری وسایل رو ظاهراً مد می‌کنن، تا حالا شده این وسایل رو بخری؟

همه گروه‌ها یه وسیله‌هایی رو دارن که یه جورایی نشان دهنده اینه که این وسیله مال اون گروهه، برای گروه بی‌تی‌اس، آرمی بمب هست که این وسیله‌ها رو می‌گن لایت‌سی، هر گروه مال خودش متفاوت، بعد این آرمی بمب‌ها خیلی گرون هست، بعضی از آرمی بمب‌هایی رو که من دیدم، از سه میلیون به بالا بود. خب طبیعتاً من آرمی بمب (نشان بی‌تی‌اس) رو ندارم. بعد اعضا آلبوم دارن که اگه بخوای بخری، واقعاً گرونه. یه سری وسیله هم هست که ما می‌گیریم مرچ بی‌تی‌اس که اعضای هنرمند گروه، اومدن یه سری وسیله طراحی کردن، مثلاً کیفی که مال تهیونگ هست یا هودی که جونگ‌کوک طراحی کرده بود که اینا به شدت گرون هست، ولی خب هستن آرمی‌هایی که این وسایل رو می‌خرن. یه سری چیزها هم هست، مثل فوتو کارت که کارت‌های کوچیکی هست که حالا جنس‌های متفاوت داره که عکس اعضا روش هست. یه سری گردنبند و گوشواره و دستبند هست که عکس اعضا روشه، مثلاً پسرانم توی کنسرت

یا شو ازش استفاده کردن و خب وقتی این وسیله ترند می‌شه، بعضی‌ها یا خودشون درست می‌کنن یا خود اصلش رو می‌خرن. ما شاپ آنلاین هم زیاد داریم، توی اینستا بزنی میاره.

بعد گروه‌های کی‌پاپ توی کنسرت یا شو یا حتی وقتی مثلاً داشتن می‌رفتن فرودگاه، کلاهی یا عینکی و چیزای دیگه‌ای دارن، آرمی‌ها می‌رن و شبیه‌ش رو پیدا می‌کنن و می‌خرن. در کل وسیله‌هایی که ترند (مد) می‌شن، بیهویی قیمت‌شون می‌ره بالا و من به شخصه موارد خیلی گرون رو نمی‌خرم، ولی شاید گردنبند و دستبند و کلاه و پیکسل و فوتو کارت‌ها و مثل اینا که مربوط به بی‌تی‌اس هست رو بخرم.



- عزیزم چندتا از دوستان آرمی هستن؟

من می‌تونم بگم که هشتاد درصد از دوستانم آرمی هستن، چون بالاخره وقتی که با دوستانم می‌شینیم و باهم صحبت می‌کنیم، مثلاً می‌گیم عه بی‌تی‌اس رو می‌شناسی و خب این جواری کم‌کم هم دیگه رو به این جمع دعوت می‌کنیم و البته این طوری هم نیستیم که به زور یه نفر رو وارد اون جمع کنیم، اون شخص خودش دوست داره و خودش وارد این جمع می‌شه، چون این موضوع واقعاً خیلی جذابه خود فرد گرایش پیدا می‌کنه و جذب می‌شه و خب اکثر دوستانم مثل خودم آرمی هستن. یه سری‌ها هم هستن که فقط و فقط بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کنن، یه سری هم هستن نه مثل من چندتا گروه رو باهم استند و حمایت می‌کنن یا دنبال می‌کنن، بستگی داره به اون نوع سلیقه موسیقی افراد مختلف که چه گروهی رو دنبال می‌کنن.

- عزیزم تا چه حد گروه بی‌تی‌اس روی تو تأثیر گذاشته؟

تأثیر که خیلی داشته، من ناخودآگاه بعد از آشنا شدن با بی‌تی‌اس سبک موسیقی‌ای که گوش می‌کنم، همه‌اش کی‌پاپ و آهنگ‌های کره‌ای شده، عکس پس زمینه گوشیم هم گروه بی‌تی‌اس هست، حتی به جرأت می‌تونم بگم، رؤیاهام تحت تأثیر بی‌تی‌اس قرار گرفته، اون اوایل هم خیلی دوست داشتم آیدول بشم و الانم، درسته شاید اون قدر برام پررنگ نباشه، ولی همچنان در فکر آیدول شدن هستم. من فن پیچ بی‌تی‌اس رو دارم و دنبال شون می‌کنم. بعد من با شادی اونا شاد می‌شم و با ناراحتی اونا ناراحت می‌شم و حرفای انگیزشی که اعضا می‌زنن رو من روی آینه اتاقم می‌زنم و کتاب‌هایی که اعضا معرفی کردن رو گرفتم و خوندم، مثل کتابخانه نیمه شب یا کتاب بادام، فوق‌العاده هس یا فیلم‌هایی که اعضا معرفی می‌کنن رو می‌بینم، در کل بی‌تی‌اس روی روحیه من تأثیر زیادی داشته و یه موضوعی هم که هست و روی من تأثیر داشته، این بوده که من برم و بیش‌تر با فرهنگ کره‌ای‌ها آشنا بشم، لباس‌های اونا رو ببوشم، برم زبون اونا رو یاد بگیرم و در کل تأثیرات مثبتی روی من داشتن.

- عزیزم تا به حال کنسرت‌های گروه بی‌تی‌اس رو در فضای مجازی به صورت زنده دنبال کردی؟

خبیب من واقعاً از اعماق وجودم می‌تونم بگم همه آرمی‌ها دوست دارن که توی کنسرت‌های بی‌تی‌اس شرکت کنن، من هم آنلاین زیاد شرکت کردم یا از طریق برنامه وی‌لایو یا یه سری فن پیچ‌ها وقتی می‌رن کنسرت‌شون لایو می‌گیرن و یه سری لینک‌ها هستن که می‌شه لایو کنسرت رو به صورت زنده نگاه کرد، ولی خب این لینک‌ها غیر قانونیه و وقتی تعداد زیادی واردش می‌شن، لینک منقضی می‌شه.

- تا حالا شده با اعضا بی‌تی‌اس ارتباط داشته باشی؟

من قبلاً چند بار به بی‌تی‌اس پیام دادم، ولی خب چون تعداد پیام‌ها زیاده، خیلی نمی‌تونن پسر به همه جواب بدن، ولی خب من از یه سری بازیگرا و خواننده‌های کره‌ای جواب گرفتم، مثلاً از چانی یا اکسو مثلاً من تو لایو یه سری پیام نوشتم، جواب دادن یا یک از اعضای گات سون که موهاش رنگ شده بود، گفتم چه قدر موهاش قشنگ شده، ازم تشکر کرد، ولی با اعضای بی‌تی‌اس نشده، ایشالله قسمت بشه.



- رکوردهای این گروه توی شبکه‌های اجتماعی به چه صورته؟

خب رکوردهایی که اعضاء توی فضای مجازی می‌زنن، مثلاً جونگ‌کوک رکوردی که زد توی زمان کم بیش‌ترین فالور رو توی اینستا گرام کسب کرد. بعد خب آرمی‌ها جمعیت‌شون خیلی زیاده و وقتی متوجه شدن که پسرا تو اینستا پیج زدن، بدون هماهنگی می‌رن و فالو می‌کنن و تو کم‌ترین مدت خیلی سریع بین آرمی‌ها منتشر می‌شه و همه اعضاء رو فالو کردن، چون ماها معتقدیم که همه‌مون به خانواده‌ایم، اما در رابطه با رکورد آهنگ‌هاشون با توجه به آرمی‌هایی که از این جریان‌ها باخبر می‌شن، به خصوص آرمی‌های کره‌ای که از رأی‌گیری‌ها خبردار می‌شن و آرمی‌های اینترنشنال، این خبرها رو پخش می‌کنن، مدام استوری می‌کنن، پست می‌کنن توی آپ‌های مختلف، بعد همه آرمی‌ها باخبر می‌شن و می‌دونن که چه طوری باید توی یوتیوب ویو بززن یا به چه صورت باید توی رأی‌گیری‌ها شرکت کنن برای آرمی‌هایی که تازه کار هستن هم بقیه آرمی‌ها آموزش می‌ذارن که طریقه رأی‌گیری چه شکلیه یا چه طور باید استریم بززن. همین که آرمی‌ها نشر دادن، مثلاً می‌گن فلان روز، فلان ساعت همه می‌رن ویو می‌زنن و آرمی‌های دیگه سعی می‌کنن این خبر رو پخش کنن به خاطر جمعیت زیادشون و خب اکثراً چون اعضاء و کمپانی رو دنبال می‌کنن متوجه خبرها می‌شن سریع.

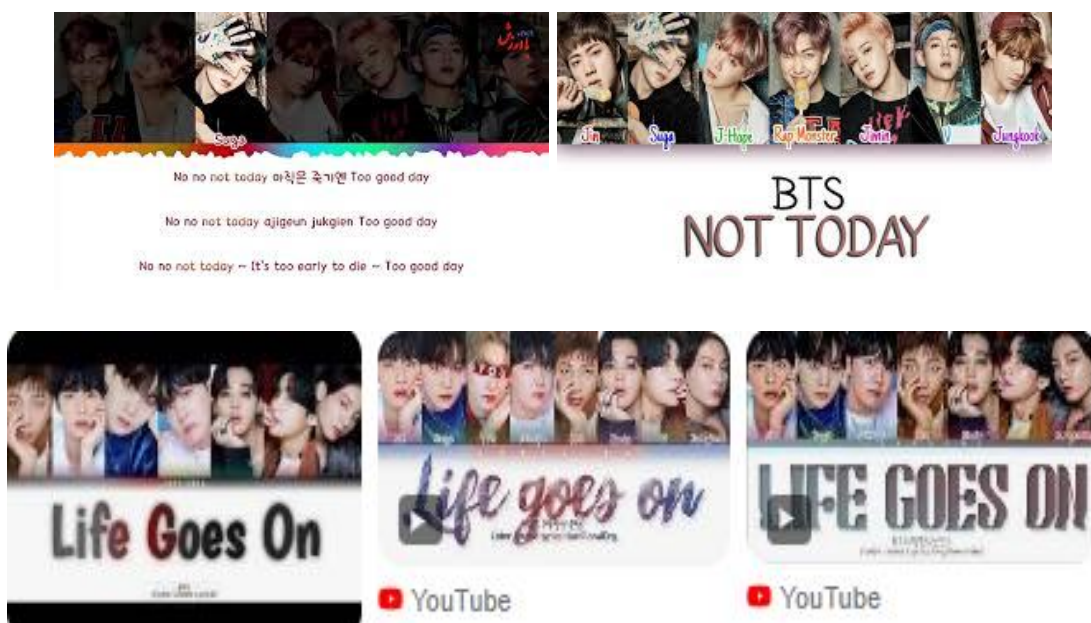
- به نظرت این گروه داره جنسیت‌زدایی رو ترویج می‌ده و دنبال عادی سازی این مسأله هست؟

بین جنسیت‌زدایی الان کاملاً به مسأله عادیه بین جوون‌ها، دختر و پسر برابر هستن، لباس‌ها جنسیت ندارن، هم‌جنس‌گراها هم آدم هستن و بیمار نیستند و از قبیل این موارد. حتی رنگ‌ها هم جنسیت ندارن این که یه پسر صورتی بپوشه یا یه دختر آبی و این که یه دختر موهاش مدل پسرانه باشه یا یه پسر موهاش بلند باشه و یه پسر از رقصیدن خوشش بیاد و همین طور برعکس که دختر از مسایل پسرانه خوشش بیاد و به نظرم این مسایل نه فقط در ایران بلکه در کل جهان عادی شده.

البته قدیمی‌ها موضوع هم‌جنس‌گرایی رو تابو می‌دونستن و می‌گفتن ممنوعه و هنوز هم بیش‌ترشون این طوری هستن و خیلی سخت می‌شه نظرشون رو در رابطه با این موضوع عوض کرد و باید بهشون حق داد، چون اونا مدت زیادی با این عقیده زندگی کردن و عوض کردن اونا سخت‌تره، ولی خب جوون‌ها انعطاف‌پذیرترن در کل و توی دنیای مدرن دارن زندگی می‌کنن و خب برای ما دیگه عادی شده، اما بی‌تی‌اس با این موضوع موافقه که میان با کارهاشون نشون می‌دن که لباس‌ها جنسیت ندارن، هم‌جنس‌گراها هم انسان هستن و این رو می‌خوان نشون بدن و هم حمایت می‌کنن و به نظر من کار درستیه که هر فردی، با هر سلیقه و نظری و لباسی انسانه و حق زندگی داره، مهم نیست برندت چیه، رنگ لباست چیه، رنگ پوستت چیه یا دختری، پسری، مهم اینه که تو انسانی باید عاشق خودت باشی و اعضاء یه آهنگ دارن که این موضوع رو بیان می‌کنه که تو با هر نقصی که داری حق زندگی داری، مهم نیست دیگران درباره تو چی می‌گن مهم فقط و فقط خودت هستی.



- سوال آخر این که فن پیچ گروه بی‌تی‌اس و دنبال کردن اون‌ها چه تأثیرات مثبتی توی زندگیت داشته؟
بی‌تی‌اس واقعاً، واقعاً توی زندگی من تأثیر زیادی داشته، یکی از بزرگ‌ترین‌هاش دگرگونی من و زندگی من بوده، یعنی کلاً بهم انگیزه داد که رؤیاهای بزرگ داشته باشم و تلاش کنم براشون و این که هر کدوم از ما می‌تونیم یه آدم خاص باشیم کافیه هدف داشته باشیم و برای اون هدف بجنگیم و این که جا نزنم، کنار نکشم و قوی باشم. من با جملات بی‌تی‌اس دارم زندگی می‌کنم، قبلاً شاید به خاطر عیب‌هام خودم رو سرزنش می‌کردم، ولی الان پذیرفتم که هیچ کس بی‌نقص نیست و بی‌تی‌اس طرز دید من رو نسبت به آدم‌های اطرافم تغییر داده، مثل کسی که دیدش تاره، ولی وقتی عینک می‌زنه، شفاف می‌تونه ببینه، واقعاً برای من این طوری بود. این گروه باعث شد نسبت به آینده و حتی زمان حال خودم شفاف‌تر فکر کنم، روشنفکر بشم یه جورایی و خب خیلی خوشحالم که آرمی هستم و هر جا که باشم این موضوع رو بیان می‌کنم و بهش افتخار می‌کنم. کلاً گروه بی‌تی‌اس همه آهنگ‌هاشون با مفهومی و واقعاً آهنگ‌هاش بی‌نظیره، مثلاً نات تودی که یکی از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس هست، معنی‌ش اینه که امروز نه، این اول آهنگ می‌گه شاید همه ما مثل یه گل یه روز پژمرده بشیم، یه روز همه‌مون می‌میریم، ولی اون روز، امروز نیست و من اجازه نمی‌دم، چون کلی هدف و آرزو دارم. می‌گه تو آهنگ که من اگه شکست بخورم، بازم بلند می‌شم و ادامه می‌دم یا آهنگ آیدول بی‌تی‌اس که می‌گه من خودم رو هر جور که هستم دوست دارم و تو نمی‌تونی مانع این موضوع بشی یا آهنگ دیگه‌اش که از اسمش معلومه آهنگ لایف گوز آن، یعنی زندگی ادامه داره، چه سخت چه آسون یا هر اتفاق دیگه‌ای افتاده می‌گذره.



همه آهنگ‌ها مفهوم قشنگی دارن و واقعاً تک‌تک اون‌ها تأثیر مثبت تو زندگی من داشته ان. حتی پسرا اون قدر به آرمی‌ها اهمیت می‌دن که یه ویدیو درست کردن که توش این رو می‌گفتن که مرسی که از ما حمایت می‌کنی، ولی باید به رؤیاهای خودت هم فک کنی و اون‌ها رو دنبال کنی، در این حد پسرا مهربون ان، حتی تو اون آهنگ می‌گه که صدای فلوت من رو دنبال کن، چون من می‌خوام تو رو به سمت یه زندگی ایده‌آل هدایت کنم و این که این دلم نیومد نگم صدای اعضاء به شدتت قشنگه‌های، نوت اعضاء بی‌نظیره منظورم اون جاهاییه که اعضاء صداشون رو نازک می‌کنن و فوق‌العاده هس و من واقعاً ذوق مرگ می‌شم از دیدن و گوش دادن آهنگ‌هاشون.

تأملی دوباره

پری‌ناز ۱۸ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

پری‌ناز در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: ارضای تنوع طلبی کاربران و نقد برخی از عملکردهای کمپانی بیگ‌هیت، اشاره داشته است.

پری‌ناز ۱۸ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: تلاش در جهت پاسخ به نیاز نوجوانان، نمایش ارتباط صمیمی اعضا با یکدیگر، به هیجان کشیدن هواداران، جذب افراد با عقاید مختلف به گروه بی‌تی‌اس به دلیل احترام گذاردن آنان به ادیان مختلف، تلاش برای به نمایش نهادن یک اجرای ایده‌آل و عادی‌سازی جنسیت‌زدایی از پوشش، اشاره داشته است.

پری‌ناز در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: احترام به ادیان و قومیت‌های مختلف، دامن زدن به تنوع طلبی کاربران، اندیشه مهاجرت به کره، نگاه به پسران گروه به مثابه یک منجی، انگیزه دادن به جوانان، علاقه به خرید وسایل متناسب به بی‌تی‌اس، آشنایی بیشتر با فرهنگ کره، ابراز عشق (عشق مادرانه) به ستاره‌ها، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه پری‌ناز ۱۸ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، پری‌ناز در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی و اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

پری‌ناز در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: انگیزه دادن به جوانان و ابراز عشق (عشق مادرانه) به ستاره‌ها، یاد کرده است.

پری‌ناز در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: دامن زدن به تنوع طلبی کاربران، اندیشه مهاجرت به کره و نگاه به پسران گروه به مثابه یک منجی، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: آشنایی بیشتر با فرهنگ کره، سخن گفته است. پری‌ناز در توصیف «اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: احترام به ادیان و قومیت‌های مختلف، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: علاقه به خرید وسایل متناسب به بی‌تی‌اس، سخن گفته است.

از بیانات اخیر پری‌ناز ۱۸ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با شقایق، ۱۹ ساله

تو مدرسه می‌دیدم که بچه‌ها قبل از این که معلم بیاد، رو تخته کلاس، به زبون کره‌ای آهنگای بی‌تی‌اس رو می‌نوشتن، یعنی در واقع بلد بودن زبون شون رو، ولی من نه.

- خوب شروع کنیم شقایق جان؟
بله.

- عزیزم چی شد که طرفدار گروه بی‌تی‌اس شدی؟

خب من ۱۵ سالم بود و مدرسه می‌رفتم و تو مدرسه می‌دیدم که بچه‌ها قبل از این که معلم بیاد، رو تخته کلاس، به زبون کره‌ای آهنگای بی‌تی‌اس رو می‌نوشتن، یعنی در واقع بلد بودن زبون شون رو، ولی من نه. خودشون می‌گفتن آهنگ اون‌ها هست و بعد از کنسرت شون، بهم دیگه در این باره می‌گفتن و دایم در مورد اونا حرف می‌زدن. من خب تا اون موقع به جز اسم شون که بعضاً به گوشم خورده بود، اصلاً نمی‌شناختم شون، و آهنگاشون و یا حتی خودشون رو ندیده بودم. وقتی خب دیدم بچه‌ها این قدر طرفدارشون هستن، منم گفتم برم ببینم کلیپاشون رو که کی هستن و اینا. بعد رفتم حالا تو فن پیج‌هاشون، توی اینستا و تیکه تیکه آهنگاشون رو گذاشته بودن و کنسرتاشون. یه چندتاش رو دیدم، حالا یادم نیس کدوم آهنگاشون بود. رفته رفته حس کردم، به نظرم آره، چه قدر باحال ان. بعد رفتم بقیه آهنگاشون رو هم درآوردم و گوش دادم، ولی خب از حق نگذیریم من اول بیش‌تر به خاطر ظاهرشون جذب شون شدم. یعنی آهنگاشونم قشنگ اومدن به نظرم، ولی تیپ و قیافه‌های کیوت و حالا اون موهای رنگی شون و اینا جذبم کردن و دیگه از اونجا بود که در واقع استارت جذب شدن من به سمت اونا زده شد.



- نظر دوستان خودت درباره شون چی بود؟

دوستام اونایی که طرفدارشون بودن که خب خیلی تعصبی بودن روشون و اونا هم هر کدوم یکی شون رو به عنوان کراش یا شوهر خودشون بگیریم، حتی می‌دونستن و واسه اونا فن داشتن. بعد حتی سرشون دعوا می‌کردن و یکی می‌گفت فلانی واسه منه و اون واسه تو یا درباره مال من حرف نزن و از این جور تعصبا.

- یعنی تا قبل از دیدن آهنگ‌هاشون کلاً کی پاپر نبودی؟

بین فیلم‌های کره‌ای اینا دیده بودم، البته فکر کنم همه دیدن بعد آهنگ‌هاشونم حالا گذرا شاید جاهایی دیده بودم و می‌دونستم مثلاً کره‌ای‌ها خواننده‌هاش اکثراً بانده هستن. یعنی تک‌خون بین شون کمه معمولاً. یه چنین اطلاعاتی راجع بهشون داشتم، مثل بقیه، ولی در این حد که موبه مو دنبال شون کنم و طرفدار یه بانده باشم نه.

- خوب گفتمی بیشتر جذب زیبایی‌های ظاهری شون شدی؟

آره، ببین کلاً خیلی رنگی رنگی هستن، مثلاً موهاشون رنگیه اکثراً و آرایش هم می‌کنن خب و از لحاظ تیپ و قیافه هم که زیادی استانداردند و اینا خیلی تأثیر داره تو جذب آدمای مثلاً چال لپ دارن که خب در واقع با عمل انجام دادنش و جوان هستن همه‌شون، یعنی رده سنی ۲۵ تا ۳۰ اینا فکر کنم. بعد خب کره‌ای‌ها کلاً ریش و سبیل اینا درنمیارن و اکثراً ژنتیک‌شون اینه و پوست‌شون خیلی خوبه که خب باز هم این موارد تأثیر دارن.

- خوب بعدش چی شد؟

بعدش دیگه من کم‌کم آهنگ کنسرتاشون رو می‌دیدم، البته بچه‌ها هم تو تشویق من برای فن‌شون شدن بی‌تأثیر نبودن، اونا تو مدرسه گوش می‌آوردن و همه زنگای تفریح می‌شستیم می‌دیدیم و حتی اونا باهم هم‌خونی می‌کردن، چون زبون‌شون رو یاد گرفته بودن و منم کنار اونا، خورد خورد یاد گرفتم، البته تو خونه هم هی تکرار می‌کردم باخودم ریتم آهنگا و تلفظ‌شون رو تا این که کم‌کم دیگه منم زبون‌شون رو البته دست و پاشکسته یاد گرفتم، کامل نه.

- کم‌کم که فن‌شون شدی، فن پیچ هم براشون زد؟

فن پیچ نداشتم نه، ولی بچه‌ها یه سری شون داشتن براش، البته فالوراش خیلی نبود برای اونا. منم رفتم فن اونا رو فالو کردم و لایک می‌کردیم پستاشون رو، خلاصه منم رفتم قاطی اونا شدم و این مدت زیادی طول نکشید، یعنی شما ناخودآگاه جذب می‌شی بهشون از طریق ظاهرشون و یا رفتاراشون تو کلیپاشون و کلاً کیوت بودنشون، البته اینم بگم الان به حد دوران مدرسه فن‌شون نیستم زیاد. یعنی یه ساله که طرفداریم کم‌تر شده.

- چه رفتارهایی داشتن که می‌گی جذاب ان؟

ببین کلاً به دلیل کارا و مدل حرف زدن‌شون که مثلاً صداشون نازک بود یه کم البته و عمل کرده بودن خیلیاشون، کیوت بودن و مثلاً زیادی باهم صمیمی هستن، حتی آدم فکر می‌کنه بعضاً هم جنس‌گرایی چیزیه هستن در این حد. مثلاً خب اونا همه‌شون پسران، ولی همدیگه رو از لب ماچ می‌کردن که البته تو آمریکا و اینا هم الان رایج شده بین دوستان و این حرکت مثلاً چند سال پیش که می‌کردن، خیلی رایج نبود. حالا چون من الان زیاد فن‌شون نیستم یه کم منتقدانه راجع بهشون می‌گم و گرنه فن‌های فعلی‌شون که اصلاً نمی‌شه جلوشون این جور می‌گفت.

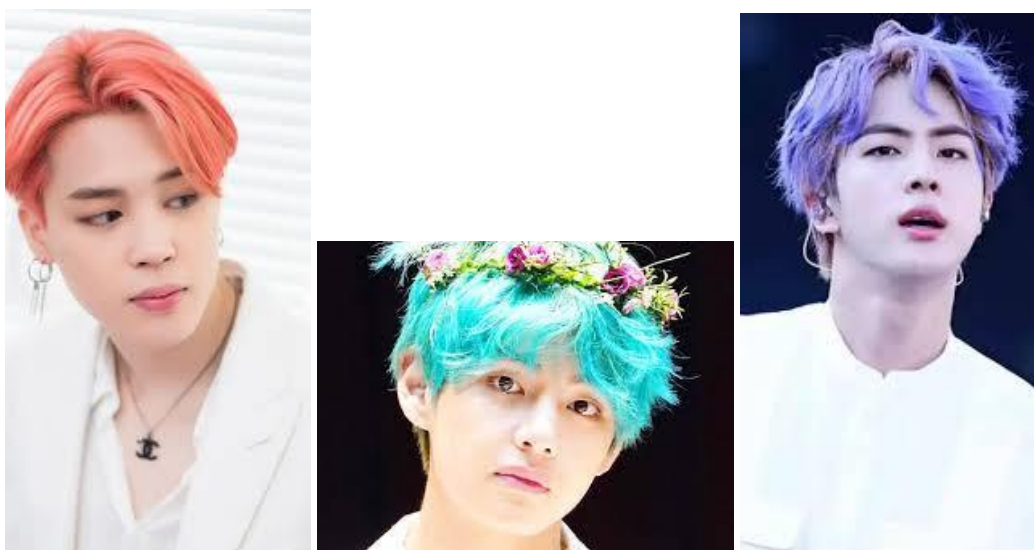


- چرا فناشون این قدر متعصب ان که نمی‌شه بهشون چیزی گفت؟

خب اینا زرق و برقی هستن کلاً یعنی کسی هم که سنش کمه، چشمش به این جور چیزا هست فقط و اونا هم که این باند رو ساختن، یعنی کمپانی، می‌دونن این رو خوب و دقیقاً دست گذاشتن رو همون چیز. کسایی که دنبال شون می‌کنن، معمولاً بین ۱۴ یا ۱۵ تا ۲۰ هستن دیگه و سن بلوغ شون هست و تغییرات دوران بلوغ و حالا گرایش زیادشون به لحاظ جنسی که تو جامعه برطرف نشده، در نتیجه طرف رفته تو مجازی پی این جور آدم‌ها که نیازش رو برطرف کنه. در نتیجه طرف رو مال خودش می‌دونه و مالکیت داره نسبت بهش پس تعصب هم از همین مسأله میاد.

- گفتی آرایش هم می‌کردن، آرایش شون چه جوری بود؟

آره خب، همه شون میکاپ شده بودن دایماً، حتی رو وقتی رو استیج هم نبودن. بعد ببین، میکاپ شون خیلی غلیظ نیست، مثلاً یه رژ لبی که تابلو نیست طرف زده و برق لب البته. بعد خط چشم مثلاً داشتن، ولی بلند نبود، خیلی کوتاه بود که معلوم نشه زیاد. موهاشون هم مثلاً رنگای روشن بود سفید یا بنفش که می‌شه، گفت زنونه هست یه کم دیگه.



- این قضیه آرایش یا ظاهرشون باعث نشده بود که شما به دنبال شبیه‌سازی توی خودت باشی؟

خب آره، ببین مثلاً من آرایش ساده و کم‌شون رو خیلی دوست داشتم و به خاطر همین سعی می‌کردم خودم هم مثل اونا آرایش کنم، مثلاً رژ گونه کم یا رژ لبی که خیلی تابلو نباشه یا خط چشم کوتاه بزنم. در خصوص رنگ موهاشون هم مال من رنگ نداشت تا قبل اون، ولی بعد این که فن شون شدم، مشتاق رنگ کردن موهام شدم با این که می‌دونستم خب رنگ واسه مو خوب نیس، ولی تأثیر گذاشته بودن روم. خیلی، الانم هر چند (می‌خندد) موهام مثل اونا رنگیه، ولی اون موقع هی می‌خواستم رنگ موم رو عین اونا عوض کنم، آخه اونا یه دم سفید بود، یه دم بنفش یه‌هو، یه دم قهوه‌ای مثلاً هر دفعه عوض می‌شد.

بعد خب رنگ کردن هم الان ارزون نیست تو آرایشگاه‌ها و به خاطر همین مسأله من با خانواده درگیر می‌شدم و اونا می‌گفتن، چه قدر رنگ می‌داری هی، آخه بسه، گروه، فلان.

بعد خب اونا اندام شون خیلی خوبه، کلاً رژیم دارن سخت یا مثلاً بینی شون خیلی کوچیکه، پوست شون خیلی صافه و لباسون برجسته هست کلاً بعد منم که اون موقع می‌رفتم باشگاه، کارم تقلید از اینا شده بود و مدل لباس پوشیدنم شبیه شون شده بود، مثلاً لاش طور می‌پوشیدم و ببینم رو رفته عمل کردم، الان فکر می‌کنم مشکلی جدی هم نداشت، ولی خرج زیادی گذاشتم رو دست پدر مادرم و مثلاً هر روز جلو آینه وایمیستادم و می‌گفتم، من چرا پوستم صاف نیست، چرا جوش دارم مثلاً یا خال دارم، رفته خالام رو سوزوندم، حتی خلاصه ما با خودم درگیر بودم، سر همین چیزایی که گفتم (باخنده).

- یعنی رژیم مخصوص به خودشون رو دارن؟

آره خیلی هم سخته، یعنی خارج اون رژیم یه شکلات نمی‌تونن بخورن حتی، چون دندوناشون خراب می‌شه و هیکلشونم همین طور در واقع ربات ان دیگه (خنده) و غذاهاشونم نمی‌تونن برن بیرون بخورن، حتماً باید خاص باشن و آب‌شون حتی آب معمولی نیست، آب خاص میارن براشون که صورتشون رو تپل نگه داره، بدنشون رو لاغر، یعنی حتی آب‌شون هم معمولی نیست، می‌خوام بگم اون قدر کمپانی روشون حساسه که ایده‌آل باشن همیشه، حالا نمونه‌اش هم همون آب.

- بعد ستاره‌های گروه، ارتباط با جنس مخالف خودشون دارن؟

نه، نه، اصلاً. یعنی حتی خانواده‌شون هم معلوم نیست کیه و اصلاً راجع بهشون حرفی نمی‌زنن و هویتشون نامعلومه. حتی اسمای بعضیاشون مستعاره و اسم خودشون نیست و اسم اصلی‌شون معلوم نیستش اصلاً. رل و اینا هم که ابدأ نداشتن نه. اگه داشتن که فناشون کم می‌شدن کلاً. اون کمپانیه در واقع اجازه نمی‌ده، بعد حتی مصاحبه‌هاشونم از قبل مشخص شده هست که چه حرفایی رو باید بزنن و چی رو بگن و چی رو نگن.

می‌گم که اینا حالا زیادی صمیمی بودن (خنده) که گفتم چه خبره، همون نزدیکی‌شون و اینا، ولی در کنار اون رفتارهای غیر هم‌جنسی هم دارن که مثلاً فناشون نپرن یه وقت. یعنی در واقع هم هم‌جنس‌گراها هم غیر اونا فن‌شون هستن و هر دو طرف رو باهم دارن (خنده). ولی به طور کلی کمپانی هر چی بگه همونه، حتی بگه باهم سکس داشته باشید، اینا باید داشته باشن یا بگه جلو دوربین هم رو ماچ کنید، همین طور. ولی خب واقعی نیستش که اینا، واقعاً هم‌جنس‌گرا نیستن، یعنی ولی نقش باید بازی کنن دیگه که خیلی باهم خوب ان و هم رو دوست دارن و رفیق ان.

کل زندگی‌شون نقش بازی کردنه می‌شه گفت (خنده). صمیمیتای الکی و ماچ و بغل و کاپل شدن و بگو بخند جلو دوربین و... همه بازی کردنه، در واقعیت از هم زیاد اطلاعات ندارن، حتی یعنی کمپانی اجازه نمی‌ده اینا از هم اطلاعات بگیرن و بفهمه جریمه می‌شن. نمی‌خواد زیاد همدیگه رو شناسن، چون به ضررشه لابد و یهو کل قوانین رو ممکنه زیر پا بذارن.

- چرا خانواده‌شون مشخص نیست؟

چون خب اولاً قانونشونه که از هم اطلاعات نداشته باشن و دوماً مردم یا فناشون نرن پیدا کنن خانواده‌شون رو و راجع به اونا از خانواده‌شون اطلاعات بگیرن یا یهو خانواده‌ها درباره کمپانی مثلاً بگن کار اونا برده‌داریه و اینا.

- این که گفتی اگر کمپانی بگه باید باهم رابطه جنسی هم داشته باشن، واقعاً همین طوره؟

آره، یه بار یکی از فناشون گفته بود. و اون فن به خودشون خیلی نزدیک بود، تو یک مصاحبه‌ای انگار گفته بود و همه تعجب کرده بودن و می‌گفتن دروغه، ولی اون می‌گفت من خبر دارم و بهشون نزدیکم و از تو خودشون این خبر دراومده. اون فن چیز چرت نمی‌ذاره و خبراش قطعی هستن، خبر اون آب‌شون رو هم اون گفته بود.

- یعنی ستاره‌ها اختیار عملی از خودشون ندارن؟

آره، خودشون نمی‌تونن حرکتی بزنن یا برن با کسی یا حتی جدا بشن. اگه بخوان جدا بشن هم باید دلایل منطقی بیارن و شاید توسط بقیه هو بشن و تحقیر بشن. کلاً آزادی عمل ندارن، حتی راجع به بدن خودشون و رفتارای جنسی و علایق‌شون.

- علایق‌شون مثل چی؟

مثلاً یادمه یه بار یکی‌شون می‌گفت خیلی وقت پیش، از موهام راضی نیستم این چه رنگیه اصن، رنگ بیخشید حالا مدفوعه انگار (تعجب).

یعنی می‌خوام بگم به علایق‌شون احترامی گذاشته نمی‌شه که چی می‌خوان که البته از طرف کمپانی جریمه شد اون طرف و محروم شد از چندتا آهنگ گویا.

- سیستم جریمه کمپانی چگونه هست؟

جریمه مثلاً طرف محروم می‌شه از یه سری چیزا، مثلاً نمی‌تونه با بقیه بره مصاحبه یا بره بیرون یا در مواقع جدی‌تر جریمه نقدی هست براشون یا دیگه خیلی جدیش حذف از گروهه که کلی هیت می‌خوره و آبروش رو می‌برن در واقع یه جور یه دیگه نمی‌تونه بره پیش مردم.

- به غیر از بی‌تی‌اس باند دیگه‌ای هست که فن‌شون باشی؟

گروه وان دایرکشن آره، هری و اینا البته اونا هم الآن نه زیاد، ولی قبل بی‌تی‌اس آره، اونا غربی بودن و یه چیزی تو مایه‌های همینا بودن یعنی رفتار و زندگی‌شون کنترل شده بود، ظاهرشون و حرفاشون هم همین طور، ولی خب به پای بی‌تی‌اس نمی‌رسیدن تو معروفیت و کراش بودن (خنده).

اونا هم یادمه انگار یکی‌شون رفته بود دیت با یکی، دیگه انداختنش بیرون کلاً از گروه کلی هیت خورد و عکساش همه جا رفت و آبروش رفت، البته گفتم الآن گروهشون از هم پاچیده.

آهان، آره هری با تیلور سوئیفت دیت گذاشت که همه جا پخش شد، گویا البته باهم بودن، بعدش هم و خیلی هم معروف شدن، الآن کات کردن تیلور تو بعضی مراسما هم رفته بود پشت میکروفون، تیکه بار هری کرده بود و آبروش رو برده بوده (خنده) البته بعد اون قضیه هم کلییی به معروفیتشون اضافه شد، در واقع این جور حاشیه‌سازی‌ها به نفعشون هست.



- یعنی زندگی‌شون خیلی مورد توجه هست؟

آره دیگه خیلی هر حرکتشون هر کارشون هر حرکتشون، حتی خندهشون، مدل خندیدنشون، همه مورد توجه هست و تا اونا رو هم بهشون آموزش می‌دن و می‌گن باید چه جور یه بخندن مثلاً (خنده) و باید به همه چیزشون حواسشون باشه، وگرنه اخطار می‌گیرن و جریمه می‌شن.



- گفتی اعضای گروه خیلی بهم دیگه نزدیک هستند، جامعه خودشون این مسأله رو قبول می‌کنه؟
 بین خب کره‌ای‌ها و کلاً غربی‌ها روابط آزادانه‌تری باهم دارن و در نتیجه خیلی چیزایی که ما قبول نمی‌کنیم رو قبول می‌کنن، ولی در این حدش نه دیگه، حتی خب گفتم که زبون شون رو یاد گرفته بودم تو کامنت‌ها مردم شون نوشته بودن که این حرکت خیلی پسندیده نیست و شما هم جنس‌گرا نیستید و این حتی مسخره کردن اونا هست. یعنی خیلی اوکی نیستن خودشون هم با این حرکات، مگر طرف واقعاً هم جنس‌گرا باشه که اینا نیستن، چون رفتارای غیر اونم دارن، مثلاً می‌بینی کمپانی بهشون گفته از فلان دختر که حالا معروفه تعریف جنسی کنی و بگی چه قدر جذابه و اینا که این دلیلش جذب افراد غیر هم جنس‌گرا هست. ولی خب اینا فقط مخاطب شون کره‌ایا نیستن که کل جهان ان، تو آسیا، تو خاورمیانه کلی فن دارن می‌دونن خودشونم چون دایم تگ شون می‌کنن و اصن این متناقض رفتار کردن این که جلو دوربین همو ماچ کنن و بعد در واقع این جور نباشن و حال شون هم بهم بخوره که قطعاً همین طوره، به نظرم این ناهماهنگی بین رفتار و ذهن خیلی آسیب زننده هست به خودشون اول از همه. تناقض هر کسی رو روانی می‌کنه.

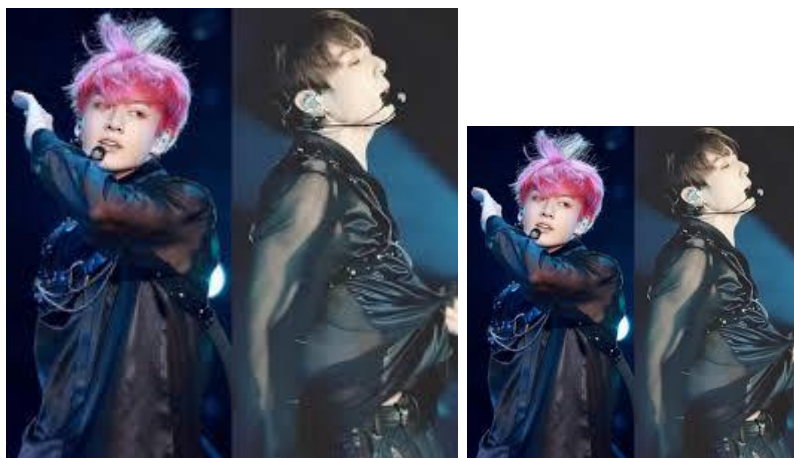


- به نظرت پسرهای بی‌تی‌اس این گرایش‌ها و فرهنگ‌ها رو می‌خوان به کشورهای دیگه انتقال بدن؟
 می‌شه گفت آره زیاد تأثیر داره. الان توی افراد دهه ۸۰، متأسفانه من تو مدرسه حالا فهمیدم که خیلی روابط هم جنس‌گرایانه زیاد شده. دلیلش بیش‌تر فضای مجازیه خب که این جور روابط رو عادی می‌کنه. نمونه‌اش همین گروه مثلاً و خب الان اکثر کشورها هم اینا رو عادی کردن و قانونیه. گاهی تو مدرسه می‌بینی دو به دو باهم رل شدن (خنده). ما دو نفر از بچه‌هامون که ته کلاس می‌شستن و طرفدار این باندم بودن و فن پیچ داشتن براشون، باهم رل بودن! و حالا زنگای تفریح کلاس خالی می‌شد باهم می‌رفتن تو کلاس رفتارای جنسی می‌کردن! خب این حالا به نمونه‌اش هست که من می‌دونم، تو کلاس‌های دیگه هم زیاد بودن این جور دخترا که باهم بودن و حرکات جنسی می‌کردن. این جور رفتارها از کجا میاد؟ از همین گروه‌ها، از فضای مجازی از فیلم‌های پورن هم جنس‌گرا که با یه سرچ تو گوگل میاد بالا یا فیلم‌هایی که هالیوودی هستن و هم جنس‌گرایی هست توشون و مجوز پخش گرفتن و کلی ویو خوردن تو دنیا.

توی ایران هم که به طور صحیح تخلیه جنسی صورت نمی‌گیره، طرف رو میاره به مجازی و اونجا دیدن و بعد روی هم‌جنس خودش پیاده کردن (تعجب).

- تو با این رفتار شون که لباس جنسیت نداره موافقی؟

خب به نظرم خوبه این قضیه، ولی نه در حد افراط. مثلاً این که مردا دامن می‌پوشن (خنده) یا میکاپ می‌کنن، اینا خوب نیست زیاد، ولی مثلاً هودی پوشیدن دخترا یا مثلاً رنگ‌ها جنسیت ندارن، صورتی مال دخترا نیست فقط یا موی بلند برای دخترا نیست فقط، ایناش خوبه، ولی بازم افراطش نه، مثلاً پسرا رنگ مو بنفش جیغ بذارن یا میکاپ‌کنن، گفتم در حد نرمالش مفیده.



- جنسیت زدایی در پوشش چه تأثیری روی خودت گذاشته؟

خب من هودی‌های پسرانه هم می‌پوشم یا پیرهن‌های بابام رو، حتی اون دکمه‌دارها، در واقع در قالب مانتو دانشگاهم، البته زیاد می‌پوشن، من دیدم (خنده) یا این که آبی رنگ پسرانه نیست، فقط یا موی کوتاه یا کتونی اسپرت مثلاً پسر، دخترا نداره به نظرم یا رنگ سیاه مخصوص پسرانه هست که خب مسخره هست به نظرم یا دخترا باید پاش رو بندازه رو پاش موقع نشستن، اتفاقاً این جور چیزا خب خوبه که برداشته شه.

- فن پیچ‌هاشون خیلی آدمای متعصبی هستن؟

آره متأسفانه. ببین خوبه که آدم فن یکی باشه و دوشش داشته باشه، ولی این تعصب مخربه و باعث می‌شه به هموطن خودت یا آدم دیگه که مثل تو هست، سر حالاً به خواننده کره‌ای! بی‌احترامی کنی و اصلاً حق نداری بگی فلانی چقد بد شده مثلاً یا فلانی قیافه‌اش رو از دست داده یا اصلاً اینا آدمای عادی ان، حالا چی هستن مگه، این رو بگی از همه ور ریپورت و طرد می‌شی (تعجب).

یعنی اصرار دارن که اینا همیشه عالی هستن و کراش ان و می‌خوان به زور قانع کنن که حرف‌شون رو قبول کنی و بگی غلط کردم، اصن خیلی عصبی می‌شن به خصوص اونا که سن شون کم‌تره و این خیلی بده که در این حد اثر گذاشتن روشون.

- یعنی مغلوب شدن فرهنگی در برابر اون‌ها؟

آره دیگه، زبون اونا، استایل شون، حرف‌اشون، خنده‌شون شده فرهنگ اینا. مثلاً زبون خود طرف فارسیه، خب بعد میاد کل پیچش رو تغییر می‌ده به زبون اونا، حتی عکس یکی دیگه رو می‌ذاره رو پروفایلش یا افکت‌های کره‌ایا رو می‌ذاره رو صورتش که عین اونا بیفته بذاره پروفایل (تعجب). کپشن‌های پستاش رو کره‌ای می‌نویسه یه جوری که واقعاً حس می‌کنی طرف اون جاییه اصن (خنده).

- فناشون از لحاظ احساسی هم بهشون وابستگی دارن؟

آره، اووه چه جورر هم (خنده). اصن یه وضعیه. کافیه یکی شون عطسه کنه، همه فناش نگرانش ان و حتی دیدم شب خواب‌شون نمی‌بره و حتی براش گریه می‌کنن! و خودشون رو با طرف تصور می‌کنن، مثلاً حس می‌کنن اون شوهرشونه و تنها مال اینا هست و الآن باید

پرستاریش کنن و دورش بگردن (خنده). یادمه یه بار برای جذب مخاطب یه خبر چرتی گذاشته بودن که یکی شون داره ازدواج می‌کنه! بعد فنای اون طرف هیت دادن بهش و گریه می‌کردن و انگار عزای عمومی اعلان شده بود. اون قدر حال شون بد شده بود، از درس و مدرسه کلاً افتاده بودن و نمی‌رفتن مدرسه، اون قدر از لحاظ روحی آشفته شده بودن و همین حاشیه‌سازی باز به نفع شون شد و کلی فالور اومد طرف شون (خنده).



- یعنی چی به نفع شون شد؟

یعنی باز به فالوراشون اضافه شد و طبعاً معروف‌تر شدن و در نتیجه آدمای بیش‌تری میان کنسرتاشون و جیب اینا و کمپانی پر پول می‌شه، خب حالا کی به ضررش می‌شه؟ مخاطبی که داغون کرده خودش رو که حالا گفتم.

- بعد به خاطر این هیت‌ها و پردش شدن شون ممکنه خودکشی کنن؟

آره، پیش اومده، ولی دقیق اسمش رو نمی‌دونم. طرف انگار رفته بود با یکی دیت، بعد فهمیده بودن و دمار از روزگارش دراومد. خود اعضاش هیت دادن، فناس هیت دادن، طرف رو قشنگ تا خودکشی بردنش و باعث شدن خودکشی کنه حتی و فوت شد تاحالا دو، سه نفرشون این جوری شدن.

- کمپانی‌ها بعد از این خودکشی‌ها کاری نکردند؟

نه بابا، کمپانی‌ها فقط به فکر خودشون هستند، به اون‌ها چه، اینا چه‌شونه. هر کمپانی فقط می‌گه من معروف باشم و منفعتم از طریق اینا تأمین بشه، دیگه خودشون قبول نمی‌کردن بیان خواننده‌مون بشن. کمپانی مثل یه فرمانروا هست و اینا هم انگار برده اون‌ان. اون دنبال پوله، اینا هم ابزارش هستن. دیگه به اون چه که چی سر اینا میاد!





- یعنی کمپانی فقط دنبال پول هست؟

بیش‌تر، خب دنیای سرمایه‌داریه دیگه، ولی فرهنگ‌سازی و تحمیل عقاید و اینا هم تو هدفاش هست، مثل ترویج هم‌جنس‌بازی و یا مصرف‌گرایی و... .

- خوب ستاره‌ها نمی‌تونن از کمپانی شکایت کنن؟

فکر نمی‌کنم. دقیق نمی‌دونم مسایل حقوقی‌شون رو، ولی اولش یه تعهدی چیزی می‌گیرن که خودشون اومدن عضو شدن و کسی زورشون نکرده و تماماً در اختیار کمپانی هستن و ظاهرشون و رفتارشون در اختیار خودشون نیست و در همه جا حتی اتاق خواب خودشون هم (تعجب) کنترل می‌شن و اینا هم امضاش کردن، دیگه فکر نکنم بتونن شکایتی کنن.

- یعنی فیلم‌هایی از اتاق خوابشون اومده؟

آره دیگه، همه چیز زندگی‌شون به اشتراک گذاشته می‌شه تا حتی خوابشون (با حالت تمسخر)، تو اتاقشون دوربین هست و اینا جلوش فیلم‌بازی می‌کنن الکی و می‌گن و می‌خندن و برای جلب توجه صمیمی هستن و خلاصه نقش بازی کردن و بعد هم کمپانی پخشش می‌کنه.

- بعد اون وقت از این‌ها برای مسایل سیاسی هم استفاده می‌کنن؟

آره، قطعاً. اصلاً اینا با حکومت باهم ان دیگه. یه وقت چیزی شد از لحاظ سیاسی تو دنیا و یا اقتصادی هر ور گفتن، باید از اون ور حمایت کنن، مثلاً تو قضیه کره شمالی و حالا بمب ساختنش و اینا اومدن کلی هیئت دادن، مثلاً گفتن اینا آدم نیستن و حقوق بشر رو نمی‌دونن و جنایت کارن و بمب ساختن که همه رو بکشن و جو‌سازی کردن و یا در مورد حالا قضیه اسرائیل و فلسطین و اینا، همیشه خب طرف اسرائیل گرفتن نامحسوس و گفتن سرزمین یهودیا هست و حق اوناست در واقع همیشه همسو با نظام سرمایه‌داری هستن.





- بعد اعضای گروه نگاه نژادپرستانه هم دارند؟

آره می‌شه گفت، ولی در ظاهر ندارن انگار، بین یه گروهی تشکیل شد بعداً که همه‌شون دختر بودن، اسمش یادم نیست، بعد اینا یه عضو سیاه پوست دارن، بعد سر یه اتفاقی سیاه پوسته رو هیت دادن در واقع صحنه سازی، دعوا کردن که اون رو خراب کنن بین‌شون بعدش دراومد ساختگی بوده (تعجب).

گفتن داشته زور می‌گفته به بقیه‌شون و یه چتی بود اون رو منتشر کردن که خب همه‌اش الکی بود در واقع و این بی‌تی‌اس هم اومد طرف اون سفید پوستا رو گرفتن و به سیاه پوسته هیت دادن، در واقع صرفاً نگاه نژادی داشتند (تعجب).

- یعنی اون رو طردش کردن؟

بیرون ننداختنش، نه، ولی خب یه جورایی به خاطر نژادش این جور کردن قطعاً و الکی براش یه داستان الکی درست کردن که توهین کرده به سفید پوستا، بعد اومدن به راحتی بهش هیت دادن، آخر هم معلوم نشد تقصیر کی بوده و کی توهین کرده، می‌گم زیاد شفاف‌سازی نشد.

- گفتمی که کمپانی برای جذب هوادار از این موارد استفاده می‌کنه؟

آره، اصلاً کل هدفش همینه ظاهرشون و میکاپ که اینا هم هدفش همینه دیگه. بعد اصلاً براش مهم نیست تأثیر سوء این کار روی جامعه یا جهان یا روی آیدول‌ها حتی چیه!

- بعد خود همین آیدول‌ها تلاش می‌کنن دعوا راه بندازن بین طرفدارای خودشون با سایر گروه‌ها؟

آره، اصن خودشون میان یه چیزی مثلاً می‌گن که طرفدارای بقیه گروه‌ها به اینا این رو گفتن فرضاً، بعد فناشون رو می‌اندازن به جون فناای اونا، اینا هم باهم درگیر می‌شن، باز حاشیه‌سازی می‌شه، فالوراشون می‌ره بالا به نفع‌شون می‌شه، کی ضرر می‌کنه؟ فناای که اعصاب‌شون خورد شده.

حالا اتفاق دقیقش یادم نیست، ولی چنین چیزهایی خیلی می‌شه آره و کار خودشونه، مثلاً یه بار انگار یه اتفاقی توی کره جنوبی پیش اومده بود، بعد اینا از مردم‌شون حمایت نکردن، مردم‌شون هیت دادن بهشون، فناشون که حالا از کشورای دیگه بودن رفتن به مردم اونا فوش (فحش) دادن (خنده) اصلاً مسخره بود، واقعاً اونا همه‌شون مال یه کشور ان، بعد این وسط فناشون از ایران داشتن فوش (فحش) می‌دادن به مردم‌شون.

- بعد آیا زندگی‌شون مبتنی بر مادی بودن هست؟

قطعاً. اونا کلاً بر اساس اصل لذت عمل می‌کنن، لذات جنسی، لذات مادی گرایانه و دنیوی. مثلاً یکی از شعارهاشون خودت رو دوست داشته باش یا در لحظه زندگی کن هست. اینا رو همیشه می‌گفتن که خب دوست داشته باش بیش‌تر منظورشون جسمی بود تا روانی یا لحظه که می‌گفتن بیش‌تر دنیوی بود نه منظور دیگه.

کلاً حرفی از خدا و اینا هیچ وقت زده نمی‌شد بین‌شون یا مثلاً تیکه کلام‌هایی که به خدا مربوط ش، مثلاً یا خدا که می‌گیم ما یا خدا رحم کنه مثلاً این جور حرفا که به خدا مربوط شه، زده نمی‌شه اصلاً توشون، فقط دنیا و لذت و لحظه و جسم و زیبایی و این چیزا رو مطرح می‌کنن.

- از کجا می‌دونی منظورشون جسمی بوده یا لحظه‌های دنیوی رو می‌گفتن؟

خب ببین اینا کلاً گفتیم به جسم‌شون اهمیت داده می‌شه فقط و خودشون هم فقط چیزایی که مربوط به جسم باشه رو نشون می‌دن، مثلاً لباس‌های مختلف پوشیدن و هی رنگ مو عوض کردن و... راجع به روان و اینا هیچ وقت حرفی نمی‌زنن، پس این یعنی اهمیتی داده نمی‌شه دیگه.

- یعنی اعضای گروه خداپرست نیستن؟

بعیدم نیست نباشن، یعنی خب الان متأسفانه خواننده‌های معروف دنیا یا بازیگراش شیطان‌پرست هستند اکثراً و بین‌شون خداپرست کمه، اتفاقاً من دیدم حتی اینا آرم مثلث رو خیلی گردن خودشون می‌اندازن یا انگشترشون یا گوشواره‌هاشون یا گردن بند مثلثی دارن، یعنی می‌بینی که آرم شیطان خب و چون هیچ وقت هم حرفی از خدا زده نمی‌شه بین‌شون، نمی‌شه گفت خداپرستن یا چی، یعنی در واقع هر کی رو که معروف باشه، باید طرف سرمایه‌دارا باشه و شیطان‌پرست بشه، حتی یه بار یکی از خواننده‌های معروف دنیا توی کنسرتش علناً گفته بود شیطان‌پرسته. اینا در واقع در خدمت یه سریا هستن که اونا خودشون خدا رو قبول ندارن و مثل برده هستن.

- ستاره‌ها ممکنه دچار مشکلات روانی هم بشن؟

با این فشارای روحی روانی که روشون می‌ذارن و همه چی‌شون کنترل شده و تحت نظارت هست، حتی اتاق خواب و ببخشید سرویس بهداشتی‌شون، قطعاً هر آدمی باشه، لااقل افسردگی رو می‌گیره، چون عملاً این یه برده‌داری مدرن هست، فقط ظاهرش شیک‌تره. بره بیرون این قدر می‌زنن تو سرش که خودکشی می‌کنه، نره تو زندون، عملاً هیچ راهی برای فرار اگه بخواد، نداره.

- یعنی فیلم‌های سرویس رو که گفتی، انتشار هم دادن؟

اونا رو هم حالا تا یه حدی آره، مثلاً حالا این که جلو آینه دارن به خودشون می‌رسن و آرایش می‌کنن، دایماً هی میاد دیگه فیلماش، حالا اسم نمی‌گم.

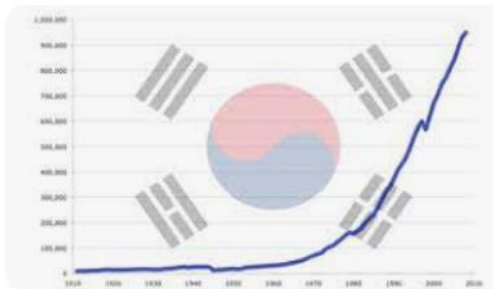
- این ستاره‌ها تبلیغات هم انجام می‌دن؟

تبلیغ مهاجرت به کشورشون آره، خیلی فراوانه. هی از زیبایی‌های کشورشون می‌گن و این که چه قدر همه اینجا به اندام‌شون اهمیت می‌دن و چه قدر همه حال‌شون خوبه و چه قدر خوشحال هستن اونجا متولد شدن و صمیمیت بین مردمش چه قدر زیاده، مثلاً یا لباسای برندها رو می‌پوشن و میان کنسرت یا تبلیغ می‌کنن به عنوان مدل کلاً کره‌ای‌ها عقل‌شون به چشم‌شون هست، یعنی به ظاهر خیلی اهمیت می‌دن برخلاف آمریکایی‌ها در مجموع به استانداردهای ظاهری اهمیت می‌دن نه اخلاقی.



- مهاجرت به کره واقعاً هم زیاد شده؟

آره خیلی تأثیرشون رو خوب گذاشتن رو دنیا. چندسال پیش حالا می‌گفتن حدود دو برابر شده و اکثراً هم کسانی هستند که فن اینا هستند. حتی رییس جمهورش ازشون تشکر کرد که این قدر کمک کننده بودن.



Wikipedia
Immigration to South Korea - Wikipedia

– فناشون هم تبلیغات می‌کنن؟

آره اونا هم به واسطه فالوراشون که ما باشیم، می‌رن کلی پول درمیارن و تبلیغات می‌کنن واسه یه تبلیغ ۱۵ تومن می‌گیرن یهو در واقع شغلشون همین هست اصلاً و کلی درآمد دارن از این راه و خیلیاشون دانشگاه هم نمی‌رن سر همین که دیگه پول درمیارن.

– اعضای گروه ترانه‌های انگیزشی هم می‌خونن؟

آره، از این راه زیاد طرفدار جمع می‌کنن با همون مضمون که خودت رو دوست داشته باش، ولی خودشون مخالف همین ان، یعنی همه جاشون تغییر می‌کنه. باید از رژیم سخت و موی رنگ کرده و... اینا تبعیت کنن. می‌گم که رفتاراشون، برخلاف حرفاشون هست. و کلاً آهنگاشون خیلی هیجانیه، دلیلش هم نور پردازی زیاد و متنوع روی استیج هست و رقصشون که هماهنگه و تنده، معمولاً دختراشونم که اکثراً لباساشون باز هست مثل یه بادی (لباس‌های مایو مانند که به عنوان بولیز یا تکی پوشیده می‌شود و ترند هستند) هست، فقط که شبیه مایو می‌مونه و این خودش طرف مقابل رو جذب می‌کنه دیگه.



– دنبال کردن گروه بی‌تی‌اس توی فضای مجازی روی شما تأثیرهای جسمانی هم گذاشته بود؟

آره. من خب عینکی بودم، شماره چشمم بالاتر رفت و گردنم آسیب دید یه کم، چون خیلی تو گوشی بودم، البته به مرور در طی زمان طولانی این جور شد.

– بعد چی شد که تو کم‌کم ازشون فاصله گرفتی؟

سر همه این چیزا که گفتم، همون برده‌داریه یا نقش بازی کردنشون که به مرور فهمیدم از طریق منابع مختلف که حالا بعضیاش همون فنه بود که گفتم و بعضیاش از دهن فنای دیگه‌اش که به بازیچه گرفتن مخاطبا و درگیری انداختن بینشون رو نشون می‌دادن.

همه این‌ها باعث شد کم‌کم از شون بدم بیاد و از اونا فاصله بگیریم. البته هنوزم یه کم دوس شون دارم، ولی نه به حد دوران مدرسه. امیدوارم بقیه هم که متعصب هستن، قدری واقع‌بینانه فکر کنن و حقیقتاً رو واقعاً تو فضای مجازی ببینن.

- ممنون که برام وقت گذاشتی شقایق جان و با من حرف زدی.

نه مرسی از شما که جامع سوال کردید، فقط اسم من رو اگه می‌شه تو مصاحبه خودتون نذارید و مستعارش کنید، بهتره. مرسی.

- حتماً چشم.

تأملی دوباره

شقایق ۱۹ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

شقایق در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: نقد برخورد دیکتاتورمآبانه کمپانی با ستاره‌ها، برده دیدن ستاره‌ها از سوی کمپانی، نشر اطلاعات خصوصی ستاره‌ها توسط کمپانی، کمپانی در جهت پوشش دادن به تصمیم‌گیری‌های سیاسی سردمداران نظام حاکم بر کره، از ستاره‌ها سوءاستفاده می‌کند، آسیب روانی ستاره‌ها به دلیل تحقق خواست‌های کمپانی (نظیر تظاهر به گرایش‌های جنسی غیرواقعی)، ترویج مصرف‌گرایی توسط ستاره‌ها و نفی غیرمستقیم جهان‌بینی الهی، اشاره داشته است.

شقایق ۱۹ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: تعارض‌های رفتاری اعضای گروه، ترویج مصرف‌گرایی توسط ستاره‌ها، نگاه نژادپرستانه ستاره‌ها برخلاف حرف‌های ظاهری آنان، نفی غیرمستقیم جهان‌بینی الهی، عادی‌سازی روابط هم‌جنس‌گرایانه و شیوع افسردگی میان ستاره‌های کی‌پاپ، اشاره داشته است.

شقایق در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: بنیان هیجانی جذب شدن به گروه، عشق تخیلی، یادگیری زبان کره‌ای، جراحی زیبایی تحت تأثیر گروه، ایجاد اختلاف‌های خانوادگی، از خودبیگانگی، پناه جستن افراد بی‌هویت به گروه‌های مطرح برای کسب هویت، آسیب‌های هواداری (اضطراب)، نفی غیرمستقیم جهان‌بینی الهی، ترویج مصرف‌گرایی توسط ستاره‌ها، آسیب زیستی، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه شقایق ۱۹ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، شقایق در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی - عقیدتی، اقتصادی - سیاسی، هنری، زیباشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

شقایق در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: بنیان هیجانی جذب شدن به گروه، عشق تخیلی، از خودبیگانگی، آسیب‌های هواداری (اضطراب) و اثرات آسیب‌های زیستی، یاد کرده است.

شقایق در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: پناه جستن افراد بی‌هویت به گروه‌های مطرح برای کسب هویت، یاد کرده است.

شقایق در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: یادگیری زبان کره‌ای، سخن گفته است.

شقایق در توصیف «اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: نفی غیرمستقیم جهان‌بینی الهی، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: ترویج مصرف‌گرایی توسط ستاره‌ها، سخن گفته است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: جراحی زیبایی تحت تأثیر گروه، سخن گفته است.

شقایق در توصیف «اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: ایجاد اختلاف‌های خانوادگی، سخن گفته است. از بیانات اخیر شقایق ۱۹ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.